بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی حلی انبیائه المرسلین باحسن حلیة المتقین و بعث نجبة
اصفیائه محمدا صلی الله علیه و آله لتتمیم مکارم اخلاق المؤمنین
و اکمل فی اوصیائه المنتجبین افضل خصال النبیین صلوات الله علیه
و علیهم عدد انفاس المسبحین من الملائکة والناس اجمعین و لعنة الله
علی اعدائهم ملأ السموات والارضین **و بعد** چنین گوید تراب
اقدام مؤمنین و خادم طلبه علوم ائمه طاهرین محمد باقر بن محمد تقی حشره الله
مع موالیه المطهرین صلوات الله علیهم اجمعین که چون عمده امتیاز
نوع انسان از سایر حیوان بخلق حسنه و تزیین باداب مستحسنات باخلاقهم
و بمقتضای حدیث شریف نبوی صلی الله علیه و آله بعثت لاتمم مکارم الاخلاق
تمامی آداب پسندیده و جمیع اخلاق حمیده در شرع انور و دین اطهر آنحضرت
ظاهر و مبین گردیده و چون مختصری از مکارم اخلاق در کتاب عین
الحیوة بیان شده بود جمعی از سالکان مسالک سعادت و ناهجان مناهج

متابعت اهل بیت رسالت علیهم السلام از این ذره حقیر التماس نمودند که رساله
در بیان محاسن آداب که از طریقه مستقیمه ائمه طاهرین صلوات الله
علیهم باسانید معتبره باین قلیل البضاعه رسیده باشد بر وجه اختصار
تحریر نماید و بجهة عموم نفع نسبت باهل این زمان مضامین اخبار را بلباس
لغت فارسی قریب الفهم بجلوه در آورد لهذا با ضیق مجال و کثرت اشغال
رعایت حقوق اخوت ایمانی را لازم دانسته و از مقتضای حدیث الدال
علی الخیر کفاعله امیدوار گردید اجابت ملتمس ایشان نموده بر چهارده باب
و خاتمه مرتب گردانید **باب اول** در آداب لباس **باب دویم**
در آداب حلی و زیور پوشیدن و در آینه نظر کردن و خضاب کردن و سرمه کشیدن
باب سیم ٥٦ در آداب خوردن و آشامیدن **باب چهارم** ١١٥ در
فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت
فرزندان و معاشرت ایشان **باب پنجم** در آداب مسواک کردن
و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و شانه کردن و امثال اینها
باب ششم در آداب بوی خوش کردن و گل بوییدن و روغن
مالیدن **باب هفتم** در آداب حمام رفتن و دارو کشیدن و لوازم
آن **باب هشتم** ٢١٩ در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا
رفتن **باب نهم** در آداب حجامت و تنقیه و ذکر بعضی از ادعیه
و احراز و خواص بعضی از ادویه و معالجه بعضی از امراض **باب دهم**

باب دهم در آداب معاشرت مؤمنان و حقوق اصناف ایشان
باب یازدهم در آداب مجالس و سلام و عطسه و مصافحه و معانقه
و امثال آنها باب دوازدهم در آداب خلا و داخل شدن و بیرون رفتن
باب سیزدهم در آداب سوار شدن و راه رفتن و بازار رفتن و تجارت
کردن و زراعت نمودن و چهارپایان نگاه داشتن باب چهاردهم
در آداب سفر خاتمه در بیان بعضی از فواید متفرقه و هر یک از این ابواب
بر دوازده فصل مشتمل است و بکتاب حلیة المتقین مسمی گردانیده
مأمول از ناظران در این رساله شافیه و عاملان باین مقاله وافیه
آنکه این مجرم خطا پیشه را بدعای مغفرت و استدعای مرحمت یاد
نمایند و بر خطای لفظ و معنی این معترف بعجز و قصور را مؤاخذه ننمایند
والله الموفق والمعین باب اول در بیان آداب جامه و کفش پوشیدن
فصل اول در تجمل و زینت کردن بدانکه موافق احادیث معتبر بسیار فضیلت دارد
زینت کردن و جامهای پاکیزه و فاخر پوشیدن هرگاه از حلال بهم رسد
و مناسب حال او باشد سنت است و موجب خوشنودی پروردگار است
و اگر از حلال بهم نرسد هر چه میسر شود باید قناعت نماید و تحصیل زیادتی
لباس را مانع عبادت الهی نگرداند و اگر حق تعالی وسعتی داده برو فراخ گرداند
در خور آن بپوشد و صرف نماید و به برادران مؤمن بدهد و اگر روزی
بر او تنگ شود قناعت نماید و بحرام و شبهه خود را آلوده نکند چنانچه در

حدیث

[illegible]

حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هرگاه
خدا نعمتی به بنده کرامت فرماید و اثر آن نعمت بر او ظاهر شود او را دوست
خدا نامند و یاد کننده نعمت پروردگار خود خواهد بود و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقولست که هرگاه حق تعالی نعمتی به بنده کرامت فرماید
دوست میدارد که اثر آن نعمت را بر او ببیند و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقولست که باید که از برای برادر مؤمن خود زینت کنید چنانچه برای بیگانه
زینت کنید که خواهید که شما را بنیکوترین هیأتی ببینند و بسند معتبر
منقولست که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در تابستان بر روی حصیر
می نشستند و در زمستان بر روی پلاس و در خانه جامهای کهنه میپوشیدند
و چون بیرون می آمدند برای مردم زینت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که حق تعالی زینت و اظهار نعمت را دوست میدارد و ترک
زینت و اظهار بدحالی را دشمن میدارد و دوست میدارد که اثر نعمت را
در بنده خود ببیند باینکه جامه خود را پاکیزه کند و خود را خوشبو دارد
و خانه را نیکو دارد و ساحتهای خانه را بروبد حتی آنکه چراغ پیش از فرو
رفتن آفتاب روشن کردن فقر را زایل میکند و روزی را زیاد میکند و از
حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حق تعالی جمیع خلق
کرده است که برای شفقت بر ایشان دنیا را تنگ کرده است بر ایشان
و محبت دنیا را از ایشان برداشته است پس بسوی آخرت که حق تعالی

ایشان ابسوی آن خوانده راغب گردیده اند و بر تنگی معاش و مکروهات دنیا
صبر میکنند و مشتاقند بابخشش خدا است از کرامت ابدی و جان خود را
در رضای خدا در باخته اند و آخر کار ایشان شهادت پس چون بخشا
آخرت رونده حق تعالی از ایشان خوشنود باشد و میدانند که مرگ همه
که همه را در پیش است پس توشه برای آخرت خود اندوخته اند و طلا و نقره
جمع نکرده اند و جامهای کهنه میپوشند و بقوت ضروری قناعت
مینمایند و زیادتی را در راه خدا میدهند که توشه آخرت ایشان باشد
و از برای خدا با نیکان دوستی کنند و از برای خدا با بدان دشمنی مینمایند
ایشانند چراغهای راه هدایت و ایشانند متنعم بنعیم آخرت و یوسف بن
ابراهیم گوید که بخدمت حضرت ابو عبدالله علیه السلام رفتم و جامهای خز
پوشیده بودم پرسیدم که چه میفرمایید در جامه خز فرمود که باکی نیست
بدرستی که چون حضرت امام حسین صلوات الله علیه شهید شد جامه خز
پوشیده بود و چون حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه عبدالله عباس را
فرستاد که با خوارج نهروان سخن گوید بهترین جامهای خود را پوشید
و بهترین بوهای خوش خود را خوشبو کرد و بهترین اسبان سوار شد
و بنزد ایشان رفت گفتند تو از بهترین مردمی چرا لباس جباران پوشیده
و بر اسبان ایشان سوار شده عبدالله بن عباس این آیه را خواند قل
من حرم زینة الله التی اخرج لعباده والطیبات من الرزق یعنی

بگو یا محمد که حرام کرده است زینتی را که خدا برای بندگانش بیرون آورده است
و روزیهای طیب و نیکو را پس حضرت فرمود که جامهای نفیس بپوش
و زینت کن که خدا نیکوست و نیکو را دوست میدارد اما باید که از حلال
باشد و در حدیث معتبر وارد شده است که سفیان ثوری که از مشایخ صوفیه است
بمسجد الحرام آمد دید که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته و جامهای
پر قیمت نیکو پوشیده است گفت والله بروم و او را بر این جامها سرزنش کنم
پس نزدیک آمد و گفت ای پسر رسول خدا والله که پیغمبر چنین جامه نپوشیده
و هیچیک از پدرانت چنین جامها نپوشیده اند حضرت فرمودند که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله در زمانی بودند که روزی بر مردم تنگ بود و امروز
بر مردم روزی فراخ است سزاوارترین مردم بصرف کردن نعمتهای خدا نیکانند
پس آن آیه را خواندند که گذشت و فرمودند که ما سزاوارترین مردمیم
بتصرف کردن در آنچه خدا عطا کرده است ای ثوری این جامه را که میبینی
برای مردم پوشیده ام پس دامن جامه را بالا کردند و باو نمودند جامه کهنه
که در زیر پوشیده بودند و فرمودند که این جامه کهنه را برای خود پوشیده ام
و این جامهای نیکو را برای مردم پوشیده ام و جامه بالای سفیان را دور کردند
و در زیر جامه کهنه جامه نازکی پوشیده بود فرمودند که جامه پایین را برای
لذت نفس خود پوشیده و جامه بالا را برای فریب دادن مردم پوشیده
و در حدیث معتبر از عبدالله بن هلال منقول است که گفت عرض کردم بخدمت

حضرت امام رضا علیه السلام که چه بسیار خوش می آید مردم را احوال
کسی که طعامهای بد مزه و ناگوار بخورد و جامهای کهنه بپوشد که اظهار
شکستگی و خشوع بنماید فرمود که مگر نمیدانی که حضرت یوسف پیغمبر
و پیغمبر زاده بود و قباهای دیبای طلاباف میپوشید و بر مجالس آل فرعون
می نشست و حکم در میان مردم میکرد مردم را با لباس او کاری نبود
و از او عدالت در حکم میخواستند امام میباید که آنچه گوید راست گوید
و هرگاه وعده کند وفا کند و حکم بعدالت کند خدا حلالی را بر کسی
حرام نکرده است و اندک و بسیار حرام را حرام کرده است پس خواند
این آیه را که قل من حرم زینة الله و بسیاری از اخبار مناسب این فصل را در
کتاب عین الحیوة ایراد نموده ام **فصل دویم** در بیان جامهایی که حرام است
پوشیدن آنها بدانکه مرد را جامه حریر محض پوشیدن و جامه طلاباف
پوشیدن حرام است و احوط آنست که عرقچین و کیسه و چیزهایی
که عورت را بآن نتوان پوشید هم از حریر نباشد و باز احوط آنست
که اجزای جامه مانند سجاف حریر نباشد و بهتر آنست که چیزی که با ابریشم
مخلوط کنند یا پشم یا ریسمان یا کتان باشد و اولی آنست که بقدر
ده یک یا زیاده باشد و اگر مجموع تار یا مجموع پود غیر حریر باشد بهتر خواهد
بود و باید که پوست حیوان مرده نباشد هر چند که دباغی کرده باشند
بنا بر اشهر بین الاصحاب و پوست حیوانی چند که قابل تذکیه نیست باشد

و در نماز

و در نماز باید که پوست و پشم و مو و شاخ و دندان و سایر اجزای
حیواناتی که گوشتشان حرام است نباشد و در سمور و سنجاب
و خزی که الحال معروفست خلافست و احوط اجتنابست اگرچه اظهر
در سنجاب و خز آنست که نماز در آنها جایز است و بهتر آنست که جامه که در
زیر آن جامها یا در بالای آن پوشیده باشد نماز نکند مبادا موئی بچسبد
باشد و بهتر آنست که ولی اطفال غیر بالغ را نیز منع نماید از پوشیدن حریر و طلا
و بسند معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه فرمود که یا علی انگشتری طلا در دست مکن که آن زینت تست
در بهشت و جامه حریر مپوش که آن پوشش تست در بهشت و در حدیث دیگر
فرمود که جامه مپوش که حق تعالی بسبب این پوست ترا در قیامت با آتش میسوزاند
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که جایز است مرد را که اهل
خود را بطلا زینت کند گفت بلی زنان و کنیزان را اما پسران نه و در
حدیث دیگر وارد است که آنحضرت فرمود که پدرم امام محمد باقر ع فرزندان
و زنان خود را بزیور طلا و نقره زینت میفرمود و باکی نیست و ممکن است که
مراد فرزندان دختران باشد و احتمال دارد که شامل پسران نابالغ هم باشد
و احوط اجتنابست **فصل سیم** در پوشیدن پنبه و کتان
و پشم بهترین جامها جامه ایست که از پنبه بافته باشد و بعد از آن کتان
و جامه پشمینه را همیشه پوشیدن و لباس خود قرار دادن کراهت دارد

اما گاهی برای قناعت یا دفع سرما پوشیدن بد نیست چنانچه بسند معتبر از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بپوشید جامهٔ پنبه
که آن پوشش رسول خدا صلی الله علیه و آله است و پوشش اهل بیت
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله جامهٔ مو و پشم نمی پوشیدند مگر از برای
علتی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نباید پوشید
جامهٔ پشم و مو مگر برای عذری و در روایت دیگر از حسین بن کثیر منقولست
که حضرت صادق علیه السلام را دید که پیراهن کنده پوشیده و جامهٔ پشمینه
بر بالای آن پوشیده و بر بالای آن پیراهن کنده پوشیده گفت فدای تو
شوم مردم کراهت دارند از پوشیدن جامهٔ پشمینه حضرت فرمود که پدرم
میپوشید و حضرت امام زین العابدین علیه السلام میپوشید و هرگاه بنماز
می ایستادند کنده ترین جامها میپوشیدند و ما نیز چنین میکنیم و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که پنج چیز است
که تا مردن ترک نمیکنم ۱ بر روی زمین با غلامان چیزی خوردن ۲ و بر
الاغ جل دار سوار شدن ۳ و بز را بدست خود دوشیدن ۴ و سلام بر
اطفال کردن ۵ و جامهٔ پشمینه پوشیدن و جمع میان این
احادیث آنست که اگر پوشیدن شال از زی خود قرار دهند و بآن ممتاز
شوند از دیگران مذموم است اما اگر گاهی برای قناعت یا شکستگی یا
دفع سرما پوشند قصوری ندارد و سنت نیز همین است ایضاً در حدیثها بود

وارد

وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در آخر الزمان
گروهی بهم رسند که جامهٔ پشمینه در تابستان و زمستان بپوشند که گمان کنند
که ایشان را باین سبب بر دیگران فضل و زیادتی هست آن جماعت را لعنت کنند
ملائکه آسمانها و زمین و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که کتان از پوشش پیغمبرانست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
پوشیدن کتان بدن را فربه میکند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
علی بن الحسین علیه السلام جامهٔ خز بهزار درهم یا پانصد درهم میخریدند و در
زمستان میپوشیدند و چون زمستان میگذشت میفروختند و قیمتش را
تصدق میفرمودند **فصل چهارم** در بیان رنگهایی که در جامه سنت
یا مکروه هست بهترین رنگها در جامه سفید است و بعد از آن زرد و بعد از آن
سبز و بعد از آن سرخ نیم رنگ و کبود و عدسی و مکروه است سرخ تیره
خصوصا در نماز و پوشیدن جامهٔ سیاه کراهت شدید دارد در همه حال
مگر در عمامه و عبا و موزه و اگر عمامه و عبا هم سیاه نباشد بهتر است و در
چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بپوشید
جامهٔ سفید که آن نیکوتر و پاکیزه ترین رنگهاست و مردهای خود را
در آن کفن کنید و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه در اکثر اوقات جامهٔ سفید می پوشیدند
و حفص مؤذن روایت کرده است که دیدیم حضرت امام جعفر صادق ع را

در میان قبر و منبر نماز میکردند و جامه زردی بر ملبعه پوشیده بود و در
حدیث حسن از زراره منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام بیرون
و عمامه خز زرد
آمد و جبه خز زرد و ردا خز زرد پوشیده بود و در حدیث معتبر منقولست
که حکم بن عتیبه بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت دید که جامه
سرخ تیره که بگل کافشه رنگ کرده بودند پوشیده است حضرت فرمود
که در این جامه چه میگوئی حکم گفت که چه گویم در چیزی که شما پوشیده باشید
اما جوانان شوخ که در میان ما این جامه را میپوشند ما ایشانرا عیب میکنیم
حضرت فرمود که زینت خدا را کی حرام کرده است بعد از آن فرمود که باین
سبب این جامه را پوشیده ام که تازه داماد شده ام و در حدیث حسن
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که جامه سرخ تیره پوشیدن کراهت
دارد مگر برای نو داماد و در حدیث معتبر از یونس منقولست که حضرت
امام رضا علیه السلام را دیدم که طیلسان کبود پوشیده بودند و از حسن زیات
منقولست که دیدم حضرت ابی جعفر علیه السلام را که جامه برنگ گل سرخ پوشیده
بودند و محمد بن علی روایت کرده است که حضرت امام موسی علیه السلام را
دیدم که جامه عدنی پوشیده بودند و از ابی العلا منقولست که حضرت
صادق علیه السلام را دیدم در حال احرام که برد یمنی سبزی پوشیده بودند و
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که جبرئیل در روز آخر
ماه مبارک رمضان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد بعد از

نماز

نماز عصر چون باسمان رفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت
فاطمه صلوات الله علیها را طلبید و فرمود که شوهر خود علی بن ابیطالب
را بطلب چون حاضر شدند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در جانب راست نشانید و
دستش را گرفت و بر دامن خود گذاشت و حضرت فاطمه را در جانب چپ
نشانید و دستش را گرفت و بر دامن گذاشت پس فرمود که میخواهید شما را خبر دهم
بانچه جبرئیل مرا بان خبر داد گفتند بلی یا رسول الله فرمود که جبرئیل گفت که در
قیامت من در جانب راست عرش خواهم بود و خدا دو جامه بمن بپوشاند یکی سبز
و دیگری سرخ برنگ گل و تو یا علی در جانب راست عرش باشی و دو جامه چنین
در تو پوشانند پس راوی عرض کرد که مردم رنگ سرخ چنین را مکروه میدانند
چنین حضرت فرمود که چون خدا حضرت عیسی علیه السلام را باسمان برد دو جامه
بر او پوشانید و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که مپوشید جامه سیاه که آن پوشش فرعون است و در حدیث معتبر منقولست
که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که در کلاه سیاه نماز بکنم فرمود
که نماز در آن مکن که لباس اهل جهنم است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که مکروهست سیاه مگر در سه چیز در موزه و عمامه و عبا

فصل پنجم در بعضی از آداب جامه پوشیدن جامهای دراز پوشیدن
و آستین جامه را دراز کردن و جامه را از روی تکبر بر خاک کشیدن مکروه
و مذموم است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت

امیرالمؤمنین صلوات الله علیه رفت ببازار و سه جامه برای خود خرید
یک اشرفی پیراهن را تا سر دست برید و لنگ را تا نیم ساق و ردا را
از پیش تا پستان و از عقب تا پایین تر از کمربند پس دست بآسمان برداشت
و بپوست حمد الهی بنمود بر این نعمت تا بخانه بازگشت و حضرت صادق ع
فرمود که جامه از غرور که بیابان کشد در آتش جهنم است و از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که حق تعالی به پیغمبر فرمود که وثیابک
فطهّر که ترجمه لفظش آنست که جامهای خود را پس بالا کن دان حضرت
فرمود که جامهای آنحضرت پاک بود ولیکن مراد الهی آنست که جامه را کوتاه
کن که آلوده نشود و در روایت دیگر یعنی بردار که بر زمین کشیده نشود
و در روایت حسن از حضرت باقر علیه السلام منقولست که حضرت رسول ص
شخصی را وصیت فرمود که زنهار که پیراهن و ازار خود را بلند
میاور که این از تکبر است و خدا تکبر را دوست نمیدارد و در حدیث
معتبر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه چون پیراهن
میپوشیدند آستین را میکشیدند آنچه از سر انگشتان میگذشت میبریدند
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله با بوذر فرمود که هر که از روی تکبر جامه اش را
بر زمین کشد حق تعالی در قیامت نظر رحمت باو نفرماید و ازار مرد تا نصف
ساق است و تا بند پا هم جایز است و زیاده در آتش است **فصل ششم**
در پوشیدن لباسی که مخصوص زنان یا کافران باشد حرام است مردانرا

پوشیدن

پوشیدن لباسی که مخصوص زنان باشد مانند لچک و مقنعه و نیمتنه
و همچنین حرام است زنانرا پوشیدن لباسی که مخصوص مردان باشد مانند
کلاه و قبا و عمامه و همچنین کافران را جایز نیست پوشیدن لباسی که مخصوص کافران
باشد مانند زنار و کلاههای فرنگی و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که جایز نیست زنرا که شبیه بمردان شود زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله
لعنت کرده مردانیرا که شبیه بزنان شوند و لعنت کرده زنانیرا که شبیه
بمردان شوند و از حضرت امام جعفر علیه السلام مرویست که خدای عز و جل
وحی فرمود به پیغمبری از پیغمبران که بگو بمؤمنان که مپوشند جامهای دشمنان
مرا و مخورند طعام دشمنان مرا و مسلک دشمنان من سلوک منمایند که
ایشان نیز مانند ایشان دشمنان من خواهند بود **فصل هفتم** در آداب
عمامه بر سر بستن عمامه سنت است و با عمامه تحت الحنک بستن سنت است و یک
طرف عمامه را از پیش و دیگری را از عقب انداختن بروش سادات مدینه
مشرفه سنت است و شیخ شهید علیه الرحمه گفته است که عمامه ایستاده پیچیدن
سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که عمامه تاج عرب است
هرگاه که عمامه را بطرف گذارند خدا عزت ایشان برطرف میکند و در حدیث
حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که عمامه بعد
بر سر و تحت الحنک نبندد و باو دردی برسد که دوا نداشته باشد
پس ملامت نکند مگر خود را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت

رسول صلی الله علیه و آله عمامه بستند و یکطرف عمامه را بطرف پیش انداختند
و دیگری را بعقب و حضرت جبرئیل نیز چنین کردند و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که ملئکه در روز بدر عمامهای سفید
در سر داشتند و علاقها انداخته بودند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بر سر حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه عمامه بدست مبارک خود پیچیدند و یک سر عمامه را
از پیش رو آویختند و طرف دیگر را بقدر چهار انگشت کوتاه تر از عقب
آویختند پس فرمودند برو رفت فرمودند که بیا آمد آنگاه فرمودند که چنین است
والله تاجهای ملئکه و در فقه رضوی ع مذکور است که هرگاه عمامه بر سر گذاری
این دعا بخوان بِسْمِ اللهِ اللّٰهُمَّ ارْفَعْ ذِکْرِی وَ اَعْلِ شَأنِی بِعِزَّتِکَ وَ
اَکْرِمْنِی بِکَرَمِکَ بَیْنَ یَدَیْکَ وَ بَیْنَ خَلْقِکَ اَللّٰهُمَّ تَوِّجْنِی
بِتَاجِ الْکَرَامَةِ وَ الْعِزِّ وَ الْقَبُولِ و در مکارم الاخلاق از کتاب
نجات نقل کرده است که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِی بِسِیمَاءِ
الْاِیمَانِ وَ تَوِّجْنِی بِتَاجِ الْکَرَامَةِ وَ قَلِّدْنِی حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَ لَا
تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِیمَانِ مِنْ عُنُقِی و گفته است که با عمامه را ایستاده
ببندد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله چند قسم کلاه داشتند که در سر
میگذاشتند و در کلاههای دراز بر طله میگویند وارد شده است که
پوشیدن آنها نهی بوده است و علما گفته اند که مکروهست و از بعضی

احادیث

احادیث ظاهر میشود که پایین کلاه را شکستن و برگردانیدن مکروهست
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرگاه کلاههای ترک دار
در میان امت من بسیار شود زنا کردن در میان ایشان شایع شود و کلاه
ترک دار ظاهرا مانند قاووق و کلاههای یکتاشی و امثال آن باشد

فصل هشتم در آداب زیر جامه پوشیدن از حضرت ابی عبدالله ع
منقولست که حق تعالی وحی فرمود بحضرت ابرهیم ع که زمین بمن شکایت
میکند از دیدن عورت تو پس میان عورت خود و زمین حجابی قرار ده پس
زیر جامه تا زانو بعمل آورد و پوشید و از جامع بزنطی روایت شده است
که هر که زیر جامه را ایستاده بپوشد تا سه روز حاجتش بر آورده نشود
و در فقه رضوی علیه السلام مذکور است که زیر جامه را نشسته بپوش
و ایستاده مپوش که مورث هلاکت و درد ابرقیم والم میشود و در وقت
پوشیدن این دعا بخوان بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِی وَ لَا تَهْتِکْنِی فِی
عَرَصَاتِ الْقِیٰمَةِ وَ اَعْفِفْ فَرْجِی وَ لَا تَخْلَعْ عَنِّی زِینَةَ الْاِیمَانِ و در مکارم
الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ
عَوْرَتِی وَ آمِنْ رَوْعَتِی وَ اَعْفِفْ فَرْجِی وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ فِی ذٰلِکَ
نَصِیبًا وَ لَا لَهُ اِلَی ذٰلِکَ وُصُولًا فَیَصْنَعَ لِیَ الْمَکَایِدَ وَ یُهَیِّجَنِی
لِارْتِکَابِ مَحَارِمِکَ و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که پیغمبران علیهم السلام پیراهن را پیش از زیر جامه میپوشیدند

و در روایت دیکر وارد شده است که ایستاده و روبقبله ورد
با دامن بپوشد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که زیر جامه را
ایستاده پوشیدن مورث اندوهست **فصل هشتم** در آداب
جامه نو بریدن و پوشیدن بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که چون کسی جامه نو بپوشد این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
ثَوْبَ يُمْنٍ وَتُقًى وَبَرَكَةٍ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَعَمَلًا
بِطَاعَتِكَ وَاَدَاءَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مَا اُوَارِي بِهِ
عَوْرَتِي وَاَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را تعلیم من نمود
که در وقت پوشیدن جامه نو بخوانم اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ
اللِّبَاسِ مَا اَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا ثِيَابَ بَرَكَةٍ اَسْعٰى
فِيهَا لِمَرْضَاتِكَ وَاَعْمُرُ فِيهَا مَسَاجِدَكَ پس فرمود که یا علی هر که این دعا بخواند
چون جامه را بپوشد آمرزیده شود و در حدیث دیکر از حضرت
موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که سزاوار است کسی که جامه نو بپوشد
دست بر آن بمالد و بکوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مَا اُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي
وَاَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَاَتَزَيَّنُ بِهِ بَيْنَهُمْ و از حضرت ابی عبد الله علیه السلام
منقولست که هر که آبی در ظرف نوی بکند و سی و دو مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ
فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بر آن آب بخواند و بر جامه نو پاشد در هنکام پوشیدن

پیوسته در فراخی و نعمت باشد تا تاری از آن جامه باقی باشد و در حدیث
دیکر از آنحضرت مرویست که چون جامه نو بپوشی بکو لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ
رَسُولُ اللّٰهِ تا از آفتها نجات یابی و چیزی را که دوست داری بسیار
آنرا یاد مکن که آنرا در هم میشکنند و چون بکسی کاری داشته باشی در
غایبانه او را دشنام مده که در دل او اثر میکند و بسند معتبر منقولست
که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام چون جامه میپوشیدند جامها را در
جانب راست میکذاشتند و چون رخت نو میپوشیدند قدح آبی میطلبیدند
و سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی و سوره قل یا ایها الکافرون
هر یک را ده نوبت در آن ظرف میخواندند و آنرا بر آن جامه میپاشیدند
و میفرمودند که هر که چنین کند پیوسته در فراخی روزی باشد
مادام که تاری از آن جامه باقیست و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که چون خدا جامه نوی بکسی عطا فرماید و بپوشد باید که
وضو بسازد و دو رکعت نماز بکذارد و در هر رکعت سوره حمد
و آیة الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند
پس حمد کند خداوندی را که عورت او را پوشانیده و در میان مردم
او را زینت ساخته و بسیار بکوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ پس اکر چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند و بعدد هر تاری
که در آن جامه است ملکی پاکی خدا را یاد کند و برای او استغفار کند و برای او

ترجیح کند و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که
جامهٔ نوی ببرد و آبی در ظرفی کند و سی و شش مرتبه سورهٔ انا انزلناه را
بخواند و هر گاه که بآیهٔ تنزل الملائکة برسد اندکی از آب را نرم بر جامه بپاشد
پس دو رکعت نماز بکند و دعا کند و بگوید الحمد لله الذی رزقنی ما اتجمل
به فی الناس و اواری به عورتی و اصلی فیه لربی و حمد الهی بشکر کند
پیوسته در فراخی نعمت باشد تا آن جامه کهنه شود **فصل دوم** در بیان
آداب جامه پوشیدن و کندن آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که نهی فرمود از عریان شدن در شب و روز و از حضرت امیر المؤمنین ص
منقولست که هر گاه مرد عریان شود شیطان بسوی او نظر میکند و طمع میکند
در آنکه او را بمعصیت در آورد و فرمود که سزاوار نیست مرد را که جامهٔ خود را
از ران خود دور کند در وقتی که در میان جماعتی نشسته باشد و فرمود
که چون جامهٔ خود را از بدن بیرون آورید بسم الله بگوئید تا جنیان
نپوشند و اگر نگوید جنیان آن جامه را بپوشند تا صبح و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست زن مسلمانرا که
نازک پیراهنی بپوشد که تن نما باشد و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که عرض مقنعهٔ حضرت فاطمه صلوات الله علیها آنقدر بود که
تا نصف بازوی آنحضرت میرسید و همهٔ زنان باید چنین کنند و از حضرت
صادق ع بسند معتبر منقولست که ادنای اسراف آنست که جامهٔ اندرون

بیرون

و بیرون یکی باشد و در حدیث دیگر منقولست که اسحق بن عمار از آنحضرت
پرسید که میتواند بود که مؤمن ده پیراهن داشته باشد فرمود که بلی گفت
که بیست پیراهن فرمود که بلی این اسراف نیست اسراف آنست که جامه که باید
برای زینت نگاه داشت بعوض جامه که در وقت دیگر پوشند بپوشی و در
روایت دیگر که آنحضرت امام موسی ع سؤال کردند که کسی ده پیراهن داشته
باشد اسرافست فرمود که نه بلکه آن برای محافظت جامه این بهتر است بلکه
اسراف آنست که جامهٔ نگاه داشتنی را در جاهای کثیف بپوشی و از حضرت
باقر ع منقولست که تا کردن جامه راحت جامه است و بیشتر باقی میماند و فرمود
که جامهٔ پاکیزه پوشیدن دشمن را سرکوب میکند و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که شستن جامه اندوه و غم را برطرف میکند و موجب قبول نماز
میگردد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که جامه پوشد
باید که پاکیزه باشد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که شش چیز است که از اخلاق قوم لوط است کمان گلوله انداختن و
انداختن بیکدیگر و قندان خوابیدن در راهها و جامه بر زمین کشیدن
از روی تکبر و بندهای قبا و پیراهن را گشودن و بسند معتبر منقولست
که شخصی بخدمت صادق ع آمد دید که گریبان جامه را پینه کرده اند آن
شخص تعجب نظر میکرد حضرت فرمود که چرا چنین نظر میکنی گفت که از پینه
جامه تعجب میکنم که بر جامه حضرت گذاشته بود فرمود که بخیه ان در آنجا

نوشته بود که ایمان ندارد کسی که حیا ندارد و مال نیست کسی را که معیشت خود را
باندازه نمیکند و تن نیست کسی را که جامه کهنه ندارد و حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که از بس پینه بر جامه خود زدم که شرم کردم از آنکس که بر آن پینه میزد و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که گریبان جامه را پینه زند و کفش را پینه کند
و چیزی که برای خانه خود خرد خود بردارد و بخانه برد از تکبر ایمن گردد **فصل**
یازدهم در رنگ نعلین و موزه و کفش و چگونگی آنها بهترین رنگها در نعل و کفش
رنگ زرد است و بعد از آن سفید و بهترین رنگها در موزه و چکمه رنگ
سیاهست و در سفر سرخ خوبست و در حضر کراهت دارد و در نعل سنت
که جسش و عقبش بلند باشد و میانش تهی باشد و همه اش بزمین نخسبد و غیر این
مکروهست و ظاهر آنکه کفش نیز این حکم داشته باشد که کفش سرپایی مکروه باشد
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که کفش نیکو
پوشیدن بدن را از بلاها نگاه میدارد و معین است بر تمامی نماز و وضو و در
حدیث دیگر فرمود که هر که خواهد که عمرش دراز باشد چاشت را بامداد بخورد
و کفش نیکو بپوشد و ردای بالاپوش را سبک کند و با زنان بسیار جماع نکند
و حضرت صادق ع فرمود که اول کسی که نعلین پوشید حضرت ابرهیم ع بوده
و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که نعل هموار پوشیدن که همه اش
بزمین رسد پوشش یهودانست و در مذمت این قسم احادیث بسیار
وارد شده است و در احادیث معتبره وارد شده است که نعل سیاه پوشیدن

که چشم

که چشم را ضعیف میکند و ذکر را سست میکند و مورث اندوه و غم است
و بر تو باد به نعل زرد که چشم را جلا میدهد و ذکر را سخت میکند و غم را برطرف
میکند و پوشش پیغمبرانست و در حدیث دیگر وارد شده است که پوشیدن
نعل سیاه موجب خیلا و تکبر است و هر که بپوشد در قیامت با جباران محشور
شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که نعل زرد بپوشد تا
آنرا پوشیده باشد در شادی و سرور باشد زیرا که حق تعالی در وصف بقره
بنی اسرائیل میفرماید که صفراء فاقع لونها تسر الناظرین یعنی زرد بسیار زردی که
شاد گرداند نظر کنندگانرا و بسند معتبر از سدیر صیرفی منقولست که بخدمت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم و نعل سفید پوشیده بودم فرمود که
آیا دانسته این نعل را پوشیده پس فرمود که هر که داخل بازار شود و نعل
سفیدی بخرد کهنه نکند آنرا مگر آنکه کسب مالی را از جائی که گمان نداشته باشد
راوی گوید که سدیر مرا خبر داد که هنوز آن نعل کهنه نشده بود که صد اشرفی
از جائی بدستم آمد که گمان نداشتم و در حدیث دیگر وارد است که هر که نعل زرد
یا سفید بپوشد او را مال و فرزندان بهم رسد و هر که نعل سیاه بپوشد
هیچ یک را نیابد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که موزه
پوشیدن نور چشم را زیاد میکند و در روایت دیگر فرمود که مداومت
پوشیدن موزه امان میدهد از مرض سل و داود رقی روایت
میکند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را دیدیم در سفر که موزه سرخ پوشیده بود

بود نپرسیدم که این موزه سرخ چیست فرمود که این را برای سفر گرفته‌ام
و از برای گل و باران خوب است اما در حضر هیچ رنگ بهتر از سیاه نیست

فصل دوازدهم در آداب پوشیدن نعل و موزه و کفش بسندهای
معتبر از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقولست
که چون نعل پوشی ابتدا بپای راست بکن و در وقت کندن ابتدا بپای چپ کن
و فرمودند که هر که با یک تای کفش راه رود یعنی یک پا در کفش باشد و دیگری
برهنه شیطان بر او دست یابد و دیوانه شود و از عبدالرحمن بن کثیر منقولست
که گفت در خدمت حضرت صادق ع براهی میرفتم بند نعلین آنحضرت گسیخت
من بند دیگر از آستین خود بیرون آوردم و نعل را باصلاح آوردم و حضرت
دست بر دوش من انداخته بودند پس فرمودند که هر که مؤمنی را بردارد
برای اصلاح نعل او چون در قیامت از قبر بیرون آید حق تعالی او را بر ناقه
کرم روی سوار کند تا در بهشت بکوبد و از یعقوب سراج منقولست که
براهی در خدمت آنحضرت میرفتم بند نعلین آنحضرت پاره شد حضرت
پای پیاده روان شدند عبدالله بن ابی یعفور بند نعلین خود را گشود
و بنزد آنحضرت آورد قبول نفرمود و گفت که صاحب مصیبت اولیست که
صبر نماید بر آن و عبدالرحمن بن ابی عبدالله روایت کرده است که در خدمت
آنحضرت بدیدن شخصی رفتم چون داخل شدند نعلها را بیرون آوردند
و فرمودند که نعلها را بیرون کنید که کندن نعل راحت قدم است

و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از راه رفتن با یک تای
نعل و از ایستاده پوشیدن نعل و در روایتی که کراهت ایستاده پوشیدن مخصوص
نعلی باشد که بندهایش را می‌باید بست و بحدیث دیگر از آنحضرت منقولست که
سه چیز است که هر که کند بیم آن هست که دیوانه شود غایط کردن در میان قبرها
و با یک موزه راه رفتن و در خانه تنها خوابیدن و از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که مداومت بر پوشیدن موزه امان میدهد از خوره و در فقه الرضا ع
مذکور است که چون خواهی موزه یا کفش بپوشی ابتدا بپای راست بکن و بگو
بِسْمِ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمَیَّ فِی الدُّنْیَا
وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَی الْاِیمَانِ وَلَا تُزِلَّهُمَا یَوْمَ زَلْزَلَةِ الْاَقْدَامِ اَللّٰهُمَّ
وَقِنِی مِنْ جَمِیعِ الْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَمِنَ الْاَذٰی و چون خواهی بکنی بگو
اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنِّی کُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَلَا تَنْزِعْ عَنِّی حُلَّةَ الْاِیمَانِ و در مکارم الاخلاق
از کتاب نجات نقل نموده که موزه و نعل را نشسته بپوش و در وقت پوشیدن بگو
بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمَیَّ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ
وَثَبِّتْهُمَا عَلَی الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیهِ الْاَقْدَامُ و در وقت کندن اینها
بکن و بگو بِسْمِ اللهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَزَقَنِی مَا اُوَقِّی بِهِ قَدَمَیَّ مِنَ الْاَذٰی
اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا عَلٰی صِرَاطِکَ وَلَا تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِکَ السَّوِیِّ ه

باب دویم در آداب حلی و زیور پوشیدن مردان و زنان و سرمه کشیدن
و در آینه نظر کردن و خضاب کردن **فصل اول** در فضیلت انگشتر

بدست کردن و آداب آن سنت مؤکد است مردان و زنان را انگشتر در دست
راست کردن و در بعضی از احادیث تجویز فرموده اند که در دست چپ بکنند
اما اگر نقش شریفی یا نگین شریفی داشته باشد باید که در وقت استنجا بیرون
آورد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که اگر خواهی
انگشتر را بدست راست کن و اگر خواهی بدست چپ و بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
انگشتر در دست راست میکردند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و از سلمان
فارسی رضی الله عنه مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که یا علی انگشتر در دست راست بکن
تا از مقربان باشی فرمود که یا رسول الله کدامند مقربان فرمود که جبرئیل و
میکائیل پرسیدند که چه انگشتر در دست کنم فرمود که عقیق سرخ بدرستی که
آن اقرار کرده است برای خدا بیگانگی و برای من به پیغمبری و برای تو
یا علی بآنکه وصی منی و برای فرزندان تو بامامت و برای دوستان تو به بهشت
و برای شیعیان فرزندان تو بجنة الفردوس و در حدیث معتبر منقولست
که از حضرت امام موسی ع سؤال کردند که بچه علت حضرت امیر المؤمنین
انگشتر در دست راست میکردند فرمود که زیرا که آنحضرت پیشوای اصحاب
یمین است که در قیامت نامها شانرا بدست راست میدهند و حضرت

رسول صلی الله علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و این علامتیست
برای شیعیان ما که باین علامت ایشانرا میشناسند و محافظت کردن
بر وقت فضیلت نمازهای پنجگانه و بدادن زکوة و بقسمت کردن مال خود
با برادران مؤمن خود و بامر بنیکیها کردن و بنهی از بدیها کردن و از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت جبرئیل ع
بحضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت که هر که انگشتر در دست راست کند
بغرض متابعت سنت تو باشد و ببینیم او را در قیامت که متحیر مانده است
دستش را بگیریم و بنزد امیر المؤمنین برسانیم و از حضرت صادق ع
منقولست که از سنت پیغمبر است انگشتر در دست راست کردن و حضرت
امیر المؤمنین ع فرمود که هر که انگشتری در دست چپ داشته باشد
که نام خدا در او باشد در وقت استنجا بدر آورد و در دست دیگر کند و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
نهی فرمود از انگشتر کردن در انگشت شهادت و انگشت میان و از حضرت
صادق ع منقولست که انگشتر را بر بند پایین انگشت برساند و در روایتی
شده است که انگشتر را بر انگشتان کردن عمل قوم لوط است و در فقه
الرضا ع مذکور است که در وقت انگشتر در دست کردن بگو اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِي
بِسِيمَاءِ الْاِيمَانِ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَاجْعَلْ عَاقِبَتِي اِلَى خَيْرٍ اِنَّكَ اَنْتَ
الْعَزِيزُ الْاَكْرَمُ و ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که این دعا بخوانند

اللهم سوّرني بسوار الایمان وتوّجني بتاج الکرامة وقلّدني حبل الاسلام
ولا تخلع ربقة الایمان من عنقي **فصل دویم** در بیان انکه انکشتر ازان
سنت که انکشتر از نقره باشد و مردان را انکشتر طلا در دست کردن
حرام است و انکشتر آهن و فولاد و برنج مردان و زنان را مکروه هست
چنانچه منقولست از حضرت صادق علیه السلام بسند صحیح و حسن که انکشتر رسول
خدا صلی الله علیه و آله از نقره بود و در چند حدیث معتبر منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی
انکشتر طلا در دست مکن که آن زینت تست در آخرت و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که انکشتر غیر نقره در دست مکنید بدرستیکه رسول خدا صلی الله ع
فرمود که پاک نیست دستی که در ان انکشتر آهن باشد و در حدیث دیگر
فرمود که پاک نکند خدا دستی را که در ان انکشتر آهن باشد و در حدیث
معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نماز نکند مرد در انکشتر
آهن و نهی فرمود از انکشتر برنج در دست کردن و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که انکشتر حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود و نگینش
نیز ازان نقش کرده بود محمد رسول الله **فصل سیم** در فضیلت عقیق
منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چهار انکشتر در دست
میکردند انکشتر یاقوت برای شرافت و فیروزه برای نصرت
و یاریش و حدید صینی برای قوتش و عقیق برای حرز و دفع دشمنان

وبلاها

وبلاها و در حدیث صحیح از حضرت علی بن موسی الرضا ع مرویست که عقیق
فقر و دو رویی را برطرف میکند و در دست کردن عقیق نفاق را زایل میکند
و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقولست که هر که قرعه با انکشتر عقیق بزند
بنام او تمام بیرون می آید و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که انکشتر عقیق در انکشت کنید که مبارکست و هر که انکشتر عقیق
در دست داشته باشد امید هست که عاقبتش مقرون بخیر و خوبی باشد
و از بعید الرای منقولست که در دست حضرت امام زین العابدین علیه السلام
انکشتر عقیقی دیدم پرسیدم که این چه نگین است فرمود که عقیق رومی است
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که انکشتر عقیق در دست
داشته باشد حاجتش بر آورده است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که انکشتر عقیق موجب ایمنی است در سفر و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست
از آنحضرت منقولست که هر که انکشتری بگیرد که نگینش عقیق باشد پریشان
نشود و عاقبت کارش البته نیکو باشد و در حدیث دیگر وارد شده است
که حاکمی شخصی فرستاده بود بسبب جرمی حضرت صادق علیه السلام فرمود که
انکشتر عقیقی باو برسانید چنان کردند مکروهی باو نرسید و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بنزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و شکایت
کرد که دزد در راه بمن رسید و اموالم را برد حضرت فرمود که چرا انکشتر
عقیق در دست نداشتی که آن از همه بدی نگاه میدارد آدمی را و بسند معتبر

دیگر از آنحضرت منقولست که انگشتر عقیق در دست کنید که مادام که
آدمی آن انگشتر را با خود دارد اندوهی باو نمیرسد و در حدیث معتبر دیگر
فرمود که انگشتر عقیق با خود دارید که آن اول کوهیست که اقرار کرده است
از برای خدا بیگانگی و از برای من به پیغمبری و از برای تو یا علی بامامت و در
حدیث معتبر منقولست از بشیر دهان که عرض کردم که کدام یک از نگینها
بر انگشتر خود بنمایم فرمود که چرا غافلی از عقیق سرخ و عقیق زرد و عقیق
سفید که اینها سه کوهند در بهشت اما کوه عقیق سرخ پس مشرف است
بر خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و اما کوه عقیق زرد پس مشرف است بر خانه
حضرت فاطمه صلوات الله علیها و اما کوه عقیق سفید پس مشرف است بر خانه
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و همه یک خانه است و از زیر هر کوهی نهری
جاریست از برف سردتر و از عسل شیرین‌تر و از شیر سفیدتر و نمیخورند از آن نهرها
مگر آل محمد و شیعیان ایشان و هر سه نهر از کوثر می‌آید و بیکجا میریزد و این سه کوه
تسبیح و تقدیس و تمجید الهی میکنند و از برای محبان آل محمد طلب آمرزش میکنند
پس هر که از شیعیان آل محمد یکی از این عقیقها را در دست داشته باشد
نبیند مگر خیر و نیکی و فراخی روزی و سلامتی از جمیع بلاها و امان یابد
از شر پادشاه ظالم و از هر چه آدمی از آن می‌ترسد و حذر مینماید و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی را از برابر حضرت امام محمد باقر علیه السلام گذرانیدند
که تازیانه بسیار بر او زده بودند حضرت فرمود که انگشتر عقیق او کجاست

اگر با او میبود تازیانه نمیخورد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که دستی بسوی آسمان بدعا بلند نمیشود که خدا دوست‌تر
دارد از دستی که در آن انگشتر عقیق بوده باشد و در حدیث معتبر
از حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقولست که چون حضرت
موسی ع بر کوه طور با حق تعالی مناجات کرد و بزمین نظر کرد حق تعالی
از نور روی خود عقیق را آفرید پس فرمود که قسم خوردم بذات مقدس خود
که عذاب نکنم باتش جهنم دستی را که انگشتر عقیق در آن باشد اگر ولایت
علی بن ابی طالب را داشته باشد و در حدیث دیگر منقولست که جبرئیل
نازل شد بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا محمد پروردگارم
سلامت میرساند و میگوید انگشتر را بدست راست بکن و نگینش را از عقیق
بکن و بگو بعلی بن ابی طالب تا که انگشتر در دست راست بکند
و نگینش را عقیق بکند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پرسید که یا رسول الله
عقیق کدامست فرمود که کوهیست در یمن که برای خدا اقرار کرده است
بیگانگی و برای من به پیغمبری و برای تو و اولاد تو بامامت و برای شیعیان تو
بهشت و برای دشمنان تو جهنم و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که نماز کسی که انگشتر عقیق در دست داشته باشد بر نماز کسی
که غیر عقیق در دست داشته باشد بهفتاد درجه زیادتی دارد و سلیمان
اعمش روایت کند که در خدمت حضرت امام جعفر صادق ع بودم در خانه

منصور عباسی این شخص را بیرون آوردند که تا زبان را نخورده بود
حضرت فرمود که ای سلیمان ببین که انگشترش چه نگین دارد
گفتم یا ابن رسول الله عقیق نیست فرمود که ای سلیمان اگر عقیق بود
تا زبانش نمی بریدند او را گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ای
سلیمان انگشتر عقیق امان می بخشد از دست بریدن گفتم دیگر
بفرما فرمود که ای سلیمان امان می بخشد از خون گفتم دیگر بفرما فرمود
که ای سلیمان خدای عز و جل دوست میدارد که بلند کند بدعا بسوی
او دستی را که در آن نگین عقیق باشد گفتم دیگر بفرما فرمود که عجب دارم
از دستی که در آن نگین عقیق باشد چگونه خالی میماند از دینار
و درهم گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که نگاه دارند او را
از هر بلا دیده گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ایمن میکند او را
از فقر گفتم یا ابن رسول الله روایت کنم این حدیث را از حدیث
حسن بن علی از پدرش امیر المؤمنین صلوات الله علیهما فرمود بلی
و در روایت دیگر منقولست که دو رکعت نماز که با انگشتر عقیق
باشد بهتر است از هزار رکعت که با آن نباشد **فصل چهارم**
در فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد در سه حدیث معتبر از
حضرت علی بن موسی الرضا ع منقولست که انگشتر یاقوت
در دست کنید که پریشانی را زایل میکند و از حضرت امام جعفر صادق ع

مروی

مرویست که سنت است انگشتر یاقوت در دست داشتن و از حضرت
امام موسی ع منقولست که انگشتر زمرد در دست کردن موجب آسانیست
که در آن هیچ دشواری نباشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا ع
بهمین لفظ وارد شده است اما بلفظ زبرجد و فرمود که انگشتر زمرد
در دست داشتن فقر را بتوانگری بدل میکند و فرمود که هر که انگشتر یاقوت
ببندد در دست کند فقیر نشود **فصل پنجم** در فضیلت فیروزه و جزع
یمانی از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که انگشتر فیروزه در
دست کند دستش فقیر نشود و از حسن بن علی بن مهران منقولست که
بخدمت حضرت موسی کاظم ع رفتم در انگشت آنحضرت انگشتری دیدم
که نگینش فیروزه بود و نقشش الله الملک بود من بسیار نظر میکردم در آن
انگشتر فرمود که چه نظر میکنی گفتم که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
انگشتر فیروزه داشته است که نقشش لله الملک بوده است فرمود که
آنرا میشناسی گفتم نه فرمود که همان انگشتر است و این نگینیست که جبرئیل
برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بهدیه آورد از بهشت و آنحضرت
بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بخشید و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که انگشتر جزع یمانی در دست کنید که رد میکند مکر متمردان
شیاطین را و از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون آمدند و انگشتر

جزع یمانی در انگشت کرده بودند و با ما نماز کردند چون از نماز فارغ
شدند انگشتر را بمن دادند و فرمودند که این انگشتر را در انگشت
دست راست خود کن و با آن نماز کن که نماز در جزع یمانی برابر هفتاد
نماز است و تسبیح و استغفار میکوید و ثوابش برای صاحبش نوشته
میشود و علی بن محمد صیمری گفت که دختر جعفر بن محمود را خواستم
و بسیار او را دوست میداشتم و از زن ما از او بوجود نمی آمد رفتم بخدمت
حضرت امام علی نقی ع و این مطلب را عرض کردم پس تبسم نمود و فرمود که بگیر
انگشتری که نگینش فیروزه باشد و بر آن نقش کن این آیه را رَبِّ
لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ چنان کردم یکسال نگذشت
که از آن زن پسری بوجود آمد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که خداوند عالمیان میفرماید که من شرم میکنم از دستی که
بسوی من بلند شود بدعا و در آن دست انگشتر فیروزه باشد پس او را
ناامید کردانم **فصل ششم** در فضیلت در نجف و بلور و حدید صینی
و سایر نکینها بسند معتبر از مفضل بن عمر منقولست که گفت روزی
بخدمت حضرت صادق ع رفتم و انکشتر فیروزه در دست داشتم فرمود
که ای مفضل فیروزه سیرکاه دیدهای مردان مومن و زنان مومنه است
یا دور کرد است درد ها را از دیدهای ایشان و من دوست میدارم
برای هر مومن که پنج انگشتر در دست داشته باشد یاقوت و آن فاخرترین

همه است و عقیق و آن خالص‌تر است برای خدا و برای اهل بیت و فیروزه
و آن چشم را قوت میدهد و سینه را کشایش میدهد و قوت دل را
زیاد میکند و چون بکاری رود آنرا در دست کند البته چون برگردد
حاجتش برآورده شده باشد و حدید صینی و آنرا دوست نمیدانم که
همیشه در دست داشته باشد ولیکن نمیدانم در دست کردن آنرا
در وقتی که بدیدن کسی رود که از او بترسد از اهل شر برای آنکه شر او ساکن
شود و حدید صینی شیاطین را دور میکرداند باین سبب دوست میدارم
که داشته باشم پنجم آن دری که در نجف اشرف خدا ظاهر میسازد بدرستی که
هر که آنرا در دست کند به نظر کردن آن خداوند عالمیان زیادتی
حج و عمره در نامه عمل او بنویسد که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد
و اگر خدا رحم نمیکرد بر شیعیان ما هر آینه هر نکینی از آن بقیمت بسیار میرسید
ولیکن خدا ارزان کرده است برای ایشان که توانکر و فقیر ایشان توانند
در دست کرد ابوطاهر میگوید که این حدیث را بحضرت امام حسن عسکری ع
عرض کردم فرمود که این حدیث جدم حضرت صادق علیه السلام است گفتم
شما هیچ چیز را بر عقیق سرخ اختیار نمیفرمایید فرمود که بلی برای فضیلت بسیاری
که در آن وارد شده است بدرستی که پدرم خبر داد مرا که اول کسی که انگشتر
عقیق در دست کرد حضرت آدم علیه السلام بود دید که در عرش نوشته است
أَنَا اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي أَيَّدْتُهُ بِأَخِيهِ

علی و فضه تیه تا آخر نامهای آل عبا پس چون حضرت آدم از آن درخت
میوه خورد و بزمین آمد متوسل شد بسوی خدا باین نامهای مبارک
و ببرکت این نامها خدا توبه اش را قبول کرد پس حضرت آدم انگشتری از نقره
ساخت و نگینش را از عقیق سرخ کرد و این نامهای پنجگانه را بر آن نقش کرد و آن
انگشتر را در دست راست خود کرد پس این سنتی شد که پرهیزکاران از فرزندانش
همیشه باو عمل کردند و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که نیکو کرت
باید و از حسین بن عبد الله منقولست که سؤال کرد از حضرت امام
علی نقی صلوات الله علیه آیا خوبست انگشتر کردن سنگ یمن که از چاه
زمزم بیرون آورند فرمود که بلی اما چون خواهد که استنجا کند از دست
بیرون آورد یعنی اگر در دست چپ باشد **فصل هفتم** در بیان آنچه
سزاوار است که در نگین نقش کنند حسین بن خالد بخدمت حضرت
امام رضا ع عرض کرد که جایز است شخصی استنجا کند و در دستش
انگشتری باشد که نقش نگینش لا اله الا الله باشد حضرت فرمود که
خوش ندارم این را از برای او گفت مگر رسول خدا و پدران شما با انگشتر
استنجا نمیکرده اند فرمود که بلی و لیکن ایشان انگشتر را در دست راست
میکرده اند پس از خدا بترسید و افترا بر ایشان مبندید پس فرمود که
نقش نگین حضرت آدم لا اله الا الله محمد رسول الله بود با خود از بهشت
آورده بود و حضرت نوح چون بکشتی سوار شد حق تعالی باو وحی فرستاد

که ای نوح چون از غرق بترسی هزار مرتبه لا اله الا الله بگو
پس دعا کن تا من ترا و مؤمنان را از غرق نجات دهم پس چون کشتی براه افتاد
باد تندی وزید و حضرت نوح ع از غرق ترسید و او را مجال آن نشد
که هزار مرتبه لا اله الا الله بگوید بزبان سریانی گفت هلولیا الفا
الفا یا ماریا اتقن پس طوفان برطرف شد و کشتی براه افتاد پس حضرت
نوح فرمود که سخنی که خدا مرا بآن نجات بخشید سزاوار است که همیشه
با من باشد پس بر انگشتر خود ترجمه آن را بعربی نقش کرد لا اله الا الله الف مرة
یا رب اصلحنی و حضرت ابرهیم ع را چون در کفه منجنیق گذاشتند
که در آتش اندازند جبرئیل ع بخشم آمد حق تعالی باو وحی فرمود که چه چیز
باعث غضب تو گردیده است گفت پروردگارا خلیل تست و هیچ کس نیست
در این وقت که ترا بیگانگی پرستد بغیر از او و دشمن خود و دشمن او را بر او
مسلط گردانیده پس خداوند عالم باو وحی فرمود که ساکت باش که کسی
تعجیل در امور میکند که مثل تو بنده عاجزی باشد که ترسد که از دستش
بدر رود و اما من پس آن بنده منست هرگاه که خواهم او را میگیرم پس جبرئیل
خاطرش مطمئن شد و بجانب ابرهیم ملتفت شد و گفت آیا ترا حاجتی
و کاری در این وقت هست فرمود که هست اما بتو نیست پس حق تعالی انگشتری
برای او فرستاد که در آن شش حرف نقش شده بود لا اله الا الله محمد
رسول الله لا حول و لا قوة الا بالله فوضت امری الی الله اسندت

ظهری الی الله حسبی الله پس خدا وحی نمود که این انگشتر را در دست کن
کن الهی از تو ترسد و سلامتی میگرداند و نقش نگین حضرت عیسی ع دو حرف
بود که از انجیل بیرون آورده بود اصبر توجر اصدق تنج یعنی صبر کن تا
مزد یابی راست بگو تا نجات یابی و نقش نگین حضرت سلیمان علیه السلام
این بود سبحان من الجم الجن بکلماته و نقش نگین حضرت ع دو حرف بود که
از انجیل بیرون آورده بود طوبی لعبد ذکر الله من اجله و ویل لعبد
نسی الله من اجله یعنی خوشا حال بنده که خدا یاد کرده شود بسبب او
و وای بر بنده که خدا فراموش شود از خاطرها بسبب او و نقش نگین حضرت
رسول صلی الله علیه و آله این بود لا اله الا الله محمد رسول الله و نقش نگین
حضرت امام حسن علیه السلام العزة لله بود و نقش نگین حضرت امام حسین علیه السلام
ان الله بالغ امره بود و حضرت علی بن الحسین علیه السلام انگشتر پدر خود را در دست
میکردند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام نیز انگشتر امام حسین علیه السلام را در دست
میکردند و نقش انگشتر حضرت امام جعفر صادق ع الله ولیی و عصمتی
من خلقه بود و نقش انگشتر حضرت امام موسی علیه السلام حسبی الله بود پس حضرت
امام رضا علیه السلام دست دراز کردند و نمودند انگشتر پدر خود را که در دست
داشتند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که
نقش نگین حضرت رسول صلی الله علیه و آله محمد رسول الله بود و نقش نگین حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه الله الملک بود و نقش نگین حضرت امام محمد باقر

العزة لله بود

العزة لله بود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که از آنحضرت پرسیدند
که آیا کراهت دارد که کسی در نگین غیر نام خود و پدر خود چیزی نقش کند حضرت
حضرت فرمود که نقش انگشتر من الله خالق کل شیء است و نقش انگشتر
پدرم العزة لله بود و نقش انگشتر امام زین العابدین علیه السلام الحمد لله العلی بود
و نقش انگشتر امام حسن و امام حسین علیهما السلام حسبی الله بود و نقش انگشتر امیر المؤمنین
الله الملک بود و در روایت معتبر دیگر منقولست که نقش نگین حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام این کلمات بود اللهم انت ثقتی فقنی من شر خلقک و در
حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که نقش نگین حضرت امام جعفر ع
انت ثقتی فاعصمنی من الناس بود و نقش نگین حضرت امام موسی کاظم ع
حسبی الله بود و در زیر آن شکل گلی و در بالای آن هلالی نقش کرده بودند
و در حدیث صحیح دیگر منقولست که نقش نگین حضرت امام رضا علیه السلام
ما شاء الله لا قوة الا بالله بود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا ع
منقولست که نقش نگین حضرت امام زین العابدین علیه السلام این بود خزی و شقی
قاتل الحسین بن علی و عبد الله بن سنان میگوید که حضرت صادق علیه السلام انگشتر
حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بما نمود نگین سیاهی داشت و در دو سطر نوشته بود
محمد رسول الله و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
نهی فرمود از آنکه صورت چیزی از حیوانات بر انگشتر نقش کنند و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که عقل مرد را در سه چیز امتحان میتوان کرد در درازی

ریش و نقش انگشتری کنیعش و در حدیث دیگر فرموده که هر که نقش کند بر انگشتری
ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله ایمن شود از فقر شدید و از حضرت
امام رضا ع منقولست که نقش نگین حضرت امام محمد باقر ع چنین بود
ظنی بالله حسن و بالنبی المؤتمن و بالوصی ذی المنن و بالحسین والحسن
و در روایتی دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که انگشتر حضرت امیر المؤمنین
از نقره بود و نقش وی القادر الله بود و در بعضی روایات وارد است که
نقش نگین امیر المؤمنین ع الملک لله بود و در روایتی دیگر آنکه انگشتری داشت از حدید
صینی سفید صاف و این کلمات را در آن نقش فرموده بود و در هفت سطر
و بجنگها و شدتها در دست میکردند کلمات اینست اعددت لکل هول
لا اله الا الله و لکل کرب لا حول و لا قوة الا بالله و لکل مصیبة
نازلة حسبی الله و لکل ذنب و کبیرة استغفر الله و لکل هم و غم
ما شاء الله و لکل نعمة متجددة الحمد لله ما بعلی بن ابی طالب من
نعم الله من الله و از اسمعیل بن موسی منقولست که انگشتر حضرت امام جعفر
تمامش از نقره بود و بر آن این نقش بود یا ثقتی قنی شر جمیع خلقک و از
حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که در انگشتر خود آیه از قرآن نقش
کند آمرزیده شود و ابن طاوس علیه الرحمه بروایت قاسم بن العلاء نقل
کرده است از صافی خادم حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه که رخصت
طلبیدم از آنحضرت که بزیارت جدش امام رضا ع بروم فرمود که باید با خود

انگشتری

انگشتری داشته باشی که نگینش عقیق زرد باشد و نقش نگین ما شاء الله
لا قوة الا بالله استغفر الله باشد و بر روی دیگر نگین محمد و علی نقش کرده
باشد چون این انگشتر را با خود داری امان می یابی از شر دزدان و راه زنان
و بر آن سلامتی تو تمامتر است و دین ترا حفظ کننده تر است خادم گفت که چون
بیرون آمدم و انگشتری که حضرت فرموده بود بهم رسانیدم و برگشتم که وداع کنم
چون وداع کردم و دور شدم فرمود که مرا برگردانند چون برگشتم گفت ای صافی
گفتم لبیک ای آقای من فرمود که باید که انگشتر فیروزه هم با خود داشته باشی
که در میان طوس و نیشابور شیری بر خواهد خورد بتو و قافله را منع خواهد کرد از
رفتن تو پیش برو و این انگشتر را بشیر بنما و بگو مولای من میگوید که دور شو از
راه و باید که بر یک طرف نگین فیروزه الله الملک نقش کنی و بر یک طرف دیگر
الملک لله الواحد القهار زیرا که نقش انگشتر حضرت امیر المؤمنین ع الله الملک
بود چون خلافت با آنحضرت برگشت الملک لله الواحد القهار نقش کرده
و نگینش فیروزه بود و چنین نگینی امان میبخشد از جانوران درنده و باعث
ظفر و غلبه میشود در جنگها خادم گفت که رفتم پس بخدا سوگند که در همان
مکان که حضرت فرموده بود شیر بر سر راه آمد و آنچه فرموده بود بعمل آوردم
و شیر برگشت چون از زیارت برگشتم و آنچه گذشته بود بخدمت آنحضرت
عرض کردم حضرت فرمود که یک چیز ماند که نقل نکردی اگر خواهی من نقل کنم
گفتم ای آقای من شاید فراموش کرده باشم فرمود که شبی در طوس نزدیک

روضهٔ امام رضا علیه السلم خوابیده بودی کروهی از حاجیان بزیارت قبه
میرفتند آن نکین را در دست تو دیدند و نقش آنرا خواندند پس آنرا از دست
تو بدر آوردندی و بردندی بر بیماری که داشتند و آن انکشتر را در آبی شستندی
و آن آب به بیمار خود خورانیدندی و بیماران ایشان صحت یافتندی پس انکشتر را بر کرفتندی
و تو در دست راست کرده بودی ایشان در دست چپ کردندی چون بیدار
شدی بسیار تعجب کردی و بجستش را دانستی و بر بالین خود یاقوتی یافتی آنرا
برداشتی والحال همراه تست بیرون ببازار و آنرا بهشتاد اشرفی خواهی فروخت
و این یاقوت هدیه آن حاجیانست که برای تو آورده بودند خادم گفت که
یاقوت را بردم ببازار و بهشتاد اشرفی فروختم وایضا سید ابن طاوس روایت
کرده است که شخصی آمد بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلم و گفت
من میترسم از حاکم شهر خویش و بی رحم کرد دشمنان من او را بر من بخشم آوردندی و ایمن
نیستم از انکه مرا بکشد حضرت فرمود که انکشتری بساز که حدید صینی باشد و بر روی نکین آن
نکین سه سطر نقش کن در سطر اول اعوذ بجلال الله در سطر دویم اعوذ
بکلمات الله در سطر سیم اعوذ برسول الله و در زیر نکین دو سطر نقش کن سطر اول
امنت بالله وکتبه و سطر دویم وانی واثق بالله و رسله و در دور نکین نقش کن
اشهد ان لا اله الا الله مخلصا و این صورت نکینست

اعوذ بجلال الله
اعوذ بکلمات الله
اعوذ برسول الله

و در دست کن این انکشتر را در هر حاجتی که بر تو
دشوار شود و در روایتی که از آن آثار احدی از مردم

بترسی به سببی که حاجتهایت برآورده میشود و ترس هایت بایمنی بدل
میشود و زنی که زائیدن بر او دشوار شود بر او ببندید که بمشیت خدا
بزودی وضع حمل او میشود و همچنین دفع میکند اثر چشم بد را و حذر کن
که بنجاستی و چربی بآن نکین نرسد و با خود بحمام و بیت الخلا مبر و خوب
محافظت نما آنرا که از اسرار خداست و تمام شیعیان از دشمنان خود
می ترسید بر جان خود باید که این انکشتر را داشته باشید و از دشمنان خود
پنهان دارید و تعلیم مکنید مکر بکسی که اعتماد بر او داشته باشید راوی
حدیث گفت که من تجربه کردم و اثرش را یافتم و از حضرت امام محمد باقر
روایت کرده است که هر که صبح کند و در دستش انکشتر عقیقی باشد که
در انکشت دست راست کرده باشد پیش از آنکه نظرش بر کسی بیفتد نکین آنرا
بجانب کف دست راست بکرداند و بآن نظر کند و سوره انا انزلناه فی
لیلة القدر را تا آخر بخواند پس بکوید امنت بالله وحده لا شریک
له وکفرت بالجبت والطاغوت وامنت بسر آل محمد وعلانیتهم
وظاهرهم وباطنهم واولهم واخرهم چون چنین کند خداوند عالمیان
او را نکاه دارد از شر آنچه از آسمان نازل میشود و آنچه بالا میرود بسوی آسمان
و آنچه در زمین فرو میرود و آنچه بیرون می آید از زمین و در حرز و حمایت
خدا و دوستان خدا باشد تا شام و در حدیث دیکر منقولست که هر که انکشتری
از عقیق بسازد و در نکین آن نقش کند محمد نبی الله و علی ولی الله خدا

او و اثر مبارک بدنکاه دارد و بمیرد مکر بر دین حق **فصل هشتم** در زیور طلا
و نقره پوشیدن و بزنان و اطفال پوشانیدن در حدیث صحیح منقولست
که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جایز است که دختران
نابالغ را زیور طلا بپوشانند فرمود که حضرت امام زین العابدین ع
زینت میفرمود زنان و اطفال خود را بزیور طلا و نقره و در حدیث صحیح دیگر
از آنحضرت پرسیدند در این باب فرمود که پدرم امام محمد باقر ع زنان و فرزندان
خود را زیور طلا و نقره میپوشانید و در حدیث صحیح دیگر پرسیدند از آن حضرت
از زیور کردن زنان بطلا و نقره فرمود که باکی نیست و در حدیث معتبر دیگر
از آنحضرت منقولست که سر غلاف شمشیر حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و دسته اش از نقره بود و در میان حلقهای نقره داشت و زره آنحضرت
سه حلقه نقره در پیش و دو حلقه در عقب داشت و از حضرت امام رضا ع
منقولست که ذوالفقار را جبرئیل برای رسول خدا از آسمان آورد
و زیورش از نقره بود و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که باکی نیست
زیور کردن شمشیر بطلا و نقره و در حدیث دیگر فرمود که زیور شمشیر حضرت
رسول صلی الله علیه و آله تمام از نقره بود دسته اش و سر دسته اش و در
حدیث معتبر دیگر فرمود که باکی نیست بزینت کردن قرآنها و شمشیرها بطلا
و نقره و بسند موثق دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که همیشه
زنان زیور میپوشیدند و در حدیث معتبر از فضل بن یسار منقولست که

از حضرت

از حضرت امام جعفر پرسیدم از کرسی که در آن طلا باشد آیا میتوان در خانه
نگاه داشت حضرت فرمود که اگر طلا باشد و اگر آب طلا بر او مالیده باشد
باکی نیست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که سزاوار نیست که زن خود را
معطل بگذارد و زینت نکند اگر چه گردن بندی باشد که در گردن بربندد
و سزاوار نیست که دستش از خضاب خالی باشد اگر چه بمالیدن حنا باشد
هر چند سالخورده باشد و در روایت معتبر وارد شده است که جایز است که
دندانها را بطلا بیکدیگر ببندند و بدانکه در باب زیور طلا احوط و اولی آنست
که مردان اجتناب نمایند اگرچه در شمشیر و مصحف باشد **فصل نهم** در آداب
سرمه کشیدن در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله سرمه سنگ بچشم میکشیدند در وقت خواب طاق طاق
و در حدیث معتبر از حسن بن جهم منقولست که گفت حضرت امام رضا علیه السلام
میلی از آهن بمن نمودند و سرمه دانی از استخوان و فرمودند که اینها از حضرت
امام موسی ع بود باین میل سرمه بکش و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست
که سرمه کشیدن در شب چشم را نفع میرساند و در روز زینت است و در حدیث
معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که سرمه سنگ دود دین کشیدن
دهان را خوشبو میکند و مژگان را محکم میکند و بسند موثق از حضرت صادق ع
منقولست که سرمه کشیدن دهان را شیرین میکند و در حدیث دیگر فرمود که سرمه کشیدن
موی مژگان را میرویاند و بینائی را تند میکند و اعانت میکند بر طول دادن سجود

و در حدیث دیگر فرمود که سرمهٔ سنگ چشم را جلا میدهد و موی مژه را
میرویاند و آب ریختن چشم را زایل میکند و در روایت دیگر فرمود که سرمه کشیدن
قوت جماع را زیاد میکند و فرمود که هر که هر شب سرمهٔ سنگ کشد [illegible]
باشد در دیده کشد چشمش هرگز آب سیاه نیاورد و در حدیث معتبر از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر که سرمه کشد باید که
طاق بکشد و اگر چنین نکند هم باکی نیست و در حدیث صحیح منقولست که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله پیش از خواب سرمه میکشیدند چهار میل
در دیدهٔ راست و سه میل در دیدهٔ چپ و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چهار چیز است که رو را نورانی میکند در روی
نیکو نظر کردن و در آب جاری و سبزه زار و سرمه کشیدن وقت خواب و از
حضرت امام رضا ع منقولست که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید
که سرمه بکشد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سرمه کشیدن در وقت خواب
امان میدهد از آب آوردن چشم و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که هر که با ضعف دیده باصره بهم رسد هفت میل از سرمهٔ سنگ در وقت
خواب بچشم کند چهار در چشم راست و سه در چشم چپ و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در هر چشم
سه میل میکشیدند در وقت خواب و در روایت دیگر وارد شده است
که سه میل در چشم راست و دو میل در چشم چپ میکشیدند و حضرت

صادق علیه السلام فرمود که بر شما باد بمسواک کردن که چشم را جلا میدهد
و بر شما باد بسرمه کشیدن که دهان را خوشبو میکند زیرا که چون مسواک میکند
آدمی بلغم نازل میشود از چشم و جلا می‌یابد و چون سرمه میکشد بلغم از چشم
بر طرف میشود و بدهان نازل میشود و دهان خوشبو میشود و در فقه الرضا
مذکورست که چون اراده نمائی که سرمه بکشی میل را بدست راست بگیر و در
سرمه‌دان بزن و بگو بِسمِ الله و چون میل را در چشم کشی بگو اللّٰهمّ نوّر
بصری واجعل فیه نوراً ابصر به حقّک واهدنی الی طریق الحقّ
وارشدنی الی سبیل الرّشاد اللّٰهمّ نوّر علیّ دنیای وآخرتی و در
مکارم الاخلاق روایت کرده است که این دعا بخوانند در وقت سرمه کشیدن
اللّٰهمّ انّی اسئلک بحقّ محمّد وآل محمّد ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد
وان تجعل النّور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص
فی عملی والسّلامة فی نفسی والسّعة فی رزقی والشّکر لک ابداً ما ابقیتنی

فصل دهم در آداب نظر بآینه کردن بسند معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که خداوند عالمیان واجب
میگرداند بهشت را از برای جوانی که بسیار نظر در آینه کند و حمد خدا بجا آورد
بگوید براینکه خدا او را بصورت نیکو آفریده و او را محبوب گردانیده است
و در بعضی روایات مذکورست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نظر
میکردند در آینه و موی سر مبارک و ریش را شانه میکردند و از برای اصحاب خود

و زنان خود خود را بیاراستند و بیفزودند که خدای بپسندد و دوست
میدارد آن بنده را که چون بنزد برادران مؤمن رود از برای ایشان زینت
کند و خود را بیاراید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که
چون کسی در آینه نظر کند باید که بگوید الحمد لله الذی خلقنی فاحسن خلقی
وصورنی فاحسن صورتی وزان منی ما شان من غیری واکرمنی
بالاسلام و در فقه الرضاء و غیر آن مذکور است که چون خواهی در آینه
نظر کنی آینه را بدست چپ بگیر و بگو بسم الله پس چون در ان نظر کنی
دست راست را بر سر خود بگذار و بر رو بکش و ریش خود را بدست راست بگیر
و در آینه نظر کن و بگو الحمد لله الذی خلقنی بشرا سویا و زیننی
ولم یشنّی وفضلنی علی کثیر من خلقه ومنّ علیّ بالاسلام ورضیه
لی دینا پس آینه را از دست بگذار و بگو اللهم لا تغیر ما بنا من نعمتک واجعلنا
لانعمک من الشاکرین ولآلائک من الذاکرین و در روایت دیگر
وارد شده است که آینه را بدست چپ بگیری و چون روی خود را در آینه
دیدی بگو الحمد لله الذی احسن واکمل خلقی وحسّن خلقی وخلقنی
خلقا سویا ولم یجعلنی جبارا شقیا الحمد لله الذی زیّن منی ما شان
من غیری اللهم کما حسّنت خلقی فصل علی محمد وآل محمد وحسّن
خلقی وتمم نعمتک علیّ وزیّنی فی عیون خلقک وجمّلنی فی عیون
بریتک وارزقنی القبول والمهابة والرأفة والرحمة یا ارحم الراحمین

ولم یشنّی

و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین
فرمود که یا علی چون در آینه نظر کنی بگو اللهم کما حسّنت خلقی فحسّن خلقی
ورزقنی

فصل یازدهم در فضیلت خضاب کردن مردان و زنان

بدانکه مردان را خضاب موی سر و ریش سنتست مؤکدات و زنان را خضاب موی
و دست و پا سنتست و مردان را خضاب دست و پا کراهت دارد مگر اندک
رنگی که بعد از نوره بر جمیع بدن سنتست حنا مالیدن تا زنان در دست
بماند که رنگ ناخن بسرخی مایل شود چنانچه بسندهای معتبر از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که چهار چیز است که از سنتهای
پیغمبرانست بوی خوش کردن و تزویج کردن زنان و مسواک کردن و خضاب
بحنا کردن و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که یک درهم که در خضاب
صرف شود بهتر است از هزار درهم که در راه خدا صرف نمایند و در آن
چهارده خصلتست باد را از گوشها دور میکند و غبار از چشم جلا
میدهد و بینی را نرم میکند و دهان را خوشبو میکند و بن دندان را محکم
میکند و گند زیر بغل را دفع میکند و کم میکند وسوسه شیطان را و ملائکه
بسبب آن شاد میشوند و سبب شادی مؤمنان و خشم کافران میشود
و زینت است و بوی خوش است و موجب خلاصی از عذاب قبر میشود
و نکیر و منکر شرم میکنند از آن و در حدیث دیگر فرمود که موی سفید خود را
رنگ کنید و شبیه مشوید بیهودان و حسن بن جهم گفت که بخدمت حضرت

امام رضا ع رفتم دیدم که آنحضرت خضاب ریش برنگ سیاه کرده بودند
پس فرمود که در خضاب کردن اجر عظیم هست و خود را ساختن موجب
زیادتی عفت زنانست و جمعی از زنان دست از عفت برداشته اند بسبب آنکه
شوهران ایشان خود را برای ایشان نمی آراستند عرض کرد که بما رسیده است
که حنا موی سفید را زیاد کند حضرت فرمود که موی سفید خود زیاد میشود
بی حنا و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
آمد و نظر کرد حضرت دید که موی سفید در ریش او بهم رسیده است
فرمود که این موی سفید نور است پس فرمود که هر که در اسلام یک موی
سفید در ریش او بهم رسد از برای او نوری باشد در قیامت پس آنشخص
بحنا خضاب کرد و بنزد آنحضرت آمد فرمود که هم نور است و هم اسلام
پس رفت و خضاب سیاه کرد و آمد فرمود که نور است و اسلام است و ایمان است
و محبوب میگرداند بسوی زنان و خوف و بیم می افکند در دل کافران و در
حدیث معتبر منقولست که گروهی بخدمت حضرت امام حسین صلوات الله علیه
آمدند دیدند که آنحضرت بسیاهی خضاب کرده است در این باب از
آنحضرت سؤال کردند دست بر ریش خود گذاشت و فرمود که امر کرد
رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از جنگها که مسلمانان بسیاهی خضاب
کنند تا باعث غلبهٔ ایشان شود بر کافران و در حدیث حسن منقولست که
که از حضرت صادق ع پرسیدند که خضاب سر و ریش آیا سنتست

فرمود که

فرمود که بلی حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه برای آن خضاب
نمیفرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده بود که یا علی موی
ریش تو از خون سرت خضاب خواهد شد انتظار آن خضاب میکشیدند و حضرت
امام حسین و حضرت امام محمد باقر علیهما السلام هر دو خضاب میکردند و در
حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که
من برای آن خضاب نمیکنم که هنوز صاحب تعزیه ام در مصیبت وفات
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و در احادیث بسیار منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله خضاب میفرمودند و در حدیث معتبر منقولست
که حضرت صادق ع نظر کردند بمردی که از حمام بیرون آمده بود و در
دستهایش حنا بسته بود حضرت فرمود که آیا ترا خوش می آید که خدا ترا
چنین خلق کند گفت نه والله ولیکن خبر بما رسیده است که هر که داخل حمام
شود باید که اثر حمام بر او دیده شود یعنی حنا حضرت فرمود که غلط
فهمیده بلکه مراد آنست که چون سلامت از حمام بدر آید بشکر این نعمت
دو رکعت نماز بگذارد و در حدیث حسن منقولست که حضرت صادق ع
فرمودند که از جمله علامات بدی که در آخر الزمان ظاهر شود آنست که
آثار زنان در مردان و زنان [illegible] ظاهر شود و خضاب کنند و خود را
مشاطگی کنند بروش زنان و ظاهر آنست که مراد خضاب دست و پا باشد
زیرا که خضاب سر و ریش سنتست و آن علامت مردانست و در حدیث معتبر

منقولست از آنحضرت که باکی نیست که در حمام خلوق بمالند
بجهت ترکهایی که در دست بهم میرسد از باب دوا اما خوشم نمی آید که همیشه
این کار کند و خلوق بوی خوشی بوده است که زعفران داشته است و رنگ
آن از بدن میمانده است و در حدیث دیگر از ابی الصباح منقولست
که گفت اثر حنا در دست حضرت امام محمد باقر ع دیدم یعنی اثر ضعیفی
که از حنا مالیدن بعد از زدودن میماند چنانچه بعد از این مذکور خواهد شد
و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که سزاوار نیست زن که
دستش را از خضاب خالی گذارد اگرچه مالیدن حنا باشد هرچند پیر باشد
و فرمود که امر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله زنان شوهردار و بی شوهر را
بخضاب اما شوهردار برای شوهرش و اما غیر شوهردار برای آنکه دستش بدست
مردان نماند **فصل دوازدهم** در کیفیت خضاب و احکام آن در حدیث
صحیح از حضرت امام جعفر ع منقولست که باکی نیست در خضاب کردن بوسمه
برای مرد پیر و در حدیث صحیح و موثق از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که فرمود که خضاب کردن بوسمه دندانهای مرا سست کرد و درهم شکست
و در چندین حدیث معتبر وارد شده است که چون حضرت امام حسین ع
شهید شد خضاب بوسمه در ریش مبارک آنحضرت بود و حضرت صادق ع
فرمود که خضاب کردن بوسمه انس زنانست و مهابتی از آن در دل کافران
بهم میرسد و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که خضاب کردن

بحنا آب رو را زیاد میکند و سفیدی موی را هم زیاد میکند و در حدیث
صحیح و حسن منقولست که حضرت امام محمد باقر ع خضاب بحنا میفرمودند
خضاب سرخ رنگین و در حدیث دیگر فرمود که خضاب بحنا بوهای بد را
زایل میکند و آب رو را می افزاید و دهان را خوشبو میکند و فرزند را خوش رو
میگرداند و از حضرت امام موسی ع منقولست که هر زنی که علت حیضش
قطع شده باشد بحنا خضاب کند تا حیضش برگردد و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت امام حسین و امام محمد باقر علیهما السلام خضاب بحنا و وسمه هم
میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین خضابها
نزد خدا رنگ سیاهست و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله رخصت فرمودند زنان را که سر خود را بسیاهی
خضاب کنند و بدانکه مشهور میان علما آنست که جنب را خضاب کردن
مکروه است و همچنین مکروه است در حال خضاب جنب شدن و از بعضی
اخبار معتبر ظاهر میشود که چون حنا رنگ خود را داده باشد بعد از آن
جنب شدن باکی نیست و همچنین مکروه است زن حایض را خضاب کردن
باب سیم در آداب خوردن و آشامیدن **فصل اول** در بیان ظرفهائی
که در خوردن و آشامیدن و سایر استعمالات توان استعمال نمود و آنچه نهی
از آن وارد شده است جایز نیست خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره
و در استعمال غیر اکل و شرب خلافست و احوط اجتنابست و همچنین در نگاه

داشتن برای زینت احوط اجتنابست و بعضی گفته‌اند که طعامی را که در ظرف
طلا و نقره کنند حرام میشود اگرچه طعام را در جای دیگر کنند و اگرچه دلیلی
ندارد امّا احوط اجتنابست و جمعی باطل میدانند وضوئی را که از ظرف طلا
و نقره بسازند و در ساختن سرمه‌دان و عنبرچه و سر قلیان و قندیلها که از
طرفین کشوده باشد که در مشاهد مشرفه می‌آویزند و ظرف مصحف و دعا و آینه را
بنقره و طلا گرفتن بلکه چوب و نی را بنقره گرفتن خلافست و احوط اجتنابست
اگرچه حرمت اینها بر فقیر ثابت نیست و در نعلبکی قلیان که از نقره و طلا باشد
احتیاط بیشتر باید کرد و مکروهست از ظرف نقره‌کوب طلاکوب چیزی
خوردن و آشامیدن و اگر بخورد بهتر آنست که دهان خود را بموضع نقره
و طلا نرساند و اشهر میان علما آنست که جایز نیست استعمال پوست مگر پوست
حیوانی که در حال حیوة پاک باشد و آنرا بعنوان شرعی کشته باشند
یا از دست مسلمانی گرفته باشد و حرام است استعمال پوست حیوان مرده
و همچنین پوستی که یافته باشد اگرچه گمان باشد که از دست مسلمان افتاده است
مثل کفش در مسجد مسلمانان و بعضی گفته‌اند که جایز است استعمال میته در عملی
که شرط بطهارت نباشد مثل آب بزراعت و حیوانات دادن و امثال اینها
و این قول قویست و احوط اجتنابست و همچنین بعضی جایز دانسته‌اند استعمال
پوستی را که ظن بهم رسد که آنرا کشته‌اند یا از دست مسلمانی افتاده است و خالی
از قوّتی نیست و احوط اجتنابست و پوست حیوان طاهری که گوشت آنرا نخورند

و قابل تذکیه باشد استعمال میتوان کرد امّا پیش از دباغی کردن مکروهست
استعمال آن و ظرفی که شراب در آن کرده باشند هرچه نجاست در آن نفوذ نکند
مثل شیشه و مس بشستن پاک میشود و همچنین هرچه کاشی داشته باشد
و منفذی نداشته باشد که شراب در جرم آن جا کند و در مثل سبو و کدو
و خم بی‌کاشی و امثال اینها خلافست و اشهر آنست که بآب کشیدن پاک
میشود خصوصا وقتی که آنقدر در آب بگذارند که آب در آن نفوذ کند
و اثر شراب در آن نماند و احوط اجتنابست و از حضرت رسول صلّی الله
منقولست که هرکه در دنیا از ظرف طلا و نقره آب خورد در آخرت از ظرف
طلا و نقره بهشت محروم باشد و بسند معتبر منقولست که محمد بن اسمعیل
بن بزیع از حضرت امام رضا عم سؤال کرد از ظرف طلا و نقره حضرت
اظهار کراهت نمودند گفت که بما روایت رسیده است که حضرت امام موسی عم
آینه داشت که بنقره گرفته بودند حضرت فرمود که نه الحمد لله همین حلقه داشت
از نقره و آن آینه الحال نزد منست و فرمود که برادرم عباس را چون ختنه
میکردند برای او چوبی ساخته بودند و آنرا بنقره گرفته بودند که قصبه
نقره‌اش نزدیک بده درهم بود که ششصد و سی دینار عجمی باشد حضرت
امام موسی عم فرمود که آنرا شکستند و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن
جعفر عم منقولست که ظرف طلا و نقره متاع جماعتیست که یقین بآخرت ندارند
و در حدیث دیگر از عمرو بن ابی المقدام منقولست که ظرفی آوردند نزد

حضرت امام جعفر ع که آب بخورند یا از آن نقره بران ظرف چسبانیده بودند
دیدم که آنحضرت بدندان خود آنرا از ظرف میکندند و در حدیث موثق
از آنحضرت منقولست که مکروهست آب خوردن از ظرفی که نقره کوب باشد
یا بعضی از آن نقره باشد و روغن مالیدن از روغن دان چنین و شانه
کردن از شانه چنین مکروهست و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که
کراهت دارد خوردن چیزی که در سفالی که از مصر می‌آورند پخته باشند و در
روایت موثق از حضرت امام رضا ع منقولست که طعام مخورید در ظرفهای
سفالی که از مصر می‌آورند و از ربیع بن عمرو منقولست که بخدمت حضرت
امام محمد تقی ع آمد دید که حضرت طعام تناول میفرمودند در میان کاسه
سیاهی که در میان آن برنگ زرد سوره قل هو الله احد نقش کرده بودند

فصل نهم در بیان طعامهای لذیذ و مذمت حرص و افراط در آن بدانکه
از احادیث اهل بیت علیهم السلام ظاهر میشود که طعامهای لذیذ خوردن و بمردم
خورانیدن و تکلف در خوبی و پاکیزگی آنها خوبست و طعامهای لذیذ را
بر خود حرام کردن خوب نیست اما باید که از حلال باشد و آنقدر نخورد
که او را از عبادت الهی باز دارد و مانند حیوانات پیوسته همت مصروف
خوردن و آشامیدن نباشد بلکه باید منظور و مقصود او از خوردن
و آشامیدن تحصیل قوت عبادت باشد و باید که آنقدر صرف کند که نسبت
بحال او اسراف نباشد که خدا مسرفانرا دوست نمیدارد و بسند معتبر منقولست

که حضرت

که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بیمار بود که نانهای نازک نفیس و حلواهای
لذیذ بمردم میخورانیدند و میفرمودند که هرگاه خدا بر ما توسعه میکند ما توسعه میکنیم و هرگاه
خدا بر ما تنگ میکرد ما نیز تنگ میگیریم و در حدیث معتبر از آنحضرت
منقولست که سه چیزست که حق تعالی مؤمن را در قیامت بر آنها حساب نمیکند
طعامی که بخورد و جامه که بپوشد و زن صالحه که یاور او باشد و فرج او را
از حرام نگاه دارد و ابو خالد کابلی میگوید که بخدمت حضرت امام محمد باقر ع
رفتم حضرت چاشت طلبیدند و من خوردم با آنحضرت هرگز از آن نیکوتر
و پاکیزه‌تر طعامی نخورده بودم پس فرمودند که چگونه دیدی طعام ما را گفتم
فدای تو شوم هرگز باین خوبی طعام نخورده بودم ولیکن بیادم آمد آن آیه
که در کتاب خداست و لتسئلن یومئذ عن النعیم که ترجمه اش اینست که البته
سؤال کرده خواهید شد در روز قیامت از نعمت الهی حضرت فرمودند که مراد
از نعیم در این آیه مذهب تشیع و ولایت اهل بیت علیهم السلام است که در قیامت
از شما سؤال خواهند کرد و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که
حق تعالی از آن کریمتر است که سؤال کند از مؤمن از خوردنی و آشامیدنی
که در دنیا بر او حلال کرده باشد و بسند حسن از آنحضرت منقولست که طعام
بعمل بیاورد و نیکو بعمل بیاورد و اصحاب خود را بطلبد با ایشان بخورد و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که با سیری چیزی خوردن مورث
پیسی است و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که سه چیزست که

خدا دشمن بیدار و صاحب آنها را خواب کردن بدون بیداری شب و خنده
کردن در غیر محل تعجب و خوردن طعام در هنگام سیری و از حضرت رسول
منقولست که مؤمن در یک شکم چیزی میخورد و کافر در هفت شکم چیزی میخورد
یعنی بسیار میخورد و در حدیث دیگر منقولست که ابو جحیفه بخدمت آنحضرت
آمد و آروغ میزد از سیری حضرت فرمود که آروغ خود را منع کن که هر که
در دنیا سیرتر است در قیامت گرسنه‌تر است پس ابو جحیفه بعد از آن
طعام سیر نخورد تا از دنیا رفت و در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز بنزد خدا
دشمن‌تر ندارد مانند شکم پر از طعام و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که حضرت عیسی ع بشهری رسید که مرد و زنی فریاد میکردند با
یکدیگر نزاعی داشتند از سبب آن پرسید مرد گفت که این زن منست
و صالحه است و عیبی ندارد اما من او را دوست نمیدارم و میخواهم از
او جدائی اختیار کنم فرمود که بهر حال سبب این کراهت را بگو چیست
گفت که رویش کهنه و بی طراوت شده است بی آنکه پیر شده باشد
حضرت عیسی با آن زن فرمود که میخواهی که آبرویت برگردد و تازه شود
گفت بلی فرمود که طعام که میخوری سیر مخور که طعام که زیاده در معده
بهم رسد آب رو را میبرد آن زن چنین کرد و رویش بحال طراوت
برگشت و محبوب شوهر شد و از حضرت امام موسی کاظم ع منقولست
که اگر مردم میانه‌رو باشند در طعام خوردن همیشه بدن ایشان صحیح باشد

و از

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که پنج خصلت که
موروث برص و پیسی است نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه
و وضو و غسل کردن بآبی که در آفتاب گرم شده باشد و در حالت جنابت
چیزی خوردن و در حال حیض با زن جماع کردن و در وقت سیری
خوردن و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که آدمی را ناچار است
از طعامی که بآن قوت یابد و هر گاه طعام خورد باید که یک حصه شکم را برای
طعام قرار دهد و یکحصه برای آب و یکحصه برای نفس و سعی مکنید در فربه
کردن خود چنانچه حیوانات را برای کشتن فربه میکنند و فرمود که هر گاه
شکم پر شد باعث طغیان و فساد میشود و فرمود که هر دردی و بیماری
از بسیار خوردن بهم میرسد بغیر از تب که آن بناگاه میرسد و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت عیسی ع فرمود که ای بنی اسرائیل تا گرسنه نشوید
چیزی مخورید و هر گاه گرسنه شوید بخورید و سیر مخورید زیرا که چون سیر
شدید گردنهای شما کلفت میشود و پهلوهای شما فربه میشود و پروردگار
خود را فراموش میکنید و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که
کفران نعمت الهی است اینکه کسی گوید که فلان طعام را خوردم و مرا آزار کرد
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که روزی شیر و عسل نزد آنحضرت
آوردند آنحضرت تناول ننمودند و بر زمین گذاشتند گفتند یا رسول الله آیا
حرام میکنی خوردن اینرا فرمود که نه اما تواضع و شکستگی میکنم برای خدا

و پالوده بسیار طیب و خوشبوی نزد حضرت امیر المؤمنین ع آوردند انگشتی
بآن فرو بردند و بدهان گذاشتند و فرمودند که حرام نیست اما نمیخواهم
خود را عادت فرمایم بچیزی که عادت نکرده ام و در حدیث دیگر وارد است
که فرمود که چیزی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نخورده است نمیخواهم بخورم
و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که همیشه این امت با خیر و نعمت
باشند مادام که لباس عجمان را نپوشند و طعامهای عجمان را نخورند پس چون
چنین کنند حق تعالی ایشانرا ذلیل و خوار گرداند و از حضرت رسول ص
منقولست که نیکو نان خورشیست سرکه و همین بس است و در اسراف
که نعمتی را که بیند او بیاورند دشمن دارد و نخواهد **فصل نهم** در بیان
بعضی از آداب و اوقات طعام خوردن سنت است که چاشت را بامداد بخورد
و در میان روز دیگر چیزی نخورد و بعد از نماز خفتن باید که طعام بخورد
و لقمه را کوچک بردارد و نیکو بخاید و نظر بروی مردم نکند و طعام بسیار
گرم نخورد و در طعام گرم ندمد بلکه بگذارد تا سرد شود و بعد از آن بخورد
و نانرا بکارد نبرد و استخوانرا پاک نکند و بکمتر از سه انگشت چیزی نخورد
و از پیش خود چیزی بخورد و دست به پیش دیگران دراز نکند و کاسه و انگشتانرا
بلیسد و در حال جنابت مکروهست طعام و آب خوردن و اگر وضو بسازد
یا دست بشوید و مضمضه و استنشاق بکند یا دست و رو را بشوید و مضمضه
بکند یا دستهارا بشوید و مضمضه کند کراهت ضعیف میشود و در حدیث

وارد است که اگر چیزی بخورد در حال جنابت بی آنکه آنها را بعمل آورده
بیم آنست که پیس شود و در حدیث معتبر منقولست که بسرها در خدمت حضرت
امام جعفر ع شکایت کرد از دردها و امتلا و فساد معده حضرت فرمود
که چاشت و شام بخور و در میان دیگر چیزی مخور زیرا که خداوند عالمیان
در وصف طعام اهل بهشت میفرماید وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا
ترجمه اش اینست که مهیاست برای اهل بهشت روزی ایشان در بهشت
در بامداد و پسین و خفتن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که طعام خوردن آخر روز پیغمبران بعد از نماز خفتن است
پس آنرا ترک مکنید که ترکش موجب خرابی بدنست و در حدیث دیگر
منقولست که ترک طعام خوردن طرف شام آدمی را پیر میکند و فرمود که
چون آدمی پیر شد باید که در شب پیش از خواب البته چیزی بخورد که
بهتر بخواب میرود و دهانش خوشبو میشود و نطفش نیکو میشود و از حضرت
امام موسی ع منقولست که چیزی خوردن شب را ترک مکنید اگرچه پاره
نان خشکی باشد که باعث قوت بدن و قوت جماع است و از حضرت
صادق ع منقولست که هر که ترک کند طعام خوردن شب را در شب شنبه
و شب یکشنبه پی هم قوتی از او برطرف شود که تا چهل روز باز نگردد و فرمود
که طعام شب نافع تر از روزانه است و از حضرت امام رضا ع منقولست که
در بدن رگی هست که آنرا عشا نام دارد هر که در طرف شب چیزی نخورد آن

دل او را فراموش کرده است صبح میگوید که خدا تو را گرسنه بدارد چنانچه مرا گرسنه
داشتی خدا ترا تشنه بدارد چنانچه مرا تشنه داشتی پس البته ترک مکنید
عشا را اگرچه بلقمه نان باشد و اگرچه بجرعه آب باشد و از حضرت امام
جعفر صادق ع منقولست که سزاوار نیست که مؤمن از خانه بیرون رود
تا آنکه چاشت بخورد که باعث زیادتی عزت اوست و در حدیث دیگر فرمود که
هرگاه خواهی بی حاجتی بروی پاره نانی یا نمک بخورد که بیشتر باعث عزت تست
و حاجت زودتر بر می آید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که
طعام گرم را بگذارید تا سرد شود بدرستی که طعامی بنزدیک رسول خدا صلی الله علیه و آله
آوردند فرمود که بگذارید تا سرد شود که خدا آتش را طعام ما نگردانیده و برکت
در طعام سرد است و از حضرت امام رضا ع منقولست که طعام گرم برکت ندارد
و شیطان در آن بهره دارد و در حدیث موثق از سلیمان بن خالد منقولست
که گفت حاضر شدم شبی بر سفره حضرت امام جعفر صادق ع در تابستان
خوانی که نانی در آن بود و کاسه آوردند که ترید و گوشت در آن بود پس دست
بر آن گذاشتند و برداشتند و فرمودند که امان میطلبیم از خدا از آتش
جهنم و پناه می بریم بخدا از آتش جهنم تاب این گرمی را نداریم و صبر بر این نمی توانیم
کرد چگونه تاب آوریم و صبر کنیم بر آتش جهنم این را مکرر میفرمودند تا طعام چنان
شد که میتوانست خورد پس تناول فرمودند و ما تناول کردیم و از حضرت رسول ص
منقولست که نهی فرمود از دمیدن در خوردنی و آشامیدنی و از حضرت

صادق ع

صادق علیه السلام منقولست که مکروهست سه دمیدن در گرهها و افسونها
و در طعام و در موضع سجده و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست
که اگر از برای سرد کردن بدمد قصوری ندارد و محمول بر ضرورت و حالت
استعجال میتوان کرد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که مخورید از
بالای ترید و از پهلوهایش بخورید که برکت در بالای طعام است و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرگاه یکی از شما
طعام خورد باید که از پیش خود بخورد و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت
کاسه طعام را می لیسیدند و میفرمودند که هر که کاسه طعام را بلیسد چنانست
که مثل آن طعام را تصدق کرده باشد و منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع
بتمام انگشتان طعام تناول میفرمودند و میگفتند که هر که کاسه طعام را
بلیسد ملائکه بر او صلوات فرستند و دعا کنند برای او بفراخی روزی
و حسنات مضاعف برای او بنویسند و از حضرت امام جعفر ع منقولست
که در وقت طعام خوردن دو زانو بر عقب بشیوه بندگان می نشستند و دست
بر زمین میگذاشتند و به سه انگشت چیزی تناول میکردند و میفرمودند
که رسول خدا ص چنین طعام تناول میفرمودند نه بدستور متکبران و جباران
که به دو انگشت چیزی بخورند و بسند معتبر منقولست که حضرت رسول ص
فرمود که هرگاه کسی طعام خورد و انگشتان خود را بمکد و بلیسد خداوند
عالمیان فرماید که خدا برکت دهد ترا و از حضرت صادق ع منقولست که آنحضرت

کراهت داشتند از اینکه دست را بدستمال پاک کنند در وقتی که چیزی
از طعام در آن باشد تا آنکه خود بمکید یا بطفلی که در پهلوی آنحضرت بود
بدادند که بمکید برای حرمت طعام و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است
که کسی که خواهد که طعام او را ضرر نرساند تا گرسنه نشود و معده پاک نشود
چیزی نخورد و چون خواهد چیزی بخورد بسم الله بگوید و نیکو بخاید و دست
از طعام وقتی بکشد که هنوز خواهش طعام داشته باشد و بسند معتبر
منقولست از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما که احتراز پاک
مکنید که جیفا در آن بهم هست و اگر پاک کنید ایشان از خانه شما بیرون روند
چیزی که بهتر از این باشد و بسند معتبر از حضرت امام حسن ع منقولست
که در خوان دوازده خصلت است که بر هر مسلمان واجبست که بداند
چهار از آنها فرض است و چهار دیگر سنت و چهار دیگر تادیبست اما
فرض پس آنست که منعم خود را بشناسد و بداند که نعمت از جانب پروردگار است
و راضی باشد بآنچه خدا باو عطا کرده است و بسم الله بگوید و خدا را شکر کند
و اما سنت پس دست شستن پیش از طعام و بر جانب چپ نشستن و بسه
انگشت چیزی خوردن و انگشتان لیسیدن و اما تادیب پس از پیش خود
چیزی خوردن و لقمه را کوچک برداشتن و بسیار خاییدن و در روی مردم
کم نگاه کردن و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع بحضرت
امام حسن صلوات الله علیهما فرمود که میخواهی ترا تعلیم نمایم چهار خصلت

که

که اگر بکار آوری از طبابت طبیبان مستغنی شوی گفت بلی یا امیر المؤمنین
فرمود که منشین بر طعام مگر وقتی که گرسنه باشی و برمخیز از طعام
مگر وقتی که خواهش داشته باشی و نیکو بخای و هر گاه که خواهی بخواب روی
به بیت الخلا برو و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که وقتی که
طعام میخوردند بسم الله میگفتند و از پیش خود چیزی بر میداشتند و پیش از
مهمانان شروع بطعام میکردند و با انگشت مهین و انگشت بعد از آن
و انگشت میانین طعام میخوردند و گاهی انگشت چهارم را هم ضم میکردند
و گاهی بتمام انگشتان میخوردند و هرگز بدو انگشت چیزی نمیخوردند و میفرمودند
که این خوردن شیطانست **فصل چهارم** در بیان آداب طعام خوردن
سنت که بدست راست چیزی بخورد و دو زانو بنشیند و خوابیده
چیزی نخورد اما اگر بدست چپ تکیه کند باکی نیست و چهار زانو نشستن
مکروهست و اگر پا بر روی زانو گذارد بدترست و تنها چیزی خوردن
مکروهست و با خدمتکاران و غلامان چیزی خوردن و بر روی زمین
چیزی خوردن سنتست و مشهور اینست که در وقت راه رفتن چیزی
خوردن مکروهست و پیش از طعام و بعد از آن دست شستن سنتست
و در دست شستن پیش از طعام سنتست که دست را بدستمال خشک نکند
و اول صاحبخانه دست بشوید و بعد از او هر که در جانب راست او است
و بترتیب بشویند تا آخر مجلس و در شستن بعد از طعام از جانب چپ صاحبخانه

ابتدا کند به خود و آخر هم بشوید و سنت است که هر دو با یک طشت بشوید
و آب را نریزند و بر سر خوانی که شراب خورده باشند چیزی خوردن حرام است
و بعضی گفته اند که هر حرامی که خورند یا کنند در آن مجلس چیزی خوردن
حرام است حتی بر سفره جماعتی که غیبت مسلمانان کنند و سنت است
که در اول و آخر طعام نمک بخورند و در حدیث معتبر از حضرت
امام موسی ع منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله لعنت فرمود
سه کس را کسی که توشه خود را تنها بخورد و کسی که بسفر تنها برود و کسی که
در خانه تنها بخوابد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که چون
در طعام چهار چیز جمع شود آن تمام است هرگاه از حلال باشد
و دست بسیار بر آن دراز شود و نام خدا در اولش گفته شود
و در آخرش حمد الهی بکنند و در حدیث صحیح منقول است که چون خوان
طعام نزد حضرت امام رضا ع حاضر میشد کاسه میطلبیدند
و از طعامهایی که لذیذتر بود از هر طعامی قدری میگرفتند و در آن
کاسه میگذاشتند و میفرمودند که بمساکین و درویشان بدهند
و در احادیث معتبره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که
حضرت یعقوب بمفارقت فرزند برای آن مبتلا شد که روزی گوسفند
فربهی کشت و بریان کرد و مرد صالح روزه داری در نزدیک خانه او
بود و بوی آنرا شنید و غافل شد که باو بخوراند پس جبرئیل در همان شب آمد

وگفت

و گفت مهیای بلا باش از جانب خدا و در همان شب حضرت یوسف آن
خواب دید پس بعد از آن حضرت یعقوب در وقت چاشت میفرمود
که ندا میکردند تا یک فرسخ راه که هر که چاشت میخواهد بطعام یعقوب
حاضر شود و در شب نیز چنین ندا میکردند و در حدیث دیگر منقول است
که چون خوان طعام حاضر شود هر سائلی که بیاید رد مکنید و بسند صحیح از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که ملعون است کسی که بنشیند بر
خوانی که در آن شراب خورند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است
که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد پس نخورد چیزی بر سر خوانی که در آن
شراب خورند و در فقه امام رضا علیه السلام مذکور است که مخور طعام در
خوانی که بعد از رفتن تو بر سر آن شراب خورند و در چندین حدیث
وارد شده است که چیزی خوردن در حالت جنابت سبب فقر و بی چیزی
میشود و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
نهی فرموده از خوردن و آشامیدن بدست چپ مگر آنکه مضطر باشد و دست
راستش علتی داشته باشد و بسندهای معتبر منقول است از حضرت صادق علیه السلام
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز تکیه کرده و بر پهلوی راست و پهلوی
چپ چیزی تناول نفرموده تا از دنیا رفت و بروش بندگان می نشست
و بروش بندگان چیزی میخورد از جهت تواضع و فروتنی نزد پروردگار خود
و در حدیث دیگر منقول است از آنحضرت که نباید تکیه کرده و بر رو خوابیده

چیزی بخورند و در حدیث حسن منقولست که روزی عباد بصری که از
مشایخ صوفیه و علمای عامه است در خدمت حضرت صادق ع نشسته بود
و حضرت طعام تناول میفرمود و دست چپ خود را بر زمین گذاشته بود
عباد گفت که مگر نمیدانی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی کرده است از
تکیه بر دست کردن در وقت طعام خوردن حضرت لحظه دست را برداشتند
و باز بر زمین گذاشتند دیگر باره عباد اعاده آن سخن کرد تا سه مرتبه
پس حضرت فرمود که والله که حضرت رسول ص هرگز نهی از این نفرموده
بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هرگاه بخوردن طعام
بنشینید بروش بندگان دو زانو بنشینید و یک پا را بر روی پای دیگر
مگذارید و چهار زانو منشینید که این نشستن و صاحبش را خدا دشمن
میدارد و ظاهر این حدیث آنست که چهار زانو که نهی واقع شده است
آنست که بروش جباران یک پا را بر بالای ران گذارد و در حدیث منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر سر خوان می نشستند از پیش خود
طعام میخوردند و بروشی که در تشهد نماز می نشستند بهمان روش
می نشستند و زانوی راست را بر بالای زانوی چپ و پای راست را بر شکم
پای چپ میگذاشتند و میفرمودند که من بنده ام بروش بندگان میخورم
و بروش بندگان می نشینم و از حضرت صادق ع منقولست که مکروهست
آدمی را که از دست چپ چیزی بخورد یا بیاشامد یا چیزی بان بردارد

و حال

و حال آنکه تواند از دست راست برداشتن و در حدیث معتبر از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که باکی نیست که در حال
راه رفتن چیزی بخورند و در حدیث دیگر فرموده که روزی حضرت رسول ص
پیش از نماز صبح بیرون آمدند و پاره نانی در دست داشتند که بان
شیر ریخته بودند و میخوردند و بنماز می آمدند و بلال اقامه نماز میگفت
پس با مردم نماز کردند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که مخور چیزی در حالت راه رفتن مگر آنکه مضطر باشی و در
احادیث معتبره بسیار از حضرت امیر المؤمنین و ائمه طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین منقولست که هر که خواهد خیر خانه اش بسیار شود دست را پیش از
طعام خوردن بشوید و فرمودند که دست شستن پیش از طعام و بعد از
طعام فقر را زایل میکند و روزی را زیاد میکند و چرک را از جامه دور میکند
و چشم را جلا میدهد و دردها را از بدن دور میکند و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که دستها را همه در یک ظرف بشوئید تا اخلاق شما
نیکو شود و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که در دست شستن پیش از
طعام اول صاحبخانه میشوید که دیگران را دشوار نباشد دست شستن و چون
از طعام فارغ شوند ابتدا از کسی میکنند که در جانب راست در گاه نشسته است
و در روایت دیگر آمده است که در شستن پیش از طعام اول صاحبخانه میشوید
و بعد از او هر که در جانب راستش نشسته است و در شستن بعد از طعام

ابتدا بدست چپ جا بجا نه میکنند و خود آخر همه میشوید زیرا که اولی آنست
اینکه صبر کند بر آلودگی دست و در حدیث حسن از امام منقولست که دیدیم
حضرت امام موسی ع که چون پیش از طعام دست می‌شستند دست را
بدستمال پاک نمیکردند و بعد از طعام که می‌شستند دست را بدستمال پاک
میکردند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر ع منقولست که دست را
برای طعام خوردن که بشوئی دست را بدستمال پاک مکن زیرا که تا تری
در دست هست برکت در طعام هست و فرمود که بعد از شستن
دست را بر رو مالیدن کلف از رو برطرف میکند و روزی را زیاد میکند
و از مفضل بن عمر منقولست که شکایت کرد بآنحضرت از آزار چشم
حضرت فرمود که چون بعد از طعام دست را بشوئی دستها را بر ابروها
بمال و سه نوبت بگو الحمد لله المحسن المجمل المنعم المفضل مفضل گوید که
چنین کردم هرگز آزار چشم ندیدم و از حضرت امام رضا ع منقولست
که چون حضرت رسول ص بعد از طعام دست می‌شستند آب در دهان میکردند
و مضمضه میفرمودند و حضرت صادق ع فرمود که در اشنان که دست
بآن میشویند سعد داخل کنید که دهان را خوشبو میکند و بر قوت
جماع می‌افزاید و منقولست که چون حضرت امام رضا ع با اشنان دست
می‌شستند اشنان را در دهان میکردند و میخاییدند و می‌انداختند و منقولست
که حضرت امام محمد تقی ع بعد از آنکه چاشت را تناول فرمودند دست

شستند

شستند و دستها را بر سر و رو مالیدند پیش از آنکه بدستمال پاک کنند
و فرمودند اللهم اجعلنی ممن لا یرهق وجهه قتر و لا ذلة و در
روایت دیگر از حضرت رسول ص منقولست که چون دست را بعد از طعام
بشوئی بر رو و دیدها بمال پیش از آنکه بدستمال پاک کنی و بگو اللهم انی
اسئلک الزینة و المحبة و اعوذ بک من المقت و البغضة
و از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که دستش پاکیزه باشد باکی نیست
که طعام بخورد بدون آنکه دست بشوید و از فضل بن یونس منقولست که
حضرت امام موسی ع بمنزل من آمدند و چون طعام حاضر شد دستمال
آوردم که در دامن ایشان بگذارم قبول نکردند و فرمودند که این طریقه
عجمانست و از حضرت صادق ع منقولست که چون بعد از طعام دست
بشوئی بآن تری که در دست هست دیدهای خود را مسح کن که از این امانست
از درد چشم و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت رسول ص
از دست شستن بعد از طعام فارغ میشدند دست را بر رو میکشیدند
و این دعا میخواندند الحمد لله الذی هدانا و اطعمنا و سقانا و کل بلاء
صالح اولانا و در حدیث موثق منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود که یا علی در اول طعام و آخر طعام نمک بخور
که هر که در طعام افتتاح و اختتام بنمک کند خدا دفع کند از او هفتاد
نوع از انواع بلا را که آسانتر آنها خوره باشد و در روایت حسن دیگر [illegible]

یابد از هفتاد و دو نوع از انواع بلا که از جمله آنها دیوانگی و خوره و پیسی است
و در روایت دیگر از درد گلو و درد دندان و درد شکم و در حدیث معتبر از
حضرت امام محمد باقر ع منقولست که در نمک شفاست از هفتاد نوع از
انواع درد هست و اگر مردم بدانند که چه منفعتها در نمک هست مداوا
نکنند مگر بآن و فرمود که حق تعالی وحی نمود بموسی ع که امر کن قوم خود را که
افتتاح و اختتام بنمک بکنند و اگر نکنند و ببلائی مبتلا شوند ملامت نکنند
مگر خود را و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول ص
در اثنای نماز عقربی گزید پس حضرت نعل بر او زد و او را کشت و چون فارغ
شد فرمود که لعنت خدا بر تو نه نیکوکار را میگذاری و نه بدکردار را مگر آنکه
آزار میرسانی پس نمک سائیده طلبید و بر موضع گزیدن عقرب مالید و فرمود
که اگر مردم منفعتهای نمک را بدانند محتاج بتریاک فاروق و غیر آن نشوند
و در بعضی روایات معتبره وارد شده است که ابتدا بسرکه نیز خوبست
و عقل را زیاد میکند و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر ع منقولست
که ما ابتدا بنمک و ختم بسرکه میکنیم و در روایت دیگر از آنحضرت ع
منقولست که هر که نمک بپاشد بر اول لقمه که میخورد رو بتوانگری آورد و در حدیث
دیگر منقولست که آنحضرت فرمود که من روزی بمجلس سفاح که یکی از خلفای
بنی عباس بود رفتم در وقتی که سفره اش گسترده بود پس دست مرا گرفت و بسوی خود
کشید پای من بر کنار سفره واقع شد پس آنقدر غمگین شدم که خدا داند زیرا که

ان

این کفران نعمتهاست و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که [illegible]
نشستن بر سر سفره را که این ساعتیست که از عمر شما حساب نمیشود و در حدیث
معتبر منقولست از یاسر خادم حضرت امام رضا ع که چون آنحضرت بر سر سفره
می نشستند هیچ کوچک و بزرگی را نمیگذاشتند مگر آنکه بر سر سفره میطلبیدند
حتی مهتر و حجام و از ابراهیم بن العباس مرویست که آنحضرت چون خلوت
میکردند و سفره می آوردند غلامان خود را بر سر خوان میطلبیدند حتی
دربانان و خدمتکاران و از حضرت رسول ص منقولست که چون طعام
خورید نعل و کفش را از پا بیرون کنید که سنت نیکوست و بیشتر راحت
میدهد پاهای شما و در اخبار معتبره وارد شده است که امتیاز انسان
از حیوانات دیگر آنست که بدست چیزی میتواند خورد پس باید بدست چیزی
بخورد و باسانید معتبره منقولست که حضرت رسول ص چون با جماعتی
طعام میخوردند یعنی مهمانان پیش از همه دست در آن میکردند و بعد از
همه دست میکشیدند برای آنکه ایشان بیشتر چیزی بخورند و منقولست که
حضرت رسول ص هرگز بر خوان چیزی نخوردند بلکه بر روی سفره میخوردند
و از فحوای اخبار چنین معلوم میشود که در آن زمان خوانها را پایه داد
و بلند میساختند از روی تکبر که برای طعام خوردن خم نباید شد و الله یعلم
و در حدیث موثق منقولست از جماعتی بسیار که از حضرت صادق ع پرسیدند
که وقت نماز میشود و طعام رسیده است بکدام یک ابتدا کنیم فرمود که اگر اول

وقت نماز باشد اول طعام بخورید و اگر از وقت نماز گذشته باشد
و بیم آن باشد که تا طعام خوردن وقت فضیلت بدر رود ابتدا بنماز
بکنید **فصل پنجم** در بیان دعاهای وقت طعام خوردن از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون خوان را میگذارند چهار هزار ملك
بر دور آن احاطه میکنند اگر بنده بسم الله گفت ملکها میگویند خدا برکت
زیاد کند بر شما در طعام شما پس با شیطان میگویند بیرون رو ای فاسق
که ترا بر ایشان سلطنتی نیست و بعد از فارغ شدن اگر گفتند الحمد لله
ملکها میگویند که ایشان جماعتی اند که نعمت داده خدا بایشان پس ادا
کردند شکر پروردگار خود را و اگر بسم الله در اول نگفتند ملکها با شیطان
میگویند که بیا ای فاسق با ایشان طعام بخور و اگر خوان را برداشتند
و ایشان حمد الهی نکردند ملکها میگویند که ایشان گروهی اند که خدا بایشان
نعمت داده و ایشان پروردگار خود را فراموش کردند و در حدیث معتبر از
حضرت ابی عبد الله ع منقولست که چون خوان را بگذارند بگو بسم الله
و چون شروع کنی بخوردن بگو بسم الله علی اوله و آخره و چون خوان را
بردارند بگو الحمد لله و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که هر که نام خدا بر اول طعام ببرد و حمد خدا در آخر بکند هرگز از آن طعام
از او سؤال نکنند و بسند حسن از حضرت صادق ع منقولست که هرگاه مسلمان
خواهد که طعام بخورد و چون لقمه بردارد و بگوید بسم الله و الحمد لله رب

العالمین

العالمین پیش از آنکه لقمه بدهانش برسد خدا گناهانش را بیامرزد و در
حدیث دیگر منقولست که چون سفره نزد حضرت رسول ص میگستردند این دعا
میخواند سبحانك اللهم ما احسن ما تبتلینا سبحانك ما اکثر ما تعطینا
سبحانك ما اکثر ما تعافینا اللهم اوسع علینا و علی فقراء المؤمنین
و المؤمنات و المسلمین و المسلمات و در روایت معتبر دیگر منقولست
که چون طعام نزد حضرت امام زین العابدین ع میگذاشتند این دعا میخواند
اللهم هذا من منك و من فضلك و عطائك فبارك لنا فیه و سوغناه
و ارزقنا خلفا اذا اکلناه و رب محتاج الیه رزقت فاحسنت
اللهم اجعلنا من الشاکرین و چون خوان را بر میداشتند این دعا میخواند
الحمد لله الذی حملنا فی البر و البحر و رزقنا من الطیبات و فضلنا
علی کثیر من خلقه تفضیلا و از حضرت صادق ع منقولست که نام خدا
بر طعام ببرید و چون فارغ شوید بگویید الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم
و در حدیث دیگر منقولست که چون خوان را بر میداشتند حضرت رسول ص
این دعا میخواند اللهم اکثرت و اطبت و بارکت فاشبعت و ارویت
الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر علیه السلام
منقولست که فرمود که پدرم بعد از طعام این دعا میخواند الحمد لله الذی
اشبعنا فی جائعین و ارونا فی ظامئین و آوانا فی ضاحین و حملنا
فی راجلین و امننا فی خائفین و اخدمنا فی عانین و در حدیث صحیح

ممن خلق

از ذران منقولست که با حضرت صادق ع طعام خوردم بسیار میگفت
الحمد لله الذی جعلنی اشتهیه و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت
منقولست که روزی حضرت امیر المؤمنین ع میفرمود که من ضامنم از برای
کسی که بسم الله بر طعامی بگوید که آزار نکشد ابن کوا گفت که یا امیر المؤمنین
دیشب طعام خوردم و بسم الله گفتم و آزار کشیدم حضرت فرمود که
شاید چند رنگ طعامی خورده باشی و بر بعضی بسم الله گفته باشی
و بر بعضی نگفته باشی ای احمق و در حدیث صحیح منقولست که شخصی
بحضرت صادق ع عرض کرد که از طعام آزار میکشم فرمود که مگر بسم الله
نمیگویی گفت میگویم و باز آزار میکشم فرمود که هرگاه سخن میگویی باز بسم الله
میگویی گفت نه فرمود که باین سبب آزار میکشی هرگاه که از سخن فارغ شوی
و عود بخوردن کنی بسم الله بگو و در روایت صحیح دیگر منقولست از آنحضرت
که هرگاه چند ظرف باشد بر هر ظرفی یک بسم الله بگو راوی گفت که اگر
فراموش کنم چکنم فرمود که بگو بسم الله علی اوله و آخره و در روایت
معتبر دیگر منقولست که آنحضرت بعد از طعام این دعا میخواندند اللهم
هذا امتنانک و محمد رسولک صلی الله علیه و آله اللهم لک الحمد
صل علی محمد و آل محمد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که خدا را یاد کنید در هنگام خوردن و حرف بسیار مگویید که آن
طعام نعمت و روزی خداست و بر شما واجبست که در وقت صرف کردن

آن

آن شکر خدا و یاد او و حمد او بکنید و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که چون ملائکه بحضرت ابرهیم ع آمدند گوساله بریان
برای ایشان آورد و گفت بخورید گفتند نمیخوریم تا بگویی که قیمتش
چیست حضرت ابرهیم گفت که چون شروع در خوردن کنید بگویید
بسم الله و چون فارغ شوید بگویید الحمد لله حضرت جبرئیل رو کرد
بسوی سه ملک دیگر و گفت لازم است و سزاوار است که حق تعالی چنین
بنده را خلیل خود کرداند و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست
که طعام خورنده شکر کننده بهتر از روزه دار خاموش است و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت صادق ع به سماعه گفت که ای سماعه بخور و حمد خدا
کن و مثل بکر خاموش مباش و منقولست بسند صحیح که حضرت علی بن الحسین ع
بعد از طعام این دعا میخواندند الحمد لله الذی اطعمنا و سقانا و کفانا
و ایدنا و آوانا و انعم علینا و افضل الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که فرمود که هرگز از
امتلای طعام آزار نکشیده ام زیرا که هیچ لقمه را بدهان نبرده ام مگر
آنکه نام خدا را بر آن گفته ام و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت
فرمود که من ضامنم که هر که این کلمات را بگوید هیچ طعامی او را آزار نکند
اللهم انی اسألک باسمک خیر الاسماء ملأ الارض و السماء
الرحمن الرحیم الذی لا یضر معه داء و در روایت دیگر منقولست که

شخصی از ضعف معده بحضرت صادق ع شکایت کرد حضرت فرمود
که چون از طعام خوردن فارغ شوی دست بر شکم بمال و بگو اَللّٰهُمَّ
هَنِّئْنِیهِ اَللّٰهُمَّ سَوِّغْنِیهِ اَللّٰهُمَّ اَمْرِئْنِیهِ و در حدیث صحیح از آنحضرت
منقولست که چون خوان حاضر شد اگر یکی از حاضران بسم الله بگوید
از دیگران مجزیست **فصل ششم** در آداب بعد از طعام در حدیث معتبر
از حضرت امام رضا ع منقولست که هر گاه چیزی خوردی بر پشت بخواب
و پای راست را بر روی پای چپ بگذار و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع
مرویست که بخورید آنچه از خوان بر زمین افتد که خوردن آن شفای هر درد است
باذن الهی برای کسی که بآن طلب شفا نماید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی
بحضرت صادق ع شکایت نمود از درد تهیگاه فرمود که بر تو باد بآنچه از خوان
بر زمین می افتد بخور پس چند کس که صاحب این درد بودند کردند نفع یافتند
از ایشان و در حدیث دیگر معویة بن وهب گوید که در خدمت آنحضرت طعام
خوردیم چون خوان بر داشتند بر چیدند آنچه از خوان افتاده بود و تناول
میفرمودند بعد از آن فرمودند که خوردن اینها فقر و درویشی را برطرف میکند
و فرزندان را زیاد میکند و از حضرت رسول ص منقولست که هر که پاره نانی
بیابد و بردارد و بخورد یک حسنه برای او باشد و هر که پاره نانی در
جای کثیفی بیابد پس بشوید آنرا و بردارد برای او هفتاد حسنه بوده
باشد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله

روزی بخانه عایشه آمدند پاره نانی دیدند که بر زمین افتاده است
بر داشتند و تناول فرمودند و گفتند ای عایشه گرامی دار نعمتهای خدا را
بر خود که نعمت خدا از جماعتی که رو گردانید دیگر بسوی ایشان بر نگردد و در
حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که در خانه طعامی بخورد
و از آن طعام چیزی بیفتد آنرا بردارد و بخورد و اگر در صحرا باشد برای
مرغان و حیوانات بگذارد و از حضرت امام محمد تقی ع منقولست که اگر
در صحرا باشد بمدارا اگر چه پای ران گوسفند باشد و از عبدالله ارجانی
منقولست که در خدمت صادق علیه السلام بودم دیدم بعد از طعام میکرد
و آنچه افتاده بود بر میداشت حتی کنجد و امثال آنرا گفتم فدای تو شوم اینها را هم
بر میچینید فرمود که اینها روزی را فراخ میکند از برای دردی که اینها شفا است
از هر دردی و در حدیث دیگر منقولست که خوردن آن فقر را برطرف میکند
از خورنده آن و فرزندان او و فرزند فرزندان او تا فرزند هفتم و در روایت
دیگر هر که بخورد خدا نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی و دیوانگی و حماقت
و در حدیث دیگر منقولست که هر که خرمایی یا پاره نانی ببیند که بر زمین افتاده است
پس بر دارد و پاک کند و بخورد در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه بهشت او را واجب شود
و بسندهای معتبر از حضرت رسول ص منقولست که آنچه از سفره و خوان میریزد
مهر حور العین است و بسند معتبر دیگر منقولست که روزی حضرت امام حسین علیه السلام
داخل بیت الخلا شدند لقمه نانی دیدند که افتاده است برداشتند و بغلامی از غلامان

خود دادند و فرمودند که هرگاه بیرون آیم این بمن ده پس چون بیرون آمدند
پرسیدند که چه شد لقمه گفت خوردم فرمود که ترا آزاد کردم از برای خدا شخصی
پرسید از سبب آزاد کردن غلام حضرت فرمود که از جدم رسول خدا صلعم شنیدم که
هر که لقمه بیابد و آنرا پاک کند یا بشوید پس بخورد آنرا در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه
خدا او را از آتش جهنم آزاد کرداند و من نمیخواهم در بندگی بدارم کسی را که خدا
از آتش جهنم آزاد کردانیده و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست
کریم خورده مؤمن شفای هفتاد درد است و در حدیث دیگر منقولست که
آنحضرت فرمود که من انگشتان خود را بعد از طعام آنقدر میلیسم که خادم من گمان
میکند که از حرص است بلکه چنین نیست بدرستی که حق تعالی نعمت فراوان
عطا فرمود بر اهل ثرثار بحدی که از مغز گندم نان سفید نقی میپختند
و با آن استنجا میکردند و بمقعد اطفال خود میمالیدند تا آنکه کوه عظیمی از آن
نانها جمع شد روزی مرد صالحی گذشت دید که زنی از آن نان نجاست از طفل
خود پاک میکند گفت که از خدا بترسید و نعمت خدا را از خود برطرف کردانید
آن زن گفت که ما را از گرسنگی میترسانی تا این نهر ما جاریست ما از گرسنگی نمیترسیم
پس حق تعالی بر ایشان غضب فرمود و باران آسمان و گیاه زمین را از ایشان
باز داشت تا آنکه محتاج شدند بآن نانها که استنجا کرده بودند و بر آن زود در میان
خود قسمت میکردند و بسند معتبر از یاسر خادم حضرت امام رضا ع
منقولست که آنحضرت بخادمان خود فرمود که اگر من بر بالای سر شما بایستم

در وقت طعام خوردن برمخیزید تا فارغ شوید و بسیار بوده که یکی از
ماها را میطلبید میگفتند چیزی میخورد میفرمود بگذارید تا فارغ شوند
و در وقت طعام خوردن ما را خدمت میفرمود **فصل هفتم** در فضیلت
نان و سویق و گوشت و روغن و سایر آنچه از حیوان حاصل میشود و سرکه
و شیرینیها بروایت معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که گرامی دارید
نان را که کار کرده اند در آن ملائکه از ما بین عرش تا زمین و بسیاری از اهل
زمین تا آنکه برای شما بعمل آمده است بعد از آن فرمود که بود زنی حضرت
دانیال بنزد کشتیبانی آمد و گرده نانی با او داد که مرا از آب بگذران کشتیبان
نان را انداخت و گفت این نان را چه میکنم در پیش ما این نان در زیر پای مردم
افتاده است و پامال میکنند پس دانیال دست بسوی آسمان بلند کرد
و گفت پروردگارا نان را گرامی دار بتحقیق که دیدی که این بنده چه کرد با نان
و چه گفت پس خدا و [illegible] وحی نمود بآسمان که باران مبار بر ایشان
و وحی فرمود بزمین که گیاه مرویان برای ایشان تا آنکه کار ایشان بجایی رسید
که از گرسنگی یکدیگر را میخوردند پس دو زن که هر یک فرزندی داشتند روزی
یکی بدیگری گفت که بیا من و تو امروز فرزند ترا بخوریم و فردا فرزند مرا بخوریم
پس چون نوبت بفرزند زن دیگر رسید ابا کرد از فرزند و نزاع کردند و محاکمه
بنزد حضرت دانیال آوردند حضرت فرمود که کار باینجا رسیده است
گفتند بلی و بدتر پس دست بآسمان برداشت و گفت پروردگارا عود کن

برما بفضل رحمت خود و عقاب مکن اطفال و بی گناهان را بگناه کشتی بانان
پس حق تعالی وحی فرمود باسمان که باران ببار و بزمین که گیاه برویان
برای خلقم ایجد درین مدت از ایشان فوت شده است بدرستی که من رحم
کردم برایشان بطفل صغیر و بسند صحیح و غیر صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که نان را در زیر کاسه مگذارید و در حدیث دیگر فرمود که نان را
گرامی دارید گفتند گرامی داشتن نان کدام است فرمود که چون نان حاضر شود
بخورید و انتظار چیز دیگر مبرید و از حضرت رسول صلعم مرویست که نان را
بو مکنید بروش درندگان که نان با برکت و بآن نماز میکنید و روزه
میدارید و هیچ خانه برو و دو کار میکنید و در روایت دیگر فرمود که خداوندا
برکت بده از برای ما در نان و میان ما و آن جدایی میفکن که اگر نان نباشد
ما نماز نمیکنیم و روزه نمیگیریم و فرایض خدا را ادا نمیتوانیم کرد و در
حدیث دیگر فرمود که چون نان و گوشت حاضر شود ابتدا بنان کنید و رخنه
گرسنگی را بنان ببندید پس گوشت بخورید و بسند صحیح از حضرت امام رضا ع
منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که گردهای نان را کوچک کنید که با هر گردی
برکتیست و در چند حدیث معتبر منقولست که نان را بروش عجمان بکارد
مبرید ولیکن بدست بشکنید و در بعضی روایات وارد شده است
که اگر نان خورش نباشد نان را بکارد میتوان برید و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا ع منقولست که فضیلت نان جو بر نان گندم مانند فضیلت ما

اهل بیت

اهل بیت است بر سایر مردم و هیچ پیغمبری نیست مگر آنکه دعا کرده است برای خورندن
نان جو یا آش جو و برکت فرستاده است برو و داخل هیچ شکمی نمیشود مگر آنکه هر دردی که
در آن هست بیرون میکند و نان و طعام حق تعالی قوت پیغمبرانست و طعام نیکان
گردانیده است قوت پیغمبران را نان جو و فرمود که داخل شکم صاحب مرض سل نمیشود
چیزی که نافعتر از نان برنج باشد و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر علیه السلام
منقولست که برای صاحب اسهال نان برنج نیکوست و همچنین برای صاحب
سل و دردهارا از بدن میکشد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که
پیوسته خوراک حضرت رسول صلعم نان جو بود تا از دنیا مفارقت کردند و در
حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که نیکو خوراکیست سویق یعنی
آرد بو داده گرسنه را سیر میکند و طعام را هضم میکند و از حضرت صادق ع
منقولست که سویق بوحی الهی ساخته شده است و گوشت را میرویاند و
استخوان را محکم میکند و خوراک پیغمبرانست و قاوت خشک صفرا را زایل
میگرداند و باید خوردن گوشت را میرویاند و استخوان را سخت میکند و بلغم را
نازک میکند و قوت جماع را زیاد میکند و اگر سه کف سویق خشک ناشتا
خورده شود بلغم و صفرا را برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که سویق
هفتاد نوع بلا را دفع میکند و هر که چهل صباح بخورد کتفین او پر میشود از قوت
و در حدیث دیگر فرمود که سویق عدس تشنگی را زایل میکند و معده را قوت
میدهد و صفرا را فرو مینشاند و معده را پاک میکند و شفای هفتاد درد است

و هیجان خون و حرارت را برطرف میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام
محمد تقی ع منقولست که زنی که خون حیضش بند نشود سویق با وی باید بخورد
تا بند شود و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که
بهترین نان خورشها در دنیا و آخرت گوشت است مگر نشنیده که حق تعالی
در وصف بهشت میفرماید وَلَحْمِ طَیْرٍ مِمّا یَشْتَهُونَ یعنی و گوشت مرغ از
آنچه خواهش داشته باشند آنرا و در حدیث معتبر دیگر منقولست که عبد
الاعلی گفت بآنحضرت عرض نمودند که نزد ما روایت میکنند از حضرت
رسول ص که خدا دشمن میدارد خانهٔ پر گوشت را حضرت فرمود که راست میگویند
اما آن معنی ندارد که ایشان فهمیده اند بلکه معنیش آنست که خدا دشمن میدارد
خانه را که گوشت مردم را بغیبت در آنجا بخورند و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقولست که حضرت رسول ص گوشت بسیار میخوردند و دوست میداشتند
و فرمود که پدرم گوشت دوست میداشت و در روزی که فوت شد سی درهم برای
خریدن گوشت جدا کرده بود و حضرت رسول ص فرمود که ما گروه قریش
گوشت را دوست میداریم و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست
که گوشت خوردن در بدن گوشت میرویاند و کسی که چهل روز گوشت نخورد
کج خلق میشود و هرکه کج خلق شود اذان در گوشش بگوید و فرمود که هرگاه
چهل روز بگذرد و گوشت نخورد توکل بر خدا کند و قرض کند و بخورد که قرضش
ادا میشود و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام رضا ع

عرض کرد که اهل بیت ما گوشت گوسفند نمیخورند و میگویند که سودا را
بحرکت می آورد و از آن درد سر و دردهای دیگر بهم میرسد حضرت فرمود
که اگر خدای تعالی گوشتی بهتر از گوشت گوسفند میدانست فدای اسمعیل
گوسفند قرار نمیکرد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بنی اسرائیل
بحضرت موسی ع شکایت کردند از پیسی که در میان ایشان پیدا شده بود
حق تعالی وحی نمود بحضرت موسی ع که امر کن ایشان را که گوشت گاو با چغندر
بخورند و از حضرت صادق ع منقولست که مرق گوشت گاو پیسی را زایل
میکند و فرمود که شیر گاو دواست و روغن گاو شفاست و گوشت گاو
درد است و در چند حدیث منقولست که هر که یک لقمه چربی گوشت بخورد
بقدر آن درد از بدنش بیرون رود و از حضرت امیرالمؤمنین ص مرویست
که اردک گاومیش مرغانست چون لجن میخورد و مرغ خانگی خوک مرغانست
زیرا که فضلهٔ آدمی میخورد و دراج حبشی مرغانست چرا نمیخورید و کبوتر را بخورید
که تا نبیره از آدم باشند و زنگی زیادتی قوت باکین خود ایشان را تربیت
کرده باشد و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که خواهد خشم او کم شود
و اندوهش زایل شود گوشت دراج بخورد و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که گوشت کبک ساق پا را قوی میکرد اند و تب را دور میکند و در
حدیث صحیح از حضرت امام محمد تقی ع منقولست که گوشت اسفرود بادکت
و پدرم آنرا دوست میداشت و میفرمود که برای صاحب یرقان بریان کنند

و باید بجوشانید و از حضرت امام موسی ع منقولست که گوشت چربی را
خوردن باکی نیست و از برای دفع بواسیر و درد پشت نافع است و اعانت
میکند بر بسیاری جماع و از حضرت امام رضا ع سؤال کردند از گوشت
گورخر فرمود که چون وحشی است خوردنش جایز است اما نخوردنش نزد
من بهتر است و از حضرت امام موسی ع منقولست که باکی نیست در خوردن
گوشت و شیر و روغن گاومیش و در حدیث حسن منقولست که حضرت
رسول ص نهی فرمود از خوردن گوشت خام و فرمود که این خوردن حیوانات
درنده است بلکه نباید خورد تا آنکه آتش یا آفتاب آنرا تغییر دهد و در
حدیث صحیح منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند از خوردن گوشت خام
فرمود که طعام درندگانست و در احادیث بسیار منع وارد شده است از گوشت
قدید کردن یعنی خشک کرده باشند و وارد شده است که دردها را بحرکت
می آورد و معده را سست میکند و در بعضی احادیث تجویز خوردنش هم
وارد شده است و از حضرت صادق ع منقولست که سه چیز است که بدن را
خراب میکند و بسیار باشد که آدمی را بکشد خوردن گوشت قدید بد بو
و با امتلای معده بحمام رفتن و جماع با زنان پیر کردن و در روایت دیگر
یا امتلای مجامعت با زنان کردن و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که
سه چیز است که خورده نمیشوند و بدن را فربه میکنند و سه چیز است که
خورده میشوند و بدن را لاغر میکنند و دو چیز است که بهمه جهت نفع میرسانند

و بهیچ جهت

و بهیچ جهت ضرر نمیرسانند و دو چیز است که بهمه جهت ضرر میرسانند
و بهیچ جهت نفع نمیرسانند اما آنها که خورده نمیشوند و فربه میکنند بدن
کتان پوشیدن و بوی خوش کردن و نوره مالیدن و اما آنها که خورده میشوند
و لاغر میکنند گوشت خشک و پنیر و شکوفه خرما و اما آن دو چیز که
بهمه جهت نفع میرسانند آب نیم گرم و انار و اما آن دو چیز که بهمه جهت
ضرر میرسانند گوشت خشک کرده و پنیر و در احادیث بسیار وارد شده است
که حضرت رسول ص گوشت دست و کتف گوسفند را دوست میداشتند
و از گوشت ران گوسفند کراهت داشتند برای آنکه بمحل بول نزدیکست
و بچندین سند منقولست که حضرت آدم ع گوسفندی قربانی کرد برای پیغمبران
از فرزندان خود و برای هر پیغمبری عضوی نام برد و از آنجمله برای پیغمبر آخر
الزمان صلوات الله علیه دست گوسفند را نام برد باین سبب آنحضرت او را
دوست میداشت و بر همه اعضای گوسفند تفضیل میداد و در حدیث
حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که گوشت که با شیر پخته باشند
مرق پیغمبرانست و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر گاه ضعف
بر مسلمانی مستولی شود گوشت را با شیر بپزد و بخورد و در حدیث دیگر منقولست
که یکی از پیغمبران بحق تعالی شکایت نمود از ضعف و سستی بدن وحی رسید باو
که گوشت با شیر طبخ کن و بخور که بدن را قوت میدهد و در روایت معتبر
منقولست که محبوب ترین طعامها نزد حضرت رسول ص آش انار بود و بسند

صحیح منقولست که حضرت صادق ع زیربه را دوست میداشتند و آن
اشنی یا قلیه بوده است که مویز در آن میکردند و در احادیث بسیار مدح مرق
گوشت که نان در آن ترید کرده باشند وارد شده است و احادیث معتبره
در مدح کباب منقولست که ضعف را زایل میگرداند و رنگ را سرخ میکند و بادرا
زایل میکند و در حدیث معتبر منقولست که اصبغ بن نباته گفت روزی بخدمت
حضرت امیرالمؤمنین ع رفتم و در پیش آنحضرت گوشت بریانی گذاشته بود فرمود
که نزدیک بیا و بخور گفتم یا امیرالمؤمنین مرا ضرر میکند فرمود که ترا
دعایی تعلیم میکنم که چون آن دعا را بخوانی هیچ چیز ترا ضرر نرساند بسم الله
خیر الاسماء ملاء الارض والسماء الرحمن الرحیم الذی لا یضر مع اسمه
شیء ولا داء و مدح کاهو نیز در حدیث وارد شده است که عقل تذکیه است
و بجرا کاهو از همه اعضا تر و پاکتر و از کثافات دورتر است و از حضرت امیرالمؤمنین ع
منقولست که بر شما باد بخوردن هریسه که تا چهل روز قوت عبادت میدهد و از
جمله مایده است که خداوند عالمیان بر حضرت رسول ص نازل گردانید و از
حضرت صادق ع منقولست که پیغمبری از پیغمبران بحق تعالی شکایت نمود از
ضعف کمی قوت جماع حق تعالی او را امر نمود بخوردن هریسه
و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که خداوند عالم هدیه فرستاد برای
پیغمبرش هریسه از هریسهای بهشت که دانه اش در باغهای بهشت روییده بود
و حوران بهشت بدست خود بعمل آورده بودند پس چون حضرت رسول

آنرا

آنرا تناول نمود قوت چهل مرد بر قوت آنحضرت افزود و این چیزی بود
که خدا میخواست که پیغمبرش را بآن خوشحال گرداند و در مدح ثلثه وارد شده است
و آن طعامی بوده است که یک قفیز برنج و یک قفیز نخود و یک قفیز باقلا را
میکوفته اند و میپخته اند و گاهی بعوض باقلا دانه دیگر میکرده اند و مدح تلبین
نیز وارد شده است و آن حلوای روانی بوده است که از آرد و شیر و عسل
بعمل می آورده اند و از هشام بن موفق منقولست که حضرت امام موسی ع
روزی مرا طلبید و در خدمت آنحضرت طعام خوردم و حلوای بسیار آورده بود
گفتم چه بسیار است حلوا فرمود که ما و شیعیان ما از شیرینی خلق شده ایم
پس دوست میداریم حلوا را و از عبدالاعلی منقولست که روزی در خدمت
حضرت صادق ع طعام خوردم مرغی آوردند که میانش را از خرما و روغن
پر کرده بودند و در حدیث موثق منقولست از یونس بن یعقوب که او گفت ما
در مدینه بودیم حضرت صادق ع بنزد ما فرستاد که برای ما پالوده بسازید
و کم بپزید ما کاسه کوچکی بخدمت آنحضرت فرستادیم و در حدیث دیگر از
آنحضرت منقولست که هر که شب ماهی بخورد و بعد از آن خرما یا عسل نخورد تا
صبح رگ فالج در بدن او متحرک میباشد و فرمود که حضرت رسول ص چون
ماهی تناول میکردند میفرمودند اللهم بارک لنا فیه وابدلنا به خیرا منه
یعنی خداوندا برکت ده برای ما در این ماهی و بعوض این بهتر از این بما عطا کن
و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که بر شما باد بخوردن ماهی

که اگر بی نان بخورید کافیست و اگر با نان بخورید گوارا است و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که مداومت منمائید بر خوردن ماهی که بدن را
میکاهاند و در روایت دیگر منقولست که ماهی تازه پیه چشم را میگدازد
و در حدیث صحیح وارد است که شخصی بخدمت حضرت امام حسن عسکری ع
نوشت که هرگاه که حجامت میکنم صفرا هیجان می آید و اگر نمیکنم خون زیاد میکند
حضرت در جواب نوشتند که حجامت بکن و بعد از آن ماهی تازه که با آب
نمک کباب کرده باشد بخور پس آن مرد چنین کرد و همیشه در عافیت بود
و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که تخم سبکست و خواهش
گوشت را برطرف میکند و مفسده گوشت را ندارد و شخصی بخدمت حضرت
امام رضا ع شکایت کرد از کمی فرزند فرمود که استغفار بکن و تخم مرغ با
پیاز بخور و از حضرت امام جعفر ع منقولست که پیغمبری بخدا شکایت کرد
از کمی نسل وحی باو رسید که تخم با گوشت بخور و در حدیث دیگر فرمود که زرده
تخم سبکست و سفیده اش سنگینست و از حضرت امام موسی ع منقول است
که بسیار خوردن تخم زیاد میکند فرزند را و در احادیث در مدح سرکه
بازیت وارد شده است که خورش پیغمبرانست و ائمه علیهم السلام تناول
مینموده اند و در مدح سرکه احادیث معتبره بسیار وارد شده است
و منقولست که بهترین نان خورشها نزد حضرت رسول ص سرکه بود و میفرمودند
که خانه که در آن سرکه باشد خالی از نان خورش نیست و حضرت امیر المؤمنین ع

فرمود

فرمود که نیکو نان خورشیست سرکه صفرا را فرو مینشاند و دل را زنده میکند
و از حضرت صادق ع بطرق متعدده منقولست که سرکه که از شراب بهم رسیده
باشد کرم معده را میکشد و بن دندانرا محکم میکند و عقل را قوی میکند
و شهوت زنا را قطع میکند و فرمود که بنی اسرائیل در اول و آخر طعام سرکه
میخوردند و ما در اول طعام نمک میخوریم و در آخر طعام سرکه میخوریم و در
احادیث بسیار مدح روغن زیت و خوردن و مالیدن آن وارد شده است
و منقولست که نان خورش پیغمبران و برگزیدگانست و مدح میوه زیتون
نیز بسیار وارد شده است و منقولست که دفع بادها میکند و همچنین
بسند از ائمه طاهرین علیهم السلام منقولست که مردم طلب شفا نموده اند بچیزی
مانند عسل و آن شفای هر دردیست و خوردن عسل و تلاوت قرآن
و خائیدن کندر بلغم را میگدازند و در مدح شکر احادیث بسیار
وارد شده است و مراد از آن یا نباتست یا قند یا از قبیل نقل چیزی از او
شکر میساخته اند و منقولست که حضرت امام موسی ع در وقت خواب
تناول میفرمودند و منقولست که بهمه جهت نافع است و دفع بلغم میکند و در
روایتی وارد شده است که اگر کسی هزار درهم داشته باشد و بغیر آن
چیزی نداشته باشد و همه را شکر بخورد مسرف نخواهد بود و در مدح روغن
خصوصا روغن گاو احادیث بسیار وارد شده است و از برای پیران
که پنجاه سال یا زیاده داشته باشند منع از خوردن روغن وارد شده است

و منقولست که روغن گاو شفاست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت
رسول صلعم هرچه میخوردند و می آشامیدند میگفتند اللهم بارک لنا
فیه و ابدلنا خیراً منه یعنی خداوندا برکت ده برای ما در این که خوردیم
و عوض آن بهتر از آن بما عطا فرما و چون شیر تناول میکردند میفرمودند
اللهم بارک لنا فیه و زدنا منه یعنی خداوندا برکت ده برای ما در اینکه
آشامیدیم و از این زیاده بما عطا فرما و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که شیر بز کوسفند سیاه بهتر است از شیر دو کوسفند سرخ
و شیر گاو سرخ بهتر است از شیر دو گاو سیاه و منقولست که شیر خوردن
پیغمبرانست و شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که شیر خوردم و آزار
کشیدم فرمود که شیر آزار نمیکند و لیکن با چیز دیگر خورده و آن آزار کشیده
از آن و شخصی با آنحضرت شکایت نمود از ضعف بدن فرمود که شیر بخورد
که گوشت را میرویاند و استخوان را سخت میکند و حضرت امام موسی ع
فرمود که هر که آب پشتش متغیر شود یعنی فرزندانش حاصل نشود شیر را
با عسل بخورد و بسند موثق کالصحیح از حضرت رسول صلعم منقولست که
بر شما باد بشیر گاو که آن از همه درختی میچرد و خاصیت هر گیاهی در شیرش
هست و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که شیر گاو دواست و در حدیث
دیگر منقولست که برای فساد معده نافع است و حضرت امام موسی ع فرمود
که بول شتر نافعتر است از شیر او و حق تعالی در شیرش شفا قرار داده است

ددر

و در روایت دیگر منقولست که شیر شتر شفای تمام دردهاست و در روایتی
چند مدح شیر الاغ و خاصیت آن وارد شده و در حدیث معتبر از حضرت
موسی بن جعفر ع منقولست که هر که خواهد که ماست او را ضرر نرساند
با زنیان بخورد و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که دوست میدارم سیر را
و در روایتی وارد شده است که در طرف چاشت مضرات و در طرف
نافع است و موجب نقل فرزند نمیشود و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست
که خوردن مغز گردکان در تابستان حرارت اندرونرا بحرکت می آورد و
دملها را در بدن احداث میکند و در زمستان گردهارا گرم میکند و سرمارا
دفع میکند و در چند روایت وارد شده است که پنیر و مغز گردکان با هم
بخوردن دواست و هر یک تنها بخوری درداست **فصل هشتم** در فواید حبوب
و سبزیها و میوهها و سایر ماکولات از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که نیکو طعامی است برنج رودهارا گشاده میکند و بواسیر را
قطع میکند و در چند روایت وارد شده است که ما بیماران خود را برنج
دوا میکنیم و در حدیث موثق منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع
از درد شکم شکایت نمود حضرت فرمود که برنج بشوی و در سایه خشک کن
و اندکی بریان کن و نرم بکوب و هر صبح یک کف بخور و در روایت دیگر منقولست
که آنحضرت را درد شکم بود فرمود که برنج را با سماق پختند و چون تناول نمود
برطرف شد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام رضا ع نخود بریان کرده

پیش از طعام و بعد از طعام تناول میفرمودند و در روایت دیگر از
حضرت رسول صلعم منقولست که هفتاد پیغمبران برکت فرستاده اند در
روایت معتبره بسیار وارد شده است که خوردن عدس دل را نرم میکند
و آب دیده را جاری میکند و در روایت معتبر منقولست که خوردن
باقلا ساق را پر مغز میکند و دماغ را زیاد میکند و تولید خون تازه میکند
و در روایت دیگر مرویست که باقلا را با پوست بخورید که معده را دباغی میکند
و منقولست که خوردن لوبیا بادهای اندرون را دفع میکند و منقولست
که شخصی بخدمت امام موسی ع شکایت کرد از بهق فرمود که ماش در طعام
خود داخل کن و در حدیث معتبر منقولست که اگر چند طعام بنزد حضرت
رسول صلعم می آوردند که در میان آنها خرما بود ابتدا بخوردن خرما مینمود
و حضرت علی بن الحسین علیهما السلام دوست میداشت کسی را که خرما دوست دارد
بجهة آنکه حضرت رسول صلعم خرما دوست میداشت و از سلیمان جعفری
منقولست که رفتم بخدمت امام رضا ع و نزد آنحضرت خرمای برنی گذاشته
بود و آنحضرت با اهتمام از روی خواهش تناول مینمود فرمود که ای سلیمان
نزدیک بیا و بخور پس گفتم فدای تو شوم بسیار بخواهش تناول میفرمائید فرمود
که بلی دوست میدارم که حضرت رسول و امیر المؤمنین و امام حسن
و امام حسین و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق
و پدرم همگی خرما دوست میداشتند و من دوست میدارم و شیعیان ما

دوست میدارند زیرا که از طینت ما خلق شده اند و دشمنان ما شراب
دوست میدارند زیرا که از آتش خلق شده اند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که هر روز هفت دانه خرما عجوه از خرماهای اطراف مدینه
تناول نماید ناشتا هیچ زهری و سحری و شیطانی باو ضرر نرساند و در حدیث
دیگر فرمود که هر که هفت دانه عجوه در هنگام خواب بخورد کرمهای شکم را
بکشد و در احادیث معتبره منقولست که پنج میوه است که از بهشت
آمده است انار ملس و سیب شامی و به و انگور رازقی و رطب مشان
و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که کراهت داشت پوست میوه را
کندن و در حدیث دیگر فرمود که بر روی هر میوه زهری هست پس چون
بیارند برای شما با آب فرو برید و بخورید و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت
موسی بن جعفر ع پرسیدند از انجیر و خرما و سایر میوها دو دانه باهم خوردن
چون است حضرت فرمود که حضرت رسول صلعم نهی فرمود از این پس اگر تنها
باشی بهر روش خواهی بخور و اگر با جمعی از مسلمانان خوری چنین مکن
و یکدانه یکدانه بخور و در حدیث دیگر فرمود که اگر خواهی دو تا دو تا بخوری
رفیق خود را اعلام کن و از او رخصت بگیر و بخور و در روایت معتبر منقولست
که روزی حضرت امام رضا ع دیدند که غلامان میوه را نیم خورده انداخته اند
فرمود که سبحان الله اگر شما مستغنی شده اید دیگران مستغنی نیستند
بکسی که محتاج باشد بخورانید و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام

٩٤

منقولست که دو چیز است که بدو دست نباید خورد انگور و انار و حضرت
امام موسی ع فرمودند که سه چیز است که ضرر نمیرسانند انگور رازقی و شکر
و سیب و در احادیث معتبره از حضرت صادق ع منقولست که چون حضرت
نوح ع از کشتی فرود آمد از دیدن استخوان مردها غم عظیم او را عارض شد
پس حق تعالی باو وحی فرمود که انگور سیاه بخور تا غمت زایل شود و در حدیث
دیگر فرمود که پیغمبری از پیغمبران بخدا شکایت نمود از اندوه و غم باو وحی رسید
که انگور بخور و در حدیث حسن منقولست که حضرت علی بن الحسین صلوات الله
علیهما انگور بسیار دوست میداشتند روزی روزه بود چون وقت
افطار شد ام ولد آنحضرت خوشه انگوری نزد آنحضرت گذاشت و ام ولد
انگور بود پس سائلی رسید حضرت آن انگور را بسائل دادند پس ام ولد پنهانی رفت
و آن انگور را از سائل خرید و نزد حضرت گذاشت پس سائل دیگر رسید باز
حضرت آنرا بسائل دادند و باز کنیزک رفت و خرید و آورد تا چهار مرتبه
پس در مرتبه چهارم تناول فرمودند و منقولست که ابو عکاشه بخدمت حضرت
امام محمد باقر ع آمد انگوری نزد او گذاشتند حضرت فرمود که مرد پیر و طفل
خورد یکدانه یکدانه میخورند و کسی که میترسد که سیر نشود سه دانه و چهار دانه
میخورد و تو دو دانه دو دانه بخور که مستحب است و بدو سند از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که بیست و یکدانه مویز سرخ ناشتا خوردن جمیع
مرضها را دفع میکند مگر مرض مرگ و بدو سند از حضرت صادق ع منقولست

کمویز

٩٨

که مویز طایف عصبهای بدن را محکم میکند و کلال و ماندگی را میبرد و نفس را
خوشحال میکند و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که میوه صد و بیست
قسم است و بهترین همه انار است و فرمود که بر شما باد بخوردن انار که گرسنه را
سیر میکند و سیر را هضم طعام میکند و فرمود که هیچ میوه نزد حضرت رسول صلعم
محبوب تر از انار نبود و نمیخواست که با او در خوردن کسی شریک شود و در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است که در هر اناری دانه از انار بهشت هست و چون
کافر بخورد ملکی می آید و آن دانه را برمیدارد که او نخورد و باین سبب مستحب است
که انار را تنها بخورند و از حضرت صادق ع منقولست که هر مؤمنی که یک انار تمام
بخورد خدا شیطان را از روشنی دل او چهل روز دور گرداند و هر مؤمن که
دو انار را تمام بخورد خدا شیطان را از روشنی دل او صد روز دور گرداند
و هر مؤمن که سه انار را تمام بخورد خدا شیطان را از روشنی دل او یکسال دور
گرداند و هر که یکسال شیطان از او دور گردد گناه نمیکند و هر که گناه نکند
داخل بهشت میشود و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که بر شما باد بخوردن
انار شیرین که هیچ حبه از آن در معده مؤمن نمی افتد مگر آنکه دردی را برطرف میکند
و شیطان و وسوسه را از او دور میکند و در حدیث حسن منقولست که هر که
یک انار ناشتا بخورد دلش تا چهل روز روشن باشد و در حدیث دیگر فرمود که
انار را با پیهش بخورید که دباغی معده میکند و ذهن را می افزاید و فرمود که
انار ترش شیرین شایسته تر است در حکم و از حضرت امام موسی ع منقولست که

در روز جمعه یک انار ناشتا بخورد تا چهل روز دلش را روشن کند و اگر
دو تا بخورد تا هشتاد روز و اگر سه تا بخورد تا صد و بیست روز وسوسه
شیطان را از او دور گرداند و هر که وسوسه شیطان از او دور شود معصیت خدا
نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و در حدیث دیگر فرمود که دود
چوب درخت انار حشرات و گزندهای زمین را بر طرف میسازد و بسند معتبر از
حضرت صادق ع منقولست که سیب معده را جلا میدهد و حضرت
امام موسی ع فرمود که خوردن سیب نافع است برای زهر و سحر و استیلای جن
و غلبه بلغم و هیچ چیز منفعتش از آن تندتر نیست و در روایات معتبره
وارد شده است که خوردن سیب دفع تب و رعاف و طاعون میکند
و در روایت معتبر دیگر منقولست که سوده سیب خشک قطع رعاف میکند
و فرمود که هیچ دوایی برای دفع زهرها بهتر از سویق سیب نیست و فرمود که اگر
مردم بدانند که چه نفعها در سیب هست هر آینه بیماران خود را دوا نکنند
مگر بسیب و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که بخورید سیب که دباغی میکند
معده را و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که خوردن به
دل ضعیف را قوی میگرداند و در حدیث دیگر فرمود که هر که یک به ناشتا بخورد
آب منی او پاکیزه شود و فرزندش نیکو شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود
که هر که یک به بخورد حق تعالی حکمت را بر زبان او گویا گرداند چهل صباح و فرمود
که خدا هیچ پیغمبری را نفرستاده است مگر آنکه بوی به با او بوده و فرمود که به غم

اندوهگین را

اندوهگین را میبرد چنانچه دست عرق جبین را میبرد و در حدیث حسن
از حضرت امام رضا ع منقولست که انجیر گند دهان را زایل میکند و استخوان را
محکم میکند و موی را میرویاند و درد را میبرد و با آن بدوای دیگر حاجت
نیست و شبیه ترین میوه هاست بمیوه های بهشت و بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که بخورید امرود که جلا میدهد دل را و دردهای
اندرون را ساکن میکند باذن الهی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق ع
منقولست که امرود دباغی معده میکند و قوت میدهد معده را و با سیری
خوردن نافع تر است از ناشتا خوردن و از حضرت امام رضا ع منقولست
بسند صحیح که انجیر گند دهان را بر طرف میکند و استخوان را محکم میکند و مو را
میرویاند و درد را میبرد که با آن بدوای دیگر حاجت نیست و شبیه ترین
میوه هاست بمیوه های بهشت و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع قولنج نافع است
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که خوردن انجیر سده ها را نرم میکند و برای
بادهای قولنج نافع است در روز بخورید و بسیار بخورید و در شب بخورید
و بسیار مخورید و منقولست که دفع میکند بواسیر و نقرس را و قوت جماع را زیاد
میافزاید و از زیاد قندی منقولست که رفتم بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام
دیدم که نزد آنحضرت ظرف آبی گذاشته و در میان آن آلوی سیاه ریخته اند
پس فرمود که حرارتی بر من غالب شده بود و آلوی تازه حرارت را فرو مینشاند و صفرا را
ساکن میگرداند و آلوی خشک خون را ساکن میکند و دردهای کهنه را از بدن بیرون میکند

حضرت فاطمه علیها السلام است و احادیث بسیار در تعریف او وارد است
و آنکه باید در اول طعام خورده شود که فتح سده میکند و اشتهای طعام را زیاد
میکند و سل را می برد و آروغ را خوشبو میکند و امانست از خوره و چون
در شکم ساکن شود همه دردها را زایل میکند و در روایت معتبر از حضرت
موسی بن جعفر ع منقولست که شخصی را علت بهق عارض شده بود فرمود که روز
بادرنجبویه را بجوشان کرده بخورد بهتر شد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که خوردن ترب را که در آن چهار خصلت هست کندرها را برطرف میکند
و بادها را دفع میکند و بواسیر را قطع میکند و هر که مداومت کند بر آن از خوره
ایمن است و منقولست که حضرت امیرالمؤمنین ع ترب را با نمک ساییده تناول
میکردند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص
فرمود که بر شما باد بخوردن کرفس که خوراک حضرت الیاس و یسع و یوشع
بن نون است و از حضرت امام موسی ع مرویست که خوردن سیب و کشنیز
موجب فراموشیست و از حضرت امام جعفر ع منقولست که پودنه
سبزی شریفیست و نافع است از برای جوز نفیست و آن سبزی حضرت فاطمه است
و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد بخوردن کاهو که خون را صاف میکند و در
و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که تره تیزک را
بعد از نماز خفتن بسیار بخورد تا صبح نفس او را بکشد بسوی خوش و در حدیث
دیگر فرمود که کاسنی و بادروج از ما است و تره تیزک از بنی امیه است و در حدیث

دیگر

دیگر از خادم حضرت امام موسی ع منقولست که هر گاه که آنحضرت مائده امر میکرد
بخوردن سبزی میفرمود که تره تیزک بسیار برایم و میفرمود که چه بسیار احمقند
بعضی از مردم میگویند که تره تیزک در کنار رودخانه جهنم میروید و حال
آنکه حق تعالی میفرماید که آتش افروز جهنم مردمند و سنگهای کبریت
پس چون تواند بود که سبزی در جهنم بروید و از حضرت صادق ع منقولست
که حق تعالی از یهودان دفع کرد خوره را بخوردن چغندر و بیرون آوردن
رگهای گوشت و حضرت امام موسی ع فرمود که نیکو سبزیست چغندر
و حضرت امام رضا ع فرمود که بخورانید به بیماران خود برگ چغندر را
که آن شفاست و در آن دردی نیست و مضرتی ندارد و بیمار را بخواب راحت
میبرد و اصلش سودا را بحرکت می آورد و در حدیث دیگر فرمود که داخل شکم
صاحب ذات الجنب نشده است چیزی مثل برگ چغندر و در حدیث معتبر
منقولست از حضرت رسول ص که دمبلان داخل منّ است که بر بنی اسرائیل
نازل شده و منّ از بهشت آمده و آبش شفای چشم است و در حدیث
معتبر منقولست که حضرت رسول ص دوست میداشتند کدو را در میان دیگ
و از میان صحن بر میچیدند کدو را و امر میفرمودند زنان خود را که کدو
در طعام بسیار بکنند و وصیت نمود بحضرت امیرالمؤمنین ع که یا علی بر تو باد
بخوردن کدو که دماغ و عقل را زیاد میکند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که در ترب سه خصلت هست برگش دفع بادها میکند و تخمش

طعام را هضم میکند و ریشش قطع بلغم میکند و در روایت دیگر فرمود
که برگش موی شاد در ابولست و در روایت دیگر تخمش ادرار بول میکند
و در حدیث معتبر از امام جعفر و امام موسی علیهما السلام منقولست که خوردن گزر
قوت جماع را زیاد میکند و امان میدهد از قولنج و دفع بواسیر میکند
و در چهار حدیث معتبر وارد شده است که بخورید شلغم و مداومت بر خوردنش
بکنید که هیچ کس نیست مگر آنکه در او رگ خوره هست و شلغم آن رگ را
میگدازد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلعم خیار را با نمک
میخوردند و از حضرت صادق ع منقولست که خیار را از تهش ابتدا کنید
بخوردن که باعث زیادتی برکت آن میگردد و در حدیث معتبر دیگر از
آنحضرت منقولست که بخورید بادنجان که درد را میبرد و با آن دردی نیست
و احادیث در مدح و منافعش بسیار است و از حضرت صادق ع منقولست
بچندین سند که پیاز کند دهان را میبرد و بلغم را زایل میگرداند و سق
و واماندگی را برطرف میکند و پیهای بدن را محکم میکند و بن دندان را سخت میکند
و قوت جماع را می افزاید و نسل را زیاد میکند و تب را میبرد و [illegible]
میکند و از حضرت رسول صلعم منقولست که چون داخل شهری بشوید پیاز
آن شهر را بخورید که طاعون آن شهر را از شما دور میکرداند و در حدیث
حسن از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود
که هر که سیر بخورد بجهت بوی بدش داخل مسجد ما نشود اما اگر کسی بجهت دوا

باکی نیست که آنرا بخورد و از حضرت صادق ع منقولست که پیاز
خام و پخته خوردن باکی نیست اما کسی که بخورد داخل مسجد نشود زیرا
که کراهت دارد بسبب آن کسی که در پهلوی او می نشیند و احادیث در مدح
اسفناج وارد شده است که تقویت معده میکند و اگر در صبح ناشتا صرف
کند و بخورد رطوبت معده را دفع میکند و در حدیث معتبر از حضرت
صادق ع منقولست که حق تعالی حضرت آدم را از خاک آفرید پس خوردن
خاک را بر فرزندان او حرام گردانید و از حضرت رسول صلعم منقولست
که هر که گل بخورد و بمیرد در خون خود شریک شده است و از حضرت امام
محمد باقر ع منقولست که بزرگترین دامهای شیطان خوردن خاک و گل است
دردها در بدن حادث میکند و خارش بدن و بواسیر از آن بهم میرسد
و دردهای سوداوی از آن متولد میشود و قوت را از ساق و قدم میبرد
و هرچه از قوتش بسبب آن کم شده است و از اعمال خیر کاسته است در قیامت
آنرا بر آن حساب و عذاب میکنند و حضرت امام موسی ع فرمود که جمیع حیوانات
که از وسواس شیطانست خوردن گل و گل را بدست خورد کردن و ناخن را
بدندان گرفتن و ریش را خائیدن و در احادیث معتبره وارد شده است
که خوردن هر گلی حرام است مانند حرام بودن خون و گوشت خوک مگر گل قبر
حضرت امام حسین ع که خوردن از آن بقدر یک نخود شفاست از هر دردی
و امانست از هر خوفی **فصل نهم** در فضیلت ضیافت مؤمنان و آداب

از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که چون برادر مؤمن بخانه تو بیاید
او را تکلیف خوردنی بکن اگر نکند تکلیف آشامیدنی بکن اگر نکند تکلیف
دست و رو شستن با آب یا بعرق خوشبو بکن و از حضرت رسول ص منقولست
که از جمله گرامی داشتن آدمی برادر مؤمنش را آنست که تحفه او را قبول کند
و آنچه حاضر داشته باشد برای او تحفه بیاورد و چیزی که نداشته باشد
برای او تکلف نکند و حضرت صادق ع فرمود که هلاک شد کسی که حقیر شمارد
آنچه را حاضر دارد از برای آوردن نزد برادر مؤمن خود و هلاک شد هر که
حقیر شمارد آنچه را برادر مؤمن بنزد او می آورد و بسند حسن از آنحضرت
منقولست که هرگاه برادر مؤمن نطلبیده بنزد تو آید آنچه حاضر داری برای او
بیاور و اگر طلبیده باشی برای او تکلف کن و در حدیث حسن از هشام منقولست
که با ابن ابی یعفور بخدمت حضرت صادق ع رفت آنحضرت چاشت طلبید
هشام گفت که من گفتم چیزی نخورم حضرت فرمود که مکن نمیدانی که محبت مؤمن
نسبت ببرادر مؤمن او بقدر آنست که از طعام او بخورد یعنی هر چند او را بیشتر
دوست میدارد طعامش را بیشتر میخورد و باین مضمون احادیث بسیار وارد
شده است و حضرت امام رضا ع فرمود که سخی و صاحب همت از طعام مردم
میخورد تا مردم از طعام او بخورند و بخیل طعام مردم را نمیخورد تا از طعام او
نخورند و حضرت رسول ص فرمود که ولیمه مهمانی سنت در پنج چیز است
در عروسی و عقیقه و ختنه کردن پسر و خانه نو خریدن یا بنا کردن و در وقتی

که از سفر

که از سفری بخانه خود بر گردد و در حدیث دیگر وقتی که از حج بر گردد و منقولست
که آنحضرت نهی فرمود از ولیمه که مخصوص توانگران باشد و فقرا را در آنجا نطلبند
و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که داخل شهری شود مهمان برادر مؤمن
و اهل دین خود است تا از آن شهر بیرون رود و سزاوار نیست که مؤمن روزه دارد
مگر برخصت صاحبخانه که مبادا طعام برای او بعمل آورند و ضایع شود و سزاوار
نیست اهل خانه را روزه داشتن مگر برخصت مهمان که مبادا ببیند روزه ایشان را
شرم کند و طعام نخورد و بسند معتبر منقولست از حضرت رسول ص که حق ضیافت
سه روزست بعد از سه روز تصدقست [illegible] و فرمود که
اینقدر نمانید نزد برادر مؤمن خود که او را دلتنگ کنید که دیگر چیزی نداشته
باشد که خرج شما کند و ابن ابی یعفور روایت کرده است که در خانه حضرت
امام جعفر صادق ع مهمانی دیدم که برخاست که کاری بکند حضرت او را منع کردند
و خود برخاستند و آن کار را بجا آوردند و فرمودند که حضرت رسول ص
نهی فرموده است از خدمت فرمودن مهمان و در حدیث دیگر منقولست که
مهمانی در خدمت حضرت امام رضا ع بود دست دراز کرد که چراغ را اصلاح کند
حضرت او را منع کردند و خود اصلاح چراغ کردند و فرمودند که ما اهل بیت
خدمت نمی فرمائیم مهمانان خود را و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که
از جمله ضعف و سستی آنست که کسی بتو احسان کند و تو بعوض مکافات او نکنی
و از خلاف آداب خدمت فرمودن مهمان است و چون مهمان بیاید او را اعانت

و بازی کنید در روز ورود آمدن و وقتی که خواهد بار کند و برود او را مدد کنید
بر رفتن که این دلیل بر رخصت نفس است و در وقت رفتن توشه همراهش
بکنید و توشه را نیکو و خوشبو بعمل آورید که این دلیل جوانمردیست و بسند
معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که از جمله حق مومن آنست که همراه او برود
تا در خانه و از حضرت باقر منقولست که چون شخصی بخانه کسی رود هر جا که
صاحبخانه امر بکند بنشیند که صاحبخانه امور مخفی خانه خود را بهتر میداند
و از حضرت رسول صلعم منقولست که هشت کسند که اگر بایشان مذلتی و خواری
برسد ملامت نکنند مگر خود را کسی که بسفره حاضر شود که او را نطلبیده باشند
و کسی که بر صاحبخانه حکم کند و کسی که طلب خیر از دشمنان خود بکند و کسی که طلب فضل
و احسانات از لئیمان و بخیلان بکند و کسی که خود را داخل کند در رازی که
میان دو کس باشد بی رخصت ایشان و کسی که استخفاف کند بپادشاهان و صاحبان
حکم و کسی که در مجلسی بنشیند که سزاوار آن مجلس نباشد و کسی که با شخصی سخن گوید
که گوش بسخن او ننهد و در حدیث دیگر فرمود که بطعام خود ضیافت کن کسی را
که از برای خدا او را دوست داری و حضرت امام محمد باقر فرمود که یک برادر
مومن را که از برای خدا با او برادری کنم سیر کنم بهتر است نزد من از آنکه ده مسکین را
سیر کنم و فرمود که چون حضرت رسول صلعم با مهمانان طعام تناول میفرمودند
پیش از همه شروع میکردند و بعد از همه دست میکشیدند و حضرت رسول صلعم
فرمود که کسی که بجماعتی آب دهد باید که خودش بعد از همه آب بخورد و از حضرت

صادق

صادق علیه السلام بسند صحیح منقولست که چون برادر مومن تو بخانه تو بیاید
بپرس که امروز چیزی خورده ولیکن هر چه حاضر داری نزد او بیاور که جوا
نمردی آنست که هر چه دارد حاضر سازد و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی
هزار درهم صرف طعامی کند و مومنی از آن بخورد اسراف نکرده است
و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت
دارد باید که مهمان خود را گرامی دارد و حضرت رسول صلعم فرمود که از جمله
حق مهمان آنست که او را گرامی دارند و خلال برای او حاضر کنند و در احادیث
بسیار وارد شده است که هر گاه مهمان می آید روزی خود می آید و چون طعام خود
خورد صاحبخانه را می آمرزد و در روایت دیگر چون بیرون میرود گناه اهل و عیال
او را بیرون می برد و در حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست که یک لقمه که برادر
مومن نزد من بخورد دوست تر میدارم از بنده آزاد کردن و حضرت امام محمد
باقر فرمود که سیر کردن سه مومن را طعام دهم نزد من بهتر است از هفت بنده آزاد کردن
و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که هر مومنی که صدای مهمان را
بشنود و بآن شاد شود گناهانش آمرزیده شود اگر چه میان زمین و آسمان
پر کرده باشد و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر خانه که مهمان بآنخانه نمیرود
ملائکه داخل آنخانه نمیشوند و از حضرت صادق منقولست که از حقوق واجبه
مومن بر مومن آنست که او را اگر بضیافت بطلبد قبول کند و حضرت رسول صلعم
فرمود که وصیت میکنم حاضران و غایبان امت خود را که دعوت مسلمانان را قبول کنند

بضیافت اگرچه پنج میل راه باشد که از سنت است که در دین لازم است
و هر میل ثلث فرسخ است و فرمود که اگر مؤمنی مرا برای دست گوسفندی بطلبد
میروم و فرمود که بدترین عجزها آنست که شخصی برادرش را بطعامی بخواند
و او قبول نکند **فصل دهم** در فضیلت خلال و آداب آن از حضرت صادق منقولست
که جبرئیل علیه السلام برای حضرت رسول صلعم مسواک و خلال و حجامت
آورد و فرمود که خلال بن دندانها را اصلاح می‌آورد و روزی را زیاد میکند
و حضرت امام موسی ع فرمود که خلال مکنید بچوب گل و بچوب درخت انار که
هر دو رگ خوره را بحرکت می‌آورند و حضرت صادق ع فرمود که هر که بنی
خلال کند تا شش ماه حاجتش بر آورده نشود و فرمود که حضرت رسول صلعم
بهر چه می‌یافت خلال میکرد بغیر از برگ درخت خرما و نی و در حدیث
دیگر فرمود که حضرت رسول صلعم نهی نمود از خلال کردن بچوب انار و درخت
مورد و نی و فرمود که بحرکت می‌آورند رگ خوره را و از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که خلال کردن بچوب ریحان موجب فقر و پریشانی است و در حدیث دیگر
فرمود که حضرت رسول صلعم امر میکرد ما را که چون خلال کنیم آب نخوریم تا آنکه
مضمضه کنیم دهن را با آب و از حضرت رسول صلعم منقولست که از جمله حق
مهمان آنست که خلال از برای او مهیا کنی و فرمود که خلال کنید که ملائکه
هیچ چیز را دشمن نمیدارند مانند آنکه بوی بد دندان بنده طعامی که در
حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هرچه از طعام در بن

دندان مانده باشد بخورد و آنچه در میان دندان مانده باشد بیندازد و از
حضرت امام موسی کاظم ع مرویست که هرچه با زبان از میان دندانها بدر
می‌آوری بخور و آنچه با خلال بدر می‌آوری بخواهی بخور و بخواهی بینداز و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که آنچه بخلال بیرون می‌آورد فرو نبرد که جراحتهای اندرونی
بهم میرساند و در احادیث دیگر وارد شده است که هرچه با خلال بیرون می‌آوری
بینداز و در احادیث معتبره وارد شده است اندرون و بیرون دهانرا
بعد از طعام بشوید و آشنان شستن **فصل یازدهم** در فضیلت آب و انواع
آن در احادیث معتبره وارد شده است که بهترین آشامیدنیهای دنیا و آخرت
آبست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که محظوظ و ملتذ باشد از آب
دنیا خدا او را ملتذ گرداند از آشامیدنیهای بهشت و شخصی از آنحضرت پرسید
که آب چه مزه دارد فرمود که مزه زندگانی حق تعالی میفرماید که از آب زنده کردیم هر چیز
صاحب حیوة را آیا ایمان نمی‌آورند بخدا کافران و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست در تفسیر این آیه کریمه ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ یعنی پس
سؤال کرده خواهید شد در روز قیامت از نعمتهای دنیا فرمود که مراد از آن
نعمتها رطب و آب سرد است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که آب زمزم
بهترین آبهاست بر روی زمین و بدترین آبها بر روی زمین آبیست که در برهوت
در بلاد یمن که روح کافران در آنجا وارد میشوند در شب و معذب میباشند
و در حدیث دیگر فرمود که آب زمزم دواست از برای هر دردی که از برای آن بخورند

و حضرت صادق ع فرمود که آب زمزم شفاست از هر دردی و در روایت
دیگر از برای هر مطلبی که بخورند آن مطلب حاصل میشود و حضرت امیر المؤمنین
فرمود که بخورید آب باران بدرستی که بدن را پاک میکند و بیماریها و دردها را
از بدن رفع میکند و از حضرت صادق ع نهی وارد شده است از خوردن
تگرگ و در روایت دیگر وارد شده است که خوردن تگرگ از برای دندان
نافع است و مصادف روایت کرده است که شخصی از یاران ما در مکه بیمار
شد تا آنکه بحال مرگ افتاد و بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم حال او را
فرمود که اگر من بجای تو بودم از آب ناودان کعبه باو میخورانیدم پس ما طلب کردیم
نزد هیچکس نیافتیم ناگاه ابری بلند شد و رعد و برق ظاهر شد و باران آمد
قدحی گرفتم و از آب ناودان پر کردم و آوردم بنزد بیمار و از آن آب آشامید
و در ساعت شفا یافت و از حضرت صادق ع منقولست که گمان ندارم که
طفلان را که کام ایشان از آب فرات بردارند مگر آنکه دوست ما اهل بیت باشند
و فرمود که پیوسته دو ناودان از آب بهشت در آن میریزد و فرمود که اگر
میان من و آب فرات راه بسیار باشد که برای شفا بنزد آن میروم و در حدیث
دیگر فرمود که اگر نزدیک فرات میبودم دوست میداشتم که هر صبح و شام بنزد
آن بروم و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که اگر اهل کوفه
کام فرزندان خود را از آب فرات بردارند هر آینه همه شیعه ما باشند
و از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که ملکی در هر شب می آید دو مثقال

از مشک بهشت در آب فرات میریزد و هیچ نهری در مشرق و مغرب عالم برکتش
زیاده از نهر فرات نیست و در احادیث بسیار وارد شده است که
حضرت رسول صلعم نهی کرد از شفا طلبیدن از آبهای گرم که در کوهها
میباشد و بوی گوگرد میدارد و فرمود که گرمی آنها از گرمی جهنم است
و حضرت امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما فرمودند که ولایت
و دوستی ما را بر همه آبها عرض کردند هر آبی که قبول کرد شیرین و نیکو شد
و هر آبی که قبول نکرد تلخ و شور شد و حضرت امام محمد باقر ع کراهت داشتند
از آنکه کسی طلب شفا کند از آبی تلخ و آبی که بوی گوگرد از آن شنیده میشود
و میفرمود که حضرت نوح ع در وقت طوفان همه آبها را طلبید همه اجابت او
کردند بغیر از آب تلخ و آب گوگرد پس نفرین کرد و لعنت کرد هر دو را و حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که آب نیل مصر دلها را میمیراند و از
حضرت صادق ع منقولست که آب سرد حرارت را فرو مینشاند و صفرا را ساکن
میکند و طعام را در معده میگدازد و تب را زایل میکند و فرمود که آب جوشانیده
برای همه دردی نافع است و هیچ جهت ضرر ندارد و حضرت امام موسی ع
فرمود که خوردن آب سرد لذتش بیشتر است و حضرت امام رضا ع فرمود که
آب جوشانیده که هفت مرتبه بجوش آید و از ظرفی بظرفی دیگر بگردانند تب را زایل
میکند و قوت میدهد ساق و قدم را و از ابن طیفور طبیب منقولست که بخدمت
حضرت امام موسی ع رفت و آنحضرت او را نهی کرد از خوردن آب حضرت فرمود

که خوردن آب بر پشت طعام طعام را در معده نیکو میکرداند و غضب را فرو بنشاند
و عقل را زیاد میکند و صفرا را کم میکند و شخصی در مجلس حضرت صادق ع
رفت خرما از برای او آوردند و آب بعد از آن خوردند کفت اکر آب بعد از خرما
نخورید بهتر است فرمود که خرما از برای این میخورم که لذت آب را بیابم

فصل دوازدهم در آداب آب خوردن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که هر بنده که آب بخورد و حضرت امام حسین ع و اهل بیت او را یاد کند
و لعنت کند کشندکان آنحضرت را حق تعالی صد هزار حسنه برای او بنویسد
و صد هزار کناه از او بیندازد و صد هزار درجه برای او بلند کند و چنان
باشد که صد هزار بنده آزاد کرده باشد و حق تعالی در قیامت او را خوشحال
و مطمئن خاطر محشور کرداند و اکر باین نحو بکوید خوبست صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَی
الْحُسَیْنِ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ اَصْحَابِهِ وَ لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَی قَاتِلِ الْحُسَیْنِ وَ اَعْدَائِهِ
و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که کاه باشد که شخصی یک شربت آب بخورد
خدا او را بهمان آب خوردن بهشت برد بانکه آب بخورد و هنوز خواهش
داشته باشد که از لب بردارد و حمد خدا بکوید پس باز بخورد و هنوز سیر آب نشده
از لب بازکیرد و حمد خدا بکوید پس باز بخورد پس حق تعالی بهشت را برای او
واجب کرداند و در حدیث دیکر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول ص
چون آب میخوردند این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی سَقَانَا عَذْبًا زُلَالًا
وَ لَمْ یَسْقِنَا مِلْحًا اُجَاجًا وَ بِذُنُوبِنَا لَمْ یُؤَاخِذْنَا و در روایت دیکر از آنحضرت

منقولست

منقولست که هرکاه کسی پیش از آب خوردن بِسْمِ اللّٰهِ بکوید و دمی بخورد
و الحمد لله بکوید پس باز بسم الله بکوید و دمی بخورد و الحمد لله بکوید پس باز
بسم الله بکوید و بخورد پس بعد از خوردن الحمد لله بکوید مادام که آن آب
در شکم او باشد تسبیح خدا کوید و ثواب آن از برای او باشد و در حدیث دیکر فرمود که هرکاه
خواهی در شب آب بخوری ظرف آب را حرکت بده و بکو یَا مَاءُ مَاءُ زَمْزَمَ وَ مَاءُ
فُرَاتٍ یُقْرِئَانِکَ السَّلَامَ و در روایت دیکر فرمود که هرکه در شب آب بخورد و سه
مرتبه بکوید عَلَیْکَ السَّلَامُ مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ وَ مَاءِ الْفُرَاتِ آب خوردن در شب
باو ضرر نرساند و در روایت دیکر منقولست که در وقت آب خوردن این دعا
بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی سَقَانِی فَاَرْوَانِی وَ اَعْطَانِی فَاَرْضَانِی وَ عَافَانِی
وَ کَفَانِی اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِمَّنْ تَسْقِیهِ فِی الْمَعَادِ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ
عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ تُسْعِدُهُ بِمُرَافَقَتِهِ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و حضرت
صادق ع فرمود که آب بسیار خوردن کرمه دردها را بسوی تو میکشد و تا تاب
داری دوا مخور و حضرت امام رضا ع فرمود که بر بالای طعام آب بسیار
خوردن ضرر ندارد اما در غیر آنحال آب بسیار مخور و فرمود که اکر کسی بقدر
دو کف طعام بخورد و آب بعد از آن نخورد عجب دارم که چرا معده اش
شق نشود و مشهور میان علما آنست که آب ایستاده خوردن مکروهست
و مستحبست که بسه نفس خورده شود و احادیث بسیار وارد شده است که آب
ایستاده خوردن خوبست و آب بیک نفس خوردن خوبست و بهتر آنست که بسه نفس

خورده شود و در روز ایستاده بخورد و در شب نشسته چنانچه از حضرت
امام جعفر صادق ع منقولست که آب ایستاده خوردن در روز طعام را گوارا
میکند و در شب ایستاده آب خوردن باعث غلبه زرداب میشود
و در حدیث دیگر فرمود که آب ایستاده خوردن بیشتر باعث قوت و صحت
بدن میشود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که آب
ایستاده مخور که باعث دردی میشود که دوا نداشته باشد مگر آنکه عافیت دهد
و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که ایستاده آب مخورد
و بر دور قبر مگرد و در آب ایستاده بول مکن پس هر که چنین کند و بلایی
باو برسد ملامت نکند مگر خود را ابن بابویه علیه الرحمه گفته است که مراد از این
احادیث آب خوردن در شب است و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که آب را به سه نفس خوردن بهتر است از خوردن بیک نفس و در
حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که اگر کسی دم از آب
بر ندارد تا سیر آب شود چونست حضرت فرمود که مگر لذتی هست بغیر آن گفت
که مردم میگویند که این شرب بهیم است یعنی شتر تشنه حضرت فرمود که شرب هیم
آنست که در وقت آشامیدن نام خدا نبرد و در روایت دیگر منقولست که
اگر کسی که آب میدهد بنده تو باشد به سه نفس آب بخور و اگر آزاد باشد
بیک نفس آب بخور و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص دوست
میداشتند آب خوردن در قدح شامی را و میفرمودند که پاکیزه ترین ظرفهای

شماست و برای آنحضرت قدحها از شام بهدیه می آوردند و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت امام محمد باقر ع از کوزه سفال آب میخوردند و در روایت
معتبر منقولست که حضرت رسول ص گذشتند بر جماعتی که دهان بر آب
گذاشته بودند و میخوردند حضرت فرمود که بدست خود بخورید که بهترین
ظرفهای شماست و در احادیث معتبره از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که آداب آب خوردن آنست که در ابتدا بسم الله بگویی و چون فارغ شوی
الحمد لله بگویی و از جانب دسته کوزه و از جایی که شکسته باشد یا دسته
داشته باشد مخوری که این دو موضع جای شیطانست و حضرت رسول
نهی فرمود از دمیدن بدهان در آب و از حضرت صادق ع منقولست
که دمیدن در آب وقتی مکروه است که دیگری حاضر باشد که خواهد از آن
آب بخورد که مبادا او را خوش نیاید و در حدیث دیگر از آنحضرت نهی
وارد شده است از آب خوردن بدست چپ و فرمود که آب را بمکید و کم کم
بخورید و دهان را پر مکنید که باعث درد جگر میشود و منقولست که
حضرت رسول ص گاهی در قدحهای آبگینه که از شام می آوردند آب
تناول میکرده اند و گاهی در قدح چوب و گاهی در پوست و گاهی در خزف
و اگر ظرفی حاضر نبود آب در کف میکردند و می آشامیدند

باب چهارم

در بیان فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت
فرزندان و معاشرت ایشان

فصل اول

در فضیلت تزویج کردن و نهی از

رهبانیت بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که از اخلاق پیغمبران
دوست داشتن زنان و فرمود که نمیدانم کسی را که در ایمان خیری زیاد شود
او را مگر آنکه محبت زنان او را زیاد میشود و فرمود که هرکه محبت زنان
او را زیاده میشود فضیلت ایمانش بیشتر میشود و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا ع منقولست که سه چیز است که از سنت پیغمبرانست بوی خوش کردن
و موهای زیادتی بدن را ازاله کردن و زنان بسیار داشتن یا بسیار با ایشان
مقاربت کردن و بسندهای بسیار از حضرت رسول ص منقولست که فرمود
که از دنیای شما اختیار کرده ام زنان و بوی خوش را و روشنی دیده من
در نماز است و در حدیث معتبر منقولست که سکین نخعی اختیار عبادت کرده بود
و ترک زنان و بوی خوش و طعامهای لذیذ کرده بود و در این باب عریضه بخدمت
حضرت صادق علیه السلام نوشت آنحضرت در جواب نوشتند که اما زنان
پس میدانی که حضرت رسول ص چه عدد از زنان داشتند و اما طعامهای
لذیذ پس حضرت رسول خدا ص گوشت و عسل تناول میفرمودند و حضرت
رسول ص فرمود که هر زنی که بعقد خود در می آورد نصف دین خود را حفظ
کرده است از خدا بپرهیزد از نصف دیگر و فرمود که بدترین مردهای شما عزبانند
و فرمود که چه مانع است مومن را از آنکه زنی بگیرد شاید خدا او را فرزندی
روزی کند که سنگین کند زمین را بگفتن لا اله الا الله و فرمود که هرکه
خواهد که متابعت سنت من کند سنت من زن خواستن است و حضرت

امام محمد باقر ع فرمود که خوشم نمی آید که دنیا و آنچه در دنیاست داشته
باشم و یک شب بی زن بخوابم پس فرمود که دو رکعت نماز که کدخدا میکند از
بهتر است از عزبی که شبها تمام نماز کند و روزها روزه بدارد و حضرت رسول ص
فرمود که هرکه ترک کدخدائی بکند از ترس پریشانی پس بتحقیق که گمان بد بخدا برده است
زیرا که حق تعالی میفرماید که ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله یعنی اگر
ایشان فقیر باشند غنی میگرداند ایشان را خدا از فضل خود و در حدیث
معتبر از حضرت صادق ع منقولست که زن عثمان بن مظعون آمد بخدمت رسول ص
و گفت یا رسول الله عثمان روزها روزه میباشد و شبها نماز میکند پس حضرت بیرون
آمد حضرت غضبناک بنزد عثمان آمدند و فرمودند که ای عثمان خدا مرا
برهبانیت نفرستاده است ولیکن بدین مستقیم سهل آسان فرستاده است
روزه میگیرم و نماز میکنم و با زنان خود نزدیکی میکنم پس هرکه دین مرا خواهد
باید که بسنت من عمل کند و از سنت من نکاح زنانست و در حدیث دیگر
از آنحضرت منقولست که سه زن آمدند بنزد رسول خدا ص یکی گفت که شوهرم
گوشت نمیخورد دیگری گفت که شوهرم بوی خوش نمی بوید دیگری گفت شوهرم
با زنان نزدیکی نمیکند پس حضرت بیرون آمدند و از روی غضب ردای خود را
بر زمین میکشیدند تا بمنبر برآمدند و حمد و ثنای الهی گفتند و فرمودند که چرا
جماعتی از اصحاب من گوشت نمیخورند و بوی خوش نمی بویند و نزدیک زنان
نمیروند من گوشت میخورم و بوی خوش می بویم و بنزد زنان میروم هرکه از سنت مرا

نخواهد از زن نجست و در حدیث دیگر منقولست که زنی آمد بخدمت
حضرت رسول صلعم و شکایت کرد که شوهر من بنزدیک من نمی آید حضرت
فرمود که خود را خوشبو کن تا بنزدیک تو بیاید گفت هیچ بوی خوشی را نگذاشتم
مگر آنکه خود را بآن خوشبو کردم و از من دوری میکند حضرت فرمود
که اگر میدانست که چه ثواب دارد در آمدن بنزد تو از تو دوری نمیکرد پس فرمود
که چون شوهر بجانب تو میشود دو ملک باو احاطه میکنند و ثواب آن دارد
که شمشیر کشیده در راه خدا جهاد کند پس چون با تو جماعت میکند گناهان
از او میریزد چنانچه برگها از درخت بریزد پس چون غسل میکند از گناهان
بدر می آید و حضرت صادق ع فرمود که دو رکعت نماز که کدخدا میکند بهتر است
با هفتاد رکعت نماز که عزب بکند **فصل دویم** در اصناف زنان و صفات
پسندیده و ناپسندیده ایشان از حضرت صادق ع منقولست که زن بمنزله
قلاده ایست که در گردن خود می افکنی پس ببین که چگونه قلاده برای خود
میگیری و فرمود که زن صالح و غیر صالح هیچ یک قیمت ندارند زن صالح طلا
و نقره قیمت و بهای او نیست بلکه او بهتر است از طلا و نقره و زن غیر صالح
بخاک هم نمی ارزد و خاک بهتر از اوست و حضرت رسول ص فرمود که دختر
بکفو و مثل خود بدهید و از کفو و مانند خود دختر بخواهید و از برای نطفه
خود زنی را پیدا کنید که شایسته آن باشد که فرزندان او بهم رسانید و در
حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که زنی بخواهد

برای حسن و جمال یا برای مال از خیر و بهره محروم ماند و اگر برای دین داری و صلاح
او بخواهد حق تعالی مال و جمال او را روزی کند و حضرت رسول صلعم فرمود
که زن باکره بخواهید که فرزند بسیار آورد و زن مقبول که فرزند نیاورد نخواهید
که من مباهات میکنم بشما با امتهای پیغمبران دیگر در روز قیامت مگر نمیدانید که فرزندان
در زیر عرش الهی از برای پدران خود طلب آمرزش میکنند و حضرت ابرهیم ایشان را
نگاهداری میکند و حضرت ساره ایشان را تربیت مینماید در بالای کوهی از مشک
و عنبر و زعفران و در حدیث دیگر فرمود که دختران باکره بخواهید که دهنهای
ایشان خوشبوتر و رحمهای ایشان خشکتر و پستانهای ایشان پرشیرتر است
و فرزند نیاورنده را نه مگر نمیدانید که من مباهات میکنم ببسیاری شما در روز قیامت
حتی بفرزندی که ناتمام از شکم افتاده باشد او می آید و خشمناک نزد در بهشت
می ایستد پس حق تعالی میفرماید که داخل بهشت شو میگوید که نمیروم تا پدر و مادرم
پیش از من نروند پس حق تعالی بملکی امر میفرماید که پدر و مادرش را بیاورد و فرمود داخل
بهشت کن پس بطفل خطاب میفرماید که ایشان را داخل بهشت کردم بزیادتی
رحمت من نسبت بتو و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که بخواه زن
گندمگون فراخ چشم سیاه چشم بزرگ سرین میان بالا پس اگر نخواهیش بیا
مهر از من بگیر و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم چون بخواستگاری
زنی میفرستاد میفرمود که گردنش بو کنند که خوشبو باشد و غوزک پایش پر گوشت
باشد و از حضرت امام رضا ع منقولست که از سعادت آدمیست که زن

سفیدی داشته باشد و حضرت صادق ع فرمود که چون خواهید
زنی را خواستگاری کنید از مویش بپرسید چنانچه از رویش بپرسید که
نصف حسن موست و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست که بهترین
زنان شما زنیست که فرزند بسیار آورد و دوست شوهر باشد و صاحب
عفت باشد و در میان خویشان خود عزیز باشد و نزد شوهر ذلیل باشد
و از برای شوهر خود زینت و بشاشت کند و از دیگران شرم کند و عفت
ورزد و هرچه شوهر گوید بشنود و آنچه فرماید اطاعت کند و چون شوهر با او خلوت
کند آنچه از او خواهد مضایقه نکند اما با شوهر در نیاویزد که او را بتکلیف
بر جماع بدارد و بعد از آن فرمود که بدترین زنان شما زنیست که در میان خود
خوار باشد و بر شوهرش مسلط باشد و فرزند نیاورد و کینه‌ور باشد و از
اعمال قبیحه پروا نکند و چون شوهر غایب شود زینت کند و خود را بدیگران نماید
و چون شوهر با او خلوت کند مانند شتر صعب مضایقه کند از آنچه شوهر
با او اراده دارد و عذرش را قبول نکند و از تقصیرش در نگذرد و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد و گفت زنی دارم
که هرگاه که بخانه میروم مرا استقبال میکند و چون بیرون می‌آیم مشایعت
میکند و چون مرا غمگین می‌بیند میگوید که چه غم داری اگر برای روزی غم
میخوری خدا متکفل روزی تو و دیگران شده است و اگر برای آخرت
غم میخوری خدا غمت را زیاد کند حضرت فرمود که خدا کارکنان دارد این

زن از کارکنان خداست و نصف ثواب شهید دارد و در حدیث دیگر
فرمود که بهترین زنان امت من آنست که خوش روتر و مهرش کمتر باشد
و حضرت صادق ع فرمود که خوبی زن آنست که خرجش کم باشد و زاییدن زنش
آسان باشد و شومی زن آنست که مهرش گران و زاییدنش دشوار باشد
و حضرت رسول ص فرمود که بهترین زنان شما زنان قریش‌اند مهربان ترین زنانند
بشوهران و رحیم‌ترین ایشانند بفرزندان و آیا شد با شوهران و با عفتند
از دیگران و مصداق قریش در این زمان سادات‌اند و در حدیث معتبر از آنحضرت
منقولست که خداوند عالمیان میفرماید که چون خواهم که جمع کنم برای مسلمانی
نیکیهای دنیا و آخرت را باو میدهم دل شکسته خاشع و زبان ذکر کننده و بدنی
صبر کننده بر بلا و زن مؤمنه که هرگاه باو نظر کند شاد شود و چون غایب شود
شوهر خود را نگاهداری کند و مال شوهر را ضایع نکند و در حدیث صحیح از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که در بنی اسرائیل شخصی بود بسیار عاقل و مال بسیار
داشت و یک فرزند داشت از زن عفیفه و در شکل و شمایل باو شبیه بود
و دو فرزند داشت از زن دیگر که عفتی نداشت چون وقت فوتش شد گفت
همه مال من از یکی از شماهاست چون مرد دعوی کردند که مال از منست پیش
قاضی رفتند قاضی گفت که بروید بنزد آن سه برادر که بعقل مشهورند پیش یکی از
آنها رفتند مرد پیری بود گفت بروید بنزد فلان برادر من که از من بزرگتر است
بنزد او که رفتند نیز پیر بود و نه جوان او گفت که بنزد برادر بزرگ که از من بروید چون

بنزد او رفتند او را جوان یافتند پس از او سؤال کردند که بچه سبب برادر کوچک
از همه پیرتر بود و تو که از همه پیرتری از ایشان جوان تری گفت اما آن برادر
کوچک زنی بسیار بدی دارد و بر بدیهای او صبر میکند که مبادا ببلای دیگر
مبتلا شود و کم صبر تواند کرد و باین سبب از همه پیرتر مینماید و اما آن برادر دیگر
زنی دارد که گاهی خوشحالش میکند و گاهی غمگینش میکند باین سبب از حال
میانه است و من زنی دارم که همیشه مرا خوشحال دارد و هرگز آزرده ام نمیکند
باین سبب جوان مانده ام پس برادران حال خود را نقل کردند گفت اول
بروید و استخوان پدر خود را بیرون آورید و بسوزانید بعد از آن بیائید
تا در میان شما حکم کنم چون رفتند پسر کوچک شمشیری برداشت و برادران دیگر
کلنگها برداشتند و چون بر سر قبر رسیدند آن دو برادر کلنگ بر قبر زدند
که قبر را بشکافند برادر کوچک شمشیر کشید که نمیگذارم که قبر پدرم را بشکافید
و من از حصه خود گذشتم و مال را بشما ها گذاشتم چون بنزد قاضی آمدند
قاضی مالها را به پسر کوچک داد و بآنها گفت که اگر شما هم زنان خوب میبودید
همچنانچه برادر کوچک را شفقت فرزندی مانع شد از در آوردن استخوان
پدر شما را هم مانع میشد **فصل پنجم** در آداب نکاح و اراده آن در خبر
حسن از حضرت صادق ع منقولست که هر گاه کسی اراده خواستگاری نماید
دو رکعت نماز بگذارد و حمد الهی بگوید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اُرِیدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِی مِنَ النِّسَاءِ اَعَفَّهُنَّ فَرْجاً وَاَحْفَظَهُنَّ

لی فی نفسها ومالی واوسعهن رزقا واعظمهن برکةً وقدّر لی
ولدا طیبا تجعله خلفا صالحا فی حیوتی وبعد موتی و در دو
حدیث معتبر منقولست که سنت است که تزویج در شب واقع شود و در
حدیث موثق منقولست که بحضرت امام محمد باقر ع خبر رسید که شخصی
زنی خواسته است در ساعتی که هوا گرم بوده است در میان روز
حضرت فرمود که گمان ندارم که میان ایشان اتفاق و الفت بهم رسد
پس زود دیدند که از هم جدا شدند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که عقد
کردن در ماه شوال خوبست و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که هر که عقد کند یا زفاف کند و ماه در عقرب باشد عاقبت
نیکو نبیند و در روایت دیگر منقولست که هر که در تحت الشعاع عقد
یا زفاف کند بماند که فرزندی که منعقد شود پیش از تمام شدن سقط
میشود و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که روز جمعه روز خواستگاری
و نکاح است و بدانکه مؤمنان را طلبیدن و مهمانی کردن در نکاح سنت است
و از حضرت رسول ص منقولست که از سنت پیغمبرانست طعام دادن
در وقت تزویج و حضرت رسول ص چون میمونه را تزویج نمود ولیمه
فرمود و حیس بمردم خورانید و آن چنان بوده است که از خرما و روغن
و کشک میساختند و حضرت رسول ص فرمود که ولیمه روز اول لازمست
و روز دوم نیکست و روز سیم ریا و سمعه است و منقولست که حضرت

امام محمد تقی ع چون دختر مامون را عقد کرد این خطبه را خواند
الحمد لله اقرارا بنعمته ولا اله الا الله اخلاصا لوحدانیته
وصلی الله علی سید بریته والاصفیاء من عترته اما بعد
فقد کان من فضل الله علی الانام ان اغناهم بالحلال عن
الحرام فقال سبحانه وانکحوا الایامی منکم والصالحین من عبادکم
وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم
وسایر خطبهای طولانی در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله گنجایش
ذکر آنها ندارد و در باب آداب صیغ نکاح رساله جداگانه تالیف کرده‌ام

فصل چهارم در بیان آداب زفاف و مجامعت بدانکه زفاف کردن در وقتی
که ماه در برج عقرب باشد یا تحت الشعاع باشد مکروه است و جماع کردن
در فرج زن در وقتی که حایض باشد یا خون نفاس باشد حرام است و از
ما بین ناف تا زانو ایشان تمتع بردن مکروه است و بعد از پاک شدن
و پیش از غسل کردن جماع را حرام میدانند و احوط اجتناب است مگر آنکه ضرور
باشد پس امر کنند که فرج را بشوید و با او مقاربت کند و زن مستحاضه
اگر غسل و سایر اعمال که او را میباید کرد بجا آورد با او جماع میتوان کرد و وطی
در دبر زن خلاف است بعضی حرام میدانند و اکثر علما مکروه میدانند و احوط
اجتناب است و بهتر آنست که با زن خود جماع کند و آن را اراده باشد منی خود را
بیرون فرج بریزد و بعضی از علما حرام میدانند بی رخصت زن و در کنیز

باکی نیست و از حضرت صادق ع منقول است که نباید مرد دخول کند
بزن خود در شب چهارشنبه و حضرت امام موسی ع فرمود که هر که جماع
کند با زن خود در تحت الشعاع پس باید خود قرار دهد افتادن فرزند را از شکم
پیش از آنکه تمام شود و حضرت صادق ع فرمود که جماع مکن در اول ماه
و میان ماه و آخر ماه که باعث این میشود که فرزند سقط شود و نقد بکت
که اگر فرزندی بهم رسد دیوانه باشد یا صرع داشته باشد نبینی که کسی که
صرع میکرد اکثر آنست که یا در اول ماه و یا در میان ماه یا در آخر ماه میباشد
و حضرت رسول ص فرمود که هر که جماع کند با زن خود در حیض پس فرزندی
که بهم رسد مبتلا شود بجذام یا پیسی پس ملامت نکند مگر خود را و از حضرت
صادق ع فرمود که دشمن ما اهل بیت نمیباشد مگر کسی که ولد الزنا باشد یا مادرش
در حیض باو حامله شده باشد و در چندین حدیث معتبر از حضرت رسول ص
منقول است که چون کسی خواهد که با زن خود جماع کند بروش مرغان بتندی بر او نرود
بلکه اول با او دست بازی و خوش طبعی بکند و بعد از آن جماع بکند و در
حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقت جماع سخن مگویید
که بیم آنست که فرزندی که بهم رسد لال باشد و در آنوقت نظر بفرج زن مکنید
که بیم آنست که فرزندی که بهم رسد کور باشد و در روایت دیگر از آنحضرت
منقول است که باکی نیست بنگاه کردن بفرج در وقت جماع و در چند حدیث
معتبر وارد شده است که مرد و زن در حالتی که خضاب بحنا و غیر آن بسته باشند

نکند و از حضرت امام موسی ع پرسیدند که اگر در حالت جماع جامه از
روی مرد و زن دور شود چونست فرمود که باکی نیست و باز پرسیدند
که اگر کسی فرج زنش را ببوسد چونست فرمود که باکی نیست و از حضرت
صادق ع پرسیدند که اگر کسی زن خود را عریان کند و باو نظر کند چونست
فرمود که مگر لذتی بهتر از این میباشد و پرسیدند که اگر کسی بدست و انگشت
با فرج زن و کنیز خود بازی کند چونست فرمود که باکی نیست اما بغیر اجزای
بدن خود چیزی دیگر در آنجا نکند و پرسیدند که آیا میتواند در میان آب
جماع بکند فرمود که باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع
پرسیدند از جماع کردن در حمام فرمود که باکی نیست و حضرت صادق ع
فرمود که مرد با زن و کنیز خود جماع نکند در خانه که طفلی باشد که آن
طفل زناکار میشود یا فرزندی که بهم میرسد زناکار میشود و از حضرت
رسول ص منقولست که فرمود که بحق آن خداوندی که جانم در قبضه قدرت اوست
اگر شخصی با زن خود جماع کند و در آنخانه شخصی بیدار باشد که ایشان را ببیند
یا سخن و نفس ایشان را شنود فرزندی که از ایشان بهم رسد رستگار نباشد
و زناکار باشد و چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام اراده مقاربت
زنان مینمودند خدمتکاران را دور میکردند و درها را می بستند و پردها
می انداختند و از حضرت صادق ع منقولست که کسی که با کنیزی جماع کند
و خواهد که با کنیز دیگر پیش از غسل جماع کند وضو بسازد و در حدیث صحیح

وارد شده

وارد شده است که باکی نیست که با کنیز وطی کند و در خانه دیگری باشد
که ببیند و بشنود و مشهور میان علما آنست که باکی نیست که مرد در میان
دو کنیز خود بخوابد اما مکروهست که در میان دو زن آزاد بخوابد
و در حدیث موثق از حضرت صادق ع منقولست که باکی نیست که مرد
در میان دو کنیز و دو آزاد بخوابد و فرمود که کراهت دارند که رو بقبله
جماع کند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند که آیا مرد عریان میتواند جماع بکند
کرد فرمود که نه و رو بقبله و پشت بقبله جماع نکنند و در کشتی جماع نکنند
و حضرت امام موسی ع فرمود که دوست نمیدارم که کسی در سفر آب نیابد برای
غسل کردن جماع کند مگر آنکه خوف ضرری داشته باشد بر خود و بعضی از
علما قایل بحرمت شده اند و حضرت رسول ص نهی فرمود از آنکه کسی که محتلم
شده باشد پیش از آنکه غسل کند جماع کند و فرمود که اگر بکند و فرزندی
بهم رسد دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت صادق ع فرمود که
مکروهست جنب شدن در وقتی که آفتاب طلوع میکند و زرد میباشد و همچنین
در زردی آفتاب وقت فرو رفتن و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که مستحبات
در شب اول ماه رمضان جماع کردن و از ابو سعید خدری منقولست که حضرت
رسالت پناه ص وصیت نمود بحضرت امیرالمؤمنین ع که یا علی چون عروس داخل
خانه تو شود کفشهایش را بکن تا بنشیند و پاهایش را بشوی و آن آب را از
در خانه تا منتهای خانه بپاش چون چنین کنی خدا هفتاد هزار نوع از برکت

از خانه تو بیرون کنند و هفتاد هزار نوع از برکت داخل خانه تو کنند
و هفتاد هزار نوع رحمت به تو بفرستد که بر سر عروس فرود آید تا آنکه آن
برکت به هر گوشهٔ آن خانه برسد و ایمن گردد عروس از دیوانگی و خوره
و پیسی تا در آن خانه باشد و منع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر
و سرکه و کشنیز و سیب ترش پس حضرت امیر المؤمنین ع گفت که یا رسول الله
به چه سبب باید منع کنم از اینها فرمود زیرا که رحم به سبب خوردن اینها سرد و عقیم
میشود و فرزند نمی آورد و حصیری که در ناحیهٔ خانه افتاده باشد بهتر است
از زنی که فرزند از او بوجود نیاید پس فرمود که یا علی جماع مکن با زن خود
در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که دیوانگی و جنون و خبط دماغ راه
می‌یابد با آن زن و فرزندانش یا علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزندی
بهم رسد احول خواهد بود یا علی در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی
حاصل شود ایمن نیستی که لال باشد و نگاه نکند احدی به فرج زن خود و چشم
بپوشد یا غالبا که نظر کردن به فرج در آن حال باعث کوری فرزند میشود
یا علی به شهوت و خواهش زن دیگری با زن خود جماع مکن که اگر فرزندی
بهم رسد مخنث یا دیوانه باشد یا علی هر که جنب باشد در فراش خود
باشد قرآن نخواند که می‌ترسم که آتشی از آسمان بر هر دو نازل شود و بسوزاند
ایشان را یا علی جماع مکن با زن خود مگر آنکه تو دستمالی از برای خود داشته
باشی و او دستمالی از برای خود داشته باشد و هر دو خود را بیک دستمال

پاک مکنید

پاک مکنید که دشمنی در میان شما پیدا میشود و آخر جدایی میکشد
یا علی ایستاده با زن خود جماع مکن که از فعل خران است و اگر فرزندی
بهم رسد مانند خران در رختخواب بول کند یا علی در شب عید فطر
جماع مکن که چون فرزندی بوجود آید شر بسیار از او بظهور آید یا علی در شب
عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شش انگشت یا چهار انگشت
در دست باشد یا علی در زیر درخت میوه دار جماع مکن که اگر فرزندی
بهم رسد جلاد و کشندهٔ مردم باشد یا رئیس و سرکردهٔ ظلم باشد یا علی
در برابر آفتاب جماع مکن مگر آنکه پرده بیاویزی که اگر فرزندی بوجود آید
همیشه در بدحالی و پریشانی باشد تا بمیرد یا علی در میان اذان و اقامه
جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید اعتبار شد در خون ریختن یا علی چون
زنت حامله شود با او جماع مکن بی وضو که اگر چنین کنی فرزندی که بهم رسد
کور دل و بخیل باشد یا علی در شب نیمهٔ شعبان جماع مکن که اگر فرزندی
حاصل شود شوم باشد و در رویش نشان سیاهی باشد یا علی در دو روز
آخر ماه شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد عشار و یاور ظالمان
باشد و هلاک بسیاری از مردم بر دست او شود یا علی بر پشت بام جماع مکن
که اگر فرزندی بهم رسد منافق و ریاکننده و صاحب بدعت باشد یا علی
چون به سفری بروی در آن شب که بیرون میروی جماع مکن که اگر فرزندی بوجود
آید مال خود را به ناحق صرف کند و اسراف کنندگان برادران شیاطین اند و اگر

بشوی روی که سه روز دراو باشد جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد یاور
ظالمان باشد یا علی در شب دوشنبه جماع بکن که اگر فرزندی بوجود آید
حافظ قرآن و راضی بقسمت خدا باشد یا علی اگر جماع کنی در شب سه‌شنبه
و فرزندی بهم رسد بعد از سعادت اسلام او را شهادت روزی شود و دهانش
خوشبو و دلش رحیم و دستش جوانمرد و زبانش از غیبت و بهتان پاک
باشد یا علی اگر جماع کنی در شب پنجشنبه و فرزندی بهم رسد حاکمی از حکام
شریعت یا عالمی از علما باشد و اگر در روز پنجشنبه وقتی که آفتاب در میان آسمان
باشد نزدیکی کنی با زن خود و فرزندی بهم رسد شیطان نزدیک او نشود
تا پیر شود و خدا او را روزی کند سلامتی در دنیا و دین یا علی اگر جماع کنی
در شب جمعه و فرزندی بهم رسد خطیب سخن‌گو باشد و اگر در روز جمعه
بعد از عصر جماع کنی و فرزندی بهم رسد از دانایان مشهور باشد
و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از نماز خفتن امید هست که آن فرزند
از ابدال باشد یا علی در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد
ایمن نیستی که ساحر باشد و دنیا را بر آخرت اختیار نماید یا علی این وصیت را
از من بیاموز چنانچه از جبرئیل آموختم و در حدیث معتبر منقولست که روز
عقد حضرت فاطمه صلوات الله علیها حق تعالی امر فرمود سدرة المنتهی را
که آنچه داری فرو ریز برای نثار حضرت فاطمه پس آنچه داشت از مروارید و مرجان
و جواهر بر اهل بهشت نثار کرد پس حوران آن نثار را ربودند و تا روز قیامت

مفاخرت

مفاخرت میکنند و بهدیه بیکدیگر میفرستند و میگویند این نثار حضرت
فاطمه است و در شب زفاف استر اشهب حضرت رسول صلعم را آوردند و قطیفه
بر روی آن انداختند و حضرت فرمود که ای فاطمه سوار شو و سلمان لجام
استر را میکشید و حضرت رسول صلعم از عقب روانه شد و در اثنای راه صدای
ملائکه بگوش مبارک آنحضرت رسید و جبرئیل با هزار ملک و میکائیل با هزار
ملک فرود آمدند و گفتند که حق تعالی ما را بجهت زفاف حضرت فاطمه فرستاده
پس جبرئیل و میکائیل الله اکبر میگفتند و ملائکه با ایشان موافقت میکردند
و باین سبب سنت شد که در زفاف الله اکبر بگویند و در روایت دیگر منقولست
که شخصی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که ما طعامها بعمل می‌آوریم و بسیار پاکیزه
و خوشبو میکنیم و بوی طعام عروسی از هیچ طعامی نمی‌آید فرمود که زیرا که طعام عروسی
نسیم بهشت میوزد چون طعامیست که برای حلال مهیا میکنند و در احادیث
معتبره وارد شده است که سنت آنست که عروسی در شب واقع شود و طعام
چاشت پخته شود و در بعضی از اخبار وارد شده است که نثار عروسی را
میتوان برداشت اما چون غارت میکنند و از یکدیگر میربایند کراهت
دارد و علما گفته‌اند که وقتی جایز است برداشتن که بقراین معلوم باشد که
صاحبانش راضی‌اند که مردم بردارند و از حضرت امام محمد باقر منقولست
که هرگاه شما را بعروسی بطلبند دیر بروید زیرا که دنیا را بیاد شما می‌آورد و چون
شما را بجنازه بخوانند زود بروید چون آخرت را بیاد شما می‌آورد و در حدیث

دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم نهی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان
وبر سر راه که مردم تردد کنند وفرمود که هرکه در بیابان راه جماع کند خدا
وملایکه ومردم او را لعنت کنند وحضرت رسول صلعم فرمود که بیاموزید
از کلاغ سه خصلت را پنهان جماع کردن وبامداد بطلب روزی رفتن وبسیار
حذر کردن وحضرت امیر المؤمنین صلعم فرمود که هرگاه کسی خواهد با زن خود
نزدیکی کند تعجیل نکند که زنان را کارها میباشد پیش از جماع وهرگاه کسی زنی ببیند
وخوشش آید پس برود با اهل خود جماع کند که آنچه با این هست با آن هم هست
وشیطان را بر خود راه ندهد واگر زنی نداشته باشد دو رکعت نماز بگذارد
وحمد خدا بسیار بگوید وصلوات بر محمد وآل محمد بفرستد پس از فضل خدا
زنی سؤال کند که البته خدا باو عطا میفرماید بجهت او را از حرام بینیاز کرده اند
ودر حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که چون مرد وزن جماع کنند عریان
نشوند مانند دو خر زیرا که اگر چنین کنند ملایکه از ایشان دور میشوند ودر
حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که جایز نیست جماع کردن
با دختر پیش از آنکه نه سالش تمام شود پس اگر بکند وعیبی برسد بآن زن ضامنست
ودر حدیث معتبر دیگر منقولست که مکروهست جماع کردن میان طلوع صبح تا
طلوع آفتاب واز وقت زرد شدن آفتاب تا برطرف شدن سرخی طرف مغرب
ودر روزی که دران روز آفتاب بگیرد ودر شبی که دران شب ماه بگیرد ودر شب
یا روزی که دران باد سیاه یا باد سرخ یا باد زرد حادث شود ودر شب یا روزی

کردان

که دران زلزله حادث شود واﷲ که اگر کسی جماع کند در این اوقات پس او را فرزندی
بهم رسد نبیند دران فرزند چیزی که دوست دارد زیرا که آیات غضب حق را
سهل شمرده است ودر فقه الرضا ع مسطور است که چون بعد از غسل دادن میت
پیش از آنکه غسل کنی خواهی که جماع کنی وضو بساز بعد از آن جماع بکن واز حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که هرگاه کسی را دردی در بدن بهم رسد یا حرارت
بر مزاجش غالب شود پس با زن خود جماع کند تا ساکن شود واز حضرت
امام جعفر ع منقولست که هرکه در حالت خضاب با زن خود جماع کند فرزندی
که بهم رسد مخنث باشد وحضرت امام محمد باقر ع فرمود که زن آزاد را برابر زن
آزاد دیگر جماع مکن اما کنیز را در برابر کنیز دیگر جماع کردن باکی نیست ودر حدیث
صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت صادق ع هرگاه که بعد از جماع
وپیش از غسل اراده جماع میکردند وضو میساختند ودر روایت دیگر منقولست
که اگر کسی انگشتری با او باشد که بر آن نام خدا نقش کرده باشد جماع نکند

فصل نهم

در آداب نماز ودعا در شب زفاف ودر وقت مقاربت زنان در حدیث صحیح از
حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون عروس را بتو بیاورند بگو پیش از آن
که با وضو باشد وتو وضو بساز ودو رکعت نماز بکن وبگو که او نیز دو رکعت نماز بگذارد
پس حمد الهی بگو وصلوات بر محمد وآل محمد بفرست پس دعا کن وامر کن آن زنانرا
که با او آمده اند که آمین بگویند واین دعا بخوان اللّهمّ ارزقنی الفها
وودّها ورضاها وارضنی بها واجمع بیننا باحسن اجتماع وانس

اشتاد فی فانک تحب الحلال وتکره الحرام بعد از ان فرمود که بدانکه الفت
از جانب خداست و دشمنی از جانب شیطانست که میخواهد که انچه را خدا
حلال کرداینده مکروه طبع مردم کرداند و در حدیث حسن از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون در شب زفاف نزد عروس بروی موی
پیشانیش را بگیر و رو بقبله آور و بگو اللهم بامانتک اخذتها وبکلماتک
استحللتها فان قضیت لی منها ولدا فاجعله مبارکا تقیا من شیعة آل
محمد ولا تجعل للشیطان فیه شرکا ولا نصیبا و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت
منقولست که دست بر بالای پیشانیش بگذار و بگو اللهم علی کتابک تزوجتها
وفی امانتک اخذتها وبکلماتک استحللت فرجها فان قضیت لی فی رحمها
شیئا فاجعله مسلما سویا ولا تجعله شرک شیطان راوی پرسید که زن
چگونه شرک شیطان میشود فرمود که اگر در وقت جماع نام خدا برده شد شیطان
دور میشود و اگر نبرد و ذکر خدا نکند با ذکر آنشخص داخل میکند پس جماع از هر دو
میباشد و نطفه یکیست پرسید که بچه چیز میتوان دانست که شیطان در کسی
شریک شده است فرمود که هر که ما را دوست میدارد شیطان در او شریک
نشده است و هر که دشمن ماست شیطان در او شریک شده است و بر این مضمون
احادیث از طرق خاصه و عامه بسیار وارد شده است و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که در وقت زفاف این دعا بخواند اللهم بکلماتک استحللتها
وبامانتک اخذتها اللهم اجعلها ولودا ودودا لا تترک تأکل لما

راح ولا تسئل عما سرح و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق ع
منقولست که این دعا بخواند بکلمات الله استحللت فرجها وفی امانة الله
اخذتها اللهم ان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله بارا تقیا
واجعله مسلما سویا ولا تجعل فیه شرکا للشیطان و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت شریک شدن شیطان را در نطفه
آدمی بیان کردند و بسیار عظیم شمردند راوی گفت که چه باید کرد که این
واقع نشود فرمود که هر گاه که اراده جماع داشته باشی بگو بسم الله
الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو بدیع السموات والارض اللهم
ان قضیت منی فی هذه اللیلة خلیفة ولا تجعل للشیطان فیه
شرکا ولا نصیبا ولا حظا واجعله مؤمنا مخلصا مصفی من الشیطان
ورجزه جل ثناؤک و در حدیث دیگر فرمود که چون خواهد که
شیطان شریک نشود بگوید بسم الله و پناه ببرد بخدا از شر شیطان
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که چون کسی اراده جماع داشته
باشد بگوید بسم الله وبالله اللهم جنبنی الشیطان وجنب الشیطان
ما رزقتنی پس اگر فرزندی بوجود آید شیطان هرگز باو ضرر نرساند
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون اراده جماع کنی این دعا
بخوان اللهم ارزقنی ولدا واجعله تقیا زکیا لیس فی خلقه
زیادة ولا نقصان واجعل عاقبته الی خیر **فصل ششم** در بیان

حق زن و شوهر بر یکدیگر و احکام ایشان از حضرت امام محمد باقر
و امام جعفر صادق علیهما السلام منقولست که حق تعالی برای زنان غیرت
نداشته است و از برای مردان غیرت قرار داده است زیرا که از برای مردان
چهار زن و از متعه و کنیز آنچه خواهند حلال کرده است و از برای
زن بغیر از یک شوهر حلال نکرده است اگر شوهر دیگر طلب کند یا اراده نماید نزد
خدا زناکار است و غیرت و رشک بیشتر نه کرن زنان بد و زنان مؤمنه صاحب
رشک نمی باشند و در حدیث معتبر حضرت صادق ع فرمود که رشک بردن
زنان از بسیاری دوستی ایشانست نسبت بشوهران و از حضرت رسول ص
منقولست که گفتن مرد با زن خود که ترا دوست میدارم هرگز از دل او بیرون نمیرود
و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که زنی آمد بخدمت
حضرت رسول ص و گفت یا رسول الله چیست حق شوهر بر زن فرمود که لازمست
که اطاعت شوهر بکند و نافرمانی او نکند و از خانه او بی رخصت او تصدق
نکند و روزه سنت بی رخصت او ندارد و هر وقت که اراده نزدیکی او کند
مضایقه نکند اگر چه بر پشت پالان شتر باشد و از خانه شوهر بی رخصت
او بدر نرود و اگر بی رخصت بیرون رود ملائکه آسمان و ملائکه زمین
و ملائکه غضب و ملائکه رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه برگردد گفت
یا رسول الله حق که بر مرد از همه کس عظیم تر است فرمود که حق پدر گفت حق که
بر زن از همه عظیم تر است فرمود که حق شوهر پرسید که مرا بر شوهر آنقدر حق ندارم

که او بر من دارد فرمود که از صد تا یکی نه آن زن گفت که قسم بحق آن خدائی
که ترا بحقیقت فرستاده است که هرگز شوهر نکنم و در حدیث دیگر منقولست
که زنی بخدمت حضرت رسول ص آمد و سؤال کرد از حق شوهر بر زن فرمود که
زیاده از آنست که توان گفت پس فرمود که از جمله حقها آنست که روزه سنت
بی رخصت او ندارد و از خانه بی رخصت او بیرون نرود و نیکوترین بوهای
خوش خود را خوشبو کند و نیکوترین جامهای خود را بپوشد و بهترین
زینتها خود را بیاراید و هر بامداد و شام خود را بر او عرض کند که اگر اراده
جماع داشته باشد ابا نکند و در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز بی رخصت او
بکسی ندهد اگر بدهد گناهش برای آن زنست و ثوابش از برای شوهر و هیچ شب
نخوابد که شوهر از او خشمناک باشد زن گفت که هر چند شوهر بر او ظلم کرده
باشد فرمود که بلی و حضرت صادق ع فرمود که هر زنی که شب بسر آورد و شوهر
از او آزرده باشد نمازش مقبول نباشد تا شوهر از او راضی شود و هر زنی
که بوی خوش برای غیر شوهر خود بکند نمازش مقبول نشود تا آن بوی خوش را
از خود بشوید و فرمود که سه کسند که هیچ عمل ایشان باسمان بالا نمیرود
غلام گریخته و زنی که شوهرش از او راضی نباشد و کسی که جامه خود را از روی
تکبر بلند آویخته باشد و در احادیث معتبره وارد شده است که جهاد زنان
آنست که بر آزار شوهران و غیرتی که دارند ایشان صبر کنند و حضرت رسول ص
فرمود که اگر امر میکردم که کسی برای غیر خدا سجده کند هر آینه میگفتم که زنان

برای شوهران سجده کنند و فرمود که آن زن نماز خود را طول بدهد برای آنکه
منع کند شوهر را از آنچه از او میخواهد و فرمود که هر زنی که شوهر او را برای مجامعت
بطلبد و او تاخیر کند تا شوهر بخواب رود پیوسته ملائکه او را لعنت کنند تا
شوهر بیدار شود و در حدیث صحیح منقولست که زن از مال خود هم چیزی بی رخصت
شوهر نمیتواند داد مگر حج یا زکوة یا نیکی به پدر و مادر یا صله و احسان بخویشان
و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر زنی که بشوهرش بگوید که من هرگز
از تو نیکی ندیده ام ثواب عملهایش همه برطرف شود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است
که حق زن بر مرد آنست که او را سیر کند و بدنش را بپوشاند و اگر بدی کند بر او ببخشد
و عفو کند و در حدیث دیگر منقولست که روغنش نکند نزد او و یکروز نه یکروز روغن
برای مالیدن باو بدهد و هر سه روز یکمرتبه گوشت برای او بیاورد و رنگ
مانند حنا و وسمه هر شش ماه یکبار باو بدهد و در هر سال چهار جامه اش بدهد دو
از برای زمستان و دو از برای تابستان و باید که خانه اش را خالی نگذارد از روغن
برای مالیدن سر و از سرکه و زیت و روزی یکمن کهنه قوت باو بدهد و میوها که همه کس
خورند باو بخوراند و در عیدها زیاده از اوقات دیگر خوردنی برای او بگیرد
و از حضرت صادق ع منقولست که بترسید از خدا در حق دو ضعیف یتیمان
و زنان و حضرت رسول ص فرمود که بهترین شما آن کسیست که با زنان بهتر
سلوک کند و فرمود که عیال مرد اسیران اویند و محبوبترین بندگان نزد خدا
کسی است که احسان با اسیران خود بیشتر کند و حضرت صادق ع فرمود که موجب

هلاک صاحب مروتست که در شهری که زنش در آن شهر باشد شب در خانه
دیگری بخوابد و نزد او نیاید و حضرت امیر المؤمنین ع وصیت فرمود بحضرت
امام حسن ع که زنهار مشورت با زنان مکن که رای ایشان ضعیفست و عزم
ایشان سستست و ایشان را پوشیده در پرده بدار و بیرون مفرست و تا توانی
چنان کن که بغیر تو مردی را نشناسند و با ایشان خدمتی بغیر آنچه تعلق بخود ایشان دارد
مگذار که این از برای حال ایشان و خوشنودی ایشان و حسن و جمال ایشان
بهتر است زیرا که زن گلیست خدمتکار نیست و همین خودش را گرامی دار و شفاعتش را
در حق دیگران قبول مکن و خود را بسیار بدست او مده و در حدیث معتبر از
حضرت رسول ص منقولست که زنان را در غرفه ها و بالاخانه ها جا مدهید و چیزی
نوشتن بایشان میاموزانید و سوره یوسف تعلیم ایشان مکنید و چرخ رشتن
یاد ایشان بدهید و سوره نور را بایشان تعلیم کنید و حضرت رسول ص
نهی فرمود از آنکه زنان بر زین سوار شوند و فرمود که در نیکی اطاعت زنان مکنید
تا آنکه بطمع نیفتند در امر کردن شما به بدیها و بخدا پناه برید از بدان ایشان و از
نیکان ایشان در حذر باشید و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که راز بایشان
مگوئید و در باب خویشان شما آنچه گویند اطاعت مکنید و حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که مردی که کارهای او را زن تدبیر کند ملعونست و حضرت پیغمبر صلی الله
چون اراده جنگ داشتند با زنان خود مشورت میکردند و آنچه ایشان میگفتند
خلاف آن میکردند و حضرت رسول ص فرمود که هر که اطاعت زن خود کند خدا او

سر نکون در جهنم در اندازند گفتند یا رسول الله این اطاعت کدام است
فرمود که از او رخصت طلبد که برای سیر بحمامها و عروسیها و عیدگاهها
و عزاها برود و او رخصت بدهد و جامهای نازک از او طلبد که در پوشد
بپوشد و برای او بگیرد و در حدیث دیگر فرمود که مثل زنان مثل استخوان
کج پهلوست اگر او را بحال خود میگذاری منتفع میشوی و اگر میخواهی راست
کنی میشکند پس صبر کن بر ناخوشیهای ایشان و بدانکه از جمله حقوق زن
بر مرد آنست که در چهار ماه یک مرتبه با او جماع کند اگر حاضر باشد و عذری
نداشته باشد و این واجبست و اگر چند زن داشته باشد و پیش
یکزن یک شب بخوابد واجبست که پیش آنهای دیگر یک شب بخوابد و جمعی را اعتقاد
آنست که مطلقا واجبست که پیش هر زنی از چهار شب یک شب بخوابد خواه
یکزن داشته باشد و خواه زیاده و این احوط است و در کنیز و متعه
اینها واجب نیست اما بهتر آنست که کنیزی که داشته باشد یا خود رفع
شهوات او بکند یا او را بشوهر دهد و در بعضی اخبار وارد شده است
که اگر نکند و آنها زنا کنند گناهش بر اوست و مشهور میان علما آنست که
اگر کسی زنی داشته باشد و زن دیگر بخواهد اگر باکره است تا هفت شب
مخصوص اوست و اگر غیر باکره است تا سه شب **فصل هشتم** در بیان
دعاهای طلب فرزند و فضیلت آن از حضرت رسول صلعم منقولست که فرزند
صالح گلیست از گلهای بهشت و فرمود که از سعادت آدمی فرزند صالح است

فرمود

و فرمود که فرزندان بهم رسانید که من ببسیاری شما در قیامت مباهات خواهم کرد
و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که بیماری که بفرزند میرسد کفارهٔ پدر و مادر اوست
و در حدیث صحیح منقولست که روزی جبرئیل نازل شد و حضرت رسول صلعم و امیر المؤمنین
را اندوهناک دید جبرئیل از سبب آن پرسید حضرت رسول صلعم فرمود که دو طفل ما آزار
داشتند و بگریهٔ ایشان متاذی شدیم جبرئیل گفت که ای محمد حق تعالی برای
فرزندان شما شیعه چند بر انگیزد که چون اطفال ایشان گریه کنند تا هفت سال
گریهٔ ایشان لا اله الا الله باشد و چون هفت سال بگذرد گریهٔ ایشان طلب آمرزش
باشد برای پدر و مادر پس چون بحد بلوغ برسند پدر و مادر در ثواب ایشان
شریک باشند و در گناهشان شریک نباشند و از حضرت رسول صلعم منقولست که
زن از روزی که حامله میشود تا وضع حملش میشود تا فرزند را از شیر باز میگیرد
مثل ثواب کسی دارد که در سرحد کافران مرابطه نماید و دفع ایشان از مسلمانان کند
و اگر در این مابین بمیرد ثواب شهیدان دارد و در حدیث صحیح از حضرت رسول صلعم
منقولست که حضرت عیسی ع بقبری گذشت که صاحبش را عذاب میکردند پس بود یک سال
دیگر بهمان قبر گذشت صاحبش را عذاب نمیکردند از آنحال سؤال کرد از پروردگار
خود وحی باو رسید که در این سال فرزند شایسته از او بحد بلوغ رسید و راهی را
اصلاح کرد و یتیمی را جا داد باین سبب او را بکردهٔ فرزندش آمرزیدم پس حضرت فرمود
که میراثی که از برای خدا از بنده میماند فرزندیست که بعد از او عبادت خدا کند
و در روایت دیگر منقولست که کسی که بی فرزند بمیرد گویا هرگز در میان مردم نبوده است

وکسی که بمیرد و فرزندی از او بماند گویا عزده است و در حدیث معتبر از حضرت
رسول منقولست که حق تعالی بر دختران مهربانترست از پسران و هر مردی
که شادی برساند بزنی که با او خویشی داشته باشد و محرم او باشد خدا او را
در قیامت شاد گرداند و حضرت صادق ع فرمود که دختران حسنات اند و پسران
نعمتند و خدا بر حسنه ثواب میدهد و از نعمت سوال میکند و آنحضرت
بیکی از اصحاب خود فرمود که شنیده ام که دختری بهم رسانیده و نخواهی
او را چه ضرر دارد بتو گلیست بو میکنی او را و روزیش بر خداست و حضرت
رسول ص پدر دختران بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت ابرهیم ع از پروردگار خود
سوال کرد که دختری او را روزی کند که بعد از مرگ بر او گریه کند و فرمود
که هر که آرزوی مرگ دختران کند و بمیرند ثواب نداشته باشد و در قیامت
نزد خدا عاصی باشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی نزد حضرت رسول نشسته
بود خبر باو رسید که دختری برای او متولد شده است رنگش متغیر شد
حضرت فرمود که زمین او را برمیدارد و آسمان بر او سایه می افکند و خدا
روزیش را میدهد و گلیست او را میبوئید پس رو باصحاب خود کردند و فرمودند
که هر که یک دختر دارد بارش گرانست و هر که دو دختر دارد بخدا سوگند که
بفریاد او برسید و کسی که سه دختر داشته باشد جهاد و سایر آزارها را
از او بردارید و کسی که چهار دختر داشته باشد ای بندگان خدا او را یاری کنید
ای بندگان خدا باو قرض بدهید ای بندگان خدا او را رحم کنید و در حدیث

صحیح دیگر از آنحضرت منقولست که هر که سه دختر یا سه خواهر را نفقه دهد
بهشت او را واجب شود بعد از آن فرمود که هر که دو تا یا یکی را هم نفقه دهد
بهشت او را واجب شود و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر گاه
کسی را فرزندی بهم رسد این دعا بخواند اللّهمّ لا تذرني فرداً وحيداً وحشاً
فيقصر شكري عن تفكّري بل هب لي عاقبة صدقٍ ذكوراً وإناثاً آنس
بهم من الوحدة وأسكن إليهم من الوحشة وأشكرك عند تمام النّعمة
يا وهّاب يا عظيم يا معظّم ثمّ أعطني في كلّ عافيةٍ شكراً حتّى تبلّغني
منها رضوانك في صدق الحديث وأداء الأمانة ووفاءٍ بالعهد

ووفاء العهد

و در حدیث حسن دیگر فرمود که برای طلب فرزند در عقب این دو آیه را بخوانند
ربّ هب لي من لدنك ذرّيّةً طيّبةً إنّك سميع الدّعاء ربّ لا تذرني
فرداً وأنت خير الوارثين و در روایت دیگر فرمود که هر که خواهد که زنش
حامله شود بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز بکند و رکوع و سجود را طول بدهد
پس بگوید اللّهمّ إنّي أسألك بما سألك به زكريّا ربّ لا تذرني فرداً وأنت
خير الوارثين اللّهمّ هب لي من لدنك ذرّيّةً طيّبةً إنّك سميع الدّعاء
اللّهمّ باسمك استحللتها وفي أمانتك أخذتها فإن قضيت في رحمها ولداً
فاجعله غلاماً مباركاً زكيّاً ولا تجعل للشّيطان فيه شركاً ولا نصيباً
و در روایت دیگر منقولست که ابن کلبی بحضرت امام محمد باقر ع عرض کرد که ما را
فرزند نمیشود فرمود که در هر روز یا هر شب صد مرتبه استغفار بکن و بهر آنکه

وأنت خير الوارثين

استغفر الله ربی و اتوب الیه بگوید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست
که هر صبح و شام هفتاد نوبت سبحان الله پس ده نوبت استغفر الله ربی
و اتوب الیه پس نه نوبت سبحان الله پس یک نوبت استغفر الله ربی و اتوب
الیه بگوید راوی میگوید که جمع کثیر این عمل مداومت کردند و فرزندان بسیار
بهم رسانیدند و در هر بلا اینها بگفتن استغفر الله تنها اکتفا میتوانند کرد
و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که از برای فرزند
در هر سحر صد مرتبه استغفار بکن و اگر شبی فراموش کنی در وقت دیگر قضا کن
و شخص دیگر با آنحضرت شکایت کرد که مرا فرزند نمیشود فرمود که چون اراده
جماع کنی بگو اللهم ان رزقتنی ذکرا سمیته محمدا و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام رضا ع شکایت کرد که من همیشه بیمارم
و مرا فرزند نمیشود فرمود که در خانه خود صدا باذان گفتن بلند کن چنان کرد
بدنش صحیح شد و فرزندان بسیار بهم رسانید و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر
صادق ع منقولست که شخصی شکایت کرد که مرا فرزند نمیشود حضرت فرمود که
چون خواهی که بنزد زن خود بروی این سه آیه را بخوان که انشاء الله خدا
ترا فرزند روزی میکند وَ ذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ
عَلَيْهِ فَنَادٰى فِى الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّى
كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذٰلِكَ نُنْجِى الْمُؤْمِنِينَ
وَ زَكَرِيَّا اِذْ نَادٰى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِى فَرْدًا وَ اَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ و در

حدیث

حدیث دیگر فرمود که هر که را فرزند نشود نیت کند که اگر مرا فرزند بشود
علی نام خواهم کرد اگر چنین کند خدا او را پسری روزی کند و از حضرت
امام زین العابدین ع منقولست که هر که این دعا را بسیار بخواند هر چه خواهد
از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت خدا باو عطا فرماید رَبِّ لَا تَذَرْنِى فَرْدًا
وَ اَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَ اجْعَلْ لِى مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِى فِى حَيَاتِى وَ يَسْتَغْفِرُ
لِى بَعْدَ مَوْتِى وَ اجْعَلْهُ خَلْقًا سَوِيًّا وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا
اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ و از
حضرت صادق ع منقولست که هر گاه زنی حامله باشد و چهار ماه باو بگذرد
روی او را بقبله کن و آیة الکرسی بخوان و دست بر پهلوی او بزن و بگو اللهم
انی قد سمیته محمدا یعنی خدایا من او را محمد نام کردم چون چنین کند خدا
آن فرزند را پسر گرداند پس اگر او را محمد نام کند مبارک باشد و اگر نام نکند
خدا اگر خواهد او را از او بگیرد و اگر خواهد باو بخشد و در چند حدیث معتبر
وارد شده است که هر که زنش حملی داشته باشد و عزم کند که او را محمد یا علی
نام کند او پسر شود و در حدیث دیگر آمده است که او را علی نام کن که عمرش دراز تر شد
و در کتاب طب الائمه روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام محمد
باقر ع شکایت کرد کمی فرزندان را حضرت فرمود که سه روز بعد از نماز صبح و نماز
خفتن هفتاد مرتبه سبحان الله و هفتاد مرتبه استغفر الله بگو بعد از آن
این آیه را بخوان اِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ اِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ

يمددكم بأموالٍ وبنين ويجعل لكم جناتٍ ويجعل لكم انهاراً
پس در شب سیم با زن خود جماع کن که خدا پسری که خلقتش درست باشد
بتو عطا میفرماید ودر کتاب نوادر الحکمة روایت کرده است که شخصی
بخدمت حضرت امام جعفر آمد وگفت یابن رسول الله هفت دختر بهم
رسانیده ام وروی پسر ندیده ام حضرت فرمود که وقتی که درمیان پاهای زن
بنشینی دست راست خود را بر جانب راست ناف زن بگذار و سوره انا انزلناه
هفت نوبت بخوان وبعد از آن جماع کن وچون اثر حمل ظاهر شود پس در شبها
دست بر جانب راست ناف بگذار وهفت مرتبه سوره انا انزلناه را بخوان
آن مرد گفت که چنین کردم وهفت پسر بهم حلالی روزی کرد واز حضرت
امام حسن منقولست که هرکه فرزند خواهد باید که استغفار بسیار بگوید

فصل هشتم در احکام ایام حمل وآداب فرزند ولادت ونام نهادن طفل
از حضرت صادق منقولست که زن حامله به بخورد تا فرزندش خوشبوتر
وزنان فرزندش صافتر باشد وبسند معتبر منقولست که حضرت رسول فرمود
که اول چیزی که زن زاییده بخورد باید که رطب باشد چنانچه حق تعالی بحضرت
مریم فرمود که بعد از زاییدن حضرت عیسی رطب بخورد گفتند اگر وقت رطب نباشد
چه کنند فرمود که نه دانه خرما از خرماهای مدینه بخورد واگر نباشد نه دانه از
هر خرمایی که باشد بخورد به درستی که حق تعالی میفرماید که بعزت وجلال خودم سوگند
که هر زن تازه زایید که رطب بخورد فرزندش را بردبار گردانم ودر حدیث

معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که زنان را بعد از ولادت فرزند
خرمای برنی بخورانید تا آنکه فرزندشان بزرگ وبردبار شود ودر حدیث دیگر
از حضرت رسول منقولست که بزنان حامله بخورانید کندر به درستی که طفل
چون در شکم مادر کندر غذای او شود دلش محکم وعقلش زیاده میشود واگر پسر باشد
شجاع میشود واگر دختر باشد سرینش بزرگ میشود وبسبب این نزد شوهر عزیز
میباشد ودر حدیث معتبر منقولست که حضرت علی بن الحسین چون وقت
ولادت زن میشد میفرمود که زنان را از خانه بیرون کنید که اول مرتبه نظر زن
بر عورت طفل نیفتد ومنقولست که چون به آنحضرت بشارت فرزند میدادند
نمی پرسید که پسر است یا دختر بلکه اول می پرسید که خلقتش درست است اگر
میگفتند که درست وعیبی در خلقتش نیست میفرمود که الحمد لله الذی
لم یخلق منی شیئاً مشوهاً یعنی سپاس خداوندی را که از من نیافرید فرزندی
که قبیح ومعیوب باشد واز حضرت صادق منقولست که چون فرزند متولد شود
بقدر عدسی از جاوشیر بگیرد ودر آب حل کنید ودو قطره در بینی راست طفل
ویک قطره در بینی چپش بریزید ودر گوش راستش اذان بگوید ودر گوش چپش
اقامه بگوید پیش از آنکه نافش را ببرند که اگر چنین کنی هرگز ترس با او نرسد وام
الصبیان او را ضرر نرساند ودر حدیث دیگر فرمود که قابله یا دیگری بگوید
که اقامه در گوش راستش بگویند که هرگز ضرر جنیان با او نرسد ودیوانه نشود
وحضرت امام محمد باقر فرمود که کام طفل را با آب فرات بر دارید واقامه در

کوشش بگویند و در روایت دیگر وارد شده است که کام شیر را بآب فرات
و تربت قبر امام حسین ع بردارید و اگر آب فرات نباشد بآب باران بردارید
و از حضرت امیر المؤمنین ص منقولست که کام فرزندان خود را بخرما بردارید
که حضرت پیغمبر چنین کرد با حسن و حسین صلوات الله علیهما و حضرت
رسول ص فرمود که هر که فرزندی او را متولد شود باید که اذان در گوش راست
و اقامه در گوش چپ او بگوید که نگاه دارنده اوست از شر شیطان و از حدیث
ولادت حسین صلوات الله علیهما ظاهر میشود که مکروهست طفل را در ابتدای
ولادت در جامه زرد پیچیدن و سنت که در جامه سفید بپیچند و از حضرت
صادق ع منقولست که کام طفل خود را بتربت حضرت امام حسین ع بردارید که
امان میدهد او را از دردها و بلاها و از حضرت صادق ع منقولست که
شخصی را تهنیت فرمود برای پسری که خدا باو عطا کرده بود گفت رزقک الله
شکر الواهب و بارک لک فی الموهوب و بلغ به اشده و رزقک بره
یعنی خدا روزی کند ترا شکر آن خداوندی که فرزند ترا بتو بخشیده است و برکت
دهد برای تو در آنچه بتو بخشیده است و او را بنهایت قوت برساند و روزی
کند ترا نیکی او یعنی بتو نیکوکار باشد و نزدیک باین عبارات بسند بسیار
از حضرت امام حسن ع منقولست و ابن ادریس علیه الرحمه در کتاب سرایر
از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که هرگاه بر زن دشوار شد
زائیدن بنویسد برای او در پوستی این آیات را و بریسمانی ببندند بر ران

داشتن و چون وضع حمل بشود باز کنند آیات اینست بسم الله الرحمن
الرحیم کأنهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار
کأنهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذ قالت امرأت
عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا و مؤلف کتاب طب الائمه
علیهم السلام روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر ع آمد و گفت
زن من از دشوار زائیدن مشرف بر مردن شده است حضرت فرمود که برو و این
آیه را برو بخوان فاجاءها المخاض الی جذع النخلة قالت یا لیتنی مت
قبل هذا وکنت نسیا منسیا فنادیها من تحتها الا تحزنی قد
جعل ربک تحتک سریا وهزی الیک بجذع النخلة تساقط علیک
رطبا جنیا پس آواز بلند بگو والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون
شیئا وجعل لکم السمع والابصار والافئدة لعلکم تشکرون
کذلک اخرج ایها الطلق اخرج باذن الله چون بخوانی در ساعت
نجات می یابد بیاری خدا و بسند دیگر از آن حضرت روایت کرده است
که برای دشواری زائیدن این آیات را در ظرفی پاکیزه بمشک و زعفران
بنویسند و بآب چاه بشویند و بخورد آن زن بدهند و بشکم و فرجش بپاشند
کأنهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کأنهم یوم یرون
ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم
الفاسقون لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب ما کان حدیثا

یفتری ولکن تصدیق الذی بین یدیه وتفصیل کل شیء وهدی
ورحمة لقوم یؤمنون و بسند دیگر از حضرت صادق ع روایت کرده است
که این آیات را برای حامله در کاغذی بنویسند در وقتی که داخل شود در ماهی
که در آن ماه وضع حمل او میشود و چیزی بران بپیچند اما کوه تر بندد بر کمر
آن زن ببندد چون چنین کنند و آن را زاییده باو برسد بعد از
زاییدن بزودی بگشایند و یکساعت با او نگذارند این است آیات اولم یر الذین
کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء
کل شیء حی افلا یؤمنون وآیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فاذا هم
مظلمون والشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم والقمر
قدرناه منازل حتی عاد کالعرجون القدیم لا الشمس ینبغی لها ان
تدرک القمر ولا اللیل سابق النهار وکل فی فلک یسبحون وآیة
لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون وخلقنا لهم من مثله ما
یرکبون وان نشأ نغرقهم فلا صریخ لهم ولا هم ینقذون الا رحمة
منا ومتاعا الی حین ونفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم
ینسلون و در پشت کاغذ این آیات را بنویسد کانهم یوم یرون ما
یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم
الفاسقون کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که ذات ترین نامها نامیست که دلالت

چیزیها

بر عبودیت خدا کند مثل عبدالله و بهترین نامها نام پیغمبرانست و از حضرت
امیرالمؤمنین ع منقولست که فرزندان در شکم مادر نام بگذارید که اگر نام نگذارید
و سقط شود در قیامت باید چون خود گوید که چرا مرا نام نگذاشتید و رسول خدا ص
محسن فرزند فاطمه را در شکم مادر نام کرده است و محسن آن فرزند است که بعد از
رسول صلی الله علیه وآله هنوز در شکم بود که عمر علیه اللعنه او را شهید کرد و از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که اول نیکی که پدر با فرزند خود میکند آنست که او را
نام نیک بگذارد و حضرت رسول ص فرمود که هر که چهار فرزند از برای او
بوجود آید و هیچ یک را بنام من مسمی نسازد مرا جفا کرده است و در حدیث دیگر
از حضرت امام موسی ع منقولست که فقر و پریشانی داخل خانه نمیشود که در آن خانه
نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه
بوده باشد و در حدیث معتبر منقولست که شخصی خدمت حضرت رسول ص آمد
و گفت مرا پسری بهم رسیده است چه نام کنم او را فرمود که نام کن او را بهترین
نامها نزد من که آن حمزه است و از جابر منقولست که گفت با حضرت امام
محمد باقر ع بخانه شخصی رفتیم طفلی بیرون آمد حضرت از او پرسیدند که چه نام داری
گفت محمد پرسیدند که چه کنیت داری گفت ابو علی فرمود که خود را از شر شیطان
در حظیره محکمی در آورده بدرستی که هر گاه شیطان بشنود که کسی را آواز میکند
یا محمد یا علی آب میشود چنانچه قلع آب میشود تا آنکه بشنود که کسی را آواز میکند
بنام یکی از دشمنان ما شاد میشود و فخر میکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی

بحضرت صادق ع گفت که خدا مرا پسری داده است فرمود که مبارک باشد چه نام
کرده او را گفت محمد حضرت سه بار جانب زمین فرو آوردند و مکرر اسم محمد را
میگفت تا انکه نزدیک شد که روی ایشان بزمین برسد پس فرمود که جان
خودم و فرزندانم و زنانم و پدرم و مادرم و جمیع اهل زمین فدای حضرت رسول ص
باد چون او را نام مبارک کرده او را دشنام مده و او را مزن و بد با او مرسان
بدانکه هیچ خانه نیست که در ان اسم محمد باشد مگر انکه هر روز آنخانه را تقدیس
و مطهر میگردانند و در چندین حدیث وارد شده است که حضرت رسول ص
نهی فرمود از نام کذاشتن باسم حکم و حکیم و خالد و مالک و فرمود که دشمن‌ترین
نامها نزد خدا حارث و مالک و خالد است و نهی فرمود از چهار کنیت ابو عیسی
و ابو الحکم و ابو مالک و ابو القاسم در وقتی که نام محمد باشد که نام و کنیت
هر دو موافق حضرت رسول ص نباشد و در حدیثی وارد شده است که یاسین
نام مکنید که مخصوص حضرت پیغمبر است و از حضرت رسول ص منقولست
که هر گروهی که جمع شوند برای مشورت و در میان ایشان کسی باشد که نامش
محمد باشد یا حامد یا محمود یا احمد البته خیرات رای ایشان قرار
میگیرد و فرمود که فرزندی را که محمد نام کنید او را گرامی دارید و جا از برای
او در مجلس گشاده کنید و رو بروی او ترش مکنید و فرمود که هر اهل بیتی که در میان
ایشان نام پیغمبری باشد البته حق تعالی هر روز صبح و پیشین ملکی میفرستد که
دعا کند برای ایشان بتقدیس و پاکی و در فقه الرضا علیه السلم مذکور است که نام

در روز هفتم تعیین کنید و بدانکه از جمله اعمالی که در وقت ولادت سنت
موکد است غسل دادن طفل است و بعضی واجب میدانند و احوط انست
که نیت کند که غسل میدهم این طفل را از برای رضای خدا و سرش اول بشوید
و بعد از ان جانب راستش را و بعد از ان جانب چپش را **فصل نهم** در عقیقه کردن
و سر تراشیدن و آداب ایشان بدانکه عقیقه فرزند سنت موکد است بر کسی که
قادر بران باشد و بعضی از علما واجب میدانند و بهتر آنست که در روز هفتم
واقع شود و اگر تاخیر کند تا بلوغ طفل بر پدر سنت است و بعد از بلوغ تا آخر
عمر خودش سنت است و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که عقیقه
واجبست بر کسی که او را فرزندی بهم رسد و در احادیث بسیار منقولست که
هر فرزندی در گرو عقیقه است یعنی اگر نکند او در معرض مردن و انواع بلاهات
و از حضرت صادق ع منقولست که عقیقه لازم است بر کسی که غنی باشد و بر کسی
که فقیر باشد بعد از انکه بهم رساند بکند و اگر بهم نرساند بر او چیزی نیست و اگر
عقیقه برای او نکند تا وقتی که قربانی برای او بکنند قربانی از عقیقه مجزیست
و در حدیث دیگر منقولست که از آنحضرت پرسیدند که ما طلب کردیم گوسفند
برای عقیقه و بهم نرسید چه میفرمائید که تصدق کنیم قیمتش را فرمود که
طلب کنید تا بیابید خدا دوست میدارد خورانیدن طعام و ریختن خون را
و در حدیث دیگر پرسیدند که از زنی که در روز هفتم بمیرد عقیقه اش [illegible]
کرد فرمود که اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه بکنند

و در حدیث معتبر از عمر بن یزید منقولست که بحضرت آنحضرت عرض کرد
که نمیدانم که پدرم برای من عقیقه کرده است یا نه فرمود که عقیقه بکن پس او
در پیری خود را عقیقه کرد و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که فرزند را
در روز هفتم نام بگذارند و عقیقه بکنند و سرش را بتراشند و موی سرش را با نقره بکشند
و آن نقره را تصدق بکنند و پای ران عقیقه را برای قابله که مدد کرده است در
زائیدن بفرستند و باقی را بخورد مردم بدهند و تصدق بکنند و در حدیث
موثق دیگر فرمود که هر گاه پسری یا دختری برای تو متولد شود عقیقه بکن در روز
هفتم گوسفندی یا شتری و نام بگذار و سرش را بتراش در روز هفتم و بوزن موی
سرش طلا یا نقره تصدق کن و در حدیث دیگر وارد شده است که ربع گوسفند را
بقابله میدهند و اگر قابله زاینده نباشد آنرا بمادر میدهند که بهر که خواهد بدهد
و اقلا بخورد ده کس از مسلمانان میدهند و هر چند زیاده باشند بهتر است و خود
از گوشت عقیقه نخورد و اگر قابله زن یهودیه باشد قیمت ربع گوسفند باو بدهند
و در روایت دیگر وارد شده است که بقابله ثلث گوسفند را میدهند و مشهور
میان علما آنست که عقیقه یا شتر یا گوسفند یا بز میباید باشد و از حضرت
امام رضا منقولست که حضرت رسول در روز ولادت اذان در گوش حسنین
صلوات الله علیهما گفتند و حضرت فاطمه در روز هفتم از ایشان عقیقه
کردند و بقابله پای گوسفند را دادند با یک اشرفی و باید که اگر شتر باشد بچه اش
یا در شش ساله باشد یا بیشتر و اگر بز باشد یکساله یا در دو باشد یا بیشتر و اگر گوسفند

باشد

باشد اقلا شش ماهه یا در هفت باشد و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است
و میباید که خصیه اش نکشیده باشند و بهتر آنست که نرمالیده باشند و مغز
شاخش نشکسته باشد و گوشتش بسیار باشد و بسیار لاغر نباشد و کور نباشد
و لنگ بسیار لنگ نباشد که براه رفتن دشوار باشد اما در حدیث معتبر از
حضرت صادق منقولست که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوسفندی که باشد
خوبست غرض گوشت است هر چند فربه تر باشد بهتر است و مشهور میان علما
آنست که سنت است که عقیقه پسر نر باشد و عقیقه دختر ماده باشد و گمان
فقیر اینست که از برای هر دو گوسفند نر بهتر است موافق احادیث معتبره بسیار
اما از برای هر دو گوسفند ماده هم خوبست و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه
نخورند بلکه بهتر آنست که از طعامی که در آن پخته باشند نخورند و خوردن مادر
کراهتش بیشتر است و بهتر آنست که عیال پدر و مادر هم که در خانه ایشان
میباشند از آن گوشت و طعام نخورند و سنت است که استخوانهایش را نشکنند
بلکه از بندها جدا کنند و سنت است که بپزند و خام تصدق نکنند و اقلش
آنست که با آب و نمک بپزند بلکه محتمل است که این بهتر باشد و اگر خام تصدق کنند
هم خوبست و اگر حیوان عقیقه بهم نرسد قیمتش را تصدق کردن فایده ندارد
بلکه باید صبر کنند تا بهم رسد و شرط نیست که جماعتی که بخوردن عقیقه حاضر
شوند فقیر باشند اما صلحا و فقرا را طلبیدن بهتر است و مشهور آنست که سنت
که اول سر بتراشند و آخر عقیقه را بکشند و در حدیث وارد شده است که سر تراشیدن

وعقیقه را کشتن و موی سر را بطلا یا نقره کشیدن و تصدق کردن بکجا
و یک وقت باید کرد و در سر تراشیدن سنت که همه سر را بتراشند و زلف
و کاکل نگذارند و در روایتی وارد شده است که طفلی را نزد حضرت رسول
آوردند که برای او دعا کند و آن طفل کاکل داشت حضرت برای او دعا
نکردند و فرمودند که کاکلش را بتراشند اما در روایتی وارد شده است
که رسول خدا صلعم برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو گیسو در جانب
سر ایشان گذاشتند و در روایت دیگر در میان سر و ممکنست که این مخصوص ایشان
باشد یا آنکه در تراشیدن اول کراهت داشته باشد و در روایتی وارد شده است
که سنتست که زعفران بر سر او بمالند بعد از تراشیدن و در احادیث بسیار نهی
وارد شده است از مالیدن خون عقیقه بر سر طفل که آن از عمل جاهلیتست
و در روایت معتبر مرویست که از حضرت امام جعفر صادق عم که در وقت
کشتن گوسفند عقیقه این دعا بخوانند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ عَقِیقَةٌ
عَنْ فُلَانٍ و نام او را بگوید لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً لِآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ و در روایت معتبر دیگر
فرموده که این دعا بخوانند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللهُ اَکْبَرُ اِیمَانًا بِاللهِ
وَثَنَاءً عَلَی رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَالْعِصْمَةَ لِاَمْرِهِ وَالشُّکْرَ
لِرِزْقِهِ وَالْمَعْرِفَةَ بِفَضْلِهِ عَلَیْنَا اَهْلَ الْبَیْتِ پس اگر پسر باشد بگو اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ
وَهَبْتَ لَنَا ذَکَرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ وَمِنْکَ مَا اَعْطَیْتَ وَکُلَّمَا

صَنَعْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا عَلَی سُنَّتِکَ وَسُنَّةِ نَبِیِّکَ وَرَسُولِکَ صَلَّی اللهُ
عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاخْسَأْ عَنَّا الشَّیْطَانَ الرَّجِیمَ لَکَ سُفِکَتِ الدِّمَاءُ
لَا شَرِیکَ لَکَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا
بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ وَشَعْرُهَا بِشَعْرِهِ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا
وِقَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ و بجای فلان بن فلان طفل و پدرش را بگوید و در
حدیث موثق دیگر فرموده که این دعا بخوانند یَا قَوْمِ اِنِّی بَرِیءٌ مِمَّا تُشْرِکُونَ
اِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ حَنِیفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ
الْمُشْرِکِینَ اِنَّ صَلَاتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا شَرِیکَ لَهُ
وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ اَللّٰهُمَّ مِنْکَ وَلَکَ بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ
وَاللهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ
و نام فرزند و پدر و پدرش را بگوید **فصل دوم** در ختنه کردن پسران و دختران
و سوراخ کردن گوش ایشان و آداب هر یک بدانکه در روز هفتم سنتست که
ختنه کردن پسران و اگر در هفتم نکنند هم سنتست بعد از آن تا بالغ شدن طفل
و بعد از بالغ شدن بر خودش واجبست و بعضی گفته‌اند که تا نزدیک بلوغ بر ولی طفل
واجبست و ختنه کردن دختران نیز سنتست و مستحبست که اندکی ببرند و بسیار
نبرند و سوراخ کردن نرمه گوش راست و بالای گوش چپ او برای پسران سنتست
و در حدیث معتبر از حضرت صادق عم که ختنه کنید فرزندان خود را در روز هفتم
که بهتر پاکیزه میکند بدن طفل را و گوشت در بدن او زودتر میروید و قدیمین

کراهت دارد از بول کسی که ختنه نکرده باشد و در حدیث صحیح فرمود که
گوش پسر را سوراخ کردن و در روز هفتم ختنه کردن سنت است و از
حضرت رسول منقولست که زمین نجس میشود از بول کسی که ختنه نکرده باشد
چهل روز و در حدیث دیگر فرمود که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول او
و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی منقولست که پسر را در روز هفتم
ختنه کردن سنت است و اگر پس اندازند هم باکی نیست و حضرت امیر المؤمنین
فرمود که کسی که مسلمان شود ختنه اش میکنند و اگر چه هشتاد ساله باشد
و در چند حدیث وارد شده است که ختنه کردن در مردان سنت است
و در زنان سنت نیست اما باعث این میشود که نزد شوهران گرامی باشند
و چیزی از این بهتر نباشد و در روایتی از حضرت امیر المؤمنین منقولست
که ختنه نکنند زنان مگر بعد از هفت سال و در حدیث معتبر منقولست که
چون زنان بخدمت حضرت رسول هجرت کردند زنی آمد که او را ام حبیب
میگفتند و زنان را ختنه میکرد حضرت فرمود که ای ام حبیب آن کاری که
داشتی هنوز داری گفت بلی یا رسول الله مگر آنکه نهی فرمایی و من ترک کنم
حضرت فرمود که نه بلکه حلال است بیا تا ترا بیاموزم که چه باید کرد چون
ختنه کنی زنان را بسیار بته مبر و اندکی بگیر که رو را نورانی تر و رنگ را صاف تر
میکرداند و نزد شوهر عزیزتر میدارد و بیاید عطیه خواهر او آمد که زنان را
مشاطگی میکرد حضرت با او فرمود که چون زنان را مشاطگی کنی برای جلا دادن

پارچهای

پارچهای جامه بر روی ایشان مالیدن خوب نیست آب بر روی ایشان بریزد
و مویهای دیگران را بموی ایشان پیوند مکن و از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که در وقت ختنه کردن پسران دعا بخوانند و اگر در آن وقت
میسر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت که میسر شود برای آن طفل بخواند که
کفاره حرارت آهن را از کشتن و غیر آن دفع میکند دعا اینست اللّهمّ هذه
سُنّتك وسنّة نبيّك صلواتك عليه وآله واتّباعٌ منّا لك ولنبيّك
بمشيّتك وبارادتك وقضائك لامرٍ اردتَه وقضاءٍ حتمتَه وامرٍ
انفذتَه واذقتَه حرّ الحديد في ختانه وحجامته بامرٍ انت اعرف
به منّي اللّهمّ فطهّره من الذنوب وزد في عمره وادفع الآفات
عن بدنه والاوجاع عن جسمه وزده من الغنى وادفع عنه الفقر
فانّك تعلم ولا نعلم و از حسین بن خالد منقولست که از حضرت امام رضا
سؤال کردم که تهنیه و مبارکباد فرزند را در چه روز باید گفت فرمود که چون
حضرت امام حسن صلوات الله علیه متولد شد جبرئیل برای تهنیت بر حضرت
رسول نازل شد در روز هفتم و امر کرد که او را نام بگذارد و سرش بتراشد
و عقیقه از برای او بکند و گوشش را سوراخ کند و همچنین در ولادت
حضرت امام حسین در روز هفتم جبرئیل آمد و با اینها امر کرد و ایشان را
دو گیسو بود در جانب چپ سر و در گوش راست در نرمه گوش سوراخ کردند و در
گوش چپ در بالای گوش و از حضرت صاحب الامر منقولست که اگر پسر ختنه

و باز غلاف بروید و هر چشمه را پنهان کند میباید که مادر یکرخنه کند را
زیرا که زمین نالیدن کند بسوی خدا از بول کسی که ختنه ناکرده در غلاف باشد
تا چهل صباح و از حضرت صادق ع منقولست که کسی که ختنه نکرده باشد
پیشنمازی مردم نکند و گواهیش مقبول نیست و اگر بمیرد بر او نماز نکنند
زیرا که بزرگترین سنتهای پیغمبر را ترک کرده است مگر آنکه از ترس مردن ترک
کرده باشد و در حدیث دیگر منقولست که اول کسی که ختنه کردند هاجر بود
مادر اسمعیل که ساره مادر اسحق از روی غضب او را ختنه کرد و باعث [illegible]
خوبی او شد و از آن روز جاری شد که زنان را ختنه کنند **فصل یازدهم**
در آداب شیر دادن و تربیت کردن فرزندان و رعایت ایشان بدانکه
منتهای شیر دادن فرزند دو سال است و مشهور میان علما آنست که بی عذری
زیاده از دو سال شیر دادن جایز نیست مگر آنکه عذری داشته باشد و مضطر
باشند و از بیست و یکماه کمتر نهند مگر آنکه ضرورتی باشد که دایه بهم نرسد
یا قادر بر اجرت او نباشد و مادر شیر نداشته باشد یا آزاری داشته باشد
و جمعی از علما واجب میدانند که مادر بفرزند بخوراند از شیر اول که
به پستانش می آید و گفته اند که اگر آن شیر را نه دهند طفل باقی نمیماند
یا قوت نمی یابد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که نافعترین و بابرکتترین
شیرها برای فرزند شیر مادر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
امام جعفر صادق ع دیدند که مادر اسحق فرزند خود را شیر میدهد فرمود

کرای

که ای مادر اسحق از یک پستان شیر مده از هر دو پستان شیر بده که یکی بعوض
طعام است و دیگری بعوض آب و فرمود که هر چند که کمتر از بیست و یکماه شیر
میدهند بفرزند ظلم است بر طفل و در حدیث صحیح دیگر فرمود که دایه
که شیر نهد بفرزند شما و دایه یهودی و نصرانی میتوان گرفت اما فرزند
با ایشان نباید داد که بخانه خود ببرند و منع میباید کرد ایشان را از خوردن
شراب و گوشت خوک و سایر چیزهایی که حرام است در دین مسلمانان
و ایشان حلال میدانند و در احادیث معتبره نهی کرده اند از شیر کسی که از
زنا بهم رسیده باشد و در بعضی اخبار وارد شده است که اگر کنیزی زنا
کند و فرزندی بهم رساند اگر صاحب کنیز حلال کند کنیز خود و آن فرزند را
که زنا کرده است آن شیر را بفرزند میتوان داد و در اخبار نهی وارد شده است
از شیر زنی که خودش از زنا بهم رسیده باشد و حضرت رسول ص نهی فرمود
از شیر زن احمق یا زنی که چشمش معیوب باشد زیرا که شیر اثر میکند
در فرزند و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که دایه بگیرید که بصورت و سیرت
نیکو باشد زیرا که شیر در طفل سرایت میکند و طفل شبیه میشود بدایه در صورت
و سیرت و از حضرت صادق ع منقولست که فرزند خود را تا هفت سال بگذار که
بازی کند و بعد از آن تا هفت سال دیگر سعی کن در تربیت او اگر نیک شد دیگر
و اگر نه امید خیری از او نیست و در حدیث دیگر فرمود که هفت سال او را بگذار
که بازی کند و هفت سال دیگر خط و سواد او را بیاموز و هفت سال دیگر حلال و حرام

خدا با او بیاموزد و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که طفل را هفت سال
نگاه داری و تربیت بفرمایی و هفت سال دیگر آداب باو بیاموزی
و هفت سال دیگر خدمتش بفرماید فرمود و قامتش در سه سال قدش بلند میشود
و تا سی و پنج سال عقلش زیاده میشود و دیگر بعد از آن از تجربهها حاصل میشود
و در روایت دیگر وارد شده است که پسران که شش ساله شوند میباید که با یکدیگر ایشانرا
در یک لحاف نخوابانند و در روایت دیگر وارد شده است که پسران و دختران که ده ساله
شوند باید که رختخواب ایشانرا جدا کنند و حضرت صادق ع فرمود که فرزندان خود را
زود احادیث بیاد ایشان بدهید که مخالفان مذهب ایشان را گمراه نکنند و در
احادیث معتبره وارد شده است که تادیب کنید فرزندان خود را بر محبت علی بن
ابی طالب ع اگر قبول نکنند نظر کنید در امر مادر ایشان یعنی این علامت فرزند
زنا است که قبول محبت امیرالمؤمنین نمیکنند و حضرت صادق ع فرمود که هر که
محبت ما اهل بیت را در دل خود بیابد بمادرش دعا بسیار کند که با پدرش خیانت
نکرده است و از حضرت رسول ص منقولست که حق فرزند بر پدر آنست که او را
بنام نیکو بخواند و نیکو تادیب کند و بکسب نیکو او را بدارد و در حدیث دیگر منقولست
که مردی بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع آمد و گفت من غمگینم فرمود که
سبب غم تو چیست گفت خدا بمن دختری داده است فرمود که ای مرد آنکه سنگینی
زمین او را برمیدارد و روزیش بر خداست و زندگانی میکند بغیر عمر تو
و روزی تو را نخورد پس فرمود که او را چه نام کرده گفت فاطمه حضرت فرمود

که آه آه و دست بر پیشانی گذاشت و فرمود که رسول خدا ص فرمود که حق فرزند
بر پدر که اگر پسر باشد آنست که مادرش را گرامی بدارد و نام نیک برای او تعیین کند
و قرآن باو بیاموزد و او را ختنه کند و شناگری یاد دهد او را و اگر دختر باشد
مادرش را گرامی دارد و نام نیک برای او قرار دهد و نامش را نیکو کند و سوره نور بیاد او دهد و سوره
یوسف باو نیاموزد و در بالاخانهها او را جا ندهد و زود او را بخانه شوهر
فرستد پس فرمود که چون فرزند خود را فاطمه نام کردی او را دشنام مده و نفرین
مکن و مزن و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که حضرت رسول صلی الله ع
فرمود که بفرزندان خود بیاموزید شنا کردن و تیر انداختن را و حضرت
امام موسی ع فرمود که شوخی بیجا خلقی طفل در کودکی علامت آنست که در بزرگی
دانا و بردبار خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که پدر
و مادر را نیز عقوق فرزند میباشد عاق فرزندان میشوند چنانچه فرزندان
عاق پدر و مادر میشوند و فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که یاری
کنند فرزندان خود را در نیکی کردن با ایشان و از حضرت صادق ع منقولست
که حضرت رسول ص فرمود که خدا رحم کند کسی را که اعانت نماید فرزند خود را
بر نیکی او راوی عرض کرد که چگونه اعانت کند فرمود که کار آسانی که از او
بعمل آید قبول کند و کاری که بر او دشوار باشد نکند از او در گذرد و تکلیفهای دشوار
باو نکند و سفاهت و تندی با او نکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت
حضرت امام جعفر صادق ع عرض کرد که با کی نیکی کنم فرمود که با پدر و مادرت گفت

ایشان مرده اند فرمود که با فرزند خود نیکی کن و در حدیث دیگر فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که دوست دارید اطفال خود را و رحم کنید با ایشان
و اگر وعده کنید با ایشان وفا کنید بآن زیرا که ایشان گمان میکنند که شما
روزی میدهید ایشان را و حضرت امام موسی ع فرمود که خدا غضب نمیکند
برای چیزی مثل آنکه غضب میکند برای ظلم بر زنان و طفلان و در حدیث
صحیح از حضرت رسول ص منقولست که هر که فرزند خود را ببوسد خدا حسنه
برای او بنویسد و هر که فرزند خود را شاد کند خدا او را در قیامت شاد کند
و هر که قرآن بیاموزاند بفرزند خود در قیامت پدر و مادر را بطلبند
و دو حله بایشان بپوشانند که از نور آن دو جامه روی اهل بهشت روشن
شود و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
آمد و گفت هرگز اطفال خود را نبوسیده ام چون او رفت حضرت
فرمود که این مرد بنزد من از اهل جهنم است و در حدیث دیگر فرمود که هر که
طفلی داشته باشد باید که با او طفلانه بازی کند و حضرت صادق ع
فرمود که خدا رحم میکند بنده خود را بسبب آنکه بسیار دوست دارد فرزند خود را
و در حدیث دیگر روایتست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله دیدند شخصی را
که دو پسر داشت یک پسر را بوسید و دیگری را نبوسید حضرت فرمود که چرا
هر دو را مثل هم مهربانی نکردی و بدانکه بهتر آنست که در میان فرزندان
زیادتی قرار ندهند مگر آنکه یکی عالمتر و صالحتر باشد و باین سبب اولی زیادتی دهند

و در حدیث

و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون پسر
سه ساله شود باو بگویند که هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله و چون سه سال
و هفت ماه و بیست روز از عمرش بگذرد باو میگویند که هفت مرتبه بگوید محمد
رسول الله بگوید پس چون چهار سالش تمام شود باو میگویند که هفت نوبت
بگوید صلی الله علیه و آله پس چون پنج سالش تمام شود او را بدارند که خدا را
سجده کند پس چون شش سالش تمام شد نماز بیادش بدهند و تمامی نمازش بیاد او
دهند و چون هفت سالش تمام شد وضو باو یاد دهند و امر بنماز میکنند او را و چون
نه سالش تمام شد وضو و نماز را خوب بیادش بدهند و بر ترک وضو و نماز
بزنندش پس چون وضو و نماز را یاد گرفت خدا پدر و مادرش را می آمرزد و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع نهی فرمود از آنکه چیز آهن باطفال
بپوشانند یا بدست ایشان بدهند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چربی و کثافت
دست و روی اطفال را در شب پیش از خواب بشوئید که شیطان می آید و ایشان را
بو میکند و در خواب میترسند و ملائکه نویسندگان اعمال تاذی میشوند
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که به بازار رود و تحفه
بخرد و بخانه و برای عیال خود بخانه آورد چنانست که تصدق برای جمعی از فقرا
برداشته و بایشان رسانیده است و باید که اول بدختران بدهد پیش از پسران
بدرستیکه هر که دختری را خوشحال کند چنانست که بنده از فرزندان اسمعیل را آزاد
کرده است و کسی که دیده پسری را روشن کند و او را شاد کند چنانست که از ترس خدا

کریته باشد و هر که از ترس خدا بگرید خدا او را داخل بهشت گرداند و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که باطفال خود بخورانید قاوت که
گوشت در بدن ایشان بپرویاند و استخوان ایشان را محکم میکند و در حدیث
دیگر فرمود که انار بخورانید باطفال که زودتر ایشان را بجوانی و قوت میرساند
و در کتاب طب الائمه از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که اگر طفلی
گریه بسیار کند یا زنی در خواب ترسد یا کسی از دردی بیداری بر او مستولی شود
این آیه را بخوانند فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ
لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا و در احادیث معتبره وارد شده است
که دختری که شش ساله شود مرد نامحرم او را نبوسد و در دامن خود ننشاند
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا ع در مجلسی بودند دختر را
بمجلس آوردند و مردم میبوسیدند و در دامن می نشانیدند چون نوبت
بحضرت رسید پرسید که چند سال دارد گفتند که پنج سال حضرت او را
دور کرده و نبوسیده بدامن ننشانید و در حدیث دیگر وارد شده است که
که دختر که شش سالش تمام شود مادر او را برهنه در پهلوی خود نخواباند
که بمنزله زناست و در حدیث دیگر وارد شده است که دختر که شش ساله شد
پسران او را نبوسند و پسر که از هفت سال بگذرد زنان او را نبوسند و در
احادیث معتبره وارد شده است که ملعونست کسی که عیال خود را ضایع گذارد
و خرج ایشان ندهد یعنی با قدرت و حضرت امام موسی ع فرمود که عیال

آدمی

آدمی اسیران اویند پس کسی که خدا نعمتی باو کرامت کند بر اسیران خود توسعه کند
اگر نکند بزودی آن نعمت از او زایل شود و حضرت صادق ع فرمود که هر که خرج
دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله بکشد حاجب او باشند از آتش جهنم
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در بهشت درجه هست که بآن درجه نمیرسد
مگر کسی امام عادل و خویشی که احسان بخویشان خود کند و صاحب عیالی که بر
خرج عیال و آزار ایشان صبر کند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پنج کسند
که نفقه ایشان دادن واجبست فرزند و پدر و مادر و زن و بنده و
فرزند شامل فرزندان فرزندان همه است هر چند پایین روند و پدر و مادر شامل
جد و جده پدری و مادری هست هر چند بالا روند **فصل دوازدهم** در بیان
حق پدر و مادر بر فرزند و وجوب رعایت حرمت ایشان بدانکه رعایت حرمت
پدر و مادر از عمده شرایع دین است و ایشان را از خود راضی داشتن از جمله
اشرف طاعات و عاق ایشان بودن و ایشان را از خود آزرده داشتن از جمله
گناهان کبیره است و حق تعالی در قرآن فرموده که اگر پدر و مادر تو کافر باشند
و ترا امر کنند که کافر شوی در این باب اطاعت ایشان مکن اما در دنیا با ایشان نیکو
مصاحبت کن و در حدیث معتبر منقولست که شخصی خدمت حضرت رسول ص آمد
و گفت مرا وصیتی کن حضرت فرمود که ترا وصیت میکنم که بخدا شریک نیاوری
هر چند ترا با آتش بسوزانند مگر آنکه بزبان حرفی بگوید و دلت بر ایمان ثابت باشد
و ترا وصیت میکنم که اطاعت پدر و مادر بکنی و با ایشان نیکی کنی خواه زنده باشند

وخواه مرده باشند هرچند ترا کویند که از زن و مال خود بکذر این کن که این
از جمله ایمانست و در حدیثی دیکر منقولست که شخصی از آنحضرت پرسید
که حق پدر بر فرزند چیست فرمود که آنکه نام او را نکوید و پیش او راه نرود و پیش
از آنکه پدر بنشیند او ننشیند و کاری نکند که مردم بپدرش دشنام دهند و حضرت
صادق ع فرمود که چه مانع است احدی از شما را که احسان کند بپدر و مادر خود
خواه زنده باشند و خواه مرده بآنکه بعبادت نماز برای ایشان بکنند و حج
بنیابت ایشان بکند و روزه از برای ایشان بدارد و آنچه میکند همه ثوابش
بآنها عاید میشود و هم بخودش و بسبب این نیکی که با ایشان کرده است خدا ثواب
بسیار باو میدهد و در حدیث حسن فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد
و گفت یا رسول الله با کی نیکی کنم فرمود که با مادرت تا سه مرتبه پرسید
و همچنین فرمود و در مرتبه چهارم فرمود که با پدرت و در حدیث دیکر فرمود
که شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد و گفت یا رسول الله بسیار رغبت دارم
بجهاد حضرت فرمود که جهاد کن در راه خدا که اگر کشته شوی نزد خدا زنده
خواهی بود و روزی در بهشت خواهی یافت و اگر بمیری مزد تو بر خداست
و اگر زنده برکردی از کناهان بدر می آیی مانند روزی که از مادر متولد شده
گفت یا رسول الله پدر و مادر پیری دارم که با من انس دارند و نمیخواهند که من
از ایشان جدا شوم حضرت فرمود که پس با پدر و مادر خود باش بحق آن خداوند
که جانم بدست قدرت اوست که انسی که ایشان یکشبانروز با تو داشته باشند

بهترست از یکسال جهاد کردن در راه خدا و حضرت امام محمد باقر ع فرمود
که کسی حق پدر را نمیتواند ادا کرد مکر در دو چیز یکی آنکه پدر بنده باشد
و او را بخرد و آزاد کند یا بر او قرضی باشد و ادا کند و در حدیث دیکر فرمود
که کاه هست که کسی نیکوکارست با پدر و مادر در زندکی ایشان و بعد از مردن
ایشان قرض ایشانرا ادا نمیکند و طلب آمرزش از برای ایشان نمیکند پس خدا او را
عاق پدر و مادر مینویسد و کاه هست که کسی عاق ایشانست در زندکی ایشان
پس چون مردند قرض ایشانرا ادا میکند و استغفار از برای ایشان میکند پس خدا
او را نیکوکار مینویسد و در حدیثی دیکر فرمود که سه چیز است که حق تعالی هیچ
در آن رخصتی نداده است اول پس دادن امانت است بهر که باشد خواه نیکوکار
و خواه بدکردار دویم وفا بعهد و پیمان کردن خواه با نیکوکار و خواه با بدکردار
سیم نیکی با پدر و مادر خواه نیکوکار باشند و خواه بدکردار و در حدیث دیکر
فرمود که ادنای عقوق پدر و مادر آنست که اف بروی ایشان بکوید و فرمود
که چون روز قیامت شود پرده از پردهای بهشت بکشایند پس صاحبان جان
بوی آنرا از پانصد ساله راه بشنوند مکر کسی که عاق پدر و مادر باشد و در حدیث
دیکر فرمود که کسی که از روی خشم و غضب نظر بسوی پدر و مادر کند در وقتی که
بر او ظلم کنند ایشان خدا هیچ نماز او را قبول نکند و در حدیثی دیکر فرمود که از
عقوقست آنکه کسی تند نظر کند بسوی پدر و مادر و در حدیث معتبر منقولست
که حضرت امام محمد باقر ع فرمودند که پدرم دید که شخصی پسرش با او راه میرود

و تکیه بر دست پدر کرده است پدرم دیگر با آن پیر سخن نگفت تا از دنیا برود
و حضرت صادق ع فرمود که با پدران خود نیکی کنید تا فرزندان شما نیز با شما
نیکی کنند و از زنان دیگران عفت کنید تا زنان شما عفت کنند و فرمود که
هر که خواهد که خدا سکرات مرگ را بر او آسان کند باید که با خویشان خود
احسان کند و با پدر و مادر خود نیکی کند اگر چنین کند سختیهای مرگ را حق تعالی
بر او آسان کند و هرگز در زندگی او با و پریشانی نرسد و در حدیث صحیح از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که چهار خصلتست که هر که از مؤمنان در او آن
خصلتها جمع شود حق تعالی در اعلای مراتب بهشت در بلندترین غرفهای غرفات
و غرفه او را جا دهد کسی که یتیمی را پناه دهد و متوجه احوال او گردد و از برای
او بجای پدر باشد و کسی که ضعیف شکسته را رحم کند و یاری نماید و کارهای او را
متکفل شود و کسی که خرج پدر و مادر خود را بکشد و با ایشان مدارا کند
و نیکی با ایشان کند و ایشان را هرگز آزرده نکند و کسی که بنده خود را یاری کند
و سفاهت و تندی با او نکند و اعانت کند او را بر خدمتی که باو میفرماید
و کاری که بر او دشوار باشد باو نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که سه دعاست که البته مستجابست دعای پدر و مادر برای فرزند نیکوکار
و نفرین ایشان بر فرزندی که عاق ایشان باشد و نفرین مظلوم بر ظالم و دعای
مظلوم برای کسی که انتقام او را از ظالم بکشد و دعای مؤمنی که برای برادر
مؤمنی دعا کند که او را از برای رعایت ما اهل بیت شریک در مال خود ساخته باشد

و نفرین مؤمن بر کسی که برادر مؤمنش باو محتاج شده باشد و قدرت داشته باشد
که او را اعانت کند و نکند و از حضرت رسول ص منقولست که هر فرزند نیکوکاری
که از روی شفقت و مهربانی بسوی پدر و مادرش نظر کند به هر نگاه کردنی
ثواب یک حج مقبول برای او نوشته شود گفتند یا رسول الله هر چند روزی
صد مرتبه نظر کند فرمود که خدا بزرگتر و کریمتر است و در حدیث دیگر فرمود
که نگاه کردن بر روی عالم عبادتست و نظر کردن بسوی امام عادل عبادتست
و نظر کردن بسوی پدر و مادر از روی مهربانی و ترحم عبادتست و نظر کردن بر روی
برادر مؤمنی که از برای خدا دوست داری او را عبادتست و فرمود که سه گناهست
که عقوبتش زود در دنیا باینکس میرسد عقوق پدر و مادر و ظلم کردن بر مردم
و کفران نعمت خدا و خلق کردن و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که در میان بنی اسرائیل عابدی بود که او را جریح میگفتند و در صومعه
خود پیوسته مشغول عبادت بود روزی مادرش بنزد او آمد و او مشغول
نماز بود او را آواز داد و جوابش نداد بار دیگر آمد و او را طلبید باز مشغول
نماز شد و جوابش نداد بار سیم آمد و او را طلب کرد باز با او سخن نگفت
و مشغول نماز بود مادرش گفت که از خدای بنی اسرائیل میخواهم که ترا باین گناه
بگیرد روز دیگر زن زناکاری که در بنی اسرائیل بود آمد و نزد صومعه او نشست
و فرزندی زائید و گفت این فرزند از جریح است با من زنا کرد و این آوازه
از او بهم رسید در میان بنی اسرائیل شهرت کرد که آنکسی که مردم را بزنا ملامت میکرد

خوردن ناکرده و پادشاه فرمود که او را بردار کشند پس مادرش آمد و بر روی
خود میزد و جزع میکرد گفت که خاموش باش که این بلا بتو نرسید مگر بسبب عادت
شسته چون مردم این را شنیدند از سبب آن واقعه عجب ماندند عابد نقل کرد آنچه کرده
بود گفتند ما چون بدانیم که تو راست میگویی گفت که آن طفل را بیاورید
چون بیاوردند عابد از آن طفل پرسید که فرزند کیستی طفل با مراهی بسخن آمد
و گفت فرزند فلان کس که شبانی گوسفند فلان میکند پس از کشتن بحالت
و سوگند خورده که تا زنده باشد خدمت مادر بکند و از او جدایی نکند [illegible]
در حق پدر و مادر زیاده از آنست که استیفا توان نمود **باب پنجم**
در بیان آداب مسواک کردن و شانه کردن و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن
و امثال آن **فصل اول** در بیان فضیلت مسواک کردن در احادیث معتبره
از حضرت صادق ع منقولست که مسواک کردن سنت پیغمبرانست و حضرت
رسول ص فرمود که پیوسته جبرئیل مرا امر بمسواک میفرمود تا آنکه ترسیدم
که دندانهایم سایید شود یا بریزد و در روایت دیگر فرمود که جبرئیل آنقدر
مرا امر بمسواک کرد که گمان کردم که بر امت من واجب خواهد کرد و حضرت
صادق علیه السلم فرمود که در مسواک دوازده خصلت است سنت پیغمبرانست
پاک کننده دهانست و جلا دهنده چشم است و ۳ موجب خوشنودی
پروردگارست و ۴ بلغم را دفع میکند و ۵ حافظه را زیاد میکند و ۶ دندانها را
سفید میکند و ۷ حسنات را مضاعف میگرداند و ۸ [illegible]

زردی دندانها را می‌برد و ۹ بن دندانها را محکم میکند و ۱۰ اشتهای طعام را زیاد میکند
و ملائکه با آن خوشنود میشوند و در حدیث دیگر فرمود که آب دهن
چشم را بر طرف میکند و نور چشم را زیاد میکند و حضرت رسول ص فرمود
که چرا من دندانهای شما را زرد می‌بینم چرا مسواک نمیکنید و در حدیث
دیگر منقولست که بحضرت امیرالمؤمنین ع وصیت فرمود که بر تو باد بمسواک کردن
برای هر نمازی و بسند معتبر از حضرت امام موسی ع و امام رضا صلوات الله
علیهما منقولست که سنتهای حنیفیه حضرت ابراهیم ع ده است پنج در سر و پنج در
بدن اما آنها که در سر است ۱ مسواک کردن و ۲ شارب گرفتن و ۳ موی سر را
دو حصه کردن که جای سر گشوده شود و ۴ مضمضه کردن یعنی آب در دهان
کردن و گردانیدن و ریختن و ۵ استنشاق کردن یعنی آب در بینی کردن
و بالا کشیدن و اما آن پنج که در بدنست ۱ ختنه کردن ۲ ریش زهار
تراشیدن و ۳ موی زیر بغلها را کندن و ۴ ناخن گرفتن و ۵ استنجا کردن و در روایت
دیگر منقولست که آن پنج که در سر است ۱ موی شارب گرفتن و ۲ ریش را بلند گذاشتن
و ۳ موی سر را تراشیدن و ۴ مسواک کردن و ۵ خلال کردن و آن پنج که در بدنست
۱ موهای بدن را ازاله کردن و ۲ ختنه کردن و ۳ ناخن گرفتن و ۴ غسل جنابت کردن
و ۵ استنجا بآب کردن و از حضرت رسول ص منقولست که اگر نه این بود که بر امت
من دشوار میشد هر آینه واجب گردانیدم بر ایشان که در وقت هر نماز مسواک
بکنند و از حضرت صادق ع منقولست که چون بنماز شب برخیزی مسواک کن

که ملائکه می آیند و دهان را بر دهان تو بگذارند و هر چه از قرآن و دعا و ذکر میخوانی
باسمان میبرد پس باید که دهان تو خوشبو باشد و علی بن جعفر از برادر خود
حضرت امام موسی ع سؤال کرد که آیا میتواند کسی که تمام شب بی چیزی با انگشت
سواک کند و او نتواند که سواک بهم رساند حضرت فرمود که اگر ترسد که
صبح طالع شود باکی نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق
دو سال پیش از فوت ترک سواک کردند بسبب آنکه دندانهای آنحضرت بسیار ضعیف
شده بود و از حضرت رسول ص منقولست که سه چیز است که حافظه را زیاد میکند
و دردهای بدن را میبرد کندر خاییدن و سواک کردن و قرآن خواندن
و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سنت پیغمبرانست بوی خوش
کردن و با زنان نزدیکی کردن و سواک کردن و خضاب حنا کردن و از
حضرت امام محمد باقر ع منقولست که خانه کعبه بحق تعالی شکایت کرد از تعفنهای
بد بوی کافران حق تعالی باو وحی فرمود که ای کعبه قرار گیر که بعوض ایشان حاجیان را
بسوی تو خواهم فرستاد که دهانهای خود را بچوب درختان پاک کنند یعنی چون
حضرت رسول ص مبعوث شد جبرئیل سواک و خلال از برای آنحضرت
آورد و در حدیث معتبر منقولست که شخصی از حضرت امام جعفر صادق ع سؤال کرد
از سواک کردن بعد از وضو حضرت فرمود که سواک را پیش از وضو باید کرد
و اگر کسی فراموش کند تا وضو سازد بعد از وضو سواک کند پس سه مرتبه مضمضه کند
بعد از سواک کردن و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که اگر کسی با وضو

سواک کند

سواک کند و بنماز بایستد ملک می آید و دهان بر دهان او میگذارد و هر چه میخواند
میگوید بخاطر نگاه میدارد و اگر سواک نکند بکنارش می ایستد و قرائتش را
می شنود و از حضرت رسول ص منقولست که دو رکعت نماز که با سواک باشد
بهتر است از هفتاد رکعت نماز که بی سواک باشد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که سواک کند باید که بعد از آن مضمضه بکند و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت رسول ص سواک بعرض دندانها میمالیدند و حضرت
امام موسی ع فرمود که سواک کردن در بیت الخلا موروث کند دهان
و منقولست از حضرت امام محمد باقر ع که سواک کردن در حمام دندانها را
میریزد و فرمود که سواک را ترک مکن در هر سه روز اگرچه یک مرتبه باشد
فصل دوم در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن از حضرت امام موسی ع
منقولست که سه چیز است که هر که لذت آنها یافت ترک نمیکند مو را از بیخ کردن
و جامه را کوتاه کردن و وطی کنیزان و حضرت صادق ع فرمود که موی سر را
از بیخ بگیر تا چرک نگیرد و جانوران در آن جا نکنند و گردن کلفت شود و دیده ات
جلا یابد و بدنت راحت یابد و حضرت صادق ع فرمود که سر هر جمعه تراشیدن سنت
و در حدیث دیگر فرمود که موی پشت سر تراشیدن غم را زایل میکند و در حدیث
صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که چون موی سر بلند شود چشم را ضعیف
میکند و نور آن کم میکند و موی سر را ازاله کردن دیده را جلا میدهد و در فقه
الرضا ع مذکورست که چون خواهی که موی سر را برداری رو بقبله کن و ابتدا کن

از پیش سر از جانب پیشانی و بتراشد تا دو استخوان که از پهلوهای گوش بلند
شده اند و در حین شروع این دعا بخوان بسم الله وبالله وعلی ملة
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم حنیفا مسلما وما انا من المشرکین
اللهم اعطنی بکل شعرة نورا ساطعا یوم القیمة پس چون فارغ شود
بگو اللهم زینی بالتقی وجنبنی الردی وجنب شعری وبشری المعاصی
وجمیع ما تکره منی فانی لا املک لنفسی نفعا ولا ضرا و در روایت دیگر
منقولست که در وقت شروع این دعا بخواند بسم الله وبالله وعلی ملة
رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیمة
و چون فارغ شود بگوید اللهم زینی بالتقوی وجنبنی الردی

فصل

در آداب موی سر نگاه داشتن مردان و زنان بدانکه زنان را بی ضرورتی
و عذری موی سر تراشیدن حرام است و مرد را یکی از دو چیز سنت است
یا آنکه موی سر را بتراشد و این بهتر است یا آنکه موی سر را بگذارند و تربیت کنند
یا آنکه بشویند و شانه کنند و موی جلوی سر را دو حصه کنند که در میان سر ظاهر
شود و چون در اول اسلام سر تراشیدن عیب عظیم بود در میان عرب
و پیغمبر و امام نمی توانستند کاری بکنند که در نظرها قبیح نماید حضرت رسول صلعم موی
سر را بقدر چهار انگشت میگذاشتند و در حج و عمره میتراشیدند و در
حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که موی سر را بلند بگذارد
نیکو رعایت و تربیتش بکند یا آنکه از ته ببرد و بلند بگذارد و در چندین حدیث

وارد شده است

وارد شده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت رسول صلعم
موی سر را دو حصه میکردند و میان سر ایشان کشاده فرمود که آنحضرت موی را
بحدی بلند نمیگذاشتند که احتیاج باین شود بلکه آن قدر بلند میگذاشتند
که بنرمه گوش میرسید و هیچیک از پیغمبران موی سر نگاه نمیداشتند و در حدیث
معتبر دیگر فرمود که هر که موی سر را بلند بگذارد و میان سر را نگشاید حق تعالی
در قیامت اره از آتش بگشاید و در حدیثی وارد شده است که حضرت
رسول صلعم نهی فرمود از آنکه زنی که بحد بلوغ رسیده باشد بر فرق سر جمیع
موهای سر را در پیش سر یا در میان سر یا در اطراف سر گره بزند و بنا بر این در دو حدیث
دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم نهی فرمود از کاکل گذاشتن و موی در پیش سر
گره زدن و نقش خضاب کردن و فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند
بسبب آنکه موی سر را در پیش سر گره میزدند و نقش خضاب میکردند و محتمل است
که مراد از نقش خضاب آن باشد که متعارفست در میان زنان عرب که سوزن
بدست و بدن میزنند و سرمه و غیر آن در آن میریزند که رنگش بماند و احتمال
دارد که نقشهای خضاب را هم شامل باشد و در حدیث دیگر منقولست که از
حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از زنی که موی بالای پیشانی خود را میبرد یا میکند
و موهای روی را میکند برای زینت یا آنکه گیس خود را با گیس بافت میبافد فرمود که باکی
نیست و در دو حدیث دیگر فرمود که باکی با پشم یا موی حیوانات یا موی همان
زن خودش میبافد باکی نیست اما با موی زن دیگر میبافد و موی زن دیگر را

با موی خود پیوند نکنند و بدانکه اگر با موی حیوان پیوند کرده باشد
که گوشتش حرام باشد در حالت نماز میباید با او نباشد که در آن نماز
کردن جایز نیست مگر آنکه از پشم و موی باشد که پیش مذکور شد که نماز
در آن میتوان کرد **فصل چهارم** در فضیلت شارب گرفتن بدانکه شارب
گرفتن یعنی موی لب بالا را کوتاه کردن سنت موکدست و هرچند بیشتر گیرند بهتر است
و از حضرت رسول صلعم منقولست که شارب خود را دراز مکنید که شیطان در آن جا
میکند و پنهان میشود و از حضرت صادق ع منقولست که شارب گرفتن
دفع غم و وسواس میکند و از سنت حضرت رسول صلی الله علیه و آله است
و حضرت رسول صلعم فرمود که سنتست گرفتن موی شارب تا آنکه برسد بلب بالا
و حضرت صادق ع شارب آنقدر میگرفتند که بپوست میرسید و از حضرت
امام جعفر ع منقولست که ناخن گرفتن و شارب گرفتن از جمعه تا جمعه دیگر
امانست از خوره و در حدیث دیگر وارد شده است که شخصی بخدمت
آنحضرت عرض کرد که دعایی تعلیم من کن که باعث زیادتی روزی شود حضرت
فرمود که شارب و ناخن بگیر و باید که در روز جمعه باشد و در حدیث معتبر
از آنحضرت منقولست که هرکه ناخن و شارب در جمعه بگیرد و در وقت
گرفتن بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ عَلٰی سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بعدد هر
که از مو و ناخن او بریزد حق تعالی ثواب بنده [illegible] از فرزندان اسمعیل آزاد
کردن باو عطا نماید و بیمار نشود مگر بیماری مرگ و از حضرت رسول صلعم

منقولست

منقولست که هرکه در روز دوشنبه و پنجشنبه شارب و ناخن بگیرد عافیت
یابد از درد دندان و درد چشم و در حدیث دیگر فرمود که شارب را از بیخ بگیرید
و ریش را بلند بکنید و شبیه بیهودان یا گبران خود را شبیه مگردانید و فرمود
که از زمانیست هرکه شارب خود را نگیرد **فصل پنجم** در آداب ریش بلند کردن
بدانکه سنتست ریش را بانکه گذاشتن نه بسیار بلند و نه بسیار کوتاه و زیاده
از قبضه گذاشتن مکروه است و احتمال حرمت نیز دارد و مشهور میان
علما آنست که تراشیدن ریش حرام است اما بریدن و از دو طرف لب پایین را
تراشیدن جایز است و احوط آنست که اصلاح بیارنند که شبیه
بتراشیدن باشد نکنند و از حضرت صادق ع منقولست که آنچه از ریش زیاده
از یک قبضه است در آتش است و در حدیث دیگر منقولست که دست بر ریش بگیر
و آنچه زیاده از یک قبضه باشد ببر و از محمد بن مسلم منقولست که [illegible] دیدم
که مصلحی اصلاح ریش حضرت امام محمد باقر ع میکرد حضرت باو فرمود که
ریش را مدور کن و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول صلعم
بشخصی گذشتند که ریش درازی داشت فرمودند که چه میشد اگر این مرد ریش
خود را باصلاح می آورد چون این خبر باو رسید ریش را میانه ساخت و بخدمت
آنحضرت آمد حضرت فرمود که چنین کنید ریش را و در حدیث معتبر منقولست که
حضرت امام محمد باقر ع پهلوهای ریش را تنک میکردند و موی ریش را از زیر ذقن
هم میچیدند و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت ریش را تنک میکردند و از بنا

نمیگذاشتند و علی بن جعفر از حضرت امام موسی ع پرسید که اندر روی ریش میتوان
گرفت حضرت فرمود که از عارض یعنی پهلوهای رو بلی و از پیش رو نه و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که در زمان پیش گروهی بودند که
ریش را میتراشیدند و شارب را میتابیدند حق تعالی ایشان را مسخ کرد و از حضرت
رسول ص منقولست که چون حق تعالی توبه حضرت آدم را قبول کرد فرمود سر بسجده
گذاشت و چون سر برداشت رو بآسمان کرد و گفت پروردگارا حسن و جمال
مرا زیاده کردان پس بعد از آن ریش سیاهی بر رویش روئید و پیشتر
ریش نداشت گفت پروردگارا این چیست باو وحی رسید که این زینت تو
و زینت مردان فرزندان تست تا روز قیامت **فصل ششم** در بیان فضیلت
موی سفید و حکم کندن آن از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که پیشتر از زمان حضرت ابرهیم ع موی سفید در سر و ریش بهم نمیرسید و گاه
بود که کسی بمجلسی می آمد و پدر و فرزندانش در آن مجلس حاضر بودند میان پدر
و فرزندان فرق نمیکردند می پرسید که کدام یک پدر شماست پس چون زمان حضرت
ابرهیم ع شد دعا کرد که خداوندا برای من موی سفیدی قرار ده که از فرزندان خود
ممتاز شوم پس موی سر و ریشش سفید شد و از حضرت صادق ع منقولست
که اول کسی که موی سفید در محاسن او بهم رسید حضرت ابرهیم بود نظر کرد
موی سفید در ریش خود دید گفت پروردگارا این چه چیز است خطاب باو
رسید که این باعث وقار آدمیست گفت پروردگارا وقار مرا زیاده کردان

و از

و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون حضرت ابرهیم ع موی سفید
در محاسن خود دید گفت حمد و سپاس خداوندی را سزاست که مرا باین سن رسانید
و در یک چشم زدن معصیت نکرده ام و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که موی سفید را مکنید که آن نور مسلمانست و هر که یک موی سفید در ریش او
پیدا شود در اسلام نوری باشد برای او در قیامت و از حضرت امام جعفر ع
منقولست که سه کسند که خداوند عالمیان در روز قیامت با ایشان سخن نگوید و
نظر رحمت بسوی ایشان نیفکند و اعمال ایشان را پاکیزه نگرداند و برای ایشان عذاب
الیم مهیاست کسی که موی سفید خود را بکند و کسی که با دست خود بازی کند که از او منی
بیاید یا با جاهای دیگر بدن خود و کسی که دیگران با او لواطه کنند و در روایتیست
که این حدیث محمول بر آن باشد که برای غرض فاسدی موی سفید را بکنند زیرا که
در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که باکی نیست موی سفید را بریدن
و کندن اما بریدنش را دوست تر میدارم از کندن و در حدیث دیگر هم وارد شده است
از آنحضرت که کندن و بریدن هر دو باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت
امیر المؤمنین ع بچیدن بریدن موی سفید میفرمود اما کندنش را مکروه میدانست
و از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که موی سفید
در پیش سر میمنت و مبارکست و در عارضها علامت سخاوت و جوانمردیست
و در جای زلف علامت شجاعتست و در پشت سر شومست و ظاهرا مراد
ابتدای سفید شدنست **فصل هفتم** در کندن موی بینی و بازی کردن با ریش

در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که باید که هر کس موی شارب و موی
بینی را بگیرد و باحوال بدن خود بپردازد که اینها باعث زیادتی جمال اوست
و از حضرت صادق ع منقولست که موی بینی را گرفتن رو را نیکو میکند و از
حضرت امام موسی ع منقولست که چهار چیز است که از وسواس شیطانست
گل خوردن و گل را بدست ریزه کردن و ناخن را بدندان گرفتن و ریش را
خائیدن و از حضرت صادق ع منقولست که بیا دست بر ریش مگذار که
نور را معیوب بدنما میکند **فصل هشتم** در فضیلت ناخن گرفتن از حضرت
رسول صلعم منقولست که ناخن گرفتن دردهای بزرگ را منع میکند و روزی را فراخ میکرداند
و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که برای این امر کرده اند بناخن گرفتن که چون
بلند شد شیطان در آن جا میکند و موجب فراموشیست و حضرت صادق ع
فرمود که سنت موکد است ناخن گرفتن و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
رسول صلعم مردانرا امر فرمود که ناخن را تر بگیرید و زنانرا امر فرمود که اندکی بلند تر
بگذارید که زینت شماست و در روایت دیگر وارد شده است که چندگاه
وحی بحضرت رسول صلعم نازل نشد از سبب آن پرسیدند فرمود که چگونه وحی من
بازنایستد و حال آنکه شما ناخن نمیگیرید و چرک انگشتانرا زایل نمیکنید
فصل نهم در بیان آداب و اوقات ناخن گرفتن منقولست که حضرت رسول
نهی فرمود از گرفتن ناخن بدندان و در حدیث حسن از حضرت صادق ع
منقولست که ناخن گرفتن در روز جمعه ایمن میگرداند از خوره و پیسی و کوری

واگر

واگر احتیاج بگرفتن نداشته باشی جای که از آن بیرون ها بریزد و در حدیث
دیگر فرمود که شارب و ناخن در هر جمعه بگیر و اگر باشد آن سوهان و غیر آن حک کن
تا دیوانگی و خوره و پیسی بتو نرسد و در حدیث دیگر فرمود که هر که در هر جمعه ناخن
و شارب بگیرد پیوسته با طهارت باشد تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر فرمود که
ناخن و شارب گرفتن و سر را بخطمی شستن در هر جمعه فقر را برطرف میکند و روزی را
زیاد میکند و در حدیث دیگر منقولست که بآنحضرت عرض کردند که خبر بما رسیدست
که تعقیب خواندن بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب نافع تر است برای زیادتی روزی
از سعی کردن بشهرها حضرت فرمود که میخواهی چیزی بتو تعلیم کنم که از این هم نافعتر
باشد گفتم بلی فرمود که ناخن و شارب بگیر در هر جمعه اگرچه بسایدن باشد
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام رضا ع شخصی را دیدند که آزار چشم داشت
فرمودند که میخواهی بتو چیزی بیاموزم که اگر بجا آوری هرگز درد چشم نبینی گفت
بلی فرمود که در پنجشنبه ناخن بگیر آنشخص چنین کرد هرگز درد چشم ندید و از حضرت
امام محمد باقر ع نیز منقولست که هر که بر این مداومت کند آزار چشم نبیند هرگز
و در حدیث معتبر وارد شده است که در ناخن گرفتن ابتدا بانگشت کوچک
دست چپ بکند و بپا بگیرد و بانگشت کوچک دست راست ختم کند و در حدیث
دیگر وارد شده است که هر که در روز چهارشنبه ناخن بگیرد و ابتدا کند بانگشت
کوچک دست راست و ختم کند بانگشت کوچک دست چپ امان از درد چشم
و در روایت دیگر وارد شده است که اگر در روز پنجشنبه ابتدا کند بناخن انگشت

کوچک دست راست و تا انگشت مهین بگیرد پس ابتدا کند با انگشت کوچک
دست چپ تا انگشت مهین بگیرد امان یابد از درد چشم و در روایت دیگر
اگر در روز چهارشنبه گیرد ابتدا با انگشت دست چپ کردن بهتر باشد و اگر در روز
پنجشنبه گیرد ابتدا در هر دستی با انگشت کوچک آن دست بکند و اگر در روز جمعه
یا سایر روزها گیرد ابتدا با انگشت کوچک دست چپ و ختم با انگشت کوچک
دست راست بکند و اگر در هر وقت ابتدا با انگشت کوچک دست چپ بکند خوبست
چنانچه علی بن بابویه گفته است و در حدیث دیگر منقولست که هر که ناخنهای خود را
در روز پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را برای روز جمعه بگذارد حق تعالی فقر را از او
زایل گرداند و از حضرت امام رضا ع منقولست که در روز سه شنبه ناخن
بگیرید و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که هر که ناخنهای خود را
در روز جمعه بگیرد حق تعالی دردها را از سر انگشتان او بیرون کند و دوا را در آنها
داخل کند و کسی که در روز شنبه یا پنجشنبه ناخن و شارب بگیرد از درد دندان
و درد چشم عافیت یابد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که ناخنها را در روز جمعه
گرفتن هر دردی را برطرف میکند و در روز پنجشنبه گرفتن روزی را فراخ میکند
و در حدیث دیگر منقولست که بحضرت امام موسی ع عرض کردند که اصحاب ما میگویند
که البته ناخن را در روز جمعه میباید گرفت فرمود که اگر خواهی در روز جمعه بگیر
و اگر خواهی در روزهای دیگر یعنی اگر در روز دیگر دراز باشد و احتیاج بگرفتن
داشته باشد صبر نباید کرد تا روز جمعه چنانچه در حدیث دیگر وارد شده است

که هرگاه

که هرگاه که بلند شود بگیر و از حضرت صادق ع منقولست که هر که در روز جمعه
ناخن بگیرد و ریشه کردن بن ناخنها از او برطرف شود و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که هر که پنجشنبه ناخن بگیرد و فرزندانش درد چشم نرسد و اگر کسی خواهد
ثواب پنجشنبه و جمعه هر دو را بیابد در روز پنجشنبه بگیرد و یکی را برای جمعه بگذارد
یا همه را در پنجشنبه بگیرد و در جمعه سوهانی بر آن بمالد که دین حضرت بیند و در وقت
ناخن گرفتن بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ چنانچه حدیث
در باب شارب گرفتن گذشت و انچه مشهور است که در ناخن گرفتن دست راست
اول انگشت شهادت را بگیرد و بعد از ان انگشت کوچک و بعد از ان انگشت
مهین و بعد از ان انگشت میانی و بعد از ان انگشت دیگر و در دست چپ اول
انگشت بعد از انگشت کوچک را بگیرد پس انگشت میان پس انگشت مهین پس
انگشت کوچک پس انگشت شهادة در اخبار اهل سنت چنین وارد شده است
و اینچه ذکر کردیم از اخبار شیعه است و عمل آن کردن اولی است **فصل دوم**
در دفن کردن مو و ناخن و سایر چیزهایی که دفن باید کرد از حضرت امام جعفر
صادق ع منقولست که در تفسیر آیه کریمه أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءً
وَأَمْوَاتًا یعنی آیا نگردانیدیم زمین را محل انضمام و اجتماع و پنهان شدن
در حالتی که زنده اند و در حالتی که مرده اند حضرت فرمود که مراد از حال زندگی
دفن کردن مو و ناخن است و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که رسول خدا ص فرمود ما را که چهار چیز را در خاک پنهان کنیم مو و دندان و ناخن

و خون و از حضرت رسول ص منقولست که هفت چیز است که از آدمی جدا میشود
و آنها را دفن باید کرد موی و ناخن و خون و خون حیض و بچه‌دان و دندان
و نطفه که بآن خون شده باشد **فصل یازدهم** در فضیلت شانه کردن
موی سر و ریش در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که جامه
پاکیزه پوشیدن دشمن را شکوب میکند و روغن بر بدن مالیدن بدحالی و پریشانی را
زایل میکند و سر را شانه کردن تب را میبرد و ریش را شانه کردن دندانها را محکم میکند
و از حضرت رسول ص منقولست که سر را بسیار شانه کردن تب را دور میگرداند
و روزی می آورد و قوت جماع را زیاد میکند و از حضرت صادق ع منقولست که
شانه کردن فقر را برطرف میکند و درد دها را میبرد و در حدیث دیگر فرمود که روزی را
زیاد میکند و موی را نیکو میکند و حاجت را روا میکند و پشت را محکم میکند و بلغم را
قطع میکند و در روایت دیگر موجب بسیاری زن نمیشود و در حدیث دیگر فرمود
که شانه کردن عارض دندانها را محکم میکند و شانه کردن پایین ریش طاعون را
از اینکس دور میگرداند و شانه کردن زلف وسواس سینه را میبرد و شانه کردن
سر بلغم را قطع میکند **فصل دوازدهم** در آداب و اوقات شانه کردن و انواع
شانه‌ها در حدیث معتبر منقولست که در میان جای نماز حضرت امام جعفر صادق ع
شانه بود که هر گاه که از نماز فارغ میشدند شانه میکردند و در حدیث حسن از
حضرت امام موسی ع منقولست در تفسیر آیه کریمه خُذُوا زِینَتَکُم عِندَ کُلِّ مَسجِدٍ
یعنی بگیرید زینت خود را نزد هر مسجدی حضرت فرمود که از زینت ها است شانه

کردن

شانه کردن پیش از هر نمازی و در حدیث دیگر نزد هر نماز واجب و سنتی و در حدیث
دیگر فرمود که هر گاه سر و ریش را شانه کنی شانه را بر سینه خود بکش که اندوه
و بیماری را میبرد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که ریش خود را هفتاد نوبت
شانه کند و بشمارد یکی یکی شیطان تا چهل روز نزدیک او نیاید و در حدیث دیگر
فرمود که در حمام شانه مکن که مو را تنک میکند و در حدیث دیگر فرمود که کسی که
اراده شانه کردن داشته باشد شانه را بدست راست بگیرد در حالتی که نشسته
باشد و بر بالای سر بگذارد و پیش سر را شانه کند و بگوید اَللّٰهُمَّ حَسِّن شَعری
وَ بَشَری وَ طَیِّبهُما وَ اصرِف عَنّی الوَباءَ پس عقب سر را شانه کند و بگوید
اَللّٰهُمَّ لا تَرُدَّنی عَلیٰ عَقِبی وَ اصرِف عَنّی کَیدَ الشَّیطانِ وَ لا تُمَکِّنهُ
مِن قِیادی فَیَرُدَّنی عَلیٰ عَقِبی پس ابروها را شانه کند و بگوید اَللّٰهُمَّ زَیِّنّی
بِزینَةِ الهُدیٰ پس ریش را از طرف بالا بزیر شانه کند و شانه را بر سینه مالد
و بگوید اَللّٰهُمَّ سَرِّح عَنّی الغُمومَ وَ الهُمومَ وَ وَحشَةَ الصَّدرِ وَ وَسوَسَةَ
الشَّیطانِ پس ریش را از پایین بطرف بالا شانه کند و سوره اِنّا اَنزَلناهُ فی لَیلَةِ
القَدرِ بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که چون خواهی ریش را
شانه کنی از زیر ریش بطرف بالا چهل مرتبه شانه کن و سوره انّا انزلناه فی لیلة
القدر بخوان و از طرف بالا بجانب پایین هفت مرتبه شانه کن و سوره و العادیات
بخوان پس بگو اَللّٰهُمَّ سَرِّح تا آخر دعا و از حضرت امام رضا ع منقولست که
هر که شانه را هفت مرتبه بر سر و ریش و سینه بکشد دردی نزدیک او نیاید

و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که ایستاده شانه مکن که باعث ضعف دل میشود و نشسته شانه کن که دل را قوی میکند و پوست را پر میکند و در حدیث دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با آب شانه میکردند یعنی شانه را بآب فرو میبردند و میمالیدند و در روایت دیگر وارد شده است که در وقت شانه کردن ریش سنت است که این دعا بخوانند اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد و اکسنی جمالاً فی خَلقِكَ وزینةً فی عبادِكَ وحسّن شعری وبشری ولا تبتلینی بالنّفاقِ وارزقنی المهابةَ بین بریّتِكَ والرّحمةَ من عبادِكَ یا أرحمَ الرّاحمین و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که ایستاده شانه کند صاحب قرض شود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که ایستاده شانه کردن باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله ریش را از طرف پایین چهل مرتبه و از طرف بالا هفت مرتبه شانه میکردند و میفرمودند که ذهن را زیاد میکند و بلغم را قطع میکند و از قاسم بن ولید منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از روغندان و شانه که از استخوان فیل باشد فرمود که باکی نیست و از حسن بن عاصم منقولست که بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام رفت دید که حضرت شانه از استخوان فیل در دست دارند و بآن شانه میکنند گفت فدای تو شوم جماعتی در عراق هستند که شانه کردن از استخوان فیل را حلال نمیدانند فرمود که چرا پدرم یک شانه یا دو شانه از این داشت پس فرمود که شانه کنید با استخوان فیل که بلغم را میبرد و در احادیث بسیار وارد شده است که

ائمه

ائمه علیهم السلام بشانه از استخوان فیل شانه میکردند و در روایتی از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بشانه نقره و نقره نشان شانه کردن مکروه است

باب ششم

در آداب بوی خوش کردن و گل بوئیدن و روغن مالیدن

فصل اول

در بیان سبب پیدا شدن بوهای خوش در زمین در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون آدم و حوا از بهشت بزمین آمدند حضرت آدم بر کوه صفا قرار گرفت و حضرت حوا بر کوه مروه و حضرت حوا چون در بهشت از بوی خوش انجا گیسوی خود را شانه کرده و بسته بود چون بزمین آمد گفت چه امید داشته باشم از شانه که در بهشت کرده ام و حال آنکه الحال خدا از من در خشم است پس گیسوهای خود را گشود پس آن بوی خوش که در گیسوی او بود فرو ریخت باد بمشرق و مغرب برد و اکثرش را بر زمین هند ریخت باین سبب اکثر بوهای خوش در هند میروید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که چون حضرت آدم از آن درخت که نهی شده بود از خوردن آن تناول نمود جامها و زیورهای بهشت همه از او فرو ریخت پس برگهای بهشت را گرفت و عورت خود را بآن پوشانید چون بزمین آمد باد جنوب بوی خوش آن برگ را بهند رسانید و درختان و گیاههای هند را خوش بو کرد و باین سبب گیاههای خوش در هند بسیار شد و اول جانوری که از آن برگ بهشتی یا از آن گیاهها خورد آهوی مشک بود چون از آن برگ خورد بوی خوش در گوشت و خونش جاری شد تا آنکه جمع شد در پیش نافش و از آن مشک بهم رسید

فصل دویم در فضیلت بوی خوش و آداب آن در احادیث معتبره وارد شده ا
که عطر و بوی خوش و آداب آن در احادیث معتبره وارد شده است که عطر و بوی
خوش کردن از جمله اخلاق پسندیده پیغمبرانست و از حضرت صادق ع
منقولست که بوی خوش دل را قوی میکند و قوت جماع را می افزاید و در حدیث
صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که سزاوار نیست مرد را که ترک کند بوی خوش را
در هر روز و اگر قادر نباشد یک روز نه یک روز و اگر قادر نباشد در هر جمعه و البته
البته ترک نکند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که بوی خوش بر شارب
مالیدن از اخلاق پیغمبرانست و گرامی داشتن ملکه است که اعمال آدمی را
مینویسند بسبب آنکه ایشان را خوش می آید و از حضرت صادق ع مرویست که
هر که در اول روز بوی خوش بر خود بمالد تا شب عقلش با او باشد و فرمود
که نمازی که خوشبو باشد بهتر است از هفتاد نماز که بی بوی خوش باشد
و فرمود که سه چیز است که خدا به پیغمبران داده است بوی خوش و زنان
و مسواک و در حدیث دیگر فرمود که لازم است بر هر بالغی که در هر جمعه
شارب و ناخن بگیرد و چیزی از بوی خوش بر خود بزند و حضرت رسول ص
چون روز جمعه میرسید و بوی خوش نزد آنحضرت نبود روپاک بعضی از
زنان را میطلبید که بوی خوش داشت و تر میکرد و بر روی مبارک میمالید
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع بر موضعی که
عبور میفرمود بعد از آن میشناختند آن موضع را از بوی خوش آنحضرت

و حضرت رسول ص فرمودند که جبرئیل مرا گفت که یک روز در میان خود را
خوشبو کن و روز جمعه البته ناچار است و ترک مکن و میفرمود که باید روز جمعه
البته خود را خوشبو کند اگر چه از بوی خوش زنان باشد و روزی عثمان بن
مظعون بخدمت آنحضرت عرض کرد که میخواهم بوی خوش و چیزی چند را از
لذتها ترک کنم حضرت فرمود که ترک بوی خوش مکن که ملائکه بوی خوش
مؤمن را میبویند و در هر جمعه البته ترک مکن و میفرمود که هر چه صرف نمائی
در بوی خوش اسراف نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ص
زر در بوی خوش زیاده از طعام صرف میکردند و فرمود که بوی خوش زنان
باید که رنگش ظاهر و بویش مخفی باشد و بوی خوش مردان باید که بویش
ظاهر و رنگش مخفی باشد و از حضرت امام موسی ع منقولست که ناخن
بگیرید در روز سه شنبه و حمام بروید در روز چهارشنبه و حجامت
بکنید در روز پنجشنبه و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو کنید در روز
جمعه و از حضرت امام رضا ع منقولست که چهار چیز است که دل را بگشاید
و غم را زایل میکند بوی خوش کردن و عسل خوردن و سواری کردن
و بسبزه نظر کردن و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که باید که زن مسلمان
پیوسته برای شوهر خود خود را خوشبو کند و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که در حضرت پیغمبر ص سه خصلت بود که در دیگری نبود اول
آنکه آنحضرت را سایه نبود دویم آنکه از هر راهی نمیگذشت مگر آنکه در روز

پاینده دور که کسی از آن راه میگذشت میدانست که آنحضرت از آن راه عبور
نموده اند از بوی خوشی که در آن مانده بود نسیم انگه بهر سنگی و درختی که میگذشتند
آنحضرت را سجده میکردند و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر زنی که بوی خوش
کند و از خانه بیرون آید پیوسته لعنت الهی برو باشد تا بخانه بر گردد

فصل سیم در کراهت رد کردن بوی خوش از حضرت صادق ع پرسیدند
که اگر کسی بوی خوش هدیه که برای او بیاورند رد کند و قبول نکند فرمود که بر او
نیست اوّلا که رد کند کراهت دارد و در حدیث دیگر فرمود که بنزد حضرت
امیر المؤمنین ع آوردند روغن خوشبوی حضرت گرفتند و بر خود مالیدند
و دندان زودی روغن مالیده بودند بعد از آن فرمود که ما هرگز بوی خوش
رد نمیکنیم و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم رد نمیکردند بوی
خوش و شیرینی که برای آنحضرت می آوردند و از حسن بن جهم منقولست که گفت
رفتم بخدمت حضرت امام رضا ع برای من ظرفی که در آن مشک بود آوردند و فرمود
که بردار و بر خود بمال و قدری برداشتم و مالیدم فرمود که دیگر بردار و در گریبان
پایین کردن خود بمال برداشتم و مالیدم بار دیگر مالید فرمود که اینجا هم
بمالیدم بعد از آن فرمود که حضرت امیر المؤمنین ع میفرمود که رد نمیکند
کرامت را مگر خر گفتم کرامت کدام است فرمود که بوی خوش و بالشی که برای
نشستن و تکیه کردن تواضع کنند و مانند آن

فصل چهارم در فضیلت
مشک و عنبر و زعفران از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که بوی خوش

مشک است

مشک است و عنبر و زعفران و عود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت
امام زین العابدین ع مشکدانی از قلعی داشتند و هر وقت که اراده رخت پوشیدن
میکردند آنرا میطلبیدند و از مشک بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر وارد
شده است که شیشه از مشک داشتند در جای نماز خود و هرگاه که بنماز
برمیخواستند بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول
آنقدر مشک بر خود میمالیدند که رنگ مشک از فرق مبارک ایشان ظاهر بود
و در حدیث صحیح منقولست که حضرت رسول صلعم مشکدانی داشتند که هرگاه که وضو
میساختند با دست تر آنرا میگرفتند و چون بیرون می آمدند از بوی خوش
میدانستند که آنحضرت می آیند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام
رضا ع حقّه بیرون آوردند از آبنوس و در آن خانها بود که در هر خانه بوی خوشی
بود و یکی از آنها مشک بود و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت
امام موسی ع سؤال کرد که آیا مشک را در روغنی که بر خود میمالند داخل میتوان کرد
فرمود که من میکنم و باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که باکی نیست که مشک
داخل طعام کنند و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلعم خود را
بمشک و عنبر خوشبو میکردند و احادیث در مدح خلوق وارد شده است و آن بوی
خوشبویی بوده است که از چندین چیز بعمل می آورده اند و بیشتر جزوش زعفران
بوده است و در بعضی اخبار وارد شده است که مداومت بر آن نکنند و در روایت دیگر
وارد شده است که شب تا صباح بر بدن نگذارند و دور نیست که این نهی برای آن باشد

که رنگش در بدن بسیار نماند **فصل پنجم** در فضیلت غالیه بسند موثق منقولست
که اسحق بن عمار بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که من با تجار بسیار میباشم و غالیه
بر خود میمالم برای آنکه مرا فقیر ندانند حضرت فرمود که غالیه کم و بسیار مساویست
کسی که از ترک غالیه گاه گاه بر خود بمالد کافیست او را اسحق گفت که من تجربه نموده ام حضرت
تحمل کردم و سالی ده درهم غالیه بخرم و تمام سال بآن خوشبو میشوم و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه شبی از خانه بیرون آمدند
و جامه خز و عبای خز پوشیده بودند و ریش خود را بغالیه خوشبو کرده بودند
پرسیدند از آنحضرت که در این شب با این هیات برای چه بیرون آمده اید فرمود
که میخواهم عبادت کنم و حوران بهشتی را از خدا خواستگاری نمایم یعنی جلای عبادت
زینت و بوی خوش کردن سنتست و در حدیث صحیح منقولست که حضرت
امام رضا ع فرمود که روغنی برای آنحضرت بعمل آورده بودند که در آن مشک و عنبر داخل
کرده بودند فرمود که در کاغذی آیة الکرسی و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس
و قل اعوذ برب الفلق و آیه چند از آیات حفظ نوشتند و در میان غلاف شیشه
آن روغن گذاشتند و بپوست بر ریش خود میمالیدند و در روایت دیگر منقولست
که حضرت امام رضا ع فرمود که روغن را با مشک از برای آنحضرت بعمل آوردند
و بهفتصد درهم بر آمد فضل بن سهل وزیر مامون بحضرت نوشت که مردم شما را
در این باب عیب میکنند حضرت در جواب نوشتند که مگر نمیدانی که یوسف پیغمبر خدا
بود و جامه دیبای طلا باف میپوشید و بر کرسیهای طلا می نشست و بآنها

از حکمت

از حکمت آن چیزی کم نشد پس حضرت فرمود که غالیه ساختند بچهار هزار درهم
فصل ششم در فضیلت و آداب روغن بر بدن مالیدن از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که روغن مالیدن پوست را نرم میکند و دماغ را زیاد میکند و مجاری
آب را در بدن آسان میکند و خشونت جلد را برطرف میکند و تنگی رو را برطرف
میکند و رو را نورانی میگرداند و از حضرت صادق ع منقولست که روغن مالیدن
توانگری را ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود که فقر را زایل میکند و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که در شب روغن مالیدن در عروق بدن جاری میشود
و بشره را سیراب میکند و رو را سفید میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بر مومنی
روغن بمالد حق تعالی برای او بعدد هر موی نوری بنویسد که در قیامت باو
عطا فرماید و از حضرت صادق ع منقولست که چون روغن را بر کف دست
بریزی بگو اللّٰهم انی اسئلک الزین والزینة والمحبة واعوذ بک
من الشین والشنان والمقت پس کف را بر بالای سر بگذار و از آنجا ابتدا کن
بروغن مالیدن و در روایت دیگر وارد شده است که چون روغن را بکف بریزی
بگو اللّٰهم انی اسئلک الزین والزینة فی الدنیا واعوذ بک من الشین
والشنان فی الدنیا والآخرة و در چندین حدیث نهی وارد شده است
از مداومت بر روغن مالیدن در هر روز و در روایتی وارد شده است که ماهی
یکبار بمالند و در روایت دیگر هفته یکمرتبه یا دو مرتبه اما زنان را هر روز بمالیدن
بد نیست **فصل هفتم** در فواید روغن بنفشه در حدیث حسن از حضرت

صادق علیه السلام منقولست که روغن بنفشه سید و بهترین روغنهای شماست
و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغنها مثل فضیلت ماست
بر سایر مردم و در حدیث دیگر مثل فضیلت شیعیان ماست بر سایر خلق و در روایت
دیگر فرمود که مثل فضیلت اسلام است بر سایر ادیان و فرمود که نیکو روغنی است
روغن بنفشه بسیار بمالید که درد را از سر و چشم میبرد و در حدیث دیگر فرمود
که از ناحیه شما چیزی نمی آید که ما بهتر دوست داریم از روغن بنفشه
و در روایت دیگر از عقبه منقولست که شخصی از استر افتاده بود و در دماغش
آفتی یافته بود حضرت صادق ع فرمود که روغن بنفشه در دماغش چکانیدند
چنان کردند شفا یافت بعد از آن فرمود که ای عقبه روغن بنفشه در زمستان
گرم است و در تابستان خنک است و برای شیعیان ما نرم است و برای دشمنان ما
خشک است و اگر مردم فضیلت آن را بدانند هر آینه هر اوقیه آنرا [illegible]
نمود و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که روغن بنفشه در بینی بچکانید که حضرت
رسول ص فرمود که اگر مردم فواید این روغن را بدانند هر آینه آن را بسیار بخورند
و در حدیث دیگر فرمود که گرمی تب را بشکنید بروغن بنفشه و در حدیث دیگر
منقولست که درد سر را زایل میکند و دماغ را باصلاح می آورد **فصل هشتم**
در فواید روغن بان و روغن زنبق بدانکه بان نوعی از درخت است که از آن روغن
میگیرند و از حضرت صادق ع منقولست که نیکو روغنی است روغن بان
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی با آنحضرت شکایت کرد از ترکها که در دست

و پایش

و پایش بهم میرسد فرمود که پنبه را بگیر و در روغن بان بریز و بر ناف خود بگذار
یا روغن بادام بر ناف بریز آنشخص بگفته این کار کرد و آن آزار او زایل شد
و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست که هر که روغن بان بر خود بمالد
و در پیش روی شیطان بخوابد بقدرت الهی ضرر باو نتوانند رسانید و از حضرت
امیرالمؤمنین ع منقولست که بر خود بمالید روغن بان را که آن امانست از هر دردی
و پیغمبران آن را استعمال میفرموده اند و از حضرت رسول ص منقولست که
هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن زنبق نیست و در روایت دیگر منقولست که
حضرت امام موسی و حضرت امام رضا صلوات الله علیهما در بینی میچکانیدند
و در روایت دیگر از حضرت رسول ص منقولست که در روغن زنبق منافع بسیار
هست و در ان شفای از هفتاد درد هست و از حضرت صادق ع مرویست
که در روغن زنبق شفای هفتاد درد هست و ظاهر آنست که مراد از زنبق سفید یاسمن
که آن را از قدیم میگویند و در بسیاری از احادیث بلفظ ازدق وارد شده است
و از کلام بعضی ظاهر میشود که زنبق یاسمن سفید است **فصل نهم** در فواید
سایر روغنها منقولست که حضرت رسول ص بحضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که یا علی
روغن زیت بخور و بر بدن بمال که هر که بخورد و بمالد شیطان تا چهل صباح
نزدیک او نیاید و در بعضی اخبار وارد شده است که روغن گل خیری روغن
لطیفی است و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام موسی علیه السلام
روغن گل خیری بر خود میمالیدند و در حدیث موثق منقولست که حضرت رسول ص

در وقتی که صداع ایشان عارض میشد روغن کنجد در بینی می چکانیدند و در حدیث
معتبر دیگر منقولست که آنحضرت دوست میداشتند که روغن کنجد در بینی بچکانند
فصل دهم در فضیلت بخور و انواع و آداب آن از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که سزاوارست مرد را که هرگاه قادر باشد جامه های خود را بخور و خوشبو بکند و از آن
حضرت امام رضا ع مرویست که بسیار بوی بخور میشنیدند و مرازم روایت کرده است
که با حضرت امام موسی ع بحمام رفتیم چون حضرت بیرون آمدند در رخت کن
عود سوز طلبیدند و خود را خوشبو کردند و فرمودند که مرازم را نیز خوشبو کنید
و در روایت دیگر وارد شده است که چون زنان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
میخواستند که بخور کنند اول یک هسته از خرمای صیحانی که نوعی است از خرماهای
مدینه میگرفتند و خرما و پوستش از آن دانه پاک میکردند و در آتش می انداختند
و چون آنکه دود میکرد بعد از آن بوی خوش را می انداختند و جامه را بر آن بخور
میداشتند و میگفتند که این دود باعث خوشبوئی میشود و از حضرت
امام جعفر صادق ع منقولست که عود خالص بویش در بدن تا چهل روز میماند
و عودی که با بوهای خوش دیگر پرورده باشد بویش تا بیست روز میماند
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا ع با عود هندی خالص بخور
میکردند و بعد از آن گلاب و مشک بر خود میمالیدند و در روایت دیگر
وارد شده است که حضرت رسول ص بعود قماری بخور میکردند و در حدیث دیگر
از آنحضرت ص منقولست که بر شما باد بعود هندی که در آن هفت نوع از شفا هست

و در روایت

و در روایت دیگر منقولست که تحفه که برای مرد روزه دار آورند آنست که ریشش را
روغن بمالند و جامه اش را بخور بدهند و تحفه زن روزه دار آنست که گیسش را
شانه کنند و جامه اش را بخور بدهند و سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است
که حضرت رسول ص در وقت بخور کردن این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی بِنِعْمَتِهِ
تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ عَرَقَنَا وَ زَکِّ رَوَائِحَنَا وَ اَحْسِنْ مُنْقَلَبَنَا وَ اجْعَلِ
التَّقْوَی زَادَنَا وَ الْجَنَّةَ مَعَادَنَا وَ لَا تُفَرِّقْ بَیْنَنَا وَ بَیْنَ عَافِیَتِکَ اِیَّانَا
وَ کَرَامَتِکَ لَنَا اِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ و گفته اند که در روایت دیگر
منقولست که در وقت بخور و بوی خوش کردن این دعا بخوانند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ اَمْتِعْنِی بِمَا رَزَقْتَنِی وَ لَا تَسْلُبْنِی مَا خَوَّلْتَنِی وَ اجْعَلْ
ذٰلِکَ رَحْمَةً وَ لَا تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ ذِکْرِی بَیْنَ خَلْقِکَ کَمَا
طَیَّبْتَ بَشَرِی وَ نَشْرِی بِفَضْلِ نِعْمَتِکَ عِنْدِی **فصل یازدهم** در بیان
فضیلت گلاب و گل سرخ و انواع گلها از حضرت رسول ص منقولست که گلاب
بر رو ریختن آب رو را زیاد میکند و پریشانی را برطرف میکند و در حدیث دیگر
فرمود که هرکه گلاب بر رو بمالد در آن روز بدحالی و پریشانی باو نرسد و چون
گلاب بر رو بدستها مالد حمد خدا بکند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد
و از حضرت صادق ع منقولست که هرکه در اول ماه مبارک رمضان یک کف
گلاب بر رو بریزد در آن روز ایمن گردد از خواری و پریشانی و هرکه در نیمه آن بریزد
بر سر یک کف گلاب بریزد در آن سال از مرض سرسام و ذات الجنب ایمن گردد

عرقنا

نشری و نشواری

و بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله منقولست که حضرت رسول صلعم
هر دو کف را از گل سرخ پر کرده بمن عطا فرمودند چون نزدیک بمشام خود بردم فرمودند
که این بهترین گلهای بهشتست بعد از گل سوری و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلعم
منقولست که چون مرا بآسمان بردند از عرق من قطره چند بر زمین ریخت و گل سرخ
از او رویید پس آن گل بدریا افتاد ماهی خواست که ببرد او را و دعموص که کرمی است در
میان آب سر هیچ دارد و دم باریک درازی خواست که ببرد او را و در میان ایشان
نزاع شد پس حق تعالی ملکی را فرستاد که در میان ایشان محاکمه کرد و نصف را بماهی داد
و نصف را بدعموص پس برگ سبزی که در زیر گل میباشد دو تا بشکل دم
ماهی است که از هر طرف پری دارد و دو تا بشکل دم دعموص است که باریک است
فانه هیچ طرف پری ندارد و یکی باشد طرفش پری دارد و طرف دیگر ندارد که نصفش
بشکل دم ماهی و نصفش بشکل دم دعموص است و در روایت دیگر منقولست
که چون آنحضرت را بمعراج بردند زمین از رفتن حضرت محزون شد و گیاه
سبز که بدان روید و چون برگشتند زمین شاد شد و گل سرخ از آن رویید
پس کسی که خواهد که بوی حضرت پیغمبر صلعم را استشمام نماید گل سرخ را ببوید
و در روایت دیگر از طرق عامه از حضرت رسول صلعم وارد شده است که گل سفید
از عرق من رویید در شب معراج و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق
و در روایتی وارد شده است که بوییدن نرگس و روغنش را مالیدن فضایل
بسیار دارد و چون حضرت ابراهیم را در آتش انداختند و حق تعالی آتش را

براو

بر او برد و سلام گردانید در میان آتش نرگس برای آنحضرت رویانید و از
آن روز نرگس در میان مردم بهم رسید و از حضرت امام موسی ع منقولست که حضرت
رسول صلعم فرمودند که نیکو گلیست مرزنگوش در زیر عرش میروید و آبش باعث شفای
چشم است و در روایت دیگر منقولست که بسیار ببویید مرزنگوش را که قوت شامه را
می افزاید و از حضرت صادق ع منقولست که گلی هست و نیکو دارد و بهتر از
همه گلها موردست **فصل دوازدهم** در آداب گل بوییدن در حدیث صحیح از حضرت
صادق ع و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که هرگاه گل بشما بدهند
ببویید و بر دیدهای خود بگذارید که آن از بهشت آمده است در حدیث معتبر
مالک جهنی روایت کرده است که گلی بحضرت امام جعفر صادق ع دادم گرفتند
و بوییدند و بر هر دو دیده گذاشتند پس فرمودند که هر که گلی را بگیرد و ببوید و بر
دیدها بگذارد پس بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد هنوز بر زمین نگذاشته
باشد که گناهانش آمرزیده شود و از حضرت امام علی نقی ع منقولست که هر که
گل را ببوسد و بر دیدها گذاشته صلوات بر محمد و ائمه علیهم السلام فرستد حق تعالی
برای او از حسنات بقدر ریگ بیابان عالج که در مابین مکه و شام و عراق کشیده است
بنویسد و از گناهان او بعدد ریگ آن بیابان محو نماید **باب هفتم**
در آداب حمام رفتن و سر شستن و دارو کشیدن و آداب بعضی از اعمال
فصل اول در فضیلت حمام منقولست که عمر علیه اللعنه گفت بد خانه ایست حمام
عورت را ظاهر میکند و پرده آدمی را میدرد و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه

فرمود که نیکو خانه ایست حمام جهنم را بیاد می آورد و چرک را از بدن میبرد
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که حمام یکروز در میان گوشت بدن را زیاد میکند
و هر روز رفتن پیه گرده‌ها را میگدازد و بدن را لاغر میکند و از سلیمن جعفری
منقولست که گفت بیمار شدم تا آنکه گوشتم همه تحلیل رفت بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام
رفتم فرمود که میخواهی که گوشت بدنت بر گردد گفتم بلی فرمود که یکروز نه یکروز
بحمام برو که گوشت بدنت عود میکند و زنهار که هر روز مرو که مرض باعث سل میشود
و در حدیث دیگر فرمود که کسی که خواهد فربه شود یکروز بحمام برود و یکروز نرود
و کسی که گوشت زیاد داشته باشد و خواهد که لاغر شود هر روز بحمام برود
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بهترین دواهای شما حقنه و حجامت
کردن و دوا در بینی چکانیدن و حمام است و در روایت دیگر وارد شده است
که دوای بلغم حمام است و در چند روایت وارد شده است که هر که ایمان بخدا
و روز قیامت دارد باید که زنش بحمام نفرستد و علما تاویل کرده اند بدو وجه
اول آنکه این در بلادیست که در آن بلاد باعتبار گرمی هوا احتیاج نباشد
زنان بحمام رفتن دویم آنکه مراد آنست که زن خود را رخصت دهد که برای
سیر کردن بحمامها رود **فصل دویم** در آداب داخل شدن و بیرون آمدن
و دعاها که باید خواند در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که هر که ایمان
بخدا و روز قیامت دارد باید که بی لنگ بحمام داخل نشود و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که هر که با لنگ بحمام داخل شود حق تعالی گناهان او را بپرده

ستر خود بپوشاند و در حدیث دیگر فرمود که هر که داخل حمام شود و دیده خود را
از نظر کردن بعورت دیگران بپوشاند حق تعالی او را از حمیم جهنم ایمن گرداند
و حضرت رسول صلی الله علیه وآله نهی فرمود از غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ و از داخل
شدن در نهرها بی لنگ و فرمود که در نهرها ساکنان هستند از ملائکه و نهی
فرمود از داخل شدن حمام بی لنگ و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
داخل حمام مشو مگر بعد از آنکه اندک چیزی در معده تو باشد که حرارت
معده را از تو فرو نشاند و این چیز باعث قوت بدن است و داخل حمام مشو
در وقتی که معده پر باشد از طعام و در حدیث دیگر منقولست که هر گاه که آن حضرت
اراده حمام رفتن میکردند اندک چیزی تناول میفرمودند راوی گفت که مردم
میگویند که ناشتا بحمام رفتن بهتر است فرمود که نه بلکه اندک چیزی میباید
خورد که صفرا را فرو نشاند و حرارت اندرون را ساکن گرداند و در روایت دیگر
فرمود که حمام رفتن ناشتا بلغم را پاک میکند و بعد از چیزی خوردن صفرا
و سودا را پاک میکند و فرمود که اگر خواهی گوشت بدنت زیاد شود بعد از چیزی
خوردن بحمام برو و اگر خواهی که گوشت کم شود ناشتا برو و بسند معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که در وقتی که در رخت کن حمام جامه‌ها را از خود میکنی
بگو اللّٰهمّ انزع عنّی ربقة النّفاق وثبّتنی علی الایمان و چون داخل
خانه اول حمام شوی بگو اللّٰهمّ انّی اعوذ بک من شرّ نفسی واستعیذ بک
من اذاه و چون داخل خانه دویم شوی بگو اللّٰهمّ اذهب عنّی الرّجس النّجس

وطهر جسدی و قلبی و بگیر از آب گرم و بر سر بریز و بعضی از آن آب را بر پا بریز
و اگر توانی که جرعه از آن آب بخوری بخور که مجرای بول را پاک میکند و در رخت کن
ساعتی مکث کن پس چون داخل خانه سیم شوی بگو نعوذ بالله من النار و نسأله الجنة
و مکرر این را بگو تا هنگام بیرون آمدن از آن خانه گرم و زنهار که آب سرد و خربزه
در حمام مخوری که معده را فاسد میکند و آب سرد بر سر خود مریز که بدن را ضعیف میکند
و چون از حمام بیرون آیی آب سرد بر پا بریز که درد را از بدن بیرون میکند پس چون
مشغول جامه پوشیدن شوی بگو اللهم البسنی التقوی و جنبنی الردی پس چون
اینها که گفتیم بکنی از هر دردی ایمن شوی و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که
چون بعد از بیرون آمدن تو از حمام برادر مومن کسی بگوید طاب حمامک
و حمیمک تو در جواب بگو انعم الله بالک و در روایت دیگر وارد شده است
که حضرت امام حسن صلوات الله علیه از حمام بیرون آمدند شخصی آن حضرت
گفت که طاب استحمامک حضرت او را منع کردند پس گفت طاب حمامک باز
او را منع کردند پس گفت طاب حمیمک باز منع کردند او گفت پس چه بگویم فرمود
که بگو طاب ما طهر منک و طهر ما طاب منک یعنی خدا طیب و پاکیزه و نیکو گرداند
نیکی معنوی بسبب مغفرت گناهان و توفیق طاعات الهی پاک شده است در حمام از
اعضای بدن تو و پاک گرداند از لوث گناهان و جهالت و ضلالت آنچه پاکیزه و
نیکوست از تو که آن دل و نفس و عقل و سایر قوی و اعضای شریفه باشد
و در روایت دیگر منقول است که کسی که از حمام بیرون آید باو بگویند انقی الله

غسلک و در جواب بگوید طهرکم الله و حضرت صادق ع فرمود که هرگاه
از حمام بیرون می آیید عمامه بر سر ببندید و فرمود که بعد از بیرون آمدن
از حمام پاها را بشویید که درد شقیقه را زایل میکند و در حدیث دیگر منقول است
که حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام هرگاه که از حمام بیرون می آمدند
در زمستان و تابستان عمامه بر سر می پیچیدند و می فرمودند که امان است از درد سر
و در روایتی وارد شده است که چون کسی داخل حمام شود و حرارت بر او غلبه کند
آب سرد بر پاهای خود بریزد تا حرارتش ساکن شود و از حضرت امام موسی ع وارد شده است
که در روز چهارشنبه بحمام بروید **فصل سیم** در بیان آنچه در حمام نباید کرد
و اجتناب از آن بهتر است منقول است از حضرت امام جعفر صادق ع که حضرت
امیر المؤمنین ع میفرمود که در حمام بر پشت مخوابید که پیه گرده ها را میگدازد و بر سفال
و آجر بر پای خود مسایید که مورث خوره است و حضرت صادق ع فرمود که مرد با پسر خود
بحمام نرود که نظر کند بعورت او و فرمود که پدر و مادر را نیز جایز نیست که نظر کنند
بعورت فرزند خود و فرزند را جایز نیست که نظر کند بعورت پدر و مادر و فرمود که
حضرت رسول لعنت فرمود که کسی نظر بعورت کسی کند در حمام یا بگذارد که دیگری
بعورت او نظر کند و در حدیث دیگر فرمود که بر پهلو مخوابید در حمام که پیه گرده را
میگدازد و لاغر میکند آدمی را و در حمام شانه مکن که مو تنک میشود و سر را بگل مشوی
که غیرت را میبرد و سفال بر بدن ممال که مورث جرب است و لنگ بر بدن ممال که آبرو را میبرد
و ابن بابویه علیه الرحمه گفته است که مراد گل مصر و سفال شام است و در حدیث صحیح

منقولست که از حضرت امام موسی ع پرسیدند از قرآن خواندن در حمام و جماع
کردن در حمام فرمود که باکی نیست و در روایت حسن دیگر از حضرت امام محمد باقر ع
پرسیدند که آیا حضرت امیر المؤمنین ع نهی فرموده اند از قرآن خواندن در حمام
حضرت فرمود که وقتی نهی میفرمود که کسی عریان باشد پس اگر لنگ بسته باشد
باکی نیست و از حضرت صادق ع منقولست که باکی نیست مرد را اگر در حمام قرآن
بخواند اگر غرضش رضای خدا باشد نه خوش خوانی و در حدیث دیگر منقول است
که روزی آنحضرت میخواستند بحمام روند حمامی گفت که اگر میخواهید حمام را
برای شما خلوت کنم فرمود که در کار نیست مؤمن کارش از این سبکتر میباشد
که حمام را برای او قرق کنند و حضرت امام رضا ع فرمود که هر که از حمام
سفالی بردارد و بر بدن خود بمالد و پیسی باو برسد ملامت نکند مگر خود را و کسی که
غسل کند از آبی که از غسل مردم جمع شده باشد در حمام و جذام و پیسی باو برسد
ملامت نکند مگر خود را و در حدیث موثق از حضرت صادق ع منقولست که فرمود
که در حمام بر پهلو مخوابید که پیه گرده‌ها را آب میکند و بر پشت مخوابید که درد اندرون
بهم میرسد و شانه مکن که موها را میریزاند و مسواک مکن که دندانها را میریزاند و سر را
بگل مشو که رو را بدنما و بیج میکند و لنگ بسر و رو مال که آبرو را میبرد و کف پا را
بسفال مسال که باعث پیسی میشود و از آبی که در حوضهای کوچک حمامها میباشد
جمع میشود از غسل مردم غسل مکن که در آن غساله یهودی و نصرانی و گبر و دشمن ما
اهل بیت که از همه بدتر است جمع میشود و خدا خلقی از سگ بدتر خلق نکرده است و کسی

که عداوت ما اهل بیت داشته باشد از سگ بدتر است و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که بول کردن در حمام مورث فقر و پریشانی است و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست که مرد
با کنیزانش بحمام بروند اما باید که لنگ بسته باشد و مانند خران برهنه نباشد
که نظر بعورت یکدیگر کنند و در روایتی وارد شده است که در حمام سلام نکنند و آن در
صورتیست که لنگ نبسته باشند زیرا که در احادیث بسیار وارد شده است که ائمه
علیهم السلام در حمام سلام کرده اند بر مردم **فصل چهارم** در فضیلت شستن سر و بدن
و دفع بوهای بد از خود کردن از حضرت رسول ص منقولست که کافیست آب از برای غسل
کردن بدن و فرمود که هر که جامه بپوشد باید که پاکیزه باشد و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که شستن سر چرک را میبرد و آن رخیم را دفع میکند و شستن جامه غم و اندوه را
میبرد و پاکیزگی است برای نماز و فرمود که خود را پاکیزه کنید با آب از بوهای بدی که مردم
از آن متأذی میشوند و تعهد نمائید بدن خود را بدرستیکه خدا دشمن میدارد از بندگان خود
آن کثیفی که بوی بد او را رسد بهلوی هر که نشیند متأذی شود و فرمود که آب بوی خوش کردن است
حضرت امام رضا ع منقولست که حق تعالی غضب نکرد بر بنی اسرائیل مگر وقتی که ایشان
داخل مصر گردیدند و راضی نشد از ایشان مگر وقتی که ایشان از مصر بیرون رفتند و حضرت
رسول ص فرمود که سر خود را بگل مصر مشوئید و از کوزه که در مصر میسازند آب مخورید
که خواری و مذلت می آورد و غیرت را میبرد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که دوست
نمیدارم که سر خود را از گل مصر بشویم از ترس آنکه مرا ذلیل گرداند و غیرتم را ببرد و از جابر جعفی
منقولست که شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر ع از آنکه کوری در سرم هست و بسیار است نزد

و جامه را هم چرکین میکند فرمود که موی دراز بکوب و آنرا بگیر و یا مرکبی که از شراب بعمل آورده باشد
و بسیار تند باشد بهم بزن آنقدر که کف کند پس بر رو و ریش بمال بآن بقوت تمام بمال و بشوی
پس بمغز بیره تازه سر و ریش را چرب کن که آن علت زایل میشود **فصل پنجم** در فضیلت
شستن سر با سدر و خطمی در حدیث حسن معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است
که ناخن و شارب گرفتن و سر را با خطمی شستن فقر و درویشی را زایل میکند و روزی را
زیاد میکند و در حدیث موثق دیگر فرمود که شستن سر با خطمی در هر جمعه امان میدهد از
پیسی و دیوانگی و در روایت دیگر فرمود که هر که ناخن و شارب بگیرد و سر را با خطمی بشوید
در روز جمعه ثواب کسی دارد که بنده آزاد کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که شستن
سر با خطمی دلها میگشاید و وسوسه را بر طرف میکند و در حدیث موثق از
حضرت امام موسی ع منقول است که شستن سر با سدر روزی را زیاد میکند
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که چون حق تعالی حضرت رسول را
امر فرمود که اسلام را ظاهر کرداند و آنحضرت کمی مسلمانان و بسیاری کافران دید
بسیار غمگین شد حق تعالی حضرت جبرئیل را با برگی از سدر از درخت سدرة المنتهی
فرستاد که سر را بآن بشوید پس آن شستن اندوه آنحضرت بر طرف شد و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شستن سر با خطمی امان میدهد از درد سر
و بیزار میکرداند از پریشانی و سر را پاک میکند از کری و در حدیث دیگر فرمود که حضرت
رسول سر خود را با سدر میشستند و میفرمودند که بشوئید سر خود را با برگ سدر که هر ملک
مقرب و هر پیغمبر مرسلی آنرا پاکیزه کرده است و هر که سر خود را بآن بشوید حق تعالی از او

دسر

وسوسه شیطان را هفتاد روز دور کرداند و هر که هفتاد روز وسوسه شیطان از او
دور شود معصیت خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقول است که شستن سر با خطمی چرک و جانوران سر را بر طرف میکند
فصل ششم در فضیلت دارو کشیدن در حدیث حسن از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است
که دارو کشیدن پاک کننده بدن است و در حدیث صحیح منقول است که عبد الرحمن
بن ابی عبد الله گفت که با حضرت امام جعفر صادق ع بحمام رفتم فرمود که دارو بکش
گفتم که چند روز نیست که کشیده ام فرمود که دیگر بکش که پاک کننده بدن است و باین مضمون
چند حدیث وارد شده است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی را حضرت تکلیف
دارو کشیدن کردند او گفت که سه روز است که کشیده ام فرمود که باز بکش که پاک میکرداند
ترا و از حضرت امیر المؤمنین ص منقول است که دارو کشیدن رفع دلگیری و پریشانی خاطر میکند
و بدن را پاک میکند و از حضرت امام موسی ع منقول است که موهای بدن را از خود بینداز که
نجس و کثیف است و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که موی بدن چون بلند میشود
آب پشت را قطع میکند یعنی فرزند بوجود نمی آید و بندها را سست میکند و ضعف و تنبلی
می آورد و نوره کشیدن آب پشت را زیاد میکند و بدن را قوی میکند و پیه گرده ها را زیاد میکند
و بدن را فربه میکند و از حضرت امام رضا ع منقول است که چهار چیز است که از اخلاق
پیغمبران بوی خوش کردن و سر تراشیدن و نوره مالیدن و بسیار جماع کردن و از حضرت
رسول ص منقول است که موی شارب و پشت بغل را دراز مکذارید که شیطان
در این جاها جا میگیرد و پنهان میشود **فصل هفتم** در دراز کردن موی زیر بغل در حدیث معتبر

از حضرت رسول صلعم منقولست که دراز مکنید موی زیر بغل را که شیطان در آنجا
پنهان میشود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع
زیرهای بغل را دارو میکنداشتند و منع میفرمودند که کندن موی زیر بغل
دوش را سست میکند و در حدیث دیگر منقولست که دارو کنداشتن زیر بغل بهتر است
از تراشیدن و تراشیدن بهتر است از کندن و در دو حدیث دیگر وارد شده
که بسیار بود که آنحضرت از برای ازالهٔ موی زیر بغل بحمام میرفتند و همین آن موضع را
دارو میکشیدند و بیرون می آمدند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که موی
زیر بغل را کندن کند بغل را برطرف میکند و پاک کننده است و سنت رسول خداست

فصل هشتم در رعایت زمانی که نوره را تاخیر توان کرد در حدیث معتبر از
حضرت رسول صلعم منقولست که هر مردی که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که موی
پشت زهار را زیاده از چهل روز نگذارد و حلال نیست زنی را که ایمان بخدا
و روز قیامت داشته باشد اینکه ترک کند ازالهٔ موی زهار را زیاده از بیست روز
و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول صلعم در هر جمعه دارو میکشیدند
موی پشت زهار و میان پاها را و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست
که سنت در نوره کشیدن آنست که هر پانزده روز یکمرتبه بکشد و اگر کسی بیست روز بگذرد
و در روایت دیگر بیست روز بر او بگذرد که نوره نکشیده باشد قرض کند بر خدا
و نوره بکشد و کسی که چهل روز بر او بگذرد که نوره نکشد او مومن و مسلمان نیست
و او را هیچ کرامت نزد خدا نیست و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که ایمان بخدا

وروز

و روز قیامت دارد موی زهار را زیاده از چهل روز نگذارد پس اگر چیزی نیابد
بعد از چهل روز قرض کند و [illegible] و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که
دوست میدارم از برای مؤمن که هر پانزده روز نوره بمالد و از حضرت صادق ع
منقولست که باید پشت زهار را یکهفته بیشتر نگذارد و کسی که نوره را زیاده از
یکماه ترک کند نمازش مقبول نیست فصل نهم در دعای وقت نوره کشیدن
از حضرت صادق ع منقولست که هر که خواهد که پیش از نوره کشیدن اندکی از نوره بردارد
و بوید و بر سر بینی بگذارد و بگوید صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی سُلَیْمٰنَ بْنِ دَاوُدَ کَمَا اَمَرَنَا
بِالنُّوْرَةِ او را نسوزاند نوره و از حضرت علی بن الحسین ع منقولست که هر که در وقت
نوره مالیدن بر بدن این دعا بخواند خدا او را از چرکها و کثافتهای دنیوی
و از گناهان پاک گرداند و بعوض آن مو با و موی کرامت فرماید که در آن
گناه نکند و بعدد هر موی از بدنش ملکی خلق کند که از برای او تسبیح کنند تا
روز قیامت و بهر تسبیحی که یک تسبیح از تسبیح ملایکه ثوابش برابر است با ثواب هزار
تسبیح اهل زمین و دعا اینست اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ مَا طَهُرَ مِنِّیْ وَطَهِّرْ مَا طَابَ مِنِّیْ وَ
اَبْدِلْنِیْ شَعْرًا طَاهِرًا لَا یَعْصِیْكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ تَطَهَّرْتُ اِبْتِغَاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلِیْنَ
وَ اِبْتِغَاءَ رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ فَحَرِّمْ شَعْرِیْ وَبَشَرِیْ عَلَی النَّارِ وَطَهِّرْ خَلْقِیْ
وَطَیِّبْ خُلُقِیْ وَزَكِّ عَمَلِیْ وَاجْعَلْنِیْ مِمَّنْ یَلْقَاكَ عَلَی الْحَنِیْفِیَّةِ السَّمْحَةِ مِلَّةِ
اِبْرٰهِیْمَ خَلِیْلِكَ وَدِیْنِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ حَبِیْبِكَ وَرَسُوْلِكَ
عَامِلًا بِشَرَائِعِكَ تَابِعًا لِسُنَّةِ نَبِیِّكَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ اٰخِذًا بِهِ

تَأَدَّبْنَا بِآدَابِكَ وَتَأَدَّبَ بِهِ رَسُولُكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَأَدَّبُوا فِي لَيَالِيكَ الَّذِينَ
غَذَّيْتَهُمْ بِآدَابِكَ وَقَذَفْتَ الْحِكْمَةَ فِي صُدُورِهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِعِلْمِكَ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ **فصل دهم** در اوقات نوره کشیدن و سایر آداب آن از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که یکمرتبه در تابستان دارو کشیدن بهتر است در فضیلت
و نفع از ده مرتبه که در زمستان بکشند و از حضرت امیر المؤمنین ع روایتست که احتراز کنید
از نوره کشیدن در روز چهارشنبه که روز نحس مستمر است و جهنم در روز چهارشنبه
خلق شده است و از حضرت رسول منقولست که پنج چیز است که مورث پیسی است
نوره در روز جمعه و چهارشنبه مالیدن و وضو و غسل بآبی کردن که در آفتاب
گرم شده باشد و در حال جنابت چیزی خوردن و زنان در حال حیض جماع کردن
و در حال سیری چیزی خوردن و از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که در روز
جمعه نوره بکشد و پیس شود ملامت نکند مگر خود را و دور نیست که این دو حدیث
محمول بر تقیه باشد یا آنکه یکی از طرق اهل سنت است زیرا که حدیث گذشت که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در روز جمعه دارو میکشیدند و در حدیث معتبر
دیگر منقولست که بخدمت حضرت صادق ع عرض کردند که مردم میگویند که نوره
کشیدن در روز جمعه مکروه است حضرت فرمود که چنین نیست که تو گمان کرده
چه چیز پاک کننده تر است از نوره کشیدن در روز جمعه و در حدیث دیگر منقولست
که علی بن یقطین خواست که بخدمت حضرت امام موسی ع بنویسد که آیا مرد در حالت
جنابت دارو میتواند کشید و فراموش کرد حضرت از باب اعجاز باو نوشتند که

باکیزه

باکی نیست نوره باعث پاکیزگی جنب است و از حضرت صادق ع پرسیدند از مرد
که باکی نیست و در حدیث حسن منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند که کسی که
دارو کشد ایستاده بول میتواند کرد فرمود که باکی نیست و در روایت دیگر منقولست
که کسی که در وقت دارو مالیدن بنشیند بیم آنست که بعلت فتق مبتلا شود و بسیار بود
با حضرت امام محمد باقر ع بحمام رفت حضرت لنگی بستند از ناف تا زانو و حمامی را
طلبیدند که بغیر بالای این لنگ بود دارو مالید بعد از آن او را بیرون کردند و از ناف
تا زانو را خود کشیدند و بآن شخص گفتند که هر گاه دارو بکشی چنین کن و در بعضی از
احادیث تجویز این وارد شده است که غیر عورتین را دیگری بمالد و بسند حسن منقولست
که از حضرت صادق ع پرسیدند که آیا جایز است که کسی آرد را با روغن زیت
مخلوط کند و بعد از نوره بر بدن بمالد برای آنکه بوی نوره را ببرد فرمود که
باکی نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی ع چنین میکردند
و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند که آرد را بعد از نوره
بر بدن میتوان مالید فرمود که باکی نیست راوی گفت که مردم میگویند که اسراف است
حضرت فرمود که در چیزی که اصلاح بدن کند اسراف نیست من بسیار است
که من فرمایم که آرد نخود را با روغن زیت مخلوط میکنند و بر بدن میمالم اسراف در
چیزی میباشد که مال را تلف کند و بدن ضرر برساند **فصل یازدهم** در فضیلت
حنا مالیدن بعد از نوره حسین بن موسی روایت میکند که پدرم حضرت موسی بن جعفر ع
هر گاه که اراده حمام میکردند میفرمودند که حمام را بیا گرم میکردند سه مرتبه که داخل نمیتوانست

روزی از حمام بیرون آمدند شخصی از آل زبیر با آنحضرت رسید و اثر حنا
در دست حضرت دید گفت این ناخوش است که در دست است فرمود که از ال
خانت بدرآیم از رسول خدا ص روایت کرده اند که هر که بحمام رود و دارو بکشد
و بعد از دارو حنا از سر تا پا بمالد او را امان باشد از دیوانگی و جذام و پیسی و اکله
تا نوبت کشیدن دیگر و در حدیث معتبر منقولست که حکم بن عتیبه دید که حضرت صادق ع
حنا بر داشته و بر ناخنهای خود گذاشته پس فرمود که ای حکم چه میگوئی در این باب
گفت چه توانم گفت در کاری که شما بکنید اما از ما در میان جوانان میکنند حضرت
فرمود که ای حکم ناخنها بعد از نوره شبیه میشود بناخن مردگان ما رنگ آنرا میکردانیم
بحنا و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام محمد تقی ع از حمام بیرون آمد و از
سر تا پای مبارک آنحضرت مانند گل سرخ شده بود از حنا و حضرت صادق ع فرمود که حنا مالیدن
بوی بد را می برد و آبرو را زیاد میکند و دهان را خوشبو میکند و فرزند را نیکو میکند
و هر که بعد از دارو از سر تا پا حنا بمالد فقر و پریشانی از او برطرف شود **فصل دوازدهم**
در آداب غسل جمعه و سایر اغسال بدانکه غسلهای واجب بر مشهور میان علما شش است
غسل جنابت و حیض و استحاضه و نفاس و مس میت و غسل میت و مستحبست که در وقت
غسل جنابت این دعا بخواند اللّهمّ طهّر قلبی وزکّ عملی وتقبّل سعیی واجعل
ما عندك خیرا لی اللّهمّ اجعلنی من التوّابین واجعلنی من المتطهّرین
و اگر این دعا هم بخواند بهتر است اللّهمّ طهّر قلبی واشرح لی صدری واجر علی لسانی
مدحتك والثناء علیك اللّهمّ اجعله طهورا وشفاء ونورا انّك علی کلّ

قدیر و بعضی این دعا را بعد از غسل ذکر کرده اند و در تفسیر امام حسن عسکری ع منقولست
که هر که بعد از وضو یا غسل جنابت این دعا بخواند گناهان او از بدن او بریزد چنانچه برگ از
درختان میریزد و بعدد هر قطره از قطرات وضو و غسل او حق تعالی ملکی خلق فرماید که تسبیح
و تقدیس و تهلیل و تکبیر الهی کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و ثواب آن از او
باشد و کناهانش آمرزیده شود دعا اینست سبحانك اللّهمّ وبحمدك اشهد ان لا
اله الّا انت استغفرك واتوب الیك واشهد انّ محمّدا عبدك ورسولك
واشهد انّ علیّا ولیّك وخلیفتك بعد نبیّك علی خلقك وانّ اولیاءه
خلفاؤك واوصیاءه اوصیاؤك اما غسلهای سنت شصت و دو غسل است
و از جمله آنها غسل جمعه است و بعضی از علما واجب میدانند و احوط آنست که تا ممکن
باشد ترک نکند و در احادیث معتبره وارد شده است که غسل جمعه واجب است
بر مردان و زنان در سفر و حضر مگر آنکه رخصت داده اند زنانرا که ترک کنند در سفر بسبب
کمی آب و از حضرت صادق ع منقولست که غسل جمعه پاکیزه کننده و کفاره گناهان است
از جمعه تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که غسل جمعه بکند و بگوید
اشهد ان لا اله الّا الله وحده لا شریك له واشهد انّ محمّدا عبده ورسوله
اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد واجعلنی من التوّابین واجعلنی من المتطهّرین
این غسل و دعا پاک میکرداند او را تا جمعه دیگر و بهتر آنست که این دعا بخواند اللّهمّ
طهّرنی وطهّر قلبی وانق غسلی واجر علی لسانی محبّة منك و باز بگوید اللّهمّ طهّر
قلبی من کلّ آفة تمحق بها دینی وتبطل بها عملی و در فقه الرضا ع مذکور است

که چون از غسل جمعه فارغ شوی بگو اللهم طهرنی وطهر قلبی وانق غسلی واجر
علی لسانی ذکرک وذکر نبیک محمد صلی الله علیه وآله واجعلنی من
التوابین واجعلنی من المتطهرین ووقت آن از صبح صادق است روز جمعه تا
پیشین ومشهور آنست که هر چند نزدیکتر است به پیشین بهتر است واگر خوف داشته
باشد که در روز جمعه آب یافت نشود در روز پنجشنبه میتواند کرد واگر فوت شود
بعد از پیشین تا شام روز جمعه میتواند کرد ونیت قضا در کار نیست واز صبح روز شنبه
تا شام بقصد قضا میتواند کرد ودر فقه الرضا مذکور است که در روزهای دیگر هم
میتواند کرد وظاهرا کسی از علما قایل نشده است باین وسنت است غسل در شبهای طاق
ماه مبارک رمضان خصوصا در شب اول وشب نیمه وشب هفدهم وآن شبیست که
مومنان وکافران در بدر جمع شدند ودر روز ش اعظم غزوهای اسلام واقع شد
وشب نوزدهم وآن شبی است که تقدیرات سال در آن شب نوشته میشود بنابر بعضی
از احادیث وشب بیست ویکم وآن شبی است که اوصیا وانبیا در آن شب شهادت
یافته اند وحضرت عیسی در آن شب باسمان رفته است وحضرت موسی از دنیا رفته
واحتمال قوی دارد که شب قدر بوده باشد وشب بیست وسیم وآن شب قدر است
باحتمال اقوی وقول اکثر ودر آن شب دو غسل میکنند یکی مقارن غروب آفتاب ودیگری
در آخر شب ودر بعضی از روایات وارد شده است که در شبهای دهه آخر هر شب غسل
بکند وسنت است غسل در شب عید فطر ودر روز ش ودر روز عید قربان وظاهر آنست
که در این دو روز غسل را تا شب میتواند کرد ولیکن افضل آنست که پیش از نماز عید واقع

سازد ودر روز هشتم ذی الحجه ودر روز عرفه نزد زوال وشب نیمه رجب ومنقول است
از رسول خدا که هر که ماه رجب را دریابد وغسل کند در اول ماه ومیان ماه وآخر ماه
از گناهان بدر آید مثل روزی که از مادر متولد شده ودر روز مبعث وآن بیست وهفتم
رجب است واکثر علما گفته اند اگر چه حدیثی بخصوص بنظر نرسیده است وشب نیمه
شعبان ودر روز غدیر خم که هجدهم ذی الحجه است ودر روز مباهله که بیست وچهارم
ذی الحجه است وبعضی گفته اند روز بیست وپنجم ودر روز دحو الارض است بنابر مشهور
وآن روز بیست وپنجم ذی القعده است ودر این غسل نیز حدیثی بنظر نرسیده است
ودر روز نوروز بنابر مذهب بعضی وحدیث معلی بن خنیس بر آن دلالت دارد ومشهور
آنست که روزیست که آفتاب ببرج حمل منتقل میشود وهمچنین سنت است غسل برای
احرام حج یا عمره وبعضی واجب میدانند واحوط آنست که ترک نکند وغسل
زیارت حضرت رسول وائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین از نزدیک ودور
ودر روز وغسل استخاره مطلق خصوصا نمازهای خاص استخاره وبرای نمازهای
مخصوصی که در طلب حاجت وارد شده است وغسل توبه از گناهان وبا ان سنت است
غسل از برای قضای نماز کسوف هرگاه عمدا ترک کرده باشد وتمام قرص گرفته باشد
وبعضی گفته اند واجب است واحوط آنست که ترک نکند وبعضی گفته اند بر سبیل
قضا غسل میکند اگر عمدا ترک کرده باشد اگر چه تمام قرص نگرفته باشد واز برای
ادا غسل میکند اگر تمام گرفته باشد واین قول قویست وسنت است غسل از برای
داخل شدن حرم واز برای داخل شدن بمکه معظمه واز برای داخل شدن خانه کعبه

و از برای طواف و از برای داخل شدن حرم مدینه و از برای داخل شدن مکه
مدینه مشرفه و از برای داخل شدن مسجد رسول صلعم و از برای کشتن هدی و غسل
وزغی که متولد شود چنانچه گذشت و غسل روز ولادت حضرت رسول صلعم
بنابر قول بعضی و آن هفدهم ماه ربیع الاول است و آنچه بنظر رسیده غسل برای
زیارت در آن روز سنت است غسل برای نماز طلب باران و از برای کشتن
چلپاسه و غسل بعد از کشتن است و همچنین هرگاه شخصی برود برای دیدن کسی که
او را از خلق کشته باشند غسل سنت است بعد از دیدن و بعضی واجب دانسته اند
و اکثر علما گفته اند که هرگاه سعی بعد از سه روز باشد سنت است خواه بحق او را
کشته باشند یا بباطل و خواه بطریق شرعی او را کشته باشند یا غیر او و بعضی از علما
گفته اند که سنت است اعاده غسل هرگاه بعنوان ناقص بجهت ضرورت بعمل آمده
باشد مثل جبیره و تقیه و همچنین گفته اند که هرگاه جامه میان دو کس مشترک باشد
و منی در آن بیابند و معلوم نباشد که از کدام یک بوده است هر دو را غسل
کردن سنت و برای کفن کردن میت نیز گفته اند که سنت است و ظاهر حدیث
آنست که همان غسل مس میت است که سنت پیش از کفن کردن بجا آورد و
همچنین است غسل هرگاه کسی مرده را بعد از غسل دست بماله و بعضی گفته اند
که هرگاه شخصی جنب مرده باشد سنت که غسل جنابت بدهند او را پیش از غسل
میت یا بعد از آن و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که چون خواهی غسل
عید فطر بجا آوری در زیر سقفی بجا آور و چون خواهی شروع کنی بگو اللهم

ایمانا بک و تصدیقا بکتابک و اتباع سنة نبیک محمد صلی الله
علیه و آله و چون از غسل فارغ شوی بگو اللهم اجعله کفارة لذنوبی
و طهرنی اللهم اذهب عنی الرجس و باقی تفاصیل اغسال و احکام آنها
این رساله گنجایش ندارد انشاء الله در کتاب عبادات نوشته خواهد شد
والله الموفق **باب هشتم** در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن
فصل اول در بیان اوقات خواب بدانکه خواب کردن بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب
و میان نماز شام و خفتن و بعد از عصر مکروه است و پیش از ظهر در وقتی که گرمی
هوا و بعد از نماز ظهر تا عصر خواب قیلوله است و سنت و از حضرت علی بن الحسین ع
منقولست که بابی حمزه ثمالی فرمود که خواب مکن پیش از طلوع آفتاب که من از
برای تو دوست نمیدارم زیرا که حق تعالی روزی بندگان را در این وقت قسمت
مینماید و هر که در این وقت در خواب است از روزی محروم میشود و از حضرت
رسول ص روایت که زمین بسوی خدا نالد از سه چیز از خون حرامی
که بر آن ریخته شود یا غسلی که از زنا کنند بر روی آن یا خواب کردن بر آن پیش از
طلوع آفتاب و از حضرت صادق ع منقولست که خواب بامداد شوم است
روزی را منع میکند و رنگ را زرد میکند و رو را قبیح و متغیر میکند و این خواب
هر شومی است بدرستی که حق تعالی روزیها را از ما بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب
قسمت مینماید پس زنهار که این خواب را مکنید و فرمود که مرغ بریان و ترنجبین
بر بنی اسرائیل در این وقت نازل شد هر که در آن وقت خواب بود بهره او نماند

ست که حضرت رسول ص فرمود که هرکه در جای نماز خود بنشیند از طلوع صبح
تا طلوع آفتاب خدا او را مستور کرداند از آتش جهنم و در حدیث دیگر فرمود که مثل
ثواب حج کننده خانه کعبه داشته باشد و گناهانش آمرزیده شود اما در چند
حدیث تجویز وارد شده است که اگر نماز بکند و قدری تعقیب بخواند و پیش از برآمدن
آفتاب بخوابد باکی نیست چنانچه در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام
بشخصی فرمود که فردا بعد از طلوع آفتاب بیا که من بعد از نماز صبح خوابی میکنم و از حضرت
صادق ع منقولست که بشخصی فرمود که چون نماز صبح کردی و ذکر خدا خواندی اگر
پیش از طلوع آفتاب بخوابی باکی نیست و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که
خواب اول روز سفاهتست و خواب قیلوله نعمتست و خواب بعد از عصر حماقت
و خواب میان نماز شام و خفتن از روزی محروم میگرداند و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که خواب کردن پیش از طلوع آفتاب و پیش از نماز خفتن پریشانی
و فقر می آورد و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد
و عرض کرد که من حافظه قوی داشتم و اکنون فراموشی بر من غالب شده است
فرمود که آیا خواب قیلوله میکردی و الحال ترک کرده گفت بلی فرمود که باز خواب
قیلوله بکن چنان کرد حافظه اش برگشت و در روایت دیگر وارد شده است
که قیلوله کنید که شیطان قیلوله نمیکند و منقولست که نیکو یاوریست خواب قیلوله
بر بیداری و عبادت شب **فصل پنجم** در وضو ساختن پیش از خواب از حضرت
صادق ع منقولست که هرکه وضو بسازد و برخت خواب برود رخت خوابش برای او

حکم مسجد داشته باشد و اگر در میان رخت خواب بیادش آید که وضو ندارد
و آن لحاف خود تیمم کند که اگر با وضو یا تیمم بخوابد تا بیاد خداست چنانست که نماز میکند
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که نخوابد مسلمان در حالتی که جنب باشد
مگر با وضو و اگر آب نیابد برای غسل و وضو تیمم کند بخاک زیرا که روح مؤمن را
در وقت خواب با آسمان میبرند و حق تعالی او را قبول مینماید و برکت به او میفرستد
اگر اجلش رسیده است او را در گنجهای رحمت خود میسپارد و اگر اجلش نرسیده است
با امینان خود از ملایکه بسوی بدن او بر میگردانند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که
روزی حضرت رسول ص با اصحاب خود فرمود که کدام یک از شما تمام سال روزه
میدارد سلمان گفت که من فرمود که کدام یک از شما همه شبها احیا میکند سلمان گفت
که من گفت که کدام یک از شما هر روز ختم قرآن میکند سلمان گفت که من عمر
بخشم آمد و گفت این مردیست از فارس میخواهد که بر ما گروه قریش فخر کند دروغ
میگوید در اکثر روزها روزه نیست و در اکثر شبها خوابست و در اکثر روزها
خاموش نمیباشد حضرت فرمود که او مانند و شبیه لقمان حکیم است از او
سؤال کن تا جوابت بگوید عمر پرسید سلمان فرمود که اما روزه سال من ماهی
سه روز روزه میدارم و حق تعالی میفرماید که هرکه حسنه بکند ده برابر او
ثواب میدهم این برابر روزه سال میباشد با آنکه روزه شعبان را هم روزه میگیرم
و با ماه رمضان پیوند میکنم و اما احیا آنکه هر شب با وضو میخوابم و از حضرت رسول
شنیدم که میفرمود که هرکه با وضو بخوابد چنانست که تمام شب را بعبادت احیا کرده باشد

و اما ختم قرآن در هر روز سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و از رسول خدا
شنیدم که بحضرت امیر المؤمنین ع میفرمود که یا علی مثل قل هو الله احد در میان امت من مثل
قل هو الله احد است هر که سوره قل هو الله احد را یکبار بخواند چنانست که ثلث قرآن را
خوانده است و هر که دو بار بخواند چنانست که دو ثلث قرآن را خوانده است و هر که سه بار
بخواند چنانست که قرآن را ختم کرده است پس هر که ترا بزبان دوست دارد ثلث ایمان
او کامل شده است و هر که ترا بزبان و دل دوست دارد دو ثلث ایمان او
تمام شده است و هر که ترا بزبان و دل دوست دارد و بدست خود ترا یاری کند
ایمان او کامل شده است یا علی بحق آن خدائی که مرا براستی فرستاده است
سوگند که اگر اهل زمین ترا دوست میداشتند چنانچه اهل آسمان ترا دوست
میدارند خدا هیچ کس را بآتش جهنم عذاب نمیکرد پس مردم ساکت شدند گویا شکوه‌ها
گذاشتند فصل سیم در مکان خوابیدن و آداب پیش از خوابیدن مشهور
میان علما آنست که خوابیدن در مساجد مکروه است و ظاهر آنست که مکروه
نیست مگر در مسجد الحرام و مسجد رسول ص و در آنها نیز تجویز واقع شده است و در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است که رسول خدا ص سه کس را لعنت کرد کسی که تنها
چیزی بخورد و تنها بسفر رود و در خانه تنها بخوابد و فرمود که اگر کسی تنها بخوابد
بیم آنست که دیوانه شود و از حضرت امام موسی ع منقولست که هر که در خانه تنها
یا بیابانی تنها بخوابد بگوید اَللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِی وَ اَعِنِّی عَلٰی وَحْدَتِی
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ص نهی فرمود از خوابیدن بر بامی که

دیوار نداشته باشد و فرمود که هر که بر بامی بخوابد که دیوار نداشته باشد از امان خدا
بدر رود و در احادیث معتبره از حضرت صادق ع منقولست که مکروه است که کسی
بر بامی تنها بخوابد یا بر بامی که دیوار نداشته باشد بخوابد و فرمود که مرد و زن
در این حکم مساویند پرسیدند که اگر سه طرف دیوار داشته باشد چون است فرمود
که نه بلکه هر چهار طرف میباید که دیوار داشته باشد و در بعضی از روایات وارد شده است
که حد بلندی دیوار دو ذرع است و در بعضی از احادیث بحوین یک ذراع و یک شبر هم
وارد شده است و حضرت امیر المؤمنین ع نهی فرمود از خوابیدن بر سر راه و از
حضرت رسول ص نهی وارد شده است از اینکه کسی با دست چرب و آلوده بخوابد و فرمود
بخواباند که اگر چنین کند و شیطان بر او دست یابد یا دیوانه شود ملامت نکند بغیر خود را
فرمود که اطفال خود را در وقت خوابیدن دست و دهانشان را بشوئید که اگر نکنید
شیطان ایشان را می‌بوید و در خواب میترسند و در چند حدیث از حضرت رسول
منقولست که هر که بجامه خواب خواهد داخل شود کنار جامه خود را بر رخت خواب
بکشد که اگر جانوری داخل شده باشد بدر رود و باو ضرر نرساند و از حضرت
امیر المؤمنین ع وارد شده است که باید پیش از خواب به بیت الخلا رود و بعد از آن
بخوابد فصل چهارم در سایر آداب خوابیدن سنت است که بر دست راست
رو بقبله بخوابد و دست راست را در زیر رو بگذارد و بر دست چپ خوابیدن و برو
خوابیدن مکروه است چنانچه از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که خواب
بر چهار قسم است پیغمبران بر پشت میخوابند و دیده های ایشان بخواب نمیرود و منتظر

وحی پروردگار خود باشد و مؤمن بر دست راست بخوابد رو بقبله و نهاد
و فرزندان ایشان بر دست چپ بخوابند که ایشان خورده اند کار شغل و شیطان
و برادران او و همه بد نهادان بر روی در افتاده بخوابند و در حدیث معتبر
دیگر فرموده که آدمی بر رو نخوابد و هر که ببیند که بر رو خوابیده است او را بیدار
کند و بگذارد که بر آن حال و فرموده که هر گاه کسی اراده خواب کند باید که دست راست را
بر زیر جانب راست بگذارد و بعد از آن بگوید که نمی‌دانم که از این خواب بیدار خواهد شد
یا نه و احادیث در فضیلت خوابیدن بر دست راست و منع خوابیدن بر دست
چپ بسیار وارد شده است **فصل پنجم** در آیات و ادعیه که پیش از خواب باید که خوانده شود
در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر گاه کسی دست را در زیر سر گذاشته
بخوابد بگوید بسم الله اللهم انی اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک
و فوضت امری الیک و الجأت ظهری الیک و توکلت علیک رهبة
منک و رغبة الیک لا ملجأ منک و لا منجا منک الا الیک آمنت بکتابک
الذی انزلت و برسولک الذی ارسلت بعد از آن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام
بخواند و در حدیث صحیح دیگر فرموده که ترک نکند در وقت خواب این دعا را اعیذ
نفسی و ذریتی و اهل بیتی و مالی بکلمات الله التامات من کل شیطان
و هامة و من کل عین لامة که این دعا تعویذیست که حضرت رسول صلعم
امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما را و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع
منقول است که سوره قل هو الله احد و سوره قل یا ایها الکافرون را پیش از خواب بخواند

که قل یا ایها الکافرون بیزاریست از شرک و قل هو الله نسبت پروردگار است و در حدیث
صحیح دیگر فرموده که بعد از خوابیدن در رختخواب سه مرتبه بگوید الحمد لله الذی
علا فقهر و الحمد لله الذی بطن فخبر و الحمد لله الذی ملک فقدر و الحمد لله
الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر از گناهان بیرون
آید مانند روزی که از مادر متولد شده بوده و از حضرت امام رضا ع منقول است
که هر که آیة الکرسی در وقت خواب بخواند از فالج ایمن گردد و از حضرت صادق ع منقول است
که هر که سوره یس پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک موکل گرداند که او را از شر
شیاطین و هر بلایی حفظ کند و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که
سوره اذا وقعت الواقعه هر شب پیش از خواب بخواند در قیامت روی او مانند ماه شب
چهارده باشد و در حدیث دیگر فرموده که هر که سوره‌هایی که در اول آنها تسبیح
لله است پیش از خواب بخواند نمیرد تا بخدمت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه برسد
و اگر بمیرد در همسایگی حضرت رسول صلعم جا دهند او را و در حدیث دیگر فرموده که هر که
شب این دعا بخواند تا صبح او را عقرب و هیچ گزنده ضرر نکند اعوذ بکلمات الله
التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما ذرأ و من شر ما برأ
و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم
و از حضرت امام رضا ع منقول است که هر که در وقت خواب این آیه بخواند خانه بر
سرش خراب نشود ان الله یمسک السموات و الارض ان تزولا و لئن
زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا و از حضرت صادق ع

که چون کسی بر تخت خواب رود بگوید اللّهمّ احتبست نفسی عندک
فاحتبسها فی محلّ رضوانک ومغفرتک وان رددتها فارددها
مؤمنةً عارفةً بحقّ اولیائک حتّی تتوفّاها علی ذلک ودر حدیث دیگر
فرموده که حضرت رسول در این وقت آیة الکرسی را بخواندی وبعد از آن میگفتی
بسم الله آمنت بالله وکفرت بالطاغوت اللّهمّ احفظنی فی منامی
ویقظتی وبهتر اینست که آیة الکرسی را تا هم فیها خالدون بخواند ودر حدیث دیگر
فرموده که چون بر تخت خواب رفتی تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخوان وآیة
الکرسی وقل اعوذ برب الناس وقل اعوذ برب الفلق وده آیه از اول سوره
صافات وده آیه از آخر سوره صافات بخوان ودر حدیث صحیح منقولست که
آنحضرت بزنان خود فرموده که این دعا را در وقت خواب بخوانند اشهد ان لا
اله الّا الله وانّ محمّدا صلّی الله علیه وآله عبده ورسوله اعوذ بعظمة الله
واعوذ بعزّة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله واعوذ
بسلطان الله انّ الله علی کلّ شیء قدیر واعوذ بعفو الله واعوذ
بغفران الله واعوذ برحمة الله من شرّ السامّة والهامّة ومن شرّ کلّ دابّة
صغیرة او کبیرة بلیل او نهار ومن شرّ فسقة الجنّ والانس ومن شرّ
فسقة العرب والعجم ومن شرّ الصواعق والبرد اللّهمّ صلّ علی محمّد
عبدک ورسولک وآله الطاهرین ودر حدیث صحیح دیگر فرموده که هر که
صد نوبت سوره قل هو الله احد در وقت خواب بخواند گناه پنجاه سالش

آمرزیده

آمرزیده شود ودر حدیث دیگر فرموده که هر که در وقت خواب صد مرتبه
ویکمرتبه آیه شهد الله وآیه سخره وآیه آخر سوره حم سجده بخواند
حق تعالی دو ملک موکّل گرداند که شیاطین را از او دور گردانند و[illegible]
نماید که تحمید وتسبیح وتهلیل وتکبیر خدا بگویند واستغفار کنند تا بیدار شدن او
وثواب همه از او باشد وبسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که کسی که اراده خواب داشته باشد پهلو را بر زمین نگذارد تا این دعا بخواند
اعیذ نفسی ودینی واهلی ومالی وخواتیم عملی وما رزقنی ربّی وخوّلنی
بعزّة الله وعظمة الله وجبروت الله وسلطان الله ورأفة الله و
غفران الله وقوّة الله وقدرة الله وجلال الله وبصنع الله وارکان الله
وبجمع الله وبرسول الله صلّی الله علیه وآله وبقدرة الله علی ما یشاء من شرّ
السامّة والهامّة ومن شرّ الجنّ والانس ومن شرّ ما یدبّ فی الارض وما
یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها ومن شرّ کلّ دابّة ربّی
آخذ بناصیتها انّ ربّی علی صراط مستقیم وهو علی کلّ شیء قدیر
ولا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم بسند صحیح که این تعویذیست که حضرت
رسول از برای حسنین صلوات الله علیهما میخواندند ومنقولست که چون کسی اراده
خواب کند باید که دست راست در زیر رو بگذارد وبگوید بسم الله وضعت
جنبی لله علی ملّة ابراهیم ودین محمّد صلّی الله علیه وآله وولایة من افترض
طاعته ما شاء الله کان وما لم یشأ لم یکن که هر که این دعا بخواند در وقت

خواب محفوظ باشد از دزد و غارت و غرق و هدم و ملائکه از برای او
استغفار کنند و نیز منقول است که هر که قل هو الله احد در وقت خوابیدن بخواند حق تعالی
پنجاه هزار ملک بر او موکل گرداند که تا آفتاب طلوع نماید پاسبانی کنند و از حضرت
صادق ع منقول است که هر که پیش از خواب صد مرتبه لا اله الا الله بگوید حق تعالی خانه
در بهشت برای او بنا کند و هر که صد مرتبه استغفار کند گناهان او بریزد چنانچه
برگ از درخت میریزد و از حضرت رسول ص منقول است که هر که سوره الهیکم التکاثر
در وقت خواب بخواند از عذاب قبر ایمن گردد و به سند معتبر از حضرت صادق ع
منقول است که هر که یازده مرتبه سوره قل هو الله احد پیش از خواب بخواند گناهانش
آمرزیده شود و او و همسایگانش از بلاها محفوظ مانند و اگر صد مرتبه بخواند
گناه پنجاه سال از آینده عمرش آمرزیده شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که
در وقت خواب بگوید اللهم انی اشهدک انک افترضت علی طاعة
علی بن ابی طالب والحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی
وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی
بن محمد والحسن بن علی والحجة القائم صلوات الله علیهم اجمعین
و در آن شب بمیرد داخل بهشت شود و در روایت معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت
خواب یازده مرتبه سوره انا انزلناه بخواند حق تعالی یازده ملک با او موکل کند
که او را از شر شیاطین حفظ کنند تا صبح و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع
منقول است که هر که در وقت خواب این آیات را بخواند از دزد ایمن گردد قل ادعوا الله

او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلوتک
ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ
ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره
تکبیرا و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین ع منقول است که هر که در وقت
خواب این دعا بخواند فقر و پریشانی از او دور شود و هیچ کژدمی با او ضرر نرساند
اللهم انت الاول فلا شیء قبلک وانت الظاهر فلا شیء فوقک
وانت الباطن فلا شیء دونک وانت الآخر فلا شیء بعدک اللهم
رب السموات السبع ورب الارضین السبع ورب التوریة والانجیل
والزبور والقرآن الحکیم اعوذ بک من شر کل دابة انت آخذ بناصیتها
انک علی صراط مستقیم و از حضرت رسول ص منقول است که هر که در وقت
رفتن به رختخواب سوره تبارک الذی بیده الملک بخواند پس بگوید چهار مرتبه
اللهم رب الحل والحرام والبلد الحرام بلغ روح محمد عنی تحیة وسلاما
حق تعالی دو ملک موکل کرده اند که نزد حضرت رسول ص روند و بگویند که فلان
شخص ترا سلام میرساند پس حضرت فرماید که بر او باد سلام و رحمت و برکات الهی

فصل ششم در دفع ترسیدن در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن
از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که هر که در خواب ترسد پیش از خواب ده مرتبه
بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له یحیی ویمیت ویحیی وهو حی
لا یموت و تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخواند و در رطب اللسان زیاد کرده

کرایة الکرسی و قل هو الله احد بسیار بخواند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که چون در خواب بترسد بالین در روی بخوابی برا و مستولی شود این آیه بخواند
فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ
أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا و اگر طفلی بسیار گریه کند این آیه را بر او بخوانند و در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که در خواب بترسد در وقت خوابیدن
سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی بخواند و در روایت
دیگر منقولست که برای ترسیدن شب ده مرتبه بخواند این دعا را اعوذ بکلمات الله التامات
من غضبه و من عقابه و من شر عباده و من همزات الشیاطین و ان
یحضرون و آیة الکرسی بخواند و بگوید اذ یغشیکم النعاس امنة منه و جعلنا
نومکم سباتا و در حدیث معتبر منقولست که شهاب بن عبد ربه بخدمت حضرت
صادق ع عرض کرد که زنی در خواب من می آید و مرا می ترساند حضرت فرمود
که باخود بر دار تسبیح در وقت خواب و سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه
سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و ده مرتبه بگو لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی بیده الخیر
و له اختلاف اللیل و النهار و هو علی کل شیء قدیر و ظاهر
در تسبیح حضرت فاطمه در وقت خواب غیر است بیاشانکه سبحان الله را
پیش از الحمد لله بگوید یا بعد از آن و در حدیث از آنحضرت منقولست که هر که
بترسد که محتلم شود چون برخت خواب برود این دعا بخواند اللهم انی اعوذ

بک من الاحتلام و من سوء الاحلام و من ان یتلاعب بی الشیطان
فی الیقظة و المنام و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که اگر کسی خواب پریشانی ببیند باید که از پهلوی که خوابیده است بپهلوی دیگر بگردد و بگوید
انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین امنوا و لیس بضارهم شیئا الا باذن الله
پس بگوید عذت بما عاذت به ملائکة الله المقربون و انبیاؤه المرسلون
و عباده الصالحون من شر ما رایت و من شر الشیطان الرجیم و در روایت
معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که چون خواب پریشان ببیند و بیدار شود بگوید
اعوذ بما عاذت به ملائکة الله المقربون و انبیاء الله المرسلون و عباده
الصالحون و الائمة الراشدون المهدیون من شر ما رایت من رؤیای
ان تضرنی و من الشیطان الرجیم پس بسوی جانب چپ سه نوبت آب
دهان بیندازد و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی با آنحضرت شکایت کرد
که دختری دارم و در شب ها بسیار میترسد فرمود که فصدش بکن و در روایت
دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد که دخترم در خواب بسیار میترسد و گاهی بیاد
حالش صعب میشود و اعضایش سست و بیحس میشود و میگویند از تقریر جن است
فرمود که فصدش بکن و آب شبت را با عسل بپز و سه روز بده که بخورد چنین کرد
و شفا یافت و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد
که زنی در خواب بمن می آید و مرا میترساند حضرت فرمود که مگر تو کی بندی می گفت
میدهم فرمود که لحقوق بندی هی بعد از آن نزد تو مرا بخدمت حضرت میفرستاد و الطاف

از او برطرف شد **فصل هفتم** در دعا برای دفع بیداری و برای بیدار شدن در
آخر شب در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که در وقت
خوابیدن این آیه را بخواند قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله
واحد فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا ولا یشرک بعبادة ربه
احدا هر وقت از شب که خواهد بیدار شود و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست
که حضرت رسول ص فرمود که هر که خواهد در آخر شب برخیزد چون بر رختخواب رود
بگوید اللهم لا تؤمنی مکرک ولا تنسنی ذکرک ولا تجعلنی من الغافلین
اقوم ساعة کذا وکذا یعنی در فلان ساعت برخیزم چون این دعا بخواند
حق تعالی ملکی موکل سازد که او را در آن ساعت بیدار کند و در حدیث معتبر از حضرت
امام موسی کاظم ع منقولست که هر که خواهد که در شب بیدار شود در وقت خواب
رفتن بگوید اللهم لا تنسنی ذکرک ولا تؤمنی مکرک ولا تجعلنی
من الغافلین وانبهنی لاحب الساعات الیک ادعوک فیها
فتستجیب لی واسئلک فتعطینی واستغفرک فتغفر لی انه لا یغفر
الذنوب الا انت یا ارحم الراحمین که چون این دعا بخواند حق تعالی دو ملک
بفرستد که او را بیدار کنند اگر بیدار نشود امر کند آن دو ملک که از برای او
استغفار کنند و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و اگر بیدار شود هر حاجتی
که بطلبد خدا باو عطا فرماید و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که هر که عزم کند که در ساعتی از ساعات شب برای عبادت برخیزد

و خدا داند که در آن اراده او صادق است دو ملک بفرستد که
او را حرکت دهند تا بیدار شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که هر که بیخوابی او را عارض شود و خوابش نبرد این دعا بخواند سبحان الله ذی
الشأن دائم السلطان کل یوم هو فی شأن و در روایت معتبر دیگر
منقولست که حضرت فاطمه صلوات الله علیها شکایت نمود برسول خدا ص
از بیخوابی فرمود که این دعا بخوان یا مشبع البطون الجائعة ویا کاسی الجسوم
العاریة ویا ساکن العروق الضاربة ویا منوم العیون الساهرة سکن
عروقی الضاربة واذن لعینی نوما عاجلا **فصل هشتم** در بیان نماز
و دعا برای خوابهای نیک دیدن و آداب بیدار شدن از حضرت امام جعفر
صادق ع منقولست که هر که خواهد که حضرت رسول ص در خواب ببیند
بعد از نماز خفتن غسل نیکوئی بعمل آورد و چهار رکعت نماز بگذارد و در
هر رکعتی بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از نماز هزار مرتبه
صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بر جامه پاکیزه بخوابد که بر روی آن
با حلال و حرامی جماع نکرده باشد و دست راست در زیر جانب راست روی
بگذارد و صد مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله پس صد مرتبه بگوید ما شاء الله چون
چنین کند حضرت رسول ص در خواب ببیند و در روایت دیگر منقولست که اگر
خواهد حضرت امیر المؤمنین ع در خواب ببیند چون بخوابد این دعا بخواند اللهم

انی اسئلک یا من له لطف خفی و ایادیه باسطة لا تنقضی اسئلک
بلطفک الخفی الذی ما لطفت به لاحد الا کفی ان ترینی مولای امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب علیه السلم فی منامی و در روایت دیگر منقولست که اگر کسی خواهد
یکی از مردگان را بخواب ببیند با وضو بجانب دست چپ بخوابد و تسبیح حضرت فاطمه
صلوات الله علیها بخواند پس بگوید اللهم انت الحی الذی لا یوصف و الایمان
یعرف منه منک بدأت الاشیاء و الیک تعود فما اقبل منها کنت ملجأه
و منجاه و ما ادبر منها لم یکن له ملجأ و لا منجا منک الا الیک فاسئلک
بلا اله الا انت و اسئلک ببسم الله الرحمن الرحیم و بحق حبیبک محمد
صلی الله علیه و آله سید النبیین و بحق علی خیر الوصیین و بحق فاطمة
سیدة نساء العالمین و بحق الحسن و الحسین الذین جعلتهما سیدی
شباب اهل الجنة علیهم اجمعین السلم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
ترینی میتی فی الحال التی هو فیها منقولست که چون حضرت رسول ص بر تخت خواب
میرفتند میفرمودند باسمک اللهم احیا و باسمک اموت و چون بیدار میشدند
میفرمودند الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور و از حضرت
صادق ع منقولست که چون کسی از خواب برخیزد بگوید سبحان الله رب
النبیین و اله المرسلین و رب المستضعفین و الحمد لله الذی یحیی الموتی
و هو علی کل شیء قدیر چون این بگوید حق تعالی میفرماید که راست گفت
بنده من و شکر کرد مرا و در حدیث دیگر منقولست که چون آنحضرت در آخر شب

بیدار میشد

بیدار میشد بصدای بلند میگفت اللهم اعنی علی هول المطلع و وسع
علی المضجع و ارزقنی خیر ما قبل الموت و ارزقنی خیر ما بعد الموت و در حدیث
دیگر منقولست که چون از خواب بیدار شوی بگو سبوح قدوس رب الملائکة
و الروح سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت انی ظلمت نفسی فاغفر لی
و ارحمنی انک انت التواب الرحیم الغفور و از حضرت صادق ع منقولست
که هر وقت که از پهلو بپهلوی دیگر بگردد الحمد لله و الله اکبر بگوید و از حضرت
امام علی نقی ع منقولست که چون در میان شب بیدار شود و از پهلو بپهلوی دیگر
بگردد بگوید لا اله الا الله الحی القیوم و هو علی کل شیء قدیر سبحان الله
رب العالمین و اله المرسلین و سبحان الله رب السموات السبع و ما
فیهن و رب الارضین السبع و ما فیهن و رب العرش العظیم و سلام
علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین و در روایت دیگر وارد شده است
که چون از خواب برخیزد بگوید الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده
و اعبده و دعای نظر کردن در عقیق و در آداب انگشتر بیان کردن گذشت
و باقی دعاهای این باب چون از مقدمات نماز شبست انشاء الله در کتاب
عبادات بیان خواهد شد باقی دعاهای وقت خواب زیاده و این رساله گنجایش
ازین نداشت **فصل نهم** در بیان خواب راست و دروغ و تعبیر خواب در حدیث
معتبر منقولست که از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که چه سبب دارد که مؤمن
گاهی خواب می بیند و چنان میشود که دیده است و گاهی خواب می بیند و اثری از آن

ظاهر نمیشود فرمود که چون مؤمن بخواب میرود روحش بجانب آسمان حرکت میکند
پس آنچه روح مؤمن در ملکوت آسمان می‌بیند در محل تقدیر و تدبیر آن حقست
و اثرش ظاهر میشود و آنچه در زمین و هوا می‌بیند خواب پریشانست راوی
پرسید که آیا روحش همه بآسمان میرود و هیچ در بدن نمیماند فرمود که اگر چنین باشد
خواهد مرد بلکه از باب آفتابست که در آسمانست و روشنی و شعاعش در زمینست
همچنین روح اصلش در بدنست و پرتو اعلان او با آسمان حرکت میکند و در روایت دیگر از
حضرت امیرالمؤمنین منقولست که مؤمنی که بخواب میرود روح او را بنزد عرش
می‌برند کاری میرند پس آنچه در آنجا می‌بیند حقست و آنچه در وقت برگردانیدن
در هوا می‌بیند خواب پریشانست و برین مضمون احادیث بسیارست و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که شیطانی هست که او را هزع میگویند
در هر شب از مشرق تا مغرب پر میکند از بدن خود و بخواب مردم می‌آید و باین
مردم خوابهای پریشان می‌بینند و در روایت دیگر مرویست که دو نصرانی بنزد
ابوبکر آمدند و از او مسئله چند سؤال کردند و او عاجز شد پس حضرت امیرالمؤمنین
ایشانرا جواب گفت از جمله آنها آن بود که پرسیدند که خواب راست و دروغ
چه سبب دارد فرمود که حق تعالی روح را خلق کرده است و برای او سلطانی مقرر
ساخته است و سلطان او نفس است چون آدمی بخواب میرود روح بیرون میکند
و سلطانش در بدن میماند پس روح میگذرد بگروهی از ملائکه و گروهی از
جن پس هرچه خواب راستست از ملائکست و هرچه خواب دروغ است از جن است

و در روایت دیگر منقولست که خوابهای مؤمن صحیح میباشد زیرا که نفسش پاکیزه
و یقینش درستست چون روحش بدر میرود با ملائکه ملاقات میکند پس خواب
او بمنزله وحی است و در حدیث دیگر منقولست که وحی بعد از حضرت رسول
منقطع شد اما خوابهای بشارت دهنده هست و در حدیث دیگر وارد است
که خوابهای راست یک جزو از هفتاد جزو از پیغمبریست و در حدیث حسن از
حضرت صادق منقولست که رأی مؤمن و خوابش در آخر الزمان بر هفتاد جزو
از اجزای پیغمبریست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا منقولست که چون صبح میشد
حضرت رسول با اصحاب خود میگفت که آیا کسی خواب بشارت دهنده دیده است
و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر منقولست که شخصی از حضرت رسول
سؤال کرد از تفسیر این آیه کریمه الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيٰوةِ
الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ یعنی آنکسانیکه ایمان آورده اند و پرهیزکار بوده اند ایشانراست بشارت
هست در زندگانی دنیا و در آخرت حضرت فرمود که بشارت زندگانی دنیا خوابهای
نیکوست که مؤمن در دنیا می‌بیند و بآن بشارت می‌یابد و شاد میشود و در حدیث
حسن از حضرت صادق منقولست که خواب بر سه قسم است اول بشارت خدا
از برای مؤمن دویم ترسانیدن شیطان سیم خوابهای پریشان و در حدیث
معتبر دیگر فرمود که خوابهای دروغ که اثرش ظاهر نمیشود آن خوابهاییست که در اول
شب دیده میشود که وقت سلطنت و استیلای شیاطین متمرده است و آنها خیالها
خیالاتیست که تردد او صورت میدهند شیاطین و اصلی ندارد و اما خوابهای راست

که آن خواب حسنات کرد و ثلث آخر شب دیده میشود که آن وقت نزول ملائکه است
و وقت سحر و آن خواب راست میباشد و تخلف نمیکند مگر آنکه جنب خوابیده باشد
یا بی وضو یا آنچه سزاوار است از ذکر و یاد خدا بجا نیاورده باشد پیش از خواب که
اگر با این حالات خوابیده باشد خوابش بعمل نمی آید یا دیر بعمل می آید و از حضرت
علی بن موسی الرضا منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که هر که مرا در خواب ببیند
چنانست که مرا دیده است در بیداری زیرا که شیطان متمثل نمیتواند شد
بصورت من و نه بصورت یکی از اوصیای من و نه بصورت یکی از شیعیان خالص
ایشان بدرستیکه خوابهای راست یکجزو از هفتاد جزو از پیغمبریست و از حضرت
رسول صلعم منقولست که در آخر الزمان خواب مؤمن دروغ نمیشود و هر که دروغگوتر است
خوابش دروغتر است و تحقیق اینمقام آنست که چون حق سبحانه و تعالی
روح مؤمن را از عالم قدس خلق کرده است و او را ارتباطی بارواح انبیا و اولیا
علیهم السلم داده است و در عالم ارواح با ایشان محشور بوده است چنانچه در
احادیث بسیار وارد شده است که ارواح لشکرهای مجتمع بودند فوج فوج
در عالم ارواح پس ارواحی که در آن عالم آشنای یکدیگر بودند در عالم بدنها آشنا
میشوند و آنها که در آن عالم جدائی و نفرت داشتند در این عالم نیز یکدیگر را نمی شناسند
و از یکدیگر نفرت مینمایند و چون بجهت مصالح غیر متناهیه آن ارواح مقدسه را
در زندان بدنهای کثیف ظلمانی محبوس کردانیده اند و بانواع تعلقات جسمانی
و شهوات نفسانی و خیالات شیطانی مبتلا ساخته اند با این سبب او را از عالم قدس

بعدی و غفلتی روداده اما اشخاص را در این باب اختلاف بسیار است جمعی که
مقربان درگاه الهی اند ارواح ایشان بملأ اعلا در آویخته و این تعلقات
جسمانی ایشان را از آن عالم دور نمیساخته است بلکه پیوسته با روحانیین محشورند نیز
و ارواح ایشان پیوسته با مقدسان ملأ اعلی مشغول مکالمه و محادثه اند و پیوسته
روح القدس با ایشان مشغول افادات و افاضات ربانی علی الدوام
بر ارواح ایشان فایض است و جمعی هستند از اشقیا که بالکلیه آن عالم را فراموش
کرده اند و بغیر این نشأ فانیه و لذات دنیه چیزی بخاطر نمی گذرانند حتی جمعی از
ایشان از کثرت شقاوت و ضلالت نشأ دیگر غیر این نشأ را باور نمیکنند و منکر
دار معاد تکذیب مینمایند ایشان را مهر بر دیده و گوش دل ایشان زده اند
و درهای خیر و سعادت را بر ایشان بسته اند و جمعی دیگر هستند که با وجود
تشبث باین علایق دنیه دست از تحصیل مراتب عالیه برنداشته اند و در مقام
نفس لوامه خود را داشته اند گاهی گوش دل بشیطان میدهند و گاهی از ملک
نصیحت میشنوند زمانی با واعظات و داعیان ربانی محشورند و زمانی با شیاطین
انس مشغول فسق و فجورند گاه بلوث گناه خود را می آلایند و گاه بآب تضرع و توبه
خود را تطهیر مینمایند و اینجماعت چون روح ایشان را باعتبار اشغال و تعلقات
و خطایا و سیئات بعدی عظیم از جناب قاضی الحاجات و انبیا و ائمه و ملائکه سموات
بهم رسیده در وقت خواب که نفس را از اشتغال بدن فی الجمله فراغی حاصل شد و خیالات
فاسده که از راه روزنهای مشاعر بدن بر او داخل میشد مسدود کردید فی الجمله

اندا آشنایان قدیم بیاد می‌آید و یاد دوستان روحانی طرح اتحاد طی می‌اندازد
و با آسمان صورت معنی ترویج مینماید و با روحانیات و قدسیان هم زبان میگردد
اما در اول شب چون بیان از صور خیالات بیداری در ضمیر حاضر است هنوز در هوای
تعلقات خود پرواز میکند و در بطن عالم ناقص است پس باین علت شیاطین راه او
مستولی میشوند و خیالات و علایق باطله او را بصورتهای گوناگون در نظر او می‌آورند
و هر چند از اول شب دورتر میشود نقش خیالات بیداری بیشتر محو میشود
و روان او بعالم بالا نزدیکتر میشود تا آنکه چون وقت سحر میشود از ما بین آسمان فوق میرسد
و هواها و خواهشهای زمینهای نزدیک بسر رفته و نسیم عرش الهی بصحبت مقربان فایز
گردیده استیلای شیاطین ضعیف میشود و لطف ربانی ملائکه آسمانها را بجهت تنبیه
غافلان و بیدار کردن خواب غفلت ربودگان و دور کردن مکر شیاطین
و جنیان فرو میفرستد لهذا در آن وقت خوابهای رحمانی و افاضات سبحانی
بارواح مومنان فایض میشود و ایشان را برای نماز و تضرع و زاری و توجه
انجمن در روز بغفلت کرده‌اند بیدار میکنند و این سبب بخاطر شب را در آن وقت مقرر ساخته‌اند
و آیه کریمه انَّ نَاشِئَةَ اللَّیْلِ هِیَ اشَدُّ وَطْأً وَاَقْوَمُ قِیلاً در شان نزول رسالت
که حاصل مضمون آن آنست که عبادتی که در شب کرده میشود موافقت دل با زبان در آن
بیشتر است و گفتار در آن درست‌تر است پس نهی سعادتمندی که قدر این وقت
بداند و اندازه آن نعمتهای بی اندازه را بشناسد و ملکه روحانیه را بر وساوس
شیطانی یاور خود کرده‌اند و روح مقدس خود را از آلودگیهای تعلقات

دنیه

دنیه پیال کرده اینرو بساحت قرب پروردگار خود برساند و در آن وقت مبارك
که هنگام نماز و نیاز مقربانست باخدا و تنبیها از خود دادن هم آواز ایشان گردد
و قدری قدر خود را بداند و بداند که اصل خود را بیاد آورد و آن جوهر قدسی را نیک
گم نکرده شد و آن طایر عرشی را در قفس علایق محبوس نگرداند وفقنا الله تعالی
وسایر المومنین لسلوك مسالك المقربین و تنبیه عن نوم الغافلین و بدانکه چون
این مرغهای زنگارنگ تعلقات جسمانی و شغلهای الوان زمینهای دنیوی در وقت
خواب مجرد یکدیگر را دل آمیخته است و با وجود عروج بمراتب عالیه باز بصیرش
بالین خیالات آمیخته است لهذا در خواب چیزها بصورتهای دیگر دیده میشود
و هر چیز را باعتبار مناسبات شکلها و صورتها مشاهده کرده کلام الهی و بیان
انبیا و اوصیا برای عقلهای ضعیف و بصیرتهای موقوف محسوسات برای غرور با آنها
مثل زده‌اند چون ایشان خود را از معقولات معزول ساخته‌اند بمدار ایشان بر
محسوسات است لهذا معقولات را در لباس محسوسات بایشان مینمایند چنانچه دنیا
گردیده مانند زنی است که خط و خال نیکو دارد و طفل نادان بآن فریفته میشود
و در بیان نتیجه هر کشش هست و چنانچه علم باعث حیوة دلهاست تشبیه کرده‌اند
بآبی که باعث حیوة بدنهاست و چنانچه سبزی زمین بآب است سبزی دلها بعلم است
و چنانچه علم را بار دیگر بنور آفتاب تشبیه کرده‌اند زیرا که نور تاریکیهای ظاهر را
بر طرف میکند و علم ظلمتهای شکوك و شبهات و حیرتهای جهالات و ضلالات را
زایل میکند و کلام حق تعالی و انبیا و اوصیا باین امثال مشحونست و مرشدهاست

که مذکور شد لهذا در عالم خواب نیز باعتبار ضعف بصیرت ایشان هر چیز بصورت
نموده میشود و باین سبب خواب محتاج بتعبیر میباشد و گاه تعبیر کننده آنست
که از آن صورتها بغیر صورت منتقل میشود چنانچه کسی در خواب می بیند که
در میان فضله افتاده است یا دستش بفضله آلوده شده است معبر میداند
که این صورت دنیاست که در پیش مردم آگاه از فضله و جیفه گنده تر است
میداند که مالی بدست او می آید یا می بیند که ماری متوجه او شده مالی باو میرسد
یا میچنین بیان آیت علی او را رو میدهد اما این علمیست و مخصوص انبیا و اوصیاست
و معجزه حضرت یوسف تعبیر خواب بود و تحقیق این مقام محتاج بجلی هست که
این رساله گنجایش آن ندارد انشاء الله در کتاب دیگر که در خاطر هست اگر خدا خواهد
بر وجه کامل مذکور شود و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست
که فرمود که بسیار است که خوابی می بینم و تعبیر خواب برای خود میکنیم و خواب
بهمان نحو که تعبیر کنند واقع میشود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که زنی در
زمان حضرت رسول ص شوهرش در سفر بود بخواب دید که ستون خانه اش شکست
بخدمت حضرت عرض کرد فرمود که شوهرت می آید بسلامت پس چنان شد بار دیگر
شوهرش بسفر رفت و او چنین خوابی دید و حضرت چنین تعبیر فرمود و شوهرش
آمد بار مرتبه دیگر شوهرش بسفر رفت و او چنین خوابی دید بمرد شومی بر خورد
و این خواب را نقل کرد او گفت که شوهرت میمیرد چنان شد این خبر بآنحضرت
رسید فرمود که چرا تعبیر خوب برای او نکردی و از حضرت امام محمد باقر ع

منقولست

منقولست که حضرت رسول ص فرمود که خواب مومن در میان آسمان و زمین
بر بالای سرش پرواز میکند تا آنکه خود از برای خود تعبیر کند یا دیگری برای او تعبیر کند
و بر آن نحو که تعبیر کردند واقع میشود پس خواب خود را نقل مکنید مگر برای شخصی که عاقل
باشد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که خواب را نقل نباید کرد مگر برای
مومنی که خالی باشد از حسد و عداوت و طغیان و در حدیث حسن منقولست که
شخصی بخدمت حضرت صادق ع آمد و گفت خواب دیدم که آفتاب بر سرم تابیده بود
تا بر بدنم حضرت فرمود که نور ساطعی در دین شاملی تو خواهد رسید اگر همه را از
میگرفت در دین حق غوطه میخوردی آنحضرت گفت که دیگران پادشاهی تاویل میکنند
حضرت فرمود که کدام یک از پیغمبران تو پادشاه بوده اند که تو این خیال میکنی و کدام
پادشاهی بهتر است از دین حق که با آن بهشت بهم میرسانی و در حدیث معتبر دیگر
منقولست که محمد بن مسلم بخدمت آنحضرت عرض کرد که خواب دیدم که داخل خانه شدم
زنم آمد و گرده های نان بسیاری شکست و بر سر من ریخت حضرت فرمود که متعه خواهی کرد
و زنت مطلع خواهد شد و رختهای نو که پوشیده باشی پیرهنت پاره پاره خواهد کرد
زیرا که پوست گرده نان بمنزله جامه است محمد بن مسلم گفت که چون صبح جمعه شد
رختهای نو که در عیدها میپوشیدم در بر کردم و بدر خانه نشستم دختری گذشت
او را طلبیدم و بخانه بردم و متعه کردم زنم مطلع شد و آمد بر سر ما و آن دختر
گریخت و مرا در خانه ماندم رختهای نوم را پاره پاره کرد و منقولست که شخص دیگر
بآنحضرت عرض کرد که خوابی دیده ام و بیاد میرسم دامادی داشتم که مرده است

خواب دیدم که دستی در گردن من کرد و می‌ترسیدم که بمیرم حضرت فرمود که
انتظار مرگ بکش هر صبح و هر شام و از مرگ کینه نداشته باش اما معانقه مردگان
با زندگان علامت طول عمر است بگو که آن مرده چه نام داشت گفت حسین فرمود
که زیارت حضرت امام حسین ترا نصیب خواهد شد زیرا که هر که معانقه با همنام
آنحضرت در خواب میکند توفیق زیارت آنحضرت می‌یابد و در حدیث صحیح از
آنحضرت منقولست که هر که در خواب بیند که در حرم است اگر ترسان باشد ایمن
گردد شخصی دیگر با آنحضرت عرض کرد که خواب دیدم که چوب نیزه در دست داشتم
فرمود که آهنی بر سرش بود گفت نه فرمود که اگر آهن میداشت خدا ترا پسری میداد
چون آهن نداشت خدا ترا دختری خواهد داد پس ساعتی صبر کرد و بعد از آن
پرسید که آن نیزه چند بند داشت گفت دوازده بند فرمود که دوازده دختر
بهم خواهی رسانید محمد بن یحیی میگوید که من این حدیث را بشخصی نقل کردم او گفت
که من از زن یکی از آن دخترهایم و یازده خاله دارم و در حدیث صحیح منقولست
که حضرت امام رضا ع فرمود که من دیشب مولای علی بن یقطین را در خواب
دیدم که در میان دو چشمش سفیدی بود چنین تعبیر کردم که بدین حق در خواهد آمد
و در حدیث دیگر منقولست که یاسر خادم بخدمت حضرت امام رضا ع عرض کرد
که در خواب دیدم که هفت شیشه در میان قفسی بود ناگاه آن قفس افتاد
و شیشه‌ها شکست حضرت فرمود که اگر خوابت راست است بیاید شخصی از اهل بیت
و خویشان من هفت روز پادشاه شود و بعد از آن بمیرد پس محمد بن ابراهیم

در کوفه با ابو السرایا خروج کرد و بعد از هفت روز مرد و در روایت دیگر
منقولست که حضرت رسول ص فرمود که در خواب دیدم که قدحی از شیر بمن
دادند نقدری خوردم که دیدم از میان ناخنهایم بیرون می‌آمد پرسیدند که چه
تعبیر کردید فرمود که بعلم و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع
عرض کرد که خواب دیدم که از شهر کوفه بیرون رفتم بموضع معروفی در آنجا شخصی از
چوب دیدم که بر اسبی چوبی سوار بود و شمشیری در دست داشت و حرکت میداد و من
او را مشاهده میکردم و میترسیدم حضرت فرمود که دلالت بر این میکند که تو میخواهی
بفریب شخصی را از روزی خود بدر آوری از خدا بترس و مکن که بیاد خود آوری چنین
آنشخص گفت که گواهی میدهم که خدا علم عظیم بتو داده است و علم را از معدنش
اخذ کرده بدرستیکه شخصی از همسایگان من بنزد من آمد و گفت زمینی دارم
و بتو میخواهم بفروشم من چون دیدم که مشتری دیگر بغیر از من ندارد در خاطر گذرانیدم
و عزم کردم که بقیمت بسیار ارزانی از او بخرم **فصل دهم** در آداب بیداری
و مذمت خواب بسیار از حضرت رسول ص منقولست که سخن گفتن و صحبت داشتن
بعد از نماز خفتن مکروهست و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که کم
شب بیداری داشتن خوب نیست مگر در سه چیز در نماز شب کردن و قرآن خواندن
و در طلب علم و برای عروسی که بخانه شوهرش برند و از حضرت صادق ع
منقولست که سه کس اند که بخواب نمیروند کسی که قصد کشتن کسی داشته باشد و کسی که
مال بسیار داشته باشد و امینی نداشته باشد که بر او اعتماد کند و کسی که در میان

در میان مردم دروغ و بهتان بسیار گفته باشد و کسی که مال بسیاری ازو خواهند
و مال نداشته باشد و کسی که محبوبی را خواهد و ترسد که از او جدا شود و پیغمبر
علیه التحیة والرضوان بسیار فرمود که ممکنست که از تهی باشد مردی را که خواب غفلت
بسیار میکند زیرا که هر کس میباید در پی کشتن نفس اماره خود باشد که دشمن الله و
پیوسته در پی کشتن این کس است و سرمایه ایمان و طاعات که اینکس دارد ایمنی نداره
و نفس و شیطان و هواها و شهوات همه اتفاق کرده اند بر غارت آنها و در دفع و جهان
بیدار گفته است هرکس و آنچه که طاعات و بندگی بهار میخواهند و آنچه باید تحصیل
و چون خدا محبوب دارند و بخواب غفلت قربانی را از دست میدهند کسی که اینها
اسباب بیداری را داشته باشد چگونه خواب کند و از حضرت صادق منقولست که عبد
از کسی که دعوای محبت الهی میکند و شبها خواب میکند و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله
علیه منقولست که هرکه از شبیخون عذاب خدا ترسد باید که کم خواب کند و منقولست که
چهار چیزاست که کمش بسیار است آتش و خواب و بیماری و دشمنی و از حضرت رسول
منقولست که مادر حضرت سلیمان ع باو گفت که زنهار که در شب خواب بسیار مکن
که بسیاری خواب شب آدمی را در قیامت فقیر میگرداند و حضرت صادق ع فرمود
که سه چیز را خدا دشمن میدارد خواب کردن بی آنکه بیداری کشیده باشد و خنده
بی تعجب و بسیار چیز خوردن در سیری و فرمود که اول معصیتی که خدا را کردند شش چیز
بود محبت دنیا و محبت ریاست و محبت طعام و محبت زنان و محبت خواب و محبت
راحت و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که شیطان را سرمه هست که در دیده های

مردم میکشد و لعوقی هست که در حلق مردم میکند و سعوطی هست که در بینی مردم
میکشد و سرمه اش بیخوابیست و لعوقش دروغ است و سعوطش تکبر است و حضرت
امیرالمؤمنین ع فرمود که مستی چهار است مستی شراب و مستی مال و مستی خواب و مستی
پادشاهی و از حضرت امام محمد باقر منقولست که حضرت موسی ع مناجات کرد
که پروردگارا کدام یک از بندگان خود را دشمن میداری خطاب رسید که آنکسی
که شب تا صباح مانند مردار افتاده است و در روز ببطالت بسر میبرد و از حضرت
امام موسی ع منقولست که دین خود را بخواب عادت مده که هیچ چیز در بنده بدتر از شکر خدا
کمتر از دین نمیکند و حضرت صادق ع فرمود که خدا دشمن میدارد بسیاری خواب کردن
و بسیاری فارغ بودن را و فرمود که بسیاری خواب دنیا و آخرت را می برد و بدانکه
بسیار بیداری کشیدن هم مذموم است و در غیر شبهایی که مخصوص احیای آنها وارد
شده است تمام شب بیدار بودن کراهت دارد و بدان اخبار وارد شده است که
دین را بر آدمی حقی هست بیداری بی حد حق او را ضایع میکند و بدانکه در خواب
بیداری رو با آفتاب خوابیدن و نشستن کراهت دارد چنانچه از حضرت امیرالمؤمنین
منقولست که کسی که در آفتاب نشیند باید پشت با آفتاب کند که رو با آفتاب نشستن
دردهای پنهانی را ظاهر میگرداند و در حدیث دیگر فرمود که در آفتاب بیکند
که موی ها پیچان بخارات و رو را متغیر میکند و جامه را کهنه میکند و دردهای
آن را و نهان او بظهور میآید و از حضرت رسول ص منقولست که در آفتاب
چهار خصلت است رنگ را متغیر میکند و اینکس را بدبو میکند و جامه را کهنه میکند

باعث دردها میشود **فصل یازدهم** در آداب بیت الخلا چون خواهد که داخل
بیت الخلا شود سر را بپوشاند و اگر ردا یا عمامه چیزی دیگر بسر کرده بهتر است
و بسم الله بگوید و دعا خواند باین عنوان بسم الله و بالله اللهم انی اعوذ بک
من الخبیث المخبث الرجس النجس الشیطان الرجیم و دیگر بگوید بسم الله و بالله
و لا اله الا الله ربنا اخرج عنی الاذی سرحا بغیر حساب و اجعلنی لک
من الشاکرین فیما تصرفه عنی من الاذی و الغم الذی لو حبسته
عنی هلکت لک الحمد اعصمنی من شر ما فی هذه البقعة و اخرجنی منها
سالما و حل بینی و بین طاعة الشیطان الرجیم و چون داخل شود پای چپ را
مقدم دارد بنابر مشهور و حدیثش بنظر نرسیده است و چون عورتش باز شود
بسم الله بگوید تا شیطان چشم برهم نهد و نظرش بعورت او نیفتد و چون
بنشیند بگوید اللهم اذهب عنی القذی و الاذی و اجعلنی من المطهرین
و جمعی گفته اند که سنت است که تکیه بر پای چپ کند و پای راست را گشاده کند و
بنظر نرسیده است و چون غایط یا بول بدشواری بیرون آید و بعضی گفته اند
مطلقا این دعا بخواند اللهم کما اطعمتنیه فی عافیة فاخرجه منی خبیثا
فی عافیة و در حدیثست که بر هر بنده فرشته موکلست که سر او را بزیر اندازد در
بیت الخلا که نظر بحدث کند پس آن فرشته میگوید که ای فرزند آدم این عاقبت
خورشهای تست که سعی بسیار در حصول پاکی آنها میکردی پس فکر کن که آن را بکجا
بهم رسانیدی و عاقبت بکجا رسید پس سزاوار آنست که در آن حال بخواند این دعا

اللهم ارزقنی الحلال و جنبنی الحرام و چون نظر بر آب استنجا افتد بگوید
الحمد لله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعله نجسا و چون خواهد که استنجا کند
بگوید اللهم حصن فرجی و استر عورتی و حرمنی علی النار و وفقنی لما
یقربنی منک یا ذا الجلال و الاکرام و چون برخیزد دست بر شکم مالد و بگوید
الحمد لله الذی هنانی طعامی و شرابی و عافانی من البلوی و چون خواهد
که بیرون آید پای راست را مقدم دارد بنابر مشهور و دست بر شکم مالد و بگوید
الحمد لله الذی عرفنی لذته و ابقی فی جسدی قوته و اخرج عنی اذاه
یا لها من نعمة لا یقدر القادرون قدرها و در بعضی از کتب حدیث
یا لها نعمة سه مرتبه وارد شده است و سنت است که بعد از انقطاع بول تقطرات
استبرا کند و بعضی استبرا را واجب میدانند و طریق استبرا آنست که انگشت میان
دست چپ را از زیر مقعد گذاشته بقوت بکشد تا زیر خصیتین سه مرتبه انگشت
شهادت را بر بن ذکر گذارد و انگشت مهین را بر بالای آن و بقوت بکشد تا سر ذکر
سه مرتبه و اکثر علما گفته اند که سر ذکر را سه مرتبه بفشارد و این مستندی ندارد
و سنت است استنجا با آب سرد کردن که دفع بواسیر میکند و بسیار نشستن در بیت الخلا
مکروه است و منقولست که حضرت لقمان فرمود که بر در بیت الخلا ها نوشته اند که
بسیار نشستن در بیت الخلا باعث بواسیر میشود و استنجا با استخوان و سرگین کردن
مکروه است زیرا که اجنه بخدمت حضرت رسول صلعم آمدند و از برای خود و حیوانات
خود طعامی طلبیدند حضرت استخوان برای ایشان و سرگین را برای حیوانات

ایشان قرار داده‌اند و باین سبب احتراز از پاک کردن خوب نیست و همچنین استنجا
با مطعومات کردن خصوصا نان کراهت شدید دارد و استنجا بچیزهای محترم
مثل تربت حضرت امام حسین ع و نوشته که در آن قرآن یا نام خدا یا نام پیغمبران
یا ائمه صلوات الله علیهم یا حدیث یا فقه بوده باشد حرام است و اگر بقصد
استخفاف کند کافر میشود و استنجا بدست راست کردن مطلقا مکروهست
و بدست چپ هم مکروهست در صورتی که در آن انگشتری باشد که در آن
اسم خدا باشد و الحاق کرده‌اند علما اسما انبیا و ائمه معصومین صلوات الله
علیهم را هرگاه بقصد نام ایشان کنده باشند و مکروهست با خود بردن بیت الخلا
چنین انگشتریها هر چند در انگشت نباشد و همچنین با خود بردن قرآن و تعویذ
و دعا و همچنین با خود بردن نقره سکه دار مگر آنکه در کیسه باشد و مکروهست
مسواک کردن در بیت الخلا که باعث گند دهان میشود و مکروهست حرف
گفتن در آن حال مگر بذکر خدا و دعا های ماثور و آیة الکرسی و حمد الهی کردن
و آنچه موذن میگوید از پی او گفتن چنانچه منقولست که حضرت موسی علیه السلام
در مناجات با خداوند خود گفت که حالتی چند بر من میگذرد که ترا از آن بزرگتر
میدانم که در آن احوال ترا یاد کنم فرمود که ای موسی در همه حال مرا یاد کن که یاد
در همه حال نیکوست و واجبست رد سلام یا اگر اسم حضرت رسول بشنود صلوات
بفرستد بنابر قول جمعی و سنت که اگر عطسه کند حمد بگوید و صلوات بفرستد
و جایزست که اگر کاری ضروری داشته باشد و ترسد که تا بیرون آمدن فوت شود

و باشاره

و باشاره و دست زدن اعلام نتواند کرد سخن بگوید و منقولست که هرگاه در بیت
الخلا و حرفی بگو بحاجتش بر آورده نشود و مکروهست طول دادن نشستن
در حال بول و غایط و استنجا بآبی کردن که بوی آن متغیر شده باشد بغیر نجاست مگر آنکه
آب دیگر یافت نشود **فصل دوازدهم** در بیان احکام و اوضاع و مکانهائیکه نهی از
آنها وارد شده است واجبست که عورت خود را از ناظر محترم بپوشانند از
زن و شوهر خود و مرد از کنیزی که وطی او توانند کرد و از اطفالی که تمیز نداشته باشند
و سایر حیوانات و عورت مرد ذکرست و خصیتین و دبر و عورت زن
که تمام بدن را بپوشانند با آنکه پنهان شود در خانه یا کوهی و اگر در صحرا باشد دور شود
که کسی جثه او را نبیند و اکثر علما بر آنند که حرامست رو بقبله کردن و پشت بقبله
کردن در حالت بول و غایط خواه در صحرا باشد و خواه در بنا و احوط اجتناب
چنانچه از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که برابر قبله بول کند از روی فراموشی
پس بخاطرش آید و از برای تعظیم و اجلال قبله بگرداند بجانب دیگر از آنجا برنخیزد
مگر آنکه حق تعالی او را بیامرزد و احوط آنست که در حالت استنجا نیز رو و پشت بقبله
نکند و سنت که رو بمشرق یا مغرب کند و احوط آنست که از ما بین مشرق و مغرب
نیز اجتناب کند و احوط آنست که اگر قبله را نداند سعی کند در معرفت قبله تا خاطر جمع کند
و رو و پشت بقبله نکرده است و اگر متعذر باشد باکی نیست و در این صورت اگر
پشت بقبله کند بهترست و سنتست که از جهت بول بجای بلند یا جایی که خاک بسیار
داشته باشد برود که خاطر جمع باشد که باو ترشح نمیکند چنانچه منقولست که حضرت

رسول صلی الله علیه و آله از همه کس بیشتر احتراز از بول میکردند تا آنکه هرگاه اراده
بول میکردند بجای بلندی میرفتند یا جایی که خاک نرم بسیاری بود که باد ابول ترشح
کند و در احادیث بسیار وارد شده است که بیشتر عذاب قبر از سهل گرفتن بول
و از بد خلقی است و در آب بول کردن مکروهست و در آب ایستاده بول کردن
بدتر است و در احادیث معتبره وارد شده است تجویز بول کردن در آب روان
و وارد شده است که در آب ایستاده بول کردن باعث تسلط اجنه و شیاطین میشود
و موجب دیوانگی و غلبه فراموشی است و بهتر آنست که غایط را هم در میان آب نکند
و ایستاده بول کردن مکروهست بلکه غایط را هم ایستاده کردن مکروهست و از حضرت
صادق منقولست که هرکه ایستاده بول کند بیم آنست که دیوانه شود و از جای بلند بسیار بلند
بر زیر بول کردن مکروهست و مکروهست بول کردن در سوراخ جانوران و بول و غایط
کردن در مجرای آب هرچند آب نداشته باشد و همچنین در میان راهها و کنارهای
و در در بجاها و زیر دیوارهای مسجدها و در رودخانها و در جاهایی که بسبب آن
مردم دشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درختان میوه دار در وقتی که میوه داشته
باشد زیرا که ملایکه در آن وقت با آن درختان میباشند که نگاه میدارند میوه را
از ضرر جانوران و بعضی گفته اند که در غیر وقت میوه هم مکروهست و در جاهایی
که مردم قافله نزول میکنند و جاهایی که مردمان از آن میسازند و همچنین حتی از بوی آن
و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که حق تعالی لعنت کرده است کسی را
که غایط کند در سایه که قافله در آنجا منزل میکنند و کسی که منع کند مردم را از آب

مباحی که در چاهها و چشمها مردم بنوبت بر آن وارد میشوند یا آبی که ملک
جماعتی باشد و هر روز یا هر شب نوبت شخصی باشد صاحب نوبت را منع کند و کسی که
راه شارع مردم را سد کند بدیوار کشیدن یا راه زنی کردن یا عشور گرفتن

باب نهم در آداب حجامت و تنقیه و خواص بعضی از ادویه و علاج بعضی از امراض و ذکر بعضی از ادعیه و احراز

فصل اول در ثواب بیماری و صبر کردن
بر آن و بیان شدت ابتلای مؤمنان در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر
صادق منقولست که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله سر بجانب آسمان
بلند کردند و تبسم فرمودند صحابه از سبب آن سؤال کردند حضرت فرمود که تعجب کردم
از دو ملک که بر زمین فرود آمدند و بنده مؤمن صالحی را در جای نماز طلب
کردند که عمل شب و روز او را بنویسند او را در جای نماز نیافتند باسمان رفتند
و گفتند پروردگارا فلان بنده ترا در جای نماز طلب کردیم نیافتیم و او در بند
بیماری است حق تعالی فرمود که بنویسید برای بنده من آنچه در حال صحت از افعال خیر
در شب و روز میکرده است مادام که در بند منست و در حدیث معتبر دیگر از حضرت
رسول منقولست که چون بر مؤمن ضعف پیری غالب شود حق تعالی امر میفرماید
که آنچه در جوانی و قوت میکرده است برای او بنویسند و همچنین ملکی را موکل کرده
که برای مؤمن بیمار بنویسد آنچه در حال صحت میکرده است از کارهای خیر و از برای کافر
بیمار بنویسد آنچه در صحت از کارهای بد میکرده است و در حدیث حسن و غیر آن
از حضرت امام محمد باقر منقولست که بیداری یک شب از بیماری و درد بهتر است از عبادت

یکسال و در حدیث دیگر منقولست که حق تعالی ملک دست چپ را امر میفرماید که
در ایام بیماری گناه بر مؤمن ننویسد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
منقولست که بنده که بیماری کشد طفلان بهم میرساند و خیری نیست در چنین بدن
و در حدیث دیگر فرمود که یک شب تب برابر است با عبادت یکسال و دو شب برابر است
با عبادت دو سال و سه شب تب برابر است با عبادت هفتاد سال و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که یک شب تب کفاره گناهان گذشته و آینده است
و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که حق تعالی میفرماید که هر که
سه شب بیماری بکشد و با احدی از عیادت کنندگان شکایت نکند بدل کنم
برای او گوشتی بهتر از گوشت او و خونی بهتر از خون او پس اگر او را عافیت دهم
از گناهان پاک کرده باشم او را و اگر بمیرانم بسوی رحمت خود میبرم او را و در احادیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که یک شب بیماری بکشد و قبول کند آنرا بآنچه
شرط قبول کردن است بآنکه کسی را خبر ندهد از آنچه کشیده و چون صبح شود خدا را
شکر کند حق تعالی بفضل خود ثواب عبادت شصت ساله با و عطا فرماید و در حدیث
حسن از آنحضرت منقولست که حد شکایت نه آنست که بگوید که دیشب مرا
خواب نبرد یا تب داشتم بلکه آنست که بگوید که ببلائی مبتلا شده ام که هیچکس بآن
بلا مبتلا نشده است و آنچه بمن رسیده است بهیچکس نرسیده است مثل اینها
و در حدیث دیگر فرمود که تب سه روزه کفارت و زندان خداست در زمین و گرمی تب
از جهنم است و بهره مؤمن از جهنم همین است و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست

که نیکو دردیست تب بهر عضوی میرساند بهره از بلا و خیری نیست در کسی که
ببلا مبتلا نشود و در روایت دیگر وارد شده است که مؤمن چون تب میکند گناهان
از او میریزد مانند برگ از درخت و اگر بر رختخواب بیفتد نالهاش ثواب
سبحان الله دارد و فریادش ثواب لا اله الا الله دارد و آن پهلو به پهلو که میگردد مانند
کسی است که در راه خدا شمشیر زند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که بیماری
برای مؤمن پاک کننده او از گناهان و رحمت الهیست و تنبیه باد و آن برای کافر
عذاب و لعنت و فرمود که یک شب درد سر گناهان را بر طرف میکند مگر گناهان کبیره
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون حق تعالی بنده را دوست دارد یکی از
سه تحفه برای او میفرستد یا تب یا درد چشم یا درد سر و در احادیث معتبره بسیار
وارد شده است که بلای پیغمبران از همه کس شدیدتر است پس بعد از ایشان اوصیای
ایشان پس بعد از اوصیا هر که نیکوتر و فاضلتر است بلایش عظیمتر است و مؤمن را
بقدر ایمان و اعمال نیکش بلا باو میرساند پس هر که ایمانش صحیحتر و عملش نیکوتر است
بلایش بیشتر است و هر که ایمانش ضعیفتر و عمل نیکش کمتر است بلایش کمتر است
و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ثواب عظیم با بلای عظیم است
و هیچ گروهی را خدا دوست نمیدارد مگر آنکه ایشانرا مبتلا میگرداند و فرمود که حق تعالی را
بندگان خالص هست که از آسمان هیچ تحفه بزمین نمیفرستد مگر آنکه میگرداند از ایشان بسوی غیر
ایشان و هیچ بلائی نمیفرستد مگر آنکه میگرداند از دیگران بسوی ایشان و در روایت معتبر
دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون حق تعالی بنده را دوست داشت

عوض طلب میکند او را و رباه عوض داده نمی شود پس بزودی بر او بلا را بچشانی پس اگر
خدا را برای رضای آن بلا بجا آورند حق تعالی میفرماید بلیّات ای بندهٔ مؤمن اگر نه
بتو بهم این خطا طلبیدی قادرم بر آن و اگر ذخیره کنم برای روز جزا بهتر است
از برای تو و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که مؤمن چهل شب
بر او نیکند مگر او را امری غمی دهد که اندوهگین شود و به آن تذکر و آگاه
گردد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که در بهشت منزلتی هست که هیچ کس
بآن منزلت نمی رسد مگر آنکه بلا در بدن او برسد و فرمود که اگر مؤمن بداند
که در مصیبتها چه ثواب برای او هست هر آینه آرزو کند که بدنش را از مقراض
پاره پاره کنند و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که خداوند عالمیان یاد میکند
مؤمن را بتحفهٔ بلا چنانچه کسی از سفر تحفه برای اهل خود بفرستد و او را پرهیز
میفرماید از دنیا چنانچه طبیب بیمار را پرهیز میفرماید از چیزها که با وجود بیماری
و از حضرت صادق ع منقولست که شخصی حضرت را بخانه خود طلبید چون حضرت
داخل خانه او شدند دیدند که مرغی بر بالای دیوار تخم کرد و آن تخم افتاد و بر روی
میخی که در میان دیوار بود بند شد و نیفتاد و نشکست حضرت تعجب نمودند
آن شخص گفت که از این تعجب میفرمایید بحق آن خداوندی که ترا براستی فرستاده است
که هرگز نقصانی بمن نرسیده است حضرت برخاستند و طعام او را تناول نفرمودند
و گفتند که هر که نقصانی باو نرسد امید خیر در او نیست و در حدیث دیگر فرمود
که خدا مؤمن را بهر بلائی مبتلا میکند و بهر مرگی او را میمیراند اما عقلش را بر طرف

نمیکند یعنی که شیطان بر مال و فرزندان و اهل حضرت ایوب مسلط شد
و بر عقلش مسلط نشد که با آن عقل خدا را بیگانگی بشناسد و در حدیث حسن دیگر
فرمود که حق تعالی میفرماید که اگر نه آن بود که مؤمن در دل خود حرجی بیابد
هر آینه عصابه بر سر کافر می بستم که هرگز درد سر باو نرسد **فصل نهم** در فضیلت
و آداب حجامت بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که دوا چهار چیز است
حجامت و دوا در بینی چکانیدن و حقنه کردن و قی کردن و در حدیث دیگر
منقولست که آنحضرت گذشتند بر جماعتی که حجامت میکردند فرمودند که چه میشد
شما را اگر تاخیر میکردید تا شب روز یکشنبه که درد را از بدن بیشتر میکشد
و در حدیث دیگر فرمود که حضرت ع در روز دوشنبه حجامت کردند و با
حجام کمتر میدادند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص روز دوشنبه
بعد از عصر حجامت میکردند و فرمود که حجامت کردن در آخر روز دوشنبه
درد را از بدن بیرون میکشد کشیدنی و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت
امام موسی ع در روز جمعه حجامت میکردند گفت فدای تو شوم در روز جمعه
حجامت میکنی حضرت فرمود که هرگاه که خوف زیادتی کنند بر تو خواه در شب و خواه
در روز آیة الکرسی بخوان و حجامت بکن و از حضرت رسول ص منقولست که هر که
حجامت کند در روز سه شنبه هفدهم یا چهاردهم یا بیست و یکم ماه او را شفا دهد
از دردهای سال او و شفا بخشد او را از درد سر و درد دندان و دیوانگی و خوره
و پیسی و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت امام علی نقی ع

در روز چهارشنبه حجامت میکردند گفت که اهل مکه و مدینه از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله روایت میکنند که هرکه در روز چهارشنبه حجامت کند و پیس شود
ملامت نکند مگر نفس خود را و فرمود که دروغ میگویند کسی چنین میشود که مادرش در حیض
باو حامله شده باشد و از حضرت صادق ع منقولست که هرکه خواهد که حجامت
کند باید که در روز پنجشنبه حجامت کند بدرستی که در هر شب جمعه خون از جای
خود حرکت میکند از ترس قیامت و بجای خود بر نمیگردد تا صبح روز پنجشنبه
و فرمود که هرکه حجامت کند در پنجشنبه آخر ماه در روز اول دردها را از بدنش میکشد
و در حدیث دیگر فرمود که چون حجامت کنی و خون از محل حجامت بیرون آید
پس بگو پیش از آنکه محجم را بیندازی بسم الله اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه
من العین فی الدم و من کل سوء و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول
حجامت در سه جا میکردند در میان هر دو کتف و در پشت گردن یکی را نافعه
مینامیدند و دیگری را مغیثه یعنی فریادرسنده و سیم را منقذه یعنی خلاص کننده
از بلاها و در روایت دیگر فرمود که منقذه آنست که از سر حجامت کنی بجانب بالا
فرق و بجای سر که بر سر در آنجا حجامت کنی و در روایت معتبر منقولست که حضرت
امام موسی ع در روز چهارشنبه حجامت کردند و تب بر طرف نشد پس در جمعه حجامت
کردند و تب بر طرف شد و از حضرت امام رضا ع منقولست که هرکه در چهارشنبه
آخر ماه حجامت کند برای رد بر اهل طیره عافیت یابد از هر بلا و محفوظ
ماند از هر دردی و محل حجامتش سبز نشود و در روایت دیگر منقولست که حضرت

امام جعفر ع بعد از عصر حجامت کردند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که
حجامت کردن بدن را صحیح میکند و عقل را محکم میکند و فرمود که حجامت مکنید در
روز چهارشنبه که روز نحس است و در روز جمعه ساعتی هست که هرکه در آن ساعت
حجامت کند بمیرد و در حدیث دیگر فرمود که روز سه شنبه روز خون گرفتن است
و در روایت دیگر از حضرت رسول ص نهی وارد شده است از حجامت کردن در روز شنبه و چهارشنبه
و از حضرت امام موسی ع منقولست که در روز پنجشنبه حجامت بکنید و [illegible]
از حضرت رسول ص منقولست که اگر در چیزی شفا هست در نیشتر حجام و در خوردن
عسل است و فرمود که نیکو عادتیست حجامت که دیده را جلا میدهد و درد را میبرد و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که جبرئیل ع برای حضرت رسول ص مسواک و خلال و حجامت را
آورد و در فقه الرضا ع مذکور است که چون اراده حجامت کنی چهار زانو در پیش حجام
بنشین و بگو بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله الکریم فی حجامتی من العین
فی الدم و من کل سوء و اعلال و امراض و اسقام و اوجاع و اسئلک
العافیة و المعافاة و الشفاء من کل داء و در حدیث دیگر منقولست که بحضرت
صادق ع عرض کردند که مردم بعید میدانند حجامت در روز سه شنبه و چهارشنبه را
فرمود که حضرت رسول فرموده که هرگاه کسی زیادتی خون در خود یابد البته حجامت کند
که مبادا او را بکشد و فرمود که اول سه شنبه که از آذار ماه رومی که اول بهار است
حجامت کند باعث صحت بدن او شود و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که حضرت
رسول ص را هیچ آزاری بهم نمیرسید مگر آنکه پناه بحجامت میبردند و در حدیث دیگر فرمود

که حجامت سبب شفای همه دردهاست بغیر از مرگ و در حدیث دیگر فرموده که هر که نظر
کند باول محرم از خون او که ببیند امان یابد از درد چشم تا حجامت دیگر کند و در روایتی
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول حجامت میکردند
بآب سرد غسل میکردند که حرارت خون فرو نشیند و در حدیث دیگر فرموده که
حضرت رسول اول در پشت کردن حجامت میکردند پس جبرئیل آمد و امر کرد
آنحضرت را بحجامت میان دو کتف و در حدیث دیگر مرویست که حضرت صادق ع
حجامت کردند و بعد از حجامت سیاه دانه با نبات طلبیدند و تناول نمودند
و فرمودند که خون صافی را ساقی میکند و حرارت را قطع میکند و از حضرت
امام علی نقی ع منقولست که انار شیرین بعد از حجامت خون را ساکن میکند و خون
اندرون را صاف میکند و از حضرت صادق ع منقولست که حجامت روز شنبه
باعث ضعف میشود و در روایت دیگر منقولست که بسیار بوده که حضرت امام رضا ع
در میان شب زیادتی خون می یافتند و در آن وقت حجامت میکردند و از حضرت
صادق ع منقولست که در ماه مبارک رمضان بهتر آنست که حجامت را در شب بکنند
و فرموده که حجامت ما در روز یکشنبه است و حجامت شیعیان ما در روز دوشنبه است
و فرموده که زنهار که ناشتا حجامت مکن تا اندک چیزی بخوری که بهتر باعث
بیرون آمدن خون و قوت بدن میشود و فرموده که چون بعد از اکل حجامت کنند
خون جمع میشود و خون فاسد را بیرون میکند و اگر ناشتا کنند خون صالح
بیرون میرود و خون فاسد در بدن میماند و زید شحام میگوید که در خدمت حضرت

صادق

صادق ع بودم که حجام را طلبیدند و فرمودند که محجمه را خوب بشوی پس انار
طلبیدند و تناول فرمودند و چون از حجامت فارغ شدند انار دیگر طلبیدند
و تناول فرمودند و فرمودند که خوردن انار در این وقت صفرا را فرو مینشاند و حضرت
امام محمد باقر ع از ابو بصیر پرسیدند که مردم بعد از حجامت چه چیز میخورند گفت
برگ کاسنی و سرکه فرمود که باکی نیست و از حضرت امام موسی ع منقولست که کسی که
خواهد حجامت کند در روز شنبه حجامت بکند و فرمود که حجامت کردن در
روز یکشنبه شفای همه دردهاست و در روایتی وارد شده است که باید حجامت کردن
در روز چهارشنبه هرگاه قمر در عقرب باشد و از حضرت صادق ع منقولست که در روز
چهارشنبه هرگاه قمر در عقرب باشد و از حضرت صادق ع منقولست که در روز
یکشنبه خون در موضع حجامت جمع میشود پس چون ظاهر شد در بیعت متفرق میشود
پس حجامت را پیش از ظهر بکنید و در حدیث دیگر نهی فرموده از حجامت کردن
در وقت ظهر روز جمعه و از حضرت امام موسی ع منقولست که در هفتم ماه
حزیران رومی که در اوایل تابستانست حجامت بکن و اگر نشود در چهاردهم بکن
و از حضرت صادق ع فرمود که حجامت را در آخر روز بجا آورید و از حضرت رسول
منقولست که حجامت در کوپشت سر موجب فراموشیست و حضرت صادق ع
فرمود که حجامت سر بغیر بادرستن است و برای همه دردی نافعست بغیر از مرگ
پس از هر دو طرف ابرو شروع کرد تا بجانب پشت و تا بجائی که انگشتها رسید نشان داد
که در اینجا حجامت میباید کرد و در روایت دیگر منقولست که در روز سه شنبه

ساعتی هست که اگر حجامت در آن ساعت اتفاق افتد خون بند نشود تا بمیرد
و فرمود که هر که در وقت ظهر روز جمعه حجامت کند و بلائی باو رسد ملامت نکند
مگر خود را و در حدیث دیگر فرمود که آیة الکرسی بخوان و در هر روز که خواهی حجامت
بکن و فرمود که حجامت سر نافع است برای دیوانگی و جذام و پیسی و درد دندان
و درد حدیث دیگر تاریکی چشم و درد سر و غلبه خواب و فرمود که چون طفل چهار ماهه
شود هر ماه یک مرتبه او را حجامت کنید در گودی پشت سر که لعابش را خشک میکند
و حرارت را از سر و بدنش بیرون میکشد و منقولست که حضرت امام محمد تقی علیه السلام
طبیبی را طلبیدند و فرمودند که رگ کف دست را بگشاید و منقولست که شخصی
بحضرت صادق ع شکایت کرد از درد جگر حضرت او را فصد پا فرمود و شخصی
دیگر از خارش بدن شکایت کرد و فرمود که سه مرتبه هر دو پا را حجامت کن در پشت
پا در میان کعب و بند پا و شخصی بحضرت امام موسی ع شکایت کرد از جرب فرمود
که فصد پای راست بکن و بعد از دو روز سه روز روغن بادام شیرین بر دو پای بکش
بین و بخور دو ماهی و سرکه مخور و شخصی دیگر بحضرت صادق ع شکایت کرد از جرب
فرمود که رگ الحال را بگشا **فصل سیم** در بیان انواع تداوی که از ائمه علیهم السلام
وارد شده است و بیان جواز رجوع باطبا از حضرت رسول ص منقولست که
دردها سه است پس دردها مره است یعنی صفرا و سودا و بلغم و خون و دوای خون
حجامتست و دوای مره مسهلات و دوای بلغم حمام است و از حضرت
صادق ع منقولست که از دوای پیغمبرانست حجامت کردن و نوره کشیدن

و دوا در دماغ چکانیدن و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بهترین
دواهای شما حقنه است و دوا در بینی چکانیدن و حجامت کردن و حمام رفتن
و در حدیث دیگر فرمود که طب عرب در حجامت و حقنه است و آخر دوای ایشان
داغ کردنست و در حدیث دیگر فرمود که طبابت عربان در هفت چیز است
حجامت و حقنه و دوا در بینی کردن و حمام و قی و خوردن عسل و آخر دوای
ایشان داغ است و از حضرت صادق ع منقولست که حقنه از جمله دواهای
عظیم است و شکم را بزرگ میکند و فرمود که دوا چهار چیز است حجامت و دوا
مالیدن و قی کردن و حقنه کردن و فرمود که طب عربان حجامت و حقنه و حمام
و قی و دوا در بینی کردنست و آخر دوا داغ سوختنست و از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که حضرت رسول ص فرمود که بهترین چیزی که با آن مداوا کنید حقنه است شکم را
فربه میکند و دردهای اندرون را پاک میکند و بدن را قوت میدهد و فرمود که روغن
بنفشه در بینی بچکانید و در فقه الرضا ع مذکور است که حقنه و امثال آن
همه دواهاست و معده خانه دردهاست و پرهیز سر همه دواهاست و عادت ده نفس خود را
و فرمود که اجتناب کن از دوا خوردن تا بدنت تاب درد دارد و فرمود که هر گاه که
گرسنه شوی طعام بخور و هر گاه که تشنه شوی آب بخور و هر گاه بول آید بول بکن
و تا ضرور نشود جماع مکن و هر گاه که ترا خواب آید بخواب بکن چون چنین کنی بدنت
صحیح میباشد همیشه و فرمود که حق تعالی دوا را مانع میشود از تاثیر کردن تا وقتی که
مقدر شده است که آن مرض تا آن وقت باشد چون آن مدت منقضی شد دوا را رخصت

اثر میدهد و بآن شفای یابد مکر آنکه پیش از آمدن دوا دعا یا تصدق یا کارهای
خیر بکند که خدا پیش از آمدن دوا او را رخصت تأثیر بدهد و فرمود که در عسل
شفای هر دردی هست و هر که یک انگشت عسل را ناشتا بخورد بلغم را دفع میکند
و صفرا را برطرف میکند و ذهن را صاف میکند و حافظه را قوی میکند و معده را
پاک کند خورده شود و آب سرد حرارت و صفرا را فرو مینشاند و طعام را
هضم میکند و اخلاطی که در فم معده است میکند ان دو تب را برطرف میکند
و فرمود که اگر چیزی بیماری را نفع میکند مالیدن بدن است و جامهای نرم پوشیدن
و بوی خوش کردن و حمام رفتن و اگر مرده را مالش کنند زنده شود به قدرت
و تصدق بلاهای آسمانی را دفع میکند و قضاهای محکم را برطرف میکند و فرمود
که بیماری را نافع‌تر چیزی مانند دعا و تصدق و آب سرد و فرمود که منتهای پرهیز
و امساک چهارده روز است و پرهیز نه آنست که چیزی نخورد بلکه آنست
که کمتر بخورد و فرمود که صحت و مرض در بدن آدمی با یکدیگر در مقام معارضه
و مقاتله اند پس هر وقت که صحت غالب آید بیمار بشعور می آید و اشتهای طعام
بهم میرساند پس هرگاه که طعام بطلبد بدهید که شاید شفایش در آن باشد
و فرمود که شفای هر دردی در قرآن هست پس بیماران خود را دوا کنید بتصدق
و طلب شفا کنید بقرآن که هر که را قرآن شفا ندهد هیچ چیز سبب شفای او نیست
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که دردها در بدن خود یابد و حرارت
بمزاج خود غالب یابد با زنان جماع کند که حرارتش را فرو مینشاند و از حضرت صادق ع

منقولست

منقولست که عامه دردها و بیماریها از غلبه صفرا و سودا و خون سوخته شده و بلغم
زیاده میباشد پس میباید که آدمی تعهد احوال خود بکند پیش از آنکه اینها بر او غالب شود
و او را هلاک کند و از حضرت رسول صلعم باسانید معتبره منقولست که دوا کنید
بیماران خود را بتصدق و فرمود که تصدق بلاهای محکم را دفع میکند و فرمود
که تصدق بلاهای محکم را دفع میکند و فرمود که تصدق قرحهای بدترین را و امراض خبیثه
دفع میکند و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام موسی ع عرض کرد
که من با ده نفر از عیال همه بیماریم فرمود که ایشان را دوا کنید بتصدق که هیچ چیز
بهتر و زودتر از تصدق نفع نمیکند و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که شخصی بیمار شد حضرت امیر المؤمنین ع باو فرمود که از زن خود از مهر خود درهمی
که باو داده بطلب که بتو ببخشد و عسل بخر و با آب باران بخور آن شخص چنین کرد
و شفا یافت از سبب این پرسیدند از آنحضرت فرمود که میفرماید که اگر زنان
از مهر خود بشما بطیب خاطر چیزی ببخشند بخورید که گوارا و با عاقبت نیک است و در باب عسل
میفرماید که در آن شفاست از برای مردمان و در باب باران میفرماید که فرستادیم
از آسمان آبی مبارک پس [illegible] گوارائی و حسن عاقبت و برکت و شفا همه جمع شد
و در حدیث دیگر منقولست که مردی بخدمت حضرت صادق ع آمد و عرض کرد
که دردی دارم و برای آن اطبا شراب گفته اند و میخورم حضرت فرمود که چرا دوای
خود نمیکنی آبی را که خدا فرموده است که هیچ چیز آن نیست گفت اما من فقط
نمیکند فرمود که چرا عسل نمیخوری که خدا شفای مردمان گردانیده است گفت

بدنتم نمی آید فرمود که چرا شیر نمیخوری که گوشت و استخوان بهشت از شیر روید
گفت با طبع موافقت نمیکند فرمود که میخواهی که ترا رخصت بدهم که شراب بخوری
گفت لا والله که هرگز نکنم و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که راه رفتن بیمار با
مرض وبال زیادتی آن میشود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت
عرض کرد که بیماران که نزد ما بیمار میشوند اطبا ایشانرا امر بامساک و پرهیز میکنند
فرمود که ما اهل بیت امساک نمیکنیم مگر از خرما و خود را مداوا میکنیم بسیب و آب
سرد پرسید که چرا از خرما امساک میکنید فرمود که برای آنکه پیغمبر صلعم حضرت
امیرالمؤمنین ع را در بیماری از آن امساک فرمود و در روایت دیگر از آنحضرت
پرسیدند که تا چند روز باید پرهیز و امساک بیمار فرمود که تا ده روز و در روایت
دیگر یازده روز و در حدیث صحیح دیگر فرمود که پرهیز و امساک بعد از هفت روز
دیگر نفعی ندارد و از حضرت امام موسی ع منقولست که پرهیز آن نیست که
در اصل چیزی را نخوری بلکه آنست که بخوری و کمتر بخوری و در حدیث معتبر
از حضرت صادق ع منقولست که حضرت موسی بن عمران ع مناجات کرد که
پروردگارا درد از کجا است خطاب رسید که من پس پرسید که دوا از کجا است خطاب
رسید که از من پرسید که پس چه میکنند مردم این حکیمان را خطاب رسید که
دلهای مردم را خوش میکنند و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت
امام موسی ع سؤال کرد از داغ کردن بیماران و معوذها و افسونها برایشان
خواندن فرمود که باکی نیست در داغ کردن و افسونی که معنیش را دانی و در حدیث

صحیح دیگر منقولست که شخصی از آنحضرت پرسید که من محتاج میشوم بطبیب نصرانی
و یهودی او را بمعالجه میبرم و برای او سلام میکنم و او را دعا میکنم فرمود که باکی نیست
دعای سلام تو با او نفعی با ایشان ندارد و در حدیث دیگر فرمود که تا ممکن باشد رجوع بمعالجه
طبیب مکنید که این مانند عمارتست که اندکش بسیار میکشد و از حضرت
امیرالمؤمنین ع منقولست که مسلمان باید که دوا نکند تا غالب نشود بیماری او بر صحتش
و از حضرت صادق ع منقولست که هر که صحتش بر بیماریش غالب باشد و معالجه
کند و بمیرد من از او بیزارم و در حدیث دیگر فرمود که هر که با اسهال دوا بخورد اعانت
بر کشتن خود کرده است و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت امام محمد باقر ع
پرسیدند که بمعالجه طبیب یهودی یا نصرانی عمل میتوان کرد فرمود که باکی نیست شفا
بدست خداست و در روایت دیگر از حضرت صادق ع پرسیدند که شخصی دوا میخورد
و گاه هست که او را میکشد و گاه شفا می یابد اما کمتر است که شفا می یابد فرمود
که حق تعالی دوا را فرستاده است و شفا را نیز فرستاده و هیچ دردی خلق نکرده است
مگر آنکه دوائی برای آن آفریده است بخورد و نام خدا ببرد در وقت خوردن و از حضرت
امام محمد باقر ع پرسیدند که زنی را دردی چشم آب سیاه می آورد و اطبا میگویند که
چشم ترا میل میزنیم می باید که یکماه یا چهل روز بر پشت بخوابی و حرکت نکنی و بالفعل
نماز بایما می باید کرد حضرت فرمود که چون مضطرست باکی نیست و از حضرت
صادق ع منقولست که پیغمبری از پیغمبران بیمار شد پس گفت که دوا نمیکنم تا آنکه درد داده است
شفا بدهد حق تعالی باو وحی فرستاد که تا دوا نکنی من شفا ندهم و در حدیث

دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت عرض کرد که من جراحتها را میبرم و داغ میکنم باتش
فرمود که باکی نیست گفت که دواهای تلخ که قیمت دارد بمردم میدهم مثل غاریقون فرمود
که باکی نیست گفت که گاه هست که بمیرد فرمود که هر چند که بمیرد باکی نیست گفت که گاه هست
که شراب بمن میدهم که بخورند فرمود که در حرام شفائی نباشد و در حدیث معتبر دیگر
منقولست که شخصی بآنحضرت عرض کرد که شخصی دوا میخورد و بکمای بدنش میرسد گاه
منتفع میشود و بسیار است که او را میکشد فرمود که بکشد و در حدیث دیگر عرض کردند
که کسی داغ میسوزاند بر بدن و گاه هست که میکشد فرمود که شخصی در زمان حضرت
پیغمبر صلعم داغ سوزاند و حضرت بر بالای سرش ایستاده بودند و در حدیث معتبر از
حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که هیچ دوائی نیست مگر آنکه در بدن دردی را
برمی انگیزد و هیچ در بدن نافع تر از این نیست که تا محتاج نشوی تصرف در بدن
نکنی **فصل چهارم** در معالجه انواع تبها باحادیث بسیار وارد شده است
که ما مداوا نمیکنیم تب را مگر بریختن آب سرد بر بدن و خوردن سیب و از حضرت
صادق ع منقولست که تب از بوی جهنم است و فرو نشانید حرارت او را بآب سرد
و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع تب هیچ چیز نافع تر از دعا و آب سرد نیست
و از مفضل منقولست که بخدمت آنحضرت رفت در ایام تابستان و آنحضرت تب داشتند
دید که طبقی گذاشته است پر از سیب عرض کرد که مردم این را برای تب خوب نمیدانند
فرمود که این تب را برطرف میکند و حرارت را فرو مینشاند و در حدیث دیگر فرمود
که مقدار ده درم قند با آب سرد ناشتا خوردن برای دفع تب نافع است

و از حضرت امام رضا ع منقولست که روزی رسول خدا صلعم بنزد حضرت
امیر المؤمنین ع آمدند و آنحضرت تب داشت فرمودند که سحری تناول نمایید و او
حضرت امام موسی ع منقولست که خاریدن بدن و غلبه خواب و درد دوش و بنود و دردها
و دردها علامت تب یا دخونست و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که بکشید
گرمی تب را بنفشه و آب سرد و در تابستان بر بدن صاحب تب آب سرد بریزید
و فرمود که یاد ما اهل بیت کردن شفاست از تب و جمیع دردها و وسوسه شیطان
و فرمود که بخورید آب باران که بدن شما را پاک میکند و دردها را دفع میکند
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع از شخصی پرسیدند
که شما بیماران خود را بچه چیز دوا میکنید گفت که باین دواهای تلخ فرمود که
هرگاه کسی از شما بیمار شود قند سفید را بکوبید و آب سرد بر او بریزید و باو
بخورانید که آنخدائیکه بتلخ شفا میدهد قادر است که بشیرین بدهد
و در حدیث دیگر فرمود که کباب نمک تب میکند و در حدیث دیگر فرمود که دوای
بیماری کشیدیم خدا را الهام کرد که بیخ را کفتیم که رشته داند که بهندی آتش
بدانند و در آب یا خود کردند و یاران را سفوف کردیم و یاران را در میان آب
خوردیم و فرمود که تب برای اولاد پیغمبران و ابدال دیگران بیاشد و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که علامت تب بحران بیاشد بتی معرق و مسهل و از
ابرهیم جعفی منقولست که بخدمت حضرت صادق ع رفت و شکایت کرد از تب ربع
فرمود که نبات یا قند را بای و در میان آب سرد بریز و ناشتا وقتی که احتیاج باشد

خوردن شود بخور بخان کرد بزودی شفا یافت و حضرت امام موسی ع
فرمود در معالجه تب غب که عسل و سیاه دانه را باهم ممزوج کن و سه انگشت
از آن بخور که این هر دو مبارکست و حضرت علی فرموده که شفاست و حضرت
پیغمبر ص فرموده که در سیاه دانه شفای همه درد هست مگر مرگ و از حضرت
امام علی نقی ع منقولست که بهترین چیزها برای تب ربع آنست که در روز
نوبت پالوده با عسل بسازی و زعفران بسیار در آن بکنی و در آن روز غیر آن
چیزی نخوری و از حضرت امام رضا ع منقولست که این تعویذیست برای
شیعیان از سل یا الله یا رب الارباب ویا سید السادات ویا
اله الالهة ویا ملک الملوک ویا جبار السموات والارض اشفنی
وعافنی من دائی هذا فانی عبدک وابن عبدک اتقلب فی قبضتک
وناصیتی بیدک و سه مرتبه این دعا را بخوانی تا خدا شفا دهد بحول
وقوت خود و در روایت معتبر وارد شده است که حضرت رسول را تب شدیدی
عارض شد جبرئیل آمد و این عوذه را بر آنحضرت خواند و در ساعت تب
زایل شد بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک بسم الله من کل داء
یعنیک بسم الله والله شافیک بسم الله خذها فلتهنیک بسم الله
الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأن باذن الله و در چند حدیث
معتبر منقولست که بر هیچ بیماری و صاحب دردی هفتاد مرتبه حمد خوانده نمیشود
مگر آنکه آن درد ساکن میشود و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت

صادق

صادق ع آمد و عرض کرد که مرا هست که تب میکنم و اطبا گفتند بعمل آوردیم
و برطرف نشد حضرت فرمود که بندهای پیراهن خود را بگشا و سر را در گریبان
پیراهن داخل کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد بخوان آن شخص گفت
که چنان کردم گویا که از بند رها شدم و در حدیث دیگر منقولست که یکی از
فرزندان آنحضرت بیمار شد فرمود که ده مرتبه یا الله بگو که هیچ مومنی نگوید مگر
آنکه حق تعالی میفرماید که لبیک عبدی حاجت خود را بگو و در حدیث دیگر فرمود که هرکرا
علتی عارض شود هفت مرتبه سوره حمد بخواند اگر برطرف نشود هفتاد مرتبه بخواند
که من ضامنم که آن علت برطرف شود و در حدیث معتبر منقولست از داود بن زربی
که گفت بیمار شدم در مدینه بیماری شدیدی چون این خبر بحضرت امام جعفر صادق ع
رسید بمن نوشتند که یک صاع گندم بخر و بر پشت بخواب و آن گندم را بر سینه خود
بریز و بگو اللهم انی اسئلک باسمک الذی اذا سألک به المضطر کشفت
ما به من ضر ومکنت له فی الارض وجعلته خلیفتک علی خلقک ان
تصلی علی محمد واهل بیته وان تعافینی من علتی پس درست بنشین (وآل محمد)
و گندم را جمع کن و باز آن دعا را بخوان و آن گندم را چهار حصه کن و هر حصه
بیک فقیر بده و باز دعا بخوان داود گفت که من چنان کردم گویا از بند رها شدم
و بسیار کسی کردند و شفا یافتند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که چون
تب و بیماری روی دهد هفت مرتبه بگو اعیذک بالله العظیم رب العرش العظیم (الکریم)
من شر کل عرق نعار ومن شر حر النار و در حدیث دیگر فرموده که شخص

حمد و قل هو الله احد و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی بخوان پس باکت
شهادت بر پهلوی بیمار بنویس اللهم ارحم جلدی الرقیق و عظمی الدقیق من
سورة الحریق یا ام ملدم ان کنت امنت بالله و الیوم الاخر فلا تاکلی
اللحم و لا تشربی الدم و لا تنهکی الجسم و لا تصدعی الراس و اشغلی عن فلان
بن فلان فلانه و نام او و نام مادرش را بنویس الی من یجعل مع الله الها
اخر لا اله الا الله تعالی الله عما یشرکون علوا کبیرا و در روایت دیگر وارد شده
که بیمار سر دو کتف خود داخل کند و اذان و اقامه بگوید و سورهٔ حمد و قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و بگوید
اعیذ نفسی بعزة الله و قدرة الله و عظمة الله و سلطان الله و بجلال الله
و بجمع الله و برسول الله و بعترته صلی الله علیه و علیهم و بولاة امر الله
من شر ما اخاف و احذر و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و لا
حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله
و کذا فی بعض الروایات و عافنی من بلیات و در روایت دیگر منقولست
که شخصی با آنحضرت شکایت کرد که تبش بسیار دو طول انجامیده است فرمود
که آیة الکرسی را در ظرف بنویس و به آب محو کن و بخورد و در بعضی از کتب معتبره منقولست
که برای تب این تعویذ را بنویسید و بر بازو ببندید بعد از سورهٔ حمد تا آخر بنویسید
و بعد از آن بنویسید بسم الله و بالله اعوذ بکلمات الله التامات کلها
التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما خلق و ذرأ و برأ و من شر الهامة

في السامة و العامة و اللامة و من شر طوارق اللیل و النهار و من شر فسقة
العرب و العجم و من شر فسقة الجن و الانس و من شر الشیطان و شرکه
و من شر کل ذی شر و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی
صراط مستقیم ربنا علیک توکلنا و الیک انبنا و الیک المصیر یا نار
کونی بردا و سلاما علی ابرهیم و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین
بردا و سلاما علی فلان بن فلانه و نام بیمار و مادرش بنویسد ربنا
لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا و لا تحمل علینا اصرا کما حملته
علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اغفر لنا
و ارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین حسبی الله لا اله
الا هو فاتخذه وکیلا و توکل علی الحی الذی لا یموت و سبح بحمده و کفی
به بذنوب عباده خبیرا بصیرا لا اله الا الله وحده لا شریک له صدق
وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده ما شاء الله لا قوة
الا بالله کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز ان حزب الله
هم الغالبون و من یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم و صلی الله
علی محمد و آله الطیبین الطاهرین و از سلمان فارسی رضی الله عنه منقولست
که گفت بعد از وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بده روز از خانه
بیرون آمدم در راه حضرت امیر المؤمنین را ملاقات کردم فرمود که برو
بنزد حضرت فاطمه صلوات الله علیها که تحفه از بهشت برای او آمده میخواهد

عطا فرماید بتعجیل بخدمت آنحضرت شتافتم فرمود که دیروز در همین موضع نشسته بودم
و در خانه بسته بود و غمگین بودم و فکر میکردم در منقطع شدن وحی الهی از ما
و نیامدن ملئکه بسوی ما ناگاه دیدم که در گشوده شد و سه دختر با اندرون آمدند
که کسی حسن و جمال و عطر و تر و تازگی و خوشبوئی ایشان هرگز ندیده است
چون ایشان را دیدم برخاستم و سؤال کردم که شما از اهل مکه اید یا از اهل مدینه
گفتند ای دختر حضرت رسول صلعم ما از اهل زمین نیستیم ما را پروردگار عزت
از بهشت بسوی تو فرستاده و بسیار مشتاق تو بوده ایم از یکی که بزرگتر مینمود
پرسیدم که چه نام داری گفت مقدوره گفتم بچه سبب ترا این نام کرده اند گفت بجهة
آنکه از برای مقداد اسود خلق شده ام پس از دیگری پرسیدم که چه نام داری گفت
ذره نام دارم از سبب نام پرسیدم گفت بجهة آنکه از برای ابوذر غفاری خلق شده ام
از سیم پرسیدم که چه نام داری گفت سلمی از سبب نام پرسیدم گفت که از برای سلمان
فارسی آزاد کرده پدر تو خلق شده ام حضرت فاطمه علیها السلام فرمود که پس از برای من
رطبی چند بیرون آوردند مانند گرده های نان بزرگ از برف سفیدتر و از مشک
خوشبوتر پس سلمان گفت که حضرت فاطمه علیها السلام یکی از رطبها بمن داد و
فرمودند که امشب باین رطب افطار کن و فردا هسته اش را برای من بیاور پس آن
رطب را گرفتم و بیرون آمدم به هر جمعی از اصحاب حضرت رسول صلعم که میگذشتم می پرسیدند
که ای سلمان مگر مشک همراه داری میگفتم بلی پس چون وقت افطار شد با آن افطار کردم
هیچ هسته نداشت بخدمت حضرت فاطمه رفتم و عرض کردم که هسته نداشت فرمود که چون

و حال آنکه این رطب از درختی بهم رسیده است که حق تعالی آنرا در بهشت غرس نموده
بسبب دعائی که پدرم بمن تعلیم کرده است و هر صبح و شام میخوانم سلمان گفت ای
سیده من آن دعا را تعلیم من نما فرمود که اگر خواهی که تا در دنیا باشی آزار تب نیابی
برین دعا مواظبت کن اینست دعا بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللهِ النُّورِ
بِسْمِ اللهِ نُورِ النُّورِ بِسْمِ اللهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ بِسْمِ اللهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ
بِسْمِ اللهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ
وَأَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ
عَلَى نَبِيٍّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرَّاءِ
وَالضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ سلمان گفت
که این دعا را زیاده از هزار نفر از اهل مکه و مدینه که تب داشتند تعلیم کردم
و همه از تب نجات یافتند و در حدیث حسن منقولست که شخصی از زندان حضرت
امام جعفر صادق عم بیمار شد حضرت فرمود که این دعا را بخوان اللّٰهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ
وَدَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ
و از برای تب ربع منقولست که این آیه را بنویسند و بر او ببندند يَا نَارُ كُونِي
بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرٰهِيمَ و در روایت دیگر این دعا را بر بازوی راست
ببندند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ
بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَى بَلْ لِلّٰهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا يَا شَافِي يَا كَافِي يَا مُعَافِي وَ
بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ باسم فلان بن فلان و نام او و پدرش را بنویسند

بسم الله وبالله ومن الله والی الله ولا غالب الا الله و از برای تب لرزان
آیات را بنویسد و بر بازوی بیمار ببندند بسم الله مرج البحرین یلتقیان
بینهما برزخ لا یبغیان وجعل بینهما برزخا وحجرا محجورا یا نار کونی
بردا وسلاما علی ابراهیم الا ان حزب الله هم الغالبون ولقد سبقت
کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون

فصل پنجم در ادعیه جامعه و ادویه مرکبه نافعه در حدیث معتبر از حضرت
صادق ع منقولست که هر دردی که داشته باشی دست بر موضع درد بگذار و
بگو الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا اللهم انت لها ولکل عظیمة ففرجها
عنی و در روایت معتبر دیگر فرمود که بگو بسم الله وبالله دست بر آن موضع که درد
میکند و بگو اعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله
واعوذ بعظمة الله واعوذ بجمع الله واعوذ برسول الله واعوذ
باسماء الله من شر ما احذر ومن شر ما اخاف علی نفسی هفت مرتبه بگوید
و در روایت دیگر فرمود که دست بر موضع درد میگذاری و میگوئی بسم الله
وبالله و محمد رسول الله صلی الله علیه وآله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم
امسح عنی ما اجد و سه مرتبه دست بر آن موضع بکشی و در روایت دیگر فرمود که
دیگری دست بر موضع درد بگذارد و هفت مرتبه و اقلش سه نوبت بگوید
ایها الوجع اسکن بسکینة الله وقر بوقار الله وانحجز بحاجز الله واهدأ
بهداء الله اعیذک ایها الانسان بما اعاذ الله به عرشه و ملائکته یوم

الرجفة

الرجفة والزلازل و در روایت معتبر فرمود که برای هر آزاری این دعا بخواند
یا منزل الشفاء ومذهب الداء انزل علی ما بی من داء شفاء و از حضرت
امیر المومنین ع منقولست که هر که باو برسد المی و دردی پس این دعا بخواند الهی
و دردی باو ضرر نرساند اعوذ بعزة الله وقدرته علی الاشیاء اعیذ
نفسی بجبار السماء اعیذ نفسی بمن لا یضر مع اسمه داء اعیذ نفسی بالذی
اسمه برکة وشفاء و از حضرت صادق ع منقولست که هر که دردی داشته باشد
دست بر آن موضع درد بگذارد و با اخلاص نیت بگوید وننزل من القرآن
ما هو شفاء ورحمة للمومنین ولا یزید الظالمین الا خسارا البته
عافیت یابد از هر علتی که باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که را سوره حمد و قل
هو الله احد شفا نبخشد هیچ چیز او را شفا نمیدهد و از حضرت امام
محمد باقر ع منقولست که هر گاه کسی را آزاری رو دهد بیاید بگوید بسم الله وبالله
وصلی الله علی رسول الله واهل بیته واعوذ بعزة الله وقدرته
علی ما یشاء من شر ما اجد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی خدمت
آنحضرت آمد و شکایت کرد از بسیاری بیماری و پریشانی فرمود که این دعا بخوان
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم توکلت علی الحی الذی لا یموت
والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم
یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که حضرت موسی بن عمران بحق تعالی شکایت کرد از غلبه رطوبت

حق تعالی او را امر فرمود که هلیله و بلیله و آمله بسایید و با عسل خمیر کنند
و بخورد و حضرت فرمود که اینست که شما اطریفل میگویید و در طب الائمه صلوات الله
علیهم روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام علی نقی ع عرض کرد که
در همسایگی ما شخصی را عقرب گزیده است و بیم آنست که هلاک شود فرمود که
بخورانید باو دوای جامع را که از حضرت امام رضا ع بما رسیده است پس فرمود که
سنبل و زعفران و قاقله و عاقرقرحا و خربق سفید و بنج و فلفل سفید
همساوی که بگیرند و فرفیون دو برابر هر یک از آنها را بسیار نرم بکوبند و از حریر بیزند
کنند و بعسلی که کفش گرفته باشند خمیر کنند و کسی را که مار یا عقرب گزیده باشد
یک حبه آنرا با آب حلتیت باو بخورانید که در ساعت شفا می‌یابد و از حضرت
امام رضا ع روایت کرده است که از برای فالج و لقوه یک حبه آنرا با آب مرزنگوش
در بینی چکانند و از حضرت امام محمد تقی ع نقل کرده است که از برای سردی
معده و خفقان قلب نافع است که یک حبه آنرا با آب زیره که پخته باشند بخورند
و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا ع منقولست که از برای آزار سپرز یک حبه آنرا
با آب سرد و از برای سرفه بخورند و در روایت دیگر نقل کرده است که از برای درد
پهلوی راست یک حبه آنرا با آب زیره پخته بخورند و از برای درد پهلوی چپ یک حبه آنرا
با آب پشک کرفس که پخته باشند بخورند و در حدیث دیگر فرمود که از برای اسهال
یک حبه اش را با آب مورد پخته بخورند و از حضرت امام محمد تقی ع روایت کرده است
که یک حبه اش را با آب سداب یا آب ترب پخته بخورند و از حضرت رسول ص منقولست

که اگر مردم بدانند که در سنا چه منفعتهاست هر آینه قیمت هر مثقالی دو مثقال
طلا شود و بدرستی که امان میبخشد از بهق و برص و جوع و دیوانگی و فالج
و لقوه و اگر با موی زرد سرخ بی دانه و هلیله کابلی و هلیله زرد و هلیله سیاه
همه اجزا مساوی بعمل آورند و هر روز ناشتا بقدر سه درهم بخورند و در هنگام
خواب نیز همین مقدار بخورند این فواید می‌بخشد و بهترین دواهاست و در طب
الائمه روایت کرده است که از مغز خیار شنبر پاک کرده یک رطل بگیرند و در میان
یک رطل آب یک شبانروز بخیسانند پس صاف کنند و با یک رطل عسل صافی و یک رطل
آب به و چهل مثقال روغن گل سرخ ممزوج کرده اند و با آتش نرم بقوام آورند
و از روی آتش بردارند و بگذارند تا سرد شود پس دار فلفل و دار فلفل
و قرنفل و قاقله و زنجبیل و دار چینی و جوز بوا از هر یک مثقال نرم
و کوفته و بیخته در آنجا که سابق مذکور شد ممزوج کنند و در سبوی سبز یا شیشه
بکنند و در وقت حاجت در سه روز هر روز دو مثقال از آن ناشتا بخورند از برای
غلبه صفرا و سودا و بلغم و درد معده و قی و تب و ترکیدن دست و پا و زحیر
و درد شکم و درد جگر و حرارت سر و یرقان و تبهای شدید و درد مثانه و گرده
نافع باشد و بعد از آن باید که از خرما و ماهی و سرکه و سبزیها پرهیز کنند و غذا
اش اماج باشد با روغن کنجد و دوای دیگر نقل کرده است که از هلیله سیاه و هلیله
زرد و سقمونیا از هر یک شش مثقال دار فلفل و دار فلفل و زنجبیل خشک و زنیان
و خشخاش سرخ و نمام هندی از هر یک چهار مثقال و از نانخواه و قاقله و سنبل

وشقاقل وچوب بلسان ودانه بلسان وسلیخه مقشر وعلك رومی وعاقرقرحا و
هر یك مثقال مجموع دواها را با یکدیگر بکوبند وبه بیزند وتخم نیار جدا بکوبند
وبه بیزند وهشتاد وپنج مثقال شکر تبرزد را در پاتیل آب کنند وقدری از عسل
در آن بریزند وآن اجزا را با اینها معجون سازند ووقت حاجت دو مثقال
از آن ناشتا ودو مثقال در وقت خواب بخورند نافع است برای قوت جماع
وسردی از مفاصل بدن میبرد وفایده می بخشد برای درد تهیگاه وبادهای شکم
ودرد مفاصل وسلس البول وطپیدن دل وتواتر نفس واستلای معده وکرم
معده ودل را جلا میدهد واشتهای طعام می آورد ودرد سینه وزردی چشم
وزردی رنگ ویرقان وغلبه تشنگی را میبرد وبرای تب لرز ودردهای کهنه
وصداع سر وبیماری نافع است وبسند دیگر روایت کرده است که روزی
فرعون بنی اسرائیل را همگی ضیافت کرد وزهر در طعام ایشان داخل کرد که
ایشان را هلاك کند حق تعالی این دوا را بحضرت موسی ع فرستاد وچون خوردند
از زهر با ایشان اسیبی نرسید جبرئیل گفت که قدری سیر مقشر بگیر وبشکن
ونرم بکوب ودر پاتیل چینی انداز واز روغن گاو آنقدر بر آن سیرها بریز که بپوشاند
آنها را وآتش نرم آنقدر در زیر پاتیل بسوزان که آن سیرها آن روغن را بخورند
واز روغن چیزی نماند پس همان مقدار شیر گاو تازه [illegible] بر آن بریزند وآتش
نرم آنقدر بسوزانند که از آن شیر هم چیزی نماند پس همان قدر عسل مصفی که
موم آن گرفته باشند در پاتیل بریزند وآنقدر آتش بسوزانند که آنها هم بخورد

پس از

پس از سیاه دانه ده درم واز فلفل ومرزنگوش هر یك پنج درم بگیرند ونرم بکوبند
ودر پاتیل بریزند وبر هم زنند تا مخلوط شود با آن سیر پس ظرفی را بگیرند واندرون آنرا
بروغن گاو چرب کنند واین دوا را در آن بریزند ودر میان جو یا خاکستر چهل روز پنهان کنند
وهر چند کهنه تر میشود نیکوتر میشود وفرموده که نافع است برای دفع لقوه
وتاسه ودرد اندرون وسرفه کهنه وتاسه وکسی را که رها نده باشد وبرای سبل
چشم ودرد دندان وضعف معده وصرع ونفخ اطفال وترسیدن زنان در خواب
ودندان درد وجنون و[illegible] بلغم ودفع سم گزیدن مار وعقرب وفرموده که چون
یکماه بر این دوا بگذرد برای درد دندان وامراض بلغمی بقدر نصف گردکان
ناشتا بخورند وچون دو ماه بر آن بگذرد از برای تب لرز وآزارهای چشم نافع است
وچون سه ماه بر آن بگذرد برای مرض بلغمی صفرا وبلغم سوخته وجمیع مرضهای
صفراوی ناشتا خوردن نافع است وچون چهار ماه بر آن بگذرد برای تاریکی
چشم وتنگی نفس نافع است وچون پنج ماه بر آن بگذرد کسی که درد سر داشته باشد
بقدر نیم عدس از این دوا را با روغن بنفشه ممزوج کرده اند در بینی بچکانند
وچون شش ماه بر آن بگذرد کسی که درد شقیقه داشته باشد بقدر یکعدس از آن
با روغن بنفشه مخلوط کرده اند در بینی بچکانند از آن جانبی که درد میکند دو روز
وچون هفت ماه بر آن بگذرد برای دفع بادی که در گوش بهم میرسد بقدر یکعدس
با روغن گل سرخ ممزوج ساخته در گوش بچکانند [illegible] هنگام خواب
وچون هشت ماه بگذرد آنرا با آب خوردن برای دفع جذام نافع است

وچون نه ماه بکذرد نافع است برای غلبه خواب و هذیان کفتن در خواب
وترس و بیم باید که با روغن تخم ترب ناشتا و در وقت خواب بقدر یکعدس خورده شود
وچون ده ماه بکذرد برای غلبه صفرا و تبهای اندرونی و اختلاط عقل
بقدر یکعدس با شکر بخورند و برای سفیدی چشم ناشتا و در وقت خواب بخورند
وچون یازده ماه بران کذشت از برای سودایی که اینکس را بترس و وسواس
می اندازد بقدر یک نخود با روغن کل سرخ ناشتا و بقدر یک نخود بی روغن در هنکام
خوابیدن بخورد وچون دوازده ماه بکذرد برای فالج کهنه و تمام با آب مرزنکوش
بقدر یک نخود بخورد و با روغن زیت و نفت باید مالید در وقت خواب و از کرم
وشیر و ماست و سبزیها و ماهی اجتناب نماید وچون سیزده ماه بکذرد بقدر
یک نخود از آن با آب سداب حل کند و در اول شب بخورد نافع است برای درد
اندرون و خندیدن بی سبب و ریش بانک کردن و اکر چهارده ماه بکذرد
برای دفع ضرر زهرها نافع است و اکر زهری باو خورانیده باشند تخم بادنجان
بکوبند و بجوشانند و صاف کنند و با یک نخود از این دوا در عرق بخورند و آب
نیم کرم از عقبش بخورند سه شب یا چهار شب وچون پانزده ماه بکذرد برای
دفع عرق و بادها نافع است وچون شانزده ماه بکذرد بقدر نیم عدس آنرا
با آب باران تازه حل کرده بدیده کسی بکشند که بینایی چشمش کم شده باشد مدام
وشام و وقت خواب تا چهار روز و اکر برطرف نشود تا هشت روز وچون
هفده ماه بکذرد برای دفع جذام یک کلوله از آن با روغن پاچه کاو ناشتا

ودر وقت خواب بخورند و بقدر یک حبه از شیر بدن بمالند و اندکی را
با روغن زیت یا روغن کل سرخ در بینی بچکانند در آخر روز در حمام وچون
هیجده ماه بکذرد برای دفع بهق آن موضع را سوزن بزنند که خون در آید
و بقدر یک نخود با روغن بادام تلخ یا روغن صنوبر بخورند و اندکی از آن در بینی
بچکانند و با نمک بر آن موضع بمالند وچون نوزده ماه بکذرد اکر آب انار
شیرین را کرفته با قدری کدانه جوان حنظل و با یک نخود از این دوا ناشتا بخورند
برای دفع سهو و فراموشی و بلغم سوخته و تب کهنه نافع است وچون بیست ماه
بکذرد بقدر یک عدس از آن کرفته با آب کشنیز حل کند و برای سنکینی کوش
در کوش بچکانند و اکر نفع ظاهر نشود در روز دیکر باز بچکانند و اندکی در کلّه
سر شب بر بزند و از برای صاحب مرض سام با آب نارنج نافع است و در حدیث
دیکر روایت کرده است از حضرت صادق ع که مثل این دوا را جبرئیل برای
حضرت رسول ص آورده بود که چهار رطل زیره تعفیر بکیرند و در پاتیل کنند
و چهار رطل شیر کاو بر آن بریزند و بپزند تا نفقه که شیر بماند بر آن چهار رطل روغن
کاو بر آن بریزند و آنقدر بجوشانند که روغن بماند پس بقدر ده درهم بابونه
بر آن بپاشند و بر هم بزنند تا خوب بقوام آید و در کوزه کرده سرش را ببندند
و در میان جو یا خاک پنهان کند در مدت ایام تابستان و در زمستان
بیرون آورند و در بامداد بقدر یک کردکان بخورند برای هر دردی نافع باشد
وکلینی در حدیث معتبر روایت کرده است که اسمعیل بن الفضل شکایت کرد

بخدمت حضرت صادق ع از قراقر معده و اینکه طعام در معده اش هضم نمیشود
حضرت فرمود که چرا نمیگیری آن چیزی را که ما میخوریم و باعث هضم طعام میشود
و قراقر و بادهای شکم را دفع میکند پس فرمود که یک صاع از مویز بگیر و دانه اش را بیرون
کن و پاک بشوی و در ظرفی کن و آنقدر بر آن آب بریز که همه را بپوشاند و در زمستان
سه شبانروز بگذار و در تابستان یک شبانروز پس صاف کن و آب صاف را در دیگ کن
و آنقدر بجوشان که دو حصه برود و یک حصه بماند پس نیم رطل عسل در دیگ بریز
و آنقدر بجوشان که آنقدر بجوشان که آنقدر بشود که پیش از عسل ریختن شده بود
پس زنجبیل و خولنجان و دارچینی و زعفران و قرنفل و مصطکی را بگیر و همه را بکوب
و در میان کهنه نازکی کن و در میان دیگ بینداز که چند جوشی بزند پس دیگ را
پایین گذار تا سرد شود و صاف کن و هر صبح و پیشین قدری از آن بخور راوی گفت
که چنان کردم و آزارم برطرف شد **فصل ششم** در معالجه درد سر و شقیقه و زکام
و صرع و اختلال دماغ و تصرف جن از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که برای
درد سر و نصف سر این دعا را بنویسند و بآنجانب سر که درد میکند بیاویزند اللهم
انک لست باله استحدثناه ولا برب یبید ذکرک ولا معک شرکاء
یقضون معک ولا کان قبلک اله ندعوه ونتعوذ به فنتضرع الیه
وندعک ولا اعانک علی خلقنا من احد فنشکک فیک لا اله الا
انت وحدک لا شریک لک عاف فلان بن فلانة وصل علی محمد
واهل بیته و در روایت معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که درد سر

داشته

داشته باشد یا بول بند شده باشد دست بر موضع درد بگذارد و بگوید
اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم و از
حضرت امام علی نقی ع منقولست که برای درد سر این آیه را بر قدح آبی بنویسند
و بخورد اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما
وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و در حدیث معتبر منقولست
که حبیب سجستانی شکایت کرد بحضرت باقر ع که هفته دو مرتبه مرا درد شقیقه میگیرد
فرمود که بگذار دست را بجانبی که درد میکند و سه مرتبه بگو یا ظاهرا موجودا
ویا باطنا غیر مفقود اردد علی عبدک الضعیف ایادیک الجمیلة عنده
واذهب عنه ما به من اذی انک رحیم ودود و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع
درد سر دست بر سر بمالد و هفت مرتبه بگوید اعوذ بالله الذی سکن له ما فی
البر والبحر وما فی السموات والارض وهو السمیع العلیم و در روایت دیگر
منقولست که برای دفع درد گوش دست بر گوش بمالد و هفت مرتبه این دعا بخواند
و در روایت دیگر فرمود که برای دفع درد سر دست را بر بالای سر بگذارد و بگوید لو
کان معه الهة کما یقولون اذا لابتغوا الی ذی العرش سبیلا واذا
قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله والی الرسول رایت المنافقین یصدون
عنک صدودا و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع
آمد و گفت که من سفر بسیار میکنم و در مواضع هولناک بر هبم چیزی تعلیم
فرما که نترسم حضرت فرمود که چون در چنین جایی واقع شوی دست را بر بالای

بر یک نان و با آواز بلند بگو افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات
والارض طوعا وکرها والیه ترجعون آنشخص گفت که در بیابانی
واقع شدم که میگفتند که جن در آنجا بسیار است شنیدم که کسی میگفت که
بگیریدش این آیه را خواندم شنیدم که دیگری گفت که چگونه بگیریمش و حال آنکه
پناه بآیه طیبه برد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد
که پسری دارم و گاهی او را باد جن و ام الصبیان میگیرد بحدی که از او نا امید میشوم
فرمود که هفت مرتبه سوره حمد را با مشک و زعفران بر ظرفی بنویس و بآب
بشوی و تا یکماه از آن آب بوی بخوران راوی گفت که یکمرتبه که خورد برطرف شد
و در حدیث دیگر فرمود که کسی را که صرع بگیرد بر آن بخوانید این دعا را عزمت
علیک یا ریح بالعزیمة التی عزم بها علی بن ابی طالب علیه السلام رسول
رسول الله صلی الله علیه وآله علی جن وادی الصبرة فاجابوا واطاعوا
لما اجبت واطعت وخرجت عن فلان بن فلانة الساعة و در روایت
دیگر منقولست که شخصی را اختلال دماغ بهم رسیده بود حضرت فرمود که
هر شب در هنگام خواب این دعا بخوان بسم الله وبالله آمنت بالله وکفرت
بالطاغوت اللهم احفظنی فی منامی وفی یقظتی اعوذ بعزة الله
وجلاله مما اجد واحذر و از حضرت امام محمد باقر منقولست که
کسی را باد جن بگیرد بر او سوره حمد وقل اعوذ برب الناس وقل اعوذ
برب الفلق هر یک را ده مرتبه بخوانند و این سوره را در جامی با مشک و زعفران

بنویسند

بنویسند و باو بخورانند و در آب وضو و غسل او داخل کنند و در حدیث
منقولست که حضرت امام رضا ع شخصی را دیدند که صرع گرفته است قدح آبی
طلبیدند و سوره حمد وقل اعوذ برب الناس وقل اعوذ برب الفلق را
بر آن خواندند و بر او پاشیدند بهوش باز آمد و از حضرت رسول ص منقولست که
در خانه که جنیان سنگ اندازند صاحب خانه آن سنگ را بردارد و بگوید
حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله منتهی و از حضرت رسول
منقولست که برای درد سر روغن گشنیز در بینی بچکانند و شخصی بحضرت
حضرت صادق ع شکایت کرد از درد سر فرمود که بحمام برو و پیش از آنکه داخل آب شوی
هفت جام آب گرم بر سر بریز و در هر مرتبه بسم الله بگو و منقولست که شخصی
بحضرت امام رضا ع شکایت کرد که سردی عظیم در سر دارم بحدی که اگر باد
بر آن بوزد بیم آنست که غش کنم فرمود که روغن عنبر و روغن زنبق بعد از طعام خوردن
بدماغ بچکان و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هیچ یک از فرزندان
آدم نیست مگر او که در او دو رگ هست یکرگ در سرش که خوره را حرکت میدهد
و دیگری در بدنش که پیسی را حرکت می آورد پس چون آن رگ سر حرکت میاید
خدا زکام را بر او مسلط میگرداند که دردهای بدن را بکشد پس کسی که زکام و دمل
بهم رساند خدا را شکر کند و در روایت دیگر فرمود که زکام لشکریست از لشکرهای خدا
میفرستد که دردهای بدن را برطرف کند و در چند روایت وارد شده است که
زکام را علاج نمی باید کرد و در یک روایت از آنحضرت وارد شده است در علاج

ناکام کرد به او و غرض منفعت آلوده کند و در وقت خواب بر معقد خود گذارد
و در روایت دیگر فرموده که یک دانک سیاه دانه و نیم دانک کندر مرهم نرم بکوبند و
دماغ بجشند زکام را برطرف میکند **فصل هفتم** در معالجه سایر امراض رمد و کلو
در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هرگاه چشم
کسی آزرده باشد باید که آیة الکرسی بخواند با اعتقاد درست که البته شفا می یابد
و در روایت معتبر منقولست که حضرت صادق ع بشخصی فرمود که میخواهی دعائی
تعلیم نمایم ترا که برای دنیا و آخرت تو نافع باشد و درد چشم ترا زایل کند گفت
بلی فرمود که بعد از نماز صبح و نماز شام مداومت نما برین دعا اللهم انی اسئلک
بحق محمد و آل محمد علیک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل النور
فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة
فی نفسی و السعة فی رزقی و الشکر لک ابدا ما ابقیتنی و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت رسول ص برای درد چشم این دعا تعلیم نمودند که بخوانند
اللهم متعنی بسمعی و بصری و اجعلهما الوارثین منی و انصرنی علی من
ظلمنی و ارنی فیه ثاری و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت امام جعفر
صادق ع آمد دید که چشم آنحضرت آزار عظیم دارد روز دیگر بخدمت آنحضرت
رفت دید که هیچ آزاری نمانده است از سبب آن پرسید فرمود که این تعویذ را خواندم
اعوذ بعزة الله اعوذ بقدرة الله اعوذ بعظمة الله اعوذ بجلال الله
اعوذ بجمال الله اعوذ بکرم الله اعوذ ببهاء الله اعوذ بغفران الله

اعوذ

اعوذ بحلم الله اعوذ بذکر الله اعوذ برسول الله اعوذ بآل رسول الله
صلی الله علیه و آله و علیهم علی ما اجد فی عینی و ما اخاف و ما احذر
اللهم رب الطیبین اذهب ذلک عنی بحولک و قوتک و ابن شهرآشوب
روایت کرده است که مردی کوری شنید که حضرت امیر المؤمنین ع این دعا را خواند
آنحضرت بخانه رفت و وضو ساخت و نماز کرد و بعد از نماز این دعا را خواند و چون
باین موضع رسید که ان تجعل النور فی بصری دیده اش بینا شد دعا این است
اللهم انی اسئلک یا رب الارواح الفانیة و رب الاجساد البالیة
اسئلک بطاعة الارواح الراجعة الی اجسادها و بطاعة الاجساد الملتئمة
الی اعضائها و بانشقاق القبور عن اهلها و بدعوتک الصادقة فیهم
و اخذک بالحق بینهم اذا برز الخلائق ینتظرون قضاءک و یرون
سلطانک و یخافون بطشک و یرجون رحمتک یوم لا یغنی مولی
عن مولی شیئا و لا هم ینصرون الا من رحم الله انه هو العزیز الرحیم
اسئلک یا رحمن ان تجعل النور فی بصری و الیقین فی قلبی و ذکرک
باللیل و النهار علی لسانی ابدا ما ابقیتنی انک علی کل شیء قدیر
و در روایت دیگر از حضرت امام موسی ع منقولست که شخصی با آنحضرت
شکایت کرد از ضعف باصره و گفت بمرتبه رسیده است که شب کور شده ام
فرمود که آیه الله نور السموات و الارض را تا آخر بگیر و در جامی بنویس
و با آب محو کن و آب را در شیشه کن و از میل بچشم بکش راوی گفت که کمتر از صد میل

کشیدم که بینائی من برگشت و در حدیث معتبر منقولست از حضرت امام رضا
که شفای چشم در خواندن سورهٔ حمد و قل اعوذ برب الناس و قل
اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی و کشیدن قسط و مرو کندراست و دعای
درد گوش در دعاهای درد سر گذشت و در حدیث دیگر منقولست که شخصی
بحضرت امام محمد باقر شکایت کرد از سنگینی گوش فرمود که دست بر گوش
بکش و این آیات بخوان لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته
خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم
یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو
الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام
المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله
الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض
وهو العزیز الحکیم و در روایت دیگر وارد شده است که برای درد گوش روغن
بادام یا روغن بنفشه هفت مرتبه بخواند کأن لم یسمعها کأن فی اذنیه
وقرا ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا بر آن روغن
در گوش بچکاند و از برای قطع رعاف منقولست که بر پیشانی او بنویسند و قیل
یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت
علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین و در روایت دیگر این آیات را
بخوانند منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری یومئذ

یتبعون الداعی لا عوج له وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع
الا همسا یا ارض ابلعی ماءک بالقوم الظالمین ومن یتق الله یجعل
له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو
حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا وجعلنا من بین
ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و منقولست
که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از درد دهان فرمود که دست بر دهان
بگذار و بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء اعوذ
بکلمات الله التی لا یضر معها شیء قدوسا قدوسا باسمک یا رب الطاهر
المقدس المبارک الذی من سألک به اعطیته ومن دعاک به اجبته
اسئلک یا الله یا الله یا الله ان تصلی علی محمد النبی واهل بیته وان
تعافینی مما اجد فی فمی وفی رأسی وفی سمعی وفی بصری وفی بطنی وفی ظهری
وفی بدنی وفی رجلی وفی جمیع جوارحی کلها و ابو بصیر شکایت کرد بحضرت
امام محمد باقر ع از درد دندان و گفت شبها از این درد بیدار میباشم فرمود
که هرگاه که اثر آن ظاهر شود دست بر آن موضع درد بگذار و سوره حمد و قل
هو الله احد بخوان پس این آیه را بخوان وتری الجبال تحسبها جامدة
وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون
و از حضرت صادق ع منقولست که اینها را بخوان با سوره انا انزلناه فی لیلة
القدر و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که برای دفع درد دندان دست

در موضع عضو بمالد و بر موضعی که درد میکند بمالد و بگوید بسم الله و الشافی الله
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و در روایت دیگر منقولست که برای
دفع درد دندان سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل
هو الله احد بخوانند پس بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و له ما سکن فی
اللیل و النهار و هو السمیع العلیم قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم
و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین نودی ان بورک من فی النار
و من حولها و سبحان الله رب العالمین اللهم یا کافی من کل شیء
و لا یکفی منک شیء اکف عبدک و ابن امتک من شر ما یخاف
و یحذر و من شر الوجع الذی یشکو الیک و در روایت دیگر منقولست
که جبرئیل این تعویذ را برای حضرت امام حسین ع آورد و بجهت دفع درد دندان
که کرم خورده است بکنارند و هفت نوبت بخوانند العجب کل العجب لدابة
تکون فی الفم تاکل العظم و تترک اللحم انا الراقی و الله الشافی الکافی
لا اله الا الله و الحمد لله رب العالمین و اذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها
و الله مخرج ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله
الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون و در روایت دیگر منقولست که سوره حمد
و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را سه مرتبه بخوانند پس بگوید
من یحیی العظام و هی رمیم یا ضرس فلان بن فلان و نام صاحب درد را
بگوید اکلت الحار و البارد افبالحار تکتفین ام بالبارد تکتفین و له

ما سکن

ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم شدد ثم له هذا الضرس من فلان
بن فلان بسم الله العظیم پس بجهت رفع درد دندان بگوید الله الله الله ربی و در
روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام موسی ع شکایت کرد از کندی دندان حضرت
فرمود که در وقت سجده بگو یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رب الارباب یا سید
السادات یا اله الالهة یا مالک الملک یا ملک الملوک اشفنی بشفائک
من هذا الداء و اصرفه عنی فانی عبدک و ابن عبدک و انقلب
فی قبضتک راوی گفت که بکرات این دعا را در سجده خواندم و شفا یافتم و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که [illegible] از گیاه بهشت است و آبش برای درد چشم
نافع است و حضرت صادق ع فرمود که سوال کردند آب لحیتن چشم را زایل میکند
و چشم را جلا میدهد و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام
شکایت کرد از آزار چشم فرمود که داروئی بساز از صبر و کافور و مر اجزا مساوی
یکدیگر و در روایت دیگر فرمود که ضعف چشم و خیالات را برطرف میکند و در روایت
دیگر فرمود که دهن زنبق برای دفع سفیدی که بر روی باصره بهم رسد نافع است
و در روایت معتبر از حضرت امام موسی ع منقولست که صبر سقوطری و کافور ریاحی
مساوی یکدیگر بسایند و از حریر بیرون کنند و ماهی یکمرتبه در چشم بکشند درد
سر و چشم را میکشد و از حضرت امام حسین ع منقولست که بشخصی از اصحاب خود
فرمود که هلیله زرد را با هفت دانه فلفل بسایند و در چشم بکشد و در روایت
دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع شکایت کرد از تیرگی

که در چشمش بهم رسیده بود و از درد و دندان و درد مفاصل فرمود که فلفل
و دار فلفل از هر یک دو درهم و نشادر یک درهم صاف بکن هر هم و هر سه را خوب بسای
و از حریر بیرون کن و در چشم سرمه بکش و ساعتی صبر کن که سفیدی و ... را
قطع میکند و گوشت چشم را پاک میکند و درد را ساکن میکند پس چشم را با آب
بشوی و بعد از آن سرمه سنگ بکش و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت
امیر المؤمنین ع بسلمان و ابوذر فرمود که تا درد چشم داری بر پهلوی چپ بخواب و خرما
مخورید و حضرت صادق ع فرمود که ماهی خوردن برای درد چشم زیان دارد و دست
بر چشم مالیدن بعد از دست شستن بعد از طعام از درد چشم امان میدهد
و در پنجشنبه و جمعه شارب و ناخن گرفتن از درد چشم امان میبخشد و در روایت دیگر
منقولست که شخصی شکایت کرد از درد گوش و گفت که چرک و خون از گوشم
بسیار می آید فرمود که پنیر بسیار کهنه را یکقدری بگیرد نرم بکوبد و با شیر زنان
ممزوج کن و بر روی آتش نرم گرم کن و چند قطره در گوشی که درد میکند بریز
و در روایت دیگر از برای درد گوش منقولست که یک کف کنجد پوست نکنده
و یک کف خردل هر یک علیحده بکوبند و با یکدیگر مخلوط کرده روغن بگیرند
و روغن را در شیشه بکنند و سرش را بانگشتر آهن مهر کنند و هر وقت که خواهند
دو قطره از آن در گوش بچکانند و پنبه در گوش بگذارند سه روز چنین کنند
تا شفا یابند و در روایت دیگر وارد شده است که سداب با روغن بازیت
بپزند و چند قطره در گوش بچکانند و از حضرت رسول ص منقولست که سداب

برای درد

برای درد گلو چیزی نافع‌تر از شیر تازه نیست و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که حضرت عیسی ع بشهری گذشتند دیدند که مردم آن شهر روهای ایشان
زرد و چشمهای ایشان کبود است و از بسیاری مرض بآنحضرت شکایت کردند
فرمود که شما گوشت را نشسته میپزید و هیچ حیوانی از دنیا بدر نمیرود مگر آنکه
جنابت با او هست بعد از آن گوشت را پیش از پختن شستند بیماری ایشان
برطرف شد و حضرت عیسی ع بشهری دیگر گذشتند دندانهای ایشان ریخته بود
و روهاشان باد کرده بود فرمود که در وقت خواب دهانها را باز کنید و بر هم مگذارید پس
چنان کردند آن علتها از ایشان زایل شد و از حضرت امام موسی ع منقولست
که برای درد دندان سعد را بر آن بگذارند و فرمود که سرکه که از شراب بعمل آمده
باشد بن دندانرا محکم میکند و در حدیث معتبر منقولست که حمزة بن طیار بخدمت
آنحضرت آمد و آه میکشید حضرت پرسیدند که چه میشود ترا گفت که دندانم
درد میکند فرمود که حجامت بکن حجامت کرد و ساکن شد بعد از آن حضرت فرمود
که هیچ دوای بحجامت و خوردن عسل نمیرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود برای
درد دندان که حنظل را بگیرد و پوستش را بکند پس روغنش را بگیرد اگر دندانش
کرم خالی کرده باشد در میان آن دندان چند قطره از آن روغن بریزد و پنبه را
با آن روغن آلوده کرده در میان آن دندان بگذارد و بر پشت بخوابد تا سه شب چنین کند
و اگر بن دندان درد کند در آن گوشی که در جانب آن دندان واقع است چند
قطره یا سه قطره بچکانند و باز فرمود که هر کس درد دهان داشته باشد

یا خون از بن دندانش آید یا درد کند یا دهانش جوشیده باشد و دندانش برهم
کشته باشد یا حنظل تازه که رسیده باشد و زرد شده باشد بگیرد و تمامش را بگل
بگیرد و سرش را سوراخ کند و کاردی از آن سوراخ داخل کند و مغزش را تمام
بهواری که سوراخ نشود پس بر که بیاورند که از شراب بعمل آورده باشند و آن
دران سوراخ بریزد و بر روی آتش بگذارد که بیاید بجوش پس بردارد و هر وقت که
احتیاج شود بقدر ناخنی بگیرد و بر دندانها و دهان بمالد و بعد از آن تبرک مضمضه
کند و اگر خواهد بجهة دمیدن حنظل است در شیشه یا ظرف دیگر خالی کند و هر چند
آنرا بهطرو نشود که بدو ... ببرند نفعش بیشتر است و در حدیث معتبر منقول است
از ابراهیم بن نظام که گفت دندان مرا در راه گرفتند و پالوده گرم در دهانم کردند
و بعد از آن دهانم را باد برف کردند پس دندانهایم تمام ریخت پس حضرت
امام رضا ع را در خواب دیدم که فرمود که سعد دردها بکن تا دندانهایت بروید
بعد از چندگاه شنیدم که حضرت امام رضا ع بمحل ما وارد شده است و بخراسان
میرود بخدمت آنحضرت رفتم و حال خود را عرض کردم همان فرمود که در خواب
فرموده بود چنان کردم دندانهایم روئید **فصل هشتم** در معالجه خنازیر
و قروح و جروح و ثالول و بثور و حزن و بیخ و بهق و امثال اینها از علی بن
النعمان منقولست که بحضرت امام رضا ع عرض کردم که ثالول بسیاری در بدنم
بهم رسیده است و باین سبب غمگینم حضرت فرمود که از برای هر ثالولی هفت جو بگیر
و بر هر جوی هفت نوبت اذا وقعت الواقعة بخوان تا فکانت هباء منبثا

وهفت نوبت

و هفت نوبت بخوان و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا
فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا و لا امتا پس هر جوی را بگوشت
هر ثالولی بمال و مجموع جوها را در پارچه نوی ببند و سنگی بر آن ببندد و در چاهی
بینداز و بهتر آنست که این کار را در تحت الشعاع بکنی راوی گفت که چنین کردم
بعد از یک هفته هیچ ثالول ظاهر نشده بود و از حضرت صادق ع منقولست که دست بر ثالول
بمال و سه نوبت این دعا بخوان بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد
رسول الله صلی الله علیه و آله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
اللهم امح عنی ما اجد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که آن
که دختری در خانه ما خنازیر در گردنش بهم رسید شخصی در خواب بمن گفت که
بگو این دعا را مکرر بخواند یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع عرض کرد که کنیزی دارم و در بدن آن
ظاهر شده است فرمود که سه روز لونی بدار و در روز چهارم در وقت زوال
غسل بکن و بصحرا یا بام بلندی برو و چهار رکعت نماز بگذار به هر نحو که خواهی
تا توانی سعی کن در گریه و تضرع و حضور قلب چون از نماز فارغ شوی جامهای
خود را بینداز و جامه کهنه پاکی بطریق لنگ بر خود ببند و برخاک بچسبان
و پهلوی راست روی خود را بر خاک بگذار و با زاری و خشوع بگو یا واحد یا احد
یا کریم یا جبار یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد و آل
محمد و اکشف ما بی من مرض و البسنی العافیة الکافیة الشافیة فی الدنیا

[illegible]	٢	٧	١٢
[illegible]	١	١١	٨
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	١

وَالاخِرَةِ وَامْنُنْ عَلَیَّ بِتَمامِ النِّعْمَةِ وَاذْهِبْ مابی فَقَدْ اذانی وَغَمَّنی و فرمود که
دفع نفخ میکند که خاطرت مطمئن باشد و صاحب یقین باشی که تاثیر میکند
آن شخص چنین کرد و بزودی عافیت یافت و در حدیث دیگر فرمود که هر دردی که
در بدن تست بهم رسد و ترسی که بحال بد منتهی شود در وقتی که وضو بسازی برای نماز
واجب پیش از نماز برای آن ورم بخوان این آیات را لَوْ اَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ
عَلی جَبَلٍ لَرَاَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَةِ اللهِ تا آخر سوره که اگر چنین کنی
آن ورم بزودی ساکن شود و در کتاب مکارم الاخلاق این شکل را برای دفع آبله
فکم بیرون آوردن نقل کرده است و بهتر آنست که بترتیب عدد بنویسند و از

١٣	٢	٣	١٦
٨	١١	١٠	٥
١٢	٧	٦	٩
١	١٤	١٥	٤

حضرت صادق ع منقولست که برای ثور و دملهای چرک که در بدن بیرون
می آید دنبال که اثرش ظاهر شود انگشت شهادت بر دور دورش گردانیده هفت
مرتبه بگوید لا اِلهَ اِلَّا اللهُ الْحَلیمُ الْکَریمُ و در مرتبه هفتم انگشت را بدو آن
بقوت بکشاند و در روایت دیگر فرمود که این دملها و ثورها اکثرشان از خون
فاسد است که در وقت طغیان آن از بدن بیرون نمیکند پس کسی که او را
اینها حادث شود چون برخت خواب رود بگوید اَعُوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظیمِ وَ
کَلِماتِهِ التّامّاتِ الَّتی لا یُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّ
تا آن اینها و سایر دردها عافیت یابد و در روایت دیگر منقولست که برای
گری و دمل و غیرها این آیات را بخواند و بنویسد و با خود نگاه دارد بِسْمِ اللهِ
الرَّحْمنِ الرَّحیمِ وَمَثَلُ کَلِمَةٍ خَبیثَةٍ کَشَجَرَةٍ خَبیثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ

الْاَرْضِ ما لَها مِنْ قَرارٍ مِنْها خَلَقْناکُمْ وَفیها نُعیدُکُمْ وَمِنْها نُخْرِجُکُمْ تارَةً
اُخْری اللهُ اَکْبَرُ وَاَنْتَ لا تُکَبِّرُ اللهُ یَبْقی وَاَنْتَ لا تَبْقی وَاللهُ عَلی کُلِّ
شَیْءٍ قَدیرٌ و در حدیث معتبر منقولست که یونس بن عمار شکایت کرد بحضرت
صادق ع از پیسی که در روی او بهم رسیده بود حضرت فرمود که چون ثلث
آخر شب شود وضو بساز و بنماز شب برخیز و در سجده آخر دو رکعت اول
نماز شب این دعا بخوان یا عَلِیُّ یا عَظیمُ یا رَحْمنُ یا رَحیمُ یا سامِعَ الدَّعَواتِ
یا مُعْطِیَ الْخَیْراتِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْطِنی مِنْ خَیْرِ الدُّنْیا
وَالْاخِرَةِ ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَاصْرِفْ عَنّی مِنْ شَرِّ الدُّنْیا وَالْاخِرَةِ ما
اَنْتَ اَهْلُهُ وَاَذْهِبْ عَنّی هذَا الْوَجَعَ بنام آن آزار را ببر فَاِنَّهُ قَدْ
قَدْ غاظَنی وَحَزَنَنی و مبالغه در تضرع و دعا بکن راوی گفت که چنان
کردم هنوز بکوفه نرسیده بودم که آن پیسی از من برطرف شد و در روایت
دیگر منقولست که اعین بن جمیل و غیر او از همین علت بآن حضرت شکایت
کردند فرمود که وضو بسازند و دو رکعت نماز بکنند و حمد و ثنای الهی
بجا آورند و صلوات بر محمد و اهل بیت او بفرستند و بگویند یا اللهُ
یا اللهُ یا اللهُ یا رَحْمنُ یا رَحْمنُ یا رَحْمنُ یا رَحیمُ یا رَحیمُ یا رَحیمُ
یا واحِدُ یا واحِدُ یا واحِدُ یا اَحَدُ یا اَحَدُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا
صَمَدُ یا صَمَدُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
یا اَقْدَرَ الْقادِرینَ یا اَقْدَرَ الْقادِرینَ یا اَقْدَرَ الْقادِرینَ یا رَبِّ

العالمین یا رب العالمین یا رب العالمین یا سامع الدعوات
یا منزل البرکات یا معطی الخیرات صل علی محمد و آل محمد و اعطنی
خیر الدنیا و خیر الآخرة و اصرف عنی شر الدنیا و الآخرة و اذهب
ما بی فقد غاظنی الامر و احزننی و در روایت دیگر فرموده که سورهٔ انعام را
در ظرفی بنویسد و با آب بشوید و بخورد تا برطرف شود و در روایت دیگر فرموده که سورهٔ
یس را با عسل بنویسد و بشوید و بخورد و در مکارم الاخلاق مذکور است که
که برای تب و حزن این آیات را بخوانند و بنویسند و با خود نگاه دارد
بسم الله الرحمن الرحیم یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده ام
الکتاب الحمد لله فاطر السموات و الارض جاعل الملائکة رسلا
اولی اجنحة مثنی و ثلاث و رباع باسم فلان بن فلانه و نام او و مادر او را
بنویسد و آن برای تب بر آن موضع بنویسد و ان من شیء الا عندنا
خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم هل یسمعونکم او ینفعونکم
او یضرون و در روایتی منقولست که حضرت امام محمد باقر ع برای شخصی
جراحتی فرمود که قیر را از قیر تازه بگیر و همان قدر از پیه بز معز و در بستوی
تازه بمال و بر روی آتش نرم بگذار تا ما بین وقت نماز ظهر تا وقت نماز عصر
بر پارهٔ کتان کهنه بگیر و آن قیر را بر آن طلا کن و بر روی جراحت بگذار و اگر
جراحت سوراخی داشته باشد کتان را فتیله کن و بقیر آلوده کن و در میان
جراحت بگذار و در حدیث معتبر منقولست که خراجی در بدن متوکل بن

آمد که مشرف بر هلاک شد و اطبا جرأت نمیکردند که نیشتر بزنند
فتح بن خاقان وزیر متوکل بخدمت حضرت امام علی نقی ع فرستاد و حال
متوکل را عرض کرد حضرت فرمود که سرگین گوسفند که در زیر دست و پای
گوسفندان سرشته میشود بگیرید و با گلاب مخلوط کنید و بر آن خراج
بگذارید چون این خبر رسید اطبا خندیدند که این چه فایده میکند
وزیر گفت که آنحضرت داناترین خلق است آنچه فرموده است باید کرد
پس آنچه فرموده بود بعمل آوردند دردش ساکن شد و بخواب رفت و آن
خراج گشوده شد و چرک بسیار دفع شد و شفا یافت و از آنحضرت
صادق ع منقولست که چغندر را با گوشت گاو پختن و خوردن بهق را
برطرف میکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد بآنحضرت
از بهق حضرت فرمود که بحمام رو و حنا را با نوره مخلوط کن و بر آن موضع
بمال که دیگر نخواهی دید اثر آنرا و از حضرت امام موسی ع منقولست که
گوشت گاو خوردن بهق را زایل میکند و از حضرت صادق ع منقولست
که هیچ چیز برای بهق نافعتر نیست از تربت حضرت امام حسین ع با آب باران
بخور و بر آن موضع بمال و فرمود که موی بینی امان است از خوره و تربت
حضرت رسول ص خوره را زایل میکند و فرمود از کسی که خوره یا بهق داشته
باشد بگریزید و بر نظر ایشان مکنید و با ایشان معاشرت نمایید که
سرایت میکند و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که در هر جمعه شارب گرفتن

امان میدهد از خوره و از حضرت امام موسی ع منقولست که هیچ کس نیست
مگر آنکه رگ خوره در بدن او هست و آن را بکدار از خوردن شلغم و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی با آنحضرت عرض کرد که ماده طاعون در بدن من ظاهر
شده است فرمود که سیب بخور آنشخص خورد و عافیت یافت **فصل نهم** در معالجه
امراض شکم و قولنج و بادها و آزار معده و سرفه منقولست که شخصی بحضرت
امام جعفر صادق ع شکایت کرد از درد سینه حضرت فرمود که طلب شفا کن
از قرآن زیرا که حق تعالی میفرماید که فیه شفاء لما فی الصدور یعنی در قرآن
شفاهست برای آنچه در سینهاست و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد و گفت برادرم از درد
شکم آزار دارد فرمود که بگو انگبین با آب گرم بخورد روز دیگر
آمد و گفت که خورد و نفع نکرد فرمود که برو و باز عسل بده بخورد
و هفت مرتبه سوره حمد بر او بخوان چون آنشخص رفت فرمود که برادرش
منافقست باین سبب خوردن عسل او را نفع نبخشید و در روایت دیگر منقولست
که شخصی بحضرت امیر المؤمنین ع شکایت کرد از درد شکم فرمود که آب گرم
بخورد و این دعا بخواند یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب
الارباب یا اله الالهة یا ملک الملوک یا سید السادات اشفنی
بشفائک من کل داء و سقم فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب
فی قبضتک و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع شکایت

کرد از درد ناف فرمود که دست بر آن موضع بگذار و سه مرتبه بگو و انه لکتاب
عزیز لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم
حمید و در چند روایت وارد شده است که برای قولنج و درد شکم سوره حمد
و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد را
بر جامی یا مثال آن بزعفران بنویسد و این دعا را نیز بنویسد اعوذ بوجه الله
العظیم و بعزته التی لا ترام و بقدرته التی لا یمتنع منها شیء من
شر هذا الوجع و شر ما فیه و شر ما احذر منه و با آب باران بشوید
و بخورد ناشتا یا در وقت خواب و در روایت دیگر منقولست که برای
قولنج و جمیع بادها نافع است و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
امام محمد باقر ع شکایت کرد از درد تهیگاه فرمود که چون از نماز فارغ شود
دست بر موضع سجود بمالد و بعد از آن بر موضع درد بمالد و این آیات بخواند
افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون فتعالی الله
الملک الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم و من یدع مع الله
الها آخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا یفلح الکافرون
و قل رب اغفر و ارحم و انت خیر الراحمین راوی گفت که چنین کردم
و بهبودی برطرف شد و در روایت دیگر از حضرت صادق ع منقولست که
دست بر تهیگاه بمالد و سه مرتبه این دعا بخواند بسم الله و بالله محمد رسول الله
صلی الله علیه و آله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم

امسح عنّی ما اجد فی خاصرتی و در هر مرتبه دست بر آن موضع بکشد و از
حضرت علی بن الحسین ع منقولست که از برای دفع ... این آیات را بر زعفران
بنویسد و به آب زمزم بشوید و بخورد قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایّاً ما
تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین
ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولداً ولم یکن له شریک فی
الملک ولم یکن له ولیّ من الذلّ وکبّره تکبیراً و منقولست که شخصی
بخدمت حضرت امام موسی ع شکایت کرد از قراقر و صداهای شکم و گفت
بمرتبه آزار میکند که با کسی که سخن میگویم شرمنده میشوم حضرت فرمود
که چون از نماز فارغ شوی این دعا بخوان اللهمّ ما عملت من خیر فهو
منک لا حمد لی فیه وما عملت من سوء فقد حذّرتنیه فلا عذر
لی فیه اللهمّ انّی اعوذ بک ان اتّکل علی ما لا حمد لی فیه او آمن
ما لا عذر لی فیه و در روایت دیگر همین دعا برای دفع زحیر وارد شده است
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد بآنحضرت از نفخ شکم
فرمود که آبی بگیر و این آیات را بر آن بخوان یرید الله بکم الیسر ولا یرید
بکم العسر سه مرتبه بگوید اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض
کانتا رتقاً ففتقناهما وجعلنا من الماء کلّ شیء حیّ افلا یؤمنون
پس آن آب را بخورد و دست بر شکم بمالد و در روایت وارد شده است که
این آیات را بر روغن بخواند و بر شکم بمالد بسم الله الرحمن الرحیم ففتحنا

ابواب السماء بماء منهمر وفجّرنا الارض عیوناً فالتقی الماء علی امر قد
قدر وحملناه علی ذات الواح ودسر ففتحنا علیهم ابواب کلّ شیء
باسم فلان بن فلان اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض
کانتا رتقاً تا آخر آیه و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق ع
در سفری بودند اسمعیل ولد آنحضرت شکایت کرد از درد شکم و درد پشت
حضرت او را طلبیدند و فرمودند که بر پشت بخوابید این دعا را برای
بسم الله وبالله وبصنع الله الذی اتقن کلّ شیء انّه خبیر بما
تفعلون اسکن ایّها الریح بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار وهو
السمیع العلیم و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امیر المؤمنین ع
شکایت کرد از درد پشت فرمود که دست را بر آن موضع که درد دارد بگذارد
و سه مرتبه این آیه را بخوان وما کان لنفس ان تموت الا باذن الله
کتاباً مؤجّلاً ومن یرد ثواب الدنیا نؤته منها ومن یرد ثواب
الآخرة نؤته منها وسنجزی الشاکرین و هفت مرتبه سوره انا انزلناه
بخوان و در حدیث دیگر منقولست که مفضل بخدمت حضرت صادق ع
شکایت کرد از تنگی نفس و گفت اندک راهی که میروم نفسم تنگ میگیرد
و می نشینم فرمود که بول شتر بخور تا ساکن شود و کلینی رحمه الله در حدیث
حسن روایت کرده است که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از سرفه
حضرت فرمود که قدری از انجدان رومی با همان قدر از نبات مخلوط کن

و یک روز یا دو روز بخور آنشخص گفت که یکمرتبه خوردم و بعافیت شد و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام موسی ع شکایت کرد از مرض سل حضرت
فرمود که سنبل و قاقله و زعفران و عاقرقرحا و بنج و خربق و فلفل سفید
بجزو مساوی بگیر و فرفیون را دو برابر هر یک از اجزا بگیر و تمام اجزا را آسیا
از حریر بیرون کن و با عسلی که کفش را گرفته باشند خمیر کن و بقدر یک نخود
با آب گرم در سه شب بخورد چنان کرد و شفا یافت و در روایت دیگر منقولست
که شخصی بحضرت امام رضا ع شکایت کرد از سرفه فرمود که بگیر از فلفل سفید
یک جزو و فرفیون دو جزو و خولنجان یک جزو و سنبل یک جزو و قاقله یک جزو و
زعفران یک جزو و بزر البنج یک جزو و اجزا را آسیا و از حریر بیرون کن و مثل
وزن تمام اجزا عسل کف گرفته داخل کن و خمیر کرده جهت بان نان برای سرفه
کهنه و تازه در وقت خواب با آب زیان نیم کم بخورد و در حدیث معتبر منقولست
که از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که آیا بحضرت عیسی ع مرضی رسید و دردهای
که بفرزندان آدم میرسد فرمود که بلی در طفولیت بیماریهای مردم بزرگ یافت و در
و در بزرگی بیماری خوردان یافت میرسید و در دهی که از دردهای بزرگانست
در طفولیت گاهی که او را عارض میشد بمادر خود میگفت که عسل و سیاه دانه
و روغن زیت را بایکدیگر خمیر کن و از برای من بیاور چون می آورد کراهت داشت
از خوردن آن حضرت مریم میگفت چرا کراهت داری خود طلبیدی میگفت
که بعلم پیغمبری آنرا طلب کردم و از برای جزع طفولیت و بد مزه گی او کراهت دارم

پس میگرفت و تناول میفرمود و در چندین روایت وارد شده است که خوردن
ریزها که از سفره بریزد درد تهیگاه را برطرف میکند و در روایات معتبر از حضرت
صادق ع منقولست که بخورید امرود که دل را جلا میدهد و دردهای اندرون را
ساکن میکند و در روایت دیگر فرمود که بخورید انجدان رومی که درد تهیگاه را
زایل میکند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حضرت حزقیل را حرارتی
در جگر بهم رسید دعا کرد حق تعالی باو وحی فرمود که شیر انجیر را بگیر و بر سینه
خود از بیرون بمال چنان کرد آن آزار از او برطرف شد و در روایت دیگر منقولست
که شخصی با امام محمد باقر ع شکایت کرد از شدت درد سر فرمود که [illegible] نقره بده
و نیم بخر و آنرا با روغن عربی بپز و سه روز بخور و آن به که آنرا در سر نهد که اگر
خدا خواهد شفا می یابد و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که بحضرت امام
موسی ع عرض کردند که یکی از غلامان آنحضرت را [illegible] دارد فرمود که بسه روز
باو تره بخورانید چون سه روز خورد عافیت یافت و از حضرت امام رضا ع
منقولست که بخورید سرکه که از شراب ساخته باشند که کرمهای معده را میکشد
و از حضرت رسول ص منقولست که خرما ناشتا خوردن کرم معده را میکشد
و از حضرت صادق ع منقولست که هر که هفت دانه خرمای عجوه در وقت خواب
بخورد کرمهای معده اش را میکشد و در چندین حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست برای دفع اسهال که قدری از برنج بگیرند و بشویند و در سایه خشک کنند
و بعد از آن بر آتش بو بدهند و نرم بکوبند و هر بامداد یک کف از آن بخورند و در روایت

دیگر از آنحضرت منقولست برای دفع اسهال که برنج را در دیگ کن با آب
و بجوشان و چهار یا پنج بار جوشانده در زیر آتش بکن او تا برنج شود نیمه قلوه
تا آن را بگیر و با آن سنگها در میان کاسه بینداز و کاسه دیگر بر سرش بکذار که
بخارش بیرون نرود و حرکت ده تا آن سنگ آب شود پس چون آن برنج پخته شود
این روغن را بر روی آن بریز و بخور و در روایت دیگر منقولست که شخصی از زحیر
شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر ع فرمود که گل ارمنی را بگیر و بر روی آتش
ملایم بو بده و سفوف کن و بخور و در حدیث دیگر فرمود که برنج را بطوبا و صمغ عربی
و گل ارمنی را بو بده و سفوف کرده بخور که زحیر را بر طرف میکند و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی بحضرت امام رضا ع شکایت کرد از درد پیچش شکم فرمود که
کردکان را بگیر و بر روی آتش بکذار و چون مغزش بریان شود پوستش را بکن
و بخور و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد
از قراقر شکم فرمود که سیاه دانه با عسل بخور و در حدیث معتبر منقولست که شخصی
بحضرت صادق ع شکایت کرد از ضعف معده فرمود که جزر را با آب سرد بخور
و جزر گیاهی است شبیه بکرفس آن را اسوز ایکویند **فصل دوم** در معالجه
اوجاع مفاصل و فالج و بواسیر و امراض شانه و سایر امراض در حدیث معتبر منقولست
که معلی بن خنیس بحضرت صادق ع شکایت کرد از درد فرج فرمود که عورت
خود را در صحرا گشوده که سزاوار نبوده و باین سبب این درد دران بهم رسیده است
دست چپ را بر فرج خود بکذار و این دعا بخوان بسم الله و بالله بلی من اسلم

دیگر

وجهه لله و هو محسن فله اجره عند ربه و لا خوف علیهم و لا هم
یحزنون اللهم انی اسلمت وجهی الیک و فوضت امری الیک لا ملجا
و لا منجی منک الا الیک و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
امیرالمؤمنین ع شکایت کرد از درد ران فرمود که آب گرمی در طشت بکن و در میان
آب بنشین و دست بر آن موضع که درد دارد بکذار و این آیه را بخوان اولم یر
الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا
من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و در حدیث دیگر منقولست که شخصی
بحضرت امام حسین ع شکایت کرد از درد پا فرمود که از اول سوره انا فتحنا لک
بخوان تا و کان الله عزیزا حکیما و در روایت معتبر وارد شده است که ابو حمزه
بحضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد از درد زانو فرمود که بعد از نماز این دعا
بخوان یا اجود من اعطی یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم ارحم
ضعفی و قلة حیلتی و اعفنی من وجعی چنان کرد و بزودی عافیت یافت
و در روایت دیگر منقولست که سالم بن محمد شکایت کرد بحضرت صادق ع
از درد ساق پا و گفت که این درد مرا از همه کارها عاجز کرده است فرمود که این آیه را
هفت مرتبه بر آن موضع بخوان و اتل ما اوحی الیک من کتاب ربک
لا مبدل لکلماته و لن تجد من دونه ملتحدا و در روایت دیگر منقولست
که شخصی بحضرت امام حسین علیه السلام شکایت کرد از درد بند پا فرمود که دست بر آن موضع
بکذار و بگو بسم الله و بالله و السلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله و ما

قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات
مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون ودر روایت دیگر منقولست
که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از درد شانه فرمود که این آیات را
در وقت خواب سه مرتبه بعد از بیدار شدن یکمرتبه بخوان الم تعلم
ان الله علی کل شیء قدیر الم تعلم ان الله له ملک السموات
والارض وما لکم من دون الله من ولی ولا نصیر ودر حدیث دیگر
منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام علی نقی ع نوشت که شخصی از شیعیان
شما بولش بند شده است حضرت در جواب نوشتند که آیات قرآن بیار برای او
بخوان تا شفا یابد واز حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بهر دردی
آیات آخر حشر لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره سه مرتبه بخوان
ودر هر مرتبه آب دهان بر آن موضع بینداز ودر روایت دیگر منقولست که
شخصی بآنحضرت شکایت کرد از درد مفاصل فرمود که این دعا بخوان
اللهم انی اسئلک باسمائک وبرکاتک ودعوة نبیک الطیب
المبارک المکین عندک صلی الله علیه واله وبحقه وبحق
ابنته فاطمة المبارکة وبحق وصیه امیر المؤمنین وبحق
سیدی شباب اهل الجنة الا اذهبت عنی شر ما اجد بحقهم
بحقهم بحقهم بحقک یا اله العالمین چون این دعا را خواند در همان
ساعت درد ساکن شد ودر حدیثی دیگر روایت که شخصی بحضرت صادق ع

شکایت کرد از عرق النسا فرمود که هرگاه که اثرش ظاهر شود دست بر آنجا
بگذار وبگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله اعوذ بسم الله الکبیر
واعوذ بسم الله العظیم من کل عرق نعار ومن شر حر النار آنحضرت
سه مرتبه این دعا را خواند واز آن مرض نجات یافت ودر روایت دیگر
وارد شده است که شخصی را لقوه در دهان عارض شده بود بخدمت حضرت
صادق علیه السلام آمد حضرت فرمود که برو بر مصلای رسول خدا ص دو رکعت
نماز بکن ودست بر رو بگذار وبگو بسم الله وبالله هذا اخرج اقسمت
علیک من عین انس او عین جن او وجع اخرج اقسمت علیک بالذی
اتخذ ابرهیم خلیلا وکلم موسی تکلیما وخلق عیسی من روح القدس
لما هدأت وطفئت کما طفئت نار ابرهیم لطفی باذن الله طفی
باذن الله دو مرتبه چنین کرد وعافیت یافت ودر مکارم الاخلاق
مذکور است که برای عرق مدنی که بفارسی رشته میگویند پشم شتر آبه
بکند بی کارد ومقراض وبتابد وهفت گره بر آن بزند وبر هر گرهی یکبار
سوره حمد بخواند پس هر شب آن رشته را بر آنجا ببندد این دعا بخواند
بسم الله الابد الابد المحصی العدد القریب المجیب البعید الطاهر عن الولد
العالی عن ان یولد المجیر لمن عاذ العزیز بلا عدد القوی بلا مدد
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد یا خالق الخلیقة یا عالم
السر والخفیة یا من السموات بقدرته مرفوعات یا من الارض بقدرته

المجیر

مدحوّم یا من الجبال بارادته مرساه یا من نجّی به صاحب الغرق
من کلّ آفة وبلیّة صلّ الله علی محمّد خیر خلقک واشف اللّهمّ
فلان بن فلانه بشفائک وداوه بدوائک وعافه من بلائک
انّک قادر علی ما تشاء وانت ارحم الرّاحمین وصلّی الله علی محمّد
النّبیّ وآله و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که خواندن این دعا برای دفع بواسیر نافع است یا جواد یا ماجد یا رحیم
یا قریب یا مجیب یا باری یا راحم صلّ علی محمّد وآله واردد علیّ
نعمتک واکفنی امر وجعی و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
امام رضا ع شکایت کرد از بواسیر فرمود که سورهٔ یس را با عسل بنویس
و بشو و بخور و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر کی را فتقی
یا جراحتی بهم رسد کاردی را بگیرد و بر آن موضع بمالد و بگوید بسم الله
ارقیک من الحدّ والحدید ومن اثر العود ومن الحجر الملبود ومن العرق
الفاتر ومن الورم الآجر ومن الطعام وعقره ومن الشراب وبرده
امضی الیک باذن الله الی اجل مسمّی فی الانس والانعام بسم الله
فتحت وبسم الله ختمت پس آن کارد را بشکنید فرو برد و در حدیث
دیگر فرمود که چون حضرت رسول ص را ماندگی یا درد سری عارض
میشد دست میگشودند و سورهٔ حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب
الناس و قل اعوذ برب الفلق میخواندند و دست بر رو میکشیدند و در

حدیث معتبر از حضرت امام موسی ع منقولست که برای قولنج و بادها
و درد مفاصل و سستی بدن و برودت اندرون یک کف شبلیله
و یک کف انجیر خشک بگیرند و آن قدر آب باران بریزند که بپوشد
و در دیگ پاکیزه بپزند و صاف کنند و یک روز بخورند و یک روز نخورند
تا آنکه در مجموع روزها بقدر یک قدح بزرگ خورده شود و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که باد از
سر تا پای مرا گرفته است فرمود که عنبر و روغن زنبق را ناشتا بدماغ
بچکان و در روایت دیگر منقولست که صباح بن محارب بخدمت امام
موسی ع عرض کرد که شخصی را باد لقوه در رو بهم رسیده است و دو
چشمش برگردانیده است فرمود که پنج مثقال از قرنفل بگیرد و در شیشه
بکند و سرش را محکم ببندد و گل بمالد و در آفتاب بگذارد بقدر یک روز
در تابستان و دو روز در زمستان پس از شیشه بیرون آورد و نرم بکوبد
و با آب باران مخلوط سازد و بر پشت بخوابد و بر آن طرف بدن که گشته است
بمالد و بران حال خوابیده باشد تا آن قرنفل خشک شود چون چنین کند
آن مرض از او برطرف شود و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
امام محمد باقر ع شکایت کرد از آنکه بولش قطع نمیشود و همیشه قطرات
بول از او می‌آید فرمود که اسفند را بگیر و شش نوبت با آب سرد و یک نوبت
با آب گرم بشوی و در سایه خشک کن پس با روغن گل چرب کن و سفوف کن

بخورد و در روایت دیگر منقولست که برای زیادتی شانه هلیله و بلیله
و آمله و فلفل و دار فلفل و دارچینی و زنجبیل و شقاقل و انیسون
و خولنجان اجزا را مساوی گرفته بکوبند و ببیزند و با روغن گاو تازه
ممزوج کنند و برابر تمام اجزا عسل اضافه کرده یا شکر بیفزایند و ناشتا
هر مرتبه بقدر فندقی بخورند و در چند روایت وارد شده است که خوردن
ترنج مربا رفع میکند بواسیر را و در روایت دیگر فرموده که برنج و خرمای نارس
بواسیر را تماما زایل میکند و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا ع
از برای دفع بواسیر فرموده که هلیله سیاه و بلیله و آمله اجزای مساوی
گرفته بکوبند و از حریر بیرون کنند پس قدری از نقل ازرق گرفته در آب
ترنج بخیسانند یک شب پس از آن دواها را در میان آن ریخته خمیر کنند و دستها
بروغن بنفشه چرب کنند آن را بقدر عدسی حب کنند و در ایام زمستان اگر
در تابستان باشد بقدر یک مثقال بخورند و اگر در زمستان باشد بقدر دو مثقال
بخورند و در آن ایام که این حب میخورند از ماهی و سرکه و سبزیها اجتناب کنند
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام علی نقی صلوات الله علیه
شکایت کرد از کندهان فرمود که خرمای برنی بخور دیگری شکایت
کرد از یبوست مزاج فرمود که خرمای برنی را ناشتا بخور و آب بالای آن
بخور چنان کرد فربه شد و رطوبت بر مزاجش غالب شد باز از رطوبت شکایت
کرد فرمود که خرمای برنی را ناشتا بخورد و آب بعد از آن نخورد چنان کرد مزاجش

مستقیم شد

مستقیم شد و از حضرت صادق ع منقولست که برای دفع زیادتی بلغم
بگیر قندران رومی شکنند و آویشن و زیتیان و سیاه دانه اجزا را مساوی
و همه را نرم بکوب و بیز و با عسل خمیر کن و هر شب در وقت خواب بقدر یک فندق
بخورد و از حضرت امام رضا ع منقولست که یکی از هلیله زرد و یک مثقال
و از خردل دو مثقال و از عاقرقرحا یک مثقال و سیاه دانه بکوب و ناشتا بدندانها
بمال که بلغم را دفع میکند و دهن را خوشبو میکند و دندانها را محکم میکند
و از حضرت صادق ع منقولست که ناشتا بحمام رفتن بلغم را دفع میکند
و بعد از طعام بحمام رفتن صفرا و سودا را دفع میکند و حضرت امام
محمد باقر ع فرمود که بسیار شانه کردن بلغم را کم میکند **فصل یازدهم** در بیان
قلیلی از تعویذات برای دفع عقرب و سموم گزندگان و سایر بدیها در حدیث
معتبر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که برای دفع سحر این تعویذ را بر پوست
آهو بنویسند و با خود نگاه دارند بسم الله و بالله بسم الله و ما شاء الله
بسم الله و لا حول و لا قوة الا بالله قال موسى ما جئتم به السحر ان الله
سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین فوقع الحق و بطل ما کانوا
یعملون فغلبوا هنالک و انقلبوا صاغرین و در روایت دیگر فرموده که
اگر از ساحری یا ظالمی ترسی بعد از نماز شب یعنی از شروع در نماز صبح رو
بجانب خانه اش بکن و هفت مرتبه بگو بسم الله و بالله سنشد عضدک باخیک
و نجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بآیاتنا انتما و من اتبعکما الغالبون

ودر روایت دیگر منقولست که جبرئیل ع خبر داد حضرت رسول ص را که لبید بن
اعصم یهودی سحر برای آنحضرت کرده است پس حضرت رسول ص حضرت
امیر المؤمنین ع را طلبید و فرمود که برو در فلان چاه و سحر را بیرون آور حضرت
امیر المؤمنین با آن موضع رفتند و در آن چاه داخل شدند و از ته آب حقه بدر
آوردند و بنزد حضرت رسول ص آوردند و در آنجا رشته بود که یازده گره بر آن
زده بودند پس جبرئیل ع سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را
آورد و از آن حضرت رسول ص فرمود که یا علی این دو سوره را بر آن گرهها بخوان
پس هر آیه که حضرت میخواندند یک گره گشوده میشد چون هر دو سوره تمام شد
تمام گرهها گشوده شد و سحر برطرف شد پس موافق این حدیث و احادیث
معتبره دیگر این دو سوره را در دفع سحر تاثیر عظیم هست و در احادیث معتبره
وارد شده است که چشم بد را تاثیر میباشد و فرمودند که بسا باشد که چشم آدمی را
بقبر و شتر را بدیگ داخل کند پس کسی که خوش آید او را چیزی باید که بگوید الله اکبر
و در روایت دیگر ما شاء الله و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست
که چون ترسد که چشم او در کسی یا چشم کسی در او تاثیر کند سه مرتبه بگوید ما
شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم و فرمودند که هرگاه کسی با هیئات نیکو خواهد
که از خانه بیرون رود سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند
و بیرون رود تا چشم بد در او اثر نکند و در روایت دیگر فرمود که هرکه را اثر چشم
با او رسیده باشد دستها را برابر رو بلند کند و سوره حمد و قل هو الله احد و قل

اعوذ

اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند و دست بر جهت سر بکشد
و از حضرت رسول ص منقولست که هرکه از شیاطین و جادوگران ترسد این آیه را
بخواند إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ
ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا
فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ
قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع
شکایت کرد از بسیاری خیالات فاسده و وسواس شیطانی که بهم میرسد
فرمود که دست بر سر بگذار و سه مرتبه بگو بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ مَنَنْتَ
عَلَيَّ بِالْإِيمَانِ وَأَوْدَعْتَنِي الْقُرْآنَ وَرَزَقْتَنِي صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ
فَامْنُنْ عَلَيَّ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالرَّأْفَةِ وَالْغُفْرَانِ وَتَمَامِ مَا أَوْلَيْتَنِي
مِنَ النِّعَمِ وَالْإِحْسَانِ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَائِمُ يَا رَحْمٰنُ سُبْحَانَكَ وَلَيْسَ لِي
أَحَدٌ سِوَاكَ سُبْحَانَكَ أَعُوذُ بِكَ بَعْدَ هٰذِهِ الْكَرَامَاتِ مِنَ الْهَوَانِ
وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُجَلِّيَ عَنْ قَلْبِيَ الْأَحْزَانَ پس صلوات بر محمد و آل محمد
بفرست و در روایت دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که چون
تنها میشوم مرا وحشتی و اندوهی عارض میشود چون بمیان مردم می‌آیم برطرف
میشود فرمود که دست بر دل بگذار و بگو بسم الله بسم الله بسم الله

بر دست بمالد و بگوید اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ
بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله
و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف علی نفسی هفت مرتبه
این دعا را بخوانی و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی بآنحضرت
شکایت کرد از آزردگی بسیار کردن و دردهای سینه فرمود که دست بر سینه بکش
و بگو بسم الله و بالله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما اجد بر دست بر شکم بمالد
و سه مرتبه بخوان این دعا را آن شخص چنین کرد و آن حالت از او زایل شد و شیخ
احمد بن فهد در کتاب عدة الداعی از برای گشودن کسی که او را بسته باشند
بر زنش این دعا را نقل کرده است که بنویسد و با خود نگاه دارد بسم الله
الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من
ذنبک و ما تاخر و یتم نعمته علیک و یهدیک صراطا مستقیما
بسم الله الرحمن الرحیم اذا جاء نصر الله و الفتح و رایت الناس
یدخلون فی دین الله افواجا فسبح بحمد ربک و استغفره انه کان
توابا و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها
و جعل بینکم مودة و رحمة ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون ادخلوا
علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون ففتحنا ابواب السماء
بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر رب

اشرح

اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا
قولی و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض و نفخ فی الصور
فجمعناهم جمعا کذلک حللت فلان بن فلان علی فلانة بنت فلان
لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین
رءوف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
و هو رب العرش العظیم و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که چون [illegible] کوسفندی زهر آلوده آوردند بنزد رسول خدا
و گوسفند بریان بسخن آمد بامر الهی و گفت یا رسول الله مخور از من که مرا زهر آلوده
جبرئیل نازل شد و گفت پروردگار سلامت میرساند و میگوید که این دعا بخوان
و بخور که زهر تو آسیب نمیرساند پس حضرت فرمود اصحاب که همگی این دعا را خواندند
و از آن گوسفند خوردند و ایشان تناول کردند هیچ ضرر نمود ایشان را که دعا است
بکشد دعا اینست بسم الله الذی یسمیه به کل مؤمن و به عز کل مؤمن
و بنوره الذی اضاءت به السموات و الارض و بقدرته التی خضع
لها کل جبار عنید و انتکس کل شیطان مرید من شر السم و السحر و اللمم
بسم العلی الملک الفرد الذی لا اله الا هو و ننزل من القرآن ما هو
شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا و در حدیث دیگر
از حضرت امیر المؤمنین منقولست که کسی که از شر حیوانات درنده بر خود
و گوسفندان خود بترسد بر دور خود و آنها خطی بکشد و بگوید اللهم رب

ذا بالٍ والجبّ وربّ کلّ اسدٍ متأسّدٍ احفظنی واحفظ غنمی
وفرمود که کسی که از عقرب ترسد این آیات را بخواند سلامٌ علی نوحٍ فی
العالمین انّا کذلک نجزی المحسنین انّه من عبادنا المؤمنین ودر حدیث
معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام بشخصی گفت که چون شیر را ببینی در
روی او آیة الکرسی بخوان وبگو عزمت علیک بعزیمة الله وعزیمة محمّدٍ
رسول الله وعزیمة سلیمن بن داود علیهما السّلم وعزیمة علی امیر المؤمنین
علیه السّلم والائمّة من بعده الّا تنحّیت عن طریقنا ولم تؤذنا فانّا لا
نؤذیک راوی گفت که شیر را دیدم واین دعا خواندم سر بزیر انداخت
ودم را در میان پاهای خود کشید وبرگشت ودر حدیث معتبر منقولست
که شخصی بحضرت امام موسی عرض کرد که من جانوران درنده را شکار میکنم
وشب در خرابها وجاهای هولناک بسر میبرم فرمود که چون داخل خرابه شوی
پای راست را پیش گذار وبسم الله بگو وچون بیرون آیی پای چپ را پیش گذار
وبسم الله بگو که آسیبی بتو نمیرسد واز حضرت امام رضا ع منقولست که
چون شیر را ببینی در برابرش سه مرتبه الله اکبر بگو وبگو الله اعزّ واکبر
واجلّ من کلّ شیءٍ واعوذ بالله ممّا اخاف واحذر وچون سگ
بر روی تو زیاد کند وحمله کند این آیه را بخوان یا معشر الجنّ والانس
ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السّموات والارض فانفذوا
لا تنفذون الّا بسلطانٍ واز حضرت امام محمد باقر ع منقولست که

برای دفع ضرر جانوران زمین این دعا بخوان بسم الله الرّحمن الرّحیم
بسم الله وبالله محمّدٌ رسول الله صلّی الله علیه وآله اعوذ بعزّة الله
اعوذ بقدرة الله علی ما یشاء من شرّ کلّ هامّةٍ تدبّ باللّیل والنّهار
انّ ربّی علی صراطٍ مستقیمٍ واز حضرت صادق ع منقولست که هرگاه از عقرب
ترسی نظر کن در بنات النّعش وستاره که در میان آنها است یعنی ستاره دویم بنات النعش و
بگو اللّهمّ یا ربّ اسلم صلّ علی محمّدٍ وآل محمّدٍ وعجّل فرجهم وسلّمنا راوی گفت
که تا حال یکشب نخواندم ودران شب عقرب مرا گزید ودر حدیث دیگر فرمود
که کسی که از مار وعقرب ترسد در اوّل شب این دعا بخواند بسم الله وبالله
وصلّی الله علی محمّدٍ وآله اخذت العقارب والحیّات کلّها باذن الله
تبارک وتعالی بافواهها واذنابها واسماعها وابصارها وقواها
عنّی وعمّن احببت الی صخرة النّهار ودر روایت دیگر فرمود که این دعا
بخواند بسم الله وبالله وتوکّلت علی الله ومن یتوکّل علی الله فهو
حسبه انّ الله بالغ امره اللّهمّ اجعلنی فی کنفک وفی جوارک
واجعلنی فی حفظک واجعلنی فی امانک ودر روایت معتبر از حضرت
امام موسی ع منقولست که اصحاب حضرت رسول ص در بعضی از جنگها با حضرت
شکایت کردند از بسیاری کیک فرمود که در وقت خواب این دعا بخوانند ایّها
الاسود الوثّاب الّذی لا یبالی غلقاً ولا باباً عزمت علیک بامّ الکتاب
ان لا تؤذینی واصحابی الی ان یذهب اللّیل ویجیء الصّبح بما جاء

من شرّ کلّ ذی شرٍّ

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه غضب مستولی شود اگر ایستاده باشد
بنشیند تا ساکن شود غضب او و اگر بر خویش خود غضبناک شده باشد دست خود را
به بدن او برساند تا ساکن شود و در حدیث دیگر فرموده که در هنگام غضب این دعا
بخواند اللّهمّ اذهب عنّی غیظ قلبی واغفر لی ذنبی واجرنی من مضلّات
الفتن اسئلک رضاک واعوذ بک من سخطک واسئلک جنّتک واعوذ
بک من نارک واسئلک الخیر کلّه واعوذ بک من الشرّ کلّه اللّهمّ
ثبّتنی علی الهدی والصواب واجعلنی راضیاً مرضیّاً غیر ضالٍّ ولا مضلٍّ
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون چیزی را شیطان
از خاطر تو محو کرده باشد و خواهی بیاد آوری دست بر پیشانی بگذار و بگو اللّهمّ
انّی اسئلک یا مذکّر الخیر وفاعله والآمر به ان تصلّی علی محمّد وآل
محمّد وتذکّرنی ما انسانیه الشیطان و در احادیث معتبره وارد شده است
که از برای ادای قرض این دعا بخواند اللّهمّ اغننی بحلالک عن حرامک
وبفضلک عمّن سواک و شخصی بخدمت امام محمد تقی ع نوشت که قرض
بسیار دارم حضرت نوشتند که استغفار بسیار بکن و زبان تر بدار بخواندن
سوره انّا انزلناه و در روایت دیگر وارد شده که برای دفع پریشانی هر روز صد مرتبه
سوره انّا انزلناه بخواند و از حضرت امام موسی ع منقول است برای دفع فقر
و پریشانی که بعد از نماز صبح ده نوبت بگوید سبحان الله العظیم وبحمده
استغفر الله واسئله من فضله و در حدیث معتبر از حضرت موسی منقول است

که هر که فقر او بسیار شود بسیار بگوید لاحول ولا قوّة الّا بالله بدرستی که
این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت و در آن شفای از هفتاد و دو درد هست که کمتر
آنها اندوه است و در حدیث بسیار معتبر وارد است که هر که هر روز صد مرتبه
لاحول ولا قوّة الّا بالله بگوید هفتاد نوع از بلا از او دور گردد و سهل‌تر آنها
غم و اندوه باشد و در حدیث معتبر منقول است که هر که هزار مرتبه ماشاء الله در
یک دفعه بگوید در آن سال او را حج نصیب شود و اگر در آن سال نشود زنده بماند تا توفیق
حج بیابد و در احادیث بسیار وارد شده است که لاحول ولا قوّة الّا بالله
العلیّ العظیم دفع اندوه میکند و در احادیث معتبره از حضرت علی بن الحسین ع
که هرگاه که من این دعا بخوانم پروا ندارم اگر جن و انس جمع شوند برای ضرر رسانیدن من
بسم الله وبالله ومن الله والی الله وفی سبیل الله اللّهمّ الیک
اسلمت نفسی والیک وجّهت وجهی والیک فوّضت امری فاحفظنی
بحفظ الایمان من بین یدیّ ومن بین یدیّ ومن خلفی وعن یمینی
وعن شمالی ومن فوقی ومن تحتی وادفع عنّی بحولک وقوّتک فلا
حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم و در روایت دیگر منقول است
که حضرت صادق ع روزی نزد منصور دوانیقی رفتند و او در نهایت شدّت
و غضب بود حضرت در وقت داخل شدن این دعا خواندند غضب او ساکن شد
یا عدّتی عند شدّتی ویا غوثی عند کربتی احرسنی بعینک الّتی لا تنام
واکنفنی برکنک الّذی لا یرام و از حضرت صادق ع منقول است که بعد

غلام کو بخشد کم بر کاغذی آیة الکرسی را سه بنویسد و در میان آن بنویسد
اللّهمّ السّماء لک والأرض لک وما بینهما لک فاجعل ما بینهما أضیق
علی فلان و نام غلام را بنویسد من جلد جمل حتّی تردّه علیّ وتظفرنی
به و این دعا را نیز بخوانند و آن کاغذ را در موضعی که در شب باد در آنجا بیاویزند
دفن کنند و چنین تنکیس بر بالای آن کنند و در حدیث دیگر فرمود که کسی را که مالی
یا حیوانی گم شود این دعا بخواند اللّهمّ إنّک إله فی السّماء وإله من فی
الأرض وعدل فیهما وأنت الهادی من الضّلالة تردّ الضّالّة ردّ
علیّ ضالّتی فإنّها من رزقک وعطیّتک اللّهمّ لا تفتن بها مؤمنا
ولا تغن بها کافرا اللّهمّ صلّ علی محمّد عبدک ورسولک وعلی أهل
بیته و از حضرت امام رضا ع منقولست که برای گم شده بگوید وعنده
مفاتح الغیب لا یعلمها إلّا هو ویعلم ما فی البرّ والبحر وما تسقط
من ورقة إلّا یعلمها ولا حبّة فی ظلمات الأرض ولا رطب ولا
یابس إلّا فی کتاب مبین اللّهمّ إنّک تهدی من الضّلالة وتنجی
من العمی وتردّ الضّالّة صلّ علی محمّد وآله واغفر لی وردّ ضالّتی
وصلّ علی محمّد وآله وسلّم و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که
برای گم شده دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره
یس بخواند و بعد از نماز دست بسوی آسمان بردارد و بگوید اللّهمّ رادّ الضّالّة
والهادی من الضّلالة صلّ علی محمّد وآل محمّد واحفظ علیّ ضالّتی

وارددها

وارددها إلیّ سالمة یا أرحم الرّاحمین فإنّها من فضلک وعطائک
یا عباد الله فی الأرض ویا سیّارة الله فی الأرض ردّوا علیّ ضالّتی
فإنّها من فضل الله وعطائه و در روایتی منقولست که از حضرت صادق ع
پرسیدند که تعویذی با خود میداریم و جنب میشویم چون است فرمود که باکی نیست
اما زن چون زن حایض میشود باید که تعویذی که با خود نگاه دارد و در میان
پوست باشد و فرمود که هر چه از دعا و قرآن و تعویذ که خواهید برای کوفتها
و دردها بخوانید اما افسونها که معنیش معلوم نباشد مخوانید و فرمود که
بسیاری از تعویذها و افسونها کفرست **فصل دوازدهم** در فواید تربت شریف
حضرت امام حسین صلوات الله علیه و بعضی از ادعیه معزّزه در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است که در خاک قبر حضرت امام حسین ع شفای
هر دردی هست و آنست دوای بزرگ و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع
منقولست که هر که را علّتی حادث شود به تربت آنحضرت مداوا کند البتّه شفا یابد
مگر آنکه علّت مرگ باشد و در حدیث دیگر فرمود که تربت آنحضرت شفای بخشد
از هر دردی و امان میدهد از هر ترسی و در حدیث دیگر فرمود که کام فرزندان
خود را به تربت آنحضرت بردارید که امان میدهد از بلاها و در روایت دیگر
منقولست که حضرت امام رضا ع هیچ متاعی بجائی نمی‌فرستادند مگر آنکه قدری
از تربت آنحضرت در میانش میگذاشتند که ببرکت آن محفوظ بماند و در حدیث
معتبر منقولست که ابن ابی یعفور از حضرت صادق ع سؤال کرد که بعضی از مردم

از تربت حضرت امام حسین ع میگیرند و منتفع میشوند و بعضی نفع نمی یابند
فرمود که والله که هر کس که اعتقاد نفع داشته باشد البته نفع می یابد و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت عرض کرد که زنی رشته بمن داده است که
بخدمت کعبه معظمه بدهم که جامه کعبه بآن بدوزند حضرت فرمود که آنرا بده و عسل
و زعفران بخر و خاک قبر حضرت امام حسین ع را بگیر و با آب باران خمیر کن و قدری
میان عسل و زعفران بریز و بشیعیان ما بده که بیماران خود را بآن دوا کنند
و در روایت دیگر فرمود که خاک قبر حضرت امام حسین علیه السلام شفای دردهاست
هر چند تا ثلث فرسخ دورتر از قبر بردارند و در روایت دیگر فرمود که تا هفتاد
ذرع از قبر تربت شفا را میتوان برداشت و در روایت معتبر دیگر فرمود که تربت
شفا را تا یک فرسخ و ثلث فرسخ از اطراف قبر میتوان برداشت و فرمود که
هیچ چیز مثل آن نیست در شفا بخشیدن مگر دعا و چیزیکه برکت آنرا
کم میکند در جاهای نامناسب گذاشتن و کم اعتقادی آن کسانست که میخورند
اما یقین داند که آن شفاست هر وقت که بآن معالجه کنند البته او را بس است و بدوای دیگر
احتیاج نیست و فاسد میکند و کم میکند نفع تربت را شیاطین و جنیان کافر
که خود را بر آن میمالند و بهر جا که میگذرند آنرا میبویند و شیاطین و کافران
جن رشک میبرند بفرزندان آدم پس خود را بر آن میمالند که بوی خوش
و نفعش را کم کنند و هر تربتی که از حایر بیرون می آورند آنقدر که نتوان شمرد
از شیاطین که از بیم ملائکه داخل حایر نمیشوند در بیرون مهیا می باشند که تا

از حایر بیرون آورند خود را بآن بمالند و اگر تربت از این سالم ماند بیماری
که بخورد در ساعت شفا یابد پس چون تربت را برداری پنهان کن و نام
خدا بر آن بسیار بخوان و من شنیده ام که بعضی تربت را بی اعتبار دانسته و آنرا سبک میشمارند
حتی آنکه در میان توبره چهارپایان یا در میان ظرف طعام می اندازند از چنین
تربتی چون شفا یابند بدرستی که کسی که صاحب یقین نیست با استخفاف بامور(ی) که
موجب صلاح اوست اعمال خود را فاسد میگرداند و در حدیث دیگر منقولست
که شخصی بآنحضرت عرض کرد که مرا درد و مرض بسیار میباشد و هر دوایی که خوردم
نفع نکرد فرمود که چرا تربت حضرت امام حسین ع را غافلی که در آن شفای
هر درد و امان از هر بیم هست وقتی که برمیداری تربت را بگو اللّهم انی اسئلک
بحق هذه الطینة و بحق الملک الذی اخذها و بحق النبی الذی قبضها
و بحق الوصی الذی حل فیها صل علی محمد و اهل بیته و اجعل لی فیها
شفاء من کل داء و امانا من کل خوف پرسید که شفای هر درد را دانستم
چگونه امانست از هر خوفی فرمود که هرگاه از ظالمی یا از بلایی اندیشه
داشته باشی از خانه بیرون میا مگر آنکه خاک قبر آنحضرت با تو باشد و در
آنوقت که خاک را با خود برمیداری بگو اللّهم هذه طینة قبر الحسین
ولیک و ابن ولیک اتخذتها حرزا لما اخاف و ما لا اخاف
و از ابو حمزه ثمالی منقولست که حضرت صادق ع فرمود که چون خواهی تربت
قبر را برداری سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس

وقل هو الله احد وقل یا ایها الکافرون و انا انزلناه فی لیلة القدر
و یس و آیة الکرسی بخوان و بگو اللهم بحق محمد عبدک و حبیبک
و نبیک و رسولک و امینک و بحق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
عبدک و اخی رسولک و بحق فاطمة بنت نبیک و زوجة ولیک
و بحق الحسن و الحسین و بحق الائمة الراشدین و بحق هذه التربة
و بحق الملک الموکل بها و بحق الوصی الذی هو فیها و بحق الجسد الذی
تضمنت و بحق السبط الذی ضمنت و بحق جمیع ملائکتک و انبیائک
و رسلک صل علی محمد و آله و اجعل هذا الطین شفاء لی و لمن
یستشفی به من کل داء و سقم و مرض و اماناً من کل خوف
اللهم بحق محمد و اهل بیته و اجعله علماً نافعاً و رزقاً واسعاً
و شفاءً من کل داء و سقم و آفة و عاهة و جمیع الاوجاع کلها
انک علی کل شیء قدیر پس بگو اللهم رب هذه التربة المبارکة
المیمونة و الملک الذی هبط بها و الوصی الذی هو فیها صل علی
محمد و آل محمد و سلم و انفعنی بها انک علی کل شیء قدیر و در
روایت دیگر وارد شده که وقتی که تربت را بخوری و ببوس و بر دو دیده
بگذار و زیاده از یک نخود مخور که هر که زیاده بخورد چنانست که گوشت
و خون ما را خورده است و در وقتی که از قبر بر میداری بگو اللهم انی
اسئلک بحق الملک الذی قبضها و اسئلک بحق النبی الذی خزنها

واسألـ

و اسئلک بحق الوصی الذی حل فیها ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
تجعله شفاءً من کل داء و اماناً من کل خوف و حفظاً من کل
سوء پس تربت را در پارچه ببند و سوره انا انزلناه را بر آن بخوان و در
حدیث معتبر دیگر وارد شده که هر که تربت را بقصد شفا نخورد چنانست که گوشت ما را
خورده است و چون بقصد شفا خورد بگوید بسم الله و بالله اللهم رب
هذه التربة المبارکة الطاهرة و رب النور الذی انزل فیه و رب
الجسد الذی سکن فیه و رب الملائکة الموکلین به اجعله شفاء من
کل داء کذا و کذا و آن آزار را ذکر کند پس تربت را بخورد و بجرعه آب بعد از آن
بخورد و بگوید اللهم اجعله رزقاً واسعاً و علماً نافعاً و شفاءً من کل
داء و سقم چون چنین کنی دفع میشود از بدن هر دردی و بیماری
و غم و اندوه و در روایت دیگر وارد شده که در وقت خوردن این دعا بخواند
بسم الله و بالله اللهم اجعله رزقاً واسعاً و علماً نافعاً و شفاءً من کل
داء انک علی کل شیء قدیر اللهم رب التربة المبارکة و رب
الوصی الذی وارته صل علی محمد و آل محمد و اجعل هذا الطین شفاءً
من کل داء و اماناً من کل خوف و از حضرت امام موسی منقول است
که چون میت را دفن کنند در بالینش پاره‌ای از خاک حضرت امام حسین ع
بگذارند و در حدیث دیگر وارد شده که مؤمن با ایمان از پنج چیز خالی نباشد مسواک
و شانه و جانمازی و تسبیحی از تربت که سی و چهار دانه باشد و انگشتر عقیق

و از حضرت صادق ع منقولست که هر که تسبیح خاک آنحضرت را بگرداند به استغفاری
هفتاد استغفار برای او نوشته میشود و اگر تسبیح را در دست نگاه دارد و حرفی
نگوید بعدد هر دانه هفتاد استغفار برای او نوشته شود و در حدیث دیگر فرمود
که هر که خاک قبر حضرت امام حسین ع را بفروشد چنانست که گوشت حضرت
امام حسین را فروخته و خریده باشد و بدانکه مشهور میان علما آنست که بقدر نخود
بیشتر از آن نخورد و چون از بعضی احادیث عدس ظاهر میشود بهتر آنست که زیاده
از عدس نخورد اما خواص ادویه از حضرت صادق ع منقولست که هر که تب کند
و در شب اول بوزن دو درهم یا سه درهم بزرقطونا بخورد و از مرض ایمن گردد از
برسام و ذات الجنب و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت عناب بر سایر میوه‌ها
مانند فضیلت ماست بر سایر مردم و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که عناب تب را زایل میکند و در روایتی منقولست که ابن ابی الخطیب گفت
که دیده من سفید شده بود و چیزی نمیدیدم شبی حضرت امیرالمؤمنین ع را
در خواب دیدم فرمود که عناب بکوب و در دیده بکش چون بیدار شدم عناب را
با هسته اش سائیدم و در دیده کشیدم دیده ام صحیح شد و در حدیث معتبر از
حضرت رسول ص منقولست که مداوا کنید بسنا که اگر چیزی مرگ را رد میکند آن
سنا است و از حضرت صادق ع منقولست که چهار چیز است که طبیعتها را
باعتدال می آورد انار سورانی و خرمای نارس پخته و بنفشه و کاسنی و از حضرت
صادق ع منقولست که در سیاه دانه شفای هر درد هست بغیر از مرگ و در بعضی

از روایات وارد شده است که از حضرت رسول ص پرسیدند که چگونه
استعمال کنیم فرمود که بیست و یک دانه اش را در کهنه بکنی و یک شب در آب
بخیسانی و چون صبح شود در بینی راست دو قطره و در بینی چپ یک قطره
بچکانی و در روز دویم نیز چنین کنی و در روز سیم در بینی راست یک قطره
و در بینی چپ دو قطره بچکانی و در هر شب اینها را تازه کنی و در روایت دیگر
از حضرت صادق ع منقولست که شخصی با آنحضرت شکایت کرد که از بند
آمدن بول آزار میکشم فرمود که سیاه دانه در آخر شب بخور و فرمود که من آنرا
بخورم برای تب و درد سر و آزار چشم و درد شکم و جمیع دردها و خدا مرا
شفا میدهد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بر هر برگ
و دانه و درخت اسفند ملکی موکلست که با آنهاست تا آنکه بپوسد و ریشه اش
و شاخش غم و سحر را برطرف میکند و در دانه اش شفای هفتاد و دو درد هست
پس مداوا کنید با اسفند و کندر و از حضرت صادق ع منقولست که خانه ای که اسفند
در آن هست شیطان تا هفتاد خانه از آنجا دوری میکند و آن شفاست از
هفتاد مرض که آسانتر آنها خوره است و در روایت دیگر منقولست که پیغمبری
بخدا شکایت کرد از جبن امتش خود وحی با او نازل شد که امر کن امت خود را که اسفند
بخورند که باعث شجاعت میشود و فرمود که کندر بکنید که بخور پیغمبرانست و هیچ درودی
نبوده است که دود آن بآسمان بالا نمیرود و آن دود کننده شیاطین و دفع کننده
بلاهاست و از حضرت امام حسین ع منقولست که اگر مردم بدانند که چه چیز

در هلیله زرد هشت خاصیت بوده آن از طلا بهترند و از حضرت امام رضا
منقولست که بخورید انجیر که برای دفع قولنج نافع است و فرمود که کنده دهان را
بر طرف میکند و استخوان را محکم میکند و موی بدن میرویاند و دردها را میبرد
و از حضرت رسول منقولست که خوردن انجیر تر و خشک بواسیر را قطع میکند
و نقرس و غلبه برودت بر باطن را نفع میدهد و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که برگ خرفه عقل را زیاد میکند و هیچ گیاهی از آن شریفتر و نافعتر نیست
و حضرت امام رضا ع فرمود که بادروج از ماست و ترتیزک از بنی امیه است
و حضرت صادق ع فرمود که کاهو خون را فرو مینشاند و از حضرت صادق
منقولست که خوراک حضرت خضر و الیاس کرفس و دمبلان است و از حضرت
رسول ص منقولست که هر کس سداب بخورد و در شب بخوابد در آن شب ایمن باشد
از دردهای [illegible] و ذات الجنب و در حدیث دیگر منقولست که
آنحضرت زنیان سیاه و آویشن را سفوف میکردند و بعد از لبنیات و طعام
که بصحت ایشان بود تناول میفرمودند و گاهی با نمک سایده ممزوج ساخته
بعد از طعام میخوردند و میفرمودند که جهت باد امداد این را بخورم از خوردن تخم
[illegible] و تقویت معده میکند و بلغم را میبرد و امان میبخشد از لقوه و فرمود
که حق تعالی برکت قرار داده است در عسل و در آن شفای از جمیع دردها هست
و بر آن هفتاد پیغمبر برکت فرستاده است و حضرت صادق ع فرمود که سرکه شراب
بن دندان را محکم میکند و کرمهای شکم را میکشد و عقل را محکم میکند و فرمود که

خوردن

خوردن آن شان زانوها را سست میکند و آب پشت را فاسد میکند
و دهن را بدبو میکند و فرمود که هر که زنیان و گردکان با هم بخورد بواسیر را
میسوزاند و بادها را دفع میکند و معده را زبر میکند و گرده ها را گرم میکند
و فرمود که آویشن و نمک با یکدیگر بادها را دفع میکند و سده ها را میگشایند و بلغم را
میسوزاند و صفرا را بر میگرداند و دهن را خوشبو میکند و معده را نرم میکند
و لقوه را دفع میکند و قوت جماع را زیاد میکند و در چند حدیث وارد شده است
که مالیدن نمک دفع زهر عقرب و کژدم میکند **باب دهم** در آداب معاشرت
با مردم و حقوق اصناف ایشان **فصل اول** در بیان حقوق خویشان و اولاد
و کنیزان در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که رحم در روز قیامت چنگ
در عرش الهی میزند و میگوید پروردگارا هر که مرا در دنیا صله کرده است تو امروز او را
برحمت خود وصل کن و هر که مرا قطع کرده است در دنیا تو امروز او را از رحمت خود قطع کن
و در احادیث بسیار منقولست که نیکی با خویشان کردن باعث قبول اعمالست
و مال را زیاد میکند و بلاها را دفع میکند و عمر را دراز میکند و حساب قیامت را
آسان میکند و در حدیث حسن از حضرت رسول ص منقولست که در دو طرف صراط
امانت و صله رحم است پس کسی که در امانت مردم خیانت نکرده است و با
خویشان خود نیکی کرده است از صراط آسان میگذرد و به بهشت میرود و کسی که
خیانت در امانتها کرده است و قطع رحم کرده است عمل دیگر او را نفع نمیدهد
و صراط او را در آتش می افکند و حضرت صادق ع فرمود که صله رحم کردن

و با همسایگان نیکو سلوک کردن خانه‌ها را آبادان میکند و عمرها را زیاد میکند
و از حضرت رسول صلعم منقولست که هیچ عملی ثوابش زودتر از صله رحم نمیرسد
و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ما چیزی را نمیدانیم که
عمر را زیاد کند مانند صله رحم تا آنکه گاه هست که شخصی سه سال از عمرش
مانده است و بسبب صله رحم عمرش سی و سه سال میشود و گاه هست که کسی از عمرش
سی و سه سال مانده است و بسبب قطع رحم سه سال میشود و در حدیث
موثق منقولست که شخصی از آنحضرت سؤال کرد که خویشان دارم که شیعه نیستند
آیا ایشان را بر من حقی هست فرمود که بلی حق رحم را هیچ چیز قطع نمیکند و اگر شیعه باشند
دو حق دارند حق رحم و حق اسلام و فرمود که صله رحم و نیکی با برادران
مؤمن حساب قیامت را آسان میکند و از گناهان نگاه میدارند پس صله
رحم و نیکی با برادران را ترک مکنید اگر چه بسلام کردن و نیکو جواب سلام دادن
باشد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که هرگاه خویشان با یکدیگر
بدی کنند مالشان بدست بدکاران می افتد و در حدیث صحیح از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که سزاوارتر است که هر که مرتکب آنها شود پیش از مردن
عقوبت آنها را ببیند ظلم و قطع رحم و قسم دروغ و بسیار است که جماعتی
بدکردارند و بسبب صله رحم مالهاشان زیاد میشود و قسم دروغ
و قطع رحم خانه‌ها را از اهلش خالی میکند و نسل را منقطع میکند و از حضرت
رسول صلعم منقولست که هر که بپای خود برود بجانب خویشان بدیدن ایشان یا برای

آنکه مالی بایشان برساند حق تعالی ثواب صد شهید او را کرامت فرماید و بعدد
هر گامی که برمیدارد چهل هزار حسنه در نامه عملش نوشته شود و چهل هزار گناه
محو شود و چهل هزار درجه برای او در بهشت بلند شود و چنان باشد که صد سال
عبادت خدا باخلاص کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه کس اند که داخل
بهشت نمیشوند کسی که همیشه شراب خورد یا همیشه سحر کند یا قطع رحم کند و فرمود که هر که
رعایت حق خویشان کند حق تعالی در بهشت باو هزار هزار درجه کرامت کند
که از هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد یکدرجه از نقره و دیگری
از طلا و دیگری از مروارید و دیگری از زمرد و دیگری از زبرجد و دیگری
از مشک و دیگری از عنبر و دیگری از کافور و همچنین از سایر چیزهائی که خدا
در بهشت خلق فرموده است و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که
در شب معراج دیدم رحمی بعرش آویخته و از رحم دیگر شکایت میکند
بپروردگار خود پرسیدم که در چند پشت نسب ایشان بهم میرسد گفت
که در چهل پشت و در حدیث معتبر دیگر فرمود که ضامنم برای کسی که صله رحم
کند آنکه خدا او را دوست دارد و روزیش را فراخ کند و عمرش را زیاد کند
و او را داخل بهشت کند و فرمود که بوی بهشت از هزار ساله راه شنیده میشود
و آن را نمیشنوند عاق پدر و مادر و قطع کننده رحم و پیر زناکار و در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که بر غلامی یا کنیزی بقدر حدی
از حدود الهی بزند بی آنکه جرمی از او صادر شده باشد که بحسب شرع مستحق

آن حد شرعی باشد کفاره نیست گناه او را بغیر از آن آزاد کردن او و در حدیث
معتبر منقولست که از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه پرسیدند که بنده
که فرمان صاحبش نمیبرد آیا حلالست زدن او فرمود که نه اگر موافق طبیعت باشد
نگاه دار و اگر نه بفروش تا رها کن و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که در تادیب اطفال و غلامان و کنیزان پنج تازیانه یا شش تازیانه بزنید و بیشتر مزنید
و آن را هم برفق و هموار بزنید و در حدیث معتبر دیگر منقولست که راوی
از آنحضرت سؤال کرد از زدن بنده فرمود که هر چیزی که در دست او تلف شود
بی تقصیر او بر او چیزی نیست اما اگر دانسته نافرمانی تو کند میتوانی زد او را
گفت چه مقدار بزنم او را فرمود که سه یا چهار یا پنج و از حضرت رسول صلی الله علیه
منقولست که پیوسته جبرئیل مرا وصیت میکرد در باب غلام و کنیز تا آنکه گمان کردیم
که برای ایشان حدی مقرر خواهد کرد که چون بآن حد برسند آزاد شوند و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که بنده که مؤمن باشد چون هفت سال
خدمت کند آزاد میشود و بعد از آن خدمت فرمودن او حلال نیست
و علما حمل کرده اند این حدیث را بر آنکه سنت مؤکد است که بعد از هفت سال
او را آزاد کنند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که
چهار صفتست که در هر که باشد حق تعالی او را ساکن گرداند در اعلای علیین
در اعلا غرفهای شرف کسی که پناه دهد یتیمی را و متوجه احوال او گردد و از برای او
بمنزله پدر مهربان باشد و کسی که رحم کند بر ضعیفان و اعانت ایشان نماید

و کسی

و کسی که رحم کند بر ضعیفان و اعانت ایشان نماید و کسی که مال خود را
صرف پدر و مادر کند و با ایشان مدارا نماید و احسان کند و ایشان را آزرده
نکند و کسی که تندی و سفاهت با بنده خود نکند و او را یاری نماید بر خدمتی
که او را میفرماید و کاری که بر او دشوار باشد باو نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت
رسول ص منقولست که بندگان خود را بخورانید از آنچه خود میخورید و بایشان
بپوشانید از آنچه خود میپوشید و در روایت دیگر منقولست که آنحضرت
باصحاب خود فرمودند که میخواهید خبر دهم شما را به بدترین مردم گفتند بلی یا رسول الله
فرمود که کسی که تنها سفر کند و عطای خود را از مردم منع کند و غلام خود را
بزند و در حدیث دیگر فرمود که سه کسند که اگر بر ایشان ظلم کنی ایشان نیز بتو ظلم
میکنند دونان و زن تو و خادمان تو و در حدیث دیگر فرمود که بندگان خود را
بقدر عقل ایشان مورد عتاب سازید و در حدیث معتبر منقولست که روزی
غلامی از حضرت صادق علیه السلام نا پیدا بود و حضرت او را میطلبیدند تا آنکه دیدند
که در جائی خوابیده است ببالین او نشستند و او را باد میزدند تا او بیدار شد پس
فرمودند که روا نیست که شب و روز هر دو خواب کنی شب خواب کن و روز خدمت کن
و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که سه کسند که نماز ایشان مقبول نیست
غلامی که از آقای خود گریخته باشد تا آنکه برگردد و خود را تسلیم آقا نماید و شخصی که
پیشنمازی گروهی کند که او را راضی نباشند و زنی که شوهر از او خشمناک بخواب رود
و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست که اول کسی که داخل بهشت میشود شهید است

و غلامی که نیکو عبادت کند پروردگار خود را و خیرخواه آقای خود باشد و در
عیالبار که از حرام و شبهه عفت ورزد و در احادیث معتبره از حضرت رسول ص
منقولست که هر که بنده آزاد کند حق تعالی به هر عضوی از آن بنده عضوی از
او را از آتش جهنم آزاد کرداند و حضرت صادق ع فرمود که مستحبست که در شب
عرفه و روز عرفه بجهة تقرب بجویند بآزاد کردن و تصدق کردن **فصل دویم**

در حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله از حضرت رسول ص منقولست
که پیوسته جبرئیل وصیت مینمود برعایت همسایه تا آنکه گمان کردم که برای او
میراث قرار خواهد داد و فرمود که هر که همسایه خود را آزار کند حق تعالی بوی بهشت را
بر او حرام کرداند و ماوای او جهنم باشد و فرمود که هر که از همسایه اش یک وجب
از زمین خیانت کند خدا آن زمین را تا طبقه هفتم طوق کرده اندر گردن
او نماید و او را چنین بموقف حساب آورند آن طوق در گردن او باشد مگر آنکه توبه
کند و آن زمین را پس دهد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که آزار
خود را از همسایه باز دارد حق تعالی در قیامت از گناهان او در گذرد و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سه چیز است که بدترین بلاهاست
پادشاهی یا صاحب حکمی که اگر احسان با او کنی شکر نکند و اگر بدی کنی نگذرد
و همسایه که چشمش ترا بیند و دلش مراقب تو خواهد اگر نیکی کنی بپوشاند
و منکر دناند و اگر بدی ببیند ظاهر کند و منتشر کرداند و زنی که اگر حاضر
باشی ترا شاد نکرداند و اگر غایب باشی خاطرت با او مطمئن نباشد و در حدیث

دیگر فرمود که هر که از آزار همسایه کند برای طمع در خانه او خدا خانه او را بهمسایه اش رساند
و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند که
آیا در مال حقی بغیر از زکوة هست فرمود که بلی نیکی و احسان کردن بخویشان
که با تو بدی کنند و احسان کردن بهمسایه مسلمان بدرستی که ایمان بمن ندارد کسی که
شب سیر بخوابد و همسایه مسلمانش گرسنه است و در چند حدیث معتبر از حضرت
صادق ع منقولست که تا چهل خانه از هر طرف همسایه اند و در حدیث دیگر فرمود
که از جمله حقوق مال حق ماعون است که حق تعالی وعید جهنم فرموده است برای
کسی که منع آن نماید و آن قرضیست که بهمسایه دهد یا نیکی که با ایشان کند یا ظرف زیادتی
خانه که بایشان عاریه دهد راوی عرض کرد که همسایگان داریم که اگر چیزی بعاریت
بایشان بدهیم میشکنند و ضایع میکنند در این صورت بما گناهی هست اگر بایشان
ندهیم فرمود که هرگاه چنین باشد گناهی بر شما نیست اگر بایشان ندهید و در حدیث
دیگر فرمود که حلال نیست منع کردن نمک و آتش از همسایگان و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که ماعون را منع نماید از همسایگان حق تعالی
منع کند از او خیر و احسان خود را در آخرت و او را بخود واگذارد و هر که را خدا
بخود بگذارد وای بحال او و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که
منع مکنید قرض دادن خمیر و نان را و طلبیدن آتش را که این امور باعث زیادتی
روزی میشود بر اهل خانه یا آنکه از جمله مکارم اخلاقست و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که زینهار که متعرض حقوق شوید که بر خود لازم کنید

(شما) و اینها از خرجها که بر قبیله واقع میشود بدهید و مضایقه نکنید و اگر از قبیله
کسی شما را تکلیف بکند که ضرری بشما زیاده از نفعی باشد که باو میرسد قبول
مکنید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در بیماری
بدیدن صعصعة بن صوحان که از بزرگان اصحاب آنحضرت بود تشریف آوردند
پس فرمودند که باید که من بعیادت تو آمدم فخر مکن بر قوم خود و اگر ایشان از در
امری بسبب خود را از آن امر بکنار مکش که آدمی بی نیاز نیست از قوم و قبیله خود و با (ایشان)
محتاج است و اگر پای ایشان نکشی یک پا دیگر را از ایشان منع کرده و پای بسیار
ایشان را از خود کرده اید پس اگر ایشان در حال خوبی بسبب یاری ایشان بکن
بر آن امر و اگر در بلا دیده باشند ایشان را وامگذار و باید که یاری کردن شما یکدیگر را در
طاعت خدا باشد بدرستیکه همیشه با رفاهیت و نعمت خواهید بود اگر یاری یکدیگر
بکنید در طاعت خدا و باز ایستید از معصیت خدا و در حدیث معتبر منقولست
که اسیری چند را بنزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آوردند از کافران پس یکی از
ایشان را پیش آوردند که گردن بزنند در آنحال حضرت جبرئیل نازل شد و گفت
یا محمد این اسیر که میخواهی گردنش را بزنی بمردم طعام میخورانید و مهمان داری (میکرد)
و خرجهایی که در میان قبیله واقع میشد میداد و بارهای گران اهل قبیله را
بر دوش خود بر میداشت پس حضرت آن اسیر فرمودند که حق تعالی چنین وحی
فرستاده است و من ترا آزاد کردم از کشتن باین خصلتها آن اسیر گفت که
پروردگار تو این خصلتها را دوست میدارد فرمود که بلی اسیر گفت که شهادت (میدهم)

بوحدانیت

بوحدانیت خدا و به پیغمبری تو بحق آن خداوندی که ترا براستی فرستاده است که هرگز
از مال خود کسی را بر نگردانیده ام و در احادیث معتبره وارد شده است که خوردن
مال یتیم بناحق از جمله گناهان کبیره است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که نگاه داری کند یتیمی را و او را نفقه دهد من
و او در بهشت مانند این دو انگشت باهم باشیم و اشاره بانگشت شهادت
و میان فرمودند و در حدیث دیگر فرمود که هر که یتیمی را در عیال خود داخل کند و خرج
او را بدهد تا او مستغنی شود از او خدا بهشت را برای او واجب کرد چنانچه برای
خوردن مال یتیم جهنم را واجب کرده است و در روایت معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که هر مرد مؤمن و زن مؤمنه که دست بر سر یتیم بکشد از روی ترحم حق (تعالی)
برای او بعدد هر موئی که دست بر آن میکشد حسنه برای او بنویسد و در روایت دیگر
منقولست که بهر موئی حق تعالی نوری باو کرامت فرماید در قیامت و در حدیث معتبر
از حضرت رسول منقولست که هر که از سنگینی دل خود آزرده باشد و خواهد دلش (نرم)
شود یتیمی را نزد خود بخواند و با او مهربانی کند و بر سر خوان خود بنشاند و از روی
شفقت دست بر سرش بمالد بدرستیکه یتیم را بمردم حق عظیم هست و در حدیث
دیگر فرمود که چون یتیمی بگرید عرش الهی برای او بلرزد پس میفرماید که [illegible] (کیست)
آنکه بگریه آورده است این بنده مرا که پدر و مادرش را گرفته ام بعزت و جلال خودم (سوگند)
میخورم که هیچ بنده او را ساکت نگرداند مگر آنکه بهشت را برای او واجب گردانم و در (احادیث)
معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی در قرآن مجید برای کسی که مال یتیم

بنا حق بخورند و عقاب سوز ساخته است یکی عذاب جهنم در آخرت و دیگری آنکه
در دنیا بعد از او با یتیمان او بکنند آنچه با یتیمان دیگران کرده باشند و از حضرت
امام محمد باقر ع منقول است که حق تعالی در قیامت جماعتی را از قبرها محشور گرداند
که از دهنهای ایشان آتش شعله ور باشد و آنها جماعتی باشند که مال یتیمان را
خورده باشند چنانچه حق تعالی میفرماید که بدرستی که آنجماعتی که مال یتیمان را
بظلم میخورند نمیخورند در شکم خود مگر آتش را و بزودی آتش افروز جهنم گردند و بدانکه
ولی یتیم که تصرف در مال او میتواند نمود پدر است و جد پدری و وصی که
ایشان تعیین کرده باشند و اگر اینها نباشند حاکم شرع یعنی امام ع و کسی که
آنحضرت تعیین فرموده باشد و اگر امام حاضر نباشد اکثر علما را اعتقاد آنست
که مجتهد جامع الشرایط میکند یا کسی که او نصب کرده باشد و از احادیث معتبره ظاهر
میشود که مؤمنان صالح از برای خدا متکفل احوال ایشان و ضبط اموال ایشان
میتوانند شد که بخصوص صرف و ضبط ایشان در آن باشد رعایت کنند و اگر پدر ایشان
باشند و سعی در مال یتیم مانع کار ایشان باشد بقدر خرج ضروری خود از مال
ایشان خرج میتوانند کرد و بهتر آنست که رعایت کنند که زیاده از اجرت متعارف
آن عمل بر ندارند و همچنین پدر و جد پدری و وصی باید که نهایت رعایت در صرف
ایشان بکنند و اگر آنقدر مال نداشته باشند که وفا بقرض کند از مال ایشان
قرض بر ندارند و اگر پدر و جد پدری پریشان باشند بقدر نفقه ضروری خود
از مال ایشان میتوانند برداشت و اگر مادر هم پریشان باشد نفقه او را ولی

از مال

از مال یتیم میتواند داد و اگر قدر خرج طفل را حساب کند و با نفقه خود ضم کند
و با هم چیزی بخورند باکی نیست **باب سیم** در حقوق صداقت و اخوت در
بسند معتبر منقول است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در وقت فوت وصیت
نمود بحضرت امام حسن ع که برادری کن با برادران از برای خدا و دوست دار
صالحان را برای صلاح ایشان و از حضرت امام رضا ع منقول است که هر که برادر مؤمنی
برای خدا بگیرد خانه در بهشت یافته باشد و از حضرت صادق ع منقول است که
هر کسی که بعد از اسلام فایده نیافته است که بهتر باشد از برادری که برای خدا گرفته
باشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام محمد باقر ع عرض کرد که
بسیار است که اندوهگین میشوم بی سببی که اهل و یاران من اثر آن
از روی من مشاهده میکنند فرمود که حق تعالی مؤمنان را از طینت بهشت آفریده
و از نسیم رحمت خود در ایشان جاری گردانیده پس باین سبب مؤمنان برادر
پدر و مادری یکدیگرند پس چون بروح یکی از مؤمنان اندوهی رسید مؤمنان دیگر
برای اندوه او محزون میشوند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که نظر کردن بروی امام عادل عبادت است و نظر کردن بروی عالم
عبادت است و نظر کردن بروی پدر و مادر از روی مهربانی و شفقت عبادت است
و نظر کردن بروی برادری که دوست داری او را برای خدا عبادت است و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقول است که برادران دو نوعند یکی برادرانی که محل اعتماد باشند
در دوستی و یاری و دیگری برادران خندیدن و صحبت اما اول پس ایشان

بمنزله دستند و بالند و اهلند و مالند پس چون برادر مؤمن چنین اعتماد
داشته باشی از برای او صرف کن و مال و بدن خود را و با دوستانش
دوستی کن و با دشمنانش دشمنی کن و رازش را بپوشان و عیبش را مخفی دار
و نیکیهاش را افشا کن و بدانکه این قسم برادران کمترند از کوگرد سرخ که اکسیر است
و اما دویم پس تو لذت صحبت ایشان را می یابی این از ایشان قطع مکن
و توقع زیاده از این از ایشان مدار و در احادیث معتبره وارد شده است
که خوبی برادری و آشنایی در عالم ارواح در میان مؤمنان بهم رسیده
و در این نشأه چون یکدیگر را دیدند آن را بیاد می آورند و در احادیث معتبره
دیگر وارد شده است که مؤمن برادر مؤمن است و دیده اوست و راه نمای
اوست با او خیانت نمیکند و بر او ظلم نمیکند و او را فریب نمیدهد و با او
که وعده کند خلف نمیکند و با او دروغ نمیگوید و غیبت او نمیکند و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که صداقت و یگانگی و دوستی حدی
چند دارد که هر که همه آنها در او نباشد او را بکمال صداقت نسبت مده
و کسی که هیچ یک از اینها در او نباشد بهیچ چیز از صداقت او را نسبت مده اول آنکه
آشکار و پنهانش با تو یکی باشد دویم آنکه زینت ترا زینت خود داند و عیب ترا
عیب خود داند سیم آنکه بهم رسانیدن مالی یا حکومتی سلوک او را با تو تغییر ندهد
چهارم آنکه آنچه در توانایی او باشد از تو منع نکند پنجم آنکه در وقت بلاها
و بلاها ترا وا نگذارد و ترک یاری تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که

از برادران

از برادران مؤمن تو سه مرتبه با تو بغضب آید و در هیچ مرتبه حرف بدی در حق تو
نگوید او را بدوستی و یاری خود بگیر و در حدیث دیگر فرمود که اعتماد بسیار
بر برادر و دوست خود مکن که رازهای خود را با او بیان کنی که در وقتی که او از تو
برگردد چاره نتوانی کرد و از حضرت امام رضا ع منقولست که محبت بیست سال
خویشاوندیست و علم و اهلش را بایکدیگر بیشتر جمع میکند و ربط میدهد از پدران
و از حضرت صادق ع منقولست که چون دوستی داشته باشی و حکومتی بهم رساند
و ده یک محبتی را که پیشتر با تو دوستی میکرد بکند و دوستی بدی نیست از برای تو و از حضرت
امیر المؤمنین ص منقولست که دوستی با دوستان خود هموار بکن و خود را بتمامه با ایشان
یکبارگی که روزی دشمن تو شوند و دشمنی با دشمنان خود هموار بکن شاید که روزی
دوست تو شوند و از حضرت صادق ع منقولست که مطلع مگردان دوستان خود را
بر راز خود مگر دانی که اگر دشمن تو باشد بتو ضرری نرساند فرما که گاه هست که
دوست یکروزی دشمن میشود و از حضرت امام موسی ع منقولست که بهترین عیش
دنیا فراخی خانه و بسیاری دوستانست و حضرت لقمان ع به پسر خود گفت که
با صد کس مصاحبت بکن و با یک کس دشمنی مکن و راضی باش که غلام نیکان باشی
و راضی مشو که فرزند بدان باشی و از حضرت صادق ع منقولست که پنج چیز است
که در هر که نباشد زنهار که بهره از او کوارا نیست صحبت به او امنیت و توانگری و قناعت
و بودن موافق و در حدیث دیگر فرمود که هر که اینها دهند از دلش و زجر کننده
از نفس و مصاحبی که او را براه خیر بدارد نباشد شیطان بر گردنش سوار شود

و در حدیث دیگر فرمود که قطع آشنایی از دوستان پدر خود مکن که نور
احوالت بتاریکی مبدل میشود و فرمود که هر که محبت خود را بغیر محلش بگذارد
خود را متعرض قطع محبت شده است و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که هر که خود را در محل تهمت درآورد ملامت نکند کسی را که گمان بد باو می‌برد و هر که
راز خود را پنهان دارد اختیار با خودش است و هر سخنی که از دو کس گذشت
فاش میشود و چون با کسی برادری کنی ابتدا او را ببینی بر محل نیک حمل کن
تا آنکه بجهتی برسد که دیگر محمل نیک نیابی و زنهار که گمان بد مبر بسخنی که از برادرت
صادر شود تا محمل نیک از برای او یابی و بسیار بگیر از برادران نیک که ایشان در وقت
رفاهیت تهیه‌اند برای وقت بلا و در وقت بلا سپرند برای دفع اعادی و مشورت
با جماعتی بکن که از خدا ترسند و برادران مؤمن را بقدر پرهیزکاری ایشان
دوست بدار و بپرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان در حذر باش و از آنحضرت
امام رضا ع منقولست که اگر خواهی که تمام شود برای تو نعمت و کامل شود برای تو
مردی و مرقت و باصلاح آید برای تو امور معیشت پس شریک مکردان غلامان
و مردم دون را در کارهای خود که اگر ایشان را امین کردانی خیانت میکنند و اگر
سخنی با تو کویند دروغ میکویند و اگر بلایی بر تو پیش آید ترا یاری نمیکنند و با عاقل
مصاحبت بکن هرچند کریم نباشد و از عقلش بهره‌ور شو و از خلق بدش
احتراز کن و با کریم مصاحبت کن هرچند عاقل نباشد که بعقل خود از کرم او
منتفع میشوی و بکریز بنهایت کریختن از احمقی که بخیل باشد فصل چهارم

در بیان

در بیان حقوق مؤمنان بر یکدیگر و حسن معاشرت با خلق بسند معتبر منقولست
که معلی بن خنیس از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که حق مسلمان بر مسلمان چیست
فرمود که هفت حق هست که هر یک از آنها واجب است و اگر یکی از آنها را ترک کند
از دوستی و طاعت خدا بدر میرود پرسید که آنها چیست فرمود که میترسم که بدانی
و بعمل نیاوری و رعایت آنها نکنی آسانترین آن حقوق آنست که از برای او
خود دوست میداری از برای او دوست داری و آنچه از برای خود نخواهی از
برای او نخواهی دوم آنکه بپرهیزی از غضب او و در خوشنودی او بکوشی و امرش
را اطاعت کنی سیم آنکه او را یاری کنی بجان و بمال و بزبان و بدست و پا
چهارم آنکه دیده او و راهنما و آیینه او باشی پنجم آنکه تو سیر باشی و او گرسنه باشد
و تو سیراب باشی و او تشنه باشد و تو پوشیده باشی و او عریان باشد ششم آنکه
اگر تو خدمتکاری داشته باشی و او نداشته باشد واجبست که خادم خود را
بفرستی که جامه اش بشوید و طعامش بپزد و رختخوابش بگستراند هفتم
آنکه اگر ترا قسم دهد بعمل آوری و اگر ترا بخانه دعوت کند قبول کنی و اگر بیمار شود
بعیادتش بروی و اگر بمیرد بجنازه اش حاضر شوی و اگر دانی که حاجتی دارد
سعی کنی در بر آوردن آن حاجت پیش از آنکه از تو سؤال کند چون چنین کنی پیوند کرده
محبت خود را بمحبت او و محبت او را بمحبت خود و در حدیث دیگر فرمود که هیچ عبادتی
نزد خدا بهتر از ادا کردن حق مؤمن نیست و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که وعده کردن مؤمن برادر مؤمن خود را نذریست که کفاره ندارد و هر که

خلف وعده مؤمن کند اول ابتدا بخلف وعده خدا کرده است و متعرض
غضب الهی شده است و در حدیث حسن دیگر از حضرت رسول منقولست
که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که وفا کند بوعده خود و بسندهای
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مؤمن را بر مؤمن
هفت حق واجب هست آنکه در حضور او را تعظیم نماید و محبت او در سینه
او باشد و مال خود را با او صرف نماید و غیبت او را بر خود حرام داند و چون
بیمار شود بعیادت او برود و چون بمیرد بجنازه اش حاضر شود و بعد از مرگش
بغیر از نیکی او چیزی نگوید و بسند حسن از حضرت امام محمد باقر منقولست
که دوست دار برادر مسلمان خود را و بخواه از برای او آنچه از برای خود میخواهی
و مخواه از برای او آنچه از برای خود نمیخواهی و چون محتاج شوی از او سؤال کن
و هرگاه از تو سؤال کند باو عطا کن و نیکی را از او ذخیره مکن تا او هم از تو
ذخیره نکند و یاور او باش تا او نیز یاور تو باشد اگر غایب شود حرمت او را
غایبانه نگاه دار و چون بیاید بدیدنش برو و او را گرامی دار بدرستی که او از
تو است و تو از اوئی و اگر با تو در مقام عتاب باشد از او جدا مشو تا کینه را از سینه او
بدر کنی و اگر نعمتی باو برسد خدا را شکر کن و اگر بلیه او را پیش آید یاور او باش
و با او مهربانی زیاده کن و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که مسلمان را
بر برادر مسلمان سی حق هست هرگاه که باو برسد باو سلام کند و هرگاه که
بیمار شود بعیادت او برود و هرگاه که عطسه کند او را دعا کند و چون بمیرد بر او

نماز کند و هرگاه که او را بضیافت بطلبد قبول کند و از برای او دوست دارد
آنچه از برای خود دوست میدارد و آنچه از برای او دشمن دارد آنچه از برای خود
دشمن میدارد و بسندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که هر که صبح کند و اهتمام بامور مسلمانان نداشته باشد او مسلمان نیست
و کسی که بشنود که کسی فریاد میکند که ای مسلمانان بفریاد من برسید و یاری او
نکند او مسلمان نیست و فرمود که محبوب ترین مردم کسیست که نفعش بمردم بیشتر
میرسد و فرمود که هر که از گروهی از مسلمانان ضرر آبی یا آتشی را دفع کند
بهشت او را واجب شود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق مؤمن بر مؤمن
آنست که او را بسیار دوست دارد و مال خود را از او دریغ ندارد و اگر بسفری رود
باحوال اهل او بپردازد و اگر کسی بر او ظلم کند او را یاری نماید و اگر عطائی
بمسلمانان دهند و او غایب باشد بهره او را برای او بگیرد و چون بمیرد بزیارت
قبرش برود و بر او ظلم نکند و او را فریب ندهد و با او خیانت نکند و بدروغی او
اف نگوید و اگر اف بگوید دوستی از میان ایشان برطرف شود و اگر بگوید تو دشمن
منی یکی از ایشان کافر باشند زیرا که اگر دروغ گفته خود کافر است و اگر راست
گفته آن دیگری کافر است یعنی صاحب کبیره است و چون او را به تهمتی متهم سازد
ایمان در دلش بگدازد چنانکه نمک در آب میگدازد و در حدیث دیگر فرمود که
باید برای برادر مسلمان خود بخواهد آنچه از برای عزیزترین اهل خود میخواهد
و نخواهد از برای او آنچه از برای عزیزترین اهل خود نمیخواهد و در دوستی او را خالص

کم اند از ثواب آنکه دل شادی او شاد باشد و در اندوه او اندوهگین باشد
و اگر توانند سعی کنند که غم او را زایل گردانند و الا دعا کنند که خدا اندوهش را
بردارد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آنحضرت آمد از اهل ری
که برادران خود را بچه حال گذاشتی گفت به نیکو حالی گذاشتم ایشان را فرمود که
توانگران ایشان چگونه احوال فقیران میپرسند گفت کم فرمود که توانگران
چه قدر رعایت فقیران میکنند گفت کم فرمود که توانگران چه مقدار احسان
بفقیران میکنند گفت چیزی چند مینمایی که در پیش ما اینها نمیباشد
فرمود که پس چگونه ایشان دعوای تشیع میکنند و در حدیث دیگر فرمود که
برادران و نیکوکاران باشید و از برای خدا با یکدیگر دوستی کنید و بدیدن
یکدیگر بروید و با یکدیگر بنشینید و دین ما و احادیث ما را یاد کنید و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که واجبست از برای مومن بر مومن که هفتاد کبیره
او را بپوشاند و از حضرت صادق ع منقولست که واجبست از برای مومن
بر مومن که خیرخواه او باشد در حضور و غیبت و در حدیث دیگر فرمود
که بر شما باد بخیرخواهی خلایق که هیچ عمل نزد خدا از این بهتر نیست **فصل پنجم**

در قضای حاجت مومنان و سعی نمودن در کارهای ایشان و شاد گردانیدن
ایشان در حدیث صحیح از حضرت رسول ص منقولست که هر که مومنی را شاد کرد
مرا شاد کرده است و هر که مرا شاد کرد خدا را خشنود گردانیده است
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که تبسم کردن برروی

برادران

برادران مومن حسنه است و خاشاکی از راه او برداشتن حسنه است و هیچ
عبادتی را دوست تر نمیدارد از شاد گردانیدن مومن و در حدیث دیگر فرمود
که حق تعالی خطاب فرمود با حضرت موسی ع که بدرستی که مرا بندگان هست که
بهشت را برای ایشان مباح میگردانم و ایشان را حاکم میگردانم در بهشت حضرت
موسی گفت پروردگارا کیستند ایشان فرمود که کسی که سرور داخل کند بر مومن و اهل
پس حضرت فرمود که مومنی در مملکت پادشاه جباری بود و آن پادشاه در مقام
آزار او بود از او گریخت و بشهر کفار رفت و پناه بکافری برد آن کافر او را جا داد
و مهربانی و ضیافت کرد چون وقت مرگ آن کافر شد حق تعالی باو وحی فرمود
که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که اگر ترا در بهشت جایی میبود هر آینه ترا
ببهشت در می آوردم ولیکن بهشت حرام است بر کسی که کافر میرد پس خطاب نمود
با آتش جهنم که او را بترسان اما مسوزان و امر نمود که در اول و آخر روز برای
او روزی ببرند و بسند حسن از حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی وحی نمود
بحضرت داود که بنده از بندگان من حسنه بنزد من می آورد و بهشت را برای او
مباح میگردانم حضرت داود پرسید که آن حسنه کدام است فرمود که بنده
مومن خود را شاد کند اگر چه بیک دانه خرما باشد داود گفت که پروردگارا
سزاوار است که کسی که ترا بشناسد قطع امید خود از تو نکند و در حدیث دیگر فرمود
که کسی که مومنی را شاد کند نه او را شاد گردانیده است و بس بلکه ما را شاد
گردانیده است بلکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله شاد گردانیده است

و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که چون مؤمن از قبر بیرون می آید
با او شخصی بیرون می آید و میگوید بشارت باد ترا بکرامات از جانب خدا و خوشحالی
پس مؤمن با او میگوید که خدا ترا بشارت بنیکی دهد پس با او بیاشد و هر هول
که میبیند میگوید که این از تو نیست و هر نیکی که میبیند میگوید که این از تست
پیوسته او را چنین بشارت میدهد تا آنکه بمقام حسنات آید پس چون
امر کنند که او را به بهشت برند او میگوید که بشارت باد ترا که خدا فرمود که ترا به بهشت
برند مؤمن گوید که تو کیستی که از قبر تا اینجا مرا بشارت دادی و مونس من بودی
و از جانب خدا خبر بمن رسانیدی گوید که منم آن شادی که در دل برادر مؤمن خود
داخل کردی در دنیا خدا مرا از آن خلق کرده است که بشارت دهنده تو و در تنهائی
مونس تو باشم و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی را شاد کرد از حق تعالی هزار
هزار حسنه برای او بنویسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که یک حاجت برای
برادر مؤمن خود برآورد حق تعالی در قیامت صد هزار حاجت او را برآورد که یکی
از آنها بهشت باشد و دیگری آنکه خویشان و آشنایان خود را داخل بهشت کند
اگر ناصبی نباشد و در حدیث دیگر فرمود که برآوردن حاجت مؤمن بهتر است
از هزار بنده آزاد کردن و هزار اسب در راه خدا بجهاد فرستادن و در حدیث
دیگر فرمود که بهتر است از بیست حج که در هر حجی صاحبش صد هزار درهم صرف کند
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که یک حج بهتر است
از هفتاد بنده آزاد کردن و خرج کشیدن و نفقه دادن اهل یکخانه از

مسلمانان

مسلمانان که ایشانرا سیر کند و بپوشاند و روی ایشانرا از سؤال کردن محفوظ
کند بهتر است از هفتاد حج و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که هر که هفت شوط طواف دور خانه کعبه بکند حق تعالی برای او
شش هزار حسنه بنویسد و شش هزار گناه محو کند و شش هزار درجه برای او
بلند کند و شش هزار حاجت او را برآورد و برآوردن حاجت مؤمن بهتر است از ده طواف
و در حدیث دیگر فرمود که هر مسلمانی که حاجت مسلمانی را برآورد حق تعالی او را ندا کند
که ثواب تو بر منست و راضی نمیشوم برای تو بغیر از بهشت و در حدیث دیگر فرمود
که چون کسی برای برآوردن حاجت مؤمن راه رود حق تعالی دو ملک را موکل گرداند
از جانب راست و چپش که از برای او استغفار کنند و دعا کنند که حاجتش برآورده
شود و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که برادر مؤمن
او بنزد او بیاید برای حاجتی او رحمتیست که خدا بسوی او فرستاده است اگر قبول کرد
پس پیوند کرده است دوستی او را بدوستی ما و دوستی ما بدوستی حق تعالی
و اگر او را رد کرد و او قادر بود که حاجتش را برآورد حق تعالی بر او مسلط گرداند
در قبر ماری از آتش که او را بگزد تا روز قیامت خواه در قیامت خدا او را بیامرزد
و خواه عذاب کند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که مؤمنی که برادر
مؤمنش حاجتی بنزد او بیاورد و او قادر نباشد بر برآوردن حاجت او و دلش
غمگین شود بسبب این غم بهشت را برای او واجب گرداند و از حضرت
صادق ع منقولست که مؤمنی که در حاجت برادر مؤمن خود راه رود ده حسنه

برای او نوشته شود وده گناه از او محو شود وده درجه در بهشت
برای او بلند شود وبرابر ده بنده آزاد کردن باشد وبهتر باشد از اعتکاف
یکماه در مسجد الحرام واز حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که خدا را بندگان
هست که سعی میکنند در حاجت مردم ایشان ایمنانند در روز قیامت
وهر که دل مؤمنی را شاد کند حق تعالی در قیامت دل او را شاد کرداند واز حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که هر که راه رود برای برآوردن حاجت برادر مسلمان
خدا هفتاد وپنج هزار ملک را بفرستد که او را سایه کنند وبهر قدمی برای او حسنه
بنویسند وگناهی محو کنند ودرجه بلند کنند وچون از کار سازی او فارغ شود
ثواب حج وعمره در نامه عملش بنویسند واز حضرت صادق ع منقولست که راه جهت
روم در حاجت برادر مسلمان دوست تر میدارم از آنکه آزاد کردن هزار بنده
وهزار کس را بر اسبان زین ولجام کرده سوار کنم وبجهاد بفرستم ودر حدیث دیگر
منقولست که هر که سعی کند وراه رود در حاجت برادر مسلمان خود از برای رضای خدا
حق تعالی برای او هزار هزار حسنه بنویسد که بسبب آنها خویشان وهمسایگان
وآشنایان او را بیامرزند وبیامرزند هر کرا با او نیکی کرده باشد ودر قیامت
باو خطاب رسد که داخل جهنم شو وهر کرا در دنیا بتو نیکی کرده است او را بیرون
آور وداخل بهشت کن مگر آنکه دشمن اهل بیت رسول صلعم باشد ومنقولست که حق تعالی
فرموده است که خلق عیال منند محبوبترین ایشان نزد من کسی است که
با ایشان مهربان تر باشد وسعی در برآوردن حاجت ایشان بیشتر کند ومنقولست

که هر که بفریاد رسد برادر مؤمن غمگین مضطر خود را در هنگام شدت
وسختی غم او را برطرف کند وحاجت او را برآورد حق تعالی واجب کرداند برای او
هفتاد ودو رحمت که یکی را در دنیا باو بدهد که کارهای دنیای او بآن ساخته شود
وهفتاد ویک رحمت دیگر را برای او ذخیره کند برای محنتها وشدتهای روز
قیامت ومنقولست که هر که غمی از مؤمنی بردارد حق تعالی غمهای آخرت را از او بردارد
وچون از قبر بیرون آید دلش مطمئن وشاد باشد وهر که مؤمنی را طعام دهد
حق تعالی او را از میوهای بهشت طعام دهد وهر که مؤمنی را آب دهد حق تعالی
از شراب بهشت او را آب دهد ودر حدیث دیگر منقولست که هر که غمی از مؤمنی بردارد
حق تعالی حاجات دنیا وآخرت او را برآورد وهر که عیب مؤمنی را بپوشاند حق تعالی
هفتاد عیب از عیبهای دنیا وآخرت او را بپوشاند وتا مؤمن در یاری برادر مؤمنست
خدا یار اوست ودر حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما
منقولست که هر که حاجت برادر مؤمن خود را برآورد حق تعالی صد حاجت او را برآورد
که یکی بهشت باشد وهر که غمی از مؤمنی بردارد حق تعالی غمهای او را در قیامت بردارد
وهر که اعانت کند مؤمنی را بر ظالمی خدا او را یاری کند در گذشتن بر صراط در وقتی
که قدمها بلغزد وهر که حاجت مؤمنی را برآورد که او شاد شود چنان باشد که حضرت
رسول صلعم را شاد کرده باشد وهر که مؤمنی را آب دهد در وقت تشنگی حق تعالی
از شراب بهشت او را سیراب کرداند وهر که مؤمنی را سیر کند حق تعالی از میوهای
بهشت او را سیر کرداند وهر که برهنه مؤمنی جامه بپوشاند در وقتی که عریان باشد خدا

اورا از دیبا و حریر بهشت بپوشانند و هر که جامه باو بپوشاند در غیر عریانی نیز پیوسته
در ضمان خدا باشد از بلاها تا از آن جامه بر آن مؤمن تاری باقی باشد و هر که
خادمی باو بدهد خدا اورا از پسران بهشت خادم بدهد و هر که اورا از پیاده
بودن سوار کند حق تعالی اورا در قیامت بر ناقه از ناقهای بهشت سوار کند
که در قیامت با ملائکه مباهات کند و هر که بعد از مردن کفن بپوشاند بر مؤمنی چنان
چنان باشد که اورا جامه داده باشد از هنگام ولادت تا وقت مردن و هر که زنی
مؤمنی باو بدهد که باو انس گیرد حق تعالی ملکی را در قبر مونس او کند از بصورت
محبوب ترین اهل او نزد او و هر که در بیماری عیادت مؤمنی بکند ملائکه اورا
از همه جهت فرو گیرند و گویند خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو و والله
که قضای حاجت مؤمن بهتر است نزد خدا از روزه داشتن و اعتکاف کردن
دو ماه از ماههای حرام و از حضرت امام موسی کاظم ع منقولست که خدا در
قیامت سایه سازد که در زیر آن سایه نیست مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری
یا مؤمنی که بنده مؤمنی را آزاد کند یا مؤمنی که قرض مؤمنی را ادا کند یا مؤمنی که
مؤمنی را کدخدا کند و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که
مؤمنی در روز قیامت بگذرد بر شخصی که حق تعالی امر فرموده باشد که اورا
بجهنم برند و ملک عذاب برد بجهنم خطاب کند مؤمن را که بفریاد من رس که در دنیا
من بتو نیکی میکردم و حاجت ترا بر میآوردم مؤمن بملک گوید که دست از او
بدار حق تعالی فرماید که چون مؤمن شفاعت او کرد اورا بگذار و در حدیث

معتبر

معتبر از حضرت علی بن الحسین ع منقولست که بگردان مسلمانان نزد خود بمنزله
اهل خانه خود پس پیران ایشان را بمنزله پدر خود بدان و خردان ایشان را بمنزله
فرزند خود بدان و آنها که هم سن تو باشند بمنزله برادر خود بدان پس کدام یک از این
اینها میخواهی که ستم کنی یا نفرین کنی یا عیب ایشان را فاش کنی و اگر شیطان خواهد که ترا
فریب دهد که خود را از دیگران بهتر دانی اگر کسی را ببینی که از تو بزرگتر است بگو
که او در ایمان و اعمال شایسته بر من پیشی گرفته است پس از من بهتر است و اگر
خوردتر از خود را ببینی بگو که من بیشتر از او گناهان کرده ام پس او از من
بهتر است و اگر همسال خود را ببینی بگو که یقین بگناه خود دارم و در گناه او شک دارم
پس چرا یقین خود را برای شک بگذارم و اگر ببینی که مردم ترا تعظیم و تکریم میکنند
بگو این از نیکی ایشانست که با من آداب عمل میکنند و اگر ایشان از تو دوری کنند
و ترا حرمت ندارند بگو این از گناهیست که من کرده ام چون چنین کنی زندگانی
بر تو آسان شود و دوستانت بسیار شوند و دشمنانت کم شوند و از نیکی ایشان
شاد شوی و از بدی ایشان دلتنگ نشوی و بدانکه گرامی ترین مردم بنزد مردم کسیست
که خیرش بایشان رسد و از ایشان مستغنی باشد و سؤال نکند از ایشان و بعد از آن
گرامی تر کسیست که محتاج باشد و سؤال نکند از ایشان زیرا که اهل دنیا همگی عاشق
مال خود اند هر که در مال با ایشان مزاحمت نرساند عزیز است نزد ایشان و هر که
مزاحمت نرساند و از مال خود هم بایشان برساند عزیزتر و گرامی تر است نزد ایشان
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت عیسی یکی از اصحاب خود فرمود که

که با تو بکند با هیچ کس مکن و اگر کسی طپانچه بر جانب راست رویت بزند جانب
چپ را پیش کن و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر مسلمانی
که مسلمان دیگر بنزد او بیاید برای حاجتی و او قادر باشد بر آوردن آن
حاجت و بر نیاورد حق تعالی او را در قیامت سرزنش و تعییر فرماید و بگوید که
برادر تو برای حاجتی بنزد تو آمد که من ترا قادر کرده بودم بر بر آوردن آن
و بر نیاوردی برای آنکه ثواب آنرا نخواستی بعزت خود سوگند میخورم که در هیچ
حاجت نظر رحمت بسوی تو نکنم خواه ترا بیامرزم و خواه ترا عذاب کنم و در حدیث
دیگر فرمود که هر مؤمنی که منع کند از مؤمنی چیزی را که او بآن محتاج باشد
و او قادر باشد که آنرا از نزد خود یا نزد دیگران باو برساند حق تعالی او را
با روی سیاه و دیدهای کبود و دستها در گردن غل کرده بازدارد پس بگویند
که اینست جایی که با خدا و رسول خیانت کرده است پس بفرمایند که او را بجهنم
برند و از حضرت امام موسی ع منقولست که در قیامت سه کس در سایه عرش
الهی باشند در روزی که سایه بغیر آن نباشد کسی که برادر مسلمان خود را زنی
بدهد و کسی که خادمی باو بدهد و کسی که راز او را پنهان دارد **فصل ششم**
در دیدن مؤمنان و عیادت بیماران ایشان در احادیث معتبره وارد
شده است که از حضرت باقر و صادق صلوات الله علیهما که هر که بدیدن
برادر مؤمن خود برود از برای خدا حق تعالی هفتاد هزار ملک را موکل
کند که او را ندا کنند تا بخانه خود بر گردد که خوشحال تو و گوارا باد بهشت

از برای تو

از برای تو و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول ص فرمود که جبرئیل
مرا خبر داد که حق تعالی ملکی را بزمین فرستاد آن ملک میآمد تا رسید بدری که مردی بر در خانه
ایستاده بود و از صاحب خانه رخصت میطلبید که داخل خانه شود ملک
پرسید که با صاحب این خانه چکار داری گفت برادر مسلمان منست از
برای خدا بدیدن او آمده ام ملک گفت که هیچ مطلبی دیگر بغیر از این نداری گفت نه
ملک گفت من رسول خدایم بسوی تو و ترا سلام میرساند و میگوید بهشت را
واجب گردانیدم برای تو و میفرماید که هر مسلمانی که بدیدن مسلمانی برود چنان
که تو زیارت من آمده است و ثواب آن بر من بهشتست و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقولست که هر که بدیدن برادر مؤمن خود برود بخانه او حق تعالی او را خطاب
فرماید که تو مهمان منی و بزیارت من آمده و مهمان داری تو بر منست و بهشت را
برتو واجب گردانیدم بسبب آنکه دوست داشتی برادر مؤمن خود را و در حدیث
دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که مؤمنی که بیرون آید بعزم دیدن
برادر مؤمن خود خدا از برای او عالمیان ملکی باو موکل میگرداند که یک بالش را
بر زمین میگستراند و بال دیگر بر سرش سایه می افکند پس چون داخل خانه
آن مؤمن شود خداوند جبار او را ندا میکند که ای بنده که تعظیم حق مؤمن کردی
و متابعت آثار پیغمبر من نمودی لازمست بر من که ترا تعظیم کنم از من سؤال کن
که بتو عطا کنم و مرا بخوان تا اجابت دعای تو بکنم و اگر خواهی ساکت باش تا من
ابتدا برحمت بکنم پس چون برگردد ملک او را مشایعت کند و بال بر سر او داشته باشد

تا بخانه خود بر گردد پس حق تعالی او را ندا کند که ای بنده که حق مرا بزرگ شمردی
لازم است بر من که ترا گرامی دارم بتحقیق که بهشت را برای تو واجب گردانیدم و ترا
در حق بندگان خود شفاعت دادم و از حضرت صادق ع منقولست که بدیدن برادر
مؤمن رفتن از برای خدا بهتر است از ده بنده مؤمن آزاد کردن و هر که بنده مؤمنی را
آزاد کند حق تعالی هر عضوی از او را از آتش جهنم آزاد گرداند و در حدیث معتبر
منقولست که آنحضرت بداود بن سرحان فرمود که شیعیان ما را از من سلام برسان
و بگو خدا رحمت کند بنده را که با دیگری بنشیند و یاد کنند احادیث ما را که سیم
ایشان ملکیست که از برای ایشان استغفار میکند و هر گاه که با یکدیگر بنشینید
یاد ما و احادیث ما بکنید که زنده شدن ما همینست و بهترین شما مذهب ما احیای ما
زنده میشود و بهترین مردم بعد از ما کسیست که مذاکره احادیث ما بکند و ما را
یاد کند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بدیدن یکدیگر بروید در خانهای خود
که باعث زنده نمودن دین ما است خدا رحمت کند کسی را که مذهب ما را زنده بدارد و از حضرت
رسول ص منقولست که خوشا حال آنها که دوستی میکنند با یکدیگر برای خدا آنست که
حق تعالی در بهشت عمودی خلق کرده است از یاقوت سرخ و بر آن عمود هفتاد
هزار قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است که خدا خلق کرده است آنها را
برای کسانی که در دوستی با یکدیگر کنند و بدیدن یکدیگر بروند از برای خدا و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر که قادر باشد که با احسانی بکند بصالحان شیعیان
ما احسان کند تا ثواب احسان کردن بما در نامه عملش نوشته شود و هر که قدرت

بدیدن

بدیدن ما نداشته باشد بدیدن صالحان شیعیان ما برود تا ثواب دیدن
ما برای او نوشته شود و در حدیث معتبر منقولست از حضرت صادق علیه السلام
که هر که عیادت کند مسلمان بیماری را در آن روز هفتاد هزار ملک صلوات برو
فرستند اگر صبح باشد تا شام و اگر شام باشد تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که
هر که بیماری را عیادت کند هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند و برای او استغفار
کنند تا بخانه خود بر گردد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که مؤمنی را
عیادت کند در رحمت الهی فرو رود پس چون نزد او بنشیند رحمت او را احاطه کند
پس چون بر گردد حق تعالی هفتاد هزار ملک با او موکل گرداند که از برای او طلب
آمرزش کنند و بر او ترحم کنند و بگویند خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو
تا روز دیگر این وقت و عطا فرمایند زاویه در بهشت که سوار در آن چهل سال
بتازد و از حضرت صادق ع منقولست که هر مؤمنی که مؤمنی را در بیماری عیادت کند
از برای خدا حق تعالی با او موکل سازد ملکی را که در قبر او را عیادت کند و برای او
استغفار کند تا روز قیامت و در حدیث دیگر فرمود که هر که عیادت کند بیماری را
حق تعالی موکل سازد با او هفتاد هزار ملک که همیشه بخانه او آیند و در آنجا تسبیح
و تکبیر و تهلیل و تقدیس الهی گویند تا روز قیامت و نصف ثواب ایشان از برای
او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سزاوار آنست که کسی که بیمار شود برادران
مؤمن را اعلام کند که بعیادت او بیایند که آنها ثواب ببرند و او ثواب بیابد بجز
کردن آنها که اگر چنین کند ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود

و ده درجه برای او بلند شود و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع منقول
که چون کسی بیمار شود مردم را رخصت دهد که بعیادت او بیایند بدرستی که هیچ کس
نیست مگر آنکه او را دعای مستجابی هست و از حضرت صادق ع منقولست که کسی که
بعیادت برادر مؤمن برود از بیمار خود طلب دعا بکند که دعای او مانند دعای ملائکه است
و از حضرت صادق ع منقولست که در درد چشم عیادت نمی باشد و در اول بیماری
سه روز متوالی او را باید دید بعد از آن یک روز نه یک روز پس چون بیماری بطول
کشد او را با عیالش بباید گذاشت و عیادت نمی باید کرد و در حدیث دیگر فرمود
که چون بدیدن بیمار روید سیبی یا بهی یا ترنجی یا بوی خوشی یا عودی با خود ببرید
که بیمار بآن استراحت می یابد و در حدیث دیگر فرمود که از تمامی عیادت آنست
که دست بذراع بیمار بگذاری در وقت دعا کردن و زود برخیزی که عیادت احمقان
دشوارترست بر بیماران از درد او و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که
از عیادت کنندگان کسی ثوابش بیشتر است که زودتر برخیزد مگر آنکه بیمار او را نشستن
خواهد و از او سؤال کند که بنشیند

فصل هفتم

در اطعام مؤمنان و آب دادن ایشان و جامه پوشانیدن و پاس اعانتهای ایشان و یاری کردن مظلومان

از حضرت صادق ع منقولست که هر که مؤمنی را سیر کند بهشت او را واجب شود
و هر که کافری را سیر کند بر خدا لازم است که شکم او را از زقوم جهنم پر کند و در حدیث
دیگر فرمود که هر که سه نفر از مسلمانان را سیر کند حق تعالی از سه بهشت او را طعام
دهد جنة الفردوس و جنة عدن و درخت طوبی و در حدیث دیگر فرمود

که هر که مؤمنی را طعام دهد تا او سیر شود هیچ یک از خلق خدا ندانند که او را چه ثواب هست
نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر پروردگار عالمیان پس فرمود که از جمله چیزهایی که
آمرزش را واجب میگرداند طعام دادن مسلمان گرسنه است و از حضرت رسول ص
منقولست که هر که شربت آبی بمسلمانی بدهد در جایی که آب بهم رسد حق تعالی بهر شربتی
هفتاد هزار حسنه باو عطا فرماید و اگر او را آب دهد در جایی که آب کم یاب باشد
چنان باشد که ده بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و در حدیث حسن
منقولست که هر که طعام دهد برادر مؤمن خود را از برای خدا ثوابش مثل ثواب کسی باشد که صد هزار
کس از دیگران طعام داده باشد و در حدیث حسن دیگر فرمود که بسدیر صراف فرمود
که چه مانع میشود ترا که هر روز یک بنده آزاد کنی گفت مال من وفا نمیکند باین
که هر روز یک مسلمان را طعام بده که این ثواب از برای تو باشد پرسید که مال دار باشد یا پریشان
فرمود که مال دار هم گاه هست که خواهش طعام دارد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که یک لقمه
که برادر مسلمان تو بخورد بهتر است نزد من از یک بنده آزاد کردن و در حدیث
دیگر فرمود که هر که مؤمن محتاجی را طعام بدهد برابر است با یک بنده از فرزندان
اسمعیل که او را از کشتن آزاد کند و هر که مؤمن محتاجی را طعام بخوراند برابر است
با صد بنده از فرزندان اسمعیل که از کشتن آزاد کند و در حدیث دیگر فرمود که
چهار چیز است که هر که یکی از آنها را بجا آورد داخل بهشت شود کسی که تشنه را سیراب کرده
یا گرسنه را سیر کند یا برهنه را بپوشاند یا بنده را که در مشقت باشد آزاد کند و از حضرت
رسول ص منقولست که بهترین اعمال نزد حق تعالی سه چیزاست سیر کردن مسلمان گرسنه

یا قرض مسلمانان را ادا کردن یا عیبی از او برداشتن فرمود که خیر و برکت بخانه
که در آن طعام داده میشود زودتر میرود از رفتن کارد بکوهان شتر و از
حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقولست که هر که جائی زیادتی داشته
باشد و داند که برادر مؤمنش بآن محتاج است و بآن ندهد حق تعالی او را برو در
در آتش جهنم اندازد و هر که سیر بخوابد و نزدیک او مؤمنی گرسنه باشد حق تعالی فرماید
که شما را گواه میگیرم بر این بنده که من او را امر کردم و نافرمانی من کرده و اطاعت
دیگران کرده بدانید که او را بعمل خود گذاشتم و هرگز او را نیامرزم و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ایمان نیاورده است بمن کسی که سیر بخوابد و برادر
مسلمانش گرسنه باشد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که خانه داشته باشد
و مؤمنی محتاج شود که در آن خانه ساکن شود و او راضی نشود حق تعالی بملائکه
فرماید که بنده من بخل ورزید به بنده من بسبب سکنی در خانه او در دنیا بعزت
خود سوگند میخورم که هرگز او را در بهشت ساکن نگردانم و از حضرت رسول
منقولست که هر که دور کند از راه مسلمانان چیزی را که باعث آزار ایشان باشد
حق تعالی ثواب خواندن چهارصد آیه برای او بنویسد که بهر حرفی ده حسنه برای او
بنویسد و در روایت دیگر فرمود که بنده داخل بهشت شد بسبب خاری که از راه
مسلمانان برداشت و از حضرت صادق ع منقولست که نیکو چیزیست هدیه رسانیدن
پیش از آنکه حاجت را بگوید و فرمود که هدیه بیکدیگر بفرستید که هدیه کینهها را از
سینهها میبرد و فرمود که دایم گردانید هدیه دادن را بر یکدیگر از برای هدیه

که هدیه

که هدیه سه قسم است هدیه که در برابرش توقع نفع داشته باشی و هدیه که بعوض
رشوه و رشوت و هدیه که از برای خدا بی غرض دنیوی داشته باشی **فصل هشتم**

در حقوق فقرا و ضعیفان و مظلومان و پیران و اصحاب بلا و آداب معاشرت
ایشان در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فقرای مؤمنان
چهل سال پیش از توانگران ایشان در بهشت متنعم میشوند پس فرمود که برای تو مثلی
مثل زنم مثل فقیر و غنی مثل دو کشتی است که بعشاری بگذرند کشتی خالی را نظر
نمیکنند و نگاه نمیدارد و کشتی پر از بار را از برای حساب نگاه میدارد
و در حدیث دیگر فرمود که هر چند ایمان بنده زیاد میشود تنگی روزیش بیشتر
میشود و فرمود که اگر نه این بود که مؤمنان الحاح و مبالغه در دعای طلب روزی
میکردند هر آینه ایشان را بحالی تنگتر از اینکه دارند می انداخت و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فقر و درویشی امانتیست از خدا نزد خلقش
پس هر که آنرا پنهان دارد حق تعالی او را مثل ثواب کسی بدهد که روزها روزه
باشد و شبها بنماز ایستاده باشد و هر که آنرا اظهار کند نزد کسی که قادر باشد
بر بجا آوردن حاجت او و نکند بتحقیق که آن فقیر را کشته است نه بشمشیر و نیزه
بلکه بآن جراحتی که در دل او کرده است و از حضرت صادق ع منقولست که
حق تعالی در روز قیامت خطاب میفرماید بافقرای مؤمنان مانند کسی که معذرت
طلبد و میگوید که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که شما را در دنیا فقیر نکردم
برای خواری شما نزد من و امروز خواهید دید که با شما چه خواهم کرد هر که در دنیا
بشما نیکی کرده است دستش را بگیرید و داخل بهشت کنید پس یکی از ایشان گوید

که برود کار اهل دنیا نزد خوش شود خواهی که جامهای نرم پوشیدند
و طعامهای نیکو خوردند و در خانهای نیکو سکنی کردند و بر اسبان نفیس سوار
شدند پس امروز بمانم مثل آنها عطا فرمایم پس حق تعالی فرماید که بهر یک از شما
دادم مثل هفتاد برابر آنچه جمیع اهل دنیا داده ام از اول دنیا تا آخر دنیا
و در حدیث دیگر فرمود که مرد مالداری که جامهای پاکیزه پوشیده بود بنزد
حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و نشست پس مرد پریشانی که جامهای
چرکین پوشیده بود آمد و در پهلوی او نشست آن مالدار جامه خود را
از زیر ران او کشید حضرت رسول فرمود که آیا ترسیدی که از فقر او چیزی
بتو برسد گفت نه فرمود که ترسیدی که از توانگری تو چیزی باو برسد گفت نه
فرمود که ترسیدی که جامهات چرکین شود گفت نه فرمود که پس چرا چنین کردی
گفت که یا رسول الله مرا همنشین بدی هست از نفس و شیطان که هر بدی را
برای من زینت میدهد و هر نیکی را در نظر من بد میکند و من بتدارک این
کردم نصف مال خود را باو می بخشم حضرت به پریشان خطاب فرمود که
قبول میکنی گفت نه توانگر گفت که چرا قبول نمیکنی گفت میترسم که مثل تو شوم
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت بشخص پریشانی فرمود که آیا بازار
میروی و میوهها و چیزهای نفیس می بینی که قادر بر خریدن آنها نیستی گفت
بلی فرمود که هر چیزی که می بینی و قدرت بر خریدن آن نداشته باشی حسنه
برای تو نوشته میشود و در حدیث حسن دیگر از آنحضرت منقولست که
در روز قیامت گروهی از مردم برخیزند و بیایند تا در بهشت پس ملایکه با

ایشان

ایشان گویند که شما کیستید گویند مائیم فقیران ملائکه گویند که پیش از
حساب آمده اید به بهشت روید جواب گویند که چیزی بما نداده اید که ما را
بر آن حساب کنید حق تعالی فرماید که راست میگویند بروید به بهشت و از حضرت
امام موسی منقولست که حق تعالی میفرماید که من اغنیا را توانگر نکردانیده ام
برای آنکه ایشان گرامی بودند نزد من و فقیران را پریشان نکرده ام برای خواری ایشان
نزد من ولیکن توانگران را امتحان کرده ام بفقیران و اگر فقیران نمیبودند
توانگران هرگز مستوجب بهشت نمیشدند و از حضرت صادق منقولست
که هر که ذلیل و حقیر شمارد مؤمنی را برای پریشانی او حق تعالی او را در حضور
جمیع خلایق در قیامت رسوا کند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که
حق تعالی میفرماید که مهیای جنگ من باشد کسی که آزار کند بنده مؤمن مرا
و باید که ایمن باشد از غضب من کسی که گرامی دارد بنده مؤمن مرا و اگر از میان
مشرق تا مغرب نباشد مگر یک مؤمن با امام عادل هر آینه بعبادت ایشان مستغنی
شوم از جمیع آنچه خلق کرده ام در زمین و هر آینه هفت آسمان و هفت زمین
با ایشان برپا باشد و بگردانم از برای ایشان از ایمان ایشان انسی که محتاج نبودند
دیگر نباشد و در احادیث معتبره بسیار منقولست که حق تعالی میفرماید که هر
دوستی از دوستان مرا خوار کرد از برای آنست که بر روی من بجنگ ایستاده است
و من بیاری زود یاری میکنم دوستان خود را و از حضرت رسول منقولست
که ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را حقیر کند و در حدیث دیگر فرمود که

هر که مؤمنی را ذلیل کند خدا او را ذلیل کند و فرمود که حق تعالی مؤمن را
از عظمت و جلال و قدرت خود آفریده است پس هر که بر او طعن کند یا
او را رد کند بر خدا رد کرده است و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که
حقیر شمارید ضعیفان برادران خود را که هر که مؤمنی را حقیر شمارد خدا
او را با آن مؤمن در بهشت جمع نکند مگر آنکه توبه کند و از حضرت رسول
منقولست که با ژولیده موی گرد آلود که دو جامه کهنه پوشیده باشد اگر
بر خدا قسم دهد قسمش را رد نکند و حضرت صادق ع فرمود که کسی که با مردم
استهزا کند در محبت ایشان طمع نداشته باشد و فرمود که حقیر شمارید
مؤمن فقیر را که هر که حقیر شمارد مؤمن فقیر را یا استخفاف او کند خدا
او را حقیر شمارد و پیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که هر که اعانت کند بر آزار مؤمنی به نیم کلمه
روز قیامت در میان دو چشمش نوشته باشد که ناامید است از رحمت
الهی و از حضرت رسول ص منقولست که هر که گرامی دارد برادر مؤمن خود را
بیک کلمه از روی لطف یا حاجت او را برآورد یا غمی از او بردارد پیوسته
رحمت الهی بر او سایه انداخته باشد تا در کارسازی و مهربانی آن
مؤمن باشد پس فرمود که مؤمن را برای این مؤمن میگویند که مردم در جان
و مال خود از او ایمن اند و مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او
سالم باشند و مهاجر کسی است که از گناهان هجرت کند و هر که مؤمنی را

دستی بزند که او را بآن سبب ذلیل کند یا طپانچه بر روی او بزند یا چیزی
که نخواهد نسبت باو بجا آورد ملائکه پیوسته او را لعنت کنند تا او را
راضی کند و توبه کند پس زنهار که تعجیل مکنید در آزار مردم که شاید او
مؤمن باشد و شما ندانید و صبر و آهستگی و همواری بکنید که هیچ چیز
نزد خدا بهتر از نرمی و آهستگی نیست و در حدیث دیگر فرمود که هر که طپانچه
بر روی مسلمانی بزند حق تعالی در قیامت استخوانهایش را از هم بپاشد
و دست و در گردن غل کرده محشور شود تا داخل جهنم شود مگر آنکه توبه کند
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که دشنام دادن مؤمن گناه بزرگیست و با او
جنگ کردن کفر است و غیبت او کردن نافرمانی خداست و در حدیث معتبر
از حضرت صادق ع منقولست که هر که بترساند مؤمنی را بصاحب حکمی که از آزاری باو برساند
و نرساند او در آتش است و اگر بترساند و آزار باو برساند با فرعون و آل فرعون
در آتش و در احادیث معتبره از حضرت رسول ص منقولست که هر که بکشد کسی را
که قصد کشتن او کند او مؤمن نیست و کسی را که قصد زدن او کند ملعونست بلعنت خدا و در حدیث
دیگر فرمود که بحق خداوندی که جانم در قبضه قدرت اوست که اگر اهل آسمانها و زمین
همه جمع شوند بر کشتن مؤمنی یا راضی شوند بکشتن او همه را حق تعالی داخل جهنم
کند و بحق آن معبودی که جانم بدست قدرت اوست که هیچ کس کسی را بناحق
تازیانه نمیزند مگر آنکه در جهنم مثل آن تازیانه را بخورد و فرمود که هر که نظری کند
بمؤمنی که او را بآن نظر کردن بترساند خدا او را بترساند در روزی که بجز او پناهی نباشد

و او را در صورت مورچه محشور کرده اند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که لعنتی که از دهان شخصی بیرون می آید میگردد اگر صاحبش را می یابد آنجا قرار
میگیرد و اگر نه بگوینده اش بر میگردد و در حدیث دیگر فرمود که هر که طعنی بکند
در روی مومنی بمیرد به بدترین مردنها و سزاوارست که عاقبتش بخیر نباشد
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی با آنحضرت عرض کرد که چه میفرمایید در
امر مسلمانی که مسلمان دیگر بدیدن او بیاید و او در خانه باشد پس رخصت
بطلبد و او رخصت ندهد که داخل شود و خود بیرون نیاید فرمود که مسلمانی
که بدیدن مسلمانی بیاید یا برای کاری بیاید و او در خانه باشد و او را رخصت ندهد
و بیرون نیاید پیوسته در لعنت خدا باشد تا یکدیگر ملاقات کنند و از
حضرت صادق ع منقولست که هر مومنی که میان او و مومنی حجابی باشد که او
نتواند رسید حق تعالی در قیامت میان او و بهشت هفتاد هزار حصار قرار دهد
که غلظت هر حصاری هزار ساله راه باشد و از هر حصاری تا حصار دیگر هفتاد سال
راه باشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا ع منقولست که در زمان
بنی اسرائیل چهار نفر از مؤمنان بودند پس سه نفر ایشان در خانه مجتمع بودند برای
گفتگوی چهارم آمد در آن خانه را زد غلام بیرون آمد او پرسید که مولای
تو کجاست گفت در خانه نیست آنشخص برگشت و غلام رفت و بمولای خود
گفت که فلان شخص آمد و من با او چنین گفتم و برگشت او ساکت شد و پروا
نکرد و غلام را ملامت نکرد که چرا چنین گفتی و از برگشتن آن مرد آزرده نشدند

هیچ یک از ایشان و مشغول عرض خود شدند روز دیگر باز آن مرد بامداد بنزد
ایشان آمد دید که ایشان از خانه بیرون آمده اند و بجهت عرض خود بیرون میروند
بر ایشان سلام کرد و گفت من با شما بیایم گفتند بلی و عذر روز گذشته را
از او نخواستند زیرا که آن مرد پریشان و محتاج بود در اثنای راه ناگاه ابری
ظاهر شد گمان کردند که باران خواهد آمد سایه گرفتند چون ابر محاذی سر ایشان
شد منادی ندا کرد که ای آتش ایشان را بگیر منم جبرئیل رسول از جانب خدا ناگاه
آتشی آمد و آن سه نفر را ربود و آن مرد محتاج ترسان و حیران و متعجب ماند
پس بشهر برگشت و بخدمت حضرت یوشع آمد و آن خبر را نقل کرد حضرت
یوشع فرمود که خدا بر ایشان غضب کرد بعد از آنکه از ایشان راضی بودند بسبب آنچه
نسبت بتو بعمل آوردند و آن قصه را برای او نقل فرمود آن مرد گفت من ایشان را
حلال کردم و در گذشتم از آنچه کرده ایشان یوشع گفت که اگر پیش از آمدن عذاب
بود نفع میکرد اما الحال نفع نمیکند و شاید در قیامت ایشان را نفع دهد حلال
کردن تو و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر مومنی که یاری نکند
برادر مومن خود را و او قادر بر یاری کردن او باشد خدا او را در دنیا و آخرت
یاری نکند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حاضر نشود احدی از شما
در وقتی که حاکم ظالمی کسی را بزند یا بکشد یا ستم بر او کند هرگاه یاری او نکند زیرا
که یاری مومن بر مومن واجبست هرگاه حاضر باشد و در حدیث حسن از حضرت
صادق ع منقولست که شخصی از نیکان را در قبرش نشاندند پس با او گفتند که ما

صد تازیانه از عذاب الهی بر تو میزنیم گفت طاقت ندارم پس یکی کم کردند گفت طاقت
ندارم تا آنکه بیک تازیانه رسید گفت طاقت ندارم گفت چاره نیست از یکی
که بچه سبب تازیانه را بر من میزنید گفت باین سبب که روزی بی وضو نماز کردی
و بر ضعیفی گذشتی که بر او ظلم میشد و او را یاری نکردی پس تازیانه از عذاب خدا
بر او زدند که قبرش پر از آتش شد و در حدیث دیگر فرمود که چهار کسند که حق تعالی
در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان میافکند شخصی که کسی چیزی از او خریده باشد
و پشیمان شده و پس داده او قبول کند و کسی که بفریاد مضطری برسد و کسی که
بنده آزاد کند و کسی که عزبی را کدخدا کند و از حضرت رسول ص منقولست
که کسی که بفریاد برادر مؤمن خود برسد که او را از غصه یا غمی یا اندوهی بیرون
آورد حق تعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده درجه بلند کند و ثواب ده بنده آزاد
کردن با او کرامت فرماید و ده عذاب از او بردارد و ده شفاعت برای او در قیامت
مهیا کرده اند و از حضرت امام حسن عسکری ع منقولست که هر که ببیند بیچاره
در راهی که چهار پایش افتاده است و کسی بفریاد او نمیرسد پس بفریاد او برسد و او را
بچهار پای خود سوار کند و بارش را بردارد حق تعالی با او خطاب فرماید که خود را
بمشقت انداختی و نهایت سعی کردی در فریاد رسی برادر مؤمن خود برای تو مو کل
سازم ملکی چند که عدد شان زیاده باشد از جمیع آدمیان از اول دنیا تا آخر دنیا
و هر یک را آنقدر قوت باشد که آسمان باشد بر او برداشتن آسمانها و زمینها
تا بنا کنند برای تو در قصرهای بهشت و غرفها و بلند کنند برای تو درجات و چون

در بهشت در آیی از پادشاهان بهشت باشی و کسی که دفع کند از مظلومی
ضرر ظالمی را که خواهد ضرر رسیدن با او یا مال او برساند حق تعالی خلق کند بعدد
هر حرفی از کلمهای او و بعدد هر حرکتی از حرکات او و درنگی از درنگهای او
صد هزار ملائکه دفع کنند از او شیاطینی را که قصد کنند که او را گمراه کنند و بعدد آن
هر ضرر قلیلی که از او دفع کرده باشد صد هزار از خدمتکاران بهشت و صد هزار
از حوریان با او عطا فرماید که او را خدمت کنند و گرامی دارند و گویند که اینها هم
در برابر آن دفع کردن ضرر ایشان از بدن و مال برادر مؤمن و از حضرت رسول
منقولست که هر که حرمت مرد پیری را بشناسد پس او را تعظیم کند برای سفیدی موی
او را ایمن گرداند از ترس روز قیامت و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم کردن مؤمن
ریش سفید و فرمود که از ما نیست کسی که خردان ما را رحم نکند و پیران ما را تعظیم
نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که کفایت کند برای کوری حاجتی از حاجات دنیا را
و برای او در آن حاجت راه رود و سعی کند تا حاجت آن را برآورد حق تعالی او را بیزاری
دهد از نفاق و از آتش جهنم و هفتاد حاجت از حاجات دنیای او را برآورد
و پیوسته در رحمت الهی باشد تا برگردد و از حضرت صادق ع منقولست که کوری
چیزی را شنوانیدن بی آنکه دلتنگ شوی تصدقیست آسان و از حضرت
امام حسن عسکری ع منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که هر که قاید کوری
شود چهل گام بر زمین هموار وفا نمیکند بقدر روی زمین از آنان اگر تمام زمین را
پر کنند از طلا و اگر بسر راهش مهلکه باشد و او را از آن نجات دهد و بکند آنرا

دیگر از روی حسنات نیش گشاده تر از دنیا با به صد هزار مرتبه و بر همه گناهانش
زیادتی کند و همه را محو کند و او را با علای غرفهای بهشت رساند و از حضرت
رسول ص منقولست که بسیار نظر مکنید بسوی اصحاب بلا و آنها که خوره دارند که اندوهناک
میشوند و در حدیث دیگر فرمود که از کسی که خوره داشته باشد بگریزید چنانچه از
شیر میگریزید و با او سخن مگوئید مگر آنکه بقدر یک ذراع از او دور باشید
و از حضرت صادق ع منقولست که چون ایشان را ببینید از خدا عافیت
بطلبید و از مرض ایشان غافل مشوید که مبادا بشما سرایت کند و از حضرت
رسول ص منقولست که پنج کسند که بهمه حال از ایشان اجتناب میباید کرد
کسی که خوره داشته باشد و پیس و دیوانه و ولد الزنا و عرب بادیه نشین
و در حدیث دیگر فرمود که کم نظر کنید باهل بلا و نزد ایشان مروید و چون بایشان
بگذرید تند بگذرید که بشما نرسد آنچه بایشان رسیده است و در حدیث
موثق از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون شخصی را ببینی که
بلائی مبتلاست بگو الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و فضلنی
علیک و علی کثیر ممن خلق و آهسته بگو که او نشنود و در حدیث حسن از
آنحضرت منقولست که چون کسی از صاحبان بلا را ببینی سه مرتبه آهسته بگو که او
نشنود الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و لو شاء فعل که هر که چنین کند
هرگز آن بلا باو نرسد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر ع منقولست که
هر که مبتلائی را ببیند و این دعا بخواند هرگز آن بلا باو نرسد الحمد لله عدل

عنی

عنی ما ابتلاک به و فضلنی علیک بالعافیة اللهم عافنی مما ابتلیته به
و در روایت دیگر فرمود که این دعا بخواند اللهم انی لا اسخر و لا افخر و لکن
احمدک علی عظیم نعمائک علی و از حضرت رسول ص منقولست که چون
اصحاب بلا را ببینید حمد خدا بکنید و بایشان مشنوانید که باعث اندوه ایشان
میشود **فصل نهم** در رعایت حقوق مؤمنان در غیبت ایشان در حدیث
معتبر منقولست که شخصی بحضرت امام زین العابدین ع عرض کرد که فلان شخص شما را
گمراه و مبتدع میداند حضرت فرمود که حق همنشینی او را رعایت نکردی که سخن او را
بمن نقل کردی و حق مرا رعایت نکردی که چیزی که من نشنیده بودم از او بمن رسانیدی
همه ما را مرگ در پیش است و محشور خواهیم شد و وعده گاه همه قیامت و خدا میان
ما حکم خواهد کرد زنهار که غیبت مکن که نان خورش سگان جهنم است و در حدیث
معتبر از حضرت رسول ص منقولست که هر که ایمان بخدا و رسول دارد نه نشیند در مجلسی
که امامی را دشنام دهند یا غیبت مسلمانی کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که
غیبت کند مسلمانی را ثواب روزه و وضویش برطرف میشود و در روز قیامت از دهان او
بوی آید گنده تر از بوی مردار که اهل محشر همه در آزار باشند و اگر پیش از توبه بمیرد
حلال کرده باشد چیزی را که خدا حرام کرده است و هر که احسان کند ببرادر مومن
در مجلسی که غیبت او کنند و نگذارد که او را غیبت کنند حق تعالی هزار نوع از بدی را
در دنیا و آخرت از او رد کند و اگر رد نکند و قدرت بر رد غیبت او داشته باشد
مثل گناه آن غیبت کننده هفتاد برابر داشته باشد و از حضرت صادق ع

منقولست که هر که ببیند برادر مؤمن خود را که گناهی کند و دو گواه عادل بر او گواهی
ندهند که گناهی کرده است او از اهل عدالت است و گواهیش مقبولست هر چند در
واقع گناه کار باشد و هر که غیبت کند او را بگناهی که در او باشد او از دوستی
و یاری خدا بیرونست و در دوستی و یاری شیطان داخلست و بتحقیق که
خبر داد مرا پدرانش از رسول خدا که هر که غیبت کند مؤمنی را بچیزی که در او
باشد خدا میان ایشان در بهشت اجتماع نمی‌اندازد و هر که غیبت کند مؤمنی
بچیزی که در او نباشد عصمت میان ایشان بریده شود و غیبت کننده در جهنم
باشد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که برادر مؤمن خود بگوید آنچه چشم دیده
و گوش شنیده باشد از آنها خواهد بود که حق تعالی میفرماید که بدرستی که
آنانکه میخواهند که شایع شود گناهان بد در مؤمنان ایشان راست عذابی دردناک
در دنیا و آخرت و در حدیث دیگر فرمود که غیبت آنست که در برادر مؤمن
عیبی و گناهی بگوئی که خدا بر او پوشانیده است و بهتان آنست که در او
چیزی بگوئی که در او نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند برادر
مؤمن خود را بی آنکه دشمنی در میان ایشان باشد شیطان در نطفه او شریک
شده خواهد بود و در حدیث دیگر فرمود که سه خصلتست که در هر که باشد
چهار چیز برای او لازم میشود کسی که چون سخن گوید دروغ نگوید و چون با مردم
خلطه کند بر ایشان ظلم نکند و چون وعده کند بوعده خود وفا کند واجبست
که عدالت او در میان مردم ظاهر باشد و مروت او در میان ایشان هویدا باشد

و غیبت او بر ایشان حرام باشد و اخوت او بر ایشان واجب باشد و از حضرت
رسول منقولست که غیبت بدترست از زنا زیرا که زناکار توبه میکند و خدا
توبه اش را قبول میکند و غیبت کننده توبه اش مقبول نیست تا آنشخص او را حلال کند
و از حضرت صادق منقولست که برادران خود را یاد کنید هرگاه غایب باشند
از شما بر بهترین از آنچه دوست میدارید که شما را غایبانه یاد کنند و در حدیث دیگر
فرمود که چون فاسق علانیه گناه کند و پروا نکند او را حرمتی نیست و غیبت او
حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر منقولست که سه کسند که ایشان را
حرمتی نیست کسی که صاحب بدعت باشد و امام و پیشوائی ظالم کننده و فاسقی که
علانیه فسق کند و از حضرت رسول منقولست که هر که رد کند حرفی بدی را
که در عرض برادر مؤمنش گویند برای او بهشت واجب البته و در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر مرویست که هر که نزد او غیبت کنند برادر مؤمنش را
پس او را نصرت و یاری کند خدا او را در دنیا و آخرت یاری کند و اگر قادر باشد
که دفع آن غیبت از او بکند و یاری او در آن باب نکند و نکند خدا او را
در دنیا و آخرت و از حضرت امام حسن عسکری منقولست که هر که حاضر شود
در مجلسی که در آن مجلس کسی در عرض برادر مؤمن او افتاده باشد و صاحب
جاه و اعتبار باشد و آورد کند بر آن ظالم و عرض برادر مؤمن را نگاه دارد
حق تعالی برانگیزد ملائکه را که جمع میشوند نزد بیت المعمور برای حج و آنها
نصف ملائکه آسمانهایند و ملائکه کرسی و عرش را و ایشان نصف ملائکه

چند که ایشان همه او را نزد خدا مدح و ستایش کنند و از برای او از خدا
رفعت و منزلت و بلندی مرتبه او را سؤال کنند پس حق تعالی فرماید که من
واجب گردانیدم برای او بعدد هر یک از شما که مدح او میکنید مثل عدد جمیع شما
از درجات بهشت و قصرها و باغها و بستانها و درختان از آنچه خواهم که عقل
مخلوقی بآن احاطه نکرده باشد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که نقلی
بکند در مذمت مؤمنی برای آنکه عیب او را ظاهر کند و مردی او را در هم شکند
و او را از دیدهای مردم بیندازد خدا او را از دوستی و یاری خود بیرون کند
و در دوستی و یاری شیطان داخل کند و در احادیث معتبره منقولست که هر که
دو رو و دو زبان داشته باشد که در حضور مردم مدح ایشان کند و در غیاب ایشان
غیبت ایشان کند چون در قیامت محشور شود دو زبان از آتش داشته
باشد یکی در پیش رو و یکی در پشت سر و در محشر ندا کنند که این بود که در دنیا
دو رو و دو زبان داشت و در روایت دیگر منقولست که محمد بن فضیل بحضرت
امام موسی ع عرض کرد که شخصی از برادران مؤمن من چیزی از او بمن میرسد
که خوشم نمی آید پس از او سؤال میکنم او انکار میکند و حال آنکه جمعی از مردم
ثقه این خبر را بمن نقل کرده اند حضرت فرمود که چشم و گوش خود را
تکذیب کن در حق برادر مؤمن خود و اگر پنجاه کس شهادت بدهند و سوگند
یاد کنند و او خلاف آنها بگوید سخن او را تصدیق کن و آنها را تکذیب کن
و برای او چیزی را فاش مکن که موجب نقص و عیب او باشد و از حضرت

رسول ص منقولست که هر که کسی را رسوا کند در گناهی حیات که آن گناه را
خود کرده است و هر که مؤمنی را بچیزی سرزنش کند از دنیا نرود تا آن را خود بکند
و از حضرت علی بن الحسین ع منقولست که هر که خود را از بد گوئی در عرض مسلمانان
نگاه دارد خدا گناهانش در قیامت بیامرزد و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع
منقولست که هر که بهتانی بگوید برای مرد مؤمن یا زن مؤمنه بچیزی که در او
نباشد خدا او را در میان چرک و ریم زناکاران که در دیگهای جهنم جوشد نگاه
دارد تا آنکه از عهده گفته خود بدر آید و از حضرت امام موسی ع منقولست که
هر که برای کسی چیزی بگوید که مردم آن را دانند آن غیبت نیست و در حدیث معتبر
از حضرت صادق ع منقولست که اظهار شماتت و شادی مکن در بلائی که
در برادر مؤمن تو نازل شود که خدا او را رحم میکند و از او دفع میکند و بتو
میفرستد آن بلا را و فرمود که هر که شماتت کند بر مصیبت برادر مؤمن خود
از دنیا بیرون نرود تا بآن بلا مبتلا شود و در احادیث معتبره بسیار وارد
شده است که نزدیکترین احوال بنده بکفر آنست که کسی با مؤمنی برادری کند
و لغزشها و گناهانش را در خاطر نگاه دارد که یک روزی او را سرزنش کند بآنها
و از حضرت رسول ص منقولست که فرمود که ای جماعتی که بزبان مسلمان شده اید
و ایمان بدلهاشان نرسیده است مذمت مسلمانان مکنید و تفحص عیبهای
ایشان مکنید که هر که تفحص عیبهای مردم کند خدا او را رسوا کند اگر چه گناه
در میان خانه خود کرده باشد و حضرت صادق ع فرمود که هر که سرزنش

مؤمنی کند خدا او را در دنیا و آخرت رسوا کند و از حضرت رسول ص
منقولست که بدترین دروغها کمان بد بمردم بردنست و از حضرت
صادق ع منقولست که هر که متهم سازد برادر مؤمنش را ایمان در دلش
گداخته شود چنانچه نمک در میان آب گداخته میشود و از حضرت
رسول ص منقولست که فرمود که میخواهید خبر دهم شما را از بدترین شما گفتند
بلی یا رسول الله فرمود که آنها که در میان مردم سخن چینی را میبرند و در میان
دوستان جدایی می اندازند و از برای بیعیبان عیب میجویند و حضرت
امام محمد باقر ع فرمود که بهشت حرام است بر سخن چینان و از حضرت صادق ع
منقولست که دو شخص از دو کی از هم جدا نمیشوند مگر آنکه یکی مستحق بیزاری
و لعنت الهی میشود و بسیار باشد که هر دو مستحق شوند شخصی گفت که اگر یکی
مظلوم باشد چرا مستحق لعنت شود فرمود که از برای آنکه چرا نمی آید بنزد
آن دیگری که او را بدارد بصلهٔ و احسان و از بدی او درگذرد و از حضرت
رسول ص منقولست که آزردگی و جدایی بیشتر از سه روز نباشد و از حضرت
صادق ع منقولست که پیوسته شیطان در وجد و شادیست تا دو مسلمان از
یکدیگر آزرده اند و دوری میکنند و چون باهم ملاقات کنند زانوهایش
برهم میخورد و بندهایش جدا میشود و فریاد میکند که وا ویلاه چه بلا بود که
بر من آمد و از حضرت رسول ص منقولست که هر دو مسلمان که از هم دوری
کنند و سه روز بگذرد که صلح نکنند از اسلام بدر میروند و میان ایشان

دوستی

دوستی ایمانی بر طرف میشود پس هر یک زودتر با دیگری سخن بگوید زودتر
زودتر بهشت خواهد رفت **فصل دهم** در آداب معاشرت سلطان و قلیلی
از احوال ایشان بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که
بشیعیان خود فرمود که ای گروه شیعه گردنهای خود را ذلیل مکنید بترک
اطاعت پادشاه خود پس اگر عادل باشد از خدا بطلبید که او را باقی بدارد
و اگر ظالم و ستمکار باشد از خدا بطلبید که او را باصلاح آورد که صلاح
شما در صلاح پادشاه شماست و پادشاه عادل بمنزلهٔ پدر مهربانست از
برای او بخواهید آنچه از برای خود میخواهید و آن برای او مخواهید آنچه
از برای خود نمیخواهید و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست که خدا
رحمت کند کسی را که یاری کند پادشاه خود را بر نیکی کردن با او و از حضرت
صادق ع منقولست که هر که متعرض پادشاه ظالمی بشود و از او آزاری بد بیابد
خدا او را بر آن آزار ثواب ندهد و صبر او را روزی نکند و از حضرت
رسول ص منقولست که هر که مدح کند پادشاه ظالمی را و نزد او شکستگی و تذلل
کند برای طمع دنیا قرین او باشد در جهنم زیرا که حق تعالی میفرماید و لا ترکنوا
الی الذین ظلموا فتمسکم النار یعنی میل مکنید بسوی آنها که ظلم میکنند پس
مس میکند شما را آتش و فرمود که هر که دلالت کند ظالمی را بر ظلم در جهنم با
هامان و فرعون باشد و هر که از جانب ظالمی خصومت کند یا یاوری او نماید
در آن خصومت چون ملک موت بنزد او آید بگوید بشارت باد ترا بلعنت خدا

و آتش جهنم و هر که تابع باشد در دوست گرفتن پادشاه یا حاکم جابری باید
حق تعالی آن تابع را در قیامت اژدهائی کرداند از آتش که درازی آن
هفتاد ذراع باشد و مسلط گرداند آنرا بر او در جهنم و نهی فرمود از حاضر
شدن به سفره فاسقان و حضرت امیرالمؤمنین در وقت فوت وصیت
فرمود بحضرت امام حسن که دوست دار اهل صلاح را برای صلاح ایشان
و مدارا کن بظاهر با فاسقان و در دل دشمن ایشان باش و از حضرت
صادق منقولست که هر که دوست دارد بقای ظالمانرا دوست داشته است
که خدا را معصیت کند با خدا دشمنی کرده است علانیه و در حدیث دیگر فرمود
که حضرت عیسی با بنی اسرائیل میگفت که یاری مکنید ظالم را بر ظلمش که فضل
شما باطل میشود و از حضرت رسول منقولست که چهار چیز است که دلرا
فاسد میکند و نفاق را در دل میرویاند چنانچه آب درخت را میرویاند
شنیدن سازها و [illegible] و فحش گفتن و بدر خانه پادشاه رفتن
و از پی شکار رفتن و از حضرت صادق منقولست که نگاه دارید و حفظ کنید
دین خود را به پرهیزکاری از محرمات و تقیه تقویت دهید دین خود را باستغنا کردن
از خلفا و مستغنی شدن بخدا از طلب کردن حوایج از پادشاهان و بدانید
که هر مؤمنی که خضوع و شکستگی کند نزد صاحب سلطنتی یا کسی که مخالف او
باشد در دین خود برای طلب آن دنیایی که در دست او است خدا او را کم نام
کند و دشمن دارد او را و او را بخود بگذارد اگر چیزی از دنیای او بدستش آید

خدا برکت را از آن بر دارد و او را ثواب نه دهد اگر خرج کند در حج یا عمره
یا بنده آزاد کردن و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که چون
روز قیامت شود منادی از جانب حق تعالی ندا کند که کجایند ظالمان و مددکاران
ایشان و آنانکه دوات ایشانرا لیقه گذاشته اند یا سر کیسه برای ایشان بسته اند
یا مدد قلمی بایشان داده اند آنها را هم با ظالمان محشور کنید و در حدیث
معتبر دیگر فرمود که هیچ بنده بپادشاه نزدیک نمیشود مگر آنکه از خدا دورتر میشود
و هیچ بنده مالش زیاده نمیشود مگر آنکه حسابش دشوارتر میشود و هیچ بنده
اتباعش بسیار نمیشود مگر آنکه شیاطین او بیشتر میشوند و فرمود که زینهار
که احتراز کنید از در خانه پادشاهان و آنها که با پادشاه میباشند که نزدیکترین
شما بآنها دورترین شمایند از خدا و هر که پادشاه را بر خدا اختیار کند خدا
پرهیزکاری را از او بر دارد و او را حیران گرداند و در حدیث صحیح از حضرت
صادق منقولست که هر که معذور دارد ظالمی را در ظلم او خدا مسلط گرداند
بر او کسی را که ظلم بر او کند پس اگر دعا کند دعایش مستجاب نشود و خدا او را
بر آن ستم که میکشد ثواب نه دهد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که یاری
دهد ظالمی را بر مظلومی پیوسته حق تعالی بر او خشمناک باشد تا دست از
آن یاری بر دارد و در حدیث دیگر فرمود که در زمان حضرت موسی ع پادشاه
ظالمی بود که حاجت مؤمنی را بشفاعت بنده صالحی بر آورد پس آن پادشاه
و آن مرد صالح هر دو در یک روز مردند و مردم همگی بر جنازه آن پادشاه جمع شدند

ودرهای بازارها را ببندند برای مردن او تا سه روز و آن مرد صالح در خانهٔ
خود ماند تا کرمهای زمین روی‌ش را خوردند پس حضرت موسی ع بعد از
سه روز مرده آن مرد صالح را با اغلال مشاهده فرمود و گفت پروردگارا
آن دشمن تو بود و با آن اعزاز و اکرام او را برداشتند و این دوست تو و با اغلال
مانده است حق تعالی وحی فرستاد باو که یا موسی این دوست من از آن جبار
حاجتی سؤال کرد و او بر آورد او را مکافات دادم برای بر آوردن حاجت این
مؤمن و کرمهای زمین را بر روی این مؤمن مسلط کردم برای سؤالی که از آن جبار
کرده بود و در حدیث دیگر منقولست که سلیمن جعفری بحضرت امام رضا ع عرض کرد
که چه میفرمائید در کارهائی که مردم متکفل میشوند از جانب پادشاهان حضرت
فرمود که داخل شدن در اعمال ایشان و یاری ایشان کردن و سعی در حوایج
ایشان نمودن معادل کفر است و عمدا نظر بسوی ایشان کردن گناه کبیره است
و از حضرت امیر المؤمنین ص منقولست که هر که برود بنزد توانگری و نزد او شکستگی
کند برای توانگری او دو ثلث دینش میرود و در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که هر که برود بسوی پادشاه ظالمی و او را امر به پرهیزکاری
بکند و پند و نصیحت بگوید او را مثل ثواب جن و انس بوده باشد و از
علی بن ابی حمزه منقولست که گفت من دوستی داشتم از نویسندگان بنی امیه
با من بخدمت حضرت صادق علیه السلم آمد و عرض کرد که من در دیوان بنی
امیه کار میکردم و مال بسیاری بهم رسانیده ام حضرت فرمود که اگر نه

این بود

این بود که مردم برای بنی امیه کتابت میکنند و غنیمت برای ایشان جمع میکنند
و از برای ایشان جنگ میکنند و نزد ایشان حاضر میشوند هر آینه حق ما را
غصب نمیکردند آنشخص گفت که آیا مرا چاره هست حضرت فرمود که اگر بگویم
خواهی کرد گفت میکنم فرمود که هر چه کسب کرده در دیوان ایشان آنچه صاحبش را
میشناسی پس ده و آنچه نمیشناسی تصدق کن و اگر چنین کنی من ضامن بهشت
میشوم برای تو آنشخص ساعتی سر در زیر افکند پس گفت چنین میکنم علی بن
ابی حمزه گفت که آن جوان با ما بکوفه آمد و تمام مال خود را داد حتی جامهائی
که پوشیده بود و ما در میان خود مالی جمع کردیم و جامها برای او خریدیم
و خرجی برای او فرستادیم بعد از چند ماهی بیمار شد چون من بعیادتش
رفتم در حال جان کندن بود پس چشم گشود و گفت حضرت صادق علیه السلم
بضامنی خود وفا کرد این را گفت و مرد پس او را دفن کردیم و در سال دیگر
بخدمت آنحضرت رفتم چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که والله که
برای رفیق تو وفا بضامنی خود کردیم و از مفضل بن مزید که نویسندهٔ خلفا
بود و شیعه بود منقولست که بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که میدانید
خدماتی که من نزد این خلفا میکنم حضرت فرمود که اینها بهم رسانی بشیعیان
بدهد حق تعالی میفرماید که حسنات گناهان و سیئات را میبرد و در حدیث
معتبر منقولست که صفوان شتردار آمد بخدمت حضرت امام موسی علیه السلم
آمد حضرت فرمود که همه چیز تو خوبست بغیر از آنکه شترهای خود را بهرون الرشید

کرایه میدهی صفوان گفت که والله که من شتر خود را باو کرایه نداده ام برای
کار بیهوده یا شکار یا لهوی ولیکن از برای راه مکه باو کرایه داده ام و من
با او نمیروم و نوکران و غلامان خود را میفرستم حضرت فرمود که آیا
میخواهی که آنقدر زنده باشند که کرایه ترا بدهند گفت بلی فرمود که هر که
زندگی ایشان را خواهد از ایشانست و هر که از ایشانست از اهل جهنم است
و در حدیث دیگر منقولست که عبد الغفار بن القسم از حضرت امام محمد
باقر پرسید که چه میفرمائید در باب رفتن بدر پادشاه فرمود که خوب نمیدانم
برای تو گفت بسیار است که بشام میروم و گاه بدر ابراهیم پسر ولید میروم
حضرت فرمود که رفتن بدر پادشاه و حکام باعث سه چیز میشود
اول محبت دنیا دوم فراموشی مرگ سیم راضی نبودن بانچه خدا ترا
روزی کرده است گفت یا ابن رسول الله من مرد عیالدارم و بتجارت میروم
بآنجا برای منفعت حضرت تجویز این فرمود و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که هر که راضی باشد بحکم پادشاه ظالمی و اعانت او کند از
دوستان او خواهد بود و از حضرت رسول ص منقولست که دو صنف
از امت من که صلاح ایشان موجب صلاح تمام امت است و فساد
ایشان موجب فساد امت فقیهان و پادشاهان و حضرت صادق ع
فرمود که امید نجات دارم برای هر که اعتقاد بامامت داشته باشد
از این امت مگر سه کس صاحب استیلائی که ظلم کند بر رعیت خود دوم کسی

که در دین

که در دین بدعت کند و کسی که علانیه فسق کند و فرمود که سه کس‌اند
که هر که با ایشان منازعه کند ذلیل میشود عالم و پدر و پادشاه
و قرض خواه و از حضرت رسول صلی الله منقولست که بیوفاترین و کم دوست‌ترین
از همه کس پادشاهانند و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که هر که
حکومت مردم اختیار کند و عدالت کند و در خانه خود را بگشاید و پرده
برندارد که هر کس داد خواه باشد و باحوال همه مردم برسد بر خدا
لازم است که ترس او را در قیامت بایمنی مبدل کند و او را داخل بهشت
و در حدیث دیگر فرمود که چون حق تعالی خیر رعیتی را خواهد پادشاه
مهربانی بر ایشان مسلط میگرداند و برای او وزیر عادلی میسر میگرداند
و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خداوند
عالمیان میفرماید که منم پروردگاری که بغیر من خداوندی نیست آفریننده
پادشاهان و دلهای ایشان بدست منست پس هر گروهی که اطاعت من
بکنند دلهای پادشاهان بر ایشان رحمت میگردانم و هر گروهی که
معصیت من بکنند دلهای پادشاهان بر ایشان غضب میگردانم پس
مشغول مگردانید خود را بدشنام دادن پادشاهان و توبه کنید بسوی من
تا دلهای ایشانرا بر شما مهربان گردانم و در حدیث دیگر فرمود که چون حق تعالی
بهشت را خلق نمود فرمود که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که داخل بهشت نمیکنم
کسی را که همیشه شراب خورد و سخن چینان و [illegible] و نه ظالمان را و

و شکافندگان قبرها را و حق تعالی جباران که عشور از مردم میگیرند و قطع کنندگان
رحم را و کسی که مجور(؟) باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که بناحق سر کرده
جماعتی شود بر ایشان استیلا یابد حق تعالی او را در کنار جهنم باز دارد به ازای هر روزی
هزار سال و چون محشور شود دستهایش در گردن بسته باشد پس اگر بامر
خدا در میان ایشان عمل کرده باشد خدا او را رها کند و اگر ظلم بر ایشان کرده
باشد او را بجهنم اندازد و از حضرت صادق منقولست که هر که والی مسلمانان
شود و ایشان را ضایع گذارد و باحوال ایشان نپردازد خدا او را ضایع بگذارد
و رحمت خود را از او باز گیرد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر والی
که مردم را ممنوع سازد از آنکه کارهای خود را باو عرض کنند حق تعالی در قیامت
حاجات او را بر نیاورد و اگر چیزی بعنوان هدیه بگیرد خیانت کرده است و اگر غنیمت
دزدی کرده است که بیت المال و اگر رشوه بگیرد خیانت کرده بحد
شرک آورده باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
حق تعالی وحی نمود بسوی یکی از پیغمبران که در مملکت پادشاه جباری بود
که برو و بآن پادشاه جبار بگو که من ترا پادشاه نکرده ام که خون مردم را بریزی
و مالهای ایشان را بگیری بلکه ترا پادشاه کرده ام که صداهای مظلومان را
از من باز گیری بدرستیکه من ترک بازخواست ستمها که بر ایشان شود نمیکنم
هر چند کافر باشند و از حضرت امام محمد باقر منقولست که در جهنم کوهی هست
که آنرا صعدا میگویند و در آن کوه وادی هست که آنرا سقر میگویند و در آن

وادی چاهی هست که آنرا هبهب میگویند هر گاه پرده آن چاه را بر میدارند اهل جهنم
از گرمی او بفریاد می آیند و آن چاه جای جباران است و در روایت دیگر منقولست
از محمد بن اسمعیل بن بزیع که حضرت امام رضا ع فرمود که خدا را در درگاه
پادشاهان جماعتی هست که خداوند حق را با ایشان ظاهر نموده و ایشان را استیلا
بر شهرها داده است که بسبب ایشان از دوستان خود ضررها و ستمها را دفع کند و برکت
ایشان باصلاح آورد امور مسلمانان را و مؤمنان در حالهای بد با ایشان پناه
می برند محتاجان شیعیان ما با ایشان متوسل میشوند و با ایشان خدا ترس
مؤمنان را ایمنی میدهد در مملکت ظالمان ایشانند مؤمنان بحق و ایشانند
و ایشانند امینان خدا در زمین و نور ایشان روشنی میدهد اهل آسمانها را
چنانچه ستارها روشنی میدهند اهل زمین را و در قیامت نور ایشان عرصه
محشر را روشن میکند و ایشان برای بهشت خلق شده اند اگر خواهی که از ایشان
باشی شاد گردان مؤمنان از شیعیان ما را و در حدیث صحیح از حضرت
امام موسی ع و در حدیث معتبر از رسول خدا ص منقولست که هر که برساند به پادشاه
حاجت کسی را که نتواند حاجت خود را باو رساند حق تعالی پاهایش را در قیامت
بر صراط ثابت گرداند و در حدیث معتبر منقولست که حمیری عریضه نوشت
بحضرت صاحب الامر صلوات الله علیه که جمعی هستند که متصدی اوقاف
و حلال میدانند تصرف در آنها را و پروا نمیکنند و صرف میکنند و من گاهی در ده
او وارد میشوم و اگر طعام او را نخورم با من عداوت میکنند و گاهی هر دو هم

برای من بفرستد حضرت در جواب نوشتند که اگر این مرد مالی و معاشی
بغیر از چیزی در دست از وقف دارد طعامش را بخور و احسانش را قبول کن و اگر
بغیر آن مال حرام چیزی ندارد طعامش را مخور و مالش را قبول مکن و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که سه دعاست که از درگاه خدا رد نمیشوند دعای
پدر برای فرزند نیکوکار و نفرین او برای فرزند بدکردار و نفرین مظلوم
بر ظالم و دعای مظلوم برای کسی که انتقام از ظالم برای او بکشد و دعای مؤمن
برای مؤمنی که از برای دوستی اهل بیت او را بمال خود اعانت کند و نفرین
مؤمن بر کسی که اعانت او نکند با قدرت و احتیاج آن مؤمن باو و از حضرت
رسول صلعم منقولست که حق تعالی میفرماید که غضب من سخت و شدید است
بر ظالمی که ظلم کند بر کسی که یاوری بجز من نیابد و در حدیث دیگر منقولست که
که حق تعالی میفرماید که من مستجاب نمیکنم دعای کسی را که مظلمه از کسی نزد او
باشد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که ظلم کننده
و یاری کننده او بر ظلم و کسی که راضی بآن ظلم باشد هر سه در گناه شریکند
و از حضرت صادق ع منقولست که هر که ظلمی بر کسی بکند حق تعالی بر انگیزد
کسی را که مثل آن ظلم را نسبت باو یا فرزندان او یا فرزندان فرزندان او بکند
و در حدیث دیگر فرمود که هر که حق مؤمنی را حبس کند حق تعالی او را در قیامت
پانصد سال بر پا بدارد تا آنکه از عرقش رودخانها جاری شود و منادی ندا
کند که اینست ظالمی که حق خدا را حبس کرده است پس چهل روز او را در [illegible]

کند

کند میفرماید که او را بجهنم برند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که بهترین جهادها آنست که چون کسی صبح کند ظلم بر کسی در خاطر
نداشته باشد **فصل یازدهم** در آداب معاشرت با کافران و مخالفان
در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست مؤمن را
که با کافران اهل ذمه شراکت کند یا امانتی بایشان بدهد که برای او چیزی
بخرند یا چیزی بایشان بسپارد یا دوستی با ایشان بکند و در حدیث صحیح دیگر
از حضرت امام موسی ع منقولست که مسلمان نباید که با گبر در یک کاسه
چیزی بخورد یا با او در یک فرش بنشیند یا با او مصاحبت کند و در حدیث
صحیح دیگر فرمود که اگر محتاج شوی بطبیبی ترسا باکی نیست که باو سلام کنی
و او را دعا کنی که دعای تو نفعی باو نمیرساند و از حضرت رسول صلعم منقولست که
ابتدا مکنید اهل کتاب را بسلام و چون ایشان بر شما سلام کنند علیکم بگوئید
در جواب ایشان و با ایشان مصافحه مکنید و ایشان را بکنیت نام مبرید مگر آنکه
بایشان مضطر شوید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع عرض کرد
که من ببلاد کافران میروم و مردم میگویند که اگر آنجا بمیری با آنها محشور خواهی
شد حضرت فرمود که اگر آنجا بمیری تنها محشور خواهی شد و نور تو در قیامت
در پیش روی تو خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند که ما از برای
جهودان و ترسایان چگونه دعا کنیم فرمود که بگوئید بارک الله لک فی دنیاک
یعنی برکت دهد خدا از برای تو در دنیای تو و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی با

مصافحه کنی از زیر جامه مصافحه کن و اگر دست بدست او برسد دست را بشوی
و در حدیث دیگر فرمود که اگر با اهل ذمه یعنی جهودان و ترسایان و گبران مصافحه
کنی دست را بخاک یا بدیوار بمال و اگر با دشمن اهل بیت مصافحه کنی دست را بشوی
و مشهور میان علما آنست که آن دست بخاک یا دیوار مالیدن در صورتیست
که دست مسلمان و ایشان هیچ یک تر نباشد و در حدیث صحیح از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که هر که جهود یا ترسا یا گبر را ببیند بگوید الحمد لله
الذی فضلنی علیک بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد نبیا و بعلی
اماما و بالمؤمنین اخوانا و بالکعبة قبلة خدا میان او و آن کافر در جهنم
جمع نکند و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که تقیه سپر ایمانست
و ایمان ندارد کسی که تقیه نمیکند و فرمود که نه عشر دین در تقیه است و از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که تقیه در بلاد مخالفان
کردن واجبست و کسی که از روی تقیه قسم بخورد برای آنکه دفع ضرری از
خود بکند بر او گناه و کفاره نیست و حضرت امام موسی ع فرمود که گرامی
ترین شما نزد خدا کسی است که تقیه بیشتر کند و از حضرت صادق ع منقولست
که دین را حفظ کنید و پنهان دارید بتقیه کردن از مخالفان بدرستی که شما
در میان ایشان از بابت مگس عسلید در میان پرندگان اگر مرغان بدانند
که عسل در شکم آنهاست یکی از آنها نمیگذارند و اگر سنیان بدانند که محبت
ما در سینه شماست هر آینه همه شما را هلاک کنند و حضرت امام رضا ع

فرمود

فرمود که کسی که تقیه را ترک کند چنانست که نماز را ترک کند پس آنکه تقیه
در بلاد مخالفان و سنیان واجبست هر گاه بیم ضرری باشد بآنکه اظهار دین
خود نکند بلکه دین ایشان را اظهار بکند و در وقتی که ایشان مطلع باشند مخفی
واقع نتوان ساخت وضو و نماز و سایر عبادات را بطریق ایشان بعمل آورند
و آدمی خود بهتر میداند که در چه وقت خوف ضرر هست و تقیه لازم است
و تقیه در بلاد شیعه و سنی در امری که آدمی ظن ضرر داشته باشد لازم است
مگر در خون که در آن تقیه نمیباشد مثل آنکه گویند کسی را بکش و اگر نه ترا
میکشیم باید که خود کشته شود و او را نکشد **فصل دوازدهم** در بیان حقوق
مردگان بر زندگان بدانکه چون بر کسی آثار موت ظاهر شود اول کسی که باید بحال او
بپردازد آن شخص خودش است که سفر ابدی آخرت در پیش دارد و برای آن سفر توشه
میباید پس اول چیزی که او را ضرورست اقرار بگناه و اعتراف بتقصیر و ندامت
از گناهها و توبه کامل کردن و تضرع و زاری بجناب مقدس ایزدی کردن
که از گناهان گذشته او در گذرد و در احوال و اهوالی که در پیش دارد او را
بخود و دیگران نگذارد پس متوجه وصیت شود و حقوق خدا و خلق را که در
ذمه او باشد ادا کند و بدیگران نگذارد که بعد از مردن اختیار از دست
بدر رود و بحسرت در اموال خود نگرد و شیاطین جن و انس وسوسها کنند
اوصیا و وارثان او مانع شوند که ذمه او را بری سازند و او را چاره نباشد
و گوید که برگردانید مرا آنقدر که اعمال شایسته خواهم در مال خود بکنم

واز او نشوند و حسرت و ندامت سود نبخشد پس بقدر ثلث مال خود از
برای خویشان و تصدقات و خیرات و بغیر مناسب حال خود داند وصیت
کند که زیاده از ثلث را اختیار ندارد پس ابرای ذمه از برادران مؤمن خود
بطلبد و هر کرا که غیبت کرده باشد یا امانتی یا آزاری باو رسانیده
باشد اگر حاضر باشد از ایشان کند که اورا حلال کنند و اگر حاضر نباشند
از برادران مؤمن التماس کند که برای او ابرای ذمه بخواهند پس امور اطفال
و عیال خود را بعد از توکل بجناب مقدس الهی بامینی بگذارد و وصی برای
اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را مهیا کند و از شهادتین و عقاید
حق و اذکار و ادعیه و آیات که در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله
گنجایش ذکر آنها ندارد بتربت حضرت امام حسین ع بنویسد که بنویسند
و این در صورتیست که چندان غافل شده باشد و کفن را مهیا نکرده باشد و اگر
مؤمن بباید که همیشه کفنش مهیا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت
صادق ع منقولست که هر که کفنش با او باشد در خانه اش اورا از غافلان
ننویسند و هرگاه که نظر کند بآن کفن ثوابی یابد و باید که بعد از آن در فکر
زن و فرزند و مال نباشد و متوجه جناب مقدس ایزدی شود و بیاد او باشد
و تفکر کند که این امور فانی بکار او نمی آید و بغیر لطف و رحمت پروردگار
در دنیا و آخرت چیزی بفریاد او نمیرسد و بآنکه چون توکل بر حق تعالی کند
امور بازماندگان او باحسن وجوه صورت خواهد یافت و بآنکه اگر خود

باقی بماند بدون مشیت الهی نفعی بایشان نمیتوانند رسانید و ضرری از
ایشان دفع نمیتوانند کرد و آن خداوندی که ایشانرا آفریده است از او بایشان
مهربانتر است و باید که در آنحال در مقام رجا و امید باشد و از رحمت الهی
بسیار امیدوار باشد و از شفاعت رسول خدا و حضرت ائمه معصومین
علیهم السلام امید عظیم داشته باشد و منتظر قدوم ایشان باشد و بداند که
همگی در آنوقت حاضر میشوند و شیعیان خود را بشارتها میدهند و ملک
الموت را سفارش میکنند و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست
که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت نقصان عقل و مروت
اوست گفتند یا رسول الله چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفات
او شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید اللّٰهُمَّ فاطِرَ السَّمٰواتِ وَ الْأَرْضِ
عالِمَ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِیمَ اِنِّی اَعْهَدُ اِلَیْکَ اَنِّی اَشْهَدُ
اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَکَ لا شَرِیکَ لَکَ وَ اَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللّٰهُ
عَلَیْهِ وَ آلِهِ عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ وَ اَنَّ السّاعَةَ آتِیَةٌ لا رَیْبَ فِیها وَ اَنَّکَ
تَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ وَ اَنَّ الْحِسابَ حَقٌّ وَ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ ما
وَعَدَ اللّٰهُ فِیها مِنَ النَّعِیمِ مِنَ الْمَأْکَلِ وَ الْمَشْرَبِ وَ النِّکاحِ حَقٌّ وَ اَنَّ
النّارَ حَقٌّ وَ اَنَّ الْاِیمانَ حَقٌّ وَ اَنَّ الدِّینَ کَما
وَصَفْتَ وَ اَنَّ الْاِسْلامَ کَما شَرَعْتَ وَ اَنَّ الْقَوْلَ کَما قُلْتَ وَ اَنَّ
الْقُرْآنَ کَما اَنْزَلْتَ وَ اَنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبِینُ وَ اِنِّی اَعْهَدُ اِلَیْکَ

في دار الدنيا اني رضيت بك ربا وبالاسلام دينا وبمحمد صلى الله عليه
وآله نبيا وبعلي اماما وبالقرآن كتابا وان اهل بيت نبيك
عليه وعليهم السلام ائمتي اللهم انت ثقتي عند شدتي ورجائي
عند كربتي وعدتي عند الامور التي تنزل بي وانت وليي
في نعمتي والهي واله آبائي صل على محمد وآله ولا تكلني الى نفسي
طرفة عين ابدا وآنس في قبري وحشتي واجعل لي عندك عهدا يوم
القاك منشورا پس حضرت رسول صلى الله عليه وآله فرمود كه اين عهد ميان
ميت است با خدا در روزی كه ميخواهد وصيت كند و وصيت لازم
و واجب است بر هر مسلمانی پس حضرت صادق ع بعد از نقل اين حديث
فرمود كه تصديق اين سخن در سوره مريم هست كه حق تعالی ميفرمايد
كه لا يملكون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا يعنی در قيامت
مالك شفاعت نيستند مگر كسی كه گرفته باشد نزد پروردگار بخشنده عهدی
و اين آن عهد است و حضرت رسول ص بحضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه
فرمود كه اين وصيت را تو ياد گير و بياد اهل بيت خود و شيعيان خود بده
چنانچه جبرئيل تعليم من نمود و اگر صحيفه خود را پيشتر درست نكرده باشد
جمعی از مؤمنان را حاضر كند و بر اعتقادات خود ايشان را گواه بگيرد بآن نحو
كه بگويد بسم الله الرحمن الرحيم اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله صلى الله عليه وآله وان

الجنة حق وان النار حق وان الساعة آتية لا ريب فيها
وان الله يبعث من في القبور پس بنويسد باين نحو بسم الله
الرحمن الرحيم شهد الشهود المسمون في هذا الكتاب ان اخاهم
في الله عز وجل فلان بن فلان و نام خود و پدر خود را بنويسد
اشهدهم واستودعهم واقر عندهم انه يشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شريك له وان محمدا صلى الله عليه وآله عبده
ورسوله وانه سيد جميع الانبياء والرسل عليهم السلام وان
عليا ولي الله وامامه وان الائمة من ولده ائمته وان
اولهم الحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر
بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي
بن محمد والحسن بن علي والقائم الحجة عليهم السلام وان
الجنة حق والنار حق والساعة آتية لا ريب فيها وان الله
يبعث من في القبور وان محمدا صلى الله عليه وآله رسوله
جاء بالحق وان عليا ولي الله والخليفة من بعد رسول الله
صلى الله عليه وآله ومستخلف في امته مؤديا لامر ربه
تبارك وتعالى وان فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله
وابنيها الحسن والحسين ابنا رسول الله صلى الله عليه وآله
واماما الهدى وقائدا الرحمة وان عليا ومحمدا وجعفرا وموسى

وعلیاً و محمداً و علیاً و حسناً و الحجة علیهم السلام ائمتی وقادتی
ودعاتی الی الله عز و جل و حجة علی عباده پس بگوید بگواهان که
نامشان در آن صحیفه نوشته خواهد شد یا فلان و یا فلان و یا فلان
و نامشان را بگوید اثبتوا لی هذه الشهادة عندکم حتی تلقونی
بها عند الحوض پس گواهان با او بگویند یا فلان استودعک الله
والشهادة والاقرار والاخاء وموعود عند رسول الله صلی الله
علیه و آله و نقرء علیک السلام و رحمة الله و برکاته پس صحیفه را
بپیچند و مهر کنند بمهر آن شخص خود و بمهر گواهان و از جانب راست
با جریده بگذارند و از حضرت رسول ص منقولست که هر شخصی از انصار
در وقت جان کندن حاضر شدند و از او پرسیدند که خود را چون می یابد
گفت امیدوار رحمت الهی دارم و از گناهان خود می ترسم فرمود که این
دو حالت در این وقت در دل کسی نباشد مگر آنکه خدا امیدش را بدهد
و از آنچه می ترسد او را ایمن میگرداند و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت رسول ص حاضر شدند نزد شخصی که در حال احتضار بود و فرمودند
که بگو اللهم اغفر لی الکثیر من معصیتک واقبل منی الیسیر من
طاعتک و اما آنچه تعلق بخویشان و برادران مومنان است باید که او را
در چنین حالت تنها نگذارند و نزد او قرآن و دعا بخوانند و سوره یس
و والصافات نزد او بخوانند و اعتقاد بوحدانیت خدا و رسالت حضرت

رسول ص و امامت ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و سایر
اعتقادات حق را از بهشت و دوزخ و صفات کمالیه الهی و تنزیه خدا
از نقایص مکرر بگویند و اگر تواند که گفت بر او بخوانند و دعای عدیله را
بر او بخوانند و معیشت را اگر عربی نداند بر او تلقین کنند و پایش را
بسوی قبله کنند و در آن وقت حایض نزد او نیاید که ملائکه از آن
نفرت میکنند و اگر کسی دیگر حاضر نباشد برای اضطرار نزد او باشند و چون
نزدیک شود که جانش بیرون رود از آنجا بیرون روند و در احادیث معتبره
وارد شده است که اگر جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند بآنجا که
همیشه نماز میکرده است یا بر روی جانمازی که بر او نماز میکرده است او را
بخوابانند که امید هست شفا می یابد و اگر نه جانش باسانی بیرون
می آید و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
داخل شدند بر شخصی از فرزندان عبد المطلب و او در حال اضطرار بود
فرمودند که روی او را بسوی قبله کنید تا ملائکه با او رو آورند و رحمت
الهی متوجه او گردد و از حضرت امام رضا ع منقولست که زنهار که در حال
احتضار دست بر او نگذارید و اگر دست بمانند مانعش شود چنانچه
جاهلان میکنند و نزد او قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر رسول
و آل او بفرستید و در حدیث دیگر منقولست که فرزندی از حضرت امام جعفر
در حال احتضار بود و حضرت امام محمد باقر ع در کنار خانه نشسته بودند

وهرگاه کسی نزد بابا و میرفت منع میکردند و میفرمودند که دست بر او
مگذارید که او در اشغال در نهایت ناتوانیست و هرکه دست بر او میگذارد
چنانست که او را کشته است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که تلقین کنید مردگان خود را که لا اله الا الله بگویند
که هرکه آخر سخنش لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث دیگر
فرمود که لا اله الا الله تلقین ایشان بکنید که گناهان را درهم میشکند و در
حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هرگاه کسی را در وقت
جان کندن بیابید این کلمات فرج را تلقین کنید که او بگوید لا اله الا الله
الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب
السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب
العرش العظیم والحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر منقولست که
هرکه از اهل خانه حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه محتضر میشد
حضرت کلمات فرج را تلقین ایشان میفرمود که بخوانند و میفرمود که برو
که دیگر بر تو باکی نیست و در حدیث حسن دیگر منقولست که حضرت رسول
بنزد شخصی از بنی هاشم حاضر شدند در حال جان کندن و فرمودند که این
کلمات را بخوان چون خواند گفتند الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات
داد و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ کس نیست
مگر آنکه شیطان جمعی از شیاطین را موکل میگرداند بر او در وقت

مردن که او را بشک اندازند در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر کسی
مؤمن کامل باشد تمسک نجوید به ایشان نداشتند پس در آن حال تلقین ایمان
بکنید کلمات فرج و شهادتین و اقرار با ائمه علیهم السلام یک یک تا از گفتن
باز ماند و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی در وقت مردن اقرار بامامات
ائمه معصومین علیهم السلام بکند و بر تشیع با اعتقاد کند آتش جهنم بهیچ عضو
او نرسد و در حدیث دیگر فرمود که شخصی را مرگ در رسید و حضرت
رسول الله نزد او حاضر شد با جماعتی از اصحاب و او بیهوش بود پس حضرت
فرمودند که ای ملک الموت دست از او بردار تا از او سؤال کنم پس آن شخص
بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز میبینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی
بسیاری بینم فرمود که کدام یک بتو نزدیکترند گفت سیاهی حضرت فرمود که بگو
اللهم اغفر لی الکثیر من معاصیک واقبل منی الیسیر من طاعتک
پس آن شخص بیهوش شد باز ملک موت فرمود که دست از او بردار پس او
بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز میبینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی
بسیاری بینم فرمود که کدام یک بتو نزدیکتر است گفت سفیدی حضرت فرمود
که او را آمرزیدند پس حضرت صادق ع فرمود که هرگاه نزد شخصی حاضر شوید در اشغال
که این دعا را بخوانید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله نزد جوانی حاضر شدند در وقت مردن و با او گفتند بگو لا اله
الا الله او زبانش بسته شده بود نتوانست گفت حضرت پرسیدند از زنی

که به بالین او نشسته بود که این حالی دارد گفت من اینها را دیدم فرمود که
آنها از او خوشنود شود یا بر او غضبناکی گفت خوش حالت که با او سخن بگفتم
فرمود که از او راضی شو گفت راضی شدم پس حضرت بآن جوان گفت
که بگو لا اله الا الله زبانش گشوده شد و گفت پس حضرت از
او پرسید که چه چیز می بینی گفت مردی سیاه بدرو بد بوی بد جامه کریه را
می بینم که نزدیک منست و گلوی مرا گرفته بود حضرت فرمود که بگو یا من
يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ
إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ چون آن جوان این دعا را خواند حضرت
فرمود که چه چیز می بینی گفت مردی سفید روی خوش روی خوشبوی خوش
جامه را می بینم که نزدیک منست و آن مرد سیاه میرود فرمود که باز دیگر این دعا را
بخوان چون خواند فرمود که چه چیز می بینی گفت آن سیاه را نمی بینم و سفید را می بینم
که نزدیک منست این گفت و فوت شد پس چون فوت شود شخصی مستحب است
که دهانش را برهم کنند و چانه اش را بربندند و چشمش را برهم کنند و
دستهایش را بر پهلوهایش بکشند و جامه بر رویش بپوشانند و قرآن
نزد او بخوانند و دفن بر داشتش و از حضرت صادق ع منقولست
که سزاوار آنست که برادران مومن را خبر کنند بمردن او تا بجنازه
او حاضر شوند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میت
ثواب برد و ایشان ثواب برند و در حدیث حسن از حضرت صادق ع

منقولست

منقولست که چون مومن را بقبر گذارند ندا کنند او را که اول عطای که ترا
دادیم بهشت بود و اول عطای که دادیم آنها را که بجنازه تو آمدند آمرزش
گناهان بود و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفه که بمومن میدهند در قبر
آنست که می آمرزند هر کس که همراه جنازه او بوده است و در حدیث دیگر فرمود
که هر که همراهی جنازه مومنی بکند تا او را دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد
ملک با او بگمارد که همراهی او کنند و استغفار از برای او کنند از قبر تا موقف
حساب و فرمود که هر که یک طرف جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش
آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید و بهتر آنست
که اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بر دوش راست خود بردارد
پس پای راست میت را بدوش راست بردارد پس پای چپ میت را بدوش چپ
بردارد پس دست چپ میت را بدوش چپ بردارد پس چون خواهد که دیگر
تربیع کند از پیش روی جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه بر گردد
و باز بهمان روش تربیع بجا آورد و بهتر آنست که پشت جنازه یا پهلوی
جنازه راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر احادیث آنست که اگر جنازه
مومن باشد پیش آن راه رفتن خوبست و در جنازه مخالف مذهب پیش آن
نباید رفت زیرا که ملایکه او را استقبال بعذاب میکنند و با جنازه سواره رفتن
مکروه است و از حضرت رسول ص منقولست که هر که جنازه را ببیند این دعا
بخواند هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحم بر آواز او

والله اکبر هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم
زدنا ایمانا وتسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة وقهر العباد بالموت
واز حضرت رسول منقولست که هر که تشییع جنازه بکند بهر قدمی که بر دارد
صد هزار حسنه برای او نوشته شود وصد هزار گناه از او محو شود وصد هزار
درجه برای او بلند شود واگر بر جنازه اش نماز کند حق تعالی بعد از موت او
صد هزار ملک بفرستد که بر جنازه او نماز کنند واز برای او استغفار کنند
تا وقتی که دفن شود واگر بماند تا وقت دفن همان صد هزار ملک را حق تعالی
مقرر فرماید که از برای او استغفار کنند تا از قبرش بیرون آید در قیامت
ودر حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که
مؤمنی را غسل دهد وچون او را از پهلو بپهلو بگرداند این دعا بخواند گناهان
یکساله او آمرزیده شود مگر گناهان کبیره اللهم ان هذا بدن عبدک
المؤمن وقد اخرجت روحه منه وفرقت بینهما فعفوک عفوک
ودر حدیث دیگر فرمود که هر که میتی را غسل بدهد واجهای عیبهای آن میت
با او ظاهر شود بکسی نقل نکند گناهانش آمرزیده شود ودر حدیث دیگر فرمود
که حضرت موسی از پروردگار خود پرسید که چه ثواب است کسی که میتی را غسل
بدهد وحی باو رسید که او را از گناهان بیرون آرم مانند روزی که از مادر
متولد شده بوده است ودر حدیث حسن از حضرت صادق منقولست
که هر مؤمنی که مؤمنی را غسل دهد ودر وقت غسل دادن مکرر گوید رب

عفوک عفوک خدا او را بیامرزد ودر فقه الرضا مذکور است که در پی
کردست بر شکمش بمالد واین دعا بخواند اللهم انی سلکت حب محمد وآل محمد صلوات الله
علیهم فی بطنه فاسئلک به سبیل رحمتک ودر حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر منقولست که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست که ضامن پوشش
او شده باشد تا روز قیامت وهر که بکند برای مؤمنی قبری چنان باشد که او را
در خانه موافق جا داده باشد تا روز قیامت واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله
منقولست که هر که بر جنازه نماز کند هفتاد هزار ملک بر او نماز کنند گناهان
گذشته اش آمرزیده شود پس اگر همراهی کند تا او را دفن کنند بهر قدمی که بردارد
قیراطی از ثواب باو بدهند که آن قیراط مثل کوه احد باشد ودر حدیث دیگر
فرمود که هر مؤمنی که بر جنازه نماز کند بهشت او را واجب گردد مگر اینکه منافق
یا عاق پدر ومادر باشد وبسند معتبر از حضرت صادق منقولست که چون
مؤمنی بمیرد ودر جنازه او چهل نفر از مؤمنان حاضر شوند وبگویند اللهم
انا لا نعلم منه الا خیرا وانت اعلم به منا یعنی خداوندا ما از او بغیر از نیکی نمیدانیم
وتو داناتری باحوال او از ما چون اینها بگویند حق تعالی فرماید که من شهادت
شما را قبول کردم وآمرزیدم آن گناهانی را که میدانم وشما نمیدانید ودر حدیث
معتبر دیگر از حضرت رسول منقولست که اول چیزی که در عنوان نامه
مؤمن مینویسند بعد از مرگش آنچیزیست که مردم در حق او میگویند اگر نیک
میگویند نیک مینویسند واگر بد میگویند بد مینویسند ودر حدیث حسن از حضرت

صادق علیه السلام منقولست که چون میت را بقبر رسانی او را از پیش پای قبر داخل کن
پس چون در قبرش گذاری آیة الکرسی بخوان و بگو بسم الله و فی سبیل الله و علی
ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم افسح له فی قبره والحقه بنبیه
اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان مسیئا فاغفر له و
ارحمه وتجاوز عنه و استغفار از برایش بسیار بکن و حضرت علی بن الحسین
صلوات الله علیه چون میت را داخل قبر میکرد این دعا میخواند اللهم
جاف الارض عن جنبیه وصاعد عمله ولقه منک رضوانا و در حدیث
دیگر فرمود که چون میت را بقبر گذارند باید که اولی مردم باو نزدیک
سرش باشد و نام خدا ببرد و صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله بفرستد
و پناه برد بخدا از شر شیطان و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ
برب الفلق و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و اگر تواند رو بروی او هم
کند و بر خاک گذارد و در اینجا تلقین کند او را بشهادتین و اقرار بائمه
معصومین و سایر اعتقادات حقه و در حدیث دیگر فرمود که چون خاک
بر میت بریزی بگو ایمانا بک وتصدیقا ببعثک هذا ما وعدنا الله
ورسوله تا آنکه بعدد هر ذره از آن خاک حسنه در نامه اش نوشته شود
و چون قبر را پر کنند و مردم برگردند نزدیکترین مردم باو نزدیک سر قبر بنشیند
و بآواز بلند او را تلقین کند که این تلقین باعث این میشود که منکر و نکیر
از سؤال کنند و سنت موکد است که در نزد قبر بعد از دفن میت اهل او را

تعزیه بگویند و پیش از دفن نیز سنت است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که اندوهگینی را تعزیه بگوید در روز قیامت او را حله بپوشانند
و مثل ثواب آن صاحب مصیبت او را باشد بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود
و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که مردگان را زیارت کنید که
ایشان خبر میشوند از رفتن شما و شاد میشوند و بایشان انس میگیرند و چون نزدیک
قبر بروید بگوئید اللهم جاف الارض عن جنوبهم وصاعد الیک
ارواحهم ولقهم منک رضوانا واسکن الیهم من رحمتک ما تصل
به وحدتهم وتونس به وحشتهم انک علی کل شیء قدیر و در
احادیث معتبره وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مؤمن خود برود
و رو بقبله دست بر قبرش بگذارد هفت مرتبه سوره انا انزلناه فی
لیلة القدر بخواند از فزع بزرگ روز قیامت ایمن گردد و در روایت
دیگر منقولست که حق تعالی او را و صاحب قبر را و مرده بیامرزد و در روایت
معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر ع نزد قبر یکی از شیعیان ایستاد
و این دعا خواند اللهم ارحم غربته وصل وحدته وآنس وحشته و
آمن روعته واسکن الیه من رحمتک ما یستغنی بها عن رحمة
من سواک والحقه بمن کان یتولاه و در روایت دیگر منقولست که
هر کس سوره انا انزلناه نزد قبر مؤمنی بخواند هفت مرتبه حق تعالی ملکی
بفرستد که عبادت الهی کند نزد قبر او و ثواب عبادت آن ملک برای میت

بخوانند و چون از قبرش محشور شود به هولی از اهوال قیامت که برسد
حق تعالی بسبب آن ملائکه آن هول را از او دفع کند تا داخل بهشت شود و منقول است
که مستحب است که نزد قبر سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک سه مرتبه و سوره انا
انزلناه هفت مرتبه بخوانند و از حضرت رسول صلعم منقول است که هر که در گورستان
بگذرد و یازده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و ثواب آن را به مردگان آن گورستان
ببخشد بعدد مردگان اجر و ثواب یابد بدانکه چون این رساله مشتمل بر ذکر احکام
احتضار و غسل و کفن و نماز و دفن نبود قلیلی از آداب در اینجا مذکور شد
که این رساله از این فایده خالی نباشد و مفصل همگی در کتاب بحار الانوار
مذکور است

باب یازدهم

در آداب مجالسه و سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن و آداب عطسه کردن و آداب نشستن و برخاستن و صحبت داشتن و امثال اینها

در فضیلت سلام و آداب آن

در حدیث معتبر
منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله اصحاب خود را امر فرمود به هفت خصلت
عیادت بیماران و مشایعت جنازه مردگان و قبول کردن کفاره کسی که ترا
قسم دهد و دعا کردن برای کسی که عطسه کند و یاری کردن مظلوم و بکسی
سلام کردن و قبول ضیافت کردن و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت
منقول است که در بهشت غرفه چند هست که از اندرون بیرون آن مینماید
کسی از امت من در آنها ساکن میشود که بزبان نیکو با مردم سخن گوید و طعام

بمردم بخوراند و افشای سلام بکند و نماز بکند در شب در وقتی که مردم در خواب
باشند پس فرمود که افشای سلام آنست که بخل نورزند به سلام کردن بر احدی
از مسلمانان و از حضرت صادق ع منقول است که از جمله تواضع و شکستگی
آنست که با هر که برخوری سلام کنی و از حضرت رسول صلعم منقول است که هر که
ابتدا کند بسخن گفتن پیش از سلام جوابش مگویید و کسی را بطعام خود مطلبید
پیش از آنکه سلام کند و در حدیث دیگر فرمود که عاجزترین مردم کسی است که
از دعا عاجز باشد و بخیل‌ترین مردم کسی است که بسلام کردن بخل کند و در
حدیث دیگر فرمود که هر که به ده نفر از مسلمانان برخورد و بر ایشان سلام کند
ثواب یک بنده آزاد کردن در نامه عملش نوشته شود و از حضرت صادق ع
منقول است که هر مؤمن که بر جماعتی از مؤمنان سلام کند ملائکه در جواب سلام او
میگویند سَلامٌ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ اَبَداً و از حضرت رسول صلعم
منقول است که سلام کردن سنت است و جواب سلام گفتن واجب است
و از حضرت صادق ع منقول است که چون کسی سلام کند بلند سلام کند
که بشنوند تا نگوید که سلام کردم و جواب سلام من نگفتند و در حدیث دیگر
فرمود که هر که السلام علیکم بگوید ده حسنه برای او باشد و اگر سلام علیکم
و رحمة الله بگوید بیست حسنه برای او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه کس
که بصیغه جمع با ایشان سخن باید گفت هر چند تنها باشند کسی که عطسه کند
میگویی یرحمکم الله هر چند دیگری با او نباشد و کسی که سلام بر کسی کند

بگوید السلام علیکم و کسی که کسی را دعا کند بگوید وعافاکم الله هرچند
کافر باشد زیرا که با اینها ملائکه میباشد و در مقصد مؤمنان غایب هم داخل
میتوان کرد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که
مکروهست که کسی بگوید حیاک الله مگر آنکه بگوید حیاک الله بالسلام
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه کسند که بر ایشان سلام نباید کردن
کسی که با جنازه راه رود و کسی که بنماز جمعه رود و کسی که در حمام باشد و حمل
کرده اند بر صورتی که لنگ نبسته باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که چون داخل مسجد شوی و مردم نماز کنند بر ایشان سلام مکن و بر حضرت
رسول صلی الله علیه و آله سلام کن و متوجه سلام شو و اگر بمجلسی داخل شوی که مردم سخن گویند
بر ایشان سلام بکن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که کسی که داخل خانه خود شود بر اهل خانه سلام کند و اگر اهل نداشته باشد
و خانه خالی باشد بگوید السَّلَامُ عَلَیْنَا مِنْ رَبِّنَا و فرمود که اگر کسی ترا بگوید حیاک الله
بالسلام در جواب بگو اَنْتَ فَحَیَّاکَ اللهُ بِالسَّلَامِ وَاَحَلَّکَ دَارَ الْمُقَامِ
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون یکدیگر را ملاقات کنید سلام و مصافحه
بکنید و چون از یکدیگر جدا شوید طلب آمرزش از برای یکدیگر بکنید و در حدیث
دیگر فرمود که کسی که داخل خانه خود میشود سلام بکند که بسبب برکت میشود و ملائکه
انس میگیرند در آن خانه و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون زن بر جماعتی
داخل شود بگوید علیکم السلام و در بعضی از اخبار وارد شده است که چند کس

که بر ایشان سلام نمی باید کردن جهود و گبر و ترسا و بت پرست و کسی که در بیت
الخلا باشد و کسی که بر سر خوان شراب نشسته باشد و شاعری که بر زنان محصنه
عفیفه فحش گوید و بر جماعتی که خوش طبعی ایشان دشنام مادر است
و بر کسی که نرد یا شطرنج یا سایر انواع قمار بازی کند و بر کسی که طنبور یا عود نوازد
و مردی که مردم با او عمل لواطه کنند و کسی که در اثنای نماز باشد و کسی که سود خورد
و فاسقی که علانیه فسق کند و پروا نکند و در روایت صحیح وارد شده است
که سلام کردن بر کسی که شطرنج بازی کند گناه کبیره است و همچنین نهی وارد
شده است از سلام کردن بر کسی که شراب خورد و دور نیست که اکثر اینها محمول باشد
بر آنکه سلام کردن بر اینها فضیلت بسیار ندارد یا بر آنکه از روی مهربانی
و محبت و راضی بودن بگناه ایشان سلام بر ایشان نباید کرد زیرا که اخبار
بسیار وارد شده است که بر همه کس سلام کردن خوبست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که چون کسی از مجلسی برخیزد و وداع کند اهل آن مجلس را بسلام کردن
که اگر بعد از آن حرف خیری بگویند در ثواب شریک ایشان خواهد بود و اگر حرف
بدی بگویند گناهش بر آنها خواهد بود و بر او گناهی نخواهد بود و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که کوچک بر بزرگ سلام میکند و کسی که گذرد بر کسی که نشسته
باشد سلام میکند و جماعت کمتر بر جماعت بیشتر سلام میکند و در حدیث دیگر
فرمود که سواره باید بر پیاده سلام بکند و استرسوار بر خرسوار سلام بکند
و اسب سوار بر استرسوار سلام بکند و ایستاده بر نشسته سلام بکند و در حدیث

حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که چون جماعتی بجماعتی بگذرند یکی که
از ایشان سلام کند از دیگران مجزیست و اگر کسی بجماعتی سلام کند
یکی از آنها که جواب بگوید از دیگران مجزیست و در حدیث حسن از آنحضرت
منقولست که رسول خدا صلعم بر زنان سلام میکردند و ایشان جواب میگفتند
و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بر زنان پیر سلام میکردند
و کراهت داشتند از سلام کردن بر زنان جوان و میفرمودند که میترسم
که خوشم آید آواز او و گناه بر من داخل شود زیاده از ثوابی که سلام کردم
طلب کنم و امثال اینها را برای تعلیم دیگران میفرموده اند و خود از
امثال اینها معصوم و منزه بوده اند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که ابتدا مکنید اهل کتاب یعنی یهود و نصاری و مجوس را بسلام و چون ایشان
سلام کنند بگوئید علیکم و در روایت دیگر فرمود که چون یهودی یا
نصرانی یا مشرک و بت پرست بر تو سلام کند بگو علیک و بدانکه از جمله
سلامها سلام رخصتست که چون خواهند داخل خانه کسی شوند پیشتر
که در بیرون خانه سه مرتبه سلام کنند اگر جواب سلام بشنوند داخل شوند
و اگر نه برگردند و جواب این سلام واجب نیست و از حضرت صادق ع
منقولست که رخصت طلبیدن سه مرتبه است در مرتبه اول میشنوند
و در مرتبه دویم حذر میکنند و مرتبه سیم اگر میخواهند رخصت میدهند
و اگر نمیخواهند ساکت میشوند که او برگردد و حق تعالی فرموده است

که داخل

که داخل شوید در خانه غیر خانهای خود تا استیناس بکنید حضرت صادق ع
فرمود که استیناس گفش بر زمین زدن و سلام کردنست که ایشان خبر شوند

فصل دویم در فضیلت مصافحه یعنی دست یکدیگر را گرفتن و معانقه یعنی دست در گردن یکدیگر کردن و بوسیدن و آداب هر یک

در حدیث صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که از تمامی محبت و سلام کسی که در حضر باشد مصافحه
کردنست و تمامی سلام کردن کسی که از سفر آمده باشد دست در گردن یکدیگر
کردنست و در حدیث صحیح معتبر از ابو عبیده منقولست که گفت من هم کجاوه
حضرت امام محمد باقر علیه السلام بودم من اول بکجاوه میرفتم پس آنحضرت بکجاوه
میرفتند چون هر دو در کجاوه می نشستیم حضرت بر من سلام میکردند و احوال
از من میگرفتند مانند دو کس که مدتی یکدیگر را ندیده باشند با من مصافحه
میکردند و چون از کجاوه فرود می آمدیم اول آنحضرت پایین می آمدند پس چون
هر دو در زمین قرار میگرفتیم سلام میکردند و احوال میگرفتند مانند دو کس
که مدتها یکدیگر را ندیده باشند من گفتم یا ابن رسول الله شما کاری چند میکنید
که مردمی که نزد ما هستند چنین نمیکنند حضرت فرمود که مگر نمیدانی
که مصافحه کردن چه ثواب دارد بدرستی که دو مومن که با یکدیگر ملاقات کنند
و مصافحه کنند پیوسته گناه از ایشان میریزد چنانچه برگ از درخت
میریزد و حق تعالی نظر رحمت بسوی ایشان میکند تا از یکدیگر جدا شوند
و در حدیث معتبر دیگر از ابو حمزه منقولست که گفت من هم کجاوه بودم

با حضرت امام محمد باقر ع پس چون بار را فرود آوردیم حضرت از راه
راهی رفتند و دست مرا گرفتند و فشار عظیمی دادند گفتم فدای تو شوم
من با شما بودم در کجاوه حضرت فرمود که مگر نمیدانی که مؤمن چون
حرکتی بکند و بعد از آن دست برادر مؤمن خود را بگیرد حق تعالی نظر لطف
بسوی ایشان میکند و دو دست خود را بجانب ایشان میکرداند و گناهان
میریزد از ایشان تا آنکه چون از یکدیگر جدا میشوند هیچ گناه بر ایشان
نمانده است و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که حق مصافحه آنست
که دور درخت خرما بگردند بعد از آن با هم مصافحه نشست و حضرت امام محمد باقر ع
فرمود که سزاوار آنست که دو مؤمن که از یکدیگر پنهان شوند اگر چه بدرختی باشد
که در میان ایشان فاصله شود پس ملاقات کنند باید که مصافحه کنند و در حدیث دیگر
فرمود که هر که دست برادر را بیشتر بفشارد ثوابش بیشتر است و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که حضرت رسول ص هرگز با کسی مصافحه نکردند که دست خود را از دست او بکشند
تا آنکه آن شخص دست را بکشید و در حدیث دیگر فرمود که با یکدیگر مصافحه کنید که کینها را
از سینها میبرد و فرمود که مصافحه کردن با مؤمن بهتر است از مصافحه کردن با ملائکه
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که چون با برادران مؤمن
ملاقات نمائید با ایشان مصافحه کنید و بشاشت و خوشحالی نزد ایشان ظاهر
کنید تا آنکه چون جدا شوید هیچ گناه بر شما نمانده باشد و با دشمن خود نیز مصافحه کنید
هرچند او نخواهد که خدا چنین امر فرموده است و باعث دفع دشمنی او میشود

و در حدیث

و در حدیث دیگر از اسحق صراف منقولست که گفت من در کوفه بودم و شیعیان
بسیار نزد من می آمدند و من از شهرت ترسیدم و غلام خود را امر کردم که هر که مرا
خواهد بگو اینجا نیست پس در آن سال بحج رفتم و چون بخدمت حضرت صادق ع رسیدم
آنحضرت را از خود متغیر یافتم گفتم فدای تو شوم چه چیز باعث تغییر شما شده است
از من فرمود آنچه باعث تغییر تو شد از مؤمنان گفتم فدای تو شوم از شهرت
ترسیدم و خدا میداند که چه مقدار ایشان را دوست میدارم حضرت فرمود که ای اسحق
ملول مشو از بسیاری آمدن برادران مؤمن بسوی تو که چون مؤمن
ببرادر مؤمن خود برمیخورد و با او مرحبا میگوید خدا از برای او تا قیامت مرحبا میگوید
پس چون با او مصافحه میکند حق تعالی میان دو ابهام ایشان صد رحمت میفرستد
که نود و نه تای آنها از آنست که دیگری را بیشتر دوست میدارد پس حق تعالی روی
رحمت بسوی ایشان میکرداند و هر یک دیگری را بیشتر دوست میدارد رحمت
بسوی او بیشتر است پس چون دست بگردن یکدیگر کنند رحمت ایشان را فرو میگیرد
پس چون از برای خدا با یکدیگر بایستند و غرض دنیوی نداشته باشند با ایشان خطاب
میرسد که آمرزیده شدید عمل را از سر بگیرید پس چون از یکدیگر احوال گیرند عن
گویند ملائکه بیکدیگر میگویند که دور شوید که میخواهند با یکدیگر رازی بگویند
و خدا بر ایشان پوشانیده است اسحق گفت که پس حرفی که میگوئیم ملائکه نمیشنوند
حضرت آهی بلند کشیدند و گریستند و گفتند که آب دیده مبارک ایشان بر روی
روان شد و فرمودند که ای اسحق حق تعالی ملائکه را امر فرموده است که چون دو مؤمن

با یکدیگر ملاقات کنند از ایشان دور شوید برای تعظیم ایشان و اگر چه ملائکه نمی‌بینند
ایشان را خداوند که مطلع است بر احوال ایشان و راز پنهان و آنچه در سینه‌ها پنهان است
ثمره او آشکار است میدانند که چه میگویند پس ای اسحاق از خدا بترس چنانچه گویا
او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی او ترا می‌بیند و اگر گمان کنی که او ترا نمی‌بیند کافر
میشوی و اگر میدانی که او ترا می‌بیند و گناه را از مخلوقین پنهان میکنی و نزد او
هویدا میکنی پس او را از همه کس سهل‌تر شمرده و در حدیث دیگر فرمود که شما را در مصافحه
کردن مثل ثواب آنها هست که در راه خدا جهاد میکنند و از حضرت امام محمد باقر
و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقولست که هر مومنی که از خانه بیرون رود
بقصد دیدن برادر مومن خود و حق او را شناسد حق تعالی بهر گامی حسنه
در نامه عملش بنویسد و گناهی از او محو کند و درجه برای او بلند کند پس چون
در خانه آن مومن را بکوبد درهای آسمان برای او گشوده شود پس چون با
یکدیگر ملاقات کنند و مصافحه کنند و دست در گردن یکدیگر کنند حق تعالی روی
رحمت خود را بسوی ایشان بگرداند پس حق تعالی با ایشان با ملائکه مباهات کند
و فرماید که نظر کنید بسوی این دو بنده من که بدیدن یکدیگر رفتند و از برای رضای
من با یکدیگر دوستی کردند بر من لازم است که بعد از این ایشان را عذاب نکنم
پس چون برگردد او را مشایعت کنند ملکی چند بعدد نفسهای او و گامهای او
و نفسهای او که او را حفظ کنند از بلاهای دنیا و آخرت تا روز دیگر این وقت
و اگر در میان بمیرد از حساب قیامت نجات یابد و اگر آن مومن دیگر هم حق او را

شناسد

شناسد مجروح همان ثواب را هم داشته باشد و از حضرت صادق ع
منقولست که شما شیعیان از نور خدایید و در پیشانی هست که با آن نور شما را در دنیا میشناسند
چون یکدیگر برخورید آن موضع نور را از پیشانی یکدیگر ببوسید و در حدیث
حسن دیگر فرمود که نمیباید بوسید مگر دست کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله
یا کسی که مراد از بوسیدن دست او حضرت رسول باشد و محتمل است که
مخصوص ائمه معصومین باشد و اظهر آنست که شامل سادات و علما نیز باشد
زیرا که تعظیم ایشان برای آن میکنند که فرزندان آنحضرت‌اند یا حافظ علوم و مروج
دین آنحضرت و احوط آنست که بغیر دست پیغمبر و امام را نبوسند چنانچه در حدیث
دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شایسته نیست دست بوسیدن
مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر را و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست
که کسی که خویش خود را برای خویشی ببوسد باکی نیست و برادر مومن را
پهلوهای روی ایشان را ببوسد و امام را میان دو چشم ببوسند

فصل پنجم

در آداب نشستن مجالس از حضرت رسول منقولست که وصیت فرمود حضرت
امیرالمومنین صلوات الله علیه که هشت کسند که اگر خوار شوند ملامت نکنند
مگر خود را کسی که حاضر شود بر سر سفره که او را نطلبیده باشند و کسی که تحکم کند
بر صاحبخانه و کسی که طلب خیر کند از دشمنان خود و کسی که توقع احسان کند
از لئیمان و بخیلان و کسی که خود را داخل کند در رازی که در میان دو کس باشد
بی‌رخصت ایشان و کسی که استخفاف نماید بپادشاه و کسی که در مجالس بنشیند

که او سزاوار آن نباشد و مکروه است که سخن با کسی گوید که گوش بسخن او ندهد و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که کسی که مجمع این خصلتها یا یکی از
آنها او را نباشد و در صدر مجلس بنشیند احمق است اول آنکه هرچه پرسند جواب
تواند گفت دویم آنکه چون دیگران عاجز شوند او حق را بیان تواند کرد سیم آنکه
رأی تمامی بدهد که صلاح اهلش در آن باشد تواند کرد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که سزاوار نیست مومن را که بنشیند مگر بعد از آن جماعتی که نشسته اند
زیرا که بار کردن مردم گذاشتن و بالا رفتن علامت سبکی عقلست و بسند معتبر
از حضرت رسول صلعم منقولست که از علامات تواضع و فروتنی آنست که آدمی راضی
شود بمجلسی که پست تر باشد از مجلسی که سزاوار اوست و بهر که رسد سلام کند
و ترک مجادله کند هر چند حق با او باشد و نخواهد که او را بپرهیزکاری ستایش
کنند و در حدیث دیگر فرموده که چون مردم بجای خود بنشینند و دیگری درآید
اگر کسی از آنها او را بطلبد و جا از برای او بگشاید بنشیند که آن کرامتیست که
با او کرده است برادرش و اگر کسی جا برای او نگشاید هر جا که گشاده تر است آنجا
بنشیند و در حدیث معتبر دیگر فرموده که چون کسی بخانه شخصی بیاید هر جا که صاحب خانه
بفرماید بنشیند که صاحب خانه عورات خانه خود را بهتر میداند و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که زینهار که بر سر راهها منشینید و در حدیث
دیگر فرمود که نباید کسی در میان جماعتی بنشیند و جامه را از ران خود دور کند
و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هر که راضی شود بنشستن در جایی که

شأنش

شأنش فروتر از آن باشد پیوسته خدا و ملائکه بر او صلوات فرستند تا
برخیزد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون رسول خدا صلعم داخل مجلسی میشدند
هر جا که بدرگاه نزدیکتر بود می‌نشستند و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که در اکثر اوقات رسول خدا صلعم رو بقبله می‌نشستند و در حدیث
حسن منقولست که حضرت صادق علیه السلام در خانه خود نزد پای درگاه می‌نشستند رو
بقبله و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم سه روش می‌نشستند گاهی
زانوها را از زمین بر میداشتند و دستها را بر پایین زانوها گذاشته ساعدهای
دستها بهم دیگر میگرفتند و گاهی دو زانو می‌نشستند و گاهی یک پا را بر روی
پای دیگر میگذاشتند و هرگز چهار زانو نمی‌نشستند و در حدیث حسن از ابو حمزه
منقولست که گفت دیدم حضرت امام زین العابدین علیه السلام نشسته بودند و یک پا را
بر بالای ران پای دیگر گذاشته بودند گفتم که مردم این نشستن را خوب نمیدانند
و میگویند این نشستن پروردگار است حضرت فرمود که من از واماندگی چنین
نشسته‌ام و خدا را واماندگی نمیباشد و او را پینکی و خواب نمیباشد و جسم نیست
و نشستن او را نمیباشد و در روایت دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام
چنین نشسته بودند پای راست را بر ران پای چپ گذاشته بودند و در حدیث
معتبر منقولست که رسول خدا صلعم فرمود که سزاوار نیست که جماعتی با یکدیگر نشینند
در تابستان بقدر اعتراض ذراع که تقریبا یک شبر باشد از هر طرف میان خود
و دیگری فاصله بگذارند که از گرما آزار نکشند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست

منقولست که آدم شمار کسی و اگر در جای تنها شیر چهار زانو بنشیند و در حدیث دیگر
وارد شده است که احتبا دیوارهای عربست احتبا آنست که پاها را بایستانند و جامه
یا بند بر پشت کنند و صحت یا دستها را قفل کنند بر زانوها چنانچه کنند پشت
بعضی ایشان در صحراها و جاها که نزدیک بدیوار نباشند این بعوض تکیه بر دیوار
کردنست و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که احتبا چونست
فرمود که اگر عورت نمایان نشود باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که
جایز نیست مرد را که احتبا کند در برابر کعبه **فصل چهارم** در آداب ملاقات
صاحبخانه با کسی که بخانه او می‌آید و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که برخاستن از برای تعظیم مکروهست مگر از برای کسی که بجهة دین
مانند علم و صلاح و نیکی او تعظیم کند و از حضرت رسول ص منقولست که
حق کسی که داخل خانه میشود بر اهل آن خانه آنست که در وقت داخل شدن
و بیرون رفتن پاره راه با او راه روند و فرمود که چون کسی داخل خانه شود
بر صاحبخانه حاکم است تا بیرون آید ولیکن بگوید بیا ای صاحبخانه اطاعت کند
و از حضرت صادق ع منقولست که کسی که تحفه برای مؤمنی بیارد مثل بالشی
یا متکائی یا طعامی یا پوششی یا سلامی کند بر او بهشت البته شود که او را مکافات
دهد پس حق تعالی باو وحی فرماید که من طعام بهشت را بر اهل دنیا حرام کرده‌ام
مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری و چون روز قیامت شود بهشت خطاب رسد که
امروز مکافات تحفه‌های ایشان را بده پس غلامان و کنیزان از بهشت بیرون آیند

با طبقها

با طبقها که بر روی آنها دستمالها از مروارید انداخته باشند و نزد ایشان بایستند
چون ایشان نظر کنند بجهنم و اهوال آن و بهشت و آنچه در آن هست عقلهای ایشان
پرواز کند و از آن طبقها بخورند پس منادی ندا کند از زیر عرش ایشان را که
حق تعالی حرام کرده است جهنم را بر کسی که از طعام بهشت بخورد دیگر دست کشیدند
بخورند و در حدیث معتبر منقولست که دو شخص بخانه حضرت امیر المؤمنین ع
آمدند حضرت از برای هر یک از ایشان بالشی انداختند یکی بر روی بالش نشست
و دیگری ابا کرد حضرت فرمود که بنشین که ابا نمیکند از کرامت مگر خر بعد از آن
فرمود که رسول خدا ص فرمود که هرگاه بیاید بسوی شما کسی که نزد قوم خود گرامی
باشد شما او را گرامی دارید و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که
سه کسند که کسی جاهل بحق ایشان نیست مگر منافقی کسی که در اسلام ریش سفید شده
باشد و کسی که حامل لفظ یا معنی قرآن باشد و امام عادل و فرمود که از تعظیم خداست
تعظیم پیران کردن و از حضرت رسول ص منقولست که کسی را که گرامی کسی دارد
گرامی کننده باید که او قبول کند و رد نکند و رد نمیکند کرامت را مگر خر و در حدیث دیگر
از حضرت امام رضا ع پرسیدند که کدام است این کرامت که رد نمیباید کرد فرمود
که مثل آنکه جائی از برای او بگشایند یا بوی خوشی از برای او بیاورند یا بالشی برای او
بگذارند یا مثل این کرامتها و از حضرت امام حسن عسکری ع منقولست که اکرام مکن
کسی را بچیزی که بر او دشوار باشد و از حضرت رسول ص منقولست که هر که خدمت کند
گروهی از مسلمانان را حق تعالی مثل عدد ایشان خدمتکاران در بهشت باو کرامت فرماید

و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که برادر مؤمن او بسوی او بیاید و او را گرامی دارد
چنان است که خدا را گرامی داشته است و از حضرت رسول منقول است که هر
ملاطفتی که کسی با برادر مؤمن خود بکند خدا او را از خدم بهشت کرامت فرماید
و در حدیث دیگر فرمود که هر که اکرام کند برادر مؤمن خود را بیک کلمه که از روی
لطف با او بگوید و غمی از او ببرد پیوسته در سایه رحمت الهی باشد تا مشغول
این اکرام باشد **فصل پنجم** در بیان مجالسی که در آنجا داخل شدن روا [نیست]
و جماعتی که همنشینی و مصاحبت ایشان سزاوار است از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقول است که متابعت کن کسی را که ترا بگریاند و خیرخواه تست و متابعت
مکن کسی را که ترا بخنداند و در مقام فریب دادن تست و از حضرت رسول
منقول است که نظر کنید که با کی سخن میگوئید و مصاحبت میکنید که هر که هست در وقت
مرگ مصاحبانش را با او مینمایند اگر حالشان نیکست از مصاحبت ایشان شاد
میشود و اگر حالشان بدست غمگین میشود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که بهترین
برادران مؤمن کیست که عیبهای مرا بمن بگوید و فرمود که بر تو باد بمصاحبان
کهنه و حذر کن از مصاحبت مصاحبان تازه که ایشان را عهدی و امانتی
و وفایی نیست و بعضی باشند هر کس هر چند اعتماد بسیار داشته باشی و حضرت
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در وقت وفات وصیت فرمود که زنهار که
اجتناب کن از جاهایی که محل تهمت است و از مجلسی که گمان بد بآن میبرند که همنشین بد
زبون میکند مصاحب خود را و از حضرت رسول منقول است که سزاوارترین مردم

بتهمت کسی است که با اهل تهمت همنشین باشد و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
منقول است که هر که خود را در محل تهمت در آورد ملامت نکند مگر کسی را که گمان بد
با او ببرد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که پرهیز باد از مواضع شک
و تهمت و باید که کسی با مادر خود در میان راه ننشیند زیرا که هر کس نمیداند
که مادر اوست و در حدیث معتبر منقول است که حضرت عیسی علیه السلام فرمود که مصاحبت
اخلاق قبیح را سرایت میکند با نیکان و همنشین بدان نیکان را هلاک میکند پس نظر کن
که با که همنشینی میکنی و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دوستی نیکان با نیکان
ثوابیست برای نیکان و دوستی بدان با نیکان فضیلتی هست برای نیکان
و دشمنی بدان با نیکان زینتی است برای نیکان و دشمنی نیکان با بدان خواری است
برای بدان و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که با پنج کس مصاحبت
و همزبانی و رفاقت مکن زنهار که با دروغگوی مصاحبت مکن که او مانند
سراب است بسخنهای خود دور را بتو نزدیک مینماید و نزدیک را
در نظر تو دور مینماید و زنهار که مصاحبت مکن با فاسق که او ترا بیک طعام خوردن
یا کمتر میفروشد و با بخیل مصاحبت مکن که ترا از مال خود باز میدارد در هنگامی که
نهایت احتیاج بهم رسانی و با احمق مصاحبت مکن که او اگر خواهد که نفعی بتو رساند
ضرر میرساند و با کسی که قطع رحم کند مصاحبت مکن که حق تعالی در سه موضع از قرآن
مجید او را لعنت کرده است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سزاوار نیست مسلمان را
که با فاجر و احمق و دروغگو برادری بکند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که سه کس

که همنشینی ایشان دل را میمیراند نشستن با مردم دنی و سخن گفتن با زنان و نشستن
با توانگران و حضرت لقمان با پسر خود گفت که بسیار با آشنایان نزدیک
شو که باعث جدایی میشود و از ایشان دوری هم مکن که خوار میشوی و نیکی با کسی
مکن که خواهان آن نباشد همچنانکه بیان کرد و پیش دوستی نیست میان دوست
و بدکردار دوستی نباشد هر که نزد یار بد میرود البته با او عیب همچنین هر که با بدکردار
مصاحبت میکند ادبهای او می آموزد و هر که مجادله با مردم میکند دشنام میشنود
و هر که در مجالس بد داخل میشود تهمت زده میشود و هر که با همنشین بد مینشیند
از بلا سالم نمیماند و هر که زبان خود را نگاه نمیدارد پشیمانی میبرد و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و همنشینی با اصحاب بدعت مکنید که نزد مردم
مثل ایشان خواهید بود و حضرت رسول صلعم فرمود که آدمی بر دین دوست و مصاحب
خود میباشد و فرمود که زنهار که با احمق مصاحبت مکن که در هنگامی که از او
راضی تری نزدیکتر است بالخشم تر ابر بجانب و از حضرت رسول صلعم منقولست که
حکیمترین مردم کسی است که از صحبت جاهلان بگریزد و از حضرت صادق ع
منقولست که کسی که برادر مومن خود را بامری که مکروه او باشد ببیند و توانا که او را
برگرداند از آن امر برنگرداند خیانت کرده است در برادری او و کسی که اجتناب
نکند از مصاحبت احمق نزدیکست که اخلاق او را بر میدارد و حضرت امیر المؤمنین
فرمود که بدترین مصاحبان تو کسی است که معصیت خدا در نظر تو زینت دهد
و فرمود که همنشینی با بدان موجب گمان بد بردن است در نیکان و در حدیث

از حضرت صادق ع منقولست که نظر کن هر که نفع دینی بتو نمی بخشد مصاحبت او
اعتنا بشان او مکن و در صحبت او رغبت مکن و در حدیث دیگر فرمود که چهار
چیزاست که ضایع میشود محبتی که با کسی داشته باشی که بیوفا باشد و نیکی که با کسی
بکنی که شکر تو نکند و علمی که بکسی بیاموزی که گوش بآن ندهد و رازی که بکسی بسپاری که
نگاهداری راز تو نکند و از حضرت امام موسی ع منقولست که در مزبلها با عالم صحبت
داشتن بهتر است از صحبت داشتن با جاهل بر دوشکهای نیکو و از حضرت
رسول صلعم منقولست که حواریان بحضرت عیسی ع گفتند که با که همنشینی کنیم فرمود
که با کسی که خدا را بیاد شما آورد دیدن او و در علم شما بیفزاید سخن گفتن او و شما را
بسوی آخرت رغبت بفرماید کردار او و در حدیث دیگر فرمود که با اهل دین
نشستن شرف دنیا و آخرت است و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که یکساعت نشستن
با کسی که اعتماد بر او داشته باشی نزد من بهتر است از عبادت یکسال و در حدیث
دیگر فرمود که با توانگران منشینید که بنده اول که با ایشان می نشیند چنان میداند
که خدا نعمت بسیار دارد هنوز بر نخواسته است که چنان گمان میکند که خدا هیچ نعمت
بر او ندارد و از حضرت رسول صلعم منقولست که چهار چیز است که دل را میمیراند گناه
بعد از گناه کردن و با زنان بسیار سخن گفتن و با احمق مجادله کردن که تو گوئی
و او گوید و بحق بر نگردد و همنشینی با مردگان کردن گفتند یا رسول الله مردگان
کیستند فرمود که هر توانگری که خدا را فراموش کرده باشد و از حضرت امام زین
العابدین علیه السلام منقولست که بفرزندان خود میفرمود که با اهل دین و معرفت

همنشینی کنید واگر بهشت تنهائی اینست تنهائی از همنشینی بد سالم‌تر است از مصاحبت
غیر ایشان واگر ناچار باشد از همنشینی مردم پس با صاحبان مروت بنشینید که
ایشان در مجالس حرف فحش نمیگویند واز حضرت امام موسی ع منقولست که سزاوار
آنست که آدمی مصاحبان بد خود را نگاه دارد که نیکی او بایشان مانند نیکی با
پدر است ودر حدیث دیگر منقولست که حضرت لقمان با پسر خود فرمود که ای فرزند
بدیده بصیرت نظر کن در مجالس اگر جماعتی را ببینی که یاد خدا میکنند با ایشان بنشین
زیرا که اگر تو عالمی علمت بتو نفع میبخشد واز همنشینی ایشان علم تو زیاد میشود واگر
جاهلی ترا علم می‌آموزند وشاید که خدا رحمتی بایشان بفرستد وترا هم با ایشان
فرو گیرد واگر ببینی جماعتی را که یاد خدا نمیکنند با ایشان منشین که اگر تو عالمی علمت
بتو نفع نمیرساند واگر جاهلی جهلت زیاده میشود وشاید عذابی بر ایشان نازل شود
وترا هم با ایشان فرو گیرد واز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که برای یاد خدا حاضر شدن در مجالسی که در آنجا یاد خدا کنند ودر حدیث دیگر فرمود
که دانایان در زمان گذشته میگفتند که سزاوار آنست که تردد کردن بخانه‌ها
یکی از دو وجه باشد اول رفتن بخانه خدا از برای ادای حج وعمره دوم در خانه
پادشاهان دین که طاعت ایشان بطاعت خدا متصلست وحق ایشان واجب است
ونفعشان عظیم است وضرر مخالفت ایشان عظیم سیم در خانه علما
که از ایشان استفاده علوم دین ودنیا نمایند چهارم در خانه اهل جود وبخشش
که مال خود را بامید ثواب آخرت میدهند پنجم در خانه بخردان که مردم در حوائج

دنیا بایشان محتاج میشوند ودر حاجتها پناه بایشان میبرند ششم در خانه
اشراف وبزرگان برای طلب عزت واحتیاج بایشان هفتم در خانه جمعی که
از ایشان امید منفعت دارند از جهت رای مستقیم ایشان وتقویت عزم در امور
ومشورت کردن با ایشان هشتم در خانه برادران مؤمن بسبب آنکه مواصلت
ایشان واجب وحق ایشان لازم است نهم در خانه دشمنانی که مدارا کردن
بیش ضررهای ایشان وبرفق ومدارا ودیعت عداوت ایشان دفع میشود
دهم در خانه جمعی که از دیدن ایشان آداب حسنه استفاده میتوان کرد وانس
بهمرهانی ایشان میتوان گرفت

فصل ششم در آداب عطسه وآروغ وآب دهان انداختن

از حضرت صادق ع منقولست که مسلمان را بر برادرش حق لازم
هست که چون اورا ملاقات کند بر او سلام کند وچون بیمار شود اورا عیادت
کند ودر غایبانه خیرخواه او باشد وچون عطسه کند اورا دعا کند وباید که
آنکه عطسه میکند بگوید الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا شَرِیکَ لَهُ ودیگران او را بگویند
یَرْحَمُکَ اللهُ واو در جواب بگوید یَهْدِیکُمُ اللهُ وَیُصْلِحُ بَالَکُمْ واز حضرت
رسول صلعم منقولست که چون کسی عطسه کند اورا دعا کنید اگرچه دریا در میان
فاصله باشد ودر حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که دهن دره
از شیطانست وعطسه از جانب خداوند عالمیانست ودر حدیث دیگر منقولست
که حق تعالی را نعمتهای بسیار بر بنده هست در هنگام صحت بدن وسلامتی
اعضا وجوارح وبنده فراموش میکند که خدا را برآن نعمتها شکر کند پس باد بر

خدا امر میفرماید باو براکه در بدن شپش جولان میکند و از جنبیدن چیزی بیرون می آید
پس از این جهت مقرر کرده اند که در آن حال خدا را حمد کند که این حمد تلافی شکر آن
نعمتها باشد که فراموش کرده است و از حضرت امام محمد باقر فرمود که نیکو چیزیست
عطسه نفع میرساند ببدن و خدا را بیاد می آورد و در حدیث حسن از آنحضرت
منقولست که چون عطسه کند بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد
و اهل بیته و در حدیث صحیح دیگر فرمود که چون کسی عطسه کند باو بگو
یرحمك الله و او در جواب بگوید یغفر الله لکم و یرحمکم و در حدیث دیگر فرمود
که کسی که عطسه کند بگوید الحمد لله لا شریك له و دیگران باو بگویند یرحمك الله
و او در جواب بگوید یغفر الله لك و لنا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که طفلی نابالغی نزد حضرت رسول ص عطسه کرد و گفت الحمد لله حضرت باو
فرمود بارك الله فیك و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام
عطسه کردند پس فرمودند الحمد لله رب العالمین پس انگشت بر بینی گذاشتند
و گفتند رغم انفی لله رغما داخرا و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه منقولست که هر که بعد از عطسه بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل
حال درد گوش و درد دندان نیابد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که
عطسه کسی را بشنود و حمد الهی کند و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش بفرستد
درد چشم و درد دندان باو نرسد و فرمود که اینها بگو اگر چه دریا در میان
تو و او فاصله باشد و در حدیث دیگر فرمود برای نفع درد دندان و درد گوش

که چون

که چون کسی عطسه کند حمد خدا بکنید و در حدیث دیگر منقولست که تنهائی عطسه کرد
آنحضرت باو گفتند یرحمك الله و در حدیث دیگر از حضرت رسول ص منقولست
که چون مسلمان عطسه کند و ساکت شود بنابر علتی ملایکه از جانب او میگویند
الحمد لله رب العالمین و اگر او بگوید الحمد لله رب العالمین ملایکه میگویند
یغفر الله لك و فرمود که عطسه کردن بیمار علامت عافیت و راحت بدنست
و از حضرت صادق ع منقولست که عطسه نفع می بخشد بدن را مادام که زیاده از سه نشود
و چون زیاده از سه شود درد و بیماریست و در حدیث دیگر فرمود که هر که عطسه کند
و دست بر روی بینی گذارد و بگوید الحمد لله رب العالمین کثیرا کما هو اهله
و صلی الله علی محمد النبی و آله و سلم از سوراخ چپ بینی او مرغی بیرون آید از ملخ کوچکتر
و از مگس بزرگتر تا بعد بزیر عرش و استغفار کند برای او تا روز قیامت و در حدیث
دیگر فرمود که کسی که عطسه کند تا هفت روز از مردن ایمن است و از حضرت رسول
در چند روایت منقولست که عطسه تصدیق میکند سخنی را که مقارن آن واقع بشود
و علامت راستی آن سخن است و از حضرت امام محمد باقر منقولست که عطسه را تا
سه مرتبه دعا بگو و چون زیاده از سه شود او را واگذار و در روایت دیگر منقولست
که چون کسی عطسه کند سزاوار آنست که انگشت شهادت بر دو طرف بینی گذارد و بگوید
الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین رغم انفی لله
رغما داخرا صاغرا غیر مستنکف و لا مستحسر و هرگاه دیگری عطسه کند تا سه مرتبه
بگوید یرحمك الله و چون زیاده شود بگوید شفاك الله و چون مرد مؤمن
عطسه کند بگو یرحمك الله و اگر زن باشد بگو عافاك الله و اگر طفل باشد بگو
هداك الله و اگر پیغمبر یا امام باشد بگو صلی الله علیك و در جواب بگوید یغفر الله
لنا و لکم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بسیار عطسه کردن ایمن میکند از پنج
درد اول خوره دویم لقوه سیم نزول آب در چشم چهارم صلابت و خشونت بینی
پنجم بیرون آمدن موی در چشم و اگر خواهی که کم شود عطسه روغن نرگس
در بینی بچکان بقدر ... راوی گفت که پنج روز چکانیدم و بر طرف شد
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که در بیت الخلا عطسه کند حمد الهی را در خاطر

بکنند و تحمیت کم و آهسته گفتن باید و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که چون کسی عطسه کند باو بگویند یرحمکم الله و او در جواب بگوید یغفر الله
لکم و یرحمکم و از حضرت امام رضا ع منقولست که صلوات بر حضرت رسول ص
و آل حضرت واجبست نزد عطسه کردن و نزد کشتن حیوانات و در حدیث
معتبر از حضرت رسول ص منقولست که کسی که آروغ زند بجانب آسمان بلند نکند
و فرمود که آروغ نعمت خداست بعد از آن حمد الهی بکند و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که هرکس آب دهان بجانب قبله نیندازد و اگر از روی فراموشی چنین کند استغفار
بکند و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که هرگاه کسی در دهان عطسه کند
الحمد لله بگوید و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی عطسه کند و تو در نماز باشی بگو
الحمد لله و صلی الله علی محمد و آل محمد اگرچه میان تو و آن شخص که عطسه کرده است
دریا باشد **فصل هفتم** در مزاح کردن و خندیدن و سرگوشی کردن و آداب
صحبت داشتن و راز مجلس را پنهان داشتن در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام
و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی ع منقولست که چون سه نفر در مجلسی باشند
دو نفر ایشان سرگوشی نکنند که موجب اندوه و ایذای آن رفیق دیگر است و در حدیث
معتبر از حضرت رسول ص منقولست که هرکه در میان سخن برادر مسلمان خود سخن گوید
چنانست که خراشی در روی او کرده است و در احادیث بسیار منقولست که مجلس
ها امانت است یعنی آنچه گذشت باید که در جای دیگر مذکور نشود مگر آنکه دانسته که آنها
راضی اند و از حضرت رسول ص منقولست که احدی را نیست که سخنی را که صاحبش
پنهان داشته او نقل کند مگر آنکه علتی باشد که اظهار آن لازم است یا ذکر نیکیهای
آن شخص باشد و از حضرت رسول ص منقولست که مجالس امانت است مگر مجلسی که در آن
خون حرامی ریخته شود یا فرج حرامی را حلال کنند یا مالی را بناحق ببرند و از
حضرت صادق ع منقولست که هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در او مزاح و خوش طبعی
میباشد و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت از شخصی پرسیدند که خوش طبعی
کردن شما با یکدیگر چونست گفتم کم است فرمود که بکنید که مزاح کردن از نیکی خلقست
و تو خوشحالی برادر مؤمن میشود و بسیار بود که حضرت رسول ص مزاح کرده

باشخصی

باشخصی که او را شاد گرداند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که خدا دوست میدارد
کسی را که خوش طبعی کند در میان مردم مادام که فحش نگوید و از حضرت صادق ع
منقولست که خندیدن مؤمن میباید تبسم باشد و صدا نداشته باشد و در حدیث
دیگر فرمود که بسیار خندیدن دل را میمیراند و دین را میگدازد چنانچه آب نمک را میگدازد
و فرمود که از نادانیست خندیدن بی آنکه تعجبی باعث آن شود و در حدیث دیگر فرمود
که مزاح بسیار مکن که آبرو را میبرد و فرمود که چون کسی را دوست داری با او مزاح مکن
و مجادله مکن و در حدیث فرمود که قهقهه کردن از شیطانست و فرمود که بسیار خندیدن
آبرو را میبرد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که زنهار که مزاح مکنید
که کینها بهم میرسد و دشنام کوچک است و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون
خنده قهقهه بکنی بعد از فارغ شدن بگوی اللهم لا تمقتنی و از حضرت صادق ع
منقولست که مزاح کردن آبرو را میبرد و مهابت مرد را برطرف میکند و در حدیث
دیگر فرمود که مجادله مکن که حسنت زایل میشود و خوش طبعی مکن که باعث جرأت مردم میشود
بر تو و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که مزاح مکن که نور ایمانت را
میبرد و مروتت را سبک میکند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت یحیی میگریست
و نمیخندید و حضرت عیسی میگریست و میخندید و آنچه عیسی میکرد بهتر بود از آنچه یحیی
میکرد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت داود بحضرت سلیمان میگفت که ای فرزند
زنهار که خنده بسیار مکن که بسیار خندیدن آدمی را فقیر میکند در روز قیامت
و حضرت رسول ص فرمود که عجب دارم از کسی که ایمان بجهنم دارد چگونه میخندد و حضرت
صادق ع فرمود که چه بسیار کسی که بسیار خندد از روی لهو و لعب و در قیامت گریه اش
بسیار باشد و چه بسیار کسی که بسیار گریه بر گناه خود در بهشت حق تعالی خنده اش بسیار
باشد پس از این اخبار و اخبار دیگر چنین ظاهر میشود که مؤمن میباید که عبوس و کج خلق نباشد
و گشاده روی و خندان باشد و قدری از مزاح مطلوبست اما بسیار خندیدن و بسیار
خوش طبعی کردن مذمومست و بقول جوزان و سفیهانست **فصل هشتم** در سایر
آداب مجالست و حقوق اصحاب مجلس یکدیگر از حضرت رسول ص منقولست که نیکی عبادتست
با کسی که با او مجاورت کند تا مؤمن باشی و نیکو مصاحبت کن با مصاحبان خود تا مسلمان باشی

و از مفضل منقولست که بخدمت حضرت صادق ع فرمود که کی مصاحب تو بود در راه
کفتم شخصی از برادران مومن فرمود که چیست کفتم که تا داخل مدینه شدیم احوالش را
نمیدانم فرمود که مکر نمیدانی که کسی که چهل کام با کسی مصاحبت کند حق تعالی از حق او سؤال
میکند در قیامت و از حضرت رسول ص منقولست که همین عیب بس است آدمی را که از
مردم چیزی چند بیند که از خود چشم پوشد و مردم را سرزنش کند بر چیزی که ترک
آن نمیتواند کرد و آزار کند همنشین خود را بچیزی که نفعی باو نرسد و حضرت امام محمد باقر ع
فرمود که مردم یا مومن اند یا جاهل پس مومن را آزار نباید کرد و با جاهل نباید کرد نباید بود
و اکر مثل او خواهی بود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از ما نیست کسی که نیکو
مصاحبت نکند با مصاحبان خود و نیکو رفاقت نکند با رفیقان خود و نیکو خلق
نکند با کسی که نمک خورده باو و نیکو مهربانی نکند با کسی که با او مهربانی کند و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که با منافق بزبان خوش باش کاری بکنی و محبت قلبی خود را
خالص کردان برای مومنان و اکر یهودی با تو همنشینی کند نیکو مجالست کن با او
و حضرت رسول ص فرمود که مهربانی کن با مردم تا ترا دوست دارند و در حدیث دیکر
فرمود که سه چیز است که محبت آدمی را برای برادر مسلمانش صاف و خالص میکرداند
اول آنکه چون با او برخورد بخوش رویی و خوشحالی او را ملاقات کند دویم آنکه
جا برای او بکشاید چون نزد او بنشیند سیم آنکه بهترین نامی که دوست میدارد او را بخواند
و فرمود که اظهار دوستی و مهربانی با مردم کردن نصف عقلست و در حدیث صحیح از
حضرت صادق ع منقولست که چون کسی را دوست دارد دوستی خود را باو اظهار کن
که بیشتر باعث ثبات محبت میشود میان شما و در حدیث صحیح دیکر فرمود که حضرت رسول ص
قسمت میکرد نظر کردنهای خود را میان اصحاب خود که بیکی بیشتر از دیکری نظر نمیکرد
و هرکز در حضور اصحاب خود پا دراز نکرد و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع
منقولست که چون کسی حاضر باشد او را بکنیت بخوان و چون غایب باشد نامش را بکو
و در میان عجم القاب بجای کنیتهاست مثل آخوند و میرزا و آقا و نواب و امثال
اینها و از حضرت رسول ص منقولست که چون کسی برادر مسلمان خود را دوست دارد
باید که نامش را و نام پدر و قبیله و خویشانش را بپرسد از او که این از جمله حقوق لازم

برادری و دوستی است و اکر نه آن آشنایی احمقانه خواهد بود و در حدیث
دیکر فرمود که از جمله چیزها است یکی آنکه شخصی برای کسی طعامی مهیا کند و او خلف
وعده کند و نرود که طعام او را بخورد دویم آنکه شخصی با کسی مصاحبت و همنشینی
کند و علمی نکند که کیست و از کجاست تا جدا شود سیم آنکه کسی با زن خود جماع کند
زن آب بدهد و آب نه دهد بلکه میباید تانی بکند و مکث کند تا هر دو با آب بدهند
و از حضرت امام موسی ع منقولست که باید بده از میان خود و برادر مومن خود بر مدار
که باعث معرفت شدن حاجات و از حضرت صادق ع منقولست که هرکه از روی برادر
مومن کاهی یا خاشاکی یا کثافتی بردارد حق تعالی ده حسنه در نامه عملش بنویسد و هرکه
تبسم کند در روی برادر مومن حق تعالی برای او حسنه بنویسد و از حضرت رسول ص
منقولست که هرکه خاشاکی یا ماسیدن آن از برادر مومنی بردارد و در برابر آن عمل بکوید
اماط الله عنک ما تکره یعنی دور کند از تو آنچه را نمیخواهی و در حدیث دیکر
منقولست که حضرت رسول ص نهی فرمود از آنکه کسی بکوید بکسی که لا وحیوتک وحیوة
فلان چنانچه در نفادی میکویند بجان تو بجان فلان و در حدیث دیکر فرمود
که بدترین امت من جماعتی اند که مردم ایشان را کرامی میدارند از ترس بدی ایشان
بدرستیکه از من نیست هرکه چنین باشد و از حضرت صادق ع منقولست که ولد الزنا
چند علامت اول دشمنی اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم دویم آنکه مایل
بان جماعی که از آن خلوق شده است سیم آنکه دین را خفیف و سبک میشمارد چهارم آنکه
مردم را در حضور ایشان از ار میکند و هیچ کس با مردم بد نمیخورد و آزار ایشان
مکر آنکه ولد الزنا یا در حیض مادرش باو حامله شده است و از حضرت رسول ص
منقولست که نهی فرمود از دشنام دادن مردم که کرامت را میبرد و حرمت را بطرف میکند
و پیوسته جبرئیل را نهی کرد از مجادله با مردم کردن چنانچه نهی میکرد از شراب خوردن
و بت پرستیدن و از حضرت صادق ع منقولست که کینه مومن در همان مجلس
میباشد که نشسته است چون از برادرش جدا شود دیکر در دلش کینه نمیباشد
و کینه کافر در تمام عمر میباشد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که شخصی
بخدمت حضرت رسول ص آمد و کفت مرا وصیتی بفرما حضرت فرمود که ملاقات کن

برادر خود را با او وی گناه؛ و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حدیث نیکی خلق آنست
که مهربانی کنی و سخن نیکو کنی و با مردم بروی خوش بخوری؛ و حضرت
رسول صلعم فرمود که خوشحالی و خوشروئی با مردم کینه را میبرد؛ و حضرت صادق ع
فرمود که بهترین اخلاق دنیا و آخرت آنست که عفو کنی از کسی که بر تو ظلم کند
و پیوند کنی با کسی که از تو ببرد و حلم کنی از کسی که با تو بیخردی کند؛ و در حدیث دیگر
فرمود که هر که خشم را فرو خورد خدا عزت او را در دنیا و آخرت زیاده کند
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که خشم را فرو خورد و قادر باشد
که آنرا بعمل آورد حق تعالی دلش را از ایمنی و ایمان پر کند در روز قیامت؛ **فصل نهم**
در فضیلت ذکر خدا در مجالس کردن؛ از حضرت رسول صلعم منقولست که مبادرت کنید
بسوی باغهای بهشت پرسیدند که کدام است باغهای بهشت فرمود که حلقها
و مجمعها که خدا را یاد در آن کنند؛ و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
که در همه جا خدا را یاد کنید که او با شماست؛ و در حدیث معتبر منقولست که حضرت
رسول صلعم از هیچ مجلس برنخاستند هرچند اندک نشسته باشند تا آنکه بیست و پنج
مرتبه استغفار میکردند؛ و در احادیث معتبره منقولست از رسول خدا صلی الله علیه و آله
که یاد کننده خدا در میان غافلان مانند کسی است که جهاد کند در راه خدا در هنگام
گریختن دیگران و چنین کسی ثوابش بهشت است؛ و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع
منقولست که هر مجلسی که در آن جمع شوند نیکوکاران و بدکاران و برخیزند و یاد
خدا در آن مجلس نکرده باشند آن مجلس در قیامت باعث حسرت و ندامت ایشان
بود؛ و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر گروهی که در مجلسی جمع شوند و در آن مجلس
یاد خدا نکنند و صلوات بر پیغمبر خود نفرستند آن مجلس حسرت و وبال است بر ایشان
در روز قیامت؛ و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که نوشته است
در توریت که تغییر نیافته است که حضرت موسی ع از پروردگار خود سؤال کرد که خداوندا
مجلسی چند بر من وارد میشود که ترا عزیزتر و جلیلتر میدانم از آنکه ترا در آن مجالس
یاد کنم حق تعالی در جواب فرمود که ای موسی نام بردن و یاد من کردن در همه حال
نیکوست؛ و از حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی فرمود که ای فرزند آدم مرا

یاد کن

یاد کن در مجمع مردم تا ترا یاد کنم در مجمعی که بهتر از مجمع تو باشد؛ و در حدیث دیگر فرمود
که حق تعالی میفرماید که هر که مرا یاد کند در میان مجمعی از مؤمنان او را یاد کنم در میان
مجمعی از ملایکه؛ و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که خواهد که در قیامت ثواب کامل
بیابد در وقتی که برخواهد خیزد از مجلس بگوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ و در حدیث دیگر منقولست که این
کفارهٔ گناهان آن مجلس است؛ **فصل دهم** در فضیلت ذکر حضرت رسول
و ائمه علیهم السلام در مجالس و مباحثه علوم ایشان نمودن و احادیث فضایل ایشان
یاد کردن؛ از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر قومی که در مجلسی جمع شوند و خدا را
یاد نکنند و ما را یاد نکنند آن مجلس بر ایشان حسرت خواهد بود در قیامت
و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که یاد ما کردن از یاد خداست و یاد دشمن ما کردن
از یاد شیطانست؛ و از حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی را ملکی چند هست
که ایشان میگردند در زمین هرگاه میگذرند بر جماعتی که یاد محمد و آل محمد میکنند
بیکدیگر میگویند بایستید که مطلب خود را یافتید پس می نشینند و با ایشان شریک
میشوند در آن امر و چون ایشان برخیزند اگر بیمار شوند بعیادت ایشان میروند
و اگر بمیرند بجنازهٔ ایشان حاضر میشوند و اگر غایب شوند بجستجوی ایشان
میکنند؛ و در حدیث دیگر فرمود که ملایکه که از آسمانها نظر میکنند بسوی یک دو
و سه از شیعیان که فضیلت آل محمد صلی الله علیه و آله را ذکر میکنند پس بیکدیگر میگویند
که این فضل خداست بر که میخواهد میدهد و خدا صاحب فضل بزرگست؛ و در حدیث
معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر ع از میسر پرسیدند که آیا شما شیعیان با یکدیگر
خلوت میکنید و از علوم اهلبیت و فضایل ایشان آنچه خواهید میگویید گفت
بلی والله حضرت فرمود که والله من دوست میدارم که با شما باشم در آن مجالس
والله که من بوی شما و نفس شما را دوست میدارم و بدرستی که شما بر دین خدا و ملائکه او
پس یاری کنید ما را در شفاعت خود بپرهیزکاری از محرمات و سعی در طاعات
و در حدیث دیگر فرمود که جمع نمیشوند سه نفر از مؤمنان یا زیاده مگر آنکه ملایکه
مثل ایشان جمع میشوند اگر چیزی از خدا میطلبند ملائکه آمین میگویند و اگر بلا

بخدا پناه از شر ی دعا میکنند ملایکه که خدا آن بنده را از ایشان دور کرداند
و اگر حاجتی میطلبند ملایکه از خدا سوال میکنند که حاجت ایشانرا بر آورد و جمع
نمیشوند سه نفر یا زیاده از آن که ترک کنند ذکر اهل بیت مگر آنکه ده برابر ایشان
از شیاطین حاضر میشوند و هر سخنی که میگویند شیاطین هم مثل سخن ایشان سخن
میگویند و اگر بخندند با ایشان میخندند و اگر مذمت دوستان خدا میکنند با ایشان
رفاقت میکنند پس اگر کسی از مومنان مبتلا شود بهم نشینی ایشان چون شروع کنند
بمذمت دوستان خدا برخیزد و شریک و همنشین شیطان نباشد که هیچ گناهی با
تفاوت غضب خدا ندارد و لعنت خدا را هیچ چیز دفع نمیکند و اگر نتواند که برخیزد
بدل انکار کند و اندک ساعتی برخیزد و باز برگردد و از حضرت امام موسی ع
منقولست که هیچ چیز شیطان و لشکرهای او را مجروح نمیکند مثل رفتن برادران
مومن بدیدن یکدیگر از برای خدا بدرستیکه دو مومن که بایکدیگر بنشینند
و یاد خدا میکنند پس فضیلت ما اهل بیت را یاد میکنند بر روی شیطان
هیچ گوشت نمیماند مگر آنکه فرو میریزد تا آنکه روحش استغاثه میکند از شدت
که این امر میابد پس ملایکه آسمانها و خازنان بهشت بر او مطلع میشوند
و او را لعنت میکنند و هیچ ملک مقربی نمیماند مگر آنکه او را لعنت میکند پس
ناامید و محروم و مطرود بر زمین میافتد و از حضرت رسول ص منقولست که زینت
دهید مجالس خود را بذکر فضایل علی بن ابی طالب صلوات الله علیه که در هفتاد
خصلت از خصلتهای پیغمبرانست و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی برای برادرم
علی بن ابی طالب فضیلتهای بسیار قرار داده که از بسیاری احصای آنها نمیتوان کرد پس
هر که یک فضیلت از فضایل آنرا ذکر کند از روی اقرار و اذعان گناهان گذشته
و آینده اش آمرزیده شود هر چند در قیامت با گناه جن و انس بیاید و هر که یک
فضیلت از فضایل آنحضرت را بنویسد تا علامتی از آن کتابت باقی باشد ملایکه
از برای او استغفار کنند و هر که گوش دهد بر فضیلتی از فضایل آنحضرت
خدا بیامرزد گناهانی را که بگوش داده کرده باشد و هر که نظر کند بنوشته که
فضیلتی از فضایل آنحضرت در آن نوشته باشد خدا از او بیامرزد گناهانی را

بچشم

که بچشم کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که براهی رود برای طلب علم حق تعالی
راهی برای او بگشاید بسوی بهشت و بدرستیکه ملایکه بالهای خود را میگذارند از برای
طلب کننده علم با رضا و خوشنودی و استغفار میکنند از برای طلب کننده علم هر که در
آسمانهاست و هر که در زمین است حتی ماهیان دریا و فضل عالم بر عابد مانند فضل ماه
در شب چهارده بر سایر ستارگان و در حدیث دیگر فرمود که اولاد بعد از پدری که هر چه خود را
از کارهای دنیا فارغ سازند برای یاد کردن مسایل دین خود و در حدیث دیگر فرمود
که حق تعالی میفرماید که مذاکره علم در میان بندگان من دلهای مرده را زنده میکند
و در حدیث دیگر فرمود که بایکدیگر مذاکره کنید و ملاقات کنید و حدیث نقل کنید
که حدیث جلا میدهد دلها را و بدرستیکه دلها زنگ میگیرد چنانچه شمشیر زنگ میگیرد
و جلای دلها حدیث است و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که مذاکره علم
ثواب نماز مقبول دارد

فصل یازدهم در مشورت کردن با برادران و آداب آن

از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که نفس خود را بخطرها می اندازد
کسی که مستغنی میشود برای خود از رای دیگران و در حدیث دیگر فرمود که مشورت کن با
جماعتی که از خدا ترسند و دوست دار برادران مومن را بقدر پرهیزکاری ایشان
و بپرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان در حذر باش که اگر ترا بنیکی امر کنند مخالفت
کن ایشانرا تا طمع نکنند در آنکه موافقت ایشان کنی در بدیها و در حدیث دیگر فرمود
که من بیزارم از کسی که مسلمانی با او مشورت کند و او خیر او را داند و نگوید
و از حضرت رسول ص منقولست که هر گروهی که با یکدیگر مشورت کنند و در میان
ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در مشورت ایشان
داخل باشد البته خیر ایشان بر ایشان ظاهر میشود و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که [illegible] اگر خواهی که نعمت الهی برای تو مستقیم باشد و مروت تو
کامل باشد و بدانند که تو نیکو باشی در امور خود مشورت مکن با بنده و مردم دون
و از حضرت رسول ص منقولست که مشورت مکن با جبانان و ترسندگان که راه بیرون شدن
بر تو تنگ میکنند و مشورت مکن با بخیل که مانع میشود ترا از رسیدن بغایت مقصود
خود و مشورت مکن با کسی که حریص باشد که زینت میدهد برای تو

بهتر است و در حدیث دیگر فرمود که با طلب کسی که طلب خیر از خدا میکند حیران نمیشود
و کسی که در کارها با مردم مشورت میکند پشیمان نمیشود و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمود که هلاک میشود کسی که مشورت نکند و در حدیث دیگر منقولست که بسیار بود که
حضرت امام رضا ع با آن عقل کامل مشورت میفرمود با سیاهی از غلامان خود
و میفرمود که بسا باشد که خدا خیرها را بر زبان او جاری کند و در احادیث معتبره منقولست
که با عاقل دیندار پرهیزکار مشورت کن و چون خیری بگوید خلاف آن مکن که موجب
فساد دنیا و آخرت تو میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که برادر مؤمن
با او مشورت کند و او محض خیر او را نگوید خدا عقل و دانش را برطرف کند و در
حدیث دیگر فرمود که مشورت کردن حدی چند دارد که هر که آنها را نداند مضرت
مشورت برای او بیش از منفعت است اول آنکه کسی که با او مشورت میکند عاقل باشد
دویم آنکه آزاد متدین باشد سیم آنکه برادر دوست و یار او باشد چهارم آنکه
او را بر تمام سر خود مطلع کند که چنانچه خود بجهات آن امر را میداند او هم بداند
آنرا پنهان دارد و بکسی نقل نکند زیرا که اگر عاقل است منتفع میشوی بمشورت او و اگر
آزاد و دیندار است بخود سعی میکند در خیرخواهی تو و اگر یار و دوست است راز ترا
چون راز خود را با او گفتی افشا نمیکند و بدانکه از برای فضیلت مشورت و اهتمام در آن
همین کافیست که حق تعالی پیغمبر خود را که اعقل کاینات بود در قرآن مجید امر بمشورت
فرموده است که وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ یعنی مشورت کن
با اصحاب خود در امور پس چون عزم کردی پس توکل کن بر خدا **فصل دوازدهم**
در آداب نامه نوشتن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مهربانی نمودن
میان برادران مؤمن در حضر باینست که بدیدن یکدیگر بروند و در سفر باینست
که نامه بیکدیگر بنویسند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که جواب کتابت
نوشتن واجب است مانند جواب سلام گفتن و در حدیث دیگر فرمود که ترک
مکن نوشتن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ را اگرچه بعد از آن شعری نویسی و در حدیث فرمود
که بیاید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ بهتر از سایر چیزها که مینویسی و در حدیث معتبر
از آنحضرت پرسیدند که در نامه ابتدا باسم آنشخص که نامه را باو مینویسند پیش از نام

کردن

کردن فرمود که باکی نیست این کرامی است که او را میکنند و در حدیث دیگر منقولست
که آنحضرت امر فرمود که نامه بجائی بنویسند چون نامه بدست آنحضرت دادند فرمود
که چگونه امید دارید که آنچه در نامه نوشته اید بعمل آید و حال آنکه انشاء الله در جاهای
که مناسبت نوشته پس فرمود که ببینید هر جا که انشاء الله نداره بنویسید و در حدیث
صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که چون نامه را نوشتید خاک بر روی
نامه بپاشید که حاجت بهتر روا میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
امام علی نقی صلوات الله علیه در اول نامه مینوشتند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
اذْكُرْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَالْأَمْرُ بِيَدِ اللَّهِ و فرمودند که اگر بگویم که کسی ترک
میکند گفتن و نوشتن بسم الله را در کارها و نوشتها مشکل است که تمام را
ترک کند هر آینه راست گفته ام و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
از نامه نوشتن هر کس استدلال بعقل و بینائی او میتوان کرد و از رسول او
بر فهم و زیرکی او میتوان کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون بنویسی نامه برای حاجتی
و خواهی که آن حاجت برآید بقلم بی مداد بر سر نامه بنویس بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
إِنَّ اللَّهَ وَعَدَ الصَّابِرِينَ الْمَخْرَجَ مِمَّا يَكْرَهُونَ وَالرِّزْقَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ
جَعَلَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ راوی گوید که
هر گاه که چنین میکردم حاجتم برآورده میشد و در حدیث صحیح منقولست که
از حضرت امام موسی ع پرسیدند که کاغذها که نزد ما جمع میشود آیا با آتش میتوان
سوخت هرگاه در آنها نام خدا باشد فرمودند که نه بلکه با آب بشویند و در حدیث
صحیح دیگر منقولست از حضرت صادق ع که کاغذها را مسوزانید لیکن محو کنید
و بشوئید و در حدیث حسن منقولست که از آنحضرت پرسیدند که نامهای
خدا را با آب دهن محو میتوان کرد فرمود که پاکترین چیزی که بآن محو کنید و از
حضرت رسول ص منقولست که کتابت خدا و نام خدا را بپاکترین آبی باید محو کنید
و نهی فرمود از آنکه بسوزانند قرآن را و از آنکه بقلم محو کنند و در بعضی از نسخها بجای
قلم قدم است **باب دوازدهم** در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن **فصل اول**
در ذکر خانه در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که از سعادت

آدمی آنست که خانه اش گشاده باشد و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام موسی ع
خانه خریدند و یکی از موالیان خود را فرمودند که در آن خانه ساکن شو که خانه تو تنگ است
آن شخص گفت که این خانه ایست که پدرم احداث کرده است [illegible] حضرت
فرمود که هرگاه پدر تو احمق باشد تو نیز باید احمق باشی و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که سه چیز است که موجب راحت مؤمن است خانه گشاده که عیبها و امور مخفی
او را از مردم پنهان دارد و زن صالحه که بر امور دنیا و آخرت او را یاری نماید
و دختری یا خواهری که او را از خانه بیرون کند یا بمردن یا بشوهر دادن و از
حضرت امام موسی ع منقول است که نیکی زندگانی در گشادگی خانه و بسیاری دوستان است
و در حدیث دیگر فرمود که زیادتی لذت دنیا در فراخی خانه و بسیاری دوستان است
و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است [illegible] زندگانی است خانه تنگ و در روایت
دیگر منقول است که شخصی از انصار از تنگی خانه شکایت کرد برسول خدا ص حضرت
فرمود که با آواز بلند از خدا بطلب که گشادگی در خانه تو بدهد و در حدیث دیگر
فرمود که از سعادت آدمی آنست که فرزند شبیه او باشد و زن خوش روی
دین دار داشته باشد و چهارپای رهوار داشته باشد و خانه گشاده داشته باشد
و در حدیث دیگر فرمود که شومی خانه در تنگی ساحت و بدی همسایگان و بسیاری عیبهای
آنست و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سعادت است زن صالحه
و خانه فراخ و همسایه شایسته و مرکب نیکو و چهار چیز است که از شقاوت است همسایه
و زن بد و خانه تنگ و مرکب بد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از تلخی
زندگانیست از خانه بخانه نقل کردن و نان از بازار خریدن **فصل دوم** در
بیان تکلف بسیار در خانه کردن و بسیار بلند ساختن در حدیث صحیح از حضرت
صادق ع منقول است که هر که مال را از غیر حلال کسب کند حق تعالی مسلط بگرداند
عمارت کردن و خاک و آب که آن مال الحرام را در آنجا ضایع کند و در حدیث
دیگر فرمود که هر بنائی که زیاده بقدر احتیاج باشد در قیامت وبال است بر صاحبش
و در حدیث دیگر فرمود که هر که عمارت کند زیاده از آنچه در آن سکنی نماید در قیامت
او را تکلیف میکنند که آن را بردارد و از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقول

که خدا در زمین خود بقعه چند قرار داده است که آنها را مرحومات مینامند که دوست
میدارد که نام او را در آن بقعها ببرند و او را بخوانند تا اجابت دعای ایشان بکند
و خدا در زمین بقعه چند قرار داده است که آنها را منتقمات مینامند پس چون
کسی مالی را از غیر حلال کسب کند خدا یک زمین از آن زمینها را بر او مسلط میگرداند
که آن مال را در آنجا صرف نماید و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیر المؤمنین ع
از در خانه شخصی گذشتند که از آجر ساخته بود پرسید که این در خانه کیست گفتند
که از فلان مرد غافل مغرور پس بدر خانه دیگر گذشتند که صاحبش از آجر ساخته بود
حضرت فرمود که این خانه از مرد غافل دیگر است و از حضرت رسول ص منقول است
که هر که خانه بنا کند از برای ریا و سمعه که مردم ببینند و بشنوند در روز قیامت آن خانه را
تا هفت طبقه زمین آتش [illegible] و در گردن او اندازند پس او را در جهنم اندازند
و هیچ چیز او را نگاه ندارد تا قعر جهنم مگر آنکه توبه کند پرسیدند که یا رسول الله بنای
ریا و سمعه ساختن چه معنی دارد فرمود که یعنی زیاده از قدر حاجت بسازد برای آنکه زیادتی
کند بر همسایگان و فخر و مباهات کند بر برادران خود و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که حق تعالی ملکی را موکل گردانیده است بعمارت که هر که سقف خانه را
زیاده از هشت ذرع بلند کند با او میگوید که تا کجا میخواهی بروی ای فاسق و در
روایت دیگر ای فاسق ترین فاسقان و در چند روایت معتبر وارد شده است
که هر که سقف خانه را زیاده از هشت ذرع بلند کند جنیان و شیاطین در آنجا
جا میگیرند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام
که جنیان آزار اهل خانه و عیال من میکنند حضرت پرسیدند که ارتفاع سقف
تو چه مقدار است گفت ده ذرع است حضرت فرمود که از زمین تا هشت ذرع
بپیما و از مابین هشت تا ده آیة الکرسی بنویس چون در خانه رفت که هر خانه که ارتفاع
آن زیاده از هشت ذرع است جنیان در آن خانه حاضر میباشند و در آنجا سکنی میکنند
و در چند حدیث دیگر منقول است که هر خانه که ارتفاعش زیاده از هشت باشد بر
هشت ذرع آیة الکرسی بنویس و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام محمد
باقر ع شکایت کرد که جنیان ما را از خانه بدر کرده اند حضرت فرمود که سقف خانه

خوردن هفت ذرع کنید و کبوتر در اطراف خانه جا بدهید راوی گفت که چنین
کردیم دیگر بدی ندیدیم و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که بنا کردن
خانه زیاده از هفت ذرع که ارتفاعش زیاده از هفت ذرع است شیطان در آنجا ساکن
میشود یعنی شیطان در آسمان و در زمین نمیباشد بلکه در میان هوا میباشد
و در روایت معتبر منقولست که ابوحنیفه گفت که در خانه حضرت صادق ع
دیدم آیة الکرسی بر دور حجره نوشته بودند و در جانب قبله نمازگاه آنحضرت نیز
آیة الکرسی نوشته بودند **فصل سیم** در نقاشی کردن و تصویر کشیدن
صورت صاحب روحی را ساختن که سایه داشته باشد مشهور میان علما آنست
که حرام است و چنین صورتها بر دیوارها و جامها نقش کردن مکروه است
و بعضی بحرمت قایل شده اند و احوط آنست که طلا کاری نکنند و مطلقا صورت
نکشند حتی صورت درخت و امثال آن خصوصا صورت انسان که تمام باشد
و اگر صورت کشیده باشند بهتر آنست که آنرا ناقص کنند مثل آنکه چشمش را کور کنند
یا عضوی از آن محو کنند و از حضرت رسول منقولست که جبرئیل گفت یا محمد
پروردگارت سلام میرساند و نهی میکند از مثالها و صورت کشیدن در جامها
و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که جبرئیل گفت ما گروه ملایکه داخل
خانه نمیشویم که در آن سگ باشد یا صورت بدنی باشد یا ظرفی باشد که در آن بول
کنند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که صورتی بسازد در قیامت
او را عذاب کنند که جان در آن صورت بدمد و نتواند دمید و در حدیث موثق
منقولست که از حضرت صادق پرسیدند از بالش و فرشی که صورت داشته باشد
فرمود که باکی نیست که در خانه باشد صورتی که پامال شود و بر رویش نشینند
و راه روند و در حدیث حسن از حضرت امام محمد باقر منقولست که باکی نیست
که صورتها در خانه باشد که سرش را تغییر دهند و سایر بدنش بحال خود باشد و در حدیث
صحیح از حضرت امام موسی منقولست که نماز مکن در خانه که صورتی در برابر تو باشد
مگر آنکه چاره نداشته باشی پس سر آنرا قطع کن و نماز بکن و در چند حدیث معتبر از حضرت
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت رسول مرا بمدینه فرستادند که هر صورتی

که باشد

که باشد محو کنم و قبرهای بلند را هموار کنم و سگها را بکشم و در حدیث دیگر از حضرت
صادق منقولست که عمارت بالای قبرها مکنید و صورتها در سقف خانه مکشید
که حضرت رسول از این دو چیز کراهت داشتند و در حدیث دیگر از آنحضرت
پرسیدند نماز کردن در خانه که صورت درخت و آفتاب و ماه باشد فرمود که باکی نیست اگر صاحب
روح نباشد **فصل چهارم** در آداب فرش خانه از حضرت امام موسی منقولست
که سه چیز است که از مروت است نیکوی چهارپا و غلام خوش رو و فرش نفیس و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که آدمی را فرشی برای خود و فرشی برای زوجه خود و فرشی برای
مهمان در کار است و زیاده از این از شیطانست و در روایت دیگر منقولست که
در خانه حضرت امام زین العابدین ع بالشها و نمدها بود که در آنها مثالها و شکلها
و صورتها بود و بر بعضی آنها می نشستند و در حدیث دیگر منقولست که جمعی بخانه
آنحضرت آمدند و بالشها و فرشهای نفیس دیدند عرض کردند که ما در منزل شما چیزی
چند میبینیم که خوش نمی آید ما را فرمود که ما زنان میخواهیم و مهر ایشانرا میدهیم
اینها را میخواهند میخرند آنها از ما نیست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت
حضرت امام محمد باقر رفت دید که آنحضرت در خانه فرش نشسته اند که فرشهای نیکو
در آن گسترده اند پس بار دیگر رفت دید که در خانه نشسته اند که بغیر از حصیر چیزی دیگر
در آن نیست و خود پیراهن کنده پوشیده پس حضرت فرمود که آنچه در روز دیدی
آن خانه زن من بود و روز نوبت او بود و در حدیث صحیح منقولست
که شخصی بحضرت امام محمد باقر عرض کرد که شخصی می نشیند بر فرشی که در آن
صورتها هست فرمود که عجمان تعظیم میکنند چنین فرشی را و ما آنرا دشمن میداریم
و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از حضرت امام موسی پرسیدند از فرش حریر
و دیبا آیا بر روی آن میتوان خوابید و تکیه کرد و نماز کرد حضرت فرمود که در زیر
می اندازی و بر رویش می ایستی اما سجده بر آن مکن و در روایت دیگر منقولست
که حضرت امام رضا در تابستان بر روی حصیر می نشستند و در زمستان بر روی
پلاس و در خانه جامه های کنده می پوشیدند و چون بیرون می آمدند برای مردم زینت
میکردند و در روایات معتبره منقولست که جهیز حضرت امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه

تزویج کردند و پوشش ایشان عبائی بود و فرش ایشان پوست گوسفندی بود
و بالش ایشان پوستی بود که در میانش لیف خرما پر کرده بودند و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام فرمود که بسیار است که نماز میکنم و در پیش
روی من بالشی هست که در آن صورت مرغان هست پس جامه بر روی آن بالش
می‌اندازم و نماز میکنم و فرشی چند از شام برای من بهدیه آوردند و در آنها صورت
مرغان نقش کرده بودند فرمودم که سرهای ایشانرا تغییر دادند و بصورت درخت کردند
و در حدیث دیگر منقولست که از آنحضرت پرسیدند که گاه هست که فرشها از برای ما
میگسترانند که در آن صورتها هست حضرت فرمود که چیزی را که فرش کنند
و پهن کنند و بر رویش راه روند باکی نیست اما صورتهائی که بر دیوار و کرسی
نصب کنند خوب نیست **فصل پنجم** در آداب عبادت کردن در خانه در حدیث
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
حجره در خانه خود مقرر فرموده بودند که در آنجا بغیر از فرش و حصیر و
مصحفی دیگر چیزی نبود و در آن حجره نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر
فرمود که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه حجره در خانه خود قرار
داده بودند که نه بسیار کوچک بود و نه بسیار بزرگ از برای نمازگاه خود
و چون شب میشد طفلی را با خود بآن حجره میبردند و در آنجا نماز میکردند
و در حدیث موثق دیگر منقولست که آنحضرت نوشتند بمحمد کردوست سیارم
از برای تو که در خانه خود نمازگاهی قرار دهی و دو جامه کهنه بپوشی و با خضوع
بروی و از خدا سؤال کنی که ترا از آتش جهنم آزاد کند و ترا داخل بهشت کند و دعای
نامشروع مکن و نفرین بر کسی مکن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست
که منور کنید خانهای خود را بتلاوت قرآن و خانهای خود را مثل گور مکنید
چنانچه یهود و نصاری کردند که نماز را در معبدهای خود میکردند و خانهای
خود را معطل میگذاشتند بدرستیکه خانه که در آن تلاوت قرآن بسیار شود
خیر آنخانه بسیار میشود و اهلش بفراغت و نعمت میباشند و آن خانه روشنی
میدهد اهل آسمانرا چنانچه ستارها روشنی میدهند اهل زمین را و در حدیث

حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خانه که مسلمان در آن
قرآن خواند اهل آسمان آن خانه را بیکدیگر مینمایند و از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که خانه که در آن قرآن خوانده میشود و یاد خدا در آن کرده میشود
برکت آنخانه بسیار میشود و ملائکه حاضر میباشند و شیاطین دور میشوند
و روشنی میدهد اهل آسمانرا چنانچه ستارها اهل زمین را روشنی میدهند
و خانه که در آن قرآن خوانده نشود و یاد خدا در آن نکنند برکت آنخانه کم
میباشد و ملائکه دوری میکنند و شیاطین در آنجا حاضر میباشند **فصل ششم**
در نگاه داشتن حیوانات خصوصا کبوتر و خروس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
منقولست که حیوانات در خانه بسیار نگاه دارید که شیاطین بآنها مشغول شوند
و باطفال شما ضرر نرسانند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که خوبست
حیوانات در خانه داشتن مثل کبوتر و مرغ و بزغاله تا آنکه اطفال جنیان
با ایشان بازی کنند و باطفال شما بازی نکنند و در حدیث معتبر منقولست
که شخصی بحضرت رسول صلی الله علیه وآله شکایت کرد از تنهائی حضرت
فرمود که یک جفت کبوتر در خانه نگاه دار و در حدیث صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که کبوتر از مرغان پیغمبرانست و در حدیث حسن دیگر
فرمود که کبوتران حرم نسل کبوتری چندند که حضرت اسمعیل ع نگاه داشته بودند
و با آنها انس میگرفتند پس مستحب است که در خانه کبوتری چند نگاه دارند که
با ایشان اچیده باشند که با آنها انس گیرند و در حدیث دیگر فرمود که هر خانه که

در آنخانه کبوتر باشد آفتی از جن باهل آنخانه نمیرسد زیرا که بچه‌های جن
با آن بازی میکنند در خانه چون کبوتر در خانه هست مشغول آن میشوند و بچه
آدمی نمیشوند و در حدیث دیگر فرمود که کبوتر در خانه نگاه دارید که دوست
داشتنی هست اولاد حضرت نوح است و هیچ چیز در خانه مثل آن
باعث انس نمیشود و از حضرت امام موسی ع منقولست که هر بالی که کبوتر
میزند باعث نفرت و گریختن شیاطین میشود و در روایت دیگر از دا
فرقد منقولست که گفت در خانه حضرت صادق ع کبوتر راعبی دیدم که
بسیار میخواند حضرت فرمود که میدانی که این کبوتر چه میگوید گفتم نه فرمود
که نفرین میکند بر قاتلان حضرت امام حسین علیه السلام پس ایشان را در خانه خود
نگاه دارید و در حدیث دیگر منقولست که راوی گفت که آنحضرت را دیدم
که از برای کبوتری چند که در خانه آنحضرت بودند نان ریزه میکردند
و در حدیث دیگر از عبد الکریم منقولست که گفت رفتم بخانه آنحضرت
دیدم که سه کبوتر سبز در خانه آنحضرت بود عرض کردم که اینها خانه را کثیف
میکنند حضرت فرمودند که مستحب است نگاه داشتن اینها در خانه و در حدیث
دیگر فرمود که در خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله یکجفت کبوتر سرخ بود
و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چاهی کنده
بودند خبر دادند بآنحضرت که جنیان سنگ در آن چاه می‌اندازند حضرت
آمدند و بر سر آنچاه ایستادند و فرمودند که دست از این عمل بردارید اگر نه کبوتر

در اینجا

در اینجا جا میدهم پس فرمود که صدای بال کبوتر شیاطین را دفع میکند
و از محمد بن کرام منقولست که گفت بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام رفتم
یکجفت کبوتر در منزل حضرت دیدم که کبوتر نر سبزی بوده و نقطه‌های سفید
داشت و کبوتر ماده سیاه بود حضرت نان از برای آنها ریزه میکردند
و فرمودند که اینها در شب حرکت میکنند و مونس شدند و هر مرتبه که در شب
بال میزنند جنیان و شیاطین را که داخل خانه شده اند دفع میکنند
و در چند حدیث از حضرت صادق ع منقولست که کبوتر را که بجای دور
میفرستند تا سمی فرخ را از روی اناثی بر میگردد و لیکن زیاده آزار
از روی اناثی نیست بلکه ناخوشی و تغیر آنرا می‌آورد و در چند حدیث
منقولست که کبوتر خانگی یا کبوتر یا هو یاد خدا بیاد میکند و اهل بیت را
دوست میدارد و صاحب خانه را دعا میکند که خدا شما را برکت دهد و در
حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خروس بال کشاده سفیدی
که در خانه باشد آنخانه و هفت خانه دور آنخانه را از بلاها نگاه میدارد
و یکبال زدن کبوتر در دنبال بهتر است از هفت خروس سفید و در حدیث
دیگر فرمود که خروس سفید یار من و یار هر مومنی است و از حضرت امام موسی ع
منقولست که در خروس پنج خصلت است از خصلتهای پیغمبران شناختن اوقات و شجاعت
و شناختن وقت نمازها و بسیاری جماع کردن و غیرت و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که زیاد کردن خروس نماز اوست و بال زدنش

دکوع و سجود است و از حضرت رسول صلعم منقولست که دشنام مدهید
خروس را که از برای نماز مردم را بیدار میکند **فصل هفتم** در نگاه داشتن
گوسفند و غیر در خانه در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
هر اهل خانه که یک گوسفند نگاه دارند خدا روزی آن گوسفند را با ایشان
برهم دهد و روزی ایشان را زیاد کند و فقر از ایشان یک مرتبه دور شود و اگر
دو گوسفند نگاه دارند خدا روزی آنها را برساند و روزی ایشان را زیاد کند
و پریشانی از ایشان دو مرتبه دور شود و اگر سه گوسفند نگاه دارند حق تعالی
روزی آنها را برساند و روزی ایشان را زیاده کرداند و پریشانی را از ایشان
در اصل بر طرف کرده و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر اهل خانه
که نزد ایشان گوسفند شیرده باشد هر روز دو مرتبه ملکی با ایشان گویند
که خدا شما را برکت دهد و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
هر مومنی که در خانه او یک بز شیرده باشد هر روز یک مرتبه ملکی در طرف صبح ایشان
دعا کند که مطهر و پاک باشید شما و خدا برکت دهد شما را و نیکو باد احوال
شما و نیکو باد دماغ خوش شما و اگر دو بز شیرده باشد هر روز دو مرتبه ملائکه چنین
دعا کنند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
با عمه خود فرمود که چه مانع است ترا از آنکه در خانه خود برکتی نگاه داری گفت
یا رسول الله برکت کدام است فرمود که گوسفندی که شیر دهد پس فرمود
که هر که در خانه او گوسفند شیرده یا بز شیرده یا گاو شیرده باشد باعث برکت

خانه او میشود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی سه برکت فرستاده است
آب و آتش و گوسفند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
هر اهل خانه که یک گوسفند در میان داخل خانه ایشان شود ملایکه نگاه بانی
ایشان میکنند تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند نگاه دارید و شتر نگاه
دار و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که نیکو مالیست گوسفند و در حدیث
دیگر فرمود که چون گوسفند نگاه دارید جای ایشان را پاکیزه کنید و خاک
از بدن ایشان پاک کنید **فصل هشتم** در بیان احوال سایر طیور و ذکر
بعضی از حیوانات که کشتن ایشان روا است یا روا نیست در حدیث معتبر
منقولست که فاخته در خانه حضرت امام محمد باقر علیه السلام بود آنحضرت روزی شنیدند
که او خواند که میکرد فرمود که میدانید چه میگوید گفتند نه فرمود که میگوید
فقدتکم فقدتکم یعنی نیست شوید نیست شوید پس فرمود که ما آنرا دفع کنیم پیش از
آنکه آن ما را دفع کند پس فرمود که آنرا کشتند و در حدیث دیگر منقولست که
روزی حضرت صادق علیه السلام بخانه اسمعیل فرزند خود آمدند دیدند که فاخته را
در قفس کرده است و فریاد میکند حضرت فرمود که ای فرزند چه باعث شده است
ترا که این فاخته را نگاه داشته مگر نمیدانی که این شوم است مگر نمیدانی که
نفرین میکند صاحب خانه را پس آنرا بیرون کنید پیش از آنکه شما را نیست کند
و در حدیث معتبر منقولست که روزی حضرت صادق علیه السلام نشسته بودند
شخصی گوشت و پرستک کشته در دست داشت حضرت برجستند و آنرا

از دست او گرفته بر زمین زدند و فرمودند که آیا عالم شما امر کرده است
که این مرغ را بکشید یا فقیه شما بدرستی که خبر داد مرا پدرم از جدش که
رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از کشتن شش جانور مگس عسل و مورچه
و وزغ و صرد و هدهد و پرستک اما مگس عسل زیرا که پاکیزه میخورد
و پاکیزه از و جدا میشود آنست چیزی که خدا وحی باو کرده است که نه از جن
و نه از انس در آنجا که فرموده است وَاَوْحَى رَبُّكَ اِلَى النَّحْلِ و اما
مورچه زیرا که قحطی در زمان حضرت سلیمان بهم رسید و بطلب باران
آنحضرت با اصحاب خود بیرون رفتند ناگاه مورچه را دید آنحضرت که
بر پا ایستاده و دست بآسمان دراز کرده و میگوید که ما خورده ای از
آفریدهای تو ایم و از روزی تو بی نیاز نیستیم پس روزی بده ما را از نزد خود
و ما را مگیر بگناه بیخردان از فرزندان آدم پس حضرت سلیمان گفت که
برگردید که حق تعالی بدعای دیگری شما را باران داد و اما وزغ زیرا که چون
نمرود آتش برای حضرت ابرهیم علیه السلام افروخت جانوران زمین از خدا
طلبیدند که آب بر آن آتش بریزند حق تعالی هیچیک را رخصت نفرمود بغیر از
وزغ پس دو ثلث آن از آتش سوخت و یک ثلث آن باقی ماند اما هدهد
زیرا که آن دلیل حضرت سلیمان بود بسوی ملک بلقیس و اما صرد که مرغ
کوسر بزرگ دارد و گنجشکان شکار میکند زیرا که راهنمای حضرت آدم بود
از بلاد سراندیب تا بلاد جده یکماه و اما پرستک زیرا که گردیدن آن

درهوا برای تأسف و اندوهیست که بر مظلومیت اهلبیت رسالت صلوات الله
علیهم دارد و تسبیحش خواندن سوره حمد است مگر نمی بینی که تا آخر
خواسته که خود میگوید وَلَا الضَّالِّيْنَ و در حدیث صحیح منقولست
که از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از کشتن مورچه حضرت فرمود که
مکش مگر آنکه ترا آزار کند و پرسیدند از کشتن هدهد فرمود که آزارش
مکن و مکش و ذبح مکن که نیکو مرغیست آن و در حدیث دیگر از حضرت
امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول نهی فرمود از کشتن پنج جانور
صرد و صوام که مرغیست در میان نخلستان میباشد و معروفست و هدهد
و مگس عسل و مورچه و وزغ و امر فرمود بکشتن پنج جانور کلاغ و کورکور
و مار و عقرب و سگ دیوانه و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که هر که ماری بکشد چنانست که کافری کشته است و در حدیث
موثق منقولست که از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از کشتن مار آنحضرت
فرمود که حضرت رسول ص فرمود که هر که مار را برای این نکشد که کشتن آن
گناهست از من نیست اما اگر برای این نکشی که حیوانیست و بی آزار نمیباشد
باکی نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
نهی فرمود از آنکه حیوانات را بآتش بسوزانند و از حضرت صادق ع منقولست
که حق تعالی عذاب فرمود زنی را از برای آنکه گربه را بسته بود تا آنکه از تشنگی
مرده بود و در حدیث معتبر منقولست که باکی نیست کشتن مورچه هرگاه

آزار نکند و خراب نکند و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که پرستان را حرمت بدارید که زیاده از همه مرغان انس میگیرند بمردم
و دو ذکری که میکنند سوره حمد میخوانند و در حدیث معتبر از حضرت
امام رضا ع منقول است که در هر بال هدهد بزبان سریانی نوشته است
که آل محمد خیر البریه یعنی آل محمد بهترین خلایقند و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که مجوزید هدهد را و دشنام مدهید
و مدهید باطفال که بازی کنند که تسبیح خدا بسیار میکند و تسبیح این است
که لعن الله مبغض آل محمد علیهم السلام یعنی خدا لعنت کند دشمنان
آل محمد را و در حدیث دیگر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه
منقول است که آن کاکلی که بر سر هدهد است از دست مالیدن حضرت سلیمان
بهم رسیده است زیرا که روزی نری با ماده خود خواست که جمع شود
ماده مضایقه میکرد نر گفت که میخواهم که فرزندی بهم رسد که خدا را
یاد کند پس ماده راضی شد چون خواست که تخم بگذارد نر گفت که تخم را
کجا میگذاری ماده گفت میخواهم که دور از راه بگذارم نر گفت که نزدیک راه
بگذاری بهتر است که اگر کسی بیاید گمان کند که برای دانه چیدن باینجا آمده
ازغان کرد چون نزدیک شد که جوجه بیرون آید ناگاه دیدند که حضرت
سلیمان ع با لشکرش می آیند و مرغان بر سرش سایه کرده اند ماده گفت که
اینک سلیمان با لشکرش رسید میترسیم که ما و تخم ما را پامال کنند نر گفت که حضرت

سلیمان مرد رحیم مهربانیست آیا نزد تو چیزی هست که برای جوجه خود
پنهان کرده باشی گفت بلی ملخی دارم که از تو پنهان کرده ام برای جوجه خود
آیا تو چیزی برای جوجه خود ذخیره کرده نر گفت که بلی خرمائی دارم ماده
گفت که پس تو خرمای خود را بردار و من ملخ را بر میدارم و هر دو بخدمت
حضرت سلیمان میرویم و هدیه خود را میگذرانیم و حاجت خود را عرض میکنیم
و سلیمان هدیه را دوست میدارد پس نر خرما را در منقار گرفت و ماده
ملخ را بچنگال گرفت و هر دو پرواز کردند و بنزد حضرت سلیمان آمدند
و آنحضرت بر روی تخت خود نشسته بود چون ایشان را دید دستها را گشود
نر بر دست راست آنحضرت نشست و ماده بر دست چپ و حضرت از حال
ایشان سوال فرمود و قصه خود را نقل کردند سلیمان هدیه ایشان را قبول نمود
و لشکر خود را از جانب تخم ایشان بجانب دیگر کردانید و دست بر سر ایشان مالید
و دعا کرد برای ایشان ببرکت دعای آنحضرت کاکل بر سر ایشان بهم رسید
و در چند حدیث معتبر وارد شده است که جوجه را از آشیان شکار مکنید
بلکه بگذارید که پرواز کنند بعد از آن ایشان را شکار کنید و شب بر آشیانه
مرغان مروید که ایشان را شکار کنید که شب را امانند و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا ع منقولست که باکی نیست شب مرغان را شکار کردن و جوجه ایشان را از آشیان
گرفتن و همچنین حیوانات را در شب کشتن مکروه است و در حدیث دیگر منقول است
که در صفت حضرت امام رضا علیه السلام تعریف حسن طاوس میکردند حضرت

فرمود که هیچ حیوانی حسنش زیاده از خروس سفید نیست و خروس
خوش آواز تر از اذان است و برکتش بیشتر است و ترا آگاه میکرداند در وقت
نمازها و طائر نفرین و ویل و عذاب بر جمعی میکند بآن گناهی که کرده و بآن
سبب مسخ شده است و در حدیث دیگر منقولست که طاوس یمانی بخدمت حضرت
امام جعفر علیه السلام آمد حضرت از وی پرسیدند که توئی طاوس گفت بلی حضرت
فرمود که طاوس مرغ شومی است که بساحت هیچ کس که داخل میشود مگر آنکه
ایشان را آوارم میکند و در حدیث منقولست که سالم بخدمت آنحضرت
رفت چون نشست جمعی از گنجشکها فریاد میکردند حضرت فرمود که میدانی
که چه میگویند گفت نه فرمود که میگویند که خداوندا ما آفریده چندیم از
آفریدهای تو و چاره نیست ما را از روزی تو پس طعام و آب بده ما را
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در چنین
حالی فرمودند که اینها تسبیح پروردگار خود میگویند و طلب روزی خود را از او
میکنند و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا ع منقولست که جغد در زمان
سابق در خانها جا میکرد و در وقت طعام خوردن نزدیک خوان می آمد طعام
بنزدش میریختند و میخورد و چون حضرت امام حسین ع را شهید کردند
از آبادانی بیرون رفت و در خرابها و کوهها و صحراها جا گرفت و گفت
بد امتی هستید شما فرزند پیغمبر خدا را کشتید من ایمن نیستم از شما که مرا بکشید
و در چند حدیث از حضرت صادق ع منقولست که تا حضرت امام حسین ع را

شهید

شهید کردند جغد در روزها پیدا نمیشود و همین در شب ظاهر میشود و از آن
روز قسم خورده که در آبادانیها نگیرد پیوسته روزها روزه میباشد و اندوه
و چون شب میشود افطار میکند و پیوسته ناله و گریه میکند بر حضرت امام حسین ع
تا صبح و در چند حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که اگر نه این بود که مگس بر طعام
مردم می نشیند هر آینه همه کس جذام مبتلا میشد و در حدیث معتبر از حضرت
رسول ص منقولست که چون مگس در ظرف طعام یا آب بیفتد او را غوطه دهید
و بیندازید که در یک بالش زهر است و در بال دیگرش شفاست و آن بال
زهر آلود را در آب و طعام فرو میبرد شما آن بال دیگر را هم فرو برید که ضررش نرساند

فصل نهم در منع از نگاه داشتن سگ در خانه در حدیث حسن از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که مکروه است که در خانه مرد مسلمان سگ بوده باشد
و در حدیث موثق از آنحضرت منقولست که هیچ کس نیست که سگی در
خانه نگاه دارد مگر آنکه هر روز از ثواب اعمال شایسته اش قیراطی کم میشود
و در حدیث صحیح از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که خیری نیست
در سگها مگر سگ شکاری یا سگ گله و از حضرت صادق ع منقولست
در حدیث موثق که نگاه مدار سگ شکاری را در خانه مگر آنکه میان تو و آن
دری باشد که بدر رفتن آن بسته شود و در حدیث موثق دیگر فرمود که سگهائی که
تمام بدن ایشان سیاه است از جن اند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که سگها از ضعفای جن اند هر گاه که طعام خورید و سگی حاضر باشد

یا طعامش بی‌هیچ یا دو دست کند که نفسهای بد دارند و از حضرت صادق
منقولست که سگی که یکرنگ سفید یا یکرنگ سیاه یا سرخ یکرنگ باشد ایشان از
سگهای بلخ مسخ شده اند از جن و این قدر حدیث صحیح از ابو حمزه منقولست
که گفت در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم در میان مکه
و مدینه ناگاه آنحضرت ملتفت شد بجانب چپ سگ سیاهی دیدند
فرمودند که چیست ترا خدا قبیح کرداند ترا چه بسیار تند میروی ناگاه دیدم شبیه
بمرغی شد و پرواز کرد پرسیدم که این چه چیز بود فرمود که این عثمان نام دارد
و پیک جنیانست درین ساعت هشام مرده است و او پرواز میکند بهر شهری
و خبر مرگ او را میرساند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول
رخصت دادند جماعتی را که خانهای ایشان دور باشد از آبادانی که سگ نگاه
دارند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
از سگ شکاری بسیار مروید که بهم عوض داشت بر شما و چون فریاد سگ و خروس بشنوید
پناه برید بخدا از شر شیطان رجیم زیرا که آنها چیزی چند که شما
نمی بینند و در حدیث موثق منقولست که حیوانات را بایکدیگر بجنگ انداختن
خوب نیست مگر سگ که باک نیست بحیوانات برای شکار کردن و در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است که هر حیوانیرا اگر سگ تعلیم کرده شکار کند اگر
برسی و جان داشته باشد آنرا ذبح کن و اگر جان نداشته باشد حلالست
اگر در وقت فرستادن سگ بسم الله گفته باشی و همچنین حیوانات دیگر شکاری

کند

کشته یا سگی شکار کند که آنرا شکار کردن نیاموخته باشد اگر برسی وقتی
که جان داشته باشد و آنرا بکشی حلالست اگر نه حرامست و هر حیوانیرا
که شکار کنی بتیر پیکان دار یا بتیر بی پیکان که در بدنش فرو رود و آنرا بکشد
اگر برسی و جان داشته باشد آنرا ذبح کن و اگر جان نداشته باشد اگر نام
خدا برده در وقت انداختن حلالست و همچنین اگر بشمشیر و نیزه و حربهای
دیگر شکار کنی این حکم دارد و اگر بتفنگ یا کمان گلوله و سایر چیزهائی
که آهن ندارد و بشکنی یکشد شکار کنی اگر وقتی برسی که جان داشته باشد
و بکشی حلالست و اگر نه حرامست و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که شکاری که سگ سیاه بگیرد نخورید زیرا که حضرت رسول الله
صلی الله علیه و آله امر فرمود که چنین سگی را بکشند و علما حمل بر کراهت کرده اند
و همچنین نهی وارد شده است از خوردن شکاری که سگی بکند که یهودی
یا نصرانی یا مجوسی آنرا تعلیم کرده باشد و این را نیز حمل بر کراهت کرده اند
و همچنین بکراهت ماهی را شکار کردن در روز جمعه پیش از نماز و در شکار
ماهی شرطست که آنرا زنده از آب بیرون آورد و در بیرون آب بمیرد و اگر در میان
آب بمیرد حرامست و باید که مسلمان بیرون آورد و اگر کافر بیرون آورد و مسلمان
از او بگیرد و در دست مسلمان بمیرد حلالست و همچنین اگر ماهی خود بکنار
بیفتد و مسلمان آنرا بگیرد و زنده باشد حلالست و اگر ببیند که زنده است
و دست نگرفته بمیرد خلافست و احوط اجتنابست و شکار ملخ بآن میشود

که مسلمان آنرا بسته خود یا آلت شکار بگیرد و سگی که بیدا نیامده باشد
حلال نیست و بدانکه شکار لهو و لعب کردن که مطلب از آن سیر کردن یا
و نشستن و انداختن باشد حلال نیست و نماز را در چنین سفری تمام باید کرد و روزه را
نباید گرفت و اگر بطلب روزی عیال یا تجارت باشد حلال است و نماز را
در چنین سفری تمام باید کرد و روزه را نباید گرفت و اگر بطلب روزی عیال
یا تجارت باشد حلال است و نماز را قصر میکند و روزه را نمیخورد و این رساله
گنجایش ذکر مفصل احکام شکار ندارد از علما طلب باید کرد **فصل دهم**
در آداب چراغ افروختن و خانه خریدن در احادیث معتبره از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چراغها را در شب خاموش کنید که آن
فاسقک یعنی موش فتیله را بکشد که آتش در خانه افتد و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چهار چیز است که ضایع میشوند و کسی از آنها منتفع نمیشود
یعنی چراغ در ماهتاب روشن کردن و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که پنج چیز است که ضایع میشوند چراغ که در آفتاب
روشن کنند روغن ضایع میشود و از روشناییش منتفع نمیتوان شد
و بارانی که بر زمین شوره زار ببارد باران ضایع میشود و از زمین
نفعی عاید نمیشود و طعامی که شخصی در آن تکلف کند و نزد کسی بیاورد
که او سیر باشد منتفع نشود و زن خوشرویی اگر عنین کند و برای شوهر
چنین ببرند و نیکی که بشخصی بکند که شکر نکند و در حدیث دیگر از حضرت

صادق علیه السلام منقولست که چراغ روشن کردن پیش از غروب آفتاب پریشانی را برطرف
میکند و روزی را زیاد میکند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که کراهت دارد که شخصی داخل خانه تاریک شود مگر آنکه در پیش
روی او چراغی یا آتشی افروخته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که چون چراغ را باندرون خانه بیاورند این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا
نُوراً نَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَلَا تَحْرِمْنَا نُورَكَ يَوْمَ نَلْقَاكَ وَاجْعَلْ لَنَا
نُوراً اِنَّكَ نُورٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ و چون چراغ را خاموش کنند این دعا بخوان
اَللّٰهُمَّ اَخْرِجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ و در احادیث معتبره از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه خانه بخرد سنت که ولیمه و مهمانی
بکند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که هرکه خانه بنا کند پس
گوسفندی فربهی بکشد و گوشتش را بمردم پریشان بخوراند پس بگوید اَللّٰهُمَّ
اُدْحُرْ عَنِّي مَرَدَةَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ وَبَارِكْ لِي فِي بِنَائِي حق تعالی
دفع ضرر متمردان جن و انس و شیاطین را از او بکند و آن خانه ساختن را برای
او مبارک گرداند **فصل یازدهم** در بیان سایر آداب خانه در حدیث معتبر
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که کراهت دارد که آدمی در خانه
شب بروز آورد که دری و پرده نداشته باشد و در حدیث دیگر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که سه کسند که حق تعالی حفظ و حمایت خود را از ایشان
برمیدارد کسی که در خانه شکسته نازل شود و کسی که نماز کند و کسی که در میان راه نماز کند

وکسی که چهار پای خود را سر دهد و بند که بر آن نگذارد و کسی بر آن نگمارد
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ساحتهای خانه خود را
جاروب کنید و شبیه مشوید بیهودان که ایشان جاروب نمیکنند و در روایت معتبر
از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که خاکروبه را در شب
در خانه مگذارید و بیرون برید که شیطان در آن جا میگیرد و حضرت امام
محمد باقر ع فرمود که خانه را جاروب کردن پریشانی را برطرف میکند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خانه شیطان در خانهای شما جاییست که عنکبوت
می تند و در حدیث موثق از حضرت صادق ع منقولست که دهان ظرفهای آب
و طعام را ببندید که شیطان در بسته و ظرف سربسته را نمیگشاید و چراغ را
خاموش کنید که موش آتش در خانه شما نیندازد و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله در تابستان که از خانه بیرون می آمدند برای
خوابیدن در روز پنجشنبه بیرون می آمدند و چون سرد میشد و داخل خانها
میشدند برای خوابیدن در روز جمعه داخل میشدند و در حدیث صحیح از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که هر که بر روی قبر بول یا غایط بکند یا ایستاده
بول کند یا در خانه تنها بخوابد یا با دست آلوده بطعام بخوابد و شیطان او را
بگیرد و دیوانه کند دست از او بر نمیدارد و در هیچ حالی شیطان بر آدمی
قدرت ندارد مانند این احوال بدرستی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بجنگی
بوادی رسیدند که در آن جن بسیار بود در میان اصحاب خود ندا کردند که هر

دست یکدیگرا

دست یکدیگر را بگیرید و داخل این وادی شوید و هیچکس تنها نرود و یک شخص
تنها رفت و او را صرع گرفت بحضرت خبر دادند حضرت انگشت مهین او را
گرفتند و فشردند و گفتند بسم الله اخرج خبیث انا رسول الله پس آن شخص
صرعش زایل شد و برخاست و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت از
شخصی پرسیدند که در کجا فرود آمدی گفت در فلان موضع حضرت فرمود که
آیا در آنجا کسی با تو هست گفت نه حضرت فرمود که در خانه تنها باش و از جا
بخانه دیگر نقل کن که شیطان در هیچ وقت بر آدمی جرأت ندارد مثل آنکه در
خانه تنها باشد و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که دستمال گوشت را شب در خانه مگذارید که آن خوابگاه شیطانست
و خاکروبه را بر پشت در جمع مکنید که آن جایگاه شیطانست و چون
بر در حجره خود برسید بسم الله بگویید که شیطان میگریزد و چون داخل
حجره شوید سلام بکنید که برکت نازل میشود و ملائکه انس میگیرند
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خاکروبه را در خانها
شب مگذارید و در روز بیرون برید که آن جای نشستن شیطانست و از
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که پاک کنید خانهای
خود را از تار عنکبوت که گذاشتن آن در خانه باعث فقر و پریشانی
میشود و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شستن
ظرفها و جاروب کردن خانها و ساحت آنها و بیرون خانها روزی را زیاد میکند

واز حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که تنیدن عنکبوت
وخاک روبه را در خانه گذاشتن باعث پریشانی میشود واز حضرت رسول
منقولست که دستمالی که دست را از ان پاک کرده اند وآلوده بطعام وچربی است
شب در بیوت مگذارید که خوابگاه میشود شیطان در ان آب
دهن می اندازد و اگر بچه در ان هست آسیب ببچه خواهد رسید واز حضرت
رسول صلی الله علیه وآله منقولست که چهارپایان واطفال ویاران خود را محافظت
نمایید بعد از آفتاب فرو رفتن تا وقت خفتن که درین ما بین شیاطین
بر ایشان مستولی میشوند ودر حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول
نهی فرمود از آنکه کسی در خانه همسایه نظر کند ودر حدیث دیگر فرمود که حق تعالی
شش خصلت را برای من نخواسته است ومن نمیخواهم برای امامان از
فرزندان من وشیعیان ایشان بادست وریش وجامه خود بازی کردن
در نماز وفحش گفتن در روزه ومنت گذاشتن بعد از تصدق
وجنب بمسجدها رفتن ودر قبرستان خندیدن وبر خانهای مردم مشرف
شدن ودر حدیث صحیح منقولست که روزی حضرت رسول صلی الله علیه وآله
در جمعی بعضی از زنان بود شخصی از رخنه درگاه در ان جمع نظر کرد
حضرت فرمود که اگر نزدیک میبودم چشمت را کور میکردم

فصل دوازدهم

در آداب خانه داخل شدن وبیرون رفتن از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
منقولست که بعد از یک خواب اول شب بیرون مروید که خدا را خلقی چند هست

که درین وقت پهن میشوند در زمین وآنچه میفرمایند میکنند ودر حدیث
صحیح از حضرت امام رضا منقولست که چون از خانه بیرون روی بگو
بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله ما شاء الله لا حول ولا قوة
الا بالله که چون این بگویی ملائکه روی شیاطین میزنند وایشان از تو
دور میکنند واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که هرگاه کسی از
خانه بیرون آید وبگوید بسم الله ملائکه باو میگویند که سلامت ماندی
پس چون بگوید لا حول ولا قوة الا بالله ملائکه باو میگویند که کارهایت
ساخته شد پس چون بگوید توکلت علی الله ملائکه باو میگویند که از
بلاها نگاه داشته شدی ودر حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که چون پدرم از خانه بیرون می آمد این دعا میخواند بسم الله الرحمن الرحیم
خرجت بحول الله وقوته لا بحولی وقوتی بل بحولک وقوتک یا رب
متعرضا لرزقک فأتنی به فی عافیة ودر حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که چون کسی داخل خانه خود شود باهلش سلام کند
واگر اهل نداشته باشد بگوید السلام علینا من ربنا وچون داخل
خانه میشود سوره قل هو الله احد بخواند که فقر وپریشانی را برطرف میکند
وچون کسی خواهد بحاجتی برود بامداد روز پنجشنبه برود وآیات
سوره آل عمران از انجا که شروع کند ان فی خلق السموات والارض تا انک
لا تخلف المیعاد بخواند وآیة الکرسی وسوره انا انزلناه وسوره حمد بخواند

و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که چون از خانه بیرون روی بگو
بسم الله توکلت علی الله ما شاء الله لا قوة الا بالله اللهم انی اسئلك
خیر ما خرجت له واعوذ بك من شر ما خرجت الیه اللهم اوسع
علی من فضلك واتم علی نعمتك واستعملنی فی طاعتك واجعلنی
راغبا فیما عندك وتوفنی فی سبیلك وعلی ملتك وملة رسولك
صلی الله علیه وآله و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که هر که در وقت بیرون آمدن از در خانه این دعا بخواند گناهانش را بیامرزد
و توبه اش را قبول کند و کارهایش را بسازد و او را از بدیها و شرور نگاه دارد
دعا اینست اعوذ بما عاذت به ملائکة الله من شر هذا الیوم الجدید
الذی اذا غابت شمسه لم تعد من شر نفسی ومن شر غیری ومن شر
الشیاطین ومن شر من نصب لاولیاء الله ومن شر الجن والانس
ومن شر السباع والهوام ومن شر رکوب المحارم کلها اجیر نفسی بالله
من کل سوء و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که هر که
در وقت بیرون رفتن از خانه ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند پیوسته
در حفظ و حمایت الهی باشد تا بخانه خود برگردد و در حدیث معتبر دیگر
منقولست که آنحضرت در وقت بیرون رفتن از خانه این دعا میخواندند
اللهم بك خرجت ولك اسلمت وبك آمنت وعلیك توکلت
اللهم بارك لی فی یومی هذا وارزقنی فوزه وفتحه ونصره وطهوره

واتمم نخ
واجعلنی نخ
شر نخ

وهداه

وهداه وبرکته واصرف عنی شره وشر ما فیه بسم الله وبالله
والله اکبر والحمد لله رب العالمین اللهم انی خرجت فبارك لی فی
خروجی وانفعنی و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون اراده
از خانه بیرون آید الله اکبر سه مرتبه بگوید بالله اخرج وبالله ادخل
وعلی الله اتوکل سه مرتبه بگوید اللهم افتح لی بخیر وقنی شر کل دابة
انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم چون این دعا بخواند
پیوسته در ضمان حق تعالی باشد تا برگرداند او را بآن مکان که در آنجا
بوده است و در حدیث موثق از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که
هر که در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند حق تعالی کارهای دنیا
و آخرت او را بر آورد بسم الله حسبی الله توکلت علی الله اللهم انی
اسئلك خیر اموری کلها واعوذ بك من خزی الدنیا وعذاب
الآخرة و در روایت دیگر منقولست که چون آنحضرت از حجره بیرون
می آمدند این دعا میخواندند بسم الله خرجت وعلی الله توکلت لا حول ولا
قوة الا بالله و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر که در وقت
بیرون آمدن از خانه نگین انگشتر خود را بکف دست بگرداند و در او نظر کند
و سوره انا انزلنا بخواند پس بگوید آمنت بالله وحده لا شریك له آمنت
بسر آل محمد وعلانیتهم در آن روز نبیند چیزی که مکروه او باشد و در روایت
دیگر منقولست که در وقت بیرون آمدن از خانه بگوید بسم الله وبالله ولا

حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الله پس سوره حمد و قل هو الله احد
و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی هر یک را از جانب
پیش رو و پشت سر و جانب راست و جانب چپ و بالای سر و پایین پا بخواند و
وقت داخل شدن خانه بگوید بسم الله و بالله اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله پس سلام بر اهل خانه بکند
و اگر کسی در خانه نباشد بعد از آن دعا بگوید السلام علی محمد بن عبد الله
خاتم النبیین السلام علی الائمة الهادین المهدیین السلام علینا
و علی عباد الله الصالحین و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که ضامنم برای کسی که تحت الحنک بسته از خانه بیرون رود آنکه به سلامت بخانه
برگردد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون بطلب حاجت
بیرون روید در روز بروید که در شب طلب حاجت آورده نمیشود و

باب سیزدهم

در آداب پیاده رفتن و سوار شدن و بازار رفتن و تجارت و زراعت نمودن
و چهارپایان نگاه داشتن **فصل اول** در سوار شدن اسب و استر و الاغ و انواع
هر یک از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از سعادت آدمی است
که چهارپای رهواری داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهارپا
نگاه دارید که زینت شماست و کارهای شما با آن ساخته میشود و روزیش بر خداست
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که از بدبختی نگاه داشتن چهارپای بدست
و حضرت صادق ع فرمود که هر که چهارپایی بخرد سواریش از او است و روزیش بر خداست

و در حدیث

و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت مؤمن است که چهارپایی داشته باشد
که برای حوائج خود و کار سائر برادران مؤمن بر آن سوار شود و در حدیث
دیگر منقولست که آنحضرت فرمود بیونس بن یعقوب که الاغی نگاه دار
که بار ترا بردارد بدرستی که روزیش بر خداست راوی گفت که الاغی
خریدم و چون سه سال شد حساب خرج خود کردم هیچ زیاده نشده بود
و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام موسی ع از ابن طیفور پرسیدند
که بر چه چیز سوار میشوی گفت بر الاغی فرمود بچند خریدی گفت بسیزده
اشرفی حضرت فرمود که این اسراف است که الاغی بخری باین قیمت و یابوی
نخری گفت خرج یابو بیشتر است فرمود که آنکسی که خرج الاغ را میرساند
خرج یابو را هم میرساند مگر نمیدانی که هر که اسبی نگاه دارد و انتظار خروج
ما اهل بیت بکشد و دشمن ما را بخشم آورد بنگاه داشتن آن اسب حق تعالی
روزیش را برساند و سینه اش را گشاده گرداند و آرزوهایش را بر آورد
و یاور او است بر حوائج او و در روایت دیگر منقولست که روزی حضرت
امام موسی ع بر استری سوار شده بودند شخصی از مخالفان گفت که این چه
چهارپایست که سوار شده که از پی دشمن نمیتوان راند و بر روی آن جنگ
نمیتوان کرد حضرت فرمود که رفعت و سرافرازی اسب ندارد و مذلت
الاغ را ندارد و بهترین امور وسط آنهاست و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقولست که هر که بنده و اسب بخرد و ما در عرب هر روز از نامه عمل او گناه

محو شود و یازده حسنه نوشته شود و هر که اسبی ببندد که یکی از مادر
و پدرش غیر عربی باشد هر روز دو گناه از نامهٔ عملش محو شود و هفت حسنه برای او
نوشته شود و هر که یابوئی ببندد برای زینت خود و بر آوردن کارهای خود
یا دفع دشمن خود هر روز یک گناه از نامهٔ عملش محو شود و شش حسنه برای او
نوشته شود و در روایات معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که خیر و نیکی در پیشانی اسبان بسته است تا روز قیامت و در حدیث دیگر از حضرت
امام موسی ع منقولست که هر که نگاه دارد اسب سرخ مویی که در پیشانیش سفیدی
بیاری باشد و اگر سفیدی پیشانیش تا بینی آمده باشد و چهار دست
و پایش سفید باشد بهتر است نزد من زیرا که چنین اسب در آن خانه باشد فقر و پریشانی
داخل آن خانه نمیشود و مادام که آن اسب در ملک آن شخص داخل است ظلم در آن خانه
داخل نمیشود و از حضرت امام محمد تقی ع منقولست که هر که از خانهٔ خود باما ن
دیگری بیرون آید اول روز و اسب پیشانی سفیدی ببیند که دست
و پایش هم سفیدی باشد در آن روز بغیر از خوشحالی نبیند و اگر سفیدی
پیشانیش تا بینی آمده باشد پس نهایت خوشحالی در آن روز او را رو دهد
و اگر پی کاری رود و چنین اسبی ببیند آن حاجتش بر آورده شود و در حدیث
دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چهار اسب از یمن هدیه
آوردند برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس گفتند که در میان آنها اسبی
هست که نشان سفیدی داشته باشد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه

فرمود

فرمود که بلی آن نشان دار هست فرمود که آن را برای من نگاه دار باز فرمود که
دو که نشان دار هست فرمود که آن را برای حضرت امام حسن و امام حسین صلوات الله
علیهما نگاه دار پس فرمود که چهارم اسب سیاه یکرنگ است فرمود که آن را بفروش و قیمتش را
صرف عیال خود کن که برکت و یمن اسبان در نشانهای سفید است و گویا در
حدیث مراد نشان سفید دست و پا باشد و حضرت امام موسی ع فرمود که در
چهارپایان یکرنگ کراهت دارد مگر الاغ و استر و نشانهای سفید در استر
و الاغ کراهت دارد و نشان سفید در پیشانی استر کراهت دارد مگر آنکه
تا بینی کشیده باشد و آن هم بی خوبی نیست و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که بهترین چهارپایان نزد من الاغ است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که یمن اسب در سرخ و در سیاه پیشانی سفید است که سر دست
و پایش سفید باشد و دست چپش سفیدی نداشته باشد و از طرفان
دلال چهارپا منقولست که حضرت صادق ع از من طلبیدند استر سیاهی که زیر شکم
و میان پاهایش و دهانش سفید باشد **فصل دوم** در آداب نگاه داشتن
و رعایت حقوق چهارپایان در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که چهارپا را بر صاحبش شش حق هست باید که ابتدا کند بعلف دادن
چون فرود آید و هر گاه که بر آب بگذرد آب برو عرض کند که اگر خواهد بخورد
و بر رویش چیزی نزند که تسبیح پروردگار خود میگوید و بر روی آن سواره
نایستد مگر وقتی که جهاد کند در راه خدا و زیاده از توانائی آن بارش نکند

و تکلیف ایشان را بقدری بکند که طاقت داشته باشد و از حضرت صادق ع منقول
است و زیاده برین فرمود که بر رویش داغ نکند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقول است که هر که چهارپایی را بسفر برد چون فرود آید اول آن را آب و علف بدهد
پیش از آنکه خود چیزی بخورد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که سه کس
بر پشت چهارپا ردیف نشوند که یکی از ایشان ملعونست یعنی آنکه پیش نشسته است
و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت شتری را دیدند که بار بر پشتش است و پایش
بسته است فرمودند که صاحب این شتر را بگویید که مستعد باشد که این شتر
با او در قیامت خصمی خواهد کرد و در حدیث معتبر منقول است که قطار شتری از
پیش حضرت صادق ع گذشت دیدند که باری بر شتری کج شده است بصاحب شتر
گفتند که عدالت کن برین شتر که خدا عدالت را دوست میدارد و در احادیث
معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین ع بیست حج کردند بر شتری و یک
تازیانه بر آن نزدند و در احادیث معتبره منقول است که هیچ صاحب روحی را
چیزی بر رویش مزنید که تسبیح پروردگار میگوید و هر چیز را حرمتیست و حرمت
حیوانات بروی ایشانست و از ابوذر رضی الله عنه منقول است که چهارپایان
میگویند که خداوندا مالک نیکویی بما کرامت فرما که رفق و مدارا کند با ما و کم
کند ما را آب و علف بما بخوراند و عنف و تعدی بر ما نکند و بسند معتبر
از حضرت امام جعفر و امام موسی صلوات الله علیهما منقول است که هر دابه که
صاحبش خواهد بر او سوار شود در آن وقت میگوید اللهم اجعله بی

رحیما

رحیما یعنی خداوندا او را بمن مهربان گردان و در روایت معتبر دیگر از
حضرت صادق ع منقول است که شخصی دید ابوذر رضی الله عنه را که در ربذه
الاغ خود را آب میداد از وی پرسید مگر کسی نداری که برای تو این الاغ را
آب بدهد گفت شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر دابه
صبح که میشود از خدا سؤال میکند که خداوندا روزی کن مرا صاحب
شایسته نیکویی که مرا از علف سیر و از آب سیراب گرداند و زیاده از توانایی
مرا تکلیف نکند باین سبب میخواهم که خود آن را آب بدهم و در حدیث موثق
از صفوان شتردار منقول است که گفت شتری برای حضرت امام جعفر صادق ع
خریدم بهشتاد درهم چون بخدمت آنحضرت بردم فرمود که آیا کجاوه
پستی از بر داشت پس من کجاوه بر آن بار کردم و بحضرت عرض کردم حضرت
فرمود که اگر مردم بدانند که حق تعالی چهارپایان ضعیف را چگونه توانایی
بار برداشتن میدهد هر آینه هرگز چهارپای گران نخرند و در حدیث
دیگر از ابن ابی یعفور منقول است که حضرت صادق ع دیدند که من پیاده
میروم فرمودند که چرا سوار نمیشوی گفتم که شتر من ضعیف است میخواهم که
بارش سبک باشد فرمود که مگر نمیدانی که شتر ضعیف و قوی هر دو را خدا تاب
و توانایی بار برداشتن میدهد و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول ص
منقول است که بر کوهان هر شتری شیطانی نشسته است آن را بکار فرمایید
و نرم کنید و نام خدا بر آن ببرید در وقت سوار شدن و بار کردن و در حدیث

معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که هر شتری که هفت مرتبه آنرا بحج برند در
موقف عرفات حاضر شود البته حق تعالی آنرا از چهارپایان بهشت گرداند
و در حدیث دیگر پنج و در حدیث دیگر سه هم وارد شده است و از حضرت
صادق ع منقولست که هر که بر شتر بارداری سوار شود و خود را از آن بیندازد
در وقت پایین آمدن و بمیرد داخل جهنم شود و در حدیث دیگر فرمود که چهارپا
در زیر کسی پیر در آید و صاحبش او را بگوید تعست یعنی هلاک شوی چهارپا
بگوید تعس اعصانا للرب یعنی هلاک شود هر کدام ما که نافرمانی پروردگار خود
بیشتر کرده است و در دو حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که اگر دابه رم کند آنرا بزنید و چون سر در آمدن مزنید آنرا و در حدیث دیگر فرمود که
بر پشت چهارپا پا بر روی پای دیگر مگذارید یا آنکه بیک جانب میل مکنید و پشتش را
مجلس مکنید که ایستاده بر روی آن صحبت بدارید بلکه وقتی که در راه نرود فرود آیید
و چون خواهید براه روید سوار شوید و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله
علیهما منقولست که حیوانات از چهار چیز غافل نمیباشند پروردگار خود را
میشناسند و مرگ را میدانند و نر و ماده را میشناسند و چراگاه خوب را میدانند
و از حضرت صادق ع پرسیدند که در چه وقت دابه را بزنم برای راه رفتن
فرمود که اگر با آن روشی که در وقت جو و بطویله خود میرود نرود آنرا بزن

فصل سیم در آداب زین و لجام بدانکه احوط و اولی آنست که زین و لجام
هیچ یک از طلا و نقره نباشد و نخست که بالشیان زین ماروت

که بر روی اسب اندازند و قطیفه که بر روی شتر اندازند و سوار شوند حریر
نباشد و سرخ نباشد و زنان را بر زین سوار شدن کراهت شدید دارد و در
احادیث معتبره وارد شده است که از جمله علامات بدی که در آخر الزمان
ظاهر شود آنست که زنان بر زین سوار شوند و بروایت حسن از حضرت
صادق ع منقولست که زین مرکب ملعونیست برای زنان و بسند معتبر از
حضرت امام محمد باقر ع منقولست که جایز نیست زنرا سوار شدن
بر زین مگر از برای ضرورت یا سفر و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر
از حضرت امام موسی ع پرسیدند که آیا سوار میتوان شد بر اسبی که زین
یا لجام آن نقره باشد فرمود که اگر روکش باشد که از آن جدا نتوان کرد
باکی نیست و اگر چنین نباشد سوار نمیتوان و در حدیث دیگر از حضرت
صادق ع منقولست که حلقه بینی ناقه رسول خدا صلی الله علیه و آله از نقره
بود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که زنهار که سوار مشو
بر میثره سرخ که آن از چیزهائیست که شیطان بر آن سوار میشود و میثره
بالش زین اسب و بالشی است که بر روی جهاز شتر میگذارند و بر روی چهار
پا میشوند و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
بر قطیفه سرخ سوار میشدند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت صادق ع
پرسیدند از پوست حیوانات درنده مانند پوست ببر و پلنگ و شیر حضرت فرمود

کرپر و یمی آنها سوار میتوان شد اما در وقت نماز نمیتوان پوشید
و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود
که پنج چیز است که تا مردن ترک نمیکنم یکی سوار شدن بر الاغ جل کرده و از
حضرت امام موسی ع منقولست که در بینی هر چهارپایی شیطانی هست
چون خواهید که آنها را لجام کنید بسم الله بگوئید و در حدیث صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر چهارپایی که چموشی کند در وقت لجام کردن در غیر آن
یا رم کند در گوشش اگر بکنارد و اگر بر آن بخواند این آیه افغیر دین الله
یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه یرجعون

فصل چهارم در ادعیه و آداب سواری بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله
منقولست که چون کسی بر چهارپایی سوار شود و بسم الله بگوید ملکی ردیف او میشود
و او را نگاه میدارد تا فرود آید و اگر در وقت سوار شدن بسم الله نگوید شیطان
ردیف او میشود و با او میگوید خواستی بکن و اگر نتواند میخواهد که با او میگوید
که آرزوهای باطل محال بکن پیوسته در آرزو میبود تا پایین آید
که هر که در وقت سواری بگوید بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله الحمد لله
الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله سبحان الذی
سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین البته محفوظ باشد خود و چهارپایش تا فرود آید
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که سوار شود و آیة الکرسی
بخواند پس بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه

اللهم اغفر لی ذنوبی فانه لا یغفر الذنوب الا انت حق تعالی بملائکه
خطاب فرماید که بنده من میداند که گناهان را بغیر از من نمی آمرزد پس گواه
گواه باشید که گناهان او را آمرزیدم و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که چون سوار شوید بر چهارپایان خدا را یاد کنید و بگوئید سبحان الذی
سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون و از علی بن ربیعه منقولست
که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چون پا در رکاب گذاشت گفت
بسم الله پس چون درست نشست این دعا خواند الحمد لله الذی کرمنا
وحملنا فی البر والبحر ورزقنا من الطیبات وفضلنا علی کثیر ممن
خلقنا تفضیلا سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین پس
سه مرتبه سبحان الله و سه مرتبه الحمد لله و سه مرتبه الله اکبر فرمود
پس این دعا خواند رب اغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت
و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت صادق ع پا در رکاب گذاشتند
میفرمودند سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین و هفت مرتبه
سبحان الله و هفت مرتبه الحمد لله و هفت مرتبه و لا اله الا الله میگفتند
و در روایت دیگر منقولست که چون آنحضرت سوار شتر میشدند این دعا میخواندند
بسم الله ولا حول ولا قوة الا بالله سبحان الذی سخر لنا هذا وما
کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که بر کوهان هر شتری شیطانی هست چون سوار آن شوید نام خدا

فرموده است بگوید سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین
و در حدیث معتبر منقولست که چون چهارپای حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
بدر می آمد پا در رکاب میگذاشت این دعا میخواند اللهم انی اعوذ بک من زوال
نعمتک و من تحویل عافیتک و من فجاءة نقمتک و در حدیث دیگر منقولست
که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد که دابه من چموش است
و در هنگام رفتار یکدفعه می ایستد حضرت فرمود که این آیه را در گوش
بخوان اولم یروا انا خلقنا لهم مما عملت ایدینا انعاما فهم لها مالکون
و ذللناها لهم فمنها رکوبهم و منها یاکلون و در حدیث حسن از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که لازم است که سوار با خبر کند پیادگان را که
بایشان صدمه نرساند چهارپای او و فرمود که روزی حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
سوار شدند جمعی پیاده با حضرت روان شدند فرمود که آیا کاری دارید گفتند نه
و لیکن میخواهیم که در رکاب تو راه رویم فرمود که برگردید که راه رفتن پیاده با سوار
باعث غرور و فساد سوار است و موجب مذلت و خواری پیاده است
و در حدیث دیگر از عبد الله بن عطا منقولست که گفت روزی بخدمت حضرت
امام محمد باقر رفتم فرمود که دو چهارپا برای ما زین کن رفتم و الاغی و استری زین کردم
و استر را پیش بردم که آنحضرت سوار شوند فرمود که الاغ را پیش بیاور که بهترین
چهارپایان نزد من الاغ است و استر را خود سوار شو پس الاغ را آوردم و در رکاب
گرفتم چون سوار شدند گفتند الحمد لله الذی هدانا للاسلام و علمنا القرآن

و من علینا بمحمد صلی الله علیه و آله و الحمد لله الذی سخر لنا هذا و ما
کنا له مقرنین و انا الی ربنا لمنقلبون و الحمد لله رب العالمین
پس روانه شدند در اثنای راه دیدم که الاغ شوخی در رفتار میکرد حضرت
خود را بر پیش زین جا میدادند عرض کردم که یا بن رسول الله مگر شما را آزاری
هست فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله الاغی داشت که او را عفیر
مینامیدند و چون سوار آن میشدند از شادی اینکه آنحضرت بر آن سوار شده است
شوخی در رفتار میکرد که دوشهای مبارک آنحضرت را بحرکت می آورد و آنحضرت
خود را بر پیش زین جا میدادند و میفرمودند اللهم لیس منی و لکن ذا من
عفیر یعنی خداوندا این از من نیست و لیکن این خیلاء و تبختر از عفیر است
من نیز چنین کردم ای عزیزان تفکر کنید که آن بزرگواران از خیلاء و نخوت
رفتار الاغ اندیشه داشته اند و بدرگاه خدا عذر میطلبیدند این ناکسان
بر اسبهای نژاد خوش رفتار با آن نخوت و تبختر و دلال سوار میشوند و قدم ایمان
و زمین برفتار خود شکست میزنند و غیر خود کسی را موجود نمیشمارند چگونه عذر
خواهند خواست و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که آیا
شرم نمیکنید که شما بر روی چهارپای خود خواسته کی میکنید و آن در زیر
شما تسبیح پروردگار خود میگوید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که فرمود که چهارپای من هرگز بر زمین نیامد نیز اگر هرگز من بر روی
زراعت کسی آنرا راندم و کشت زار کسی را پامال نکردم **فصل پنجم**

در آداب پیاده رفتن بعضی از احادیث این فصل و در آداب کفش و جامه
پوشیدن گذشت و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله
علیه منقولست که تند راه رفتن حسن مؤمن را میبرد و در حدیث حسن از حضرت
رسول الله صلی الله علیه وآله منقولست که زنان باید که در کنار راه راه روند
و در میان نروند و در حدیث دیگر وارد شده که سوار احق است بمیان طریق
از رفتن پیاده و پا برهنه احق است بمیان راه از کسی که کفش پوشیده است
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه
چنان بهمواری راه میرفتند که گویا مرغ بر سر آنحضرت نشسته است
و میترسند که پرواز کند و دست راست آنحضرت بر دست چپ پیشی نمیگرفت
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که هر که راه
رود بر زمین از روی خیلا و تکبر لعنت کند او را زمین و آنچه در
زیر زمین است و آنچه در بالای زمین است و در حدیث دیگر وارد شده
که هرگاه که کوچکی کنند امت من از سایلان و در وقتی که از ایشان چیزی طلبند
و از روی تبختر راه روند پروردگار من بعزت خود سوگند خورده است
که ایشانرا بیکدیگر عذاب کند و در حدیث دیگر وارد شده که هرگاه که امت من
در رفتار تبختر کنند و دستها را کشند و خدمت ایشان کنند غلامان فارس
و عجم در میان ایشان فتنه و فساد باشد و بریکدیگر شمشیر کشند و در حدیث
دیگر وارد شده که هر که با عصا راه رود از روی تواضع و شکستگی در سفر و حضر

بهر گامی

بهر گامی برای او هزار حسنه نوشته شود و هزار گناه از او محو شود
و هزار درجه برای او بلند شود و در حدیث دیگر وارد شده که عصا بدست
بگیرید که از سنتهای پیغمبران و بنی اسرائیل صغیر و کبیر و جوان و پیر ایشان
عصا در دست میگرفتند تا آنکه خیلا و تکبر نکنند در راه رفتن وارد شده
که برداشتن عصا پریشانی را برطرف میکند و شیطان نزدیک او نمی آید
و از حضرت صادق ع مرویست که اگر عاقلی باید که بهر جانب که متوجه شوی اول
نیت خود را درست کنی و غرض صحیحی برای حرکت خود قرار دهی و نهی کنی
نفس خود را از آنکه امر نا مشروعی را منظور داشته باشد و باید که در راه رفتن
پیوسته در فکر و اندیشه باشی و در هر قدمی از عجایب صنع الهی عبرتی بگیری
و در رفتار تبختر نکنی و دین خود را بپوشی از چیزی که در دین خدا پسندیده
نیست و پیوسته مشغول ذکر خدا باشی بدرستیکه مواضعی که در آن ذکر خدا
کرده میشود شهادت میدهند برای او در روز قیامت و استغفار میکنند
برای او تا داخل بهشت شود و در راه با مردم بسیار سخن مگو که خلاف ادبست
و اکثر راهها کمینگاه شیطانست از مکر او غافل مباش و چنان کن که رفتن
و برگشتن در طاعت خدا باشد و رفتارت برای چیزی باشد که موجب
خوشنودی خداست بدرستیکه جمیع حرکات تو در نامه عملت نوشته میشود
فصل ششم در نگاه داشتن شتر و گاو و گوسفند در حدیث معتبر منقولست
که از حضرت رسول صلی الله علیه وآله پرسیدند که کدام مال بهترست فرمود

کر زراعتی که آدمی بکارد و در وقت درو کردن حق خدا را بدهد گفتند
بعد از زراعت یکی کدام مال بهتر است فرمود که شخصی که گوسفندی
چند داشته باشد و در هر جا که آب و علفی یابد آنها را بچراند و نماز را بجا
آورد و زکوة مال خود را بدهد گفتند که بعد از گوسفند کدام مال
بهتر است فرمود که گاو که در بامداد و پسین شیر میدهد گفتند که بعد از گاو
کدام مال بهتر است فرمود که آنها که پا در گل فرو برده اند و در خشکسالی میوه
میدهند یعنی درختان خرما پس فرمود که نیکو مالیست درخت خرما هر که آنرا بفروشد
قیمتش از برای آن خاکستریست که بر سر کوه بلندی در باد تندی رها کنی مگر
آنکه بعوض آن درخت خرمای دیگر بخرد پرسیدند که بعد از درخت خرما
دیگر کدام مال بهتر است حضرت جواب نفرمودند شخصی گفت که چرا شتر را
نفرمودید فرمود که در شتر مشقت و تعب و دوری از منزل هست و صبح
خرج میخواهد و شام خرج میخواهد و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند
وقتی که رو میکند رو کرده است و وقتی که پشت میکند رو کرده است
یعنی وقتی که مرگ در میانشان می افتد هم میکشی و میخوری و نقصان
نمیکند و گاو وقتی که رو میکند رو کرده است و وقتی که پشت میکند
پشت کرده است و شترها از شیطانند اگر رو میکند پشت کرده است
و اگر پشت میکند پشت کرده است یعنی وقتی که خرابیست هم برای صاحبش
ضرر دارد و نفع ندارد گفتند یا رسول الله بعد از اینها چرا در باب شتر

فرمودید که نگاه خواهد داشت آنرا فرمود که همیشه بدبختان و فاجران هستند
که آنرا نگاه میدارند و در حدیث دیگر فرمود که نه عشر روزی در تجارت است
و یک عشر آن در نگاه داشتن گوسفند است و در حدیث دیگر فرمود که
بر شما باد بنگاه داشتن گوسفندان که هر بامداد و پسین نفعشان بشما
میرسد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که فرمود که شتر باعث عزت اهلش است
و در حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق ع بصفوان شتردار فرمود که شتری
برای من بخر و باید که بد صورت باشد که عمر شترهای بد صورت بیشتر است و در حدیث
دیگر منقولست که فرمود که شتران سیاه بد صورت بخر که عمرشان درازتر
میباشد و در حدیث معتبر منقولست که فرمود که شتران سرخ مو مخر که
عمرشان کوتاه تر میباشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که از میان قطار شتر بدر مروید زیرا که هیچ قطار شتری نیست مگر آنکه در میان
هر دو شتر شیطانی هست و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام زین العابدین ع
برای اکرام چند شتری بصد اشرفی میخریدند و سوار میشدند و در حدیث معتبر
از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که یکی از حاملان عرش
بصورت گاو است و گاو سید و بهترین حیوانات است و در میان حیوانات
خوش روتر و سرافرازتر از گاو نبود تا آنکه بنی اسرائیل گوساله پرستیدند
آن ملکی که بصورت گاو است از شرم سر در زیر افکند و بآن سبب گاوی
چنین شد و از شرم نگاه بجانب آسمان نمیکند و از حضرت رسول صلی الله ع

منقولست که مخورید گوشت و شیر شتری که فضلهٔ آدمی را خورد و سوار آن
مشوید تا آنکه چهل روز آنرا علف بدهید و علما خوردن گوشت و شیرش را
حرام میدانند و سوار شدنش را مکروه میدانند و این حکم دارد حیوانات دیگر هم
و پاک کردن آنها بآن میشود که علف پاک بخورانند بآنها در مدتی چند که
برای هر یک مقرر شده است و در کتابهای علما مذکور است **فصل هفتم**
در آداب خریدن و نگاه داشتن حیوانات در حدیث معتبر از حضرت موسی بن
جعفر صلوات الله علیهما منقولست که هرگاه چهارپایی بخرد بر جانب چپ آن بایستد
و موی پیشانیش را بدست راست بگیرد و بر سرش بخواند سوره حمد و قل هو الله
احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آخر سوره حشر لو انزلنا
هذا القرآن علی جبل لرأیته تا آخر سوره و آخر سوره بنی اسرائیل
قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره و آیة الکرسی پس چون چنین کند
آن چهارپا امان یابد از جمیع آفتها و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که چون کنیزی خواهی بخری بگو اللهم انی استشیرک و استخیرک
و چون حیوانی خواهی بخری بگو اللهم قدّر لی اطولهن حیوة و اکثرهن
منفعة و خیرهن عاقبة و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از
حضرت امام موسی ع سؤال کرد که آیا دابه را بر رویش میتوان زد و بر رویش را
داغ میتوان کرد فرمود که باکی نیست یعنی حرام نیست اما مکروهست چنانچه در
حدیث موثق از حضرت صادق ع منقولست که پرسیدند از داغ کردن حیوانات فرمود که

درغیر

در غیر رویشان داغ میباید کرد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص
نهی فرمود از آنکه حیوانات را در رویشان داغ بکنند یا چیزی بر رویشان
بزنند زیرا که تسبیح پروردگار میگویند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند
از داغ کردن روی گوسفندان فرمود که داغ را در گوش ایشان بزنند
و از حضرت رسول ص منقولست که در وقت دوشیدن شیر حیوانات اندکی
شیری در پستان بگذارید تا زود شیر جمع شود در پستان که اگر تمام را بدوشید
شیر دیرتر می‌آید و در حدیث دیگر فرمود که خوابگاه گوسفندان را پاک کنید و
آب از بینی آنها بیرون آید پاک کنید و نماز در طویله آنها بکنید که گوسفند
از حیوانات بهشتست و از حضرت امام موسی ع منقولست که صفیر مکنید
برای گوسفندان در وقت رفتن و صدا بزنید ایشانرا برای گشتن و در
حدیث معتبر منقولست که از آنحضرت پرسیدند از خصی کردن حیوانات
فرمود که باکی نیست و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که خصی کردن حیوانات
و بجنگ انداختن آنها با یکدیگر کراهت دارد و در حدیث دیگر فرمود که روزی
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در راهی گذشتند که حیوان نری را
بر ماده میکشیدند در میان راه حضرت رو گردانیدند فرمودند که سزاوار
نیست که چنین کنید که این منکر و قبیح است بلکه باید اینرا در جایی واقع سازند
که مردان و زنان اینرا نبینند و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت صادق ع
پرسیدند که دنبه گوسفند زنده را میتوان برید فرمود که اگر غرض تو [illegible]

که مال خود را باصلاح آوری پاکیزه است اما آن دنبه میته است و از آن
منتفع نمیتوان شد و بدانکه مشهور میان علما موافق احادیث معتبر آنست
که اگر بزغاله شیر خوک را بخورد که گوشت و استخوانش از آن بسته شود گوشت
آن حرام است و هرچه از گوسفند معلوم باشد که نسل آنست حرام است و هرچه
معلوم نباشد حلال است و اگر چند شیری خورده باشد و باین حد نرسیده باشد
گوشت و شیر آن مکروه است و کراهتش باین برطرف میشود که اگر هنوز شیر خوار باشد
هفت روز شیر گوسفند را بخورد و اگر از شیر باز کرده باشد آنرا هفت روز
علف و دانه حلال با آن بخورانند و در حدیث صحیح منقولست که شخصی عرضه
بحضرت امام علی نقی صلوات الله علیه نوشت که بزغاله را ماده ای شیر
داده است تا بحدی که از شیر باز گرفته است آنرا و الحال از آن بزغاله فرزندی
بهم رسیده است و شیر میدهد شیرش را میتوان خورد در جواب نوشتند
که فعل مکروهی کرده است و باکی نیست بخوردن شیر آن فصل هشتم در بیان
مجمل احوال و اقسام حیوانات در احادیث معتبره از حضرت صادق منقولست
که هیچ مرغی و حیوانی در دریا و صحرا شکار کرده نمیشود مگر بانکه آن تسبیحی که دارند
ضایع کنند و در حدیث دیگر فرمود که جمیع وحشیان و مرغان و درندگان
بایکدیگر مخلوط بودند تا آنکه فرزند آدم برادرش را کشت پس از یکدیگر نفرت کردند
و گریختند و هر حیوانی بشکل خود میل کردند و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت یعقوب بفرزندان خود گفت که زنا مکنید که مرغی که زنا میکند پرهایش

میریزد و از حضرت امام حسین ع منقولست که چون کرکس فریاد میکند میگوید
که ای فرزند آدم هر روش که خواهی زندگانی کن آخرش مرگ است و باز که صدا میکند
میگوید که ای داننده پنهانها و ای دفع کننده بلاها و طاوس میگوید که
بر خود ظلم کردم و مغرور بزینت خود شدم پس بیامرز مرا و دراج میگوید
الرَّحمٰنُ عَلَى العَرشِ استَوىٰ و خروس میگوید که هر که خدا را شناخت یاد
او را فراموش نمیکند و مرغ خانگی میگوید ای خداوند حق توئی حق
و گفته تو حق است و باشه میگوید که ایمان آوردم بخدا و روز قیامت
و کورکور میگوید که توکل کن بر خدا تا ترا روزی دهد و عقاب میگوید
هر که اطاعت خدا کند بدبخت نمیشود و شاهین میگوید سُبحانَ الله
حَقًّا حَقًّا و جغد میگوید که دوری از مردم انس بهتر است و کلاغ
میگوید که ای روزی دهنده بفرست روزی حلال و کلنگ میگوید که خدایا
نگاه دار مرا از شر دشمن و لکلک میگوید که هر که از مردم تنها شد از ایشان
نجات یافت و اردک میگوید آمرزش ترا میخواهم ای خداوند و هدهد میگوید
چه بدبخت است کسی که معصیت خدا کند و قمری میگوید ای داننده پنهان
ها و رازها ای خدا و دبسی که شبیه بقمری و سرخ رنگ میگوید توئی خداوند
خداوندی غیر از تو نیست ای خدا و گنجشکان میگوید که طلب آمرزش میکنم
از خدا از هر چیز که خدا را بخشم آورد و بلبل میگوید لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ حَقًّا
حَقًّا و کبک میگوید که نزدیکست حق نزدیکست و سمانا میگوید ای فرزندان

چه غافلی از مرك وفاخته میکوید یا واحد یا احد یا فرد یا صمد
وسبزه قبا میکوید مولای من آزاد کن مرا از آتش جهنم وهوجه میکوید
مولای من قبول کن توبه جمیع کناه کارانرا وکبوتر خانکی میکوید اکر کناه ما
نیست
یا مرزی شقی وبدبخت خواهم بود وشتر مرغ میکوید که معبودی بغیر از خدا
وپرستاك سوره حمد میخواند ومیکوید ای قبول کننده توبه کناهکاران
ای خدا تراست حمد وبز میکوید که مرك بس است برای پند کرفتن وبزغاله
میکوید که مرك زود بمن رسید وکناهم سنکین وبسیار شد وشیر میکوید که در امر
بندکی خدا بسیار اهتمام باید کرد وکاو میکوید دست از کناه بدار که تو در
پیش خداوندی هستی که او را نمی بینید واو همه را می بیند واو خداوند
عالمیانست وفیل میکوید که برای دفع مرك قوت وجان سودی نمیدهد
ویوز میکوید یا عزیز یا جبار یا متکبر یا الله وشتر میکوید که منزه هست
پروردکاری که ذلیل کننده جبارانست تنزیه میکنم او را وقاب میکوید
منزه هست پروردکار ما منزه هست او وکرك میکوید چیزیرا که خدا حفظ کند
هرکز ضایع نمیشود وشغال میکوید عذاب و ویل برای کناه کاریست که بر کناه
خود مصر باشد وسك میکوید برات معصیتها برای خواری وخر کوش
میکوید هلاك مکن مرا ای خدا تراست حمد وروباه میکوید دنیا خانه
زینت وآهو میکوید نجات ده مرا از آزار وکرکدن میکوید بفریاد من برس
اکر نه هلاك میشوم وپلنك میکوید منزه هست پروردکاری که بیا

عزنات

عزنات بعض قدرت خود تمیز میکنم او را ومار میکوید چه قبیح است بدبخت
کسی که ترا نافرمانی کند ای خداوند بخشنده وعقرب میکوید که بدی چیز
موحشی است پس حضرت فرمود که هیچ خلقی نیست مکر انکه او را تسبیح هست
بجای خدا فرموده است وَاِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلٰكِنْ لَا تَفْقَهُونَ
تَسْبِیحَهُمْ یعنی هیچ چیز نیست مکر انکه خدا را تسبیح میکوید وبحمد وثنا او
ولیکن شما نمی فهمید تسبیح ایشانرا واز حضرت امام موسی ع منقولست که
حیوانات مسخ شده اند دوازده صنف اما فیل پس آن پادشاهی بود که زنا ولواطه
میکرد وخرس اعرابی بادیه نشینی بود که دیوثی میکرد وخرکوش زنی بود
که با شوهر خود خیانت میکرد وغسل حیض وجنابت نمیکرد وشب پره
دزدی بود که خرمای مردم را میدزدید وسهیل مردی بود که در یمن عشاری میکرد وزهره
زنی بود که مردم میکویند که هاروت وماروت از وفریب خوردند ومیمون
وخوك جماعتی بودند از بنی اسرائیل که در روز شنبه شکار کردند واما
سوسمار وجلپاسه کروهی بودند از بنی اسرائیل که در وقت نزول مائده حضرت عیسی ع
چون مائده از آسمان نازل شد ایمان نیاوردند ومسخ شدند پس بعضی ازیشان
ایشان بدریا رفتند ودیکری بصحرا واما عقرب مرد سخن چینی بود واما
زنبور قصابی بود که ترازو دزدی میکرد ودر روایت دیکر منقولست که
خرس مردی بود که مردم با او عمل قبیح میکردند وسوسمار اعرابی بود که مال حاجیان
میدزدید وعنکبوت زنی بود که از برای شوهر خود سحر میکرد ودعموص مرد

عجز جنبی بود که در میان دوستان جدایی می افکند و مار ماهی و دیت بود
و شب پس خرما از مرد رخت میدهند و میمون یهود اینستند که ماهی روز شنبه
شکار میکردند و خوک جماعتی اند که ایمان بمایده آسمان نیاوردند
و از حضرت امام رضا منقولست که موش گروهی از یهود بودند که خدا بر ایشان
غضب کرد و دب شخصی بود که استهزا بر پیغمبران میکرد و شپش از جسد منسخ شد
و روزی پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل نماز میکرد یکی از بخردان بنی اسرائیل
آمد در برابر او استهزا باو میکرد بصورت شپش منسخ شد و چلپاسه جماعتی
از بنی اسرائیل بودند که فرزندان پیغمبران را دشنام میدادند و با ایشان
دشمنی میکردند و در حدیث منقولست که خارپشت مرد بدخلقی بود و در بعضی
از روایات وارد شده است که زهره و سهیل که منسخ شده اند این دو ستاره
نیستند بلکه دو جانورند در دریای محیط و در روایات معتبره وارد شده است
که هر ایله از بنی امیه که میمیرند بصورت چلپاسه منسخ میشوند و فرمود که هرگاه
چلپاسه را بکشی غسل بکن و در روایت معتبر منقولست که آنها که منسخ شدند
زیاده از سه روز نماندند و مردند و حق تعالی بصورت آنها حیوانی چند
خلق فرمود و گوشت آنها را حرام کرد تا دیگران عبرت بگیرند از دیدن اینها
و مثل اعمال آنها نکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی
هفتصد امت را مسخ کرد برای آنکه بعد از پیغمبران اطاعت اوصیای ایشان
نکردند پس چهارصد صنف ایشان بصحرا رفتند و سیصد صنف ایشان

بدریا رفتند **فصل نهم** در فضیلت تجارت کردن و طلب حلال نمودن
در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نیکو یاوریست
بر پرهیزکاری از معاصی خدا توانگری و از حضرت امام جعفر منقولست
که خیری نیست در کسی که نخواهد مالی از حلال جمع کند که بآن مال روی
خود را از سؤال حفظ کند و قرض خود را ادا کند و با خویشان خود احسان کند
و در حدیث دیگر فرمود که استعانت بجوئید بدنیا بر آخرت و بار مردم مشوید
و از حضرت رسول صلعم منقولست که ملعونست کسی که بار عیال خود را بر مردم
بیندازد و در حدیث حسن منقولست که شخصی از حضرت صادق ع
پرسید که ما طلب دنیا میکنیم و دوست میداریم که مال دنیا بما رو کند
فرمود که برای چه میخواهی آنرا گفت برای آنکه خرج خود و عیال خود بکنم و صله
رحم بکنم و تصدق و حج و عمره بکنم فرمود که مال را برای اینها کسب کردن
طلب دنیا نیست طلب آخرتست و در حدیث دیگر فرمود که توانگری که ترا
از ظلم منع نماید بهتر است از پریشانی که ترا بر گناه بدارد و در حدیث معتبر
منقولست که شخصی از علمای اهل سنت بحضرت امام محمد باقر ع رسید
در روز بسیار گرمی دید که آنحضرت بر دو غلام تکیه کرده و براه میروند
گفت که شما مرد پیری هستید از بزرگان قریش مناسب نیست که در این وقت
از برای طلب دنیا بیرون آیید اگر مرگ در اینحال بشما برسد چه خواهید کرد
حضرت فرمود که اگر مرگ در اینوقت برسد در وقتی رسیده خواهد بود که

مشغول طاعت خداوند عالمیانم و کاری میکنم که خود را و عیال خود را
باز دارم از سؤال کردن از تو و از دیگران من از آن میترسم که مرا سبب
در معصیت خدا باشم گفت دانستی که میخواستم ترا پند کویم تو مرا پند کفتی
و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حق تعالی
خطاب نمود بحضرت داود ع که نیکو بنده بودی تو اگر از بیت المال نمیخوردی
و بدست خود کسب میکردی چون این خطاب شنید حضرت داود چهل روز گریست
پس حق تعالی باهن وحی فرمود که نرم شو برای بنده من داود پس در دست
آنحضرت نرم شد مانند موم پس هر روز یک زره بدست خود میساخت و بهزار
درهم میفروخت تا آنکه سیصد و شصت زره ساخت و از بیت المال مستغنی
شد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق ع احوال عمر بن مسلم را
پرسید گفتند که ترک تجارت کرده است حضرت سه مرتبه فرمود که عمل
شیطانست مگر نمیدانند که رسول خدا صلی الله علیه و آله تجارت فرمود و حق تعالی
مدح میفرماید جماعتی را که مردانی چند اند که غافل نمیکرداند ایشانرا تجارت
و فروختن از یاد خدا ایشان جماعتی بودند که تجارت میکردند و چون وقت
نماز میشد شغل نماز میشدند و این بهتر است از کسی که تجارت نکند و نماز را
در وقت خود بکند و در حدیث موثق منقولست که با آنحضرت عرض کرد که شخصی
هست میگوید که در خانه می نشینم و نماز میکنم و روزه میدارم و عبادت
پروردگار خود میکنم و روزی من البته برای من می آید حضرت فرمود

کاین مرد

که این مرد یکی از سه کس است که دعای ایشان مستجاب نمیشود و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی با آنحضرت عرض کرد که میخواهم دعا کنید که خدا مرا روزی
بدهد با راحت فرمودند که طلب روزی بکن چنانچه خدا ترا امر کرده است
من دعا نمیکنم برای تو و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت احوال شخصی را
پرسیدند شخصی گفت که او پریشان شده است حضرت پرسیدند که چه کار
مشغولست گفت در خانه نشسته است و عبادت الهی میکند فرمود که معاش
او بچه چیز میگذرد گفت که بعضی از برادران مؤمن باحوال او میرسد حضرت
فرمود که آنکسی که روزی او را میدهد عبادتش بهتر است از عبادت او و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که کسی که طلب دنیا کند برای آنکه از
مردم سؤال نکند و معیشت عیال خود را فراخ کرداند و با همسایکان خود
احسان کند در روز قیامت روی او مانند ماه شب چهارده باشد و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که عبادت هفتاد جزو است
بهترین آنها طلب حلال است و در حدیث دیگر فرمود که هر که شب کوفته و
وا مانده از طلب حلال چون شب بخوابد آمرزیده شده باشد و در حدیث
معتبر منقولست که چون در دکان خود را کشودی و متاع خود را پهن کردی
آنچه بر تو بود کردی بر خدا توکل کن و در احادیث معتبره از حضرت رسول
منقولست که در حجة الوداع فرمود بدرستیکه جبرئیل در دل من دمید
که هیچ صاحب جانی نمیرد مکر آنکه روزی مقدر خود را تمام میخورد پس از خدا

بترسید و مبالغه در طلب روزی مکنید و دیر رسیدن روزی شما را دو
بر آنکه طلب چیزی از روزی را بمعصیت خدا بکنید زیرا که حق تعالی روزیها
در میان خلق خود حلال قسمت کرده است پس کسی که از معصیت خدا بپرهیزد
و صبر کند روزی او از حلال میرسد و هر که پرده دری کند و تعجیل نماید و از
حرام بگیرد از روزی حلال آن همان مقدار کم میشود و در قیامت حساب
او خواهند کرد بدان روزی حرام و از حضرت صادق ع منقولست که اگر
بنده در سوراخی باشد خدا روزی او را میرساند پس مبالغه در طلب روزی
مکنید و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که خدا روزی مؤمنان را
از جاهای چند مقرر نموده است که گمان نداشته باشند برای آنکه چون
نمیدانند که روزی ایشان از کجا می آید دعا بسیار میکنند و در احادیث دیگر
از حضرت صادق ع منقولست که تجارت کردن عقل را زیاد میکند و ترک
تجارت کردن عقل را کم میکند و حضرت امام موسی ع بتاجری فرمود که
بامداد برو بسوی چیزی که موجب عزت تست یعنی بازار و در احادیث
دیگر منقولست که بامداد بطلب روزی بروید و تحقیق این مطلب با احادیث
دیگر در کتاب عین الحیوة مذکورست **فصل دهم** در بیان آداب تجارت
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بر منبر میفرمود که ای گروه
سوداگران اول یاد گیرید مسایل تجارت را پس بعد از آن مشغول تجارت
شوید و الله که ربا در این امت مخفی تر است از جای پای مورچه بر سنگ

وقسم دروغ مخورید که تاجر فاجر است و فاجر در جهنم است مگر کسی که حق
و حق بدهد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که خرید
و فروش کند از پنج چیز اجتناب کند از سود خوردن و قسم خوردن
و عیب متاع را پوشانیدن و مدح کردن چیزی که فروشد و مذمت کردن
چیزی که خرد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه هر روز بامداد دره را برد و ش میگذاشتند و در بازارهای کوفه میگشتند
و میفرمودند که چون مشغول خرید و فروش میشوید اول خیر خود را از خدا
بطلبید و خرید و فروش را بسهولت بکنید و کار را آسان بگیرید تا برکت بیابید
و نزدیکی و مهربانی کنید با مشتریها و برد باری را زینت خود گردانید
و از قسم خوردن و دروغ گفتن کناره گیرید و ستم بر مردم مکنید و با مظلومان
انصاف از خود بدهید و نزدیک ربا و سود مروید و کیل و وزن را تمام بدهید
و ترازو دزدی مکنید و در حدیث دیگر فرمود که نشیند در بازار مگر کسی که
مسایل خرید و فروش را داند و هر که با نادانی تجارت کند در ربا خوردن
فرو میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که
در بامداد و پسین که بازار رود چون پا در بازار گذارد بگوید اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ خَیْرِها وَ خَیْرِ اَهْلِها حق تعالی ملکی با و موکل کرده اند
که او را و متاعش را محافظت نماید تا بخانه برگردد پس ملک با او میگوید که
امروز امان یافتی از شر این بازار و اهل این بازار و امروز روزی تو

خیر این بازار و اهل این بازار بام خدا پس چون در دکان بنشیند
بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان
محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله اللهم انی اسئلک من فضلک
رزقا حلالا طیبا و اعوذ بک من ان اظلم او اظلم و اعوذ بک
من صفقة خاسرة و یمین کاذبة چون این دعا بخواند ملکی که باو
موکلست میگوید بشارت باد ترا که امروز در این بازار کسی از تو بهتر
زاوان تربیت تعجیل کردی در جمع آوردن ثوابها و محو کردی از خود
گناهان او بزودی می آید بسوی تو آنچه خدا روزی تو گردانیده است
حلال و طیب و مبارک و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که
چون داخل بازار شوی این دعا بخوان اللهم انی اسئلک من خیرها
و خیر اهلها و اعوذ بک من شرها و شر اهلها اللهم انی اعوذ
بک من ان اظلم او اظلم او ابغی او یبغی علی او اعتدی او یعتدی
علی اللهم انی اعوذ بک من شر ابلیس و جنوده و شر فسقة العرب
و العجم و حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش
العظیم و در حدیث صحیح دیگر منقولست از آنحضرت که هر که داخل بازار
یا مسجدی بشود و یکمرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له و الله اکبر کبیرا و الحمد لله کثیرا و سبحان الله بکرة و
اصیلا و لا حول و لا قوة الا بالله و صلی الله علی محمد و آله برابر است

العلی العظیم

باید که

با ثواب حج مقبول و در حدیث معتبر دیگر منقولست که هر که در بازار بگوید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده
و رسوله حق تعالی هزار هزار حسنه برای او بنویسد و در روایت معتبر
از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که داخل بازار شود و نظر کند
بشیرین و ترش و تلخ آن بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم انی
اسئلک من فضلک و استجیر بک من الظلم و الغرم و المأثم
و در روایت دیگر از حضرت صادق ع منقولست که هر که داخل بازار
شود و بگوید اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله
اللهم انی اسئلک اعوذ بک من الظلم و المأثم و المغرم حق تعالی
بعدد هر که در آن بازار هست از عجم و غیر عجم ثواب برای او
بنویسد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که یاد خدا در بازار بسیار بکنید در وقتی که مردم مشغول دنیا باشند که
کفاره گناهان شما باشد و باعث زیادتی حسنات شما شود و شما را
از غافلان ننویسند و چون خواهید ما یحتاج خود را از بازار بخرید
در وقت داخل شدن بازار بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله صلی الله علیه و آله
اللهم انی اعوذ بک من صفقة خاسرة و یمین فاجرة و اعوذ

بات من بوائق الایام ودر حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر که در وقت داخل شدن بازار بگوید سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت
وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر بعدد
آنچه خدا خلق کرده است تا قیامت باو ثواب کرامت فرماید ودر حدیث
صحیح از حضرت صادق ع مذکور است که چون خواهی متاعی یا غیر آن
بخری سه مرتبه الله اکبر بگو پس سه مرتبه این دعا بخوان اللهم انی
اشتریته التمس فیه من خیرک فاجعل لی فیه خیرا اللهم انی
اشتریته التمس فیه من رزقک فاجعل لی فیه رزقا ودر
روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا ع بر دوری متاعی که میخریدند
مینوشتند برکة لنا محتملست که مراد نوشتن با انگشت باشد ودر حدیث
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی چیزی بخری این دعا
بخوان یا حی یا قیوم یا دائم یا رؤف یا رحیم اسئلک بعزتک
وقدرتک وما احاط به علمک ان تقسم لی من التجارة الیوم
اعظمها رزقا واوسعها فضلا وخیرها عاقبة فانه لا خیر فیما
لا عاقبة له و فرمود که چون حیوانی یا بنده خواهی بخری بگو اللهم قدر لی
اطولها حیوة واکثرها منفعة وخیرها عاقبة ودر حدیث حسن از
آن حضرت منقولست که چون خواهی چهارپایی بخری سه مرتبه این دعا

اللهم

اللهم ان کان عظیمة البرکة فاضلة المنفعة میمونة الناصیة
فیسر لی شراءها وان کان غیر ذلک فاصرفنی عنها الی الذی هو
خیر لی منها فانک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علام
الغیوب ودر روایت دیگر منقولست که چون خواهی بکاری بروی
و آفتاب اندکی بلند شده باشد که هنوز شعاعش بطرف نشده باشد
دو رکعت نماز بکن ودر رکعت اول بعد از سوره حمد قل هو الله احد
ودر رکعت دویم قل یا ایها الکافرون بخوان پس چون سلام بگوئی این
دعا بخوان اللهم انی غدوت التمس من فضلک کما امرتنی فارزقنی
من فضلک رزقا حلالا واسعا حلالا طیبا واعطنی فیما رزقتنی
العافیة غدوت بحول الله وقوته غدوت بغیر حول منی ولا قوة
ولکن بحولک وقوتک وابرأ الیک من الحول والقوة اللهم
انی اسئلک برکة هذا الیوم فبارک لی فی جمیع اموری یا ارحم
الراحمین وصلی الله علی محمد وآله الطیبین ودر فقه الرضا
مذکور است که چون خواهی متاعی را ببندی ونگاه داری آیة الکرسی
بخوان وبنویس ودر میان متاع بگذار واین دعا را نیز با آیة الکرسی بنویس
وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم
فهم لا یبصرون لا ضیعة علی ما حفظه الله فان تولوا فقل
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم

چون چنین کنی آن متاع از هر بلائی محفوظ بماند و فرمود که اگر مالت
تلف شود این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اِنّی عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ وَ ابْنُ اَمَتِکَ
وَ فی قَبْضَتِکَ ناصِیَتی بِیَدِکَ تَحْکُمُ فِیَّ ما تَشاءُ وَ تَفْعَلُ ما تُرِیدُ
اَللّٰهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلیٰ حُسْنِ قَضائِکَ وَ بَلائِکَ اَللّٰهُمَّ هُوَ مالُکَ
وَ رِزْقُکَ وَ اَنَا عَبْدُکَ خَوَّلْتَنی حِینَ رَزَقْتَنی اَللّٰهُمَّ فَاَلْهِمْنی
شُکْرَکَ فِیهِ وَ الصَّبْرَ عَلَیْهِ حِینَ اَصَبْتَ وَ اَخَذْتَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ
اَعْطَیْتَ وَ اَنْتَ اَصَبْتَ اَللّٰهُمَّ لا تَحْرِمْنی ثَوابَهُ وَ لا تَنْسَنی مِنْ خَلَفِهِ
فی دُنْیایَ وَ آخِرَتی اِنَّکَ عَلیٰ ذٰلِکَ قادِرٌ اَللّٰهُمَّ اَنَا لَکَ وَ عَبْدُکَ
وَ اِلَیْکَ وَ مِنْکَ لا اَمْلِکُ لِنَفْسی ضَرّاً وَ لا نَفْعاً و در حدیث معتبر از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین بقعهای زمین
بازارهاست و آنها میدان شیطانند هر روز بامداد علم خود را در بازار
میزند و کرسی خود را میگذارد و بیرون می فرستد فرزندان خود را بهر
کس یکی از ترازو میدهند که ترازو را کم میکشد و دیگری را کیل را کم میکند
و دیگری که ذرع را میدزدد و دیگری راس المال را دروغ میگوید پس میگوید
بفرزندان خود که بر شما باد بجماعتی که پدر ایشان مرده است یعنی حضرت
آدم ع و پدر شما زنده است یعنی اول کسی که داخل بازار میشود شیطان
داخل میشود و با آخر کسی که بیرون میرود بیرون میرود و بهترین بقعهای
زمین نزد خدا مسجدهاست و محبوب ترین مردم نزد خدا کسی است که

اخذت خ

زودتر

زودتر بمسجد رود و دیرتر بیرون آید و در حدیث دیگر فرمود که دشمن ترین
مردم نزد خدا کسی است که زودتر بازار رود و دیرتر بیرون آید و از آن
حضرت صادق ع منقولست که هر چیزی از مردمی که کار بر ایشان تنگ
شده است که سودا با ایشان برکت نمیدارد و در حدیث دیگر فرمود
که با کردان مخالطه مکنید که ایشان گروهی اند از جنیان که حق تعالی
پرده از ایشان برداشته است و در احادیث معتبره وارد شده است
که معامله مکنید با جماعتی که مرضهای سری دارند مانند پیسی و خوره
و در احادیث دیگر فرمود که با فرومایه سودا مکنید و با کسی سودا کنید
که در مال و نعمت نشو و نما کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که با مردم دون
که از دشنام دادن و شنیدن پروا ندارد سودا مکنید و در حدیث
صحیح دیگر فرمود که از ما نیست کسی که فریب دهد مومنی را و فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آب در شیر کردن و در حدیث حسن
منقولست که حضرت امام موسی ع بهشام فرمود که در تاریکی و در زیر سقف
متاع مفروش که متاع خوشنمائیش مینماید و آن غش است و غش کردن
حلال نیست و فرمود که کسی که نخرد مگر بقیمت و نفروشد مگر بقیمت حق تعالی
نظر رحمت بسوی او نمیفرماید و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که زنهار که قسم مخورید که اگرچه متاع را روا میکند اما برکتش را
میبرد و از حضرت رسول منقولست که کسی که میفروشد و میخرد باید

وکسی که نگاه میدارد برای آنکه گران شود ملعونست و فرمود که قافله
که متاع آورد کسی آنرا بیرون شهر استقبال نکند بگذارید که داخل شهر
شوند و شهری وکیل نشود در خرید و فروش برای بادیه نشینان خدا بعضی
از مسلمانانرا بسبب بعضی دیگر روزی میدهد و در حدیث معتبر منقولست
که حضرت صادق علیه السلام به اسحق بن عمار فرمود که فرزند خود را بصرافی مده
که صراف از ربا سالم نمیماند و بکفن فروشی مده که کفن فروش شادی
مرگ مردم میکند و بیاد مردن مردم او را خوش می آید و بجو و گندم فروشی
مده که سالم نمیماند از جمع کردن و نگاه داشتن برای گرانی و بسلاخی
مده که رحم از دلش برطرف میکند و کسی که سنگین دل است از خدا دور است
و برده فروشی مده که بدترین مردم کسی است که مردم را فروشد و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که بخاله خود غلامی بخشیدم
و نهی کردم او را از آنکه او را بقصابی یا بحجامت کردن یا زرگری بدهد
و در احادیث دیگر منقولست که اگر مزد حجامت را اول شرط نکند و آنچه
بعد از حجامت بدهند قبول کند باکی نیست و در بعضی از اخبار مذمت
جولاهی وارد شده است و در حدیث دیگر منقولست که شخصی از
حضرت صادق علیه السلام پرسید از تعلیم کردن اطفال فرمود که مزد
بر آن مگیر گفت که کتابهای شعری و رسالها و مثل اینها میخوانند
اول شرط مزد خود با ایشان بکنم فرمود که بلی اما بشرطی که اطفال تردد

برابر

برابر باشند و بعضی را بر بعضی زیادتی ندهی و در حدیث دیگر منقولست
که با آنحضرت عرض کردند که سنیان میگویند که کسب معلم حرام است
فرمود که دروغ میگویند این دشمنان خدا میخواهند که اطفال مردم
قرآن یاد نگیرند اگر کسی دیه فرزند خود را بمعلم بدهد بر او حلالست و بهتر
آنست که اول شرط مزد نکند و آنچه بدهند بگیرد و در احادیث معتبره
وارد شده است که چون قرآنرا فروشید کاغذ و جلد را بفروشید
و قصد فروختن نوشته مکنید و در حدیث صحیح از حضرت امام
موسی منقولست که باکی نیست در مزد گرفتن برای نوشتن قرآن و در
حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که تمام شب بیدار باشد
برای کسب کردن و بهره دین خود را از خواب ندهد آن کسب حرامست
و اکثر حمل بر کراهت شدید کرده اند و در چند حدیث معتبر از آنحضرت
منقولست که هر که خود را بعنوان نوکری بمردم باجاره بدهد روزی را
بر خود حرام کرده و خود را از روزی خدا محروم گردانیده است **فصل
یازدهم** در فضیلت زراعت کردن و درخت کشتن از علی بن ابی حمزه
منقولست که حضرت امام موسی را دیدم که در زمین خود کار میکردند
و پاهای آنحضرت در عرق فرو رفته بود گفتم فدای تو شوم خدمتکاران
بکجا رفته اند که شما خود این کار میکنید فرمود که با بیل در زمین کار کرده است
کسی که بهتر از من و پدر من بوده است پس فرمود که حضرت رسول خدا ص

و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه تمام پدران من بدست خود
در زمین کار کرده اند و این کار پیغمبران و اوصیای ایشان و صالحانست
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی برای
پیغمبران شخم و زراعت کردن را اختیار نموده است تا از آمدن باران کراهت
نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی روزی پیغمبران را در
زراعت و شیر پستان حیوانات قرار داده است تا از قطره باران آسمان
کراهت نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنید و درخت
بنشانید والله که مردم کاری از این حلالتر و پاکیزه‌تر نمیکنند والله
که زراعت خواهید کرد و درخت خواهید کشت بعد از بیرون آمدن
دجال هم و در حدیث معتبر از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که
بهترین اعمال زراعت است که از آن نیکوکار و بدکار میخورد اما نیکوکار
آنچه میخورد برای او استغفار میکند و اما بدکار آنچه میخورد او را لعنت
میکند و حیوانات و مرغان نیز از آن میخورند و از حضرت صادق ع
منقولست که کیمیای بزرگ زراعت کردنست و در حدیث دیگر فرمود
که زراعت کنندگان گنجهای مردمند میکارند روزی نیکوی پاکیزه خدا
کرامت میفرماید و ایشان در قیامت جایگاه شان از سایر مردم نیکوتر است
و ایشان را در آسمان مبارک مینامند و در حدیث دیگر منقولست که
آنحضرت بجماعتی گذشت که شخم میکردند فرمودند که زراعت کنید

که حق تعالی میرویاند چنانچه بیاران میرویانند و در احادیث معتبره منقولست
که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه با بیل در زمین کار میکردند و
حضرت رسول صلی الله علیه و آله هسته خرما را با آب دهان مبارک خود
تر میکردند و بزمین فرو میبردند در ساعت سبز میشد و حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله علیه هزار غلام از کد ید خود خریدند و آزاد کردند و در حدیث
موثق منقولست که شخصی رسید بحضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
دید که زیاده از سی بن شاه هسته خرما بار کرده اند و میبرند پرسید که
اینها چیست فرمود که صد هزار درخت خرما است انشاء الله پس آنها را
در باغستان خود کشتند یکی از آنها خطا نشد و در حدیث معتبر از ابی عمرو
منقولست که گفت دیدم حضرت صادق ع را جامه کنده پوشیده بودند
و بیل در دست داشتند و در باغ خود کار میکردند و عرق از پشت مبارک
میریخت گفتم فدای تو شوم بده من بکنم فرمود که دوست میدارم که آدمی
آزار بکشد از آفتاب برای طلب معیشت و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت
منقولست که شش خصلت که مؤمن بآنها منتفع میشود بعد از مردن فرزند
صالحی که برای او استغفار کند و مصحفی که از او بماند قرائت کنند و چاهی
که بکند و درختی که بکارد و تصدق آبی که جاری کند و سنت نیکی که
در میان مردم بگذارد که بعد از او مردم بآن عمل کنند و در حدیث حسن
از آنحضرت منقولست که هیچ چیز آدمی بعد از مرگ خود نمیگذارد که برای او

دشوارتر باشد از زن راوی گفت که چکند فرمود که باغ و خانه بخرد و درخت
دیگر فرمود که در توریة نوشته است که هر که زمین یا آب بفروشد و بعوض آن
زمین و آب دیگر نخرد قیمتش باطل شود و منتفع نشود از آن **فصل دوازدهم**
در آداب زراعت کردن و درخت کشتن بسند معتبر از حضرت امام جعفر
صادق ع منقولست که چون حضرت آدم بزمین آمد محتاج بخوردن و آشامیدن
شد پیش جبرئیل شکایت کرد گفت که زراعت کن آدم ع گفت دعائی مرا تعلیم کن
جبرئیل گفت که بگو اللّهمّ اکفنی مؤنة الدّنیا وکلّ هولٍ دون الجنّة
والبسنی العافیة حتّی تهنئنی المعیشة و در حدیث حسن از حضرت
صادق ع منقولست که چون خواهی زراعت کنی یک کف از تخم را بگیر و رو
بقبله بایست و بگو سه مرتبه افرأیتم ما تحرثون ءانتم تزرعونه ام نحن
الزّارعون پس بگو اللّهمّ اجعله حبًّا مبارکاً وارزقنا فیه السّلامة
پس آن دانه را که در کف داری بپاش و در روایت دیگر فرمود که چون دانه را
بپاشی بگو اللّهمّ قد بذرت وانت الزّارع فاجعله حبًّا متراکباً و در حدیث
دیگر فرمود که در وقت درخت نشانیدن و دانه پاشیدن بهر درختی
و دانه بخوان که سبحان الباعث الوارث که انشاء الله خطا نمیکند
و در روایت دیگر فرمود که در وقت درخت کشتن و زراعت کردن
این آیه را بخوان و مثل کلمة طیّبة کشجرة طیّبة اصلها ثابت وفرعها
فی السّماء تؤتی اکلها کلّ حین باذن ربّها و از حضرت امام محمد باقر ع

منقولست که یک قبضه از تخم بگیر و رو بقبله بایست و سه مرتبه بگو
ءانتم تزرعونه ام نحن الزّارعون پس بگو اللّهمّ حبًّا مبارکاً وارزقنا
فیه السّلامة والتّمام واجعله حبًّا متراکباً ولا تحرمنی خیر ما
ابتغی ولا تفتنّی بما منعت بحقّ محمّد پس آن قبضه را بپاش و از حضرت
صادق ع منقولست که هر که خواهد درخت خرما خوب بار دهد و خرما
نیکو شود ماهیهای کوچک خرد را بگیرد و نیم کوب کند و در بیخ آن افکند
باشد و باقیش را در کیسه پاکیزه کند و در میان درخت خرما جا دهد
و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که درخت میوه دار را مبرید
که عذاب بر شما نازل میشود و در روایت دیگر فرمود که بریدن درخت خرما
مکروهست پرسیدند که درختهای دیگر را بریدن چونست فرمود که باکی
نیست گفتند که درخت سدر را بریدن چونست فرمود که درخت سدر
که در بادیه باشد بریدن خوب نیست زیرا که در آنجا کم است اما در شهر
باکی نیست و از حضرت امام رضا ع پرسیدند که چونست بریدن درخت
سدر فرمود که پدرم درخت سدری را برید و بجای آن درخت انگور کشت
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که باکی نیست
که عذره آدمی را در مزرعها بریزند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که حضرت عیسی ع بشهری گذشتند درمیوهای ایشان کرم
بسیار بود درین باب بآنحضرت شکایت کردند فرمود که شما چون درخت

بکارید اوّل خاک میریزید و بعد از آن آب میدهید باین سبب کرم در
میوها بهم میرسد بعد از این اوّل آب بریزید و بعد از آن خاک بریزید
چنین کردند کرم از میوهٔ ایشان برطرف شد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که درخت سدر را آب بدهد چنانست که مؤمنی را در وقت
تشنگی آب داده باشد و فرمود که حق تعالی هیچ درختی را خلق نکرده است
مگر آنکه میوهٔ داشت که میتوانست خورد و چون مردم از برای خدا فرزند
قایل شدند میوهٔ نصف درختان برطرف شد پس چون با خدا شریک قرار دادند
درختان خار بهم رسانیدند **باب چهاردهم** در آداب سفر **فصل اوّل**
در بیان سفرهای نیک و بد و ایام و ساعات نیک و بد آن برای سفر از حضرت
صادق ع منقولست که در حکمت آل داود نوشته است که نباید کسی سفر کند
مگر از برای سه چیز سفری که توشهٔ آخرت در آن حاصل شود یا سفر
که باعث مرمّت امور معاش گردد یا سفری که از برای سیر و لذّتی که حرام نباشد
و در حدیث دیگر فرمود که سفر کنید تا بدنهای شما صحیح شود و جهاد کنید
تا غنیمت دنیا و آخرت بیابید و حج کنید تا مالدار و بی نیاز شوید و در
حدیث دیگر فرمود که سفر قطعهٔ ایست از عذاب پس چون کار شما در سفر ساخته شود
زود باهل خود برگردید و در حدیث صحیح منقولست که محمد بن مسلم از حضرت
صادق ع پرسید که بزمینی میروم که در آنجا بغیر از برف و یخ چیزی نیست
فرمود که چون مضطرّ است تیمّم کند و دیگر بچنین زمینی نرود که دینش

در آنجا هلاک شود و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بخدمت حضرت
امام موسی ع آمد و گفت میخواهم بسفر روم برای من دعا کنید فرمود که در
چه روز میروی گفت در روز دوشنبه از برای برکت آن روز زیرا که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله در روز دوشنبه متولد شده است حضرت فرمود
که دروغ میگویند حضرت رسول ص در روز جمعه متولد شدند و هیچ روزی شوم‌تر
از روز دوشنبه نیست حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن روز وفات کرد
و وحی آسمان از ما منقطع شد و در آن روز حق ما از ما غصب کردند میخواهم
خبر دهم ترا و دلالت کنم بروز سهل و آسانی که خدا در آن روز نرم کرد آهن را
برای حضرت داود ع گفت بلی فرمود که آن روز سه شنبه است و در حدیث
معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که ارادهٔ سفری داشته باشد
باید که در روز شنبه سفر کند که اگر سنگی از کوهی بگردد در روز شنبه
البته آن را خدا بجای خود برگرداند و هر که کارهایش دشوار شود در روز
سه شنبه طلب کند که آن روزیست که آهن برای حضرت داود ع نرم
شده است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
در روز پنجشنبه بسفر میرفتند و میفرمودند که روز پنجشنبه را خداوند و رسول
و ملایکه دوست میدارند و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست
که مکروهست سفر کردن و سعی در حوایج کردن در بامداد روز جمعه از
برای آنکه مبادا از نماز باز مانند امّا بعد از نماز برای تبرّک خوبست و در حدیث

دیگر فرمود که باکی نیست سفر کردن در شب جمعه و از حضرت امام رضا ع
منقولست که هر که در چهارشنبهٔ آخر ماه سفر کند برود آنجماعتی که
که بفال بد میدانند بازبی نگاه داشته شود و حاجتش را خدا برآورد
و در بعضی از روایات وارد شده است که سفر مکن در روز سیم از ماه
و روز چهارم و روز پنجم و روز سیزدهم و روز شانزدهم و روز بیستم و روز
بیست و یکم و روز بیست و چهارم و روز بیست و پنجم و روز بیست و ششم
و در روایت دیگر منقولست که روز چهارم و ششم و بیست و یکم برای سفر
خوبست و در روایت دیگر منقولست که هشتم ماه و بیست و سیم ماه برای
سفر خوبست و اگر روزهای ماه با روزهای هفته معارض شود
رعایت روزهای هفته کردن اولی است زیرا که احادیث معتبره در ایام
هفته بیشتر است و در روایت معتبر منقولست که هر که سفر کند یا تزویج نماید
و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نبیند **فصل دویم** در دفع نحوستهای
سفر بصدقه و دعا در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که تصدق کن
و در هر روز که خواهی سفر برو و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از آنحضرت
پرسیدند که آیا کراهت دارد سفر کردن در روزی از روزهای مثل
چهارشنبه و غیر آن فرمود که افتتاح سفر خود بتصدق بکن و هر وقت
که خواهی برو و در حدیث صحیح دیگر منقولست که ابن ابی عمیر گفت که من
در علم نجوم نظر میکردم و طالع را میشناختم و در خاطرم میخلید در بعضی

از ساعات بعضی از کارها را اختیار کردن در این باب بخدمت حضرت
امام موسی ع شکایت کردم فرمود که هر گاه در دل تو چیزی بیفتد تصدق
کن بر اول مسکینی که می بینی و برو که حق تعالی ضرر آنرا از تو دفع میکند
و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که هر که در اول روز تصدق
بکند حق تعالی نحوست آنروز را از او دفع میکند و در حدیث دیگر منقولست
که چون حضرت امام زین العابدین ع بعضی از مزرعهای خود میخواستند
بروند میخریدند سلامتی خود را از خدا بانچه میسر میشد از تصدق و این
تصدق را در وقتی میدادند که پا در رکاب میگذاشتند و چون خدا آن
حضرت را بسلامت برمیگردانید شکر و حمد الهی میکردند و تصدق میکردند
بانچه میسر میشد و در حدیث حسن منقولست که عبد الملک بخدمت حضرت
صادق ع عرض کرد که من مبتلا بعلم نجوم شده ام و گاه میخواهم که بکاری
بروم و بطالع نظر میکنم می بینم که طالع شری هست می نشینم و ترک رفتن
میکنم و اگر طالع نیکی می بینم میروم حضرت فرمود که آنحاجت برآورده
میشود یا حکم نجوم میکنی گفت بلی فرمود که کتابهای نجوم را بسوزان
و سید ابن طاوس رحمه الله علیه روایت کرده است که چون خواهی متوجه
سفر شوی در وقتی چند که سفر کردن در آن اوقات کراهت دارد پیش از
متوجه شدن سورهٔ حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق
و آیة الکرسی و سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر و آخر سورهٔ آل عمران

إنّ في خلق السموات والأرض تا آخر سوره بخواند پس بگو اللهم
بك يصول الصائل وبك يطول الطائل ولا حول لكل ذي
حول إلا بك ولا قوة يمارها ذو القوة إلا بك أسألك بصفوتك
من خلقك وخيرتك من بريتك محمد نبيك وعترته وسلالته
عليه وعليهم السلام صل عليه وعليهم واكفني شر هذا اليوم
وضره وارزقني خيره ويمنه واقض لي في متصرفاتي بحسن العاقبة
وبلوغ المحبة والظفر بالأمنية وكفاية الطاغية الغوية وكل
ذي قدرة لي على أذية حتى أكون في جنة وعصمة من كل بلاء
ونقمة وأبدلني فيه من المخاوف أمناً ومن العوائق فيه يسراً
حتى لا يصدني صاد عن المراد ولا يحل بي طارق من أذى العباد
إنك على كل شيء قدير والأمور إليك تصير يا من ليس كمثله شيء
وهو السميع البصير و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع منقول است
که هفت چیز است که اگر در برابر مسافر ظاهر شود برای او شوم است کلاغی
که فریاد کند از جانب راست او و سگی که دم را علم کرده باشد و گرگی که بر دم
خود نشسته باشد و بر روی او زوزه کند پس سه مرتبه بلند شود و پست
شود و آهوی که از جانب راست او بیاید و بجانب چپ برود و جغدی که
زوزه کند و زنی پیر سفید مویی که رو بروی او بیاید و ماده الاغی که
گوش بریده باشد پس کسی که از دیدن اینها ترسی در خاطرش یابد بگوید

اعتصمت

اعتصمت بك يا رب من شر ما أجد في نفسي فاعصمني من ذلك
چون این را بگوید ضرری باو نرسد و در روایتی منقولست که چون شخص از
سفر تصدق کند در وقت تصدق این دعا بخواند اللهم إني اشتريت
بهذه الصدقة سلامتي وسلامة سفري وما معي فسلمني وسلم ما معي
ببلاغك الحسن الجميل و بعد از تصدق بگوید لا إله إلا الله الحليم الكريم
لا إله إلا الله العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب
الأرضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم وسلام
على المرسلين والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله
الطيبين الطاهرين اللهم كن لي جاراً من كل جبار عنيد ومن
شر كل شيطان مريد بسم الله دخلت وبسم الله خرجت اللهم إني
أقدم بين يدي نسياني وعجلتي بسم الله وما شاء الله في سفري
هذا ذكرته أم نسيته اللهم أنت المستعان على الأمور كلها
وأنت الصاحب في السفر والخليفة في الأهل اللهم هوّن علينا
سفرنا واطو لنا الأرض وسيّرنا فيها بطاعتك وطاعة رسولك
اللهم أصلح لنا ظهرنا وبارك لنا فيما رزقتنا وقنا عذاب
النار اللهم إنا نعوذ بك من وعثاء السفر وكآبة المنقلب وسوء
المنظر في الأهل والمال والولد اللهم أنت عضدي وناصري
اللهم اقطع عني بعده ومشقته واصحبني فيه واخلفني في أهلي

بخیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم فصل پنجم در آداب
غسل و نماز و دعا در وقت بیرون رفتن سید ابن طاوس علیه الرحمة
روایت کرده است که چون اراده سفر نماید سنت است که غسل کند پیش
از بیرون رفتن و در وقت غسل بگوید بسم الله و بالله ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم و علی ملة رسول الله و الصادقین عن الله صلوات الله
علیهم اجمعین اللهم طهر قلبی واشرح به صدری و نور به قبری
اللهم اجعله لی نورا و طهورا و حرزا و شفاء من کل داء و آفة
و عاهة و سوء مما اخاف و احذر و طهر قلبی و جوارحی و عظامی
و دمی و شعری و بشری و مخی و عصبی و ما اقلت الارض منی اللهم
اجعله لی شاهدا یوم حاجتی و فقری و فاقتی الیک یا رب العالمین
انک علی کل شیء قدیر و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که هیچ خلیفه آدمی در اهلش نمیگذارد بهتر از آنکه در وقت
بیرون رفتن دو رکعت نماز بگذارد پس بگوید اللهم انی استودعک
نفسی و اهلی و مالی و ذریتی و دنیای و آخرتی و امانتی و خاتمة
عملی و ابن طاوس علیه الرحمة گفته است که در رکعت اول قل هو الله احد
و در رکعت دویم انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند و در حدیث معتبر منقولست
که چون حضرت امام محمد باقر ع اراده سفر میکردند عیال خود را در حجره
جمع میکردند و این دعا میخواندند اللهم انی استودعک الغداة

نفسی

نفسی و مالی و اهلی و ولدی و الشاهد منا و الغائب اللهم احفظنا
و احفظ علینا اللهم اجعلنا فی جوارک اللهم لا تسلبنا نعمتک
و لا تغیر ما بنا من عافیتک و فضلک و سید ابن طاوس علیه الرحمة
روایت نموده که بعد از نماز این دعا بخواند اللهم انی استودعک
الیوم نفسی و اهلی و مالی و ولدی و من کان منی بسبیل الشاهد
منهم و الغائب اللهم احفظنا و احفظ علینا اللهم اجعلنا
فی رحمتک و لا تسلبنا فضلک انا الیک راغبون اللهم انا نعوذ
بک من وعثاء السفر و کآبة المنقلب و سوء المنظر فی الاهل و
المال و الولد فی الدنیا و الآخرة اللهم انی اتوجه الیک هذا
التوجه طلبا لمرضاتک و تقربا الیک فبلغنی ما اؤمله و
ارجوه فیک و فی اولیائک یا ارحم الراحمین و اگر خواهی این دعا
هم بخوان اللهم خرجت فی وجهی هذا بلا ثقة منی لغیرک
و لا رجاء یاوی بی الا الیک و لا قوة اتکل علیها و لا حیلة
الجا الیها الا طلب رضاک و ابتغاء رحمتک و تعرضا لثوابک
و سکونا الی حسن عائدتک و انت اعلم بما سبق لی فی علمک فی
وجهی مما احب و اکره اللهم فاصرف عنی مقادیر کل بلاء و
مقضی کل لاواء و ابسط علی کنفا من رحمتک و لطفا من
عفوک و سعة من رزقک و تماما من نعمتک و جماعا من

من معافاتك ووفقني له فيه يا رب جميع قضاياك على موافقة
هواي وحقيقة املي وادفع عني ما احذر وما لا احذر على
نفسي مما انت اعلم به مني واجعل ذلك خيرا لآخرتي ودنياي
مع ما اسئلك ان تخلفني فيمن خلفت ورائي من ولدي واهلي
ومالي واخواني وجميع حزانتي بافضل ما تخلف فيه غائبا
من المؤمنين في تحصين كل عورة وحفظ كل مضيعة وتمام
كل نعمة ودفاع كل سيئة وكفاية كل محذور وصرف كل
مكروه وكمال ما يجمع لي به الرضا والسرور في الدنيا والآخرة
ثم ارزقني ذكرك وشكرك وطاعتك وعبادتك
حتى ترضى وبعد الرضا اللهم اني استودعك اليوم ديني
ونفسي ومالي واهلي وذريتي وجميع اخواني اللهم احفظ
الشاهد منا والغائب اللهم احفظنا في جوارك ولا تسلبنا
نعمتك ولا تغير ما بنا من نعمة وعافية وفضل ودر حديث
معتبر منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام اراده سفری میکردند
این دعا میخواندند اللهم خل سبيلنا واحسن تسييرنا واعظم عافيتنا
ودر روایت دیگر منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله
اراده سفری مینمودند این دعا میخواندند در وقتی که بر میخواستند
که متوجه شوند اللهم بك انتشرت واليك توجهت وبك اعتصمت

ثقتي ورجائي اللهم اكفني ما اهمني وما لا اهتم له وما انت
اعلم به مني اللهم زودني التقوى واغفر لي ووجهني الى الخير
حيث ما توجهت ودر حديث معتبر از حضرت موسى بن جعفر عليهما السلام
منقولست که هرکه اراده سفری نماید ودر در خانه خود بایستد رو
بجانبی که اراده دارد که متوجه شود پس سوره حمد از پیش رو
واز جانب راست وجانب چپ بخواند پس بگوید اللهم احفظني واحفظ ما
معي وبلغني وبلغ ما معي ببلاغك الحسن الجميل حق تعالى حفظ کند
اورا وانچه با اوست وبرساند اورا وانچه با اوست وسید ابن طاوس علیه الرحمه
روایت کرده است که چون بر در خانه بایستد تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام
بخواند وسوره حمد وآیة الکرسی بنحوی که گذشت بخواند پس بگوید
اللهم اليك وجهت وجهي وعليك خلفت اهلي ومالي وما
خولتني فقد وثقت بك فلا تخيبني يا من لا يخيب من اراده ولا
ولا يضيع من حفظه اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظني
فيما غبت عنه ولا تكلني الى نفسي يا ارحم الراحمين اللهم
بلغني ما توجهت له وسبب لي المراد وسخر لي عبادك وبلادك
وارزقني زيارة نبيك ووليك امير المؤمنين والائمة من
ولده وجميع اهل بيته عليه وعليهم السلام ومدني منك
بالمعونة في جميع احوالي ولا تكلني الى نفسي ولا الى غيري فاكل

واعطب وزودنی التقوی واغفر لی فی الآخرة والاولی اللهم وجهنی
وجهة من توجه الیک و این دعا نیز بخوانند بسم الله و بالله و توکلت
علی الله واستعنت بالله والجأت ظهری الی الله وفوضت امری الی الله
رب استرنی بحجابک الذی استرت به انبیاءک الذی ارسلت لا یاتی
بالخیر الا انت ولا یصرف السوء الا انت عز جارک وجل ثناؤک
وتقدست اسماؤک وعظمت آلاؤک ولا اله غیرک بسند دیگر که در ولی
وارد شده است که هر که صبح از خانه بیرون آید این دعا بخواند بلا در روز باو نرسد
تا شام که بخانه برگردد و هر که شام بخواند و از خانه بیرون رود بلایی باو
نرسد تا صبح که بخانه برگردد و در روایت دیگر وارد شده است که چون حضرت
صادق علیه السلام بسفری میرفتند این دعا میخواندند اللهم احفظنی و احفظ
ما معی وبلغنی وبلغ ما معی ببلاغک الحسن الجمیل بالله استفتح و
بالله استنجح وبمحمد صلی الله علیه وآله اتوجه اللهم سهل لی کل حزن
وذلل لی کل صعوبة واعطنی من الخیر کله اکثر مما ارجو و
اصرف عنی من الشر اکثر مما احذره فی عافیة یا ارحم الراحمین
و این دعا نیز بخوانند اسأل الله الذی بیده ما دق وجل وبیده
اقوات الملائکة ان یهب لنا فی سفرنا امنا وایمانا وسلامة واسلاما
وفقها وتوفیقا وبرکة وهدی وشکرا وعافیة ومغفرة عزما
لا تغادر ذنبا و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست

کرچون

که چون کسی بسفری بیرون رود بگوید اللهم انت الصاحب فی السفر
والحامل علی الظهر والخلیفة فی الاهل والمال والولد و نیز باید
آن دعاها که از برای از خانه بیرون آمدن و سوار شدن در فصلهای
سابق گذشت بخواند و چون سوار شود بگوید الحمد لله الذی هدانا
للاسلام ومن علینا بمحمد وآله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا
له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمین اللهم
انت الحامل علی الظهر والمستعان علی الامر اللهم بلغنا بلاغا
تبلغ به الی الخیر بلاغا تبلغ به الی رحمتک ورضوانک ومغفرتک
اللهم لا ضیر الا ضیرک ولا خیر الا خیرک

فصل چهارم

در سایر آداب بیرون رفتن و بیان چیزی چند که باید با خود بردن

در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که بسفری رود و با خود
بردارد عصایی از چوب بادام تلخ و این آیات را بخواند حق تعالی ایمن
گرداند او را از هر سبع درنده و هر دزدی و هر صاحب زهری تا باهل خود
برگردد و با او هفتاد و هفت ملک باشند که از برای او استغفار
کنند تا برگردد و عصا را بگذارد و این آیات ولما توجه تلقاء
مدین قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل ولما ورد ماء
مدین وجد علیه امة من الناس یسقون ووجد من دونهم

امرأتين تذودان قال ما خطبكما قالتا لا نسقي حتى يصدر
الرعاء وأبونا شيخ كبير فسقى لهما ثم تولى إلى الظل فقال رب
إني لما أنزلت إلي من خير فقير فجاءته إحديهما تمشي على استحياء
قالت إن أبي يدعوك ليجزيك أجر ما سقيت لنا فلما جاءه و
قص عليه القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمين قالت
إحديهما يا أبت استأجره إن خير من استأجرت القوي الأمين
قال إني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هاتين على أن تأجرني ثماني
حجج فإن أتممت عشرا فمن عندك وما أريد أن أشق عليك
ستجدني إن شاء الله من الصالحين قال ذلك بيني وبينك
أيما الأجلين قضيت فلا عدوان علي والله على ما نقول
وكيل و در روايت ديگر از آنحضرت منقولست که هر که خواهد که
زمين در زير پاى او پيچيده شود عصاى درخت بادام تلخ بردارد
و در حديث ديگر فرمود که حضرت آدم را مرض شديدى بهم رسانيد
و او را وحشتى عارض شد جبرئيل فرمود که چوبى از درخت بادام تلخ
جدا کن و بسينه خود بچسبان چنين کرد حق تعالى وحشت را ازو
دفع کرد و بدانکه از جمله چيزهائى که بايد در سفر با خود داشته باشد
تربت حضرت امام حسين صلوات الله عليه است چنانچه منقولست
که چون حضرت صادق عم بعراق تشريف آوردند مردم نزد آنحضرت

گرد آمدند

گرد آمدند و پرسيدند که ميدانيم که تربت حضرت امام حسين صع
شفاى هر درد هست آيا باعث ايمنى از هر خوف هم ميشود فرمود که
هرگاه کسى خواهد که او را از هر بيم امان بخشد تسبيحى از تربت آنحضرت
بگيرد و سه مرتبه اين دعا را بخواند اصبحت اللهم معتصما بذمامك
وجوارك المنيع الذي لا يطاول ولا يحاول من شر كل طارق
وغاشم من سائر من خلقت وما خلقت من خلقك الصامت
والناطق في جنة من كل مخوف بلباس سابغة حصينة
وهي ولاء أهل بيت نبيك محتجزا من كل قاصد لي إلى أذية
محتجبا
بجدار حصين الإخلاص في الاعتراف بحقهم والتمسك بحبلهم
جميعا موقنا أن الحق لهم ومعهم ومنهم وفيهم وبهم أوالي
من والوا وأعادي من عادوا وأجانب من جانبوا واعذني
اللهم بهم من شر كل ما أتقيه إنا جعلنا من بين أيديهم سدا
ومن خلفهم سدا فأغشيناهم فهم لا يبصرون پس تسبيح را ببوسد
و بهر دو چشم بگذارد و بگويد اللهم إني أسألك بحق هذه
التربة المباركة وبحق صاحبها وبحق جده وبحق أبيه
وبحق أمه وبحق أخيه وبحق ولده الطاهرين اجعلها شفاء
من كل داء وأمانا من كل خوف وحفظا من كل سوء
و اگر در صبح چنين کند در امان خدا باشد تا شام و در روايت ديگر

منقولست که هر که از پادشاهی یا غیر او ترسد چون از خانه بیرون آید چنین
کند حرزی باشد برای او از شر ایشان و در فصول الخواتیم گذشت
انگشترها که مناسبست که در سفر با خود داشته باشد و در حدیث معتبر
از حضرت صادق ع منقولست که ضامنم برای کسی که عمامه بر سر بسته از خانه
بیرون آید آنکه سالم باهل خود برگردد و در روایت معتبر دیگر از حضرت
امام موسی ع منقولست که من ضامنم برای کسی که اراده سفری داشته
باشد و عمامه بر سر بر بندد و سر عمامه را در زیر حنک ببندد آنکه او را
دزد و غرق شدن و سوختن بر نخورد و در حدیث معتبر از حضرت
امام رضا ع منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که
در روز شنبه از خانه بیرون رود و عمامه سفیدی بر سر داشته باشد
که تحت الحنک بسته باشد اگر برود بر کوهی که آنرا از جا بکند هر آینه
بعمل آید و در حدیث معتبر منقولست که حضرت لقمان با پسر خود گفت
که ای فرزند چون بسفر روی شمشیر و کمان و اسب و موزه و عمامه و [illegible]
که ضرور می شود و مشک آب و سوزن و خیاط با خود بردار و از دواها
آنچه تو و اصحاب تو بآن محتاج باشید بردار و در روایت دیگر منقولست
که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسفر میرفتند شیشه روغن
و سرمه دان و مقراض و آیینه و مسواک و شانه و سوزن و ریسمان
و چیزی که بآن کفش را پینه کنند و تهای علو را بعید داشتند و از جمله

تعویذاتی

تعویذاتی که در سفر مناسبست تعویذیست که مرویست که در دسته شمشیر حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله تعبیه شده بود و آن این تعویذاتست ه
بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله یا الله اسئلك یا ملك الملوك
الاول القدیم الابدی لا یزول ولا یحول انت الله العظیم الکافی
لکل شیء المحیط بکل شیء اللهم اکفنی باسمك الاعظم الاجل الواحد
الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد احجب
شرورهم و شرور الاعداء کلهم و سیوفهم و باسهم والله من ورائهم
محیط اللهم احجب عنی شر من ارادنی بسوء بحجابك الذی احتجبت
به فلم ینظر الیه احد من شر فسقة الجن والانس ومن شر سلاحهم
ومن الحدید ومن کل ما یخوف ویحذر ومن شر کل شدة وبلیة
ومن شر ما انت به اعلم وعلیه اقدر انك علی کل شیء قدیر
وصلی الله علی نبیه محمد وآله وسلم تسلیما عوذه که در میان عمامه گذارند
اقبل ولا تخف انك من الآمنین لا تخف نجوت من القوم الظالمین
لا تخف انك انت الاعلی لا تخافا اننی معکما اسمع واری لا تخاف
درکا ولا تخشی الذی اطعمهم من جوع وآمنهم من خوف فسیکفیکهم الله
وهو السمیع العلیم فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ادخلوا
علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون وعلی الله فتوکلوا
ان کنتم مؤمنین عوذه که در چهار پای سواری بندند اللهم احفظ

علی مالی لو حفظه غیرک لضاع واستر علی ما لو ستره غیرک لشاع
واجعل علی ظلاً ظلیلاً اتوقّی به کلّ من رامنی بسوءٍ او نصب لی مکراً
او هبّا الی بکرٍ لها حتّی یعود وهو غیر ظافرٍ بی ولا قادرٍ علیّ اللّهمّ
احفظنی کما حفظت به کتابک المنزل علی قلب نبیّک المرسل اللّهمّ
انّک قلت وقولک الحقّ انّا نحن نزّلنا الذکر وانّا له لحافظون
واز حضرت صادق ع منقولست که هر که سوره عبس را در کاغذ سفیدی
بنویسد و بهمراهی که رود با خود نگاه دارد در آن راه بغیر از نیکی نبیند
واز مفاسد آن راه محفوظ بماند **فصل پنجم** در آداب توشه برداشتن
در سفر و آداب صرف کردن آن از حضرت صادق ع منقولست که چون
بسفر روید سفرها با خود بردارید وطعامهای نفیس در آن سفره بگذارید
واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که از شرف آدمی آنست
که توشه خود را نیکو کند هرگاه بسفر رود ودر حدیث دیگر منقولست
که حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه چون بسفر حج یا عمره
میرفتند از بهترین توشها بر میداشتند مانند لوز وشکر وقاووت ترش
وشیرین واز حضرت صادق ع منقولست که نان در میان توشه خود بردار
که باعث برکت میشود ودر حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی ع
نظر کردند بسفره که در آن حلقها از برنج بود فرمود که این حلقها را بکنید
وحلقهای آهن بگذارید تا جانوران داخل سفره نشوند ودر حدیث دیگر

منقولست

منقولست که حضرت صادق ع از بعضی از اصحاب خود پرسیدند که بزیارت
قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه میروید گفت بلی فرمود که سفره با خود میبرید
گفت بلی فرمود که اگر بزیارت قبر پدران یا مادران خود بروید چنین نخواهید کرد
گفت پس چه چیز بخوریم فرمود که نان با شیر یا ماست ودر حدیث دیگر فرمود که
شنیده ام که جمعی هستند که چون بزیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام میروند
با خود سفرها برمیدارند که در میان آن بزغاله بریان وحلوات اگر بزیارت
قبر دوستان خود بروند چنین نمیکنند واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله
منقولست که بهترین خرج کردنها نزد خدا میانه روی است وخدا اسراف را
دشمن میدارد مگر در راه حج یا عمره ودر حدیث حسن منقولست که
صفوان از حضرت صادق ع پرسید که من اهل خود را با خود بحج میبرم
خرجی خود را در کمر خود میبندم حضرت فرمود که بلی پدرم میگفت که
از قوت مسافر آنست که نفقه خود را حفظ کند ودر حدیث دیگر منقولست
که دیگری بآنحضرت عرض کرد که درهمی که در آنها صورت نقش کرده اند
با خود دارم وآنها را در همیان میکنم وبر کمر می بندم در حالت احرام
فرمود که باکی نیست خرجی تست و اعتماد تو بعد از خدا بر آنست **فصل
ششم** در رفیق با خود بردن در سفر و آداب معاشرت با ایشان در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است که کسی تنها بسفر رود ملعونست ودر حدیث
معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله بحضرت امیر المؤمنین ع

وصیت فرمود که یا علی هرکه تنها بسفر برود که شیطان با یک کس است
و از دو تا دورتر است یا علی شخصی که تنها بسفر برود دلکراه است و دو کس که
بیرون روند دلکراهند و سه کس همسازانند و در روایت دیگر منقولست که
شخصی بخدمت حضرت صادق ع آمد حضرت پرسیدند که در راه کی مصاحب
تو بود گفت تنها بودم فرمود که اگر من پیشتر ترا میدیدم ترا نیکو تادیب میکردم
که چگونه باید بسفر رفت پس فرمود که یک کس شیطانست و دو تا دو شیطانند
و سه نفر مصاحبانند و چهار نفر رفیقانند و بسند معتبر از حضرت
موسی بن جعفر صلوات الله علیه منقولست که هرکه تنها بسفر رود بگوید
ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم آنس وحشتی و اعنی
علی وحدتی و أدّ غیبتی و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که اول رفیق بهم رسان پس بسفر برو و فرمود که دو کس
باهم رفیق نمیشوند مگر آنکه محبوب ترین ایشان نزد خدا و آنکه ثوابش بیشتر
آنست که مدارا با رفیقش بیشتر میکند و در حدیث دیگر فرمود که بهترین
رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفرند و هیچ گروهی زیاده از هفت کس
نمیشوند مگر آنکه صداهای ایشان بسیار میباشد پس از این احادیث
معلوم شد که اقل رفیقان سه اند و اکثر ایشان هفت و آنکه
زیاده از هفت خوب نیست در رفیقان که هم توشه و هم سفره اند و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سنتست که رفیقان هم توشه

اول خرجهای خود را بدهند و بعد از آن بیکدیگر بگذارند که این بیشتر
باعث خوشنودی خاطر و نیکی اخلاق ایشان میشود و از حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مصاحبت مکن در سفر با کسی که
فضیلت ترا بر خود نداند آنقدر که تو از فضیلت او بر خود میدانی
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و رفاقت مکن
با کسی که تو باو زینت یابی و مصاحبت مکن با کسی که او بتو زینت یابد
یعنی کسب علم و کمالات از او و توانگری نمود و در حدیث دیگر از شهاب منقولست
که گفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که شما میدانید حال
و توانگری مرا و احسانی که با برادران خود میکنم پس با جماعتی از ایشان
رفیق میشوم در راه مکه و بر ایشان توسعه میکنم و بسیار خرج میکنم
فرمود که ای شهاب اینچنین مکن اگر تو دست بخرج کردن بگشایی و ایشان
هم بگشایند بایشان ضرر میرسد و پریشان میشوند و اگر تو بکنی و ایشان
نکنند باعث مذلت ایشانست پس رفاقت با جماعتی بکن که مثل تو باشند
در توانگری و توانایی و در روایت دیگر منقولست که اگر مصاحبت کنی با
مثل و مانند خود مصاحبت و رفاقت بکن و با کسی رفیق شو که خرج ترا
کشد که این موجب خواری مؤمنست و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که حق مسافر بر رفیقان آنست که چون بیمار شود سه روز
برای او توقف کنند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت امام محمد باقر

پرسیدند که جماعتی با یکدیگر رفیق میشوند و در میان ایشان مالدار
و پریشان هست آیا مالدار آن خرج آنها را میتواند کشید فرمود که اگر
آنها بطیب خاطر راضی باشند باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که
از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی رفیق میشود با جماعتی مالدار
و او از آنها مالش کمتر است و آنها خرج خود را بیرون می آورند و او
مثل آنها خرج نمیتواند کردن فرمود که من دوست نمیدارم که خود را
ذلیل کند با کسی رفیق شود که مثل او باشد و در احادیث معتبره منقولست
که از ما نیست کسی که با مصاحبانش نیکو مصاحبت نکند و با رفیقانش
نیکو رفاقت نکند و با کسی که نمک خورد حق نمک را رعایت نکند

فصل هفتم

در بیان سایر آداب سفر در حدیث معتبر منقولست از حضرت امام جعفر
صادق ع که حضرت لقمان پسر خود را نصیحت فرمود که چون سفر کنی با
گروهی مشورت با ایشان بکن بسیار در کارهای خود و کارهای ایشان
و بر روی ایشان تبسم بسیار بکن و در توشه خود صاحب کرم باش
در میان ایشان و چون ترا بضیافت بطلبند قبول کن و اگر از تو
مدد طلبند یاری ایشان بکن و بچیز بر ایشان غلبه کن بسیاری
خاموشی و بسیاری نماز و سخاوت و جوانمردی در هرچه با خود داری
از چهارپا و مال و توشه و اگر گواهی از تو طلبند یا بر امر حقی خواهند
ترا گواه کنند بکن و چون با تو مشورت کنند تا توانی سعی کن که رای نیکو

برای ایشان اختیار کنی و زود عزم مکن و رای خود را با ایشان مگو
تا تأمل کنی و فکر کنی و جواب ایشان مگو در مشورت ایشان تا آنکه در آن
فکر برخیزی و بنشینی و بخوابی و چیزی بخوری و نماز کنی و در اثنای
این احوال فکر خود و حکمت خود را در مشورت ایشان بکار فرمایی زیرا
که هر که خیرخواهی خود را برای کسی که با او مشورت کند خالص نگرداند
حق تعالی رای و عقل او را از او سلب میکند و امانت را از او برمیدارد
و هرگاه بینی که رفیقان تو پیاده میروند با ایشان پیاده برو و هرگاه بینی که
کاری میکنند با ایشان بکن و اگر تصدق کنند یا قرضی دهند تو نیز
با ایشان بده و بشنو سخن کسی را اگر از تو بزرگتر باشد و هرگاه رفیقان
کاری بتو فرمایند یا چیزی از تو سؤال کنند بگو بلی و نه مگو که نه گفتن
علامت عجز و موجب ملامتست و چون راه را گم کنید و حیران بمانید
فرود آیید و اگر در راه مقصود شک کنید و بایستید و با یکدیگر مشورت
کنید و مصلحت ببینید و اگر یک کس را ببینید خبر راه را از او مپرسید
و مصلحت او مبینید که یک شخص در بیابان اینکس را بشک می اندازد
که شاید جاسوس دزدان باشد یا شیطانی باشد که خواهد شما را
حیران کند و از دو شخص نیز حذر کنید مگر آنکه چیزی چند از علامات
و قرینها ببینید که من نبینم زیرا که عاقل بدیده خود که نظر میکند بسوی
چیزی بحق است از آن میشناسد و حاضر چیزی چند می بیند

که غایب نمی‌بینند ای فرزند چون وقت نماز در آید از برای امری از اینجا
بیندازی نماز را بجا آور و راحت بیاب که نماز قرضی است هر چند
بیشتر ادا کنی سبکبارتر می‌شوی و نماز را با جماعت بکن هر چند بر سر نیزه
باشی و بر روی چهارپا خواب مکن که زود باعث زخم پشت آن می‌شود
و این از کردار دانایان نیست مگر آنکه در میان کجاوه باشی که ممکنست که
بجا آری برای سستی مفاصل و چون نزدیک شوی بمنزل از چهارپای خود
فرود آی که آن چهارپا یاور تست و ابتدا کن بعلف دادن آن پیش از آنکه
خود چیزی بخوری و چون خواهید که فرود آیید بهترین اختیار کنید از
بقعهای زمین مکانی را که خوش رنگ‌تر و خاکش نرم‌تر و پر گیاه‌تر باشد
و چون فرود آیی پیش از آنکه بنشینی دو رکعت نماز بکن که هر بقعه از
زمین را اهلی چند از ملائکه هست و اگر توانی مخور هیچ طعامی را
مگر آنکه قدری از آن تصدق کنی و بر تو باد بخواندن قرآن مادام
که سوار باشی و بر تو باد به تنزیه و یاد خدا کردن تا مشغول کاری باشی
و بر تو باد بدعا کردن در وقتی که تنها و بیکار باشی و زنهار که در اول شب
راه مرو بلکه در اول شب فرود آی و در آخر شب راه رو و زنهار که
در راه رفتن صدا بلند مکن و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که مروت و مردی در حضر خواندن قرآنست و همنشینی
با علما کردن و تفکر در فقه و علوم کردن و محافظت بر نمازها

جماعت کردن

جماعت کردن و اما مروت سفر پس توشه خود را صرف کردن
و مخالفت با رفیقان نکردن و خدا را در هر بلندی و پستی و فرود آمدن
و ایستادن و نشستن یاد کردنست و در روایت دیگر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که مروت سفر توشه بسیار برداشتن و پاکیزه
گردانیدن توشه است و عطا کردن آن بجمعی که رفیق تواند و آنکه بعد از
مفارقت از رفیقان رازهای ایشان را که بر آن مطلع شده بپوشانی
و مزاح و خوش طبعی بسیار بکنی در چیزی که خدا را بخشم نیاورد و در حدیث
دیگر فرموده که از مروت نیست که نقل کند آدمی چیزی چند را که در سفر
دیده است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که توشه راه او
حدی خواندنست و خواندن شعری چند که در آن حرام و باطل نباشد
و از حضرت صادق ع منقولست که چون با جماعتی رفیق شوی مگو اغنیا
فرود آیید یا اینجا فرود میایید که در میان ایشان کسی هست که این کار را
بکند اگر تو با ایشان بگذاری و در احادیث معتبره از حضرت رسول
منقولست که هر که اعانت کند مؤمن مسافری را حق تعالی از و هفتاد و
سه شدت از شدتهای بسیار را بردارد و او را امان دهد از غم و اندوه
و هفتاد غم و شدت در آخرت از او بردارد در وقتی که از شدت هول
قیامت نفسهای مردم گرفته باشد **فصل هشتم** در آداب رفتن
و فرود آمدن در احادیث معتبره از حضرت رسول منقولست که
چون از پیاده رفتن مانده شوید استعانت جوئید به تند رفتن که مانده‌گی

بطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که کمر را محکم بربندید و بر روی
شکم بربندید تا آنکه پیاده رفتن بر شما آسان شود و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که در طرف بامداد و پیشین راه روید
و در روایات معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
بر شما باد براه رفتن در شب که زمین در شب پیچیده میشود و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که زمین در آخر شب پیچیده میشود و فرمود
که چون حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه سفر میکردند در آخر
شب حرکت میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
چون در شب فرود آیید بر سر راه فرود میایید و در شکم رودخانها
فرود میایید که محل درندگان و مارانست و در حدیث معتبر از حضرت
صادق ع منقولست که در میان رودخانه فرود میایید که مبادا سیلابی
بیاید و شما را ضرر برساند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که حق تعالی مدارا کردن را دوست میدارد و یاری
میکند بر آن پس چون بر حیوانات لاغر باشید در منزلها فرود آیید
پس اگر زمین خشک باشد تند بروید و اگر پر گیاه باشد منزل بمنزل
فرود آیید و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که اگر در زمین خشک
بی گیاه سفر کنید تند بروید و اگر در زمین پر آب و علف بروید تانی
و مدارا بروید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون
راه غلط کنید بجانب راست میل کنید و از حضرت امیرالمؤمنین

منقولست

منقولست که هر که در سفر راه گم کند فریاد کند که یا صالح اغثنی
[illegible] که از برادران مؤمن شما از جنیان شخصی هست که صالح نام
دارد و از برای خدا در شهرها سیر میکند و چون صدای شما را میشنود
جواب میگوید و راهنمایی میکند و در حدیث معتبر از حضرت امام
محمد باقر ع منقولست که چون راه را گم کنی فریاد کن که یا صالح یا صالح
یا صالح ارشدونا الی الطریق یرحمکم الله راوی حدیث گفت که
ما در سفر راه گم کردیم شخصی را گفتیم که از ما دور شد و فریاد کرد بآن
نحو که مذکور شد پس برگشت و گفت که صدای آهسته شنیدم که گفت
راه از جانب دست راستست اندک مسافتی که رفتیم راه را یافتیم و از عمر بن
یزید که از ثقات اصحاب ائمه است روایت کرده اند که گفت ما در یکی از
سفرهای مکه معظمه راه را گم کردیم پس سه روز ماندیم راه را طلبیدیم نیافتیم
پس چون روز سیم شد آبی که برداشته بودیم آخر شد پس جامهای احرام را
پوشیدیم بعنوان کفن و حنوط کردیم در آن حال شخصی از رفیقان ما
برخاست و فریاد کرد یا صالح یا ابا الحسن پس کسی از دور جواب گفت
پرسیدیم که کیستی خدا ترا رحم کند گفت من از آن گروهم از جن که
بحضرت رسول صلی الله علیه و آله ایمان آورده اند و کسی بغیر از من از آنها
نمانده است و کار من اینست که گم شده را براه میرسانم ما هم جا از پی صدای او
رفتیم تا براه رسیدیم **فصل نهم** در بیان دعاها که در راه و در سفر

باید خواند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله در سفرها سراشیب میرفتند سبحان الله
میگفتند و چون سربالا میرفتند الله اکبر میگفتند و در حدیث صحیح دیگر
فرمود که چون در سفری باشی بگو اللّٰهمّ اجعل مسیری عبراً و صمتی تفکراً
و کلامی ذکراً و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر که بر رودخانه یا این رود پس بگوید لا اله الا الله و الله
اکبر حق تعالی پر کند آن رودخانه را از برای او از حسنات و در حدیث
دیگر فرمود که هر که لا اله الا الله و الله اکبر بگوید در بلندی از بلندیها
آنچه در پیش روی اوست تا منتهای زمین همه لا اله الا الله و الله اکبر
بگویند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که دو کس آمدند بخدمت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفتند ما میخواهیم برای تجارت بشام
برویم حرزی تعلیم ما فرما که در راه بخوانیم فرمود که چون در منزلی فرود
آیید و نماز خفتن بکنید بعد از نماز پهلو را بر رخت خواب بگذارید
و تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخوانید پس آیة الکرسی بخوانید
چون چنین کنید تا صبح محفوظ میمانید چون ایشان روانه شدند
جمعی از دزدان از عقب ایشان رفتند چون فرود آمدند و نماز خفتن
کردند خوابیدند و تسبیح حضرت فاطمه و آیة الکرسی را خواندند پس
دزدان غلام خود را فرستادند که از ایشان خبر بگیرد چون بنزد ایشان

آمد

آمد دیواری دید و از ایشان اثری نیافت چون بدزدان خبر داد ایشان
نیز آمدند و پرسیدند که شما دیشب کجا بودید گفتند در همین
موضع گفتند ما آمدیم بتفحص شما و بغیر از دو دیوار چیزی ندیدیم شما
قصه خود را بما نقل کنید ایشان گفتند که ما در وقت خوابیدن
بتعلیم حضرت رسول صلی الله علیه و آله تسبیح حضرت فاطمه و آیة الکرسی
خوانده‌ایم دزدان گفتند بروید که دزدی بر شما دست نخواهد یافت
و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که هر که در منزلی فرود آید
که از درندگان ترسد این دعا بخواند اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک و له الحمد بیده الخیر و هو علی
کل شیء قدیر اللّٰهمّ انی اعوذ بک من شر کل سبع چون این
دعا را بخواند ایمن گردد از شر درندگان تا از آن منزل بار کند
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که خواهد
که داخل شود بموضعی که خوفی داشته باشد این آیه را بخواند ربّ
ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی
من لدنک سلطاناً نصیراً پس ببیند آن شخص یا آن چیز را که از او ترس دارد
آیة الکرسی بخواند و در حدیث دیگر فرمود که هر گاه در سفری یا بیابانی
باشی و از جنیان یا غیر ایشان ترسی دست راست را بر سر خود بگذار
و بآواز بلند بگو افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السموات

وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ و در روایت دیگر منقول
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه فرمود که یا علی چون در منزلی فرود آیی بگو اللّهمّ انزِلنی منزلاً
مبارکاً وانت خیر المنزلین تا آنکه نیکی آن منزل ترا روزی شود و شر
آن از تو دفع شود و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلعم
بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که چون اراده داخل
شدن شهری یا دهی داشته باشی چون نظرت بران افتد بگو اللّهمّ
انّی اسئلک خیرها واعوذ بک من شرّها اللّهمّ اطعِمنا من جناها
واعِذنا من وباها وحبّبنا الی اهلها وحبّب صالحی اهلها الینا
و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون بر شهر
مشرف شوی و نظرت بران بیفتد بگو اللّهمّ ربّ السّموات السّبع وما
اظللن وربّ الارضین السّبع وما اقللن وربّ الرّیاح وما ذرین
وربّ الشّیاطین وما اضللن اسئلک ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد
واسئلک من خیر هذه القریة وما فیها واعوذ بک من شرّها وشرّ ما
فیها و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که شیاطین
در محلها و مکانها بدر می آیند و شتران را رم میدهند پس از برای دفع
ایشان آیة الکرسی بخوانید و از حضرت امام موسی ع منقولست که هر که
در سفری باشد و از دزدان یا درندگان ترسد بر یال اسبش بنویسد

لَا تَخَافُ دَرَكاً وَلَا تَخْشَى تا ضرر آنها باذن الهی از او بر طرف شود راوی
گفت که من بسفر حج رفتم در میان بیابان جمعی از عربان آمدند و قافلها
زدند و من در میان ایشان بودم این آیه را بر یال اسب نوشتم بیمن
آنخداوندی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برسالت فرستاده و حضرت
امیر المؤمنین را بامامت مشرف کردانیده است که حق تعالی ایشان
را از من کور کردانید و ضرری از ایشان بمن نرسید و در روایت دیگر منقولست
که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسفری میرفتند و شب میشد این
دعا میخواندند یا ارضُ ربّی وربّکِ الله واعوذ بالله من شرّکِ ومن
شرّ ما فیکِ وسوءِ ما خلق فیکِ وسوءِ ما دبّ علیکِ واعوذ
بالله من اسدٍ واسودٍ ومن شرّ الحیّة والعقرب ومن شرّ ساکن البلد
ومن والدٍ وما ولد اللّهمّ ربّ السّموات السّبع وما اظللن وربّ الارضین
السّبع وما اقللن وربّ الرّیاح وما ذرین وربّ الشّیاطین وما
اضللن اسئلک ان تصلّی علی محمّدٍ وآل محمّدٍ واسئلک خیر هذه
اللّیلة وخیر هذا الیوم وخیر هذا الشّهر وخیر هذه السّنة وخیر
هذا البلد واهله وخیر هذه القریة واهلها وخیر ما فیها واعوذ
بالله من شرّها وشرّ ما فیها ومن شرّ کلّ دابّةٍ ربّی آخذٌ بناصیتها
انّ ربّی علی صراطٍ مستقیمٍ و سید بن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است
که هرگاه کسی بر تلی یا بلندی یا پلی بالا رود بگوید الله اکبر الله اکبر الله

لا اله الا الله والله اکبر والحمد لله رب العالمین لک الشرف علی
کل شرف ودر ادعیه سر منقولست که هرکه در راه از دشمنان و دزدان
ترسد این دعا بخواند یا اخذا بنواصی خلقه والسافع بها الی قدرته
والمنفذ فیها حکمه وخالقها وجاعل قضائه لها غالبا انی مکید و
لقوتک علی من کادنی تعرضت فان حلت بینی وبینهم فذلک ما
ارجو وان اسلمتنی الیهم غیروا ما بی من نعمتک یا خیر المنعمین
لا تجعل احدا مغیرا نعمک التی انعمت بها علی سواک ولا
تغیرها انت ربی وقد تری الذی نزل بی فحل بینی وبین شرهم
بحق ما به تستجیب الدعاء یا الله رب العالمین واز برای دفع دشمنان
از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که این دعا بخواند اللهم
انی اعوذ بک ان اضام فی سلطانک اللهم انی اعوذ بک ان
اضل فی هداک اللهم انی اعوذ بک ان افتقر فی غناک اللهم
انی اعوذ بک ان اضیع فی سلامتک اللهم انی اعوذ بک
ان اغلب والامر لک واز حضرت صادق ع منقولست که چون
عزلا و تنها بر خورید در راه اذان نماز بگوئید و سید بن طاوس
علیه الرحمه روایت کرده است که چون در منزل فرود آئید بگوئید اللهم
انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین پس دو رکعت نماز بگذارد
بسوره حمد و هر سوره که خواهد از سورههای کوچک پس بگوید اللهم

نعمتک ظ

ارزقنا خیر هذه البقعة واعذنا من شرها اللهم اطعمنا من
جناها واعذنا من وباها وحببنا الی اهلها وحبب صالحی اهلها
الینا پس بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان
محمدا عبده ورسوله وان علیا امیر المومنین والائمة اتولاهم
وابر من اعدائهم اللهم انی اسئلک خیر هذه البقعة واعوذ
بک من شرها اللهم اجعل اول دخولنا هذا صلاحا واوسطه
فلاحا واخره نجاحا وگفته اند که هرگاه در منزلی در انجا بودن زمین
ترسی این دعا بخوان که از جمله دعاهای ترا است یا ذارئ من فی
الارض کلها لعلمک بما یکون مما ذرأت لک السلطان علی کل من
دونک انی اعوذ بقدرتک علی کل شیء من الضر فی بدنی من سبع
او هامة او عارض من سائر الدواب یا خالقها بفطرته ادرأها
عنی واحجزها ولا تسلطها علی وعافنی من شرها وباسها یا الله العلی
العظیم احفظنی بحفظک واجرنی من ترک الوافی فی مخاوفی یا
رحیم و شیخ طبرسی رحمه الله ذکر کرده است که چون خواهی بار کنی دو رکعت
نماز بگذار واز خدا بطلب حفظ وحمایت الهی را وآن موضع و اهل
آن موضع را وداع کن که هر موضع را اهلی از ملایکه هست پس بگو
السلام علی ملائکة الله الحافظین السلام علینا وعلی عباد الله
الصالحین ورحمة الله وبرکاته **فصل دهم** در آداب سفر

وابرأ ظ

دریا وکذشتن از پلها وجسرها در حدیث صحیح از حضرت امام
محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقولست که
مکروهست بدریا سوار شدن برای تجارت واز حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که نیکو طلب روزی نکرده است
کسی که بدریا سوار شود از برای تجارت ودر حدیث صحیح از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که کسی که بکشتی سوار میشود برای تجارت
دین خود را در معرض تلف درآورده است ودر احادیث معتبره
وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله نهی فرمود از سوار
شدن در دریا در وقت تلاطم وهیجان آن ودر حدیث حسن
از حضرت امام رضا ع منقولست که چون بکشتی سوار شوی بکو بسم الله
مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم وچون دریا بموج آید
بر جانب چپ تکیه کن وبدست راست بسوی موج اشاره کن وبکو
قری بقرار الله واسکنی بسکینة الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم ودر بعضی از روایات وارد شده است که در وقت اضطراب
وتلاطم دریا بکو بسم الله اسکن بسکینة الله وقر بوقار الله واهدا وقرء ل
باذن الله ولا حول ولا قوة الا بالله راوی کفت که مکرر بکشتی
سوار شدم ودر وقت تلاطم امواج دریا آنچه حضرت فرموده بودند
خواندم بدر ساعت ساکن شد چنانچه کویا هرکز نبوده است واز حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر که از غرق شدن ترسد
بکوید بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم بسم الله
الملک الحق وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته
یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما
یشرکون ودر حدیث دیکر از آنحضرت منقولست که چون از غرق شدن
ترسد بکوید الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین
وما قدروا الله تا آخر آیه ودر روایت دیکر منقولست که چون خواهد
بکشتی سوار شود صد مرتبه الله اکبر بکوید وصد مرتبه صلوات
بر محمد وآل محمد فرستد وصد مرتبه بر ظالمان آل محمد لعنت کند
باین نحو که اللهم العن من ظلم آل محمد پس بکوید بسم الله وبالله
والصلوة علی محمد رسول الله وعلی الصادقین من آله اللهم
احسن مسیرنا وعظم اجورنا اللهم بک انتشرنا والیک توجهنا
وبک آمنا وبحبلک اعتصمنا وعلیک توکلنا اللهم انت ثقتنا
ورجاؤنا وناصرنا ولا تحل بنا ما لا نحب اللهم بک نحل وبک
نسیر اللهم خل سبیلنا واعظم عافیتنا انت الخلیفة فی الاهل
والمال وانت الحامل فی الماء وعلی الظهر وقال ارکبوا فیها
بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم وما قدروا الله
حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات

مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون اللهم انت
خیر من وفد الیه الرجال وشدت الیه الرحال فانت
سیدی اکرم مزور واکرم مقصود وقد جعلت لکل زائر کرامة
ولکل وافد تحفة فاسئلك ان تجعل تحفتك ایای فکاك
رقبتی من النار واشکر سعیی وارحم سیری من اهلی بغیر منی
علیك بل لك المنة علی اذ جعلت لی سبیلا الی زیارة ولیك
وعرفتنی فضله وحفظتنی فی لیلی ونهاری حتی بلغتنی هذا
المکان وقد رجوتك فلا تقطع رجائی وامّلتك فلا تخیب
املی واجعل مسیری هذا کفارة لذنوبی یا ارحم الراحمین
وسید ابن طاوس گفته است که اگر مطلبش از گشتن غیر زیارت
باشد عبارات را تغییر دهد بنحوی که مناسب مقصود او باشد و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بر بلندی هر جسری ویلی
شیطانی هست چون بآنجا برسید بسم الله بگوئید تا از شما دور شود
و در حدیث دیگر منقولست که چون قدم خود را بر جسر یا پل گذاری بگو
بسم الله اللهم ادحر عنی الشیطان الرجیم **فصل یازدهم** در آداب
مشایعت واستقبال مسافر وآداب برگشتن او و در حدیث صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله مؤمنی را
وداع میکردند میفرمودند رحمکم الله وزودکم التقوی ووجهکم

الی کل

الی کل خیر وقضی لکم کل حاجة وسلم لکم دینکم ودنیاکم
وردکم سالمین الی سالمین یعنی خدا رحمت کند شما را و پرهیزکاری را توشه
شما گرداند و شما را بسوی هر چیزی متوجه گرداند و جمیع حاجات
شما را بر آورد و دین و دنیای شما را سالم دارد و شما را بسلامت برگرداند
بسوی جمعی که ایشان بسلامت باشند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت
امام محمد باقر منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله مسافرا
وداع میکردند دستش را میگرفتند و میگفتند احسن الله لك
الصحابة واکمل لك المعونة وسهل لك الحزونة وقرب لك
البعید وکفاك المهم وحفظ لك دینك وامانتك وخواتیم
عملك لکل خیر علیك بتقوی الله استودعك الله سر علی برکة الله
و در روایت دیگر منقولست که در این وقت میفرمودند که استودع الله
دینك وامانتك وخواتیم عملك ووجهك للخیر حیث ما
توجهت وزودك التقوی وغفر لك الذنوب و در روایت
دیگر منقولست که جمعی از اصحاب بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمدند
که آنحضرت را وداع کنند فرمود که اللهم اغفر لنا ما اذنبنا وها
نحن مذنبون وثبتنا وایاهم بالقول الثابت فی الآخرة والدنیا
وعافنا وایاهم من شر ما قضیت فی عبادك وبلادك فی
سنتنا هذه المستقبلة وعجل نصر المحمدیة وولیهم واخز

عَدُوَّهُمْ عَاجِلاً و در حدیث معتبر منقولست که مسافر را سنّت است
که چون از سفر برگردد برادران مؤمن خود را بضیافت بطلبد و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون کسی از سفر آید برای
اهل خود تحفه بیاورد اگرچه سنگی باشد و از حضرت صادق ع
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بمسافر بود یا کسی که از مکه می آمد
قَبِلَ اللهُ مِنْكَ وَأَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ وَغَفَرَ ذَنْبَكَ و در
حدیث دیگر منقولست که هر که دست در گردن حاجی بکند در وقتی که
باگرد راه برسد چنانست که حجر الاسود را بوسیده است و در روایت
دیگر منقولست که چون کسی از سفر برگردد سزاوار آنست که مشغول کاری
نشود تا غسل کند و دو رکعت نماز بکند و بسجده رود و صد مرتبه
شکر الهی بگوید و چون جعفر طیار از حبشه آمد حضرت رسول ص
او را بسینه خود چسبانید و میان دو چشمش بوسید و اصحاب
حضرت رسول صلی الله علیه و آله یکدیگر میرسیدند مصافحه میکردند
و چون یکی از ایشان از سفر می آمد دیگران دست در گردن او میکردند
و در احادیث معتبره وارد شده است که مشایعت و استقبال مؤمنان
مستحبست و از برای مشایعت و استقبال مؤمنان نماز را قصر میتوان
کرد و روزه ماه رمضان را نمیتوان خورد

فصل دوازدهم در آداب اسب تاختن و تیر انداختن

در احادیث معتبره وارد شده است

که مسابقت

که مسابقت و گرو بندی جایز نیست مگر در اسب و استر و الاغ و شتر
و فیل و در تیراندازی و در احادیث معتبره وارد شده است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله اسب بگرو تاختند و گرو چند
اوقیه نقره بستند که هر اوقیه تخمیناً بیست و یک مثقال نقره باشد
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سواری بکنید و تیر
اندازی بکنید و تیراندازی کردن را دوست تر میدارم از سواری
کردن و فرمود که هر لهو و بازی که مؤمن کند باطل است مگر در سه چیز
در تأدیب و تعلیم اسب کردن و تیر انداختن و با زن خود بازی کردن
که اینها حق است و بدرستی که بیک تیر که در راه خدا بیندازند حق تعالی
سه کس را می آمرزد آنکسی که آن تیر را ساخته است و آنکسی که آن تیر را
بجهاد کننده بخشیده است و آنکسی که آن تیر را در جهاد انداخته است
و در حدیث معتبر منقولست که ملائکه میگریزند در هنگام گرو بندی
و لعنت میکنند کسی را که این کار میکند مگر در شتر و فیل دوانیدن یا اسب
و استر و الاغ دوانیدن یا تیراندازی یا شمشیر و نیزه بازی و بدانکه گرو در دوانیدن
در اسب و استر و الاغ و شتر و فیل جایز است و گرو بستن بر کبوتر پرانیدن
که کدام یک دورتر بروند یا بر کشتی راندن که دو کشتی را بر روی آب
بدوانند یا آنکه دو کس گرو ببندند که کدام یک پیشتر بروند یا در کشتی
گرفتن که کدام یک دیگری را بر زمین میزنند یا در برداشتن چیزهای

که آن جایز نیست اما بر آنکه کرو ببندند خلاف است و جایز بودن اینها قوی است
خصوصا در کشتی گرفتن که بعضی از احادیث دلالت بر جواز میکند چنانچه
در حدیث معتبر منقولست که شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله بخانه
حضرت فاطمه صلوات الله علیها آمدند و حضرت امام حسن و حضرت
امام حسین صلوات الله علیهما با آنحضرت بودند پس حضرت رسول
صلی الله علیه و آله بآن دو نور دیده خود فرمودند که برخیزید و کشتی بگیرید
پس ایشان مشغول کشتی گرفتن شدند و حضرت فاطمه بکاری بیرون
رفته چون برگشتند شنیدند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
میفرماید که ای حسن بگیر حسین را و بر زمین انداز حضرت فاطمه فرمود
که ای پدر چه عجب است که بزرگتر را ترغیب میفرمایی که کوچک را بر زمین
افکند حضرت فرمود که ای دختر اینک جبرئیل میگوید که ای حسین حسن را
بیفکن و من در برابر او چنین میگویم و در فقه الرضا علیه السلام منقولست
که نهی کرده که چوگان بازی مکن که در آن حال شیطان با تو میدواند و فرشتگان
از تو نفرت میکنند و اگر کسی در آن حال چهارپایش بر رود و آید و اگر بمیرد بجهنم
میرود و باید که در کرو بستن مطلقا شرطست که آن مالی که قرار میکنند
برای کسی قرار کنند که پیشی گیرد پس اگر از برای آنکسی قرار کنند که پس مانده است
جایز نیست و همچنین اگر از برای کسی قرار کنند که با ایشان در عمل شریک
نباشد جایز نیست چنانچه متعارف که دو کس با یکدیگر کرو می بندند و دو کس

تیر می اندازند یا اسب میتازند و اگر امام از بیت المال مسلمانان قرار
کند که هر که پیشتر میرود یا بیشتر میزند اینقدر میدهم جایز است
و همچنین اگر کسی مالی بمیان آورد و بگوید که این مال از کسی است که پیشتر
برود از این دو کس که میتازند جایز است و همچنین جایز است که آن دو کس که
میتازند هر یک مالی بمیان آورند و بگویند که این هر دو مال از آنکس است که پیشتر برود
و شرطست در کرو دوانیدن موافق مشهور میان علما چند شرط اول
تعیین کنند ابتدا و انتهای مسافتی را که در آن میتازند که اسب هر یک
که در این مسافت پیشی گیرد او برده است دویم آنکه مالی را که کرو بر آن مال
می بندند مقدار و جنس آن معلوم باشد که چند است و از چه جنس است
نقره است یا طلاست یا غیر آن سیم آنکه حیوانی که بر آن هر یک سوار
میشوند معین کنند بدیدن و بعضی را اعتقاد آنست که اگر تعیین آن
باوصاف بکنند جایز است چهارم آنکه هر یک از آنها محتمل باشد بسبب
عادت که بر دیگری پیشی گیرد پس اگر حیوانی باشد که بسیار لاغر باشد و تاز
با حیوان بیادشده و فربهی که معلوم باشد عادت که بر این پیشی
نمیتواند گرفت جایز نیست پنجم آنکه آن دو حیوان که میتازند از یک
جنس باشند که هر دو اسب باشند یا هر دو استر شاید پس اگر اسب را با
استر یا الاغ یا شتر یا فیل بتازند جایز نیست و در این شرط خلاف است
و نزد فقیر ثابت نیست ششم آنکه هر دو را یکمرتبه بتازند پس اگر شرط کنند

کی یکی زود تر از دیگری بتازد جایز نیست موافق مشهور میان علما هفتم
انکه سوار شوند و بدوانند اگر ایشان بی انکه سوار شوند بدوانند جایز نیست
برین گرو بستن هشتم انکه مسافتی تعیین کنند که چون برسیدن بمنتهای
آن مسافت چهارپایان مانده نشوند نهم انکه آنها که با هم میتازند مردان
باشند نه زنان دهم انکه هر دو در وقت تاختن برابر یکدیگر ایستاده باشند
و درین شرط خلافست و اظهر آنست که اگر یکی پیشتر از دیگری ایستاده باشد
جایز است و ده اسب که با یکدیگر بتازند در میان عرب هر یک نامی دارد انکه
از همه پیشتر رود آنرا مجلی گویند و انکه از ان پس مانده است و بر دیگران
پیشی گرفته است آنرا مصلی گویند و بعد از آن آنرا تالی میگویند و بعد از
آن آنرا بارع میگویند و بعد از آن آنرا مرتاح میگویند و بعد از آن آنرا حظی
میگویند و بعد از آن آنرا عاطف میگویند و بعد از آن آنرا مؤمل میگویند
و بعد از آن آنرا لطیم میگویند و دهم را فسکل میگویند که از همه پس
مانده است و از برای همه جایز است چیزی قرار دهند بغیر از آخر
پس اگر این ده اسب همه یکبار باخر میدان برسند از برای هیچ یک
چیزی نخواهد بود فصل بدانکه گرو بر شمشیر و نیزه و تیر جایز است
و در تیر انداختن چند چیز شرط است بحسب مشهور میان علما
اول انکه تعیین کنند که چند تیر که بزند برده است دویم انکه تعیین کنند
که این چند تیر را در میان چند تیر بزنند سیم انکه تعیین کنند که بچه نحو

بخورد

بخورد بنشانه یکی از آنها که بعد ازین بیان خواهیم کرد چهارم انکه
تعیین کنند که از نشانه چه مقدار دور باشند پنجم انکه تعیین کنند
بزرگی نشانه را و موضع آنرا از آماج خانه ششم انکه کمان هر دو تیرانداز
یک جنس باشد و درین شرط خلاف کرده اند و اقوی آنست که شرط نیست
اما نفاقیست که در کار نیست که کمان و تیر معینی را شرط کنند بلکه
بعضی گفته اند که اگر شرط تعیین نکنند باطلست هفتم انکه یا مبادره باشد
یا محاطه و مبادره آنست که شرط کنند که هر که در عوض بیست تیر پنج
تیر را مثلا پیشتر بنشانه برده است پس اگر هر یک ده تیر انداختند و یکی
از ده تا پنج تا را زد بنشانه و دیگری چهار تا را زد انکه پنج زده است
برده است و اگر هر یک پنج تیر زدند هیچ یک از دیگری نبرده اند و محاطه
که شرط کنند که در عوض بیست تیر مثلا پنج زده اند از کم هم بدر روند اگر
یکی پنج تیر مثلا پیشتر از دیگری زده باشد او برده است پس اگر هر یک بیست تیر
بیندازند و یکی پانزده تیر را بنشانه زده باشد و یکی ده تیر را زده باشد
انکه پانزده زده است برده است و اگر یکی چهارده تیر را زند و دیگری
ده تیر هیچ یک نبرده اند و احوط آنست که در اول یکی ازین دو صورت را
تعیین کنند تا بخلاف صحیح باشد و باید دانست که زدن نشانه بچند
قسم میباشد اول خاسق یعنی اول بر زمین خورد و از زمین بجهد و بر نشانه
خورد دویم خاصر یعنی هر یکی از دو جانب نشانه متصل شود سیم خارق

که نشانه را زخم کند و در آن فرو رود و چهارم خاسق که نشانه را سوراخ
کند و بند شود و پنجم صادق که به نشانه بخورد و از طرفی دیگر بدر رود
ششم حادم که پهلوهای نشانه را بدرد و در میان نشانه فرو رود
پس باید که در اول شرط کنند که بکدام نحو که بزند برده است و اگر شرط کنند
که اگر به پهلوی نشانه بزند برده است و اگر به میان نشانه بزند باز برده است
و اگر شرط کنند که به نشانه فرو رود و چنان بزند که از جانب دیگر
بیرون رود برده است و همچنین هر که بدتر شرط کند و نیکوتر بزند برده است
و اگر نیکوتر شرط کند و بدتر بزند نبرده است و باید دانست که در
تیراندازی و گرو دوانی محلل میباشد یعنی کسی که با ایشان شریک
میشود که اگر ببرد حصه ببرد و اگر ببازد چیزی ندهد و بهتر آنست
که اگر هر دو مال بیرون آورند برای گروبندی چنین کسی را با خود شریک
کنند و احوط آنست که در اول صیغه بگویند که یکی از آنها این عقد را
یا این شرطها که مذکور شد بلفظ در آورد و دیگری قبول کند و سنت است
که در هنگام تیرانداختن و اسب تاختن غرض ایشان محض لهو نباشد
بلکه مطلب ایشان ورزش جهاد در راه خدا باشد و تقویت دین ایمان
و جماعت شیعیان از شر مخالفان بوده باشد تا ثواب عظیم بیابند
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
اصحاب خود را فرموده که اسب تاختند و ابجر ان گرو بسته میشد

از مال خود میدادند و در روایت دیگر منقولست که به صد و پنجاه
چهار مثقال نقره گرو بستند و چون از جنگ تبوک برمیگشتند با
اسامه بن زید شتر بگرو دوانیدند و جناب مقدس نبوی صلی الله
علیه و آله از لعب و بازی منزه و مبرا بودند بلکه از برای تقویت دین اسلام
و تحریص مردم بر جهاد فی سبیل الله بود تا کافران بر مسلمانان
و مخالفان بر شیعیان مستولی نشوند و جان و مال و عرض
مردم از شر اشرار محفوظ باشد و جهادی که در زمان غیبت
امام ع میباشد آنست که دفع ضرر کافران و مخالفان از شیعیان
بکنند و اگر جمعی از مخالفان یا کافران بر سر گروهی از شیعیان
بیایند بر آن جماعت واجبست که جهاد کنند در دفع آنها و اگر
کشته شوند شهیدند و اگر آنها عاجز باشند بر جمیع مؤمنان
واجبست که مدد ایشان بکنند و در دفع آن کافران بکوشند
و در احادیث معتبره وارد شده است که کسی که برای دفع از عرض خود
یا مال خود کشته میشود شهید است و در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که تمام خیرات در شمشیر و زیر سایه
شمشیر است و شمشیر اهل حق کلید بهشت است و شمشیر اهل باطل کلید
جهنم است و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که بهشت را
دری هست که آنرا درگاه جهادکنندگان میگویند آنها که در راه خدا

جهاد کرده اند بسوی آن در میروند و می بینند که برای ایشان گشوده اند
و ملائکه ایشان را مرحبا میگویند و فرمود که حق تعالی امت مرا عزیز کردانیده است
بسم اسبان ایشان و سنان و نیزهای ایشان و فرمود که جبرئیل مرا خبر داد
که هر که از امت تو در راه خدا جهاد کند و یک قطرهٔ بارانی یا دردی
باو برسد ثواب شهادت در نامهٔ عملش نوشته شود و در حدیث
معتبر منقول است که لشکر معاویه علیه اللعنة و العذاب الشدید در زمان
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بر انبار که محلیست در حوالی کوفه
غارت کردند آنحضرت خطبه خواندند که بعضی از فقرات آن خطبه
ترجمه میشود بدرستی که جهاد کردن برای خدا دریست از درهای بهشت
که حق تعالی برای مخصوصان دوستانش گشوده است و نعمتی است که
برای ایشان ذخیره کردانیده است و جهاد زره حفظ نمایندهٔ خدا
و سپر محکم الهیست پس هر که ترک کند جهاد را با قدرت بر آن حق تعالی بر او
جامهٔ مذلت و خواری بپوشاند و بلا او را فرو گیرد و خوشنودی از او
دوری کند در دیدها حقیر و بیمقدار شود و راه اندیشه بر دلش بسته
شود و مغلوب حق گردد و با او بانصاف و عدالت سلوک نکنند بدرستی که
من شما را مکرر خواندم بجهاد این گروه در شب و روز و آشکارا و پنهان
گفتم که با ایشان جهاد کنید پیش از آنکه ایشان بجنگ شما آیند قبول نکردید
و الله که هر گروهی که در میان دیار و مملکت ایشان با ایشان جنگ کنند

البته ایشان ذلیل و بیقدر میشوند در نظرها پس سستی ورزیدید
و بیکدیگر حواله کردید تا آنکه غارتها بر شما آوردند و وطنهای شما را مالک
شدند اینک مرد غامدی لشکرش بانبار آمده و حسان را کشته و سرحدهای
لشکری شما را گرفته و شنیده ام که شخصی از ایشان بخانهٔ زن مسلمانی
یا کافری که جزیه میدهد می آمده و دستبرنجن و خلخال و زینتهای او را
میکنده است و او چاره بغیر تضرع و عجز کردن و انا لله و انا الیه راجعون
نداشته است پس برگشته اند آن طاغیان با مال فراوان و هیچ یک
از ایشان جراحتی برنداشته و خونی از ایشان بر زمین نریخته است
پس اگر مرد مسلمان بعد از چنین مصیبتی بمیرد از حزن و تاسف
محل ملامت نخواهد بود بلکه نزد من سزاوار خواهد بود پس تعجب
دارم تعجبی که دل را میمیراند و غمها را جمع میکند از جمعیت آن جماعت
بر دین باطل خود و پراکندگی شما از دین حق خود پس بدا حال شما و اندوه
مهیا از برای شما که نشانهٔ تیر دشمنان گردیده اید بر شما غارت می آورند
و شما بر ایشان غارت نمیبرید و بجنگ شما می آیند و شما بجنگ ایشان
نمیروید و این قسم نافرمانی خدا میکنند و شما راضی میشوید اگر در
تابستان میگویم بجنگ بروید میگوید عین شدت گرما است ما را
مهلت ده تا گرما کم شود و اگر در زمستان میگویم که بروید میگویید
عین شدت سرما است ما را مهلت ده تا سرما برطرف شود هرگاه شما

ازکرو سرها میکرند پس از شمشیر بیشتر خواهید کرد یخت ای مردمانند
چند که مثل عقلهای طفلان و زنان دارید کاش هرگز شمارا ندیده
بودم و شمارا نمیشناختم دلم را پر از چرک و سینه ام را پر از خشم
کردید و بسکه نافرمانی کردید رای مرا ضایع کردید قریش میگویند
که پسر ابوطالب شجاعست اما علم جنگ را نمیداند که از من داناتر است
بجنگ و کی از من بیشتر جنگ کرده است هنوز بیست سال نداشتم
که شروع بجهاد کردم و اکنون از شصت سال گذشته ام اما کسی را که فرمان
نبرند چه رای بکار برد و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی جهاد را واجب
ساخته و عظیم شمرده و آنرا موجب نصرت و یاری گردانیده والله
که دین و دنیا باصلاح نمی آید مگر بجهاد و از آنحضرت رسول صلی الله
علیه وآله منقولست که هر که پیغام جهاد کشتن را باهلش برساند چنانست
که بنده آزاد کرده باشد و در ثواب جهاد او شریک باشد و در حدیث
دیگر فرمود که جهاد کنید که باعث عزت و بزرگواری فرزندان شما
میشود **خاتمه** در بیان بعضی از آداب متفرقه و فواید نافعه
از حضرت صادق ع منقولست که بسیار است که بعضی از شیعیان ما
در افتتاح بعضی از کارها فراموش میکنند گفتن بسم الله الرحمن
الرحیم را پس حق تعالی ایشانرا امتحان مینماید ببلائی تا متنبه شوند
و بیاد آورند شکر الهی را و ثنای بر او را و حق تعالی بسبب آن بلا محو مینماید

ازایشان منقصت آن تقصیر را که از ایشان صادر شده است پس باید که
آدمی در ابتدای هر کاری افتتاح نماید بگفتن بسم الله و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که چون حق تعالی حضرت آدم را نهی فرمود از
خوردن میوه آن درخت بهشت گفت بلی پروردگارا و نگفت ان شاء الله
پس از آن درخت خورد و از بهشت بیرون آمد پس حق تعالی فرمود
بپیغمبرش که وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ
يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ پس فرمود که یعنی مگو که هیچ چیز را
که این را میکنم فردا مگر آنکه مقید بمشیت الهی گردانی که بگویی مگر آنکه
خدا خواهد که بکنم و یاد کن پروردگار خود را هرگاه فراموش کنی او را
یعنی هرگاه که گفتن ان شاء الله را فراموش کنی در هر وقت که بخاطرت
بیاید بگو اگرچه بعد از یکسال باشد و در حدیث معتبر از حضرت
موسی بن جعفر صلوات الله علیهما منقولست که نه چیز است که کردن
آنها مورث غلبه فراموشیست خوردن سیب ترش و گشنیز و پنیر
و نیم خورده موش و بول کردن در آب ایستاده و خواندن نوشته
قبرها و در راه رفتن در میان دو زن و شپش را انداختن و حجامت
در گودی پشت کردن و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که سه چیز است که حافظه را زیاد میکند مسواک کردن
و روزه داشتن و قرآن خواندن و در حدیث معتبر منقولست که

روزی آنحضرت غمگین شدند فرمودند که نمیدانم بچه سبب غمگین
شده‌ام بر عتبه در نشسته‌ام و میان گله گوسفندان نگذشتم
و زیر جامه را ایستاده پوشیده‌ام و دست و رو را بدامن جامه پاک نکرده‌ام
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ده چیز است که اندوه را برطرف
میکند راه رفتن و سوار شدن و سر در آب فرو بردن و بسبزه نظر
کردن و خوردن و آشامیدن و جماع کردن و مسواک کردن و سر شستن
با خطمی و نظر بروی زن مقبول کردن و با مردان سخن گفتن و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که چند چیز است که باعث پریشانی
میشوند و چند چیز است که باعث توانگری میشوند اما آنها که موجب فقر
و پریشانی میشوند تار عنکبوت را در خانه گذاشتن و در حمام بول کردن
و در حال جنابت چیزی خوردن و با چوب گز خلال کردن و ایستاده
شانه کردن و خاکروبه را در خانه گذاشتن و قسم دروغ خوردن
و زنا کردن و اظهار حرص کردن و خواب کردن در میان نماز شام
و خفتن و خواب کردن بعد از صبح و پیش از طلوع آفتاب و دروغ بسیار
گفتن و غنا و خوانندگی شنیدن و فقیری که در شب سؤال کند چیزی
ندادن و خرج را زیاده از اندازه کردن و با خویشان بدی کردن و اما
آنها که موجب توانگری و زیادتی مال میشوند نماز پیشین و پسین را و نماز
شام و خفتن را با یکدیگر کردن و بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر تعقیب

خواندن

خواندن و با خویشان نیکی و احسان کردن و ساحت خانه را جاروب
کردن و مال خود را با برادران مؤمن قسمت کردن و بامداد بطلب روزی
رفتن و استغفار بسیار کردن و خیانت در مال مردم نکردن و سخن حق
و راست گفتن و آنچه مؤذن در اذان گوید از پی او گفتن و در بیت الخلاء
سخن نگفتن و حرص در طلب دنیا نداشتن و شکر کسی که نعمتی با ینکس داشته
باشد کردن و از قسم دروغ اجتناب کردن و پیش از طعام دست شستن
و ریزها که از سفره ریزد خوردن و هر که هر روز سی مرتبه سبحان الله
بگوید حق تعالی هفتاد نوع بلا را از او دور گرداند که کمتر آنها پریشانی باشد
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در مدح اهل
بیت صلوات الله علیهم یک بیت شعر بگوید حق تعالی برای او خانه در
بهشت بنا کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که در مدح ما بیتی از شعر بگوید
مؤید بروح القدس گردد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا ع
منقولست که هر مؤمنی که یک بیت شعر در مدح اهل بیت بگوید حق تعالی
برای او در بهشت شهری بنا کند بزرگتر از هفت برابر دنیا و چون
در آن شهر در آید هر ملک مقرب و هر پیغمبر مرسل بدیدن او بیاید و در
حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که شکم کسی
پر از چرک و ریم باشد بهتر است از آنکه پر از شعر باشد و در حدیث معتبر
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنچیزی خوردن

در حال جنابت فرمود که مورث پریشانیست و نهی فرمود از کرفتن
ناخن بدندان و از مسواک کردن در حمام و از آب بینی انداختن
در مساجد و از خوردن نیم خورده موش و فرمود که مسجدها را راه
مکنید که از دری آیید و از دری دیگر بدر روید مگر آنکه دو رکعت نماز
بگذارید و نهی کرد از آنکه بول کنند در زیر درخت میوه دار یا در میان
راه و نهی فرمود از آنکه بدست چپ یا پهلو تکیه کرده چیزی بخورند
و نهی فرمود از کچ مالیدن قبرها و نماز کردن در قبرستانها و فرمود
که هر که در فضایی غسل کند باید که عورتش کشوده نشود و نهی
فرمود از آب خوردن از پیش دسته کوزه که در آنجا چرک جمع میشود
و نهی فرمود از بول کردن در آب ایستاده که باعث برطرف شدن عقل
میشود و نهی فرمود از آنکه کسی با یکجای نعل راه رود یا ایستاده نعل
بپوشد و نهی فرمود از آنکه کسی بول کند و فرجش محاذی آفتاب یا ماه
باشد و فرمود که چون داخل بیت الخلا شوید اجتناب کنید از نشستن
رو بقبله و پشت بقبله و نهی فرمود از کریه بلند و نوحه کردن در مصیبت
و نهی فرمود از رفتن زنان از پی جنازها و نهی فرمود از آنکه محو کند
چیزی از قرآن را با آب دهان یا آنکه چیزی از قرآن را با آب دهن بنویسند
و نهی کرد از خواب دروغ بستن و فرمود که هر که چنین کند حق تعالی او را
تکلیف میکند که بر جو کره بزند و نتواند کرد و بآن سبب معذب باشد

ونهی

و نهی فرمود از ساختن صورتها و فرمود که هر که صورتی بسازد
حق تعالی او را در قیامت تکلیف کند که جان در آن صورت بدمد
و نتواند و نهی فرمود از آنکه حیوانی را باتش بسوزانند و نهی فرمود
از دشنام دادن خروس زیرا که از برای نماز بیدار میکند و نهی فرمود
از آنکه مومنی خواهد چیزی بفروشد یا بخرد دیگری بیاید و بگوید
من متاع بهتر دارم از من بخر یا این متاع را بیشتر میخرم و نهی فرمود
از بسیار سخن گفتن در وقت جماع و فرمود که از این میباشد لال
بودن فرزند و فرمود که خاکروبه را شب در خانه مگذارید و روز
بیرون برید که شیطان در آن جا میکند و نهی فرمود از آنکه در شب
کسی بخوابد با دست آلوده بطعام پس اگر چنین کند و شیطان او را
دیوانه کند ملامت نکند مگر خود را و نهی فرمود از آنکه کسی استنجا کند
با سرگین و استخوان و نهی فرمود از آنکه زن بی رخصت شوهر از خانه
بیرون رود پس اگر برود لعنت کنند او را ملائکه آسمانها و هر که بر او
بگذرد از جنیان و آدمیان تا بخانه برگردد و نهی نمود از آنکه زن برای
غیر شوهر خود زینت کند پس اگر بکند بر خدا لازم است که او را باتش
بسوزاند و نهی نمود از آنکه زن نزد غیر شوهر و محرمان خود زیاده از
پنج کلمه ضروری سخن بگوید و نهی فرمود از آنکه زنی در پهلوی زن دیگر
بخوابد و جامه در میان ایشان حایل نباشد و نهی نمود از آنکه زنی با زن دیگر

بخوابد وجامه در میان ایشان حایل نباشد ونهی نمود از انکه زنی با زن
دیگر نقل کند انچه در خلوت میان او وشوهرش گذشته است ونهی نمود
از انکه کسی با زن خود رو بقبله جماع کند ونهی کرد از انکه در میان راه
با زن خود جماع کند پس اگر چنین کند خدا وملایکه وهمه مردمان اورا
لعنت کنند ونهی کرد از انکه بروند بنزد جماعتی که خبرها از آینده میدهند
مانند منجمان وکاهنان ورمالان وصوفیان کذاب وهرکه بنزد ایشان
رود وتصدیق کند ایشانرا پس او بیزار شده است از چیزهایی که بر حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه وآله نازل شده است ونهی فرمود از بازی کردن
بنرد وشطرنج وطبل وتنبک وطنبور وعود ونهی فرمود از غیبت
کردن وگوش دادن بان واز سخن چینی وگوش دادن بان وفرمود که
سخن چین داخل بهشت نمیشود ونهی نمود از رفتن بضیافت فاسقان
ونهی فرمود از قسم دروغ وفرمود که اهل خانهارا از خانها بدر می اندازد
وفرمود که هرکه قسم دروغ بخورد برای انکه مال مسلمانی ببرد در قیامت خدا
با او در غضب باشد مگر انکه توبه کند ومال آنشخص را پس دهد ونهی فرمود
از نشستن بر سر خوانی که در آن شراب خورند ونهی فرمود از انکه کسی زن
خود را بحمام فرستد یعنی در بلادی که احتیاج بحمام نباشد ونهی فرمود
از داخل شدن حمام بی لنگ ونهی فرمود از طپانچه بر روی زدن
در وقت مصیبت ونهی فرمود از سخن گفتنی که آدمی را از یاد خدا غافل کند

ونهی فرمود از آشامیدن در ظرف طلا ونقره ونهی فرمود از پوشیدن
حریر ودیبا وبجینه هم وانرا اناثرا باکی نیست ونهی نمود از فروختن
خرما در درخت پیش از انکه سرخ یا زرد شود ونهی فرمود از انکه رطب را
در درخت بخرما بفروشد وانگور را در درخت بمویز بفروشد ونهی فرمود
از فروختن آلت نرد وشطرنج ونهی فرمود از خریدن وخورانیدن شراب
وفرمود که حق تعالی لعنت کرده است شراب را وآنرا که درخت انگور را بقصد
شراب بکارد وانکه انگور را برای شراب بیفشارد وانکه بخورد وانکه ساقی
میشود وانکه بفروشد وانکه بخرد وانکه قیمتش را بخورد وانکه بر میدارد
وانکه از برای او میبرند همه ملعونند وفرمود که هرکه شراب بخورد تا چهل روز
نمازش مقبول نیست واگر بمیرد ودر شکمش چیزی از شراب باشد بر خدا
لازم است که بخوراند باو از انچه از فرج زناکاران از چرک وریم بیرون
آمده وسالها در دیگهای جهنم جوشیده است پس چون بخورند بگدازند احشا
وامعا وپوست ایشانرا ونهی فرمود از خوردن سود وشهادت ناحق
واز نوشتن کاغذ سود ولعنت کرده است خدا گیرنده سود ودهنده سود
ونویسنده سود ودو گواه سود را ونهی فرمود از مصافحه کردن با کافران
اهل ذمه ونهی کرد از خواندن شعر در مسجد وبرای گمشده فریاد کردن
در مسجد ونهی فرمود از انکه در مسجد شمشیر برهنه کنند واز انکه چیزی بر روی
جانوران بزنند ونهی نمود از انکه کسی بعورت مسلمانی نظر کند وفرمود که

که هر که دانسته بر عورت مسلمانی نظر کند هفتاد هزار ملک او را لعنت کنند
و نهی فرمود از آنکه زن بعورت زن نظر کند و نهی فرمود از آنکه بنشیند در طعام
یا آب یا موضع بجود و نهی نمود از نماز کردن در قبرستان و در میان راه
و در آسیاها و در دودخانها و در جاها که شتران را بندند و بر بام کعبه معظمه
و نهی فرمود از کشتن مگس عسل و از داغ کردن بر روی چهارپایان و نهی
نمود از آنکه کسی بغیر خدا قسم بخورد و فرمود که هر که بغیر خدا قسم خورد از رحمت
خدا بری شده است و نهی فرمود از قسم یاد کردن بسورهٔ قرآن و فرمود
که هر که بسورهٔ از قرآن قسم یاد کند بهر آیت کفاره لازم است خواه راست
قسم خورده باشد و خواه دروغ و علما حمل بر استحباب کرده اند کفاره را
و نهی فرمود از آنکه کسی قسم خورد بجان تو و بجان فلانی و نهی فرمود از
آنکه کسی جنب در مسجد بنشیند و نهی فرمود از برهنه شدن در شب
و روز و نهی فرمود از حجامت کردن در روز چهارشنبه و روز جمعه
و نهی نمود از سخن گفتن در روز جمعه در هنگامی که پیشنماز خطبه خواند
پس اگر چنین کند او را ثواب جمعه کامل نیست و نهی فرمود از انگشتری
برنج و آهن در انگشت کردن و نهی فرمود از آنکه صورت حیوانی در نگین
نقش کند و نهی نمود از نماز نافله کردن تا بیرون آمدن و وقت فرو رفتن
آفتاب و در نزدیک زوال و نهی فرمود از روزه گرفتن در عید رمضان
و عید قربان و سه روز بعد از عید قربان در منی و یوم الشک بقصد

ماه رمضان

ماه رمضان و نهی فرمود از آنکه بروش چهارپایان دهن بر آب گذارند
و بیاشامند و فرمود که با دستهای خود بردارید و بیاشامید که بهترین
ظرفهای شماست و نهی نمود از آب دهان انداختن در چاهی که از آن آب
خورند و نهی فرمود از آنکه مزدوری را کار فرمایند پیش از آنکه مزدش را قرار کنند
و نهی فرمود از آنکه دو کس از یکدیگر بازرده گی دوری کنند و اگر ناچار باشد
زیاده از سه روز نکشد که هر که چنین کند آتش جهنم باو اولیست و نهی
فرمود از آنکه طلا را بطلا و نقره را بنقره بفروشند با زیادتی بلکه میباید برابر
یکدیگر بفروشند و نهی فرمود از مدح کردن مردم در برابر ایشان و فرمود که
خاک بپاشید بر روی مدح کنندگان و فرمود که هر که مزد یک مزدور را ظلم
کند و باو ندهد حق تعالی ثواب اعمالش را حبط کند و بوی بهشت را بر او حرام
گرداند و فرمود که هر که قرآن را یاد گیرد و از روی بی اعتنائی فراموش کند
در قیامت دستهایش در گردنش بسته باشد و حق تعالی بهر آیه ماری بر او
مسلط گرداند مگر آنکه خدا او را بیامرزد و فرمود که هر که قرآن را بیاموزد
پس بعد از آن حرامی بخورد یا محبت دنیا و زینت دنیا را بر عمل کردن بقرآن
اختیار کند مستوجب غضب الهی گردد مگر آنکه توبه کند و اگر بی توبه بمیرد قرآن
با او خصمی کند و هر که زنا کند با زن مسلمانی یا زن ترسایی یا جهودی یا گبری
خواه آزاد باشد آن زن و خواه بنده و بی توبه بمیرد حق تعالی در قبرش
سیصد در از جهنم بگشاید که از آنها مار و عقرب و اژدها از جهنم بقبرش درآیند

واو در آتش سوزد تا روز قیامت پس چون از قبر مبعوث شود مردم از کنند
او متاذی باشد و هر کس او را باین عمل قبیح بشناسد تا بجهنم رود و فرمود که
هر که در خانهٔ مؤمنی نظر کند که بر امر مستور او مطلع شود خدا او را محشور
کرداند با منافقان که عیبهای مسلمانان تفحص میکردند و از دنیا بیرون نرود
تا خدا او را رسوا کند مگر انکه توبه کند و فرمود که هر که راضی نباشد
بانچه خدا روزی او کردانیده است و شکایت کند و از برای خدا صبر بر تنگی
روزی نکند هیچ حسنه از او بالا نرود و در قیامت خدا از او در خشم باشد مگر
انکه توبه کند و فرمود که هر که ظلم کند بر زنی که مهر او را ندهد تر و خدا ان نکاح
و حق تعالی در قیامت باو عتاب بفرماید که من کنیز خود را بعقد تو در اوردم
بر مهری و پیمانی تو وفا به پیمان من نکردی و بر کنیز من ستم کردی پس از حسنات
او بگیرند و در عوض مهر بان زن بدهند و اگر حسناتش تمام شود او را
امر کنند که بجهنم برند و نهی نمود از پوشانیدن گواهی و فرمود که هر که گواهی
نزد او باشد و بپوشاند حق تعالی در قیامت در حضور خلایق گوشت
بدن او را بخورد او دهد و فرمود که پیوسته جبرئیل مرا وصیت میکرد
در باب غلامان و کنیزان که من گمان کردم که حدی مقرر خواهد کرد که چون
انقدر خدمت کنند ازاد شوند و وصیت میکرد مرا بمسواک کردن که
گمان کردم که واجب خواهد کرد و وصیت میکرد مرا بنماز شب تا انکه گمان
کردم که نیکان امت من در اصل در شب نخواهند خوابید و فرمود که

بیدد

سبا شمارد مسلمان فقیر را حق خدا را سبک شمرده است و حق تعالی او را در
قیامت سبک شمارد مگر انکه توبه کند و هر که مسلمانی چیزی را که امید دارد
در قیامت خدا از او راضی و خشنود باشد و هر که کناهی و خواهش حرامی
او را پیش آید و از ترس خدا او را ترک نماید حق تعالی جهنم را بر او حرام
کرداند و او را در ترس بزرگ روز قیامت ایمن کرداند و در بهشت که در
قرآن او را وعده فرموده باو عطا فرماید و هر که در میان دنیا و اخرت مردد
شود پس دنیا را بر آخرت اختیار کند در قیامت او را حسنه باشد که بسبب آن
از جهنم نجات یابد و هر که آخرت را اختیار کند بر دنیا خدا از او خوشنود کردد
و کناهانش را بیامرزد و هر که چشم را پر کند از نظر کردن بسوی کسی که بر او حرام
باشد دیدن او حق تعالی دیدهٔ او را در قیامت از آتش پر کند مگر انکه توبه کند
و هر که مصافحه کند با زنی که بر او حرام باشد خدا از او خشمناک گردد و هر که
زنی را بحرام در بر گیرد او را با شیطان در یک زنجیر آتش بکشند و هر دو را بجهنم
اندازند و هر که فریب دهد مسلمانی را در خرید و فروش از ما نیست و در قیامت
با یهودان محشور شود و فرمود که هر زنی که شوهر خود را بزبان آزار دهد
حق تعالی هیچ حسنهٔ او را قبول نفرماید تا او را از خود راضی کرداند هر چند
روزها بروزه باشد و شبها بنماز بایستد و بندها آزاد کند و مردان را بر اسبان
سوار کرده بجهاد فرستد و همچنین است حال مرد اگر بر زن خود ستم کند و هر که
خشمی از کسی فرو خورد که تواند از او انتقام بکشد حق تعالی باو ثواب شهیدی

کرامت فرماید و نهی فرمود از خیانت کردن در اموال مردم و فرمود که هر که خیانت کند
امانتی را در دنیا و باهلش پس ندهد تا مرگ او در آید بر غیر ملت من مرده باشد
و حق تعالی در قیامت از او در خشم باشد و هر که شهادت ناحق بر احدی از مردم بدهد
حق تعالی او را بر زبانش درآویزد در درک اسفل جهنم با منافقان و هر که مال خیانتی
بخرد دانسته چنانست که خود خیانت کرده باشد و هر که حق برادر مؤمن را حبس کند
حق تعالی برکت روزی را بر او حرام کرداند مگر آنکه توبه کند و هر که گناهی از کسی بشنود
و آنرا فاش کند چنانست که خود کرده باشد و هر که برادر مسلمانش محتاج شود
در قرضی و قادر باشد و ندهد حق تعالی بوی بهشت را بر او حرام کرداند و هر که
صبر کند از برای خدا بر بدخلقی زن خود حق تعالی ثواب شکر کنندگان او را کرامت فرماید
و هر زنی که سازگاری و مدارا با شوهر خود نکند و او را بدارد بر چیزی چند که
بر آنها قادر نباشد حق تعالی هیچ حسنه او را قبول نفرماید و در قیامت از او در خشم باشد
و هر که گرامی دارد برادر مسلمان خود را چنانست که خدا را گرامی داشته و نهی
فرمود از آنکه پیشنمازی گروهی کند که ایشان با او راضی نباشند و هر که پیشنمازی
گروهی برضای ایشان بکند و در وقت نماز حاضر شود و نماز را نیکو بجا آورد
مثل ثواب همه آن گروه داشته باشد بی آنکه از ثواب آنها کم شود و هر که برود بنزد
یکی از خویشان خود بدیدن او یا برای آنکه مالی از برای او ببرد حق تعالی ثواب صد شهید
او را کرامت فرماید و بهر گامی چهل هزار حسنه برای او نوشته شود و چهل هزار گناه
از او محو شود و چهل هزار درجه برای او بلند شود و چنان باشد که صد سال برای خدا

عبادت کرده باشد و هر که از برای کوری حاجتی از حوایج دنیای او را برآورد و از
برای او در آن حاجت راه رود تا آن حاجت برآورده شود حق تعالی بیزاری از نفاق
و بیزاری از آتش جهنم باو عطا فرماید و هفتاد حاجت از حاجات دنیای او را برآورد
و پیوسته در رحمت الهی باشد تا برگردد و هر که یک شب و یک روز بیماری بکشد تا بعیادت
کنندگان خود شکایت نکند حق تعالی او را با حضرت ابراهیم خلیل مبعوث کرداند
تا آنکه بر صراط بگذرد مانند برق لامع و هر که سعی نماید از برای بیماری در حاجتی خواه
برآورده شود خواه برآورده نشود از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد
شده بود پس شخصی از انصار عرض کرد که اگر آن بیمار از اهل خانه او باشد آیا ثواب
بیشتر هست فرمود که بلی و فرمود که هر که از مؤمنی شدتی و غمی از غمهای دنیا بر دارد
حق تعالی هفتاد و دو غم از غمهای آخرت را از او بر دارد و هفتاد و دو بلا از بلاهای
دنیا را از او دفع کند که آسانتر آنها درد شکم باشد و فرمود که هر که شخصی از او حقی طلبد
و قادر بر ادای آن باشد و تاخیر کند هر روز گناه عشاری برای او نوشته شود
و هر که احسانی به برادر مؤمن خود بکند و بر او منت گذارد حق تعالی عملش را حبط کند
و او را ثواب ندهد و حق تعالی می فرماید که من بهشت را حرام کرده ام بر منت نهنده
و بر بخیل و بر سخن چین و هر که تصدقی بکند بوزن هر درهمی برای او مثل کوه احد باشد
از نعیم بهشت و هر که تصدق را ببرد برای محتاجی مثل ثواب آنکس داشته که آن تصدق را
داده است بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و هر که از ترس خدا آب از دیدهای او جاری
شود بهر قطره که از دیده او بیرون آید حق تعالی قصری در بهشت باو عطا فرماید که

مؤمن باشد بمیرد و آید در قیامت چهره او چون ماه باشد در آن قصر باشد آن بهشتی که نیز باشد
و گوشه نشیند و بر خاطر او خطوری نکرده باشد و هر که بسوی مسجد رود برای
نماز جماعت بهر گامی که بر دارد هفتاد هزار حسنه برای او نوشته شود و هفتاد هزار
درجه برای او بلند شود و اگر با این حال بمیرد حق تعالی هفتاد هزار ملک
با او موکل گرداند که در قبر او را عیادت کنند و مونس او باشند در تنهایی و از برای او
طلب آمرزش کنند تا مبعوث شود و هر که اذان بگوید از برای خدا حق تعالی با او ثواب
چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق کرامت فرماید و بشفاعت او چهل هزار گناهکار
داخل بهشت شوند و بدرستی که چون مؤذن أشهد أن لا إله إلا الله میگوید برای او
هفتاد هزار ملک صلوات میفرستند و از برای او استغفار میکنند و در روز
قیامت در سایه عرش الهی باشد تا حق تعالی از حساب خلایق فارغ شود و ثواب
گفتن او أشهد أن محمدا رسول الله چهل هزار ملک باشد و اگر در نماز جماعت محافظت
نماید بر صف اول و تکبیر اول و آزار مسلمانی نکند حق تعالی مثل ثواب مؤذنان در دنیا
و آخرت او را کرامت فرماید و فرمود که هیچ چیز را حقیر مشمارید هر چند در نظر شما کوچک نماید
و هیچ کار نیکی را بزرگ مشمارید هر چند در نظر شما بزرگ نماید بدرستی که گناه کبیره نمیماند
با استغفار و گناه صغیره نمیباشد با اصرار یعنی چون بر گناه صغیره اصرار کردی
و توبه نکردی کبیره میشود و در حدیث دیگر منقول است که نهی فرمود از کشتن مارها که
در خانه میباشند و نهی فرمود از آنکه کسی گوش دهد بحرف جماعتی که نخواهند که او
ایشان را بشنود و اگر چنین کند در قیامت در گوش او سرب بگدازند و نهی فرمود

ازخفیدن

از خفتن در قبرستانها و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که سه کس
که حق تعالی در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان نمی افکند و اعمال ایشان را قبول نمیفرماید
و بعذاب دردناک ایشان را معذب میگرداند هر مردی که دیوث باشد و کسی که فحش گوید و
بی پروا نکند و کسی که چیزی داشته باشد و از مردم سؤال کند و از حضرت رسول
منقول است که بهشت حرام است بر فحش گوینده کم حیائی که پروا نکند از آنچه خود گوید
و از آنچه باو گویند چنین کسی را اگر تفتیش کنی از احوال او یا ولد الزنا است یا شیطان
در نطفه او شریک شده است و در حدیث معتبر دیگر فرمود که بوی بهشت از
پانصد ساله راه میرسد و عاق پدر و مادر و دیوث آن را نمیشنود پرسیدند که دیوث
کیست فرمود که کسی که زن او زنا کند و او داند و تغافل کند و در حدیث معتبر از
حضرت صادق ع منقول است که زنانی که با یکدیگر مساحقه میکنند در قیامت ایشان را
می آورند و جامها از آتش و مقنعهای آتش و نیز جامها از آتش برایشان پوشانیده شود
و عمودی از آتش در شکم ایشان میکنند و در جهنم می اندازند ایشان را اول کسی که این عمل
کرد قوم لوط بودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که کافرند
بخدای عظیم ده کس از امت من کشنده مردم بناحق و جادوگر و دیوث و کسی که
در دبر زن حرام جماع کند و کسی که با حیوان جماع کند و کسی که با محرمان خود مثل
مادر و خواهر جماع کند و کسی که سعی در فتنه و فساد کند و کسی که حربه بکافر
بفروشد و کسی که زکوة مال خود ندهد و کسی که توانائی رفتن حج داشته باشد
و بر او واجب باشد و نرود و از حضرت امام موسی ع منقول است که هر که مست شود

از شراب بعد از آن تا چهل روز بمیرد نزد خدا مانند بت پرست باشد و در حدیث دیگر
منقولست که هر که در خانه او طنبور یا عود یا چیز دیگر از آلتهای ساز باشد یا نرد و شطرنج
چهل روز نماز مستوجب غضب الهی گردد و اگر در این چهل روز بمیرد فاجر و فاسق مرده باشد
و جای او جهنم باشد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که کبوتر در
خانه کسی که میکند نفرین میکند بر آنها که سازها میزنند و کنیزان خواننده نگاه میدارند
و نی و عود مینوازند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که چهل روز
در خانه او طنبور بنوازند حق تعالی بر او مسلط گرداند شیطانی را که او را قفندر میگویند
پس هیچ عضو از اعضای او نماند مگر آنکه آن شیطان بر آن بنشیند پس چون چنین
شود حیا از او برطرف شود و پروا نکند از آنچه گوید یا شنود و غیرت از او زایل شود
تا آنکه اگر داند که با زنانش زنا میکنند غیرت نورزد و از حضرت صادق ع پرسیدند
از تفسیر این آیه کریمه فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ گفت
ترجمه لفظش اینست که اجتناب کنید از نجس و پلید که آن بتهاست و اجتناب کنید از گفتار
باطل و دروغ که از بتها شطرنج است و از گفتار باطل غنا و خوانندگی است و نرد بدتر از
شطرنج است و اما شطرنج پس نگاه داشتن آن کفر است و بازی کردن با آن شرک
و یاد دادن آن بکسی گناه کبیره هلاک کننده است و سلام کردن بر کسی که بازی کند بآن
گناهست و کسی که دست در میان آن کند چنانست که دست در میان گوشت خوک کرده باشد
و کسی که نظر بسوی او کند چنانست که بفرج مادر خود نظر کند و کسی که نرد بازی کند بقمار
مثل کسیست که گوشت خوک خورد و کسی که بی قمار و گرو بنردی بازی کند چنانست که دست

درمیان

درمیان گوشت و خون خوک گذاشته باشد و جایز نیست انگشتر بازی و تخته گردو و نرد
و بازیهائی که اطفال میچینند و بازی میکنند و اینها و اشباه اینها تمام قمار است حتی بازی کردن
بگردکان و تخم مرغ که شیطان با تو میدود و ملائکه از تو میگریزند و از حضرت
امام رضا ع منقولست که هر که با پسری لواطه کند حدش آنست که یا او را با آتش بسوزانند
یا دیواری بر سرش بکشند یا شمشیری بر او بزنند که کشته شود و خواهر و مادر آن پسر بر آن
مرد حرام میشوند و در قیامت او را بحلق بکشند در کنار جهنم تا حق تعالی از حساب خلایق
فارغ شود پس او را در آتش اندازد پس در هر طبقه از طبقات جهنم او را عذاب کنند
تا بآخر طبقات جهنم برسد و لواطه بدتر از زناست زیرا که حق تعالی امتی را بزنا
هلاک نکرد و بلواط شهری چند را هلاک کرد و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که لواطه آنست که در غیر دبر بازی عملی بکنند اما اگر در دبر فرو برد پس آن
کفر است بخدا و از حضرت رسول صلی الله ع منقولست که هر که مصر باشد بر وطی در دبر
پسران نمیرد تا آنکه مبتلا شود بآنکه مردم را تکلیف کند که با او این عمل قبیح بکنند و از
حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حق تعالی میفرماید که بعزت و جلال خود
سوگند میخورم که بر استبرق و حریر بهشت ننشیند کسی که در دبر او وطی کنند
و در حدیث موثق منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع آمد
و گفت مرا موعظه بکن فرمود که اگر حق تعالی متکفل روزی مردم شده است پس
غم خوردن تو برای چیست و اگر روزی از جانب خدا قسمت شده است پس حرص از برای
چیست و اگر حساب قیامت حق است پس جمع کردن مال از برای چیست و اگر ...

راه خدا میدهی خدا عوض میدهد پس بخل ورزیدن برای چیست و اگر
عقوبت خدا آتش جهنم است پس نافرمانی خدا برای چیست و اگر مرگ حقست
پس شادی برای چیست و اگر همه چیز بر خدا عرض میشود پس مکر برای چیست
و اگر شیطان دشمن تست پس غافل شدن از آن برای چیست و اگر همه کس را
بر صراط میباید گذشت پس عجب و خودستایی برای چیست و اگر همه چیز بقضا
و قدر الهیست پس اندوه برای چیست و اگر دنیا فانیست پس دل بدنیا بستن
برای چیست و در حدیث معتبر از حضرت رسالت پناه منقولست که
عابدترین مردم کسیست که آنچه خدا بر او واجب کرده است بجا آورد و سخی ترین
مردم کسیست که زکوة مال خود را بدهد و زاهدترین مردم کسیست که
آنچه خدا حرام کرده است ترک نماید و پرهیزکارترین مردم کسیست که در
همه جا حق بگوید خواه برای او نفع داشته باشد و خواه ضرر داشته باشد
و عادلترین مردم کسیست که از برای مردم بپسندد آنچه از برای خود می پسندد
و از برای خود نخواهد آنچه از برای مردم نخواهد و زیرکترین مردم کسیست
که یاد مرگ بیشتر کند و محسودترین مردم کسیست که بزیر خاک رفته باشد
و از عقاب الهی ایمن شده باشد و امید ثواب خدا داشته باشد و غافل ترین
مردم کسیست که از گردیدنهای دنیا از حالی بحالی پند نگیرد و صاحب قدرترین
مردم در دنیا کسیست که دنیا را نزد او قدری نباشد و داناترین مردم کسیست
که علم مردم را با علم خود جمع کند و شجاع ترین مردم کسیست که بر خواهشهای

نفس خود

نفس خود غالب شود و گران بهاترین مردم کسیست که علمش فراوانتر باشد
و کم بهاترین مردم کسیست که علمش کمتر باشد و کم لذت ترین مردم کسیست که
رشک مردم برد و کم راحت ترین مردم بخیلست و بخیل ترین مردم کسیست که
بخل ورزد در چیزی که خدا بر او واجب گردانیده است و اولی مردم
بحق کسیست که علم بحق بیشتر کند و بیحرمت ترین مردم فاسق است و بیوفاترین
مردم پادشاهست و کم دوست ترین مردم پادشاهست و فقیرترین مردم
صاحب طمع است و بی نیازترین مردم کسیست که اسیر حرص نباشد و کسی
ایمانش بهتر است که خلقش نیکوتر باشد و گرامی ترین مردم پرهیزکارترین
ایشانست و کسی قدرش عظیم تر است که چیزهایی که فایده باو نداشته
باشد متعرض نشود و پرهیزکارترین مردم کسیست که مجادله و مناظره
نکند هرچند حق با او باشد و کم مروت ترین مردم دروغگوست
و شقی ترین مردم پادشاهانند و دشمن ترین مردم نزد خدا و خلق متکبرانند
و کسی که در طاعت الهی سعی بیشتر کرده است که ترک گناهان کرده باشد
و داناترین مردم کسیست که با نیکان خلطه نماید و عاقل ترین مردم کسیست
که با مردم مدارا بیشتر کند و سزاوارترین مردم بتهمت کسیست که با اهل تهمت
همنشینی کند و طاغی ترین مردم کسیست که بکشد کسی را که قصد کشتن او ندارد
و بزند کسی را که او را نزند و سزاوارترین مردم بعفو کردن کسیست که قدرت
بر عقوبت بیشتر داشته باشد و سزاوارترین مردم بگناه کاری کسی است

که در حضور مردم سفاهت کند و در غایبانه غیبت کند و ذلیل ترین
مردم کیست که مردم را خوار کند و بد اندیش ترین مردم کیست که خشم
خود را بیشتر فرو خورد و شایسته ترین مردم کیست که برای مردم شایسته
باشد و بهترین مردم کیست که مردم از او منتفع شوند باتمام رسانیدم
این رساله را در پنجم ماه رجب سنه هزار و هفتاد و نه از هجرت
مقدسه نبوی و شکر میکنیم پروردگار خود را
و درود میفرستیم بر خاتم انبیا محمد مصطفی
و آل کرام آنحضرت و کتبه الفقیر
مؤلفه محمد باقر بن محمد تقی
عفی عنهما

تاریخ رحلت شیخ محمود سلطانی روز
دوشنبه ۱۵ محرم بوده